



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

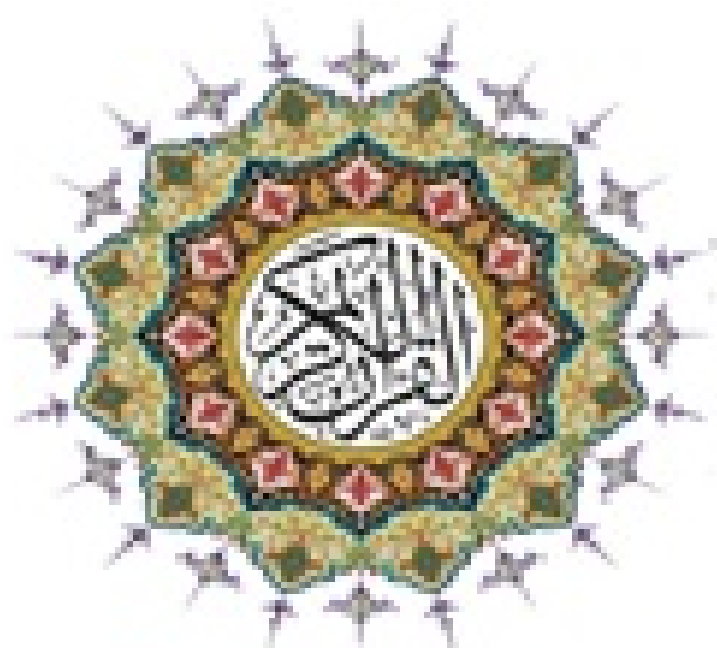
گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۴۶

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 46

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۵۳	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۴۶
۵۳	مشخصات کتاب
۵۳	۱- خمر
۵۳	۱- آثار خمر
۵۵	۲- اجتناب از خمر
۵۵	۳- احکام خمر
۵۷	۴- پرسش از خمر
۵۷	۵- پلیدی خمر
۵۹	۶- تاریخ تهیه خمر
۵۹	۷- تاریخ شرب خمر
۵۹	۸- تحریم خمر
۵۹	۹- ترک خمر
۶۱	۱۰- تشریح حرمت خمر
۶۱	۱۱- تهیه خمر از انگور
۶۱	۱۲- تهیه خمر از خرما
۶۱	۱۳- حرمت خمر
۶۳	۱۴- خمر در صدر اسلام
۶۴	۱۵- خمر قبل از تحریم
۶۵	۱۶- زیان خمر
۶۵	۱۷- شرب خمر حاکمان مصر باستان
۶۵	۱۸- شرب خمر در صدر اسلام
۶۷	۱۹- شرب خمر در مسلمانان
۶۷	۲۰- ضرر خمر

۶۹	۲۱- فلسفه تحریم خمر
۶۹	۲۲- فلسفه حرمت خمر
۶۹	۲۳- فواید خمر
۷۱	۲۴- گناه خمر
۷۱	۲۵- گناه شرب خمر
۷۳	۲۶- مفاسد خمر
۷۳	۲۷- موارد خمر
۷۳	۲۸- ناپسندی شرب خمر
۷۵	۲- خمس
۷۵	۱- اجتناب از ادای خمس
۷۵	۲- احکام خمس
۷۶	۳- ادای خمس
۷۶	۴- اهمیت خمس
۷۸	۵- خمس غنایم
۷۸	۶- شرایط استفاده از خمس
۷۸	۷- فلسفه خمس
۸۰	۸- مالک خمس
۸۰	۹- مسلمانان و خمس
۸۰	۱۰- مصارف خمس
۸۳	۳- خنده
۸۳	۱- اهمیت خنده
۸۳	۲- خنده در قیامت
۸۳	۳- خنده رویان در قیامت
۸۴	۴- خنده منافقان
۸۴	۵- خنده ناپسند
۸۴	۶- روش خنده انبیا

۸۴	۷- سرور اخروی خنده رویان
۸۶	۸- عوامل خنده رویی در قیامت
۸۶	۹- منشأ خنده
۸۶	۱۰- نشاط اخروی خنده رویان
۸۸	۱۱- خنده رویان در قیامت
۸۸	۱۲- سرور اخروی خنده رویان
۸۸	۱۳- نشاط اخروی خنده رویان
۸۹	۴- خواب
۸۹	۱- آثار خواب
۹۰	۲- ابرار و خواب
۹۰	۳- اختلاف در مدت خواب اصحاب کهف
۹۰	۴- الهام در خواب
۹۲	۵- بیداری از خواب
۹۲	۶- تحولات جامعه هنگام خواب اصحاب کهف
۹۲	۷- ترک خواب
۹۳	۸- تشبیه به خواب
۹۴	۹- تشبیه خواب
۹۵	۱۰- تعقل درباره خواب
۹۶	۱۱- توقی در خواب
۹۶	۱۲- حس شنوایی و خواب
۹۶	۱۳- حقیقت خواب
۹۸	۱۴- خدا و خواب
۹۹	۱۵- خواب از آیات خدا
۱۰۰	۱۶- خواب اصحاب الجنه
۱۰۰	۱۷- خواب اصحاب کهف
۱۰۲	۱۸- خواب انسان

- ۱۹- خواب در روز ..... ۱۰۳
- ۲۰- خواب در شب ..... ۱۰۴
- ۲۱- خواب مجاهدان غزوه بدر ..... ۱۰۶
- ۲۲- شگفتی خواب اصحاب کهف ..... ۱۰۶
- ۲۳- عذاب در خواب ..... ۱۰۶
- ۲۴- فواید خواب ..... ۱۰۸
- ۲۵- مدت خواب اصحاب کهف ..... ۱۰۸
- ۲۶- مکان خواب اصحاب کهف ..... ۱۱۲
- ۲۷- منشأ خواب ..... ۱۱۴
- ۲۸- منشأ خواب اصحاب کهف ..... ۱۱۴
- ۲۹- نعمت خواب ..... ۱۱۵
- ۳۰- نقش خواب ..... ۱۱۶
- ۳۱- وقت خواب ..... ۱۱۸
- ۳۲- وقت خواب محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۱۱۹
- ۳۳- ویژگیهای خواب اصحاب کهف ..... ۱۲۰
- ۵- خواسته ..... ۱۲۲
- ۱- آثار اجابت خواسته های کافران مکه ..... ۱۲۲
- ۲- آثار رد خواسته های یتیم ..... ۱۲۲
- ۳- اجابت خواسته های انسان ..... ۱۲۳
- ۴- اجابت خواسته های بهشتیان ..... ۱۲۳
- ۵- اجابت خواسته های کافران مکه ..... ۱۲۵
- ۶- اجابت خواسته های متقین ..... ۱۲۵
- ۷- ارزش خواسته های مادی ..... ۱۲۵
- ۸- ارزش خواسته های معنوی ..... ۱۲۶
- ۹- اهمیت رد خواسته های کافران ..... ۱۲۷
- ۱۰- پادشاه مصر و خواسته های یوسف(ع) ..... ۱۲۷



- ۱۱- تأخیر در قبول خواسته یوسف(ع) ----- ۱۲۷
- ۱۲- تأمین خواسته ها در بهشت ----- ۱۲۸
- ۱۳- تأمین خواسته ها در قیامت ----- ۱۲۹
- ۱۴- تأمین خواسته های اخروی متقین ----- ۱۳۱
- ۱۵- تأمین خواسته های انبیا ----- ۱۳۱
- ۱۶- تأمین خواسته های بهشتیان ----- ۱۳۱
- ۱۷- تأمین خواسته های پیروان انبیا ----- ۱۳۳
- ۱۸- تأمین خواسته های صالحان ----- ۱۳۳
- ۱۹- تأمین خواسته های متقین ----- ۱۳۴
- ۲۰- تأمین خواسته های محسنان ----- ۱۳۵
- ۲۱- تأمین خواسته های مؤمنان ----- ۱۳۷
- ۲۲- تذکر اجابت خواسته ها در بهشت ----- ۱۳۷
- ۲۳- خواسته بیجا ----- ۱۳۹
- ۲۴- خواسته پسندیده ----- ۱۳۹
- ۲۵- خواسته حواریون ----- ۱۳۹
- ۲۶- خواسته شیطان ----- ۱۴۳
- ۲۷- خواسته عاقلان ----- ۱۴۳
- ۲۸- خواسته علمای یهود ----- ۱۴۳
- ۲۹- خواسته عیسی(ع) ----- ۱۴۳
- ۳۰- خواسته قابیل ----- ۱۴۵
- ۳۱- خواسته کافران کافران مکه ----- ۱۴۵
- ۳۲- خواسته مردم ----- ۱۴۷
- ۳۳- خواسته مسلمانان ----- ۱۴۷
- ۳۴- خواسته مسلمانان صدر اسلام ----- ۱۴۷
- ۳۵- خواسته مؤمنان ----- ۱۴۹
- ۳۶- خواسته های آدم(ع) ----- ۱۴۹

- ۳۷- خواسته های آسیه ..... ۱۴۹
- ۳۸- خواسته های ابراهیم(ع) ..... ۱۵۱
- ۳۹- خواسته های ابلیس ..... ۱۵۵
- ۴۰- خواسته های اخروی کافران ..... ۱۵۵
- ۴۱- خواسته های اخروی کافران پیرو ..... ۱۵۷
- ۴۲- خواسته های اخروی گناهکاران ..... ۱۵۷
- ۴۳- خواسته های اخروی متقین ..... ۱۵۷
- ۴۴- خواسته های اخروی مکذبان قیامت ..... ۱۵۹
- ۴۵- خواسته های اخروی مکذبان معاد ..... ۱۵۹
- ۴۶- خواسته های اخروی مؤمنان ..... ۱۵۹
- ۴۷- خواسته های اسماعیل(ع) ..... ۱۶۱
- ۴۸- خواسته های اشراف قوم نوح ..... ۱۶۲
- ۴۹- خواسته های اصحاب ایکه ..... ۱۶۳
- ۵۰- خواسته های اصحاب کهف ..... ۱۶۳
- ۵۱- خواسته های اقوام پیشین ..... ۱۶۳
- ۵۲- خواسته های امت های پیشین ..... ۱۶۵
- ۵۳- خواسته های انبیا ..... ۱۶۶
- ۵۴- خواسته های انسان ..... ۱۶۷
- ۵۵- خواسته های انسان و اراده خدا ..... ۱۷۰
- ۵۶- خواسته های اهل ایله ..... ۱۷۱
- ۵۷- خواسته های اهل کتاب ..... ۱۷۱
- ۵۸- خواسته های برادران یوسف ..... ۱۷۱
- ۵۹- خواسته های بندگان خدا ..... ۱۷۵
- ۶۰- خواسته های بنی اسرائیل ..... ۱۷۵
- ۶۱- خواسته های بهشتیان ..... ۱۸۲
- ۶۲- خواسته های بیجای مشرکان ..... ۱۸۵

- ۱۸۷ ----- ۶۳- خواسته های بیگانگان
- ۱۸۷ ----- ۶۴- خواسته های پادشاه مصر
- ۱۸۷ ----- ۶۵- خواسته های پیروان طغیانگران
- ۱۸۹ ----- ۶۶- خواسته های جادوگران
- ۱۸۹ ----- ۶۷- خواسته های جادوگران فرعون
- ۱۸۹ ----- ۶۸- خواسته های جاهلان
- ۱۹۱ ----- ۶۹- خواسته های جهنم
- ۱۹۱ ----- ۷۰- خواسته های جهنمیان
- ۱۹۴ ----- ۷۱- خواسته های حوا
- ۱۹۵ ----- ۷۲- خواسته های خدا
- ۱۹۷ ----- ۷۳- خواسته های خضر(ع)
- ۱۹۸ ----- ۷۴- خواسته های داود(ع)
- ۱۹۹ ----- ۷۵- خواسته های دشمنان انبیا
- ۱۹۹ ----- ۷۶- خواسته های دنیاطلبان
- ۱۹۹ ----- ۷۷- خواسته های رهبران ظالم
- ۱۹۹ ----- ۷۸- خواسته های زکریا(ع)
- ۲۰۲ ----- ۷۹- خواسته های زلیخا
- ۲۰۳ ----- ۸۰- خواسته های ساقی پادشاه مصر
- ۲۰۵ ----- ۸۱- خواسته های سلیمان(ع)
- ۲۰۵ ----- ۸۲- خواسته های شعیب(ع)
- ۲۰۷ ----- ۸۳- خواسته های شیطانی
- ۲۰۷ ----- ۸۴- خواسته های صالح(ع)
- ۲۰۹ ----- ۸۵- خواسته های ظالمان
- ۲۰۹ ----- ۸۶- خواسته های عبدالله بن ام مکتوم
- ۲۰۹ ----- ۸۷- خواسته های عزیز مصر
- ۲۱۱ ----- ۸۸- خواسته های فرعون

- ۸۹- خواسته های فرعونیان ..... ۲۱۳
- ۹۰- خواسته های قریش ..... ۲۱۵
- ۹۱- خواسته های قوم ابراهیم ..... ۲۱۶
- ۹۲- خواسته های قوم ثمود ..... ۲۱۷
- ۹۳- خواسته های قوم عاد ..... ۲۱۸
- ۹۴- خواسته های قوم لوط ..... ۲۱۹
- ۹۵- خواسته های قوم نوح ..... ۲۱۹
- ۹۶- خواسته های کارگزاران فرعون ..... ۲۲۱
- ۹۷- خواسته های کارگزاران یوسف(ع) ..... ۲۲۱
- ۹۸- خواسته های کافران ..... ۲۲۳
- ۹۹- خواسته های کافران صدر اسلام ..... ۲۲۹
- ۱۰۰- خواسته های کافران ظالم ..... ۲۳۳
- ۱۰۱- خواسته های کافران قبل از اسلام ..... ۲۳۳
- ۱۰۲- خواسته های کافران قوم ثمود ..... ۲۳۳
- ۱۰۳- خواسته های کافران مدین ..... ۲۳۳
- ۱۰۴- خواسته های کافران مکه ..... ۲۳۵
- ۱۰۵- خواسته های لاوی ..... ۲۳۷
- ۱۰۶- خواسته های لوط(ع) ..... ۲۳۸
- ۱۰۷- خواسته های مادی مشرکان ..... ۲۴۱
- ۱۰۸- خواسته های متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۲۴۱
- ۱۰۹- خواسته های محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۴۱
- ۱۱۰- خواسته های مردم صدر اسلام ..... ۲۴۵
- ۱۱۱- خواسته های مریم(س) ..... ۲۴۵
- ۱۱۲- خواسته های مستکبران ..... ۲۴۵
- ۱۱۳- خواسته های مسلمانان صدر اسلام ..... ۲۴۶
- ۱۱۴- خواسته های مسیحیان ..... ۲۴۹

- ۱۱۵- خواسته های مشرکان ..... ۲۴۹
- ۱۱۶- خواسته های مشرکان مکه ..... ۲۵۹
- ۱۱۷- خواسته های معنوی انسان ..... ۲۶۳
- ۱۱۸- خواسته های مکذبان آیات خدا ..... ۲۶۴
- ۱۱۹- خواسته های مکذبان ربوبیت خدا ..... ۲۶۵
- ۱۲۰- خواسته های مکذبان قرآن ..... ۲۶۵
- ۱۲۱- خواسته های مکذبان قیامت ..... ۲۶۷
- ۱۲۲- خواسته های مکذبان لقاءالله ..... ۲۶۷
- ۱۲۳- خواسته های مکذبان محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۶۹
- ۱۲۴- خواسته های مکذبان معاد ..... ۲۶۹
- ۱۲۵- خواسته های ملانکه ..... ۲۷۱
- ۱۲۶- خواسته های منازعان قصه داود(ع) ..... ۲۷۲
- ۱۲۷- خواسته های موحدان ..... ۲۷۳
- ۱۲۸- خواسته های موسی(ع) ..... ۲۷۵
- ۱۲۹- خواسته های موسی(ع) از فرعون ..... ۲۸۳
- ۱۳۰- خواسته های مؤمنان ..... ۲۸۴
- ۱۳۱- خواسته های نعمان بن حارث ..... ۲۸۵
- ۱۳۲- خواسته های نوح(ع) ..... ۲۸۵
- ۱۳۳- خواسته های هارون(ع) ..... ۲۸۵
- ۱۳۴- خواسته های همبندان یوسف(ع) ..... ۲۸۷
- ۱۳۵- خواسته های همسر فرعون ..... ۲۸۹
- ۱۳۶- خواسته های همسران محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۸۹
- ۱۳۷- خواسته های هود(ع) ..... ۲۸۹
- ۱۳۸- خواسته های یعقوب(ع) ..... ۲۸۹
- ۱۳۹- خواسته های یوسف(ع) ..... ۲۹۱
- ۱۴۰- خواسته های یوشع(ع) ..... ۲۹۵

- ۱۴۱- خواسته های یهود ----- ۲۹۷
- ۱۴۲- درخواست از غیر خدا ----- ۲۹۸
- ۱۴۳- رد خواسته های اشراف قوم نوح ----- ۲۹۹
- ۱۴۴- رد خواسته های بخیلان ----- ۲۹۹
- ۱۴۵- رد خواسته های بداخلاقان ----- ۲۹۹
- ۱۴۶- رد خواسته های خسیسان ----- ۳۰۱
- ۱۴۷- رد خواسته های دنیاطلبان ----- ۳۰۱
- ۱۴۸- رد خواسته های زنازاده ها ----- ۳۰۱
- ۱۴۹- رد خواسته های سخن چینان ----- ۳۰۱
- ۱۵۰- رد خواسته های سوگند خورندگان ----- ۳۰۳
- ۱۵۱- رد خواسته های عیب جویان ----- ۳۰۳
- ۱۵۲- رد خواسته های فرومایگان ----- ۳۰۳
- ۱۵۳- رد خواسته های گناهکاران ----- ۳۰۳
- ۱۵۴- رد خواسته های مانعان خیر ----- ۳۰۵
- ۱۵۵- رد خواسته های متجاوزان ----- ۳۰۵
- ۱۵۶- رد خواسته های مشرکان ----- ۳۰۵
- ۱۵۷- ردّ خواسته های مکذبان قیامت ----- ۳۰۷
- ۱۵۸- روش تحصیل خواسته ها ----- ۳۰۷
- ۱۵۹- زمینه اجابت خواسته ها در قیامت ----- ۳۰۷
- ۱۶۰- زمینه تأمین خواسته ها ----- ۳۰۸
- ۱۶۱- زمینه تأمین خواسته های انسان ----- ۳۰۹
- ۱۶۲- زمینه تحصیل خواسته ها ----- ۳۰۹
- ۱۶۳- صالح(ع) و خواسته های قوم ثمود ----- ۳۰۹
- ۱۶۴- عوامل تحصیل خواسته ها ----- ۳۱۱
- ۱۶۵- عوامل تحقق خواسته های اهل کتاب ----- ۳۱۱
- ۱۶۶- عوامل تحقق خواسته های مشرکان ----- ۳۱۱

- ۱۶۷- فرعون و خواسته فرعونیان ..... ۳۱۲
- ۱۶۸- فلسفه خواسته های قوم ثمود ..... ۳۱۳
- ۱۶۹- فلسفه خواسته های مشرکان مکه ..... ۳۱۳
- ۱۷۰- فلسفه خواسته های موسی(ع) ..... ۳۱۳
- ۱۷۱- فلسفه خواسته های یوسف(ع) ..... ۳۱۵
- ۱۷۲- فلسفه ردّ خواسته های کافران مکه ..... ۳۱۵
- ۱۷۳- فلسفه رد خواسته های مسلمانان صدراسلام ..... ۳۱۵
- ۱۷۴- قبول خواسته های آسیه ..... ۳۱۵
- ۱۷۵- قبول خواسته های جادوگران فرعون ..... ۳۱۷
- ۱۷۶- قبول خواسته های خضر(ع) ..... ۳۱۷
- ۱۷۷- قبول خواسته های قوم ثمود ..... ۳۱۷
- ۱۷۸- منشأ تأمین خواسته ها ..... ۳۱۷
- ۱۷۹- منشأ تأمین خواسته های اخروی متقین ..... ۳۱۹
- ۱۸۰- منشأ خواسته های انسان ..... ۳۱۹
- ۱۸۱- منشأ خواسته های موسی(ع) ..... ۳۱۹
- ۱۸۲- منشأ قبول خواسته های کافران ..... ۳۲۱
- ۱۸۳- نقش خواسته های انسان ..... ۳۲۱
- ۱۸۴- نوح(ع) و خواسته های اشراف ..... ۳۲۱
- ۱۸۵- نوح(ع) و خواسته های قوم نوح ..... ۳۲۱
- ۱۸۶- وابستگی خواسته های انسان ..... ۳۲۳
- ۱۸۷- یعقوب(ع) و خواسته های برادران یوسف ..... ۳۲۳
- ۱۸۸- یوسف(ع) و خواسته های زلیخا ..... ۳۲۳
- ۱۸۹- تأمین خواسته ها در بهشت ..... ۳۲۵
- ۱۹۰- تأمین خواسته ها در قیامت ..... ۳۲۷
- ۱۹۱- تذکر اجابت خواسته ها در بهشت ..... ۳۲۷
- ۱۹۲- روش تحصیل خواسته ها ..... ۳۲۷

- ۱۹۳- زمینه اجابت خواسته ها در قیامت ..... ۳۲۹
- ۱۹۴- زمینه تأمین خواسته ها ..... ۳۲۹
- ۱۹۵- زمینه تحصیل خواسته ها ..... ۳۲۹
- ۱۹۶- عوامل تحصیل خواسته ها ..... ۳۳۰
- ۱۹۷- منشأ تأمین خواسته ها ..... ۳۳۱
- ۶- خواهر ..... ۳۳۲
- ۱- آثار تلاش خواهر موسی(ع) ..... ۳۳۲
- ۲- ارث خواهر ..... ۳۳۲
- ۳- ازدواج با دو خواهر ..... ۳۳۳
- ۴- اعتماد به خواهر موسی(ع) ..... ۳۳۵
- ۵- پیشنهاد خواهر موسی(ع) ..... ۳۳۵
- ۶- تلاش خواهر موسی(ع) ..... ۳۳۵
- ۷- خواهر رضاعی ..... ۳۳۵
- ۸- خواهر موسی(ع) در دربار فرعون ..... ۳۳۷
- ۹- خواهر موسی(ع) و فرعونیان ..... ۳۳۷
- ۱۰- خواهر میت ..... ۳۳۷
- ۱۱- خوردن از خانه خواهر ..... ۳۳۸
- ۱۲- رازداری خواهر موسی(ع) ..... ۳۳۹
- ۱۳- سهم ارث خواهر ..... ۳۳۹
- ۱۴- شجاعت خواهر موسی(ع) ..... ۳۴۱
- ۱۵- صفات خواهر موسی(ع) ..... ۳۴۲
- ۱۶- علم خواهر موسی(ع) ..... ۳۴۳
- ۱۷- فضایل خواهر موسی(ع) ..... ۳۴۳
- ۱۸- قبول پیشنهاد خواهر موسی(ع) ..... ۳۴۳
- ۱۹- محدوده حجاب خواهر ..... ۳۴۳
- ۲۰- محرمیت خواهر زاده ..... ۳۴۵



- ۲۱- مسؤولیت خواهر موسی(ع) ..... ۳۴۵
- ۲۲- نظارت خواهر موسی(ع) ..... ۳۴۵
- ۲۳- نقش خواهر موسی(ع) ..... ۳۴۷
- ۲۴- نگرانی خواهر موسی(ع) ..... ۳۴۸
- ۲۵- هوشیاری خواهر موسی(ع) ..... ۳۴۹
- ۷- خوبان ..... ۳۵۰
- ۱- اهمیت معرفی خوبان ..... ۳۵۰
- ۲- خوبان در قیامت ..... ۳۵۰
- ۳- فضایل خوبان ..... ۳۵۰
- ۴- اهمیت درخواست خوبی ..... ۳۵۱
- ۵- خوبی در مقابل بدی ..... ۳۵۱
- ۶- دعوت به خوبی ..... ۳۵۲
- ۷- قیاس خوبی با بدی ..... ۳۵۲
- ۸- وضوح تفاوت خوبی و بدی ..... ۳۵۲
- ۸- خود ..... ۳۵۴
- ۱- آثار اضرار به خود ..... ۳۵۴
- ۲- آثار خود باوری ..... ۳۵۴
- ۳- آثار خود فراموشی ..... ۳۵۵
- ۴- آثار ظلم به خود ..... ۳۵۵
- ۵- آثار مکر با خود ..... ۳۵۷
- ۶- آگاهی از عقیده باطل خود ..... ۳۵۹
- ۷- احسان به خود ..... ۳۵۹
- ۸- اظهار فضایل خود ..... ۳۵۹
- ۹- اعتماد به خود ..... ۳۵۹
- ۱۰- اقرار علیه خود ..... ۳۶۱
- ۱۱- اقرار علیه خود در قیامت ..... ۳۶۵

- ۱۲- انبیا در سرزمین خود ..... ۳۶۵
- ۱۳- انتقاد از خود ..... ۳۶۵
- ۱۴- اهمیت حسابرسی خود ..... ۳۶۵
- ۱۵- اهمیت خود دوستی ..... ۳۶۷
- ۱۶- اهمیت دفاع از خود ..... ۳۶۷
- ۱۷- اهمیت محافظت از خود ..... ۳۶۹
- ۱۸- بازگشت آثار انفاق به خود ..... ۳۶۹
- ۱۹- بازگشت آثار عمل به خود ..... ۳۶۹
- ۲۰- بغض علیه خود ..... ۳۷۵
- ۲۱- تباهی سرمایه خود ..... ۳۷۵
- ۲۲- تبرئه خود از تهمت ..... ۳۷۶
- ۲۳- تحقیق خود ..... ۳۷۷
- ۲۴- تحمیل دروغ بر خود ..... ۳۷۷
- ۲۵- حسابرسی از خود ..... ۳۷۷
- ۲۶- حق دفاع از خود ..... ۳۷۹
- ۲۷- خود برترینی مسیحیان ..... ۳۷۹
- ۲۸- خود برترینی یهود ..... ۳۷۹
- ۲۹- خیانت به خود ..... ۳۷۹
- ۳۰- دشمنی با خود ..... ۳۸۱
- ۳۱- دفاع از خود ..... ۳۸۱
- ۳۲- دفاع از خود در قیامت ..... ۳۸۲
- ۳۳- رفع تهمت از خود ..... ۳۸۴
- ۳۴- زمینه ظلم به خود ..... ۳۸۵
- ۳۵- زمینه نگرانی از فرجام خود ..... ۳۸۵
- ۳۶- زیان به خود ..... ۳۸۷
- ۳۷- سرزنش خود ..... ۳۹۴

- ۳۸- سرزنش علیه خود ----- ۳۹۵
- ۳۹- سرزنش مکر با خود ----- ۳۹۵
- ۴۰- سوگند برای تبریته خود ----- ۳۹۷
- ۴۱- ظلم به خود ----- ۳۹۷
- ۴۲- عمل به سخن خود ----- ۴۱۳
- ۴۳- عوامل از خود بیگانگی ----- ۴۱۳
- ۴۴- عوامل تباهی خود ----- ۴۱۴
- ۴۵- عوامل خود فراموشی ----- ۴۱۵
- ۴۶- عوامل ظلم به خود ----- ۴۱۵
- ۴۷- گواهی علیه خود ----- ۴۱۷
- ۴۸- محافظت از خود ----- ۴۱۷
- ۴۹- مکر با خود ----- ۴۱۷
- ۵۰- مکر به خود ----- ۴۱۹
- ۵۱- منفعت به خود ----- ۴۱۹
- ۵۲- موارد ظلم به خود ----- ۴۲۱
- ۵۳- نشانه های ظلم به خود ----- ۴۲۱
- ۵۴- نگرانی از فرجام خود ----- ۴۲۳
- ۵۵- اهمیت خود دوستی ----- ۴۲۳
- ۵۶- اجتناب از خودآرایی ----- ۴۲۳
- ۵۷- خودآرایی در جاهلیت ----- ۴۲۵
- ۵۸- خودسازی ----- ۴۲۵
- ۵۹- اهمیت خودسازی ----- ۴۲۵
- ۶۰- خودسازی در جنگ ----- ۴۲۷
- ۶۱- خودسازی در جهاد ----- ۴۲۷
- ۶۲- زمینه خودسازی ----- ۴۲۷
- ۶۳- عوامل خودسازی ----- ۴۲۹

- ۴۳۱ ..... ۶۴- موانع خودسازی
- ۴۳۳ ..... ۶۵- آثار خودستایی
- ۴۳۳ ..... ۶۶- اجتناب از خودستایی
- ۴۳۳ ..... ۶۷- احکام خودستایی
- ۴۳۵ ..... ۶۸- خودستایی جایز
- ۴۳۷ ..... ۶۹- خودستایی یوسف(ع)
- ۴۳۷ ..... ۷۰- سرزنش خودستایی
- ۴۳۷ ..... ۷۱- منشأ خودستایی
- ۴۳۹ ..... ۷۲- ناپسندی خودستایی
- ۴۳۹ ..... ۷۳- زمینه خودفراموشی
- ۴۳۹ ..... ۷۴- آثار خودفربی
- ۴۴۱ ..... ۷۵- سرزنش خودمحوری
- ۴۴۱ ..... ۷۶- آثار خودنمایی
- ۴۴۱ ..... ۷۷- آثار خودنمایی قارون
- ۴۴۳ ..... ۷۸- خودنمایی در جاهلیت
- ۴۴۳ ..... ۷۹- خودنمایی قارون
- ۴۴۳ ..... ۸۰- گناه خودنمایی
- ۴۴۳ ..... ۸۱- ناپسندی خودنمایی
- ۴۴۵ ..... ۸۲- آثار خودنمایی
- ۴۴۵ ..... ۸۳- آثار خودنمایی قارون
- ۴۴۵ ..... ۸۴- خودنمایی در جاهلیت
- ۴۴۶ ..... ۸۵- خودنمایی قارون
- ۴۴۷ ..... ۸۶- گناه خودنمایی
- ۴۴۷ ..... ۸۷- ناپسندی خودنمایی
- ۴۴۸ ..... ۹- خودکشی
- ۴۴۸ ..... ۱- توبه با خودکشی

- ۴۴۸ ..... ۲- حرمت خودکشی
- ۴۴۹ ..... ۳- خودکشی بنی اسرائیل
- ۴۴۹ ..... ۴- سرزنش خودکشی
- ۴۵۱ ..... ۵- ظلم خودکشی
- ۴۵۱ ..... ۶- کیفر خودکشی
- ۴۵۱ ..... ۷- گناه خودکشی
- ۴۵۱ ..... ۸- موارد خودکشی
- ۴۵۴ ..... ۱۰- خوردن
- ۴۵۴ ..... ۱- بت ها و خوردن
- ۴۵۴ ..... ۲- تشبیه به خوردن گوشت مرده
- ۴۵۵ ..... ۳- تعبیر رؤیای خوردن پرندگان
- ۴۵۵ ..... ۴- حرمت خوردن خون
- ۴۵۵ ..... ۵- حرمت خوردن مردار
- ۴۵۵ ..... ۶- خرما خوردن مریم(س)
- ۴۵۷ ..... ۷- خوردن آتش
- ۴۵۷ ..... ۸- خوردن از خانه برادر
- ۴۵۷ ..... ۹- خوردن از خانه پدر
- ۴۵۹ ..... ۱۰- خوردن از خانه خاله
- ۴۵۹ ..... ۱۱- خوردن از خانه خواهر
- ۴۵۹ ..... ۱۲- خوردن از خانه خویشاوندان
- ۴۶۱ ..... ۱۳- خوردن از خانه دایی
- ۴۶۱ ..... ۱۴- خوردن از خانه دوست
- ۴۶۲ ..... ۱۵- خوردن از خانه عمو
- ۴۶۳ ..... ۱۶- خوردن از خانه عمه
- ۴۶۳ ..... ۱۷- خوردن از خانه فرزند
- ۴۶۴ ..... ۱۸- خوردن از خانه مادر

- ۴۶۵ ..... ۱۹- خوردن از خانه موکل
- ۴۶۶ ..... ۲۰- خوردن از خانه همسر
- ۴۶۷ ..... ۲۱- خوردن جنین در جاهلیت
- ۴۶۷ ..... ۲۲- خوردن خوک
- ۴۶۸ ..... ۲۳- خوردن خون
- ۴۶۹ ..... ۲۴- خوردن در شبهای ماه رمضان
- ۴۶۹ ..... ۲۵- خوردن ذبیحه
- ۴۶۹ ..... ۲۶- خوردن ذبیحه حرام
- ۴۷۰ ..... ۲۷- خوردن قربانی حج
- ۴۷۱ ..... ۲۸- خوردن گوشت اسب در صدراسلام
- ۴۷۱ ..... ۲۹- خوردن گوشت استر در صدراسلام
- ۴۷۱ ..... ۳۰- خوردن گوشت الاغ در صدراسلام
- ۴۷۳ ..... ۳۱- خوردن گوشت چهارپایان در صدراسلام
- ۴۷۳ ..... ۳۲- خوردن گوشت شتر در صدراسلام
- ۴۷۳ ..... ۳۳- خوردن گوشت گاو در صدراسلام
- ۴۷۵ ..... ۳۴- خوردن گوشت گوسفند در صدراسلام
- ۴۷۵ ..... ۳۵- خوردن مردار
- ۴۷۶ ..... ۳۶- رؤیای خوردن پرندگان
- ۴۷۷ ..... ۳۷- طعام خوردن انبیا
- ۴۷۷ ..... ۳۸- عجز از خوردن
- ۴۷۷ ..... ۳۹- ناپسندی خوردن مال یتیم
- ۴۷۹ ..... ۴۰- اجتناب از خوردنیهای حرام
- ۴۷۹ ..... ۴۱- احکام خوردنیها
- ۴۹۸ ..... ۴۲- استفاده از خوردنیها
- ۴۹۹ ..... ۴۳- اسراف در خوردنیها
- ۴۹۹ ..... ۴۴- امتحان با خوردنیها

- ۴۵- بهترین خوردنیها - ۴۹۹
- ۴۶- پاکیزگی خوردنیها - ۵۰۱
- ۴۷- تبیین احکام خوردنیها - ۵۰۱
- ۴۸- تحریم خوردنیهای مباح - ۵۰۱
- ۴۹- تشریح احکام خوردنیها - ۵۰۱
- ۵۰- تکرار نزول آیات خوردنیهای حرام - ۵۰۳
- ۵۱- حلیت خوردنیها - ۵۰۳
- ۵۲- خوردنی سلوی - ۵۰۳
- ۵۳- خوردنی من - ۵۰۵
- ۵۴- خوردنیهای حرام - ۵۰۵
- ۵۵- خوردنیهای حلال - ۵۰۹
- ۵۶- خوردنیهای خبیث - ۵۱۳
- ۵۷- خوردنیهای سالم - ۵۱۳
- ۵۸- خوردنیهای طیب - ۵۱۵
- ۵۹- خوردنیهای مباح - ۵۱۵
- ۶۰- درخواست خوردنی گیاهی - ۵۱۵
- ۶۱- شرایط استفاده از خوردنیها - ۵۱۷
- ۶۲- شرایط حلیت خوردنیها - ۵۱۷
- ۶۳- علاقه به خوردنیها - ۵۱۷
- ۶۴- نعمت خوردنیها - ۵۱۹
- ۶۵- نقش خوردنیها - ۵۱۹
- ۱۱- خورشید پرستی - ۵۲۰
- ۱- بی منطقی خورشید پرستی - ۵۲۰
- ۲- تاریخ خورشید پرستی - ۵۲۰
- ۳- خورشید پرستی در دوران ابراهیم(ع) - ۵۲۰
- ۴- خورشید پرستی در صدراسلام - ۵۲۱

- ۵- رَدّ خورشید پرستی ..... ۵۲۱
- ۶- ناپسندی خورشید پرستی ..... ۵۲۱
- ۱۲- خورشید ..... ۵۲۲
- ۱- خورشید ..... ۵۲۲
- ۲- آثار مطالعه در خورشید ..... ۵۲۲
- ۳- آثار نور خورشید ..... ۵۲۲
- ۴- استفاده از خورشید ..... ۵۲۳
- ۵- انقیاد خورشید ..... ۵۲۳
- ۶- اهمیت خلقت خورشید ..... ۵۲۵
- ۷- اهمیت خورشید ..... ۵۲۵
- ۸- اهمیت ذکر طلوع خورشید ..... ۵۲۶
- ۹- اهمیت ذکر غروب خورشید ..... ۵۲۷
- ۱۰- اهمیت طلوع خورشید ..... ۵۲۷
- ۱۱- اهمیت غروب خورشید ..... ۵۲۷
- ۱۲- بی منطقی خورشید پرستی ..... ۵۲۹
- ۱۳- پایان گردش خورشید ..... ۵۲۹
- ۱۴- تأثیر پذیری خورشید ..... ۵۲۹
- ۱۵- تابش خورشید به غار اصحاب کهف ..... ۵۲۹
- ۱۶- تاریخ خلقت خورشید ..... ۵۳۱
- ۱۷- تاریخ خورشید پرستی ..... ۵۳۲
- ۱۸- تداوم حرکت خورشید ..... ۵۳۳
- ۱۹- تداوم گردش خورشید ..... ۵۳۳
- ۲۰- تدبیر گردش خورشید ..... ۵۳۳
- ۲۱- تسخیر خورشید ..... ۵۳۵
- ۲۲- تشبیه خورشید ..... ۵۳۷
- ۲۳- تشبیه غروب خورشید ..... ۵۳۸



- ۲۴- تعبیر رؤیای سجده خورشید - ۵۳۹
- ۲۵- تعقل در خلقت خورشید - ۵۳۹
- ۲۶- تغییر عناصر خورشید - ۵۳۹
- ۲۷- تنوع نور خورشید - ۵۴۱
- ۲۸- جذب ماه توسط خورشید - ۵۴۱
- ۲۹- حاکم خورشید - ۵۴۱
- ۳۰- حرکت خورشید - ۵۴۱
- ۳۱- خالق خورشید - ۵۴۳
- ۳۲- خاموشی خورشید - ۵۴۳
- ۳۳- خلقت خورشید - ۵۴۴
- ۳۴- خورشید از آیات خدا - ۵۴۷
- ۳۵- خورشید پرستی در دوران ابراهیم(ع) - ۵۴۸
- ۳۶- خورشید پرستی در صدر اسلام - ۵۴۹
- ۳۷- خورشید در جهنم - ۵۴۹
- ۳۸- خورشید در قیامت - ۵۴۹
- ۳۹- درهم پیچیدگی خورشید - ۵۵۰
- ۴۰- ذوالقرنین و خورشید - ۵۵۱
- ۴۱- ردّ خورشید پرستی - ۵۵۱
- ۴۲- ردّ ربوبیت خورشید - ۵۵۱
- ۴۳- روشنایی خورشید از آیات خدا - ۵۵۳
- ۴۴- زوال پذیری خورشید - ۵۵۳
- ۴۵- زوال خورشید - ۵۵۳
- ۴۶- سجده بر خورشید - ۵۵۳
- ۴۷- سجده خورشید - ۵۵۵
- ۴۸- سجده خورشید بر یوسف(ع) - ۵۵۵
- ۴۹- سجده خورشید در رؤیا - ۵۵۵

- ۵۵۷ ----- سوگند به خورشید ۵۰
- ۵۵۷ ----- سوگند به غروب خورشید ۵۱
- ۵۵۹ ----- سوگند به نور خورشید ۵۲
- ۵۶۱ ----- شعور خورشید ۵۳
- ۵۶۱ ----- شگفتی خورشید ۵۴
- ۵۶۱ ----- شگفتی نور خورشید ۵۵
- ۵۶۱ ----- طلوع خورشید ۵۶
- ۵۶۳ ----- طلوع خورشید از مغرب ۵۷
- ۵۶۵ ----- عظمت خورشید ۵۸
- ۵۶۵ ----- عظمت نور خورشید ۵۹
- ۵۶۵ ----- عقیده به ربوبیت خورشید ۶۰
- ۵۶۵ ----- علم خدا به تابش خورشید ۶۱
- ۵۶۷ ----- عمر خورشید ۶۲
- ۵۶۷ ----- غروب خورشید ۶۳
- ۵۶۹ ----- فرجام خورشید ۶۴
- ۵۷۰ ----- فرجام گردش خورشید ۶۵
- ۵۷۱ ----- فلسفه حرکت خورشید ۶۶
- ۵۷۱ ----- فلسفه سوگند به نور خورشید ۶۷
- ۵۷۳ ----- فلک خورشید ۶۸
- ۵۷۳ ----- فواید خورشید ۶۹
- ۵۷۵ ----- قانونمندی خلقت خورشید ۷۰
- ۵۷۷ ----- قانونمندی خورشید ۷۱
- ۵۷۷ ----- قانونمندی گردش خورشید ۷۲
- ۵۷۹ ----- قرارگاه خورشید ۷۳
- ۵۷۹ ----- گردش خورشید ۷۴
- ۵۸۲ ----- مخلوقیت خورشید ۷۵

- ۵۸۲ ..... ۷۶- مدت حرکت خورشید
- ۵۸۳ ..... ۷۷- مدت نورانیت خورشید
- ۵۸۳ ..... ۷۸- مشرق خورشید
- ۵۸۳ ..... ۷۹- مغرب خورشید
- ۵۸۵ ..... ۸۰- مکان استقرار خورشید
- ۵۸۵ ..... ۸۱- منشأ تسخیر خورشید
- ۵۸۵ ..... ۸۲- منشأ گردش خورشید
- ۵۸۵ ..... ۸۳- منشأ نور خورشید
- ۵۸۷ ..... ۸۴- منشأ نورانیت خورشید
- ۵۸۷ ..... ۸۵- ناپسندی خورشید پرستی
- ۵۸۷ ..... ۸۶- نظم خورشید
- ۵۸۹ ..... ۸۷- نظم در طلوع خورشید
- ۵۸۹ ..... ۸۸- نظم در غروب خورشید
- ۵۹۱ ..... ۸۹- نعمت خورشید
- ۵۹۲ ..... ۹۰- نعمت طلوع خورشید
- ۵۹۳ ..... ۹۱- نعمت غروب خورشید
- ۵۹۳ ..... ۹۲- نعمت گردش خورشید
- ۵۹۳ ..... ۹۳- نعمت نور خورشید
- ۵۹۵ ..... ۹۴- نقش خورشید
- ۵۹۵ ..... ۹۵- نقش طلوع خورشید
- ۵۹۷ ..... ۹۶- نقش مشرق خورشید
- ۵۹۷ ..... ۹۷- نقش مغرب خورشید
- ۵۹۷ ..... ۹۸- نورانی کننده خورشید
- ۵۹۸ ..... ۹۹- نورانیت خورشید
- ۵۹۸ ..... ۱۰۰- ویژگیهای خلقت خورشید
- ۵۹۸ ..... ۱۰۱- خورشید پرستی

- ۱۰۲- تاریخ خورشید پرستی ..... ۶۰۰
- ۱۰۳- خورشید پرستی در دوران ابراهیم(ع) ..... ۶۰۰
- ۱۰۴- خورشید پرستی در صدراسلام ..... ۶۰۰
- ۱۰۵- ردّ خورشید پرستی ..... ۶۰۰
- ۱۰۶- ناپسندی خورشید پرستی ..... ۶۰۲
- ۱۳- خوشرفتاری ..... ۶۰۳
- ۱- آثار خوشرفتاری ..... ۶۰۳
- ۲- اهمیت خوشرفتاری ..... ۶۰۳
- ۳- اهمیت خوشرفتاری با همسر ..... ۶۰۴
- ۴- خوشرفتاری با جاهلان ..... ۶۰۴
- ۵- خوشرفتاری با کافران ..... ۶۰۶
- ۶- خوشرفتاری با مردم ..... ۶۰۶
- ۷- خوشرفتاری با مطلقه ..... ۶۰۸
- ۸- خوشرفتاری با والدین ..... ۶۰۹
- ۹- خوشرفتاری بندگان خدا ..... ۶۱۰
- ۱۰- خوشرفتاری محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۶۱۰
- ۱۴- خوشگذرانی ..... ۶۱۱
- ۱- خوشگذرانی ظالمان ..... ۶۱۱
- ۲- خوشگذرانی فرعونیان ..... ۶۱۱
- ۳- خوشگذرانی قوم ثمود ..... ۶۱۱
- ۴- مسابقه برای خوشگذرانی اخروی ..... ۶۱۲
- ۵- ناپایداری خوشگذرانی دنیاطلبان ..... ۶۱۲
- ۶- زمینه عبرت خوشگذرانان ..... ۶۱۳
- ۷- ظلم خوشگذران ..... ۶۱۴
- ۱۵- خوشنامی ..... ۶۱۵
- ۱- آرزوی خوشنامی ..... ۶۱۵

- ۲- اظهار خوشنامی ..... ۶۱۵
- ۳- اهمیت خوشنامی ..... ۶۱۵
- ۴- تذکر خوشنامی محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۶۱۶
- ۵- خوشنامی ابراهیم(ع) ..... ۶۱۶
- ۶- خوشنامی ابراهیم(ع) در جزیره العرب ..... ۶۱۸
- ۷- خوشنامی الیاس(ع) ..... ۶۱۸
- ۸- خوشنامی انبیا ..... ۶۲۰
- ۹- خوشنامی در رهبران دینی ..... ۶۲۰
- ۱۰- خوشنامی شعیب(ع) ..... ۶۲۰
- ۱۱- خوشنامی صالح(ع) ..... ۶۲۲
- ۱۲- خوشنامی عیسی(ع) ..... ۶۲۲
- ۱۳- خوشنامی لوط(ع) ..... ۶۲۲
- ۱۴- خوشنامی محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۶۲۲
- ۱۵- خوشنامی موسی(ع) ..... ۶۲۶
- ۱۶- خوشنامی موسی(ع) در جزیره العرب ..... ۶۲۶
- ۱۷- خوشنامی نوح(ع) ..... ۶۲۷
- ۱۸- خوشنامی هارون(ع) ..... ۶۲۸
- ۱۹- خوشنامی هود(ع) ..... ۶۳۰
- ۲۰- ذکر نعمت خوشنامی ..... ۶۳۰
- ۲۱- زمینه خوشنامی ..... ۶۳۰
- ۲۲- سرور خوشنامی ..... ۶۳۰
- ۲۳- عوامل خوشنامی ..... ۶۳۲
- ۲۴- عوامل خوشنامی ابراهیم(ع) ..... ۶۳۲
- ۲۵- عوامل خوشنامی فرزندان ابراهیم(ع) ..... ۶۳۲
- ۲۶- منشأ خوشنامی ..... ۶۳۲
- ۲۷- منشأ خوشنامی محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۶۳۲

- ۶۳۴ ..... ۲۸- نعمت خوشنامی
- ۶۳۶ ..... ۲۹- نقش خوشنامی محمد(صلی الله علیه و آله) - - - - -
- ۶۳۷ ..... ۱۶- خوک
- ۶۳۷ ..... ۱- اجتناب از خوک
- ۶۳۷ ..... ۲- احکام خوک
- ۶۳۸ ..... ۳- استفاده از گوشت خوک
- ۶۳۹ ..... ۴- پلیدی خوک
- ۶۴۰ ..... ۵- حرمت خوک
- ۶۴۰ ..... ۶- حرمت گوشت خوک
- ۶۴۲ ..... ۷- خیانت خوک
- ۶۴۲ ..... ۸- خوردن خوک
- ۶۴۲ ..... ۹- فلسفه تحریم خوک
- ۶۴۲ ..... ۱۰- فلسفه حرمت گوشت خوک
- ۶۴۴ ..... ۱۱- محدوده حرمت خوک
- ۶۴۴ ..... ۱۲- مسخ به خوک
- ۶۴۶ ..... ۱۳- نجاست خوک
- ۶۴۷ ..... ۱۷- خون
- ۶۴۷ ..... ۱- احکام خون
- ۶۴۷ ..... ۲- استفاده از خون
- ۶۴۸ ..... ۳- پلیدی خون
- ۶۴۹ ..... ۴- حرمت خوردن خون
- ۶۵۰ ..... ۵- حرمت خون
- ۶۵۰ ..... ۶- خیانت خون
- ۶۵۰ ..... ۷- خوردن خون
- ۶۵۲ ..... ۸- خون بدن ذبیحه
- ۶۵۲ ..... ۹- خون پیراهن یوسف(ع)

- ۶۵۳ ..... ۱۰- خون مباح
- ۶۵۴ ..... ۱۱- عذاب با خون
- ۶۵۴ ..... ۱۲- فلسفه تحریم خون
- ۶۵۴ ..... ۱۳- فلسفه حرمت خون
- ۶۵۶ ..... ۱۴- محدوده حرمت خون
- ۶۵۷ ..... ۱۸- خویشاوندان
- ۶۵۷ ..... ۱- اتکا به خویشاوندان
- ۶۵۷ ..... ۲- احترام خویشاوندان شعیب(ع)
- ۶۵۸ ..... ۳- احسان به خویشاوندان
- ۶۶۰ ..... ۴- ادای حقوق خویشاوندان
- ۶۶۱ ..... ۵- ارث خویشاوندان
- ۶۶۲ ..... ۶- ارث خویشاوندان مؤمنان
- ۶۶۲ ..... ۷- ارث خویشاوندان مهاجران
- ۶۶۲ ..... ۸- ارث خویشاوندان نسبی
- ۶۶۴ ..... ۹- استقبال از خویشاوندان
- ۶۶۴ ..... ۱۰- اصحاب یمین و خویشاوندان
- ۶۶۴ ..... ۱۱- اصلاح خویشاوندان
- ۶۶۴ ..... ۱۲- اطعام به خویشاوندان یتیم
- ۶۶۶ ..... ۱۳- اعراض از تأمین خویشاوندان
- ۶۶۶ ..... ۱۴- اقلیت خویشاوندان شعیب(ع)
- ۶۶۶ ..... ۱۵- امداد اخروی به خویشاوندان
- ۶۶۸ ..... ۱۶- امداد به خویشاوندان
- ۶۶۸ ..... ۱۷- امدادهای خویشاوندان
- ۶۶۸ ..... ۱۸- انذار خویشاوندان محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۶۶۹ ..... ۱۹- اتفاق به خویشاوندان
- ۶۷۱ ..... ۲۰- اتفاق به خویشاوندان نیازمند

- ۶۷۲ ----- ۲۱- انفاق خویشاوندان اسماعیل(ع)
- ۶۷۲ ----- ۲۲- اولویت خویشاوندان
- ۶۷۴ ----- ۲۳- اولویت خویشاوندان نسبی
- ۶۷۴ ----- ۲۴- اهل مدین و خویشاوندان شعیب(ع)
- ۶۷۴ ----- ۲۵- اهمیت احترام به خویشاوندان
- ۶۷۴ ----- ۲۶- اهمیت اصلاح خویشاوندان
- ۶۷۶ ----- ۲۷- اهمیت تأمین خویشاوندان یتیم
- ۶۷۶ ----- ۲۸- اهمیت حقوق خویشاوندان
- ۶۷۸ ----- ۲۹- اهمیت خویشاوندان
- ۶۷۸ ----- ۳۰- اهمیت رعایت عواطف خویشاوندان
- ۶۷۸ ----- ۳۱- اهمیت سعادت خویشاوندان
- ۶۷۹ ----- ۳۲- اهمیت هدایت خویشاوندان
- ۶۸۰ ----- ۳۳- ایمان خویشاوندان لوط(ع)
- ۶۸۱ ----- ۳۴- برخورد با خویشاوندان
- ۶۸۲ ----- ۳۵- بی لیاقتی خویشاوندان زکریا(ع)
- ۶۸۲ ----- ۳۶- تأمین خویشاوندان
- ۶۸۳ ----- ۳۷- تأمین نیازهای خویشاوندان
- ۶۸۴ ----- ۳۸- تبلیغ خویشاوندان
- ۶۸۴ ----- ۳۹- تبلیغ در خویشاوندان
- ۶۸۶ ----- ۴۰- ترک انفاق به خویشاوندان
- ۶۸۶ ----- ۴۱- تقدیه خویشاوندان
- ۶۸۶ ----- ۴۲- توقعات خویشاوندان محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۶۸۸ ----- ۴۳- حفظ منافع خویشاوندان
- ۶۸۸ ----- ۴۴- حقوق خویشاوندان
- ۶۸۸ ----- ۴۵- حقوق خویشاوندان محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۶۹۰ ----- ۴۶- حقوق خویشاوندان نسبی



- ۴۷- حقوق مالی خویشاوندان ..... ۶۹۰
- ۴۸- حمایت از خویشاوندان ..... ۶۹۲
- ۴۹- خوردن از خانه خویشاوندان ..... ۶۹۲
- ۵۰- خویشاوندان ابراهیم(ع) ..... ۶۹۲
- ۵۱- خویشاوندان اسحاق(ع) ..... ۶۹۴
- ۵۲- خویشاوندان اصحاب یمین در قیامت ..... ۶۹۴
- ۵۳- خویشاوندان برتر انبیا ..... ۶۹۴
- ۵۴- خویشاوندان برگزیده انبیا ..... ۶۹۵
- ۵۵- خویشاوندان در قیامت ..... ۶۹۶
- ۵۶- خویشاوندان زکریا(ع) ..... ۶۹۷
- ۵۷- خویشاوندان شعیب(ع) ..... ۶۹۸
- ۵۸- خویشاوندان صالح(ع) ..... ۶۹۸
- ۵۹- خویشاوندان کافر ..... ۷۰۰
- ۶۰- خویشاوندان کافر محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۷۰۰
- ۶۱- خویشاوندان محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۷۰۰
- ۶۲- خویشاوندان مریم(س) کنار مسجدالاقصی ..... ۷۰۱
- ۶۳- خویشاوندان منافقان ..... ۷۰۲
- ۶۴- خویشاوندان مؤمنان در قیامت ..... ۷۰۲
- ۶۵- خویشاوندان هود(ع) ..... ۷۰۳
- ۶۶- خویشاوندان یعقوب(ع) ..... ۷۰۴
- ۶۷- دشمنی خویشاوندان محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۷۰۴
- ۶۸- دعوت از خویشاوندان اسماعیل(ع) ..... ۷۰۶
- ۶۹- دوستی با خویشاوندان کافر ..... ۷۰۶
- ۷۰- رابطه با خویشاوندان کافر ..... ۷۰۶
- ۷۱- رفع مشکلات خویشاوندان ..... ۷۰۶
- ۷۲- روابط خویشاوندان ..... ۷۰۸

- ۷۰۸ ..... ۷۳- روش برخورد با خویشاوندان
- ۷۰۸ ..... ۷۴- رؤیت خویشاوندان در قیامت
- ۷۰۸ ..... ۷۵- زکات خویشاوندان اسماعیل(ع)
- ۷۰۹ ..... ۷۶- زمینه دشمنی خویشاوندان
- ۷۱۰ ..... ۷۷- زمینه قتل خویشاوندان
- ۷۱۰ ..... ۷۸- زیان به خویشاوندان
- ۷۱۰ ..... ۷۹- سرزنش افساد در خویشاوندان
- ۷۱۱ ..... ۸۰- صدقه به خویشاوندان انبیا
- ۷۱۲ ..... ۸۱- عذرخواهی از خویشاوندان
- ۷۱۲ ..... ۸۲- عفو خویشاوندان گناهکار
- ۷۱۲ ..... ۸۳- علاقه به خویشاوندان
- ۷۱۴ ..... ۸۴- عمل ناپسند خویشاوندان صالحان
- ۷۱۴ ..... ۸۵- عوامل تجاوز به حقوق خویشاوندان
- ۷۱۴ ..... ۸۶- عوامل محرومیت از امداد خویشاوندان
- ۷۱۵ ..... ۸۷- غفلت از خویشاوندان یتیم
- ۷۱۶ ..... ۸۸- فضیلت تأمین خویشاوندان یتیم
- ۷۱۶ ..... ۸۹- قضاوت خویشاوندان انبیا
- ۷۱۶ ..... ۹۰- قضاوت خویشاوندان زلیخا
- ۷۱۷ ..... ۹۱- کیفر خویشاوندان رهبران دینی
- ۷۱۸ ..... ۹۲- گواهی علیه خویشاوندان
- ۷۱۸ ..... ۹۳- متجاوزان به حقوق خویشاوندان
- ۷۱۸ ..... ۹۴- محدوده اختیارات خویشاوندان
- ۷۱۸ ..... ۹۵- محرومان از امداد خویشاوندان
- ۷۲۰ ..... ۹۶- محرومیت از حمایت خویشاوندان
- ۷۲۰ ..... ۹۷- محرومیت از همنشینی با خویشاوندان
- ۷۲۱ ..... ۹۸- محمد(صلی الله علیه و آله) و خویشاوندان

- ۹۹- مراد از خویشاوندان محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۷۲۲
- ۱۰۰- مسکن خویشاوندان مریم(س) ..... ۷۲۲
- ۱۰۱- مسؤولیت خویشاوندان ..... ۷۲۴
- ۱۰۲- مسؤولیت خویشاوندان انبیا ..... ۷۲۴
- ۱۰۳- مسؤولیت خویشاوندان رهبران دینی ..... ۷۲۴
- ۱۰۴- مشرکان و خویشاوندان مؤمن ..... ۷۲۴
- ۱۰۵- مصالح خویشاوندان ..... ۷۲۶
- ۱۰۶- مقامات خویشاوندان انبیا ..... ۷۲۶
- ۱۰۷- مکر به خویشاوندان ..... ۷۲۶
- ۱۰۸- ممنوعیت ترک انفاق به خویشاوندان ..... ۷۲۶
- ۱۰۹- مهربانی با خویشاوندان محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۷۲۸
- ۱۱۰- نبوت خویشاوندان انبیا ..... ۷۲۸
- ۱۱۱- نجات خویشاوندان لوط(ع) ..... ۷۲۸
- ۱۱۲- نعمت خویشاوندان ..... ۷۲۸
- ۱۱۳- نعمت زندگی با خویشاوندان ..... ۷۳۰
- ۱۱۴- نماز خویشاوندان اسماعیل(ع) ..... ۷۳۰
- ۱۱۵- وصیت برای خویشاوندان ..... ۷۳۰
- ۱۱۶- ولایت در خویشاوندان ..... ۷۳۲
- ۱۱۷- هبه به خویشاوندان ..... ۷۳۲
- ۱۱۸- هدایت خویشاوندان ..... ۷۳۴
- ۱۱۹- هدایت خویشاوندان انبیا ..... ۷۳۴
- ۱۲۰- همسفرگی با خویشاوندان ..... ۷۳۴
- ۱۲۱- همنشینی با خویشاوندان ..... ۷۳۴
- ۱۲۲- یأس خویشاوندان محتضر ..... ۷۳۶
- ۱۲۳- آثار تعصب خویشاوندی ..... ۷۳۶
- ۱۲۴- آثار خویشاوندی ..... ۷۳۷

- ۱۲۵- آثار خویشاوندی با انبیا ..... ۷۴۰
- ۱۲۶- آثار خویشاوندی با پاکان ..... ۷۴۲
- ۱۲۷- آثار خویشاوندی با محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۷۴۲
- ۱۲۸- آثار خویشاوندی نسبی ..... ۷۴۲
- ۱۲۹- آثار روابط خویشاوندی ..... ۷۴۲
- ۱۳۰- آثار عواطف خویشاوندی ..... ۷۴۴
- ۱۳۱- ارزش خویشاوندی ..... ۷۴۴
- ۱۳۲- ارزش روابط خویشاوندی ..... ۷۴۶
- ۱۳۳- اسلام و خویشاوندی ..... ۷۴۶
- ۱۳۴- اقسام خویشاوندی ..... ۷۴۶
- ۱۳۵- اهمیت خویشاوندی ..... ۷۴۶
- ۱۳۶- اهمیت رعایت حقوق خویشاوندی ..... ۷۴۸
- ۱۳۷- اهمیت روابط خویشاوندی ..... ۷۴۸
- ۱۳۸- بی اعتباری خویشاوندی عصیانگران ..... ۷۵۰
- ۱۳۹- بی اعتباری خویشاوندی کافران ..... ۷۵۰
- ۱۴۰- بی اعتباری خویشاوندی مشرکان ..... ۷۵۲
- ۱۴۱- بی اعتنائی به حقوق خویشاوندی ..... ۷۵۲
- ۱۴۲- بی تأثیری خویشاوندی با انبیا ..... ۷۵۲
- ۱۴۳- بی تأثیری خویشاوندی با صالحان ..... ۷۵۴
- ۱۴۴- بی تأثیری خویشاوندی در قیامت ..... ۷۵۴
- ۱۴۵- تزییع حقوق خویشاوندی ..... ۷۵۴
- ۱۴۶- تعصب خویشاوندی ..... ۷۵۴
- ۱۴۷- حقوق خویشاوندی ..... ۷۵۶
- ۱۴۸- خویشاوندی انبیا ..... ۷۵۷
- ۱۴۹- خویشاوندی انسان ها ..... ۷۵۸
- ۱۵۰- خویشاوندی اهل مکه و ابراهیم(ع) ..... ۷۵۸

- ۱۵۱- خویشاوندی با انبیا - ۷۵۸
- ۱۵۲- خویشاوندی با مشرکان صدر اسلام - ۷۶۴
- ۱۵۳- خویشاوندی داماد - ۷۶۴
- ۱۵۴- خویشاوندی در ارث - ۷۶۴
- ۱۵۵- خویشاوندی در دینداری - ۷۶۶
- ۱۵۶- خویشاوندی در قیامت - ۷۶۶
- ۱۵۷- خویشاوندی سببی - ۷۶۸
- ۱۵۸- خویشاوندی شعیب(ع) با اهل مدین - ۷۶۸
- ۱۵۹- خویشاوندی صالح(ع) با قوم ثمود - ۷۶۹
- ۱۶۰- خویشاوندی قارون و موسی(ع) - ۷۷۰
- ۱۶۱- خویشاوندی قوم ثمود با صالح(ع) - ۷۷۰
- ۱۶۲- خویشاوندی قوم عاد با هود(ع) - ۷۷۰
- ۱۶۳- خویشاوندی لوط(ع) با قوم لوط - ۷۷۲
- ۱۶۴- خویشاوندی منازعان قصه داود(ع) - ۷۷۲
- ۱۶۵- خویشاوندی نسبی - ۷۷۳
- ۱۶۶- خویشاوندی نوح(ع) با قوم نوح - ۷۷۴
- ۱۶۷- خویشاوندی و عقیده - ۷۷۴
- ۱۶۸- خویشاوندی و کیفر - ۷۷۵
- ۱۶۹- خویشاوندی و مجازات - ۷۷۶
- ۱۷۰- خویشاوندی هود(ع) با قوم عاد - ۷۷۶
- ۱۷۱- رد خویشاوندی جن با خدا - ۷۷۸
- ۱۷۲- روابط خویشاوندی - ۷۷۸
- ۱۷۳- روابط خویشاوندی در ادیان - ۷۷۸
- ۱۷۴- روابط خویشاوندی در قیامت - ۷۷۸
- ۱۷۵- زمینه های حقوق خویشاوندی - ۷۸۰
- ۱۷۶- عقیده به خویشاوندی جن با خدا - ۷۸۰

- ۱۷۷- عقیده به خویشاوندی خدا با ملانکه ..... ۷۸۰
- ۱۷۸- علایق خویشاوندی ..... ۷۸۱
- ۱۷۹- عواطف خویشاوندی ..... ۷۸۲
- ۱۸۰- عواطف خویشاوندی زکریا(ع) ..... ۷۸۲
- ۱۸۱- عواطف خویشاوندی مشرکان مکه ..... ۷۸۲
- ۱۸۲- قطع روابط خویشاوندی در قیامت ..... ۷۸۴
- ۱۸۳- محدوده روابط خویشاوندی ..... ۷۸۴
- ۱۸۴- موانع خویشاوندی ..... ۷۸۴
- ۱۸۵- نقش خویشاوندی ..... ۷۸۴
- ۱۸۶- نقش خویشاوندی با پاکان ..... ۷۸۸
- ۱۸۷- نقش خویشاوندی با محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۷۸۸
- ۱۸۸- نقش عواطف خویشاوندی ..... ۷۸۸
- ۱۸۹- نقش عواطف خویشاوندی بنی اسرائیل ..... ۷۸۹
- ۱۹۰- اقرار علیه خویش ..... ۷۹۰
- ۱۹۱- خیانت به خویش ..... ۷۹۰
- ۱۹۲- زیان به خویش ..... ۷۹۰
- ۱۹۳- ظلم به خویش ..... ۷۹۲
- ۱۹- خیال پردازی ..... ۷۹۳
- ۱- آثار خیال پردازی ..... ۷۹۳
- ۲- تنزیه از خیال پردازی ..... ۷۹۴
- ۳- تهمت خیال پردازی به محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۷۹۴
- ۴- خیال پردازی شاعران ..... ۷۹۴
- ۵- خیال پردازی عوام یهود ..... ۷۹۴
- ۶- خیال پردازی کافران ..... ۷۹۶
- ۷- خیال پردازی مشرکان ..... ۷۹۶
- ۸- خیال پردازی مکذبان آخرت ..... ۷۹۶

- ۷۹۷ ..... ۹- زمینه خیال پردازی
- ۷۹۸ ..... ۱۰- شاعران مؤمن و خیال پردازی
- ۷۹۸ ..... ۱۱- علاقه به خیال پردازی
- ۷۹۸ ..... ۱۲- استهزاهای خیال پردازان
- ۸۰۰ ..... ۱۳- تکذیبگری خیال پردازان
- ۸۰۱ ..... ۲۰- خیانت
- ۸۰۱ ..... ۱- خیانت
- ۸۰۵ ..... ۲- آثار ترک خیانت
- ۸۰۵ ..... ۳- آثار خیانت
- ۸۰۷ ..... ۴- آثار خیانت بنی نضیر
- ۸۰۹ ..... ۵- آثار خیانت به خدا
- ۸۰۹ ..... ۶- آثار خیانت به محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۸۰۹ ..... ۷- آثار خیانت تاجران
- ۸۰۹ ..... ۸- آثار خیانت در جنگ
- ۸۱۱ ..... ۹- آثار خیانت در معامله
- ۸۱۱ ..... ۱۰- آثار خیانت مشرکان
- ۸۱۱ ..... ۱۱- آثار ذکر خیانت منافقان
- ۸۱۱ ..... ۱۲- اجتناب از خیانت
- ۸۱۳ ..... ۱۳- اجتناب از خیانت در معامله
- ۸۱۳ ..... ۱۴- احتمال خیانت
- ۸۱۵ ..... ۱۵- افشای خیانت مشرکان
- ۸۱۵ ..... ۱۶- پاداش اجتناب از خیانت
- ۸۱۵ ..... ۱۷- پیشگیری از خیانت
- ۸۱۵ ..... ۱۸- تشخیص خیانت کافران
- ۸۱۷ ..... ۱۹- تکرار خیانت با محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۸۱۷ ..... ۲۰- حرمت خیانت

- ۸۱۷ ..... ۲۱- خیانت اسیران غزوه بدر
- ۸۱۷ ..... ۲۲- خیانت اکثریت یهود
- ۸۱۹ ..... ۲۳- خیانت الغای معاهدات
- ۸۱۹ ..... ۲۴- خیانت اهل کتاب
- ۸۱۹ ..... ۲۵- خیانت بر محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۸۲۱ ..... ۲۶- خیانت بنی اسرائیل
- ۸۲۱ ..... ۲۷- خیانت بنی نضیر
- ۸۲۱ ..... ۲۸- خیانت به اسلام
- ۸۲۲ ..... ۲۹- خیانت به امانت جامعه
- ۸۲۳ ..... ۳۰- خیانت به بیت المال
- ۸۲۳ ..... ۳۱- خیانت به خدا
- ۸۲۵ ..... ۳۲- خیانت به خود
- ۸۲۷ ..... ۳۳- خیانت به خویش
- ۸۲۷ ..... ۳۴- خیانت به دستاوردهای زکریا(ع)
- ۸۲۷ ..... ۳۵- خیانت به دین
- ۸۲۹ ..... ۳۶- خیانت به کافران
- ۸۲۹ ..... ۳۷- خیانت به لوط(ع)
- ۸۲۹ ..... ۳۸- خیانت به محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۸۳۳ ..... ۳۹- خیانت به مؤمنان
- ۸۳۴ ..... ۴۰- خیانت به نوح(ع)
- ۸۳۵ ..... ۴۱- خیانت به یتیم
- ۸۳۵ ..... ۴۲- خیانت تجاوز جنسی
- ۸۳۷ ..... ۴۳- خیانت چشم
- ۸۳۷ ..... ۴۴- خیانت حرام
- ۸۳۷ ..... ۴۵- خیانت در امانت
- ۸۳۹ ..... ۴۶- خیانت در امانتداری



۸۴۱	۴۷- خیانت در سخن
۸۴۱	۴۸- خیانت در گواهی
۸۴۳	۴۹- خیانت در مسلمانان
۸۴۳	۵۰- خیانت دشمنان مؤمنان
۸۴۳	۵۱- خیانت زنان اشراف مصر
۸۴۵	۵۲- خیانت عهدشکنان
۸۴۵	۵۳- خیانت کاتب
۸۴۵	۵۴- خیانت کافران
۸۴۷	۵۵- خیانت گواه
۸۴۸	۵۶- خیانت مشرکان صدراسلام
۸۴۹	۵۷- خیانت منافقان
۸۵۱	۵۸- خیانت منافقان مدینه
۸۵۱	۵۹- خیانت همسر لوط(ع)
۸۵۳	۶۰- خیانت همسر نوح(ع)
۸۵۳	۶۱- خیانت یهود
۸۵۳	۶۲- زشتی خیانت
۸۵۵	۶۳- زمینه خیانت
۸۵۵	۶۴- زیان خیانت
۸۵۷	۶۵- عوامل خیانت
۸۵۷	۶۶- فرجام خیانت به خدا
۸۵۷	۶۷- کیفر خیانت
۸۵۹	۶۸- گناه خیانت
۸۵۹	۶۹- گناه خیانت در گواهی
۸۵۹	۷۰- مبعوضت خیانت
۸۶۱	۷۱- منشأ خیانت در امانت
۸۶۱	۷۲- موارد خیانت

- ۷۳- موارد خیانت به خدا ..... ۸۶۲
- ۷۴- موانع خیانت ..... ۸۶۳
- ۷۵- موجبات خیانت ..... ۸۶۳
- ۷۶- ناپسندی خیانت ..... ۸۶۳
- ۲۱- خیر ..... ۸۶۵
- ۱- خیر ..... ۸۶۵
- ۲- آثار اخروی عمل خیر ..... ۸۶۷
- ۳- آثار برخورداری از خیر ..... ۸۶۷
- ۴- آثار پیشگامی در عمل خیر ..... ۸۶۷
- ۵- آثار ترک عمل خیر ..... ۸۶۹
- ۶- آثار دعوت به خیر ..... ۸۶۹
- ۷- آثار رضایت به عمل خیر ..... ۸۷۱
- ۸- آثار سبقت در عمل خیر ..... ۸۷۱
- ۹- آثار عمل خیر ..... ۸۷۱
- ۱۰- آثار ممانعت از خیر ..... ۸۷۳
- ۱۱- ابزار شناخت خیر ..... ۸۷۳
- ۱۲- اجتناب از زیاد شمردن عمل خیر ..... ۸۷۳
- ۱۳- ارزش پیشگامی در عمل خیر ..... ۸۷۳
- ۱۴- ارزش تشخیص خیر ..... ۸۷۵
- ۱۵- ارزش تشویق به عمل خیر ..... ۸۷۵
- ۱۶- امتحان با خیر ..... ۸۷۵
- ۱۷- امتناع از سخن خیر ..... ۸۷۷
- ۱۸- انتخاب خیر ..... ۸۷۷
- ۱۹- انجام عمل خیر ..... ۸۷۷
- ۲۰- انگیزه عمل خیر ..... ۸۷۷
- ۲۱- اهمیت عمل خیر ..... ۸۷۹

- ۸۷۹ ..... ۲۲- بخل در خیر
- ۸۷۹ ..... ۲۳- بقای عمل خیر
- ۸۷۹ ..... ۲۴- پاداش اخروی عمل خیر
- ۸۸۱ ..... ۲۵- پاداش پیشگامان عمل خیر
- ۸۸۱ ..... ۲۶- پاداش دعوت به خیر
- ۸۸۱ ..... ۲۷- پاداش سبقت در عمل خیر
- ۸۸۱ ..... ۲۸- پاداش عمل خیر وارث
- ۸۸۳ ..... ۲۹- پاداش مضاعف عمل خیر
- ۸۸۳ ..... ۳۰- پیشگامان در عمل خیر
- ۸۸۵ ..... ۳۱- پیشگامان عمل خیر
- ۸۸۵ ..... ۳۲- پیشگامی در عمل خیر
- ۸۸۵ ..... ۳۳- تجسم عمل خیر
- ۸۸۷ ..... ۳۴- تحصیل خیر
- ۸۸۷ ..... ۳۵- ترک دعوت به خیر
- ۸۸۷ ..... ۳۶- تشبیه عمل خیر
- ۸۸۷ ..... ۳۷- تشخیص عمل خیر
- ۸۸۹ ..... ۳۸- تشویق به خیر
- ۸۸۹ ..... ۳۹- تشویق به عمل خیر
- ۸۹۱ ..... ۴۰- تعجیل در عمل خیر
- ۸۹۱ ..... ۴۱- تکبر بر عمل خیر
- ۸۹۱ ..... ۴۲- توصیه به خیر در نجوا
- ۸۹۱ ..... ۴۳- توصیه به عمل خیر
- ۸۹۳ ..... ۴۴- حاکمیت تکوینی خیر
- ۸۹۳ ..... ۴۵- حرمت اطاعت از مانعان خیر
- ۸۹۳ ..... ۴۶- خیر اخروی مجاهدان
- ۸۹۵ ..... ۴۷- خیر اخروی مؤمنان

- ۴۸- خیر الحاکمین ..... ۸۹۵
- ۴۹- خیر الراحمین ..... ۸۹۵
- ۵۰- خیر الرازقین ..... ۸۹۷
- ۵۱- خیر المنزلین ..... ۸۹۷
- ۵۲- خیر الوارثین ..... ۸۹۸
- ۵۳- خیر بودن آخرت ..... ۸۹۹
- ۵۴- خیر تعالیم انبیا ..... ۸۹۹
- ۵۵- خیر تقوا ..... ۸۹۹
- ۵۶- خیر دنیوی مجاهدان ..... ۸۹۹
- ۵۷- خیر دنیوی مؤمنان ..... ۹۰۱
- ۵۸- خیر عبادت ..... ۹۰۱
- ۵۹- دعوت به خیر ..... ۹۰۱
- ۶۰- دوست بی خیر ..... ۹۰۵
- ۶۱- ذکر خیر صالحان ..... ۹۰۵
- ۶۲- راه خیر ..... ۹۰۵
- ۶۳- رد خواسته های مانعان خیر ..... ۹۰۷
- ۶۴- روش تشویق به عمل خیر ..... ۹۰۷
- ۶۵- روش دعوت به خیر ..... ۹۰۷
- ۶۶- رؤیت اخروی عمل خیر ..... ۹۰۸
- ۶۷- زمینۀ ازدیاد عمل خیر ..... ۹۰۹
- ۶۸- زمینۀ پاداش عمل خیر ..... ۹۰۹
- ۶۹- زمینۀ خیر ..... ۹۰۹
- ۷۰- زمینۀ عمل خیر ..... ۹۱۱
- ۷۱- زمینۀ های عمل خیر ..... ۹۱۵
- ۷۲- سبقت در خیر ..... ۹۱۵
- ۷۳- سختی عمل خیر ..... ۹۱۵

- ۷۴- سرزنش ممانعت از خیر ----- ۹۱۵
- ۷۵- شرایط عمل خیر ----- ۹۱۷
- ۷۶- شفاعت در عمل خیر ----- ۹۱۷
- ۷۷- عجز از درک خیر ----- ۹۱۷
- ۷۸- علم به عمل خیر ----- ۹۱۸
- ۷۹- عمل خیر ----- ۹۱۸
- ۸۰- عمل خیر ابراهیم(ع) ----- ۹۲۰
- ۸۱- عمل خیر ادریس(ع) ----- ۹۲۲
- ۸۲- عمل خیر اسحاق(ع) ----- ۹۲۲
- ۸۳- عمل خیر اسماعیل(ع) ----- ۹۲۴
- ۸۴- عمل خیر الیسع(ع) ----- ۹۲۴
- ۸۵- عمل خیر انبیا ----- ۹۲۶
- ۸۶- عمل خیر اولیاء الله ----- ۹۲۶
- ۸۷- عمل خیر ایوب(ع) ----- ۹۲۶
- ۸۸- عمل خیر بهشتیان ----- ۹۲۸
- ۸۹- عمل خیر داود(ع) ----- ۹۲۸
- ۹۰- عمل خیر ذوالکفل(ع) ----- ۹۲۸
- ۹۱- عمل خیر زکریا(ع) ----- ۹۳۰
- ۹۲- عمل خیر سلیمان(ع) ----- ۹۳۰
- ۹۳- عمل خیر لوط(ع) ----- ۹۳۰
- ۹۴- عمل خیر موسی(ع) ----- ۹۳۲
- ۹۵- عمل خیر مؤمنان ----- ۹۳۲
- ۹۶- عمل خیر نوح(ع) ----- ۹۳۲
- ۹۷- عمل خیر هارون(ع) ----- ۹۳۲
- ۹۸- عمل خیر همسر زکریا(ع) ----- ۹۳۴
- ۹۹- عمل خیر یحیی(ع) ----- ۹۳۴

- ۹۳۵ ..... ۱۰۰- عمل خیر یعقوب(ع)
- ۹۳۶ ..... ۱۰۱- عمل خیر یونس(ع)
- ۹۳۷ ..... ۱۰۲- عوامل خیر
- ۹۴۰ ..... ۱۰۳- عوامل محرومیت از خیر
- ۹۴۰ ..... ۱۰۴- فاقدان خیر
- ۹۴۱ ..... ۱۰۵- فضایل پیشگامان در عمل خیر
- ۹۴۲ ..... ۱۰۶- فقرا و خیر
- ۹۴۲ ..... ۱۰۷- گرایش به خیر
- ۹۴۴ ..... ۱۰۸- مانعان خیر در جهنم
- ۹۴۴ ..... ۱۰۹- محرومان از خیر
- ۹۴۶ ..... ۱۱۰- مراد از خیر
- ۹۴۶ ..... ۱۱۱- مسابقه در عمل خیر
- ۹۴۶ ..... ۱۱۲- مسلمانان و عمل خیر
- ۹۴۸ ..... ۱۱۳- ملاک استحقاق خیر
- ۹۴۸ ..... ۱۱۴- ممانعت از خیر
- ۹۴۸ ..... ۱۱۵- ممنوعیت اطاعت از مانعان خیر
- ۹۴۸ ..... ۱۱۶- منایع خیر
- ۹۵۰ ..... ۱۱۷- منشأ خیر
- ۹۶۲ ..... ۱۱۸- منشأ خیر اخروی
- ۹۶۲ ..... ۱۱۹- منشأ خیر بودن محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۹۶۴ ..... ۱۲۰- منشأ خیر دنیوی
- ۹۶۴ ..... ۱۲۱- موارد خیر
- ۹۶۸ ..... ۱۲۲- موانع خیر
- ۹۶۸ ..... ۱۲۳- موجبات خیر
- ۹۶۸ ..... ۱۲۴- موفقیت در عمل خیر
- ۹۷۰ ..... ۱۲۵- نزول خیر بر مسلمانان

- ۱۲۶- نشانه های خیر ..... ۹۷۰
- ۱۲۷- نیت در عمل خیر ..... ۹۷۰
- ۱۲۸- نیت عمل خیر ..... ۹۷۰
- ۱۲۹- واسطه خیر ..... ۹۷۲
- ۱۳۰- وعده پاداش عمل خیر ..... ۹۷۲
- ۱۳۱- هماهنگی ممانعت از خیر با حق ستیزی ..... ۹۷۲
- ۱۳۲- هماهنگی ممانعت از خیر با شبهه افکنی ..... ۹۷۲
- ۱۳۳- هماهنگی ممانعت از خیر با کفر ..... ۹۷۴
- ۱۳۴- خیر و شر ..... ۹۷۴
- ۱۳۵- خیرخواهان برای خدا ..... ۹۷۵
- ۱۳۶- خیرخواهان قارون ..... ۹۷۶
- ۱۳۷- خیرخواهان محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۹۷۶
- ۱۳۸- خیرخواهان موسی(ع) ..... ۹۷۶
- ۱۳۹- قبول مواعظ خیرخواهان ..... ۹۷۶
- ۱۴۰- قوم ثمود و خیرخواهان ..... ۹۷۸
- ۱۴۱- محبت به خیرخواهان ..... ۹۷۸
- ۱۴۲- خیرخواهی ..... ۹۷۸
- ۱۴۳- آثار اعراض از خیرخواهی ..... ۹۷۸
- ۱۴۴- آثار خیرخواهی ..... ۹۸۰
- ۱۴۵- آثار خیرخواهی مؤمنان ..... ۹۸۰
- ۱۴۶- ارزش خیرخواهی ..... ۹۸۰
- ۱۴۷- اشتها به خیرخواهی ..... ۹۸۲
- ۱۴۸- اشراف قوم ثمود و خیرخواهی ..... ۹۸۲
- ۱۴۹- اشراف قوم عاد و خیرخواهی ..... ۹۸۲
- ۱۵۰- اصالت خیرخواهی ..... ۹۸۲
- ۱۵۱- اظهار خیرخواهی برادران یوسف ..... ۹۸۴

- ۱۵۲- اظهار خیرخواهی شعیب(ع) ..... ۹۸۴
- ۱۵۳- اظهار خیرخواهی صالح(ع) ..... ۹۸۴
- ۱۵۴- اظهار خیرخواهی لوط(ع) ..... ۹۸۶
- ۱۵۵- اظهار خیرخواهی نوح(ع) ..... ۹۸۶
- ۱۵۶- اظهار خیرخواهی هود(ع) ..... ۹۸۶
- ۱۵۷- اهمیت خیرخواهی ..... ۹۸۶
- ۱۵۸- تظاهر به خیرخواهی رهبران شرک ..... ۹۸۸
- ۱۵۹- تظاهر به خیرخواهی شیطان ..... ۹۸۸
- ۱۶۰- تظاهر به خیرخواهی فرعون ..... ۹۸۸
- ۱۶۱- خیرخواهی ابراهیم(ع) ..... ۹۹۰
- ۱۶۲- خیرخواهی ادیان ..... ۹۹۰
- ۱۶۳- خیرخواهی انبیا ..... ۹۹۰
- ۱۶۴- خیرخواهی انسان ..... ۹۹۲
- ۱۶۵- خیرخواهی برای خانواده ..... ۹۹۲
- ۱۶۶- خیرخواهی برای خدا ..... ۹۹۲
- ۱۶۷- خیرخواهی برای دین ..... ۹۹۴
- ۱۶۸- خیرخواهی برای رهبران دینی ..... ۹۹۴
- ۱۶۹- خیرخواهی برای محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۹۹۴
- ۱۷۰- خیرخواهی برای مردم ..... ۹۹۶
- ۱۷۱- خیرخواهی برای مؤمنان ..... ۹۹۶
- ۱۷۲- خیرخواهی بندگان خدا ..... ۹۹۶
- ۱۷۳- خیرخواهی بنی اسرائیل ..... ۹۹۸
- ۱۷۴- خیرخواهی پیروان موسی(ع) ..... ۹۹۸
- ۱۷۵- خیرخواهی حبیب نجار ..... ۹۹۸
- ۱۷۶- خیرخواهی خدا ..... ۹۹۹
- ۱۷۷- خیرخواهی دایه ..... ۱۰۰۰



- ۱۷۸- خیر خواهی در ادیان ----- ۱۰۰۰
- ۱۷۹- خیر خواهی ذوالقرنین ----- ۱۰۰۲
- ۱۸۰- خیر خواهی شعیب(ع) ----- ۱۰۰۲
- ۱۸۱- خیر خواهی شیطان ----- ۱۰۰۲
- ۱۸۲- خیر خواهی صالح(ع) ----- ۱۰۰۳
- ۱۸۳- خیر خواهی فرعون ----- ۱۰۰۴
- ۱۸۴- خیر خواهی لوط(ع) ----- ۱۰۰۴
- ۱۸۵- خیر خواهی مبلغان ----- ۱۰۰۴
- ۱۸۶- خیر خواهی متقین ----- ۱۰۰۶
- ۱۸۷- خیر خواهی محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۱۰۰۶
- ۱۸۸- خیر خواهی مشرکان ----- ۱۰۰۸
- ۱۸۹- خیر خواهی معذوران از جهاد ----- ۱۰۰۸
- ۱۹۰- خیر خواهی مکذبان آخرت ----- ۱۰۰۸
- ۱۹۱- خیر خواهی منافقان ----- ۱۰۰۸
- ۱۹۲- خیر خواهی موسی(ع) ----- ۱۰۱۰
- ۱۹۳- خیر خواهی مؤمن آل فرعون ----- ۱۰۱۰
- ۱۹۴- خیر خواهی مؤمنان ----- ۱۰۱۲
- ۱۹۵- خیر خواهی نوح(ع) ----- ۱۰۱۲
- ۱۹۶- خیر خواهی هود(ع) ----- ۱۰۱۴
- ۱۹۷- خیر خواهی یوسف(ع) ----- ۱۰۱۵
- ۱۹۸- دلایل خیر خواهی مؤمن آل فرعون ----- ۱۰۱۶
- ۱۹۹- زمینه خیر خواهی ----- ۱۰۱۶
- ۲۰۰- موانع تأثیر خیر خواهی ----- ۱۰۱۷
- ۲۰۱- موانع خیر خواهی ----- ۱۰۱۸
- ۲۰۲- ادعای خیر طلبی ----- ۱۰۱۸
- ۲۰۳- خیر طلبی انسان ----- ۱۰۱۸

- ۲۰۴- فطريت خيرطلبى ..... ۱۰۲۰
- ۲۲- دابه الارض ..... ۱۰۲۲
- ۱- تعاليم دابه الارض ..... ۱۰۲۲
- ۲- تكلم دابه الارض ..... ۱۰۲۲
- ۳- حقيقت دابه الارض ..... ۱۰۲۳
- ۴- خروج دابه الارض ..... ۱۰۲۳
- ۵- شگفتى دابه الارض ..... ۱۰۲۳
- ۲۳- دارالكفر ..... ۱۰۲۶
- ۱- دارالكفر ..... ۱۰۲۶
- ۲- احكام دار الكفر ..... ۱۰۲۶
- ۳- اقامت در دار الكفر ..... ۱۰۲۷
- ۴- زندگى در دار الكفر ..... ۱۰۲۷
- ۵- كيفر اقامت در دار الكفر ..... ۱۰۲۸
- ۶- مؤمنان در دار الكفر ..... ۱۰۲۹
- ۷- نابودى دار الكفر ..... ۱۰۲۹
- ۸- نجات از دار الكفر ..... ۱۰۲۹
- ۹- ويژگيهاى دار الكفر ..... ۱۰۲۹
- ۱۰- هجرت از دار الكفر ..... ۱۰۳۱
- ۲۴- دامدارى ..... ۱۰۳۲
- ۱- تاريخ دامدارى ..... ۱۰۳۲
- ۲- دامدارى خانواده شعيب(ع) ..... ۱۰۳۲
- ۳- دامدارى در جاهليت ..... ۱۰۳۲
- ۴- دامدارى در دوران داود(ع) ..... ۱۰۳۳
- ۵- دامدارى در مدين ..... ۱۰۳۳
- ۶- دامدارى قوم عاد ..... ۱۰۳۳
- ۷- دامدارى مردم مقارن بعثت ..... ۱۰۳۴

- ۸- فلسفه دامداری دختران شعیب(ع) ..... ۱۰۳۵
- ۲۵- دانش ..... ۱۰۳۶
- ۱- اهمیت دانش تحلیل حوادث ..... ۱۰۳۶
- ۲- اهمیت دانش تعبیر رؤیا ..... ۱۰۳۶
- ۳- بشارت دانش تعبیر رؤیا ..... ۱۰۳۷
- ۴- تحصیل دانش تحلیل حوادث ..... ۱۰۳۷
- ۵- دانش ارزشمند ..... ۱۰۳۷
- ۶- دانش اقتصاد یوسف(ع) ..... ۱۰۳۹
- ۷- دانش تحلیل حوادث یعقوب(ع) ..... ۱۰۳۹
- ۸- دانش تحلیل حوادث یوسف(ع) ..... ۱۰۳۹
- ۹- دانش تعبیر رؤیا ..... ۱۰۴۳
- ۱۰- دانش تعبیر رؤیا در مصرباستان ..... ۱۰۴۳
- ۱۱- دانش تعبیر رؤیای برادران یوسف ..... ۱۰۴۳
- ۱۲- دانش تعبیر رؤیای یعقوب(ع) ..... ۱۰۴۴
- ۱۳- دانش تعبیر رؤیای یوسف(ع) ..... ۱۰۴۵
- ۱۴- دانش جادو در اصحاب ایکه ..... ۱۰۵۲
- ۱۵- دانش جادو در قوم ثمود ..... ۱۰۵۳
- ۱۶- دانش خواندن در صدراسلام ..... ۱۰۵۳
- ۱۷- دانش کتابت در صدراسلام ..... ۱۰۵۳
- ۱۸- دانش کشاورزی یوسف(ع) ..... ۱۰۵۳
- ۱۹- روش تحصیل دانش تحلیل حوادث ..... ۱۰۵۵
- ۲۰- شرایط تحصیل دانش تحلیل حوادث ..... ۱۰۵۵
- ۲۱- عوامل رشد دانش ..... ۱۰۵۵
- ۲۲- موجبات دانش تعبیر رؤیای یوسف(ع) ..... ۱۰۵۵
- ۲۳- موسی(ع) و دانش تحلیل حوادث ..... ۱۰۵۷
- ۲۴- نعمت دانش تحلیل حوادث ..... ۱۰۵۷

- ۱۰۵۷ ----- ۲۵- نعمت دانش تعبیر رؤیا
- ۱۰۵۹ ----- ۲۶- دانشمندان و آیات آفاقی
- ۱۰۵۹ ----- ۲۷- قرآن و دانشمندان
- ۱۰۶۰ ----- ۲۶- دانیال(ع)
- ۱۰۶۰ ----- ۱- شکنجه پیروان دانیال(ع)
- ۱۰۶۰ ----- ۲- شکنجه دانیال(ع)
- ۱۰۶۱ ----- درباره مرکز

مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد 46

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

1- خمر

1- آثار خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 6

6 - شراب و قمار ، موجب گندی و بازماندن انسان از ثواب و خیر

قل فیهما اثم کبیر

«الاثم»: اسم للافعال المبطنه عن الثواب (مفردات راغب.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 2،9

2 - شراب و قمار ، ابزار شیطان برای ایجاد کینه و عداوت

انما یرید الشیطن . . . فی الخمر و المیسر

9 - قماربازی و میگساری ابزار شیطان برای بازداشتن مردم از یاد خدا و برپایی نماز

انما یرید الشیطن . . . فی الخمر و المیسر و یرصدکم عن ذکر اللّٰه و عن الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 47 - 3

3- شراب ، مایه ضرر و زیان و آسیب رسان به عقل و هوش آدمی

لا فیها غول و لا هم عنها ینزفون

برداشت یاد شده از مفهوم آیه شریفه به دست می آید.

ص: 1

## 2- اجتناب از خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 5,11

5 - اهل ایمان وظیفه دار اجتناب از شرابخواری ، قماربازی و مظاهر شرک

یایها الذین ءامنوا انما الخمر و المیسر . . . فاجتنبوه

11 - پرهیز از شراب خواری ، قماربازی و مظاهر شرک ، زمینه ساز نیل به فلاح و رستگاری \*

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلم . . . فاجتنبوه لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 18

18 - بیان احکام و مفسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از

آنها

انما الخمر و المیسر . . . و یصدکم عن ذکرالله و عن الصلوه فهل انتم منتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 92 - 6

6 - دوری جستن از پلیدی ها ( شراب ، قمار ، مظاهر شرک ) نشانگر اطاعت از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلم . . . و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول

## 3- احکام خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 4

4 - حرمت شرابخواری و قمار بازی

یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 14

14 - هر نوشیدنی مستی آور، خمر است و حرام

انما الخمر .. من عمل الشیطن فاجتنبوه

از امام باقر(ع) درباره «خمر» در آیه فوق روایت شده: فکل مسکر من الشراب خمر اذا اخمر فهو حرام ...

---

تفسیر قمی، ج 1، ص 180؛ نورالثقلین، ج 1، ص 668، ح 342.

ص: 2



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 18

18 - بیان احکام و مفسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و المیسر . . . و یصدکم عن ذکراللہ و عن الصلوہ فهل انتم منتہون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 67 - 12

12- « عن أبي عبد الله (ع) قال : . . . قد أنزل الله . . . » « و من ثمرات النخيل و الأعناب تتخذون منه سكرًا و رزقًا حسنًا » فكان المسلمون بذلك ثم أنزل الله آیه التحريم هذه الآية : « إنما الخمر و المیسر و الأنصاب . . . فاجتنبوه . . . » فهذه آیه التحريم ، و هی نسخت الآية الأخری

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: .. به تحقیق خداوند نازل فرمود:... «و من ثمرات النخيل و الأعناب تتخذون منه سكرًا و رزقًا حسنًا» پس مسلمان هم به همین گونه (گرفتن شراب و خوردن آن) عمل می کردند؛ سپس خداوند آیه تحریم شراب را که این آیه باشد «إنما الخمر و المیسر و الأنصاب ... فاجتنبوه...» نازل فرمود ... پس این آیه تحریم است و این آیه، آیه دیگر را نسخ کرده است».

#### 4- پرسش از خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 1

1 - پرسش مردم از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، درباره شراب و قمار

یسئلونک عن الخمر و المیسر

#### 5- پلیدی خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 1

1 - شراب ، قمار ، بت ها و چوب های مخصوص برد و باخت ، به تمامی پلید و ناپاک اند .

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلیم رجس

«انصاب» جمع کلمه نصب است، برخی آن را به معنای بت گرفته اند و برخی گفته اند «انصاب» سنگهایی بوده که بر آستان بتها نصب می شده و جایگاه ذبح قربانی برای بتها بوده است و بدان جهت مشرکان آنها را مایه تبرک می پنداشتند و محترم می شمردند. «ازلام» جمع زلم (تیرقمار) از انواع وسائل قمار و بردو باخت به شمار می رفته است.

ص: 3

## 6- تاریخ تهیه خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 67 - 4

4- تهیه شراب از خرما و انگور ، در صدر اسلام رواج داشت .

و من ثمرت النخيل و الأعناب تتخذون منه سكرًا

## 7- تاریخ شرب خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 36 - 10

10- شراب خواری در میان حاکمان مصر باستان ، امری رایج بوده است .

إني أريني أعصر خمراً

## 8- تحریم خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 18

18 - بیان احکام و مفاسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و المیسر . . . و یصدکم عن ذکر اللّٰه و عن الصلوة فهل انتم متتهون

## 9- ترک خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 93 - 3

3 - تبرئه مؤمنان از گناه شراب خواری و قماربازی ، مشروط به دست کشیدن از آن پس از نهی خداوند

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا إذا ما اتقوا



## 10- تشریح حرمت خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 67 - 12

12- « عن أبي عبدالله (ع) قال: . . . قد أنزل الله . . . » و من ثمرات النخيل و الأعناب تتخذون منه سكرًا و رزقًا حسنًا « فكان المسلمون بذلك ثم أنزل الله آية التحريم هذه الآية: « إنما الخمر و الميسر و الأنصاب . . . فاجتنبوه . . . » فهذه آية التحريم ، و هي نسخت الآية الأخرى

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: .. به تحقیق خداوند نازل فرمود:... «و من ثمرات النخيل و الأعناب تتخذون منه سكرًا و رزقًا حسنًا» پس مسلمان هم به همین گونه (گرفتن شراب و خوردن آن) عمل می کردند؛ سپس خداوند آیه تحریم شراب را که این آیه باشد «إنما الخمر و الميسر و الأنصاب ... فاجتنبوه...» نازل فرمود ... پس این آیه تحریم است و این آیه، آیه دیگر را نسخ کرده است.»

## 11- تهیه خمر از انگور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 67 - 4

4- تهیه شراب از خرما و انگور ، در صدر اسلام رواج داشت .

و من ثمرت النخيل و الأعناب تتخذون منه سكرًا

## 12- تهیه خمر از خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 67 - 4

4- تهیه شراب از خرما و انگور ، در صدر اسلام رواج داشت .

و من ثمرت النخيل و الأعناب تتخذون منه سكرًا

## 13- حرمت خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 14

14 - هر نوشیدنی مستی آور ، خمر است و حرام

انما الخمر .. من عمل الشیطن فاجتنبوه

از امام باقر(ع) درباره «خمر» در آیه فوق روایت شده: فکل مسکر من الشراب خمر اذا اخمر فهو حرام . . .

ص: 5

تفسیر قمی، ج 1، ص 180؛ نورالثقلین، ج 1، ص 668، ح 342.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 33 - 18

18 - عن أبي الحسن (ع): ... قول الله تبارك و تعالی: «قل إنما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الأثم و البغی بغیر الحق ...» اما قوله: «و ما بطن» یعنی ما نکح من الآباء فإن الناس كانوا قبل أن یبعث النبى (صلی الله علیه و آله) إذا كان للرجل زوجة و مات عنها تزوجها ابنه من بعده إذا لم تكن أمه فحرم الله ذلك و اما «الإثم» فإنها الخمره بعینها ... و اما قوله: «البغی» فهو الزنا سرًا ...

از امام کاظم (ع) درباره «ما بطن» در آیه «قل إنما حرم ربی الفواحش ...» روایت شده است: یعنی ازدواج با همسر پدر؛ زیرا قبل از بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شخصی که از دنیا می رفت اگر همسری از او باقی می ماند، پسر متوفی او را اگر مادرش نبود به همسری برمی گزید خداوند، این ازدواج را تحریم فرمود. اما «اثم» ه---مان شراب است ... و اما «بغی» همان زناى پنهانی است ...

#### 14- خمر در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 13

13 - رواج شرابخوارگی و قماربازی در عصر بعثت

یستلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس

فعل مضارع «یستلونک»، دلالت بر تکرار سؤال دارد و تکرار سؤال، بیانگر رواج مورد سؤال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 10

10 - رواج شراب خورای، قمار بازی و گرایش به مظاهر شرک در عصر بعثت

یا ایها الذین ءامنوا انما الخمر ... رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 67 - 4

4- تهیه شراب از خرما و انگور ، در صدر اسلام رواج داشت .

و من ثمرت النخيل و الأعنب تتخذون منه سكرًا

### 15- خمر قبل از تحریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 93 - 2,5

ص: 6



2- استفاده مؤمنان نیک کردار از شراب و قمار پیش از حکم خداوند به حرمت آنها، خالی از سرزنش و گناه

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

مراد از «ما» در «ما طعموا» شراب و درآمدهای حاصل از قمار بازی است بنابراین اراده شراب خواری و مصرف آن درآمدهای قمار از «طعام» - که تنها در مورد خوراکیها به کار برده می شود - میتواند از باب تغلیب باشد.

5- مؤمنان دارای عمل صالح که شراب نوشیدند و از درآمد های قمار بهره جستند و زمان تحریم آن را درک نکردند - بر خلاف توهم گروهی از مسلمانان - اهل نجات و رستگاری هستند .

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

در برخی از شأن نزولهای آمده که آیه «لیس علی الذین . . .» رد پندار آن گروه از مسلمانان است که پس از تصریح به حرمت قمار و شراب و پلید شمردن آنها، نسبت به فرجام مؤمنان صالح حتی شهیدان راه خدا که شرابی نوشیدند و از عوائد قمار بهره جستند، تشکیک می کردند و آنان را از زمره رستگاران نمی شمردند.

## 16- زیان خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 47 - 3

3- شراب ، مایه ضرر و زیان و آسیب رسان به عقل و هوش آدمی

لا فیها غول و لا هم عنها ینزفون

برداشت یاد شده از مفهوم آیه شریفه به دست می آید.

## 17- شرب خمر حاکمان مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 36 - 10

10- شراب خواری در میان حاکمان مصر باستان ، امری رایج بوده است .

ینی آرینی أعصر خمرًا

## 18- شرب خمر در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 93 - 1

1 - برخی از مسلمانان عصر بعثت - تا پیش از نزول آیه « انما الخمر . . . » - به شرابخواری و قماربازی مبتلا بودند .

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

ص: 7

فعل ماضی «طعموا» دلالت بر این دارد که برخی از مسلمانان پیش از نزول این بخش از آیات، از شراب خواری و قماربازی پرهیز نداشتند.

## 19- شرب خمر در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 17

17 - شراب خواری و قماربازی برخی مسلمانان صدر اسلام حتی پس از تحریم آن

فهل انتم منتهون

بیان رسای آیات مورد بحث در تحریم شراب و قمار و تزییل آن با جمله ای مذمت آمیز همراه با تردید نسبت به پرهیز مسلمانان از آن (آیا دست از قمار بازی و شرابخواری می کشید)، می رساند که تحریم قمار و شراب قبلا اعلام شده ولی برخی از مسلمانان شاید به توهم تصریح نداشتن آن آیات در تحریم، همچنان به شرابخواری و قماربازی ادامه می دادند گفتنی است که شأن نزول های نقل شده درباره این آیات برداشت فوق را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 93 - 1,2

1 - برخی از مسلمانان عصر بعثت - تا پیش از نزول آیه « انما الخمر . . . » - به شرابخواری و قماربازی مبتلا بودند .

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

فعل ماضی «طعموا» دلالت بر این دارد که برخی از مسلمانان پیش از نزول این بخش از آیات، از شراب خواری و قماربازی پرهیز نداشتند.

2 - استفاده مؤمنان نیک کردار از شراب و قمار پیش از حکم خداوند به حرمت آنها، خالی از سرزنش و گناه

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

مراد از «ما» در «ما طعموا» شراب و درآمدهای حاصل از قمار بازی است بنابراین اراده شراب خواری و مصرف آن درآمدهای قمار از «طعام» - که تنها در مورد خوراکیها به کار برده می شود - میتواند از باب تغلیب باشد.

## 20- ضرر خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- شراب و قمار، دارای زیانی بزرگ و منافی اندک

قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس

کلمه «اِثم»، به قرینه مقابل آن (منافع)، می تواند به معنای زیان باشد.

ص: 8

## 21- فلسفه تحریم خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 4,10

4 - حراست از وحدت جامعه ایمانی و دور نگاهداشتن آن از کینه و دشمنی فلسفه تحریم شراب خواری و قماربازی

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدو و البغضاء

10 - باز نماندن از نماز و یاد خدا از حکمت های تحریم میگساری و قماربازی

انما یرید الشیطن . . . فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکرالله و عن الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 19 - 2

2 - فلسفه ممنوعیت باده نوشی در دنیا ، وجود عوارض بد آن ( سر درد و از دست دادن عقل ) است .

لا یصدعون عنها و لاینزفون

جمله «لا یصدعون . . .» می تواند پاسخ سؤال مقدر باشد و آن این که: اگر شراب نوشی در آخرت پسندیده است، چرا در دنیا نباشد؟ پاسخ این است که شراب آخرت، عوارض ناگوار ندارد (برعکس شراب های دنیا).

## 22- فلسفه حرمت خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 23

23 - « محمد بن عذافر عن بعض رجاله عن ابی جعفر (ع) قال قلت له لم حرم الله عزو جل الخمر و المیتة و الدم و لحم الخنزیر ؟ فقال : ان الله تبارک و تعالی . . . خلق الخلق . . . و علم ما یضرهم فنهاهم عنه و حرمه علیهم ثم احله للمضطر فی الوقت الذی لایقوم بدنه إلا به فأمره أن ینال منه بقدر البلغه لاغیر ذلک . . . »

امام باقر(ع) در پاسخ از علت حرمت خمر، مردار، خون و گوشت خوک فرمودند: خداوند انسانها را آفرید . . . و می دانست چه چیزی موجب ضرر و زیان آنان است و آنان را از آن نهی نموده و برایشان حرام کرده است، سپس برای مضطر در وقتی که بدن او به آن نیاز پیدا کرده، حلال شمرده است که به اندازه کفاف بخورد نه بیشتر از آن . . . «.

## 23- فواید خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 5.8

5 - شراب و قمار ، دارای زیانی بزرگ و منافع اندک

ص: 9

قل فیہما اثم کبیر و منافع للناس

کلمه «اثم»، به قرینه مقابل آن (منافع)، می تواند به معنای زیان باشد.

8- گناه شرابخواری و قماربازی ، از منفعت آنها بیشتر است .

یسئلونک عن الخمر و المیسر . . . اثمهما اکبر من نفعهما

## 24- گناه خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 7،8

7 - میگساری و قماربازی از گناهان بزرگ

یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیہما اثم کبیر . . . و اثمهما اکبر

«اثم» به معنای گناه و کاری است که انجام آن حرام است. (القاموس المحيط)

8- گناه شرابخواری و قماربازی ، از منفعت آنها بیشتر است .

یسئلونک عن الخمر و المیسر . . . اثمهما اکبر من نفعهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 3

3 - شرابخواری و قماربازی از گناهان کبیره

انما الخمر و المیسر . . . رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

چون خداوند شراب و قمار را پلید و کار شیطانی شمرد و رستگاری را در گرو ترک آن دانست و در آیه بعد آنها را عامل دشمنی و کینه توزی و مایه فراموشی یاد خدا و نماز معرفی کرد معلوم می شود شراب خواری و قماربازی نمی تواند گناه کوچکی محسوب شود.

## 25- گناه شرب خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 137 - 10

10 - ارتکاب گناہانی همچون شرابخواری، زنا و نپرداختن زکات، با اعتقاد به گناه بودن آنها، کفر است.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا

ابو بصیر از معصوم (ع) روایت کرده است که پس از تلاوت «ان الذین ءامنوا ثم کفروا ثم ءامنوا ثم ازدادوا کفراً» امام فرمود: من زعم ان الخمر حرام ثم شربها، و من زعم ان الزنا حرام ثم زنی، و من زعم ان الزکوة حق و لم یؤدها.

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 281، ح 288؛ نورالثقلین، ج 1، ص 563، ح 623.

ص: 10



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 93 - 3

3 - تبرئه مؤمنان از گناه شراب خواری و قماربازی ، مشروط به دست کشیدن از آن پس از نهي خداوند

ليس على الذين ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فيما طعموا إذا ما اتقوا

### 26- مفسد خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 18

18 - بیان احکام و مفسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و الميسر . . . و يصدكم عن ذكرالله و عن الصلوه فهل انتم منتهون

### 27- موارد خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 14

14 - هر نوشیدنی مستی آور ، خمر است و حرام

انما الخمر . . . من عمل الشيطان فاجتنبوه

از امام باقر(ع) درباره «خمر» در آیه فوق روایت شده: فكل مسكر من الشراب خمر اذا اخمر فهو حرام . . .

---

تفسیر قمی، ج 1، ص 180؛ نورالثقلین، ج 1، ص 668، ح 342.

### 28- ناپسندی شرب خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 2

2 - شراب خواری ، قمار بازی ، گرایش به مظاهر شرک و تفأل های مرسوم در جاهلیت ، کرداری شیطانی است

انما الخمر . . من عمل الشیطن

ص: 11

## 2- خمس

### 1- اجتناب از ادای خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 12

12 - مسلمانان دارای زمینه هایی برای تخلف از دستور خمس و رساندنش به صاحبان آن

واعلموا انما غنمتم من شیء .. . ان کنتم ءامنتم

از اینکه پرداخت خمس نشانه ایمان به خدا و آیات او دانسته شده و به این وسیله مورد تأکید قرار گرفته، برداشت فوق به دست می آید.

### 2- احکام خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 1,2,3,4,5,6,7

1 - پیکارگران مسلمان باید خمس غنائم جنگی به دست آمده را پردازند .

انما غنمتم من شیء فان لله خمسہ

از مصادیق مورد نظر برای «ما غنمتم» به دلیل وقوع آن در بین آیات جنگ، چیزهایی است که از دشمن گرفته می شود که به آن غنائم جنگی اطلاق می گردد.

2 - باید خمس ( یک پنجم ) استفاده های مالی ، هر چند اندک باشد ، پرداخت شود .

واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسہ

«غنم» مصدر «غنمتم» به معنای به دست آوردن فایده است. راغب در مفردات می گوید: غنم به معنای به دست آوردن گوسفندان بوده و سپس در مورد هر چیزی که بدان دست یافته شود، استعمال شده است؛ چه در جنگ از دشمنان به دست آید و یا از طریق دیگر. «من شیء» بیان و توضیحی است برای «ما»ی موصوله و دلالت می کند بر اینکه باید خمس آن فایده به

دست آمده، هر چند اندک باشد، پرداخت شود.

3- ضرورت توجه به حکم شرعی غنایم در کنار مسایل جنگ و جهاد

واعلموا أنما غنمتم من شیء

4- غنیمت های جنگ و دیگر استفاده های مالی، بجز خمس آن، از آن غنیمت گیرنده و استفاده برنده است.

واعلموا أنما غنمتم من شیء فأن لله خمسہ

5- خمس غنایم جنگ و دیگر درآمد ها از آن خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خویشان اوست.

فأن لله خمسہ وللرسول ولذی القربی

«ذی القربی» به معنای خویش است و چون خویشی یک معنای اضافی است با قراین کلامی روشن می شود که خویشان چه کسی مراد است. در اینجا مراد از «ذی القربی» به دلیل کلمه «الرسول»، خویشان پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند. در حقیقت «ال» در «القربی» جانشین مضاف إليه است؛ یعنی: للرسول و لذی قریبہ.

6- یتیمان، مساکین و در راه ماندگان، باید از خمس غنایم و دیگر درآمد ها بهره مند شوند.

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

7- یتیمان، مساکین و در راه ماندگان در صورتی می توانند از خمس استفاده کنند که از وابستگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشند.\*

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

برداشت فوق مبتنی بر این است که «ال» در «الیتامی» و .. جانشین مضاف إليه باشد؛ یعنی یتامی الرسول و ...

### 3- ادای خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 10

10 - پرداخت خمس غنیمت ها و دیگر استفاده های مالی، نشان ایمان به خدا و ایمان به پیروزی آفرینی خدا در جنگ بدر است.

فأن لله خمسہ وللرسول .. إن کنتم ءامنتم بالله و ما أنزلنا علی عبدنا

مراد از «ما أنزلنا ..» می تواند همان امدادهای غیبی الهی باشد که مسلمانان در پرتو آن به پیروزی در جنگ بدر دست یافتند.

### 4- اهمیت خمس

4 - لزوم انفاق و کمک به سائلان و محرومان جامعه ، افزون بر پرداخت زکات و خمس

للسائل و المحروم

انفاق به سائلان و محرومان جامعه - همان گونه که مفسران یادآور شده اند - پیش از واجب شدن زکات و خمس مقرر شده است. از آن جایی که دلیل قاطعی بر نفی این فریضه و یا تبدیل آن به زکات و خمس به دست نیامده است؛ می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

ص: 13

## 5- خمس غنایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 10، 1، 5

1 - پیکارگران مسلمان باید خمس غنایم جنگی به دست آمده را بپردازند .

أنما غنمتم من شیء فأن لله خمسہ

از مصادیق مورد نظر برای «ما غنمتم» به دلیل وقوع آن در بین آیات جنگ، چیزهایی است که از دشمن گرفته می شود که به آن غنایم جنگی اطلاق می گردد.

5 - خمس غنایم جنگ و دیگر درآمد ها از آن خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خویشان اوست .

فأن لله خمسہ و للرسول و لذی القربی

«ذی القربی» به معنای خویش است و چون خویشی یک معنای اضافی است با قراین کلامی روشن می شود که خویشان چه کسی مراد است. در اینجا مراد از «ذی القربی» به دلیل کلمه «الرسول»، خویشان پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند. در حقیقت «ال» در «القربی» جانشین مضاف إليه است؛ یعنی: للرسول و لذی قریبہ.

10 - پرداخت خمس غنیمت ها و دیگر استفاده های مالی، نشان ایمان به خدا و ایمان به پیروزی آفرینی خدا در جنگ بدر است .

فأن لله خمسہ و للرسول .. إن کنتم ءامنتم بالله و ما أنزلنا علی عبدنا

مراد از «ما أنزلنا ..» می تواند همان امدادهای غیبی الهی باشد که مسلمانان در پرتو آن به پیروزی در جنگ بدر دست یافتند.

## 6- شرایط استفاده از خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 7

7 - یتیمان، مساکین و در راه ماندگان در صورتی می توانند از خمس استفاده کنند که از وابستگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشند . \*

و الیتیمی و المسکین و ابن السبیل

برداشت فوق مبنی بر این است که «ال» در «الیتامی» و .. جانشین مضاف إليه باشد؛ یعنی یتامی الرسول و ... .

## 7- فلسفه خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 19، 11

11 - آزمودن مسلمانان در ادعای ایمانشان به خدا و آیات او منشایی برای تشریح دستور خمس

و اعلموا أنما غنمتم

ص: 14

برداشت فوق ناظر بر این اساس است که جمله «و الله علی کل شیء قدیر» ناظر به لزوم پرداخت خمس باشد. یعنی این فرمان نه از آن روست که خداوند نیازمند اموال شماست و بر رفع نیاز بینوایان توانا نیست، بلکه هدف از این فرمان اولاً تمایز مؤمنان راستین از غیر ایشان است و ثانیاً این است که نیاز نیازمندان هر جامعه توسط همان جامعه تأمین شود.

19 - رفع نیاز های جامعه ایمانی از سوی خود مسلمانان ، منشأ تشریح خمس ، نه ناتوانی خداوند بر تأمین آن نیازها

و اعلموا انما غنمتم من شیء .. و الله علی کل شیء قدیر

### 8- مالک خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 5

5 - خمس غنایم جنگ و دیگر درآمد ها از آن خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خویشان اوست .

فأن لله خمسہ و للرسول و لذی القربی

«ذی القربی» به معنای خویش است و چون خویشی یک معنای اضافی است با قراین کلامی روشن می شود که خویشان چه کسی مراد است. در اینجا مراد از «ذی القربی» به دلیل کلمه «الرسول»، خویشان پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند. در حقیقت «ال» در «القربی» جانشین مضاف إليه است؛ یعنی: للرسول و لذی قریبہ.

### 9- مسلمانان و خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 12

12 - مسلمانان دارای زمینه هایی برای تخلف از دستور خمس و رساندنش به صاحبان آن

و اعلموا انما غنمتم من شیء .. إن کنتم ءامنتم

از اینکه پرداخت خمس نشانه ایمان به خدا و آیات او دانسته شده و به این وسیله مورد تأکید قرار گرفته، برداشت فوق به دست می آید.

### 10- مصارف خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 6,7



6- یتیمان ، مساکین و در راه ماندگان ، باید از خمس غنایم و دیگر درآمدها بهره مند شوند .

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

7- یتیمان ، مساکین و در راه ماندگان در صورتی می توانند از خمس استفاده کنند که از وابستگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشند . \*

ص: 15

برداشت فوق مبتنی بر این است که «ال» در «الیتامی» و .. . جانشین مضاف إليه باشد ; یعنی یتامی الرسول و ... .

### 3- خنده

#### 1- اهمیت خنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 43 - 4

4 - خنده و گریه ، از بارزترین نمود ها و ویژگی های طبیعت انسان

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكٌ وَأَبْكِي

از اختصاص به ذکر یافتن خنده و گریه در میان سایر افعال انسان، مطلب بالا استفاده می شود.

#### 2- خنده در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 43 - 5

5- قیامت ، روز خنده و گریه خلاق \*

ثُمَّ يَجْزِيهِ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى . . . وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكٌ وَأَبْكِي

برداشت یاد شده بدین احتمال است که این آیه - به قرینه آیات پیشین - در ارتباط با قیامت باشد.

#### 3- خنده رویان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 39 - 1

1 - گروهی از مردم ، با چهره های خندان در صحنه قیامت حضور خواهند داشت .

ص: 17

#### 4- خنده منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 82 - 1

1 - خوشحالی و خنده منافقان متخلف از جهاد ، اندک و زودگذر در مقایسه با عذاب ها و گریه های اخروی آنان

فلیضحکوا قليلا و لیبکوا کثیراً

برداشت فوق بر این اساس است که جمله «فلیضحکوا» در مورد دنیا و «ولیبکوا» در مورد آخرت باشد.

#### 5- خنده ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 60 - 4

4 - زندگی آکنده از خنده و سرخوشی و به دور از اندوه معنوی ، مورد نکوهش الهی است .

و تضحکون و لاتبکون

#### 6- روش خنده انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 19 - 2

2 - تبسم ، خنده پیامبران

فتبسم ضاحکاً من قولها

«ضاحکاً» حال برای ضمیر فاعل در «تبسم» و «من قولها» متعلق به «ضاحکاً» است؛ یعنی، تبسم کرد در حالی که از سخن مورچه خنده اش گرفته بود. مقصود این است که سلیمان با این که از سخن مورچه خنده اش گرفته بود، با صدای بلند خنده نکرد؛ بلکه تنها تبسم نمود.

#### 7- سرور اخروی خنده رویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

ص: 18

«إستبشار»؛ یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). «بشر و استبشر» به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

### 8- عوامل خنده رویی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 39 - 3,4

3 - پاکی ، تذکر پذیری ، هدایت جویی و خداترسی ، چهره انسان را در قیامت خندان و شادمان خواهد ساخت .

لعلّه یزّگی . او یذّکر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... ضاحکه مستبشره

4 - ایمان و دوری از گناه ، مایه بشّاش و خندان بودن چهره مؤمنان در قیامت

و جوه ... ضاحکه مستبشره

به قرینه آخرین آیه این سوره (أولئك هم الكفرة الفجرة)، مراد از «وجوه» در این آیات، چهره های کسانی است که کافر نبوده و از فسق و فجور پاک و منزّه اند.

### 9- منشأ خنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 43 - 2

2 - بازگشت تمامی افعال انسان - حتی خنده و گریه او - به خداوند ، نمودی از تدبیر مطلقه الهی

و أنّ إلى ربّك المنتهی . و أنّه هو أضحک و أبکی

از ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

### 10- نشاط اخروی خنده رویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 39 - 2

2 - کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند ، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

«إستبشار»؛ یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). «بشر و استبشر» به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

### 11- خنده رویان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 39 - 1

1 - گروهی از مردم ، با چهره های خندان در صحنه قیامت حضور خواهند داشت .

ضاحکه

### 12- سرور اخروی خنده رویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 39 - 2

2 - کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند ، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

مستبشره

«إستبشار»؛ یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). «بشر و استبشر» به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

### 13- نشاط اخروی خنده رویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 39 - 2

2 - کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند ، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

مستبشره

«إستبشار»؛ یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). «بشر و استبشر» به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

ص: 20



1- آثار خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 154 - 1,2,3

1 - فروفرستادن خوابی آرام بخش از سوی خداوند بر پیکارگران احد، به دنبال اندوههایی که در آن کارزار بر ایشان گذشت.

ثم انزل علیکم من بعد الغمّ امنه نعاساً

«امنه» (آرامش خاطر)، مفعول برای «انزل» است و «نعاساً» به معنای خواب، عطف بیان و یا بدل از «امنه» است.

2 - خواب آرامش بخش به دنبال هجوم پی در پی اندوه ها، موهبتی الهی به بندگان

ثم انزل علیکم من بعد الغمّ امنه نعاساً

3 - خواب از عوامل آرام بخش انسان های اندوهگین و حاضر در کوران مشکلات

ثم انزل علیکم من بعد الغمّ امنه نعاساً

بنابر اینکه «امنه» مفعول له برای «نعاساً» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 6

6 - جدا شدن روح از بدن به هنگام خواب

والتی لم تمت فی منامها

در برداشت یاد شده «والتی» عطف بر «الأنفس» دانسته شده است؛ یعنی، «یتوفی نفس الّتی لم تمت فی منامها؛ خدا دریافت می کند روح کسی که نمرده و در حال خواب است».

## 2- ابرار و خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 23 - 2

2 - چشم نیکوکاران در آخرت ، بی نیاز از خواب است و حتی به هنگام آرمیدن بر تختخواب ، نظاره گر زیبایی نعمت ها است . \*

علی الأرائک ينظرون

«أرائک» (تخت خواب ها)، به معنای محل خوابیدن است که در آیه شریفه محل نظاره گری معرفی شده است. شاید این تعبیر، به نبود خواب در بهشت اشاره داشته باشد.

## 3- اختلاف در مدت خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 26 - 1

1- مدّت درنگ اصحاب کهف در غار ، میان مردم عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) مورد اختلاف بود .

قل الله أعلم

جمله «قل الله ..» نشانه آن است که برخی از مردم، در باره مدّت بیان شده در آیه قبل، تشکیک کرده و نظری غیر آن را مطرح ساخته بودند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پاسخ آنان، با بیان علم برتر الهی به زمان بندی یاد شده، تأکید کرده و تردید در آن را مردود دانسته است.

## 4- الهام در خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 10

10- «عن أبي جعفر (ع) قال: الأنبياء على خمسة أنواع . . . و منهم من ينبأ في منامه مثل يوسف»

از امام باقر(ع) روایت شده: پیامبران بر پنج دسته هستند . . . بعضی از آنان در خوابشان آگاه می شوند مانند یوسف».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 49 - 6

6- رؤیاها می تواند دربردارنده الهامات و رموزی راهگشا برای انسان ها باشد .

یوسف أیها الصدیق أفتنا . . قال تزرعون ... ثم یأتی من بعد ذلک

ص: 22

## 5- بیداری از خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 60 - 11، 4، 6

4 - خداوند بیدارکننده و برانگیزنده آدمی از خواب شبانگاه

هو الذی یتوفکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

6 - خداوند در عین آگاهی به اعمال روز گذشته آدمیان (اعمال ناروا)، آنان را از خواب شب بیدار می کند و روح را به آنان بازمی گرداند.

هو الذی یتوفکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

11 - تازمانی که اجل آدمی فرا نرسیده باشد، خداوند وی را از خواب شبانگاهی برانگیخته و بیدار می کند.

ثم یبعثکم فیه لیقضی أجل مسمی

## 6- تحولات جامعه هنگام خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 20

20- جوامع پدید آمده در طول خواب چندین ساله اصحاب کهف، در عقاید خویش، دستخوش تحولات مهمی شده بودند.

إذ یتزعون بینهم أمرهم

در جامعه ای که اصحاب کهف از آن کناره گیری کردند، طبقه حاکم مشرکانی بودند که در صدد نابود ساختن موحدان برآمده بودند؛ ولی

در عصر بیداری آنها اعتقاد به معاد و بحث و مناظره درباره آن، در میان مردم رواج کامل داشت و جوّ حاکم به سود مؤمنان بود.

## 7- ترک خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 16 - 2

2 - ایمان حقیقی، مستلزم چشم پوشی از آسایش و ترک خواب است.

إِثْمًا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا .. تَتَجَافَى جُنُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ

## 8- تشبیه به خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 11

ص: 23

11- مرگ و رستاخیز ، پدیده ای مانند خواب و بیداری است .

ليعلموا.. أن الساعة لاريب فيها

به خواب رفتن اصحاب كهف و بیداری آنان پس از چند قرن و استشهاد قرآن به این واقعه برای بیان حقیقت معاد، گواه این مدعا است که مرگ، مانند خواب، و رستاخیز قیامت، بسان بیداری از خواب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 9 - 6

6 - مرگ و معاد انسان ، شبیه خواب و بیداری است .

و جعلنا نومكم سباتاً

یاد کردن از خواب در میان آیاتی که به منظور رفع استبعاد از معاد مطرح شده؛ ممکن است به جهت تشابهی باشد که بین خواب و مرگ و نیز بیداری و معاد وجود دارد.

### 9- تشبیه خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 7

7 - خواب ، پدیده ای شبیه به مرگ

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا

کاربرد «توفی» در مورد خواب انسان، به مانند کاربرد آن در مورد مرگ او، ناظر به شباهت مرگ و خواب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 9 - 4

4 - خواب برای انسان ، نوعی مرگ است .

و جعلنا نومكم سباتاً

فعل «سَبَتَ» علاوه بر معنای «بی هوش شد»، به معنای «مُرد» نیز استعمال می شود (مصباح). بنابراین، احتمال می رود که «سبات» به معنای مرگ باشد.

## 10- تعقل درباره خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 60 - 8

8 - دقت و تأمل در خوابیدن و بیدار شدن آدمی، راهی برای خداشناسی و توحید

هو الذی یتوفکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

ص: 24

## 11- توفی در خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 60 - 18، 3، 1

1 - تنها خداوند است که با قبض روح آدمی وی را در شب به خواب می برد.

هو الذی یتوفکم باللیل

«توفی» در آیه به معنای قبض روح است و چون در خواب نیز روح آدمی گرفته می شود، از آن به «توفی» تعبیر شده است.

3 - خواب، پدیده ای شبیه به مرگ

هو الذی یتوفکم باللیل

«توفی» به معنای قبض روح است. کاربرد این کلمه در مورد «خوابیدن» ناظر به شباهت مرگ و خواب است.

18 - قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): مع کل انسان ملک إذا نام يأخذ نفسه، فإن إذن الله فی قبض روحه قبضه و إلا رد إلیه فذلک قوله: «یتوفاکم باللیل».

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: همراه هر انسانی فرشته ای است که هنگام خواب، روح او را می گیرد؛ پس اگر خداوند اذن در قبض روح آن شخص بدهد، او را قبض روح می کند و گر نه به او برمی گرداند و این است، معنای سخن خداوند: «یتوفاکم باللیل».

## 12- حس شنوایی و خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 11 - 5

5- حس شنوایی، رابطه نزدیکی با خواب انسان دارد. \*

فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عدداً

به خواب بردن را با «زدن حجاب و مانع بر گوش ها» بیان کردن - که مفاد «ضربنا..» است - می رساند که ارتباط تنگاتنگی میان خواب و حس شنوایی وجود دارد.

## 13- حقیقت خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



1 - تنها خداوند است که با قبض روح آدمی وی را در شب به خواب می برد.

هو الذی یتوفکم باللیل

«توفی» در آیه به معنای قبض روح است و چون در خواب نیز روح آدمی گرفته می شود، از آن به «توفی» تعبیر شده است.

ص: 25

هو الذی یتوفکم باللیل

«توفی» به معنای قبض روح است. کاربرد این کلمه در مورد «خوابیدن» ناظر به شباهت مرگ و خواب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 18، 14، 7

7 - خواب، پدیده ای شبیه به مرگ

اللّه یتوفی الأنفس حین موتها و التی لم تمت فی منامها

کاربرد «توفی» در مورد خواب انسان، به مانند کاربرد آن در مورد مرگ او، ناظر به شباهت مرگ و خواب می باشد.

14 - حقیقت خواب، خروج روح از بدن و حقیقت بیداری بازگشت آن به بدن است.

اللّه یتوفی الأنفس حین موتها و التی لم تمت فی منامها... و یرسل الأخری إلى أ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند می فرماید: جان انسان ها را در حال خواب دریافت می کنم و کسانی که مرگشان در آن حال مقدر شده باشد در همین حال می میرند و آن دسته که برایشان مقدر نشده باشد آن جان رها و آزاد می گردد تا اجلشان فرارسد. پس روح انسان در حال خواب قبض می شود و این همان حقیقت خواب است و وقتی در حال بیداری به بدن باز می گردد تا اجل فرارسد، این همان حقیقت بیداری می باشد.

18 - «عن أبی جعفر (ع) قال: ما من أحد ینام إلاّ عرجت نفسه إلى السماء و بقیت روحه فی بدنه و صار بینهما سبب کشعاع الشمس فإن أذن الله فی قبض الأرواح اجابت روح النفس و إذا اذن الله فی رد الروح اجابت النفس الروح و هو قوله سبحانه: «اللّه یتوفی الأنفس حین موتها و التی لم تمت فی منامها»؛

امام باقر(ع) فرمود: هیچ کس نیست که به خواب رود مگر این که نفس او به آسمان می رود و روح او در بدنش می ماند و ارتباطی مشابه خورشید و شعاعش بین نفس و روح باقی می ماند. پس اگر خداوند اجازه در قبض روح ها دهد، روح نفس را اجابت می کند [و مرگ حاصل می شود] و اگر خداوند اجازه دهد روح برگردد و (قبض نشود) نفس آن را پذیرفته و به او ملحق می شود و این سخن خداوند سبحان است که می فرماید: اللّه یتوفی الأنفس حین موتها».

## 14- خدا و خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 255 - 7

7- هیچگاه خواب سبک ( چرت ) و سنگین ، خداوند را فرامی گیرد .

لا تأخذہ سنہ و لا نوم

### 15- خواب از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 26

15 - « حیات و مرگ » و « خواب و بیداری » ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا .. فيمَسك ... و يرسل الأخرى ... إنّ في ذلك لآيت

جمع آمدن «آیات» می رساند که آیه و نشانه بودن «حیات و مرگ» و «خواب و بیداری»، از جهات مختلف و گوناگون است.

## 16- خواب اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 19 - 2

2 - در خواب بودن باغداران یمنی ، به هنگام نزول بلای ویرانگر بر بوستان آنان

فطاف .. و هم نائمون

## 17- خواب اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 11 - 3, 1

1- خداوند ، با مسلط کردن خواب بر اصحاب كهف ، دعای آنان را مستجاب کرد .

فقالوا ربّنا انا .. فضربنا علی اذانهم

عبارت «ضربنا علی اذانهم» کنایه از آن است که خداوند، خواب را بر آنان مسلط کرد، به گونه ای که گوش آنان نمی شنید. و عطف جمله «ضربنا» با حرف تفریع بر جملات قبل - که متضمن دعای اصحاب كهف بود - گویای آن است که تسلط خواب بر ایشان، در مسیر اجابت دعای آنان صورت گرفته است.

3- حیات طولانی اصحاب كهف در خواب ، از آیات الهی است .

كانوا من ایتنا عجبًا .. فضربنا علی اذانهم فی الكهف سنین عددًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 18 - 5, 4, 3, 1

1- اصحاب كهف ، با احساس امنیت از خطر دشمن ، در غار به خواب رفتند .

و هم رقود

3- پیکر و اعضای بدن اصحاب کهف، در تمام مدتی که در خواب بودند، آسیبی ندید و تغییر چشم گیری نیافت.

و تحسبهم أيقاظاً و هم رقود

مفاد جمله «تحسبهم..» این است که هر بیننده ای، اگر در دوران خوابِ اصحاب کهف، به آنان نظر می افکند، نه تنها آن ها را اجسادى از هم گسیخته نمی یافت، بلکه انسان هایی به خواب رفته نیز نمی دید؛ یعنی، آن ها، افرادی بیدار به نظر می آمدند که حیات عادی خود را می گذرانند.

ص: 27

4- خداوند، پیکر های اصحاب کهف را در زمان چیرگی خواب بر آنان، به راست و چپ گردش می داد.

و نقلبهم ذات الیمین و ذات الشمال

5- گردیدن اصحاب کهف به چپ و راست، از عوامل مصونیت آنان در برابر آسیب های جسمی بود.\*

و نقلبهم ذات الیمین و ذات الشمال

اسناد «نقلب» (گرداندن) به خداوند، در جمله «نقلبهم..» گویای این است که این تغییر حالت، از الطاف الهی بوده است. بیان این نکته، پس از اشاره به خواب اصحاب کهف، می تواند ناظر به برخی از علل سالم ماندن بدن آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 3،18

3- بیدارسازی اصحاب کهف، فراهم آورنده فرصتی مناسب برای پرسوجوی آنان از همدیگر درباره خواب خویش بود.

بعثنهم لیتساءلوا

«ل» در «لیتساءلوا» بیانگر علت بیدارسازی است. هدف از به خواب بردن و بیدار ساختن اصحاب کهف - چنانچه از تفریع آیات یازدهم و دوازدهم بر آیه دهم به دست آمد - اعطای رحمت و رشدی بود که اصحاب کهف درخواست کرده بودند. بنابراین، باید به خداوند، آنان را از خواب بیدار می کرد تا از راه پرسش و غیر آن، به حوادثی که بر آنان گذشته بود، پی ببرند و در مسیر خداشناسی رشد یابند.

18- اصحاب کهف، به عادی نبودن خواب خویش پی نبردند و احتمال آن نیز به فکر آنان خطور نکرد.

فابعثوا أحدکم بورقکم

## 18- خواب انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 60 - 1

1 - تنها خداوند است که با قبض روح آدمی وی را در شب به خواب می برد.

هو الذی یتوفکم باللیل

«توفی» در آیه به معنای قبض روح است و چون در خواب نیز روح آدمی گرفته می شود، از آن به «توفی» تعبیر شده است.

## 19- خواب در روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 23 - 2

2- فراهم بودن امکان خواب در شب و روز برای انسان ها از آیات الهی است .

و من ءایته منامکم باللیل و النهار

بنابر این که «و النهار» عطف به «اللیل» باشد، استفاده می شود که شب و روز، هر دو ظرفی مناسب برای خواب هستند.

ص: 28

## 20- خواب در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 60 - 1,9

1 - تنها خداوند است که با قبض روح آدمی وی را در شب به خواب می برد.

هو الذی یتوفکم باللیل

«توفی» در آیه به معنای قبض روح است و چون در خواب نیز روح آدمی گرفته می شود، از آن به «توفی» تعبیر شده است.

9 - خداوند شب را زمان مناسب برای خواب و آرامش و روز را برای تلاش و کار قرار داده است.

هو الذی یتوفکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

اگر چه خواب و بیداری اختصاصی به شب و روز ندارد، ولی اینکه ظرف «توفی» شب است و ظرف «جرحتم» روز است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 10 - 5

5 - شب ، بهترین زمان استراحت و خواب

و جعلنا نومکم سباتاً . و جعلنا الیل لباساً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 67 - 3,5

3 - خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه «مبصراً» لفظ «مظلماً»، بعد از «الیل» ; و به قرینه «لتسکنوا فیه» جمله «لتعملوا فیه»، بعد از لفظ «مبصراً» مقدر است ; یعنی: هو الذی جعل لکم الیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.

5 - شب ، ظرفی مناسب برای آرمیدن و روز فرصتی شایسته برای تلاش است .



هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیہ و النهار مبصراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 23 - 11، 3، 2

2- فراهم بودن امکان خواب در شب و روز برای انسان ها از آیات الهی است .

و من ءایته منامکم بالیل و النهار

بنابر این که «و النهار» عطف به «اللیل» باشد، استفاده می شود که شب و روز، هر دو ظرفی مناسب برای خواب هستند.

3- شب، وقتی مناسب و طبیعی برای خواب است .

و من ءایته منامکم بالیل و النهار

ص: 29

بنابراین که تقدیم و تأخیری در آیه باشد و «النهار» مجرور به حرف جر محذوف و متعلق به «إبتغاء» و «باللیل» متعلق به «مناکم» باشد، نکته فوق استفاده می شود.

11 - آیه بودن خواب در شب و تلاش در روز برای کسب روزی، برای دارندگان گوش شنوا، قابل درک است.

إن فی ذلک لآیت لقوم یسمعون

## 21- خواب مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 11 - 5، 1

1 - آرامش روحی مجاهدان پیش از جنگ بدر، موجب فراگیری خوابی سبک بر تمامی آنان

إذ تستغیثون... إذ یغشیکم النعاس أمنة منه

«غشاه» به معنای احاطه است و فعل «یغشیکم»، از باب تفعیل، دلالت بر کثرت احاطه دارد. می توان گفت نمود آن کثرت، فراگیری خواب بر تمامی افراد بوده است. کلمه «أمنة»، که به معنای نبودن ترس است، مفعولاً له حصولی برای «یغشیکم» است. یعنی به علت اینکه آرامش یافتید، خواب شما را فراگرفت

5 - استراحت و آرامش روحی مجاهدان و فراگیری خواب بر آنان در آستانه جنگ بدر، نعمتی الهی بر ایشان و شایسته به یاد داشتن

إذ یغشیکم النعاس أمنة منه

## 22- شگفتی خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 2

2- بیداری اصحاب کهف، همچون خواب شگفت و سلامت جسم شان در آن مدّت طولانی، آیت و نشانه ای الهی بود.

و کذلک بعثنهم

مشارالیه «ذلک» - که بعث و بیدارسازی اصحاب کهف به آن تشبیه شده است - خواب طولانی آنان و تدابیری است که در مدّت خواب برای سلامت آنان به کار برده شده بود. وجه شبه مورد نظر - آنگونه که از جمله «ذلک من آیات اللّٰه من ینهد اللّٰه فهو المهتد» در آیه هفده به دست می آید - نشانه بودن و دلالت این حوادث بر امدادهای هدایت گرانه خداوند، به موحدان است.

## 23- عذاب در خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 4 - 3

ص: 30

3- گروهی از امتهای متخلف پیشین شب هنگام و گروهی دیگر در حال خواب نیمروز، گرفتار عذاب الهی شدند.

فجاءها بأسنا بیتا أو هم قائلون

«أو» در جمله «أو هم قائلون» برای تنويع است. «قائله» به معنای نیمروز است و «قائل» به کسی گفته می شود که آن هنگام در خواب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 97 - 1

1 - امت های تکذیب کننده انبیا در معرض گرفتار آمدن به عذاب الهی به هر هنگام، بویژه شبانگاهان در حال خواب و بی خبری

أفأمن أهل القرى أن يأتيهم بأسنا بيتا و هم نائمون

تفریع جمله «أفأمن ..» بر «و لكن كذبوا فأخذنهم ...» می رساند که مراد از «أهل القرى» امتهای تکذیب کننده انبیاست.

## 24- فواید خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 47 - 3

3- خواب، مایه آرامش جسم و جان و تعادل یافتن روان آدمی است.

و النوم سباتاً

برخی از اهل لغت «سبت» (ریشه «سباتاً») را به معنای «راحت» دانسته اند (لسان العرب). برخی نیز آن را به معنای «قطع» گرفته اند (مفردات راغب). و بر مبنای معنای دوم، شب به این خاطر به قطع توصیف شد که چون در شب هنگام، تمامی فعالیت ها و تلاش های روزانه قطع می شود و در نتیجه جسم و جان آدمی آرامش می یابد.

## 25- مدت خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 11 - 2,8

2- فرو رفتن اصحاب کهف در خوابی عمیق و چندین ساله، به اراده خدا بود.

فضربنا علی اذانهم فی الكهف سنین عددًا

«عددًا» مصدر و به معنای «معدوده» و یا «ذات عدد» است. توصیف «سنین» به این که دارای عدد و شمارش است - در نظر برخی از مفسران - به کثرت آن سال ها اشاره دارد؛ زیرا تعداد سال ها، اگر اندک باشد، نیاز به شمارش ندارد.

8- غار ، محلّ به خواب رفتن چند ساله اصحاب کهف

فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عددًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 31

2- هدف از بيدار ساختن اصحاب كهف ، نماياندن ارزيابي آنان درباره مدّت زمان خواب خویش بود .

ثمّ بعثنهم لنعلم أیّ الحزبين أحصى لما لبثوا أمداً

با توجه به این كه «لنعلم» - (تا بدانیم) - در مورد خداوند به معنای كسب علم نیست، بلکه محقق ساختن معلوم است، در برداشت فوق از دانستن خدا به «نمایاندن» تعبیر شده. «آمد» به معنای «وقت ممتدّ» و نیز «پایان مدّت» است. در این آیه، به قرینه «أحصی»، معنای نخست مراد است. كلمه «أحصی» محتمل است كه فعل ماضی باشد و «أمداً» مفعول آن، كه در نتیجه، «لما لبثوا» به «أمداً» تعلق خواهد داشت. و ممكن است كه «أحصی» اسم تفضیل و «أمداً» تمییز آن باشد.

3 میان اصحاب كهف ، در برآورد مدّت خواب خویش ، دو دستگی به وجود آمد . \*

أیّ الحزبين أحصى لما لبثوا

با توجه به آیات بعد - كه گفت و گوی اصحاب كهف را با هم نقل کرده است (قالوا لبثنا) - چنین برمی آید كه آنان، خود، به دو گروه (الحزبين) تقسیم شده بودند و درباره مدّت زمان خواب خویش اختلاف نظر داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 19 - 8، 9، 5

5- خواب اصحاب كهف ، در نظر گروهی از آنان ، درنگی يك روزه ، یا كمتر از آن بود .

قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم

حرف «أو» برای تردید است و منشأ تردید در «یوماً أو بعض يوم» این بود كه گویندگان این سخن، با نگاه به جایگاه خورشید، مردّد ماندند كه: «آیا شبی بر آن ها گذشته و در نتیجه يك شبانه روز در خواب بودند، یا هنوز در همان روزی به سر می برند كه در آن به خواب رفتند؟». براساس این تقریب، كلمه «یوماً» به معنای يك شبانه روز خواهد بود و به جز ساعات نزدیک غروب، هر لحظه ای از روز را می توان لحظه آغاز خواب آنان تصوّر كرد.

8- اصحاب كهف از برآورد دقیق مدّت زمان خواب خویش ناتوان بودند .

قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم قالوا ربّكم أعلم بما لبثتم

9- گروهی از اصحاب كهف ، با اعتراف به ناتوانی خود از تشخیص مدّت خواب اندك بودن آن را احتمالی ناصحیح دانسته و گفتوگو درباره خواب را بی ثمر خواندند و تنها خداوند را به زمان دقیق آن آگاه دانستند .

قالوا ربّكم أعلم بما لبثتم

کلمه «رَبِّكُمْ» قرینه بر این است که گویندگان جمله «رَبِّكُمْ أَعْلَمُ» افرادی غیر آن دسته بودند که گفتند: «لبثنا يوماً..» زیرا، در غیر این صورت، گفتن «رَبِّنا» مناسب می نمود. آن ها، با بیان آگاهی خداوند، در حقیقت، همراهان خود را در حدس شان (لبثنا يوماً أو بعض يوم) تخطئه کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 20 - 13

13- اصحاب كهف، از مدت زمان خواب خویش، کاملاً بی اطلاع بودند.

إِثْمَ إِن يَظْهَرُوا... وَلَن تَفْلِحُوا إِذَا أَبَدًا

بدیهی است اگر اصحاب كهف، احتمال گذشت چندین قرن از زمان خوابیدن خویش را می دادند، هرگونه تغییر و تحوّل را محتمل می دیدند و وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه را، همان وضعیت دوران خویش فرض نمی کردند.

ص: 32

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 25 - 4, 3, 2, 1

1- درنگ اصحاب كهف در غار ، سيصد و نه سال بوده است .

و لبثوا في كهفهم ثلث مائه سنين وازدادوا تسعاً

«سنين» بدل است براي «ثلاثمئه». اين كلمه علاوه بر مشخص ساختن مراد از «سيصد» نشانه اين است كه گذشت سالياني چند بر خواب اصحاب كهف، امري شگفت است.

2- اصحاب كهف ، در تمام مدت سيصد و نه سال ، در همان غاري بودند كه به آن پناهنده شده بودند .

و لبثوا في كهفهم

3- اصحاب كهف ، براساس سال هاي شمسي ، سيصد سال و براساس سال هاي قمری ، سيصد و نه سال در غار ماندند .

و لبثوا في كهفهم ثلث مائه سنين وازدادوا تسعاً

ضمير در «ازدادوا» به اصحاب كهف مربوط است و تفكيك نه سال از سيصد سال، شايد ناظر به اين باشد كه آن ها، به حساب سال هاي شمسي، سيصد سال آرميده بودند و شمار اين سال ها، موافق سال هاي قمری، از سيصد و نه سال اندكي (كمتر از سه ماه) بيشر مي شود كه معمولاً، اين مقدار را در زمان بندي حوادث نادیده مي گيرند.

4- « روی آن يهودياً سأل علی بن أبي طالب عن مدّة لبثهم (أى لبث أصحاب الكهف) فأخبر بما فى القرآن فقال : « إنا نجد فى كتابنا ثلاثمئه ! » . فقال : ذك بسنى الشمس و هذا بسنى القمر . » ؛

روایت شده كه يهودی ای از علی(ع) از مدت درنگ اصحاب كهف در غار سؤال كرد. امام، او را به آنچه در قرآن است، خبر داد. يهودی گفت: «ما در كتاب مان، درنگ آنان را سيصد سال می يابيم». امام(ع) فرمود: «آن نقل، براساس سال شمسي است و اين نقل، به سال قمری است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 26 - 2

2- إخبار خداوند از مدت خواب اصحاب كهف ، متكى بر علم برترش است و قابل قياس با ديگر نظريه ها نيست .

قل الله أعلم بما لبثوا

26- مكان خواب اصحاب كهف



جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - کہف - 18 - 11 - 8

8- غار ، محلّ به خواب رفتن چند سالہ اصحاب کہف

فصربنا علیٰ اذانہم فی الکہف سنین عددًا

ص: 33

## 27- منشأ خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 61 - 2

2 - خوابانیدن و بیدار کردن تا زمان اجل و سپس بازگشت به خداوند و محاسبه اعمال، نشانه تسلط خداوند بر امور بندگان است.

هو الذی یتوفکم باللیل . . . و هو القاهر فوق عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 13

13 - « زندگی و مرگ » و « خواب و بیداری » انسان ها ، تحت تدبیر خداوند قرار دارد .

اللّٰهُ یتوفّی الأَنْفُسَ حین موتها و الّتی لم تمت فی منامها . . . و یرسل الأخری إلى أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 9 - 5

5 - قدرت خداوند بر ایجاد حالت خواب در انسان ، دلیل امکان معاد است .

عمّ یتساءلون . . . و جعلنا نومکم سباتاً

## 28- منشأ خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 11 - 2,4

2- فرو رفتن اصحاب کهف در خوابی عمیق و چندین ساله ، به اراده خدا بود .

فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عدداً

«عدداً» مصدر و به معنای «معدوده» و یا «ذات عدد» است. توصیف «سنین» به این که دارای عدد و شمارش است - در نظر برخی از مفسران - به کثرت آن سال ها اشاره دارد؛ زیرا تعداد سال ها، اگر اندک باشد، نیاز به شمارش ندارد.

4- خداوند ، با تصرّف در حسّ شنوایی اصحاب کهف ، آنان را در خوابی چندین ساله ، در غار نگاه داشت .

فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عددًا

## 29- نعمت خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 11 - 5

5- استراحت و آرامش روحی مجاهدان و فراگیری خواب بر آنان در آستانه جنگ بدر، نعمتی الهی بر ایشان و شایسته به یاد داشتن

ص: 34

إذ يغشاكم النعاس أَمَنه منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 47 - 7

7- آفرینش شب همچون لباس برای انسان ، خواب آرامش بخش و روز پرتلاش ، از نعمت های الهی

و هو الذی جعل لکم الیل لباساً و النوم سباتاً و جعل النهار نشوراً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 9 - 2

2- خواب ، از نعمت های خداوند برای انسان ها است .

و جعلنا نومکم سباتاً

### 30- نقش خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 11 - 7

7- سیستم بدن انسان ، برای زندگی طولانی و بدون تغذیه در خواب ، قابلیت دارد . \*

فَضْرِبْنَا عَلٰی اَازَانِهِمْ فِی الْكُهْفِ سِنِينَ عَدَدًا

از ظاهر آیات سوره كهف، برمی آید که اصحاب كهف، در آن سال های متمادی، زنده، ولی در خواب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 23 - 1

1 - پدیده خواب ، از آیات الهی است .

و من ءایته منامکم بالیل و النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - « حیات و مرگ » و « خواب و بیداری » ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا .. فِيمَسْك .. و يرسل الأخرى ... إنّ في ذلك لآية

جمع آمدن «آیات» می رساند که آیه و نشانه بودن «حیات و مرگ» و «خواب و بیداری»، از جهات مختلف و گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 9 - 1

ص: 35

1 - خواب ، پایان دهنده کار و تلاش روزمره انسان و زمینه آرامش و راحتی او است .

و جعلنا نومکم سباتاً

«سباتاً» ؛ یعنی ، از حرکت باز ایستادن (لسان العرب از زجاج) و معنای اصلی آن، راحت است. (مصباح)

### 31- وقت خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 67 - 3,5

3 - خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه «مبصراً» لفظ «مظلماً»، بعد از «الّیل» ؛ و به قرینه «لتسکنوا فیه» جمله «لتعملوا فیه»، بعد از لفظ «مبصراً» مقدر است ؛ یعنی: هو الذی جعل لکم الّیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.

5 - شب ، ظرفی مناسب برای آرمیدن و روز فرصتی شایسته برای تلاش است .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 23 - 3

3 - شب ، وقتی مناسب و طبیعی برای خواب است .

و من ءایته منامکم بالیل و النهار

بنابراین که تقدیم و تأخیری در آیه باشد و «النهار» مجرور به حرف جر محذوف و متعلق به «إبتغاء» و «بالّیل» متعلق به «منامکم» باشد، نکته فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 10 - 5

5 - شب ، بهترین زمان استراحت و خواب

و جعلنا نومكم سباتاً . و جعلنا الليل لباساً

### 32- وقت خواب محمد (صلى الله عليه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 7 - 5

5- « عن أبي جعفر (ع) في قوله: « إنَّ لك في النهار سبحةً طويلاً » يقول: فراغاً طويلاً لنومك و لحاجتك ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: «إنَّ لك في النهار سبحةً طويلاً» روایت شده که خدا [به رسول خود] می فرماید: تو در روز

ص: 36

برای خواب و رفع نیازهایت، فراغت طولانی خواهی داشت».

### 33- ویژگیهای خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 18 - 20، 15، 13، 2

2- خواب اصحاب کهف، به گونه ای بود که هر بیننده ای آنان را بیدار می پنداشت.

و تحسبهم أيقاظًا و هم رقود

«يَقْرَظُ» به شخص بیدار گفته می شود و «أيقاظًا» جمع آن است. «رقود» جمع «راقد» است و «راقد»؛ یعنی، شخصی که به خواب رفته است.

13- آرمیدن اصحاب کهف در غار، به گونه ای بود که اگر کسی به جایگاه آنان دست می یافت، از ناحیه آنان احساس خطر می کرد و می گریخت.

لو اطلعت عليهم لوليت منهم فرارًا

به قرینه جمله «لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ» - در آیه بعد - که گویای پیدا نشدن تغییر عمده ای در جسم اصحاب کهف است، می توان دریافت که چهره آنان هول ناک نگردیده، بلکه کیفیت قرار گرفتن آنان در غار، منظره آنان را رعب انگیز ساخته بود.

15- بیدارنمایی اصحاب کهف، دارای نقشی به سزا در هول انگیز ساختن منظره آنان

و تحسبهم أيقاظًا .. لملت منهم رعبًا

16- منظره هراس انگیز اصحاب کهف، در حالت خواب، وسیله ای الهی برای حفاظت آنان

و نقلبهم .. لو اطلعت عليهم لوليت منهم فرارًا و لملت منهم رعبًا

ضمیر فاعلی در «نقلبهم..» قرینه است بر این که تمام ویژگی های یاد شده برای اصحاب کهف، عنایت و لطف خداوند بر آنان بوده است و به تناسب مورد می توان فهمید که هدف مورد نظر از آن الطاف، حفاظت آنان از خطرهای آسیب ها بوده است.

20- « [ عن الصادق (ع) في قصّة أصحاب الكهف أنّه قال ] : . . . لهم في كلّ سنه نقلتان ينامون سته أشهر على جنوبهم اليمنى و سته أشهر على جنوبهم اليسرى . . . »

[ از امام صادق (ع) در قصّه اصحاب کهف، روایت شده که فرمود]: . . . برای آنان، در هر سال، دو گردیدن بود: شش ماه بر پهلو راست شان و شش ماه بر پهلو چپ شان می خوابیدند...».





1- آثار اجابت خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 8 - 5

5- در صورت تحقق درخواست کافران برای نزول ملائکه ، تمامی آنان هلاک می شوند و مهلتی برای ایمان نخواهند داشت .

ما ننزل الملائکه إلاّ بالحقّ و ما کانوا إذاً منظرین

انظار مصدر «منظر» به معنای تأخیر انداختن است و حصر در آیه، نشان می دهد که با آمدن ملائکه، اجل هیچ کدام از کفار به تأخیر نخواهد افتاد و به هلاکت خواهند رسید.

2- آثار رد خواسته های یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 107 - 2 - 4

4- ترش رویی در برابر یتیمان و رد خواسته های آنان ، دورسازنده انسان از قرب به خداوند است .

فذلک

«ذلک»، اسم اشاره ای است که برای دور به کار می رود و در آیه شریفه یا برای تحقیر به کار رفته و یا نشانگر دوری از خداوند است.

ص: 38

### 3- اجابت خواسته های انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 31 - 6

6- جایگاه خوب، جایی است که تمامی خواسته های انسان در آن برآورده شود.

و لنعم دار المتقين . جنّـت عدن ... لهم فيها ما يشاءون

### 4- اجابت خواسته های بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 31 - 4

4- تمامی خواسته های تقوایبندگان در بهشت، برآورده می شود.

دار المتقين . جنّـت عدن يدخلونها ... لهم فيها ما يشاءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 35 - 1,3,5

1 - بهشت، در بردارنده همه آرزو ها و برآورنده همه خواسته های بهشتیان

لهم ما يشاءون فيها

3 - بازدارندگان خویش از هوس ها، برخوردار از هر آرزو در بهشت

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ .. أَوَابَ حَفِيفٍ ... لهم ما يشاءون فيها

با توجه به این که «تقوا» و خودداری از گناه و هوای نفس، به عنوان بارزترین صفت اهل بهشت یاد شده است، نوید «لهم ما يشاءون فيها» می تواند بیانگر معنای بالا باشد.

5 - اعطای خواسته های بهشتیان به ایشان، فراتر از حد انتظارشان \*

لهم ما يشاءون فيها و لدینا مزید

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «مزید» در مقایسه با خواسته بهشتیان (ما يشاءون) مطرح شده باشد؛ یعنی، آنچه آنان بخواهند، فزون ترش را داریم و در اختیار آنان قرار می دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 4

4 - نبود محدودیت برای بهشتیان ، در رسیدن به مشتهیات و خواسته های خویش

و آمدندهم بفکجه و لحم ممّا یشتهون

ص: 39

## 5- اجابت خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 8 - 8

8- در صورت تحقق خواسته کافران مکه، مبنی بر نزول ملائکه، آنان گرفتار عذابی مرگبار می شدند.

ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ و ما كانوا إذا منظرین

یکی از احتمالاتی که برای آیه داده شده، این است که ملائکه، در صورتی که بخواهند برای کافران نازل شوند، برایشان عذاب به ارمغان خواهند آورد؛ عذابی که هیچ کدام از آنان را زنده نخواهد گذاشت.

## 6- اجابت خواسته های متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 31 - 4،7،9

4- تمامی خواسته های تقواییشان در بهشت، برآورده می شود.

دار المتّقین . جنّـت عدن یدخلونها ... لهم فیها ما یشاءون

7- ورود به بهشت جاودان و رسیدن به تمامی خواسته ها در آن، پاداش خداوند به تقواییشان است.

دار المتّقین . جنّـت عدن ... لهم فیها ما یشاءون

9- نیل به سعادت اخروی، جای گرفتن در بهشت و برآورده شدن تمامی خواسته ها در آن، پاداش خداوند به تقواییشان

و لنعم دار المتّقین . جنّـت عدن ... لهم فیها ما یشاءون کذلک یجزی الله المتّقین

## 7- ارزش خواسته های مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 35 - 11

11 - برتری درخواست ها و نیازهای معنوی و اخروی، بر درخواست ها و نیازهای مادی و دنیایی در دعا و عرض حاجت به درگاه الهی

قال ربّ اغفر لی و هب لی ملکاً

## 8- ارزش خواسته های معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 35 - 11

11 - برتری درخواست ها و نیاز های معنوی و اخروی ، بر درخواست ها و نیاز های مادی و دنیایی در دعا و عرض حاجت به درگاه

ص: 40

قال رب اغفر لی و هب لی ملکاً

### 9- اهمیت رد خواسته های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 14 - 1

1 - هشدار خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، نسبت به اجابت خواسته های کافران تکذیب گر و سازش و مسامحه با آنان ، به صرف ثروت و نیروی انسانی بسیار آنان

و لاتطع کلّ حلاف .. أن کان ذا مال و بنین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله «أن کان ذا مال ..» متعلق به «لاتطع» باشد. گفتنی است در آغاز «أن» لام تعلیل در تقدیر است.

### 10- پادشاه مصر و خواسته های یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 56 - 1

1- پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض ... و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

### 11- تأخیر در قبول خواسته یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 55 - 15

15- « عن رسول الله (صلی الله علیه و آله) : رحم الله أخی یوسف لو لم یقل : اجعلنی علی خزائن الأرض لولاه من ساعته و لکنه آخر ذلک سنه ;

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده است: خدا رحمت کند برادرم یوسف را اگر نمی گفت: مرا سرپرست خزاین زمین قرار بده، همان وقت این مقام را به او می داد؛ ولی [این تقاضا سبب شد] که سرپرستی او بر خزاین زمین یک سال به تأخیر افتد».

## 12- تأمین خواسته ها در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 102 - 4

ص: 41



4- بهشت ، سرایی جاودان و دل خواه و نعمت های آن ارضا کننده تمامی امیال و خواسته های آدمی است .

و هم فی ما اشتتھت أنفسھم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 16 - 3,6

3- تأمین تمامی خواسته های متقین در بهشت جاویدان ، وعده تخلف ناپذیر و متعهدانه خداوند به آنان

لھم فیھا ما یشاءون خلدین کان علی ربک وعداً مسئولاً

6- بهشت جاویدان ، تنها جایی است که تمامی خواسته ها و تمایلات بشر در آن تأمین و ارضا خواهد شد .

لھم فیھا ما یشاءون خلدین

این که خداوند وعده داد که: «تمامی خواسته های متقین در بهشت تأمین می شود (نه در دنیا)» می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 31 - 8

8- آدمی ، در بهشت به تمامی آنچه می خواهد و طلب می کند ، خواهد رسید .

و لکم فیھا ما تشتھی أنفسکم و لکم فیھا ما تدعون

تقدیم «فیها» بر «تشتھی» گویای حصر است؛ یعنی، آنچه می خواهید و آرزو می کنید تنها در بهشت بدان دست می یابید و در غیر بهشت این گونه نیست که آدمی هر آنچه بخواهد، بتواند آن را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 9

9- تنها بهشت ، محل تأمین تمامی خواسته ها و لذت های انسان

و فیھا ما تشتھیہ الأنفس

تقدیم «فیها» اشعار به این نکته دارد که تمایلات و جودی انسان، به طور کامل تنها در بهشت تأمین می شود.

**13- تأمین خواسته ها در قیامت**

12 - قیامت ، تنها عرصه شایسته برای برآورده شدن تمامی خواسته های بشر

لهم ما یشاءون عند ربهم

«عند ربهم» به منزله قید برای «لهم ما یشاءون» است. این قید می رساند که برآورده شدن خواسته های بشر در قیامت و در پیشگاه خداوند میسر است نه در دنیا؛ چنان که خداوند در جای دیگر از قرآن می فرماید: «...وفیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین...» در آن جا (بهشت) هرچه دل ها خواهش و آرزو کند و چشم ها از دیدن آن لذت برد، وجود دارد. زخرف (43)، آیه (71).

ص: 42

## 14- تأمین خواسته های اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 16 - 7، 3، 1

1 - متقین ، در جایگاه ابدی خویش در بهشت ، هر آنچه را که بخواهند آماده است .

لهم فیها ما یشاءون خلدین

3 - تأمین تمامی خواسته های متقین در بهشت جاویدان ، وعده تخلف ناپذیر و متعهدانه خداوند به آنان

لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربک وعداً مسئولاً

7 - تحقق وعده الهی بر تأمین تمامی خواسته ها در بهشت جاویدان ، انتظار و توقع متقین از خداوند

لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربک وعداً مسئولاً

«مسئول»؛ یعنی، کسی که مورد سؤال و مطالبه مستحقان و حق داران است و در آیه شریفه - به قرینه مقام - مقصود این است که متقین، می توانند توقع و انتظار داشته باشند که خداوند به وعده خود عمل کند.

## 15- تأمین خواسته های انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 34 - 4

4 - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت ، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد .

و الذی جاء بالصدق و صدق به . . . لهم ما یشاءون عند ربهم

## 16- تأمین خواسته های بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 31 - 4

4 - تمامی تمایلات و خواسته های مؤمنان قابل دستیابی برای آنان در بهشت

و لکم فیها ما تشتهی أنفسکم و لکم فیها ما تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 22 - 19، 14، 13

13 - تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما یشاءون عند ربهم

ص: 43

14 - اراده و خواست مؤمنان بهشتی ، مؤثر در پدید آمدن نعمت ها و خواسته های آنان

لهم ما یشاءون عند ربهم

19 - تحقق همه خواسته های انسان در بهشت ، نمود فضل بزرگ خداوند است .

لهم ما یشاءون .. ذلک هو الفضل الکبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 36 - 7

7 - نعمت های اعطایی خداوند به بهشتیان ، تأمین کننده تمام خواسته های ایشان است .

حساباً

«حساباً» اسم مصدر برای «إحساب» است و «أحسب»؛ یعنی، عطا را افزایش داد تا حدی که دریافت کننده گفت: «حسبی»؛ یعنی، مرا کافی است (تاج العروس) و ممکن است «حساباً» مصدر و به معنای محاسبه کردن باشد. در هر صورت به دلیل صفت بودن آن برای «عطاء»، معنای مصدری ندارد؛ بلکه به معنای «مُحَسَّب» (کافی) و یا «محسوب» (شمرده شده) است. در برداشت یاد شده، معنای اول مورد نظر است.

### 17- تأمین خواسته های پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 34 - 4

4 - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت ، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد .

و الذی جاء بالصدق و صدق به .. لهم ما یشاءون عند ربهم

### 18- تأمین خواسته های صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 22 - 13

13 - تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما یشاءون عند ربهم

## 19- تأمین خواسته های متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 34 - 5، 3، 2، 1

ص: 44

1 - تمامی خواسته های تقوایندگان ، در پیشگاه الهی برآورده می شود .

هم المتقون . لهم ما يشاءون عند ربهم

2 - برآورده شدن تمامی خواسته های تقوایندگان ، وعده خداوند به آنان

لهم ما يشاءون عند ربهم

کلمه «عند» برای التزام و وعده به کار می رود؛ مثل «لک عندی..» (برای تو پیش من چنین و چنان است).

3 - تمامی خواسته های تقوایندگان به صرف اراده کردن و بدون اظهار کردن آنها ، از پیش آماده شده است .

لهم ما يشاءون عند ربهم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که «مشیت» به معنای خواستن و اراده کردن است و خداوند در وعده خود به بهشتیان، تنها به همین مشیت و اراده کردن آنان اکتفا کرده و فرموده است که هر آنچه آنان بخواهند و اراده کنند، بدون هیچ اظهاری به آنان اعطا خواهد کرد.

5 - تأمین تمامی خواسته های تقوایندگان در آخرت ، مقتضای ربوبیت پروردگار است .

هم المتقون . لهم ما يشاءون عند ربهم

## 20- تأمین خواسته های محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 34 - 6

6 - برآورده شدن تمامی خواسته های احسان کنندگان در قیامت ، به صرف اراده کردن آنان

لهم ما يشاءون عند ربهم ذلك جزاء المحسنين

«احسان» هم شامل نیکی به خود می باشد - که در این صورت مقصود نیک کرداری است - و هم شامل نیکی به دیگران می شود (لسان العرب). این واژه در آیه شریفه، ممکن است در هر دو معنای کار رفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 35 - 4,9,10

4 - برآورده شدن تمامی خواسته های محسنان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن بدترین اعمال احتمالی گذشته آنان است .

لهم ما يشاءون عند ربهم .. ليكفر الله عنهم أسوأ الذي عملوا

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که لام «لیکفر»، برای تعلیل و متعلق به فعل محذوفی است که جمله «لهم ما يشاءون..» بر آن دلالت می کند؛ بر این اساس تقدیر چنین می شود: «وعدهم الله بذلك و يسر لهم ليكفر...».

9- برآورده شدن تمامی خواسته های محسنان از سوی خداوند ، به خاطر اعطای پاداش بهترین عمل ها به آنان

لهم ما يشاءون عند ربهم .. و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

10- فراهم شدن تمامی خواسته های محسنان در قیامت ، پاداشی است بر مبنای بهترین عمل آنان .

لهم ما يشاءون عند ربهم .. و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله «يجزيهم..» می تواند توضیح و بیان برای جمله «لهم ما يشاءون...» باشد؛ یعنی، برآورده شدن خواسته های محسنان در قیامت، همان پاداش مطابق با بهترین عمل ها است که خداوند برای آنان مقرر داشته است.

ص: 45



## 21- تأمین خواسته های مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 32 - 2

2 - تأمین نیازها و ارضای همه تمنیات اهل ایمان ، پیش پذیرایی خداوند از آنان هنگام ورود به بهشت

نزلاً من غفور رحیم

با توجه به معنای «نُزُل» (غذای هنگام نزول و پیش درآمد پذیرایی از میهمان) مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 22 - 14، 13

13 - تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما یشاءون عند ربهم

14 - اراده و خواست مؤمنان بهشتی ، مؤثر در پدید آمدن نعمت ها و خواسته های آنان

لهم ما یشاءون عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 26 - 1، 3

1 - خداوند ، دعا ها و خواسته های مؤمنان نیک کردار را اجابت می کند .

و يستجيب الذين آمنوا و عملوا الصلحت

3 - خداوند ، بیش از خواسته ها و دعا های مؤمنان نیک کردار ، به آنان عطا خواهد کرد .

و یزیدهم من فضله

## 22- تذکر اجابت خواسته ها در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 48 - 6

6- یادآوری برآورده شدن خواسته های انسان در بهشت ، از روش های هدایت و جذب انسان ها به دین \*

إن المتقين في جنّات وعيون . ادخلوها بسلم ءامنين . ونزعنا ما في صدورهم من غلّ

ص: 46

### 23- خواسته بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 15

15 - درخواست های نابجا از پیامبران الهی ، نشانه بی تقوایی

ان ينزل علينا مائده . . اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

### 24- خواسته پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 32 - 28

28 - درخواست روزی افزونتر از روزی مقدر از درگاه خداوند ، خواسته ای پسندیده و سزاوار

و سئلوا الله من فضله

امام صادق (ع): ان الله قسم الارزاق بين عباده و افضل فضلا كثيراً لم يقسمه بين احد قال الله عز و جل: «و سئلوا الله من فضله».

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 239، ح 117؛ نورالثقلین، ج 1، ص 475، ح 220؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 366، ح 4؛ بحارالانوار، ج 5، ص 145، ح 5.

### 25- خواسته حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 111 - 8,9

8 - حواریون پس از اظهار ایمان خالصانه ، از خداوند خواستند تا بر نیلشان به مقام تسلیم گواه باشد .

و اذ اوحیت . . و اشهد باننا مسلمون

9 - حواریون عیسی (ع) از وی خواستند تا به تسلیمشان در برابر خدا و رسولش گواه باشد .

قالوا ءامنا و اشهد باننا مسلمون

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب فعل «اشهد» حضرت عیسی (ع) باشد. نیاردن ربا و مانند آن در مقام درخواست از خداوند می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 1,2,4,7,9,14

1 - میهمانی بر سفره غذایی آسمانی و نازل شده از جانب خداوند ، درخواست حواریون از عیسی (ع)

اذ قال الحواریون .. هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

کلمه «مائده» به معنای غذا و سفره ای است که بر آن غذا نهاده شده باشد.

ص: 47

2 - حواریون ، در صدد پی بردن به قدرت الهی ، با درخواست مائده آسمانی

هل يستطيع ربك ان ينزل علينا مائده من السماء

4 - حواریون ، خواستار معجزه ای اختصاصی برای خویش افزون بر سایر معجزات عیسی (ع)

ان ينزل علينا مائده

کلمه «علینا» به قرینه «نأكل» و «قلوبنا» و «نعلم» و «نكون» در آیه بعد نشانگر این است که حواریون خواستار معجزه ای بودند که تنها خودشان از آن بهره مند گردند.

7 - حواریون عیسی خواهان معجزه ای ویژه ( نزول مائده آسمانی ) علی رغم ادعای ایمان به رسالت مسیح (ع)

هل يستطيع ربك ان ينزل علينا مائده من السماء قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

9 - حضرت مسیح (ع) با بیان ناسازگاری درخواست حواریون با ایمان و تقوا در صدد بازداشتن آنان از درخواست نزول مائده

قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

14 - حواریون عیسی مورد سرزنش وی به خاطر پیشنهاد معجزه ویژه و نزول مائده آسمانی ، علی رغم مشاهده معجزات فراوان

قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

آیات پیشین دلالت می کند که عیسی حتی در کودکی و قبل از دعوت مردمان به ایمان، معجزاتی را به مردمان ارائه می کرد. بنابراین می توان گفت انتقاد و اعتراض حضرت مسیح(ع) بدین جهت بوده که چرا با وجود معجزات فراوان باز هم از وی درخواست معجزه دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 113 - 2,3,1

1 - تناول از غذای آسمانی و اطمینان به توانایی خداوند از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

قالوا نريد ان ناكل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

2 - یقین به رسالت عیسی (ع) و تبلیغ آن با گواه بودن بر نزول مائده از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

و نكون عليها من الشهدين

3 - انگیزه های چهارگانه حواریون ( تغذیه ، اطمینان و . . . ) توجیه آنان برای درخواست نابجای نزول مائده آسمانی \*

قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين. قالوا نريد ان نأكل منها ... من الشهداء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 114 - 1

1 - حضرت مسيح (ع) با پذيرش تقاضای حواریون ، از خداوند خواست سفره غذایی از آسمان فرو فرستد .

قال عيسى ابن مريم اللهم ربنا انزل علينا مائده من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 115 - 2

2 - مائده درخواستی حواریون به صورت تدریجی بر آنان فرو فرستاده شد .

قال الله اني منزلها عليكم

به کارگیری «منزل» از مصدر تنزیل می تواند حاکی از آن باشد که اجزاء مائده آسمانی یکجا نازل نشده است.

ص: 48

## 26- خواسته شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 60 - 12

12 - ارجاع داوری ها به طاغوت ( کسانی که بر خلاف احکام خداوند ، حکم می کنند ) ، خواسته شیطان است .

و یرید الشیطان ان یضلّهم

## 27- خواسته عاقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 193 - 17

17 - خردمندان ، خواستار همراهی و همگامی با ابرار تا به هنگام مرگ

و توفّنا مع الابرار

«مع الابرار» حال برای «نا»، در «توفّنا» است. یعنی ما را بمیران، در حالی که همراه و همگام با ابرار باشیم.

## 28- خواسته علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 162 - 7

7 - عالمان ژرفنگر یهود ، خواسته نابجا از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نداشته و از صفات زشت و اعمال ناروای یهودیان ( پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و . . . ) بر حذر بودند .

یسئلک أهل الکتب . . . لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون

خداوند در آیه 153 تا آیه مورد بحث بهانه گیریها و صفات زشت اهل کتاب و به خصوص یهودیان را بیان نموده و آیه مورد بحث با کلمه «لکن» مؤمنان واقعی و عالمان ژرفنگر را، استثنا کرده است.

## 29- خواسته عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 1,6,7,9

1 - حضرت مسیح (ع) با پذیرش تقاضای حواریون ، از خداوند خواست سفره غذایی از آسمان فرو فرستد .

قال عیسی ابن مریم اللّهم ربنا أنزل علینا مائدة من السماء

ص: 49



6- برجای ماندن خاطره ای سرور انگیز در جامعه مسیحیت از انگیزه های عیسی (ع) برای درخواست مائده آسمانی

أَنْزَلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا

7- مسیح (ع) خواهان عید فرار گرفتن روز نزول مائده آسمانی در جامعه مسیحیت

أَنْزَلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا

9- برجای ماندن نشانه و آیتی الهی در جامعه مسیحیت با نزول مائده آسمانی، از انگیزه های مسیح برای درخواست آن از خداوند

أَنْزَلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ .. آیه منک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 115 - 9

9- نزول نان و گوشت (مائده آسمانی) بر حواریین از سوی خداوند پس از درخواست حضرت عیسی (ع)

قال الله اني منزلها عليكم

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در توصیف مائده ای که بر حواریین نازل شد فرمود: نزلت المائدة خبزاً ولحماً... .

---

مجمع البيان، ج 3، ص 410؛ نورالثقلین، ج 1، ص 691، ح 437.

### 30- خواسته قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 30 - 16

16- نفس قابیل، دام خواسته وی و پذیرای تصمیم او بر قتل برادرش هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخيه

«طوعت» می تواند به معنای «تابعیت» باشد، یعنی نفس قابیل در قتل برادرش هابیل پیرو او گردید. بر اساس این احتمال، قابیل نفس خورا

فریب داده و آن را رام خود ساخته بود، نه اینکه فریفته و سوسه های خویش شده باشد.

### 31- خواسته کافران کافران مکه

1 - کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فرورستد .

و إذ قالوا .. فأمطر علينا حجاره

2 - نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حيله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ویمکرون .. و إذ قالوا اللهم ... فأمطر علينا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علينا .. ) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را

در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشان را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

5 - کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره

### 32- خواسته مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 67 - 13

13 - ضرورت بی اعتنایی مبلغان دین به خواسته های انحرافی مردمان به هنگام اجرای فرمان های الهی و تبلیغ احکام دین

بلغ... و الله يعصمك من الناس

### 33- خواسته مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 77 - 25

25 - مسلمانان هراسناک از نبرد، خواهان لغو حکم جهاد شدند.

وقالوا ربنا لم كتب علينا القتال لولا اخرتنا الى اجل قريب

برخی برآنند که مراد از «اجل قریب» زمان مرگ است. و تأخیر حکم جهاد تا زمان مرگ به معنای لغو آن است.

### 34- خواسته مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 77 - 2,3

2 - برخی از مسلمانان صدر اسلام خواستار نبرد با کفار، قبل از تشریح جهاد و مبارزه مسلحانه

الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم... فلما كتب عليهم القتال

از جمله «فلما كتب» به دست می آید که مراد از «كفوا»، خودداری از نبرد و جنگ مسلحانه است.

3- برخی از مسلمانان صدر اسلام خواهان نبرد با کافران ، پیش از فراهم آمدن زمینه های آن

الم تر الى الذین قیل لهم کفوا ایديکم

جمله «فلما كتب . . .»، چنانچه گذشت، می تواند به معنای تشریح جهاد باشد، و می تواند به معنی فراهم آمدن زمینه جهاد و پیش آمدن شرایط آن باشد؛ یعنی آنگاه که پیامبر (صلی الله علیه و آله) مسلمانان را به سوی جهاد فراخواند . . .

ص: 51

### 35- خواسته مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 179 - 28

28 - برخی مؤمنان خواستار آگاهی از غیب و نهان انسان‌ها بودند تا افراد مؤمن را از غیر مؤمن (طیب و خبیث) تمییز دهند.

و ما كان الله ليطلعكم على الغيب

در شأن نزول آیه آمده است که برخی مؤمنان، خواهان علامتی بودند تا با آنان منافقان را از مؤمنان بازشناسند. آنگاه خداوند آیه فوق را نازل فرمود.

### 36- خواسته های آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 189 - 10

10 - آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی خواستند تا فرزندی سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند.

دعوا لله ربهما لئن آتيتنا صلحاً لنكونن من الشكرين

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت مورد، فرزند سالم و میرا از عیب و نقص است به گونه ای که استعداد زنده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله «فلما آتیهما صلحاً ...» دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 190 - 1

1 - خداوند با پذیرش در خواست آدم (ع) و حوا، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد.

دعوا لله ربهما لئن... فلما آتیهما صلحاً

### 37- خواسته های آسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 9 - 11، 9

9- زنده گذاشتن موسی (ع) و چشم پوشی از قتل وی ، درخواست آسیه از فرعون

وقالت امرأت فرعون . . . لا تقتلوه

11- همسر فرعون ، خواستار نگه داری موسی (ع) با امید به منتفع شدن از خدمات وی ، یا برگزیدن او به فرزندى خویش

عسى أن ينفعنا أو نتخذه ولدًا

ص: 52

## 38- خواسته های ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 124 - 15

15 - علاقه ابراهیم (ع) به ذریه خود و تمنای او برای رسیدن آنان به مقامات معنوی

و من ذرّیتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 126 - 1,3,5

1 - تبدیل زمین های اطراف کعبه به شهری دارای امنیت ، درخواست ابراهیم (ع) از درگاه خداوند

و إذ قال إبرهیم رب اجعل هذا بلداً آمناً

ظاهر آن است که مشارالیه «هذا» زمینهای اطراف کعبه باشد. بر این مبنا جمله «اجعل...» حاکی از دو درخواست است: 1- شهر شدن زمینهای اطراف کعبه؛ 2- برقرار بودن امنیت در آن شهر. قابل ذکر است که کلمه «بلد» به معنای سرزمین دارای حدود و مشخصات و نیز به معنای شهر است. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال می باشد.

3 - رونق اقتصادی شهر مکه و بهره مند شدن شهروندان مؤمن آن از انواع ثمرات و میوه ها ، دعای ابراهیم (ع) به درگاه خداوند

و ارزق أهله من الثمرت من ءامن منهم

5 - ابراهیم (ع) از خداوند خواست تا کافران مکه را از روزی های خویش بهره مند نسازد .

و ارزق .. من ءامن منهم باللّٰه و الیوم الآخر

«من ءامن» به عنوان بدل برای «أهله» بیانگر مقصود ابراهیم(ع) از کلمه «أهله» است. آن حضرت با آوردن «من ءامن» اشاره به این معنا دارد که: خواهان اعطای ثمرات به کافران مکه نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 128 - 7,8,10

7 - تشریح و تبیین طریقه عبادت خدا و چگونگی آداب آن ، از درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) از خداوند

و أرنا مناسکنا

مَنَسَك (مفرد مناسک) به معنای طریقه عبادت است (لسان العرب). بنابراین «أرنا مناسکنا»؛ یعنی، خدایا! شیوه عبادت کردنت را به ما ارائه کن.

8 - ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه، از خداوند خواستند تا چگونگی اعمال حج را به آنان بیاموزد.

رینا .. أرنا مناسکنا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مناسک - چنانچه برخی از اهل لغت و نیز برخی از مفسران گفته اند - به معنای اعمال حج باشد.

10 - ابراهیم و اسماعیل (ع)، از خداوند خواستند تا توبه خود و فرزندانشان را بپذیرد.

و تب علینا

ص: 53



1 - بعثت پیامبری از نسل اسماعیل ، از دعا ها و درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام بنای کعبه

و من ذریتنا أمة مسلمة لك . . . ربنا وابعث فیهم رسولا منهم

ضمیر در «فیهم» و «منهم» محتمل است به «أمة مسلمة» در آیه قبل برگردد و نیز محتمل است به «أهله» در آیه 126 بازگردانده شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، «ربنا وابعث فی ذریتنا المسلمة رسولا منهم». دعای مشترک ابراهیم و اسماعیل گویای این است که: پیامبر مورد نظر ابراهیم نیز فردی از نسل اسماعیل است نه از نسل دیگر فرزندان.

2 - تلاوت آیات الهی ، تعلیم کتاب آسمانی ، آموزش حکمت ( معارف و احکام دین و . . . ) و پاکسازی نسل ابراهیم و اسماعیل (ع) از آلودگی ها و ناخالصی ها ، از ویژگی های پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت او بودند .

ربنا وابعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم آیتک و یعلمهم الکتب و الحکمه و یزکیهم

3 - محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت آن حضرت از میان نسلشان بودند .

ربنا وابعث فیهم رسولا منهم . . . یزکیهم

به گفته همه مفسران، مراد از «رسولا» پیامبر عظیم الشأن اسلام، حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) است.

10 - ابراهیم و یعقوب (ع) ، از پسرانشان خواستند تا همواره تسلیم خدا بوده و مطیع فرمان او باشند .

فلاتموتن إلا و أنتم مسلمون

جمله «فلاتموتن . . .» کنایه از لزوم تسلیم همیشگی در برابر خدا و همواره مطیع او بودن است.

4- ابراهیم (ع) پس از دریافت خبر فرزندان شدنش از فرشتگان ، خواستار توضیح و اطلاعات بیشتری از آنان شد .

برداشت فوق بر این اساس است که «با» در «فبم» برای ملابست باشد و استفهام در جمله «فبم تبشرون» سؤال از چگونگی تحقق چنین بشارتی (فرزنددار شدن) باشد و نه تردید و سؤال از اصل فرزنددار شدن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 27 - 1

1 - تقاضای حضرت ابراهیم (ع) از میهمانان ، برای خوردن غذا همراه با نهادن آن در دسترس آنان

فقرَّبَه إِلَيْهِمْ

ص: 54

### 39- خواسته های ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 14 - 1

1 - ابلیس، خواستار مهلت و زنده ماندن خویش تا روز رستاخیز آدمیان (قیامت) گردید.

قال أنظرنی إلی یوم یبعثون

انظار (مصدر «انظر») به معنای تأخیر و مهلت دادن است و مراد از آن تأخیر زمان مرگ می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 62 - 2

2- ابلیس، از خداوند خواستار با خیر شدن از فلسفه بزرگداشت آدم (ع) و برتر دانستن او بر خود شد.

قال أریتک هذا الذی کرّمت علیّ

عبارت «أریت» معمولاً در آغاز جمله و برای سؤال می آید و به معنای «آخبرنی» است؛ بنابراین مراد از آن این است که: خداوند! به من اطلاع بده که چرا آدم را بر من برتری دادی؟

### 40- خواسته های اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 68 - 1

1 - درخواست کافران پیرو در قیامت، از خداوند برای دو برابر کردن عذاب رهبران گمراهگیشان.

یوم تقلّب وجوههم... وقالوا ربّنا إنا أطعنا سادتنا... ربّنا اتهم ضعفین من ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 29 - 8,9 - 1

1 - کافران در قیامت، خواهان شناسایی عاملان گمراهی خویش به منظور انتقام جویی از آنان

وقال الذین کفروا ربّنا أرنا الذین أضلّنا... نجعلهما تحت أقدامنا

8 - کفرپیشگان ، در قیامت خواستار ذلت و خواری بیشتر و عذاب شدیدتر برای رهبران اغواگر خویش خواهندبود .

نجعلهما تحت أقدامنا ليكونا من الأسفلين

9- ( في المجمع ) « وقال الذين كفروا في النار أرنا الذين أضلّنا من الجن والإنس » يعنون إبليس الأبالسه وقابيل بن آدم أول من أبدع المعصية . روى ذلك عن علي ( ع ) ؛

در مجمع البيان راجع به قول خداوند که می فرماید: «وقال الذين كفروا في النار أرنا الذين . . .» آمده است که: مقصود آنان رئیس ابلیس ها و قابیل فرزند آدم است که گناه و نافرمانی را پایه گذاری نمود و این مطلب از علی(ع) روایت شده است.».

ص: 55

## 41- خواسته های اخروی کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 68 - 6

6 - کافران پیرو، از خداوند، خواهانِ مورد لعن فراوان قرار دادن رهبران گمراه سازشان، خواهند بود.

وقالوا... ربنا... والعنهم لعناً كبيراً

«کبیر» صفت مفعول مطلق «إلْعَن» است. در آیه، این واژه به معنای «شدت» و مراد از آن، کثرت و زیادت است.

## 42- خواسته های اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 12 - 9، 13، 19

9 - مجرمان در قیامت، برای بازگشت به دنیا، به ربوبیت الهی متمسک می شوند.

ربنا أبصرنا وسمعنا فارجعنا

13 - مجرمان در قیامت، برای بازگشت به دنیا و یافتن فرصت انجام اعمال نیک، تمنا می کنند.

فارجعنا نعمل صلحاً

19 - به یقین رسیدن مجرمان درباره معاد، در قیامت دلیل درخواست شان از خدا جهت بازگشت به دنیا است.

فارجعنا نعمل صلحاً إنا موقنون

«إنا موقنون» به منزله تعلیل برای درخواست است.

## 43- خواسته های اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 51 - 3

3 - تقوایشگان در باغ های بهشتی، خواستار میوه ها و نوشیدنی های بسیار عالی، متنوع و گوناگون

یدعون فیها بفقکه کثیره و شراب

مقصود از کثرت میوه ها و نوشیدنی ها، تنوع آنها است و تنکیر «فاکله» و «شراب» برای تفخیم می باشد؛ یعنی، میوه های عالی و نفیس.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 55 - 1

1- تقوایندگان بهستی ، برخوردار از هرگونه میوه مورد تمایل خویش

یدعون فیها بکل فکله

ص: 56

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 1

1 - بهره مندی تقوایبندگان، از میوه ها و گوشت های مورد تمایل خویش در بهشت، علاوه بر نعمت های سرشار دیگر

فی جنّات و نعیم... و آمدندهم بفقکه و لحم ممّا یشتهون

#### 44- خواسته های اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 13 - 3

3 - تکذیب کنندگان قیامت، به هنگام گرفتاری در تنگنای آتشین دوزخ، مرگ و نابودی خویش را خواهند خواست.

و إذا ألقوا منها مكاناً ضیقاً مقرّنين دعوا هنالك ثبوراً

«ثبوراً» به معنای هلاکت است و «دعا» (ریشه «دعوا») به معنای خواندن با صدای بلند است و مقصود از «دعوا» این است که تکذیب کنندگان قیامت، فریاد می کشند و مرگ را آرزو و طلب می کنند.

#### 45- خواسته های اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 22 - 5

5 - منکران معاد، با مشاهده ملائکه در قیامت، از آنان درخواست خواهند کرد که متعرض ایشان نشده و اقدامی علیه آنان انجام ندهند.

یوم یرون الملئکه لابیشری... و یقولون حجراً محجوراً

«حجراً محجوراً» سخنی است که عرب به هنگام روبه رو شدن با دشمن و یا هجوم بلا و حوادث هولناک می گوید و مقصود اصلی در این کلام، امان خواستن و پناه بردن است.

#### 46- خواسته های اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 8 - 15، 13

13 - مؤمنان در عرصه قیامت، از خداوند خواستار اتمام و ازدیاد نور خویش اند.

يقولون ربّنا أتمم لنا نورنا

15 - مؤمنان در عرصه قیامت ، خواستار آمرزش الهی اند .

واغفرلنا

ص: 57



## 47- خواسته های اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 128 - 7,8,10

7- تشریح و تبیین طریقه عبادت خدا و چگونگی آداب آن ، از درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) از خداوند

و اَرنا مناسکنا

مَنَسَّک (مفرد مناسک) به معنای طریقه عبادت است (لسان العرب). بنابراین «اَرنا مناسکنا»؛ یعنی، خدایا! شیوه عبادت کردنت را به ما ارائه کن.

8- ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه ، از خداوند خواستند تا چگونگی اعمال حج را به آنان بیاموزد .

ربنا .. اَرنا مناسکنا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مناسک - چنانچه برخی از اهل لغت و نیز برخی از مفسران گفته اند - به معنای اعمال حج باشد.

10 - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، از خداوند خواستند تا توبه خود و فرزندانشان را بپذیرد .

و تب علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 129 - 1,2,3

1 - بعثت پیامبری از نسل اسماعیل ، از دعا ها و درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام بنای کعبه

و من ذریتنا امة مسلمة لک .. ربنا وابعث فیهم رسولا منهم

ضمیر در «فیهم» و «منهم» محتمل است به «أمة مسلمة» در آیه قبل برگردد و نیز محتمل است به «أهله» در آیه 126 بازگردانده شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، «ربنا وابعث فی ذریتنا المسلمة رسولا منهم». دعای مشترک ابراهیم و اسماعیل گویای این است که: پیامبر مورد نظر ابراهیم نیز فردی از نسل اسماعیل است نه از نسل دیگر فرزندان.

2 - تلاوت آیات الهی ، تعلیم کتاب آسمانی ، آموزش حکمت ( معارف و احکام دین و . . . ) و پاکسازی نسل ابراهیم و اسماعیل (ع) از آلودگی ها و ناخالصی ها ، از ویژگی های پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت او بودند .

ربنا وابعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم ءایتک و یعلمهم الکتب و الحکمه و یرزقهم

3 - محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت آن حضرت از میان نسلشان بودند .

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ . . . يَزَكِّيهِمْ

به گفته همه مفسران، مراد از «رسولا» پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) است.

#### **48- خواسته های اشراف قوم نوح**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 58

8- مطرود شدن مؤمنان تهی دست از پیرامون نوح (ع)، از شرایط سران و اشراف قوم نوح برای ایمان آوردن به آن حضرت

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا

### 49- خواسته های اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 187 - 1

1 - مردم ایکه، خواهان فرو ریختن قطعات آسمانی بر سرشان توسط شعیب (ع)

فأسقط علينا کسفاً من السماء إن كنت من الصدقین

«کِسْفَه» (مفرد «کِسْف») مرادف «قطعه» است.

### 50- خواسته های اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 28,30

28- بازدید اغذیه فروشی های متعدّد و انتخاب پاک ترین و شایسته ترین خوراک ها، خواسته اصحاب کهف از فرستاده ویژه خویش بود

فلینظر أیها أزکی طعاماً

«زکاه» (مصدر «أزکی») به معنای «طهارت» و نیز «صلاح» آمده است (لسان العرب). ضمیر در «أیها» به «المدینه» برمی گردد و مراد از آن - به طریقه استخدام - مکان های مدینه است.

30- اصحاب کهف، از فرستاده خویش خواستند در خرید غذا، به مقدار تغذیه و ارتزاق آنان اکتفا کند.

فلیأتکم برزق منه

«رزق» طعامی است که با آن تغذیه کنند (مفردات راغب). «من» در «منه» برای ابتدا یا تبعیض است و مفاد «فلیأتکم برزق منه» این است که از طعام مورد نظر، مقداری خریداری شود که رزق افراد قرار گیرد و به مقدار مصرف شان باشد.

### 51- خواسته های اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 28

28- اقوام کافر پیشین ، ضمن طرح شبهاتی در مقابل دعوت روشن انبیا ، از آنان خواستار دلیلی قاطع و روشن ( معجزه ) بودند .

إن أئتم إلا بشر مثلنا .. فأتونا بسلطن مبین

ص: 59

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 15 - 3,4

3- انبیا و اقوام کافر مخالف آنان ، هر یک خواستار پیروزی بر یکدیگر شدند .

و استفتحوا

بنابر اینکه مرجع ضمیر «استفتحوا» هر دو گروه انبیا و اقوام کافر باشد، قرینه «و خاب کل جبّار عنید» حاکی است که هر کدام از آنان، در پی پیروزی بر دیگری بوده اند؛ اما اقوام کافر از پیروزی محروم شدند.

4- درخواست اقوام کافر و انبیا برای غلبه بر یکدیگر ، نه تنها ثمری برای کفار نداشت ، بلکه هلاکت دنیوی آنان را نیز به همراه داشت .

و استفتحوا و خاب کلّ جبّار عنید

«خاب» در لغت به معنای «هلاک» آمده است و به قرینه «استفتحوا» مراد از «خبیه» می تواند هلاکت باشد.

## 52- خواسته های امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 2,7,8

2- برخی از معجزات درخواستی امت های پیشین ، از سوی خداوند به آنان اعطا گردید .

و ما منعنا أن نرسل . . . إلا أن کذب بها الأولون

معجزه از کلمه «الآیات» - به قرینه ذکر «ناقه» پس از آن - استفاده می شود و از اینکه خداوند فرمود: «تکذیب پیشینیان مانع ارسال معجزه از سوی ما شد» حکایت از این دارد که خداوند، به خواست آنان برای معجزه جواب مثبت داده است.

7- امت های مشرک و کافر پیشین ، پس از مشاهده معجزات درخواستیشان ، آنها را مورد انکار و تکذیب قرار دادند .

و ما منعنا أن نرسل بالآیت إلا أن کذب بها الأولون

8- تکذیب معجزات درخواستی از سوی امت های پیشین ، دلیل بهانه جویی و بی صداقتی تقاضا کنندگان معجزات متعدد است .

و ما منعنا أن نرسل بالآیت إلا أن کذب بها الأولون

از اینکه تکذیب معجزات درخواستی (اقتراح) از سوی پیشینیان، دلیل امتناع خداوند از ارائه معجزات برای امتهای بعدی مطرح شده است می تواند نشان از بی صداقتی و بهانه جویی این امتها باشد و خداوند به همین دلیل به معجزات درخواستی اینها، پاسخ منفی داده

است.

### 53- خواسته های انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 15 - 3,4

3- انبیا و اقوام کافر مخالف آنان ، هر یک خواستار پیروزی بر یکدیگر شدند .

ص: 60

بنابر اینکه مرجع ضمیر «استفتحوا» هر دو گروه انبیا و اقوام کافر باشد، قرینه «و خاب کل جبّار عنید» حاکی است که هر کدام از آنان، در پی پیروزی بر دیگری بوده اند؛ اما اقوام کافر از پیروزی محروم شدند.

4- درخواست اقوام کافر و انبیا برای غلبه بر یکدیگر، نه تنها ثمری برای کفار نداشت، بلکه هلاکت دنیوی آنان را نیز به همراه داشت.

و استفتحوا و خاب کلّ جبّار عنید

«خاب» در لغت به معنای «هلاک» آمده است و به قرینه «استفتحوا» مراد از «خبیه» می تواند هلاکت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 32 - 2

2 - پیامبران (ع)، حق درخواست شریک و معاون برای خویش از خداوند را دارند.

واجعل لی وزیرًا... و أشركه فی امری

#### 54- خواسته های انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 5 - 19

19 - خداوند، توانا بر انجام تمامی خواسته های بندگان است.

و ایاک نستعین

برداشت فوق لازمه این معناست که مراد از استعانت، استعانت در همه امور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 42 - 7

7 - انسان ها خواهان سعادت همیشگی و عمری جاودانه اند.

هم فیها خلدون

وعده به پاداش در صورتی مؤثر و ترغیب کننده آدمی است که وی خواهان آن باشد.

8 - انسان ، خواهان زندگی جاوید و ملک و مالکیت فنا ناپذیر است .

هل أدلک علی شجره الخلد و ملک لایلی

شیطان برای کارگر ساختن وسوسه خویش در آدم، از زمینه هایی بهره برد که در آدم وجود داشت. آن زمینه ها، میل به جاودانگی و مالکیت فنا ناپذیر است.

10 - شیطان ، به خواسته ها و آرزو های انسان ، آگاه است .



هل أدلك على شجرة الخلد و ملك لا يبلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 89 - 6

6- حفظ دستاورد های زندگی پس از مرگ در پرتو داشتن فرزند ، خواسته طبیعی انسان است .

و زكريا إذ نادى ربه ربّ لا تذرني فردا و أنت خير الورثين

از این که پیامبری چون زکریا(ع)، خواستار حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزنددار شدن بود، می توان استفاده کرد که همه انسان ها چنین خواسته ای دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 38 - 6

6 - راه یافتن به راه درست زندگی ، از آرمان ها و خواسته های همه انسان ها است .

قال فرعون .. و ما أهديكم إلاّ سبيل الرشاد ... و قال الذی ءامن یقوم اتّبعون أه

این که فرعون و مؤمن آل فرعون، هر دو مدعی نشان دادن راه صواب به مردم اند، می رساند که همه مردم خواستار چنین راهی می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 39 - 10

10 - حیات جاویدان و سرای پایدار ، خواسته طبیعی انسان ها است .

و إنّ الآخره هی دار القرار

تذکر به ناپایداری زندگی دنیوی و جاودانگی حیات اخروی، خود گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 29 - 10

10 - انسان در خواسته ها و کار های خود ، نه فاقد اراده است و نه دارای استقلال مطلق .

و ما تشاءون إلاّ أن یشاء الله

## 55- خواسته های انسان و اراده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 34 - 10

10- خواست انسان ها و تلاش آنان در برابر اراده خداوند ، شکست خورده و بی ثمر است .

فصرف عنه کیدهنّ

ص: 62

## 56- خواسته های اهل ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 163 - 7

7 - ماهیانی که روز شنبه بر ساحل دریای ایله ظاهر می شدند ، ماهیان دلخواه مردم آن سامان بودند .

إذ تأتیهم حیتانهم

اسناد ماهیان به مردم ایله با اضافه «حیتان» به «هم» (حیتانهم، یعنی ماهیان آنان)، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. یعنی علت اینکه آن ماهیان، ماهیان قوم ایله گفته شده، علاقه وافرشان به آن ماهیهای خاص بوده است.

## 57- خواسته های اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 153 - 1,3,4

1 - نزول کتاب و نوشته ای از آسمان بر اهل کتاب ، خواسته گزاف و بی جای آنان از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

یسئلك أهل الكتب أن تنزل عليهم كتباً من السماء

3 - عناد ، لجاجت و بهانه جویی ، ریشه درخواست های بی جای اهل کتاب از حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و موسی (ع)

فقد سألوا موسى أكبر من ذلك .. فأخذتهم الصعقة بظلمهم

لحن مذمت آمیز آیه در بیان خواسته های اهل کتاب، می رساند که آنان نه به خاطر حق جویی بلکه از سر بهانه جویی و عنادورزی چنین تقاضاهایی را مطرح می کرده اند.

4 - درخواست معجزه های بی مورد ، شیوه اهل کتاب در برابر دعوت پیامبران

یسئلك أهل الكتب .. فقد سألوا موسى أكبر من ذلك

## 58- خواسته های برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 12 - 11

11- «عن أبي جعفر (ع) : . . . فقالوا كما حكى الله عزوجل « . . . أرسله معنا غداً يرتع ويلعب » أي يرمى الغنم ويلعب ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . برادران یوسف همان گونه که خداوند حکایت فرموده، گفتند: «...أرسله معنا غداً يرتع ويلعب» ; یعنی، او را با ما بفرست تا گوسفندها را بچراند و بازی کند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 63 - 3

ص: 63

3- فرزندان یعقوب با اظهار محبت به بنیامین از پدرشان خواستند او را به همراه آنان روانه مصر کند .

فأرسل معنا أخانا

هدف فرزندان یعقوب از نام نبردن بنیامین و یاد کردن از او به عنوان «أخانا» (برادرمان) اظهار محبت به اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 78 - 11

11- مشاهده نیکوکار بودن یوسف ، مایه تشجیع فرزندان یعقوب به تقاضای آزادی بنیامین و بازداشت یکی از آنان به جای وی

فخذ أحدنا مكانه إنا نرىك من المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 82 - 4

4- لاوی به برادرانش سفارش کرد از یعقوب بخواهند که وی از اهالی مصر و نیز از همسفران ایشان ، داستان سرقت بنیامین را جویا شود .

فقولوا یأبانا .. وسئل القرية ... والعیر التي أقبلنا فیها

«اقبال» (مصدر اقبلنا) به معنای روی آوردن است و متعلق آن «إلیک» و مانند آن است که به خاطر وضوحش در کلام نیامده و «فیها» حال برای ضمیر «أقبلنا» می باشد. بنابراین «وسئل ... العیر التي ...» ; یعنی، از کاروانی پرس که ما در میان آنها به سوی شما آمدیم. قابل ذکر است که آیه مورد بحث نیز مانند آیه سابق، از سفارشهای لاوی به برادرانش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 85 - 5

5- فرزندان یعقوب از وی تقاضا کردند یوسف (ع) را فراموش کرده و یاد او را از خاطر بزداید .

قالوا تالله تقتوا تذكرو یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 88 - 14، 12، 8

8- فرزندان یعقوب با بیان تنگدستی و نداشتن بهای لازم برای خرید سهمیه خویش ، از یوسف (ع) خواستند جیره آنان را به طور کامل پرداخت کند .

12- فرزندان یعقوب از یوسف (ع) تقاضا کردند برادرشان بنیامین را به آنان باز گرداند .

و تصدق علینا

در اینکه مقصود فرزندان یعقوب از عطیه درخواستی چیست سه نظر ایراد شده است: 1 منظور بنیامین است که به ظاهر ملک یوسف(ع) می باشد. 2- مقصود آنان مقداری بیش از سهمیه و جیره ایشان است. 3 مراد همان سهمیه است بدون دریافت همه بهای آن. برداشت فوق، ناظر به اولین احتمال است.

14- برادران یوسف به دلیل سخت شدن معیشت بر خاندان یعقوب (ع) از او تقاضا کردند بیش از سهمیه سرانه ، آذوقه و غلات به آنان ببخشند .

ص: 64

مَسْنَا وَ أَهْلَنَا الضَّر . . . فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 97 - 4,8

4- فرزندان یعقوب با لحنی ملتمسانه از وی خواستند برای آمرزش گناهانشان از خداوند، طلب آمرزش کند.

يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

تصریح فرزندان یعقوب به «یا ابانا» (ای پدر ما) برای جلب مهر و محبت و برانگیختن عواطف اوست که از آن به «لحنی ملتمسانه» تعبیر شد.

8- فرزندان یعقوب از او خواستند تا از آنان نزد یوسف (ع) شفاعت کند و گذشت از خطاهایشان را از وی بخواهد.\*

يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

نبودن «ربنا» در سخن فرزندان یعقوب (استغفر لنا ذنوبنا) در مقابل تصریح یعقوب (ع) به «ربی» در پاسخ آنان (سوف أستغفر لكم ربی) مبنای برداشت فوق است. تصریح یعقوب (ع) به اینکه تنها خداوند آمرزنده و مهربان است، می تواند مؤید این احتمال باشد.

### 59- خواسته های بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 63 - 10

10 - بندگان خالص خداوند، به هنگام رو به رو شدن با گفتار جاهلانه و بدور از ادب و منطق جاهلان، از آنان خواستار سلامت و امنیت و همزیستی مسالمت آمیز می شوند.

وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که «سلاماً» مفعولٌ به برای فعل مقدر باشد؛ یعنی، «تسلم منکم تسليماً». در این صورت «سلام» به جای «تسلیم» نشسته است.

### 60- خواسته های بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 55 - 13, 5, 3, 2

2- بنی اسرائیل عصر موسی ، خواهان مشاهده خداوند شدند .

لن نُؤمن لك حتى نرى الله جهره

3- بنی اسرائیل ، تصدیق رسالت موسی را منوط به آشکارا دیدن خداوند کردند .

لن نُؤمن لك حتى نرى الله جهره

5- قوم موسی در پی کفر به او و تقاضای ناروایشان ( دیدن خداوند ) ، به هلاکت رسیدند .

لن نُؤمن لك... فأخذتكم الصعقه

ص: 65



«اخذ» (مصدر اخذت) به معنای گرفتن است و به قرینه آیه بعد کنایه از کشتن می باشد.

13 - قوم موسی ، در پی تقاضای رؤیت خدا ، شاهد فرود آمدن صاعقه بر خود بودند .

فأخذتكم الصعقه و أنتم تنظرون

مفعول «تنظرون» (نگاه می کردید) فرود آمدن صاعقه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 61 - 21، 15، 14، 6، 5، 4

4 - بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواستند تا رفع یکنواختی طعامشان را از درگاه خدا مسألت کند و آنان را به غذا های متنوع برساند .

لن نصبر علی طعام وحد فادع لنا ربك

به قرینه «لن نصبر . . .» مورد دعا بر طرف شدن یکنواختی خوراکیهاست و به دلیل «یخرج لنا ...» مورد دعا دستیابی به خوراکیهای گیاهی نیز هست. بنابراین بنی اسرائیل دو تقاضا داشتند: 1- بر طرف شدن یکنواختی غذا؛ 2- دستیابی به خوراکیهای گیاهی.

5 - بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواستند تا برای رسیدن به خوراکی های گیاهی به درگاه خدا دعا کند .

فادع لنا ربك یخرج لنا مما تنبت الأرض

6 - قوم موسی ، خواهان خوراکی های گیاهی و روئیده شده از زمین بودند .

فادع لنا ربك یخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و . . . بصلها

عبارت «مما تنبت الأرض» (آنچه از زمین برویاندش) دلالت بر این دارد که: قوم موسی، خوراکیهایی را طلب می کردند که گیاهی بوده و محصول زمین باشد. اضافه شدن کلمات «بقل» و «بصل» به ضمیر «ها» - که به «الأرض» بر می گردد - (سبزیجات زمین و ... پیاز زمین)، بیانگر تأکید آنان بر زمینی بودن خوراکیهای درخواستی است.

14 - سبزیجات ، خیار ، گندم ، عدس و پیاز از خوراکیهایی که قوم موسی خواهان آن بودند .

یخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و . . . بصلها

«فوم» به معنای گندم است. برخی از اهل لغت گفته اند که به معنای سیر نیز به کار می رود و نیز گفته شده که «فوم» به گندم و دیگر حبوباتی که با آن نان پخته شود اطلاق می گردد.

15 - « منّ » و « سلوی » خوراکی بهتر در مقابل آنچه که قوم موسی در پی دستیابی به آن بودند .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

«أدنی» از «دنو» و به معنای نزدیکتر است که به قرینه «خیر» مراد از آن پست تر می باشد. قابل ذکر است که برخی «أدنی» را از «دنائ» (پست) دانسته اند. بر این مبنا معنای حقیقی «أدنی» پست تر خواهد بود.

21 - موسی (ع) در پی تقاضای قومش (درخواست خوراکی های زمینی) از آنان خواست تا به یکی از شهرها در آیند و شهرنشینی را انتخاب کنند.

قال أتستبدلون . . اهبطوا مصرأ فان لکم ما سألتکم

چنانچه ضمیر در «قال» به «ریک» برگردد، جمله «اهبطوا . .» سخن خداوند است و اگر به موسی (ع) ارجاع شود، آن جمله گفته موسی (ع) خواهد بود. برداشت فوق به لحاظ احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 66

1 - بقره - 2 - 68 - 3

3 - قوم موسی، از وی خواستند تا مشخصه های گاوی را که باید ذبح شود از خداوند بخواهد و برای ایشان بیان کند .

قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما هي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 69 - 2

2 - قوم موسی، از وی تقاضا کردند تا رنگ گاوی را که باید ذبح شود، از خداوند سؤال کند و برای ایشان بیان دارد .

قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما لونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 70 - 1

1 - قوم موسی، بیان رنگ و سن گاو مورد نظر را مشخص کننده ندانسته و خواهان توضیح بیشتری درباره ویژگی های آن شدند .

قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما لونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 108 - 6,8,10

6 - بنی اسرائیل، پرسش ها و درخواستهایی نابه جا از موسی (ع) داشتند .

كما سئل موسى من قبل

8 - قوم موسی، نمونه ای بارز از اقوام بهانه جو در برخورد با پیامبران و دارای توقعات و خواسته های بی جا از آنان

أم تريدون أن تسئلوا رسولكم كما سئل موسى من قبل

چون بعید به نظر می رسد که در میان امتهای گذشته، تنها قوم موسی پرسشها و درخواستهای نابه جا از پیامبران داشتند، می توان به این نتیجه رسید که: یاد کردن از قوم موسی، به خاطر رواج بیشتر این خصیصه در میان آنان بوده است.

10 - درخواست ها و پرسش های نابه جا از قوم موسی از وی، آنان را به کفر ورزی کشانید و از ایمان به دور ساخت .

و من يتبدل الكفر بالأيمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 22 - 3.5

3 - خروج جباران از سرزمین مقدس ، شرط اعلام شده از سوی قوم موسی (ع) برای ورود به آن سرزمین

وإنا لن ندخلها حتى يخرجوا منها

5 - فتح سرزمین مقدس بدون مبارزه و درگیری ، انتظار نابجای قوم موسی (ع)

إنا لن ندخلها حتى يخرجوا منها فان يخرجوا منها فانا ندخلون

آیه و سیاق آن، حکایت از تخطئه اندیشه قوم موسی(ع) (فتح سرزمین قدس بدون مبارزه) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 24 - 4,5,8,11

ص: 67

4 - خروج جباران از سرزمین مقدس ، شرط اعلام شده از سوی بنی اسرائیل برای ورود به آن سرزمین

إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا

5 - فتح سرزمین مقدس بدون مبارزه ، انتظار نابجای قوم موسی (ع)

إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا

8 - بنی اسرائیل ، گستاخانه خواهان رهسپاری موسی (ع) و خدایش به نبرد با زورگویان سرزمین مقدس

قالوا .. فاذهب انت وربك فقتلا

11 - بنی اسرائیل ، با اعلام کناره گیری از نبرد ، خواستار معجزه موسی (ع) و امداد خاص الهی برای فتح سرزمین مقدس

فاذهب انت وربك فقتلا

امدادهای الهی و معجزات موسی (ع) برای نابودی فرعونیان در حضور بنی اسرائیل، می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از «اذهب ..»، توقع و درخواست امداد خداوند و معجزه موسی (ع) برای نابودی جباران است، به گونه ای که نیاز به جهاد و مبارزه نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 9،10

9 - بنی اسرائیل از موسی خواستند تا خدایی مانند خدایان بت پرستان برای آنان قرار دهد .

اجعل لنا إلهاً كما لهم ءالهه

10 - بنی اسرائیل با مشاهده بت پرستان و کرنش آنان در برابر معبودهایی محسوس ، خواستار معبودی ملموس و محسوس شدند .

فأتوا على قوم يعكفون على أصنام لهم قالوا ياموسى اجعل لنا إلهاً كما لهم ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 7

7 - بنی اسرائیل با توسل به موسی (ع) خواستار برطرف شدن مشکل کمبود آب شدند .

إذ استسقه قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 86 - 6،7

6 - بنی اسرائیل ، خواهان هجرت از سرزمین مصر به سرزمین دیگر بودند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

7 - بنی اسرائیل ، در دعای خویش از خداوند خواستند : زمینه هجرتشان از سرزمین مصر به سرزمینی دیگر را فراهم کند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

جمله «و نجنا برحمتک من القوم الکفرین» به معنای (ما را از کافران خلاص نما) است و مقصود از آن می تواند درخواست هجرت به سرزمین دیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 77 - 11

ص: 68

11 - قوم خیر خواه قارون ، خواهان بسنده کردن وی به سهم خویش و صرف کردن مازاد آن در راه خدا

و لاتنس نصیبک من الدنيا

### 61- خواسته های بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 14

14 - از امام باقر (ع) روایت شده است : « . . . و إذا اراد المؤمن شيئاً أو اشتهى انما دعواه في ها إذا أراد ، أن يقول : « سبحانك اللهم » فإذا قال ها تبادرت إليه الخدم بما اشتهى من غير ان يكون طلبه منهم أو أمر به و ذلك قول الله عز و جل : « دعواهم في ها سبحانك اللهم و تحيتهم في ها سلام » یعنی الخدام قال : « و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمين » یعنی بذالك عند ما يقضون من لذاتهم من الجماع و الطعام و الشراب يحمدون الله عز و جل عند فراغتهم . . . ;

. . . هر گاه مؤمن [در بهشت] چیزی را اراده کرد یا بدان میل پیدا کرد، دعا [و گفتار] او در آن جا این است که می گوید: «سبحانک اللهم». پس وقتی این ذکر را گفت، خادمان آنچه را او خواسته برایش حاضر می کنند بدون اینکه آن را طلبیده یا دستور داده باشد و این است معنای قول خدا «دعواهم فيها سبحانك اللهم». [و اینکه خدا می فرماید] «تحيتهم فيها سلام»; یعنی، تحیت مؤمنان در بهشت، سلام خادمان بهشتی است. امام فرمود: «و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمين»; یعنی، مؤمنان هنگامی که از لذت آمیزش و خوردنیها و آشامیدنیها، بهره مند شدند، با گفتن «الحمد لله رب العالمين» خدای عز و جل را حمد می گویند . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 102 - 3

3- بهشتیان ، غرق و جاودان در نعمت های دل خواه خویش خواهند بود .

و هم فی ما اشتهت أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 4

4 - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فيقول هاؤم اقرءوا كتيبہ

«هاؤم» اسم فعل امر و به معنای «خذوا» (بیابید بگیریید) است.

5 - اندازه گیری و هندسه ظرف ها و جام های بهستی و مقدار محتوای آنها ، به سفارش و خواسته خود بهشتیان است .

قَدْرُوهَا تَقْدِيرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که فاعل «قَدَّرُوا» خود ابرار باشد.

ص: 69



## 62- خواسته های بیجای مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 114 - 4

4- با نزول قرآن جایی برای نزول معجزات درخواستی مشرکان متصور نیست.

و لو أننا نزلنا إليهم .. أفغير الله أبتغى حكما و هو الذي أنزل إليكم الكتب

به نظر می رسد جمله استفهامی توییخی «أفغير الله أبتغى ..» به قرینه آیات قبل، تعریض به کسانی باشد که دلیل و معجزه ای غیر از قرآن طلب می کردند و جمله «و هو الذي أنزل ...» تتمیمی بر این تعریض است. یعنی با وجود قرآن جایی برای درخواستهای دیگر نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 50 - 5

5- درخواست تسریع عذاب استیصال از سوی مشرکان، خواسته ای نابخردانه و مایه شگفتی است.

إن أتیکم عذابه .. ماذا يستعجل منه المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 12 - 8,9,1

1- تکذیب پیامبر از سوی مشرکان به خاطر مطرح کردن قیامت و نیز پیشنهاد های نابه جای ایشان، آن حضرت را در خطر ترک و عدم ابلاغ برخی از آیات قرار داده بود.

فلعلک تارک بعض ما یوحی إلیک و ضائق به صدرک أن یقولوا لولا أنزل علیه کنز

روشن است که خوف و شکی که «لعل» دلالت بر آن می کند به لحاظ متکلم (خداوند) نیست؛ بلکه حاکی از خوف و تردید مخاطب (پیامبر) و یا موقعیت خاصی است که هر انسانی احتمال ترک برخی از آیات را دور از انتظار نمی بیند. بنابراین «لعلک تارک ...» می رساند که پیامبر در شرایطی بود که این خوف و احتمال وجود داشت که در ابلاغ برخی از آیات به تردید بیفتد و مصلحت ببیند که آنها را موقتاً ابلاغ نکند تا شرایط و جو پیشامده تغییر کند. «أن یقولوا ...» به تقدیر «لام» و «لا» ی نافیة (لأن لا یقولوا...) بیانگر علت و ریشه پدید آمدن زمینه و شرایط آن خوف و احتمال است. تفریع «لعلک تارک...» بر آیه هفتم می رساند که تکذیب قیامت نیز می توانست در پدید آمدن آن شرایط مؤثر باشد.

8- نزول فرشته ای همراه و همگام با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از پیشنهاد های مشرکان برای اطمینان به حقانیت آن حضرت

أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا... جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ

9- پیشنهاد های نابه جای مشرکان و معجزه های درخواستی آنان ، موجب دلتنگی و ناراحتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) می شد .

و ضائق به صدرک أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ كُنُزًا وَأُجَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ

برداشت فوق ، بر این اساس است که: ضمیر در «به» به «أَنْ يَقُولُوا...» برگردد و به تعبیری دیگر «أَنْ يَقُولُوا...» بدل برای ضمیر در «به» باشد؛ یعنی: و ضائق صدرک بَأَنْ يَقُولُوا....

ص: 70

### 63- خواسته های بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 118 - 7

7- بیگانگان ، خواهان گرفتاری جامعه ایمانی به رنج ، مشقت و ضرر

وَدَّوَا مَا عَنَّا

«ما» در «ما عننا»، مصدریّه است و «عنت» به معنای شدت گرفتاری و رنج است.

### 64- خواسته های پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 6

6- پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

وقال الملك اِنى ارى . . . يا ايها الملائة ائتونى

«ملائ» به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 3

3- پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

وقال الملك ائتونى به

### 65- خواسته های پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 61 - 1

1 - پیروان طاغیان ، از خداوند می خواهند عذاب طغیان گران را در دوزخ دوچندان کند .

قالوا ربنا من قَدّم لنا هذا فزده عذاباً ضعفاً في النار

«ضعف» به معنای دوچندان است.

ص: 71

## 66- خواسته های جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 113 - 7

7 - ساحران پس از اعلام آمادگی برای مبارزه با موسی (ع) از فرعون خواستند تا در صورت پیروزی از پاداشی گران برخوردار شوند .

قالوا إن لنا لأجراً إن كنا نحن الغلبين

جمله «إن لنا ..» استفهامی است و حرف استفهام مقدر می باشد. یعنی: إن لنا ... نکره آمدن کلمه «أجراً» دلالت بر بزرگی و گرانبستگی پاداش دارد.

## 67- خواسته های جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 114 - 1

1 - فرعون به خواسته ساحران (اعطای پاداش در صورت پیروزی) ، پاسخ مثبت داد .

ان لنا لأجراً .. قال نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 126 - 9

9 - صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات ، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمين

## 68- خواسته های جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاهیه - 45 - 18 - 9

9 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ، تحت فشار از سوی عناصر نابخرد برای پذیرش طرح ها و پیشنهاد های جاهلانه آنان

ولا تتبع أهواء الذين لا يعلمون

با توجه به تبعیت بی چون و چرای پیامبر (صلی الله علیه و آله) از وحی، نهی «لاتتبع» تعبیری کنایی برای بازداشتن دیگر مؤمنان خواهد بود و یا این که فشارهای ناآگاهان جدی بوده و خداوند به پیامبر در این باره هشدار داده است برداشت یاد شده ناظر به دومین احتمال است.

ص: 72

## 69- خواسته های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 30 - 2

2 - جهنم ، تقاضامند دریافت مجرمان هر چه بیشتر

و تقول هل من مزيد

## 70- خواسته های جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 50 - 1،7

1 - دوزخیان با فریادی بلند از بهشتیان تقاضا می کنند که از آب های بهشت یا دیگر مواهب آن بر ایشان فروریزند .

و نادى اصحاب النار . . . ان أفيضوا علينا من الماء او مما زرقكم الله

7 - تحریم روزی های بهشت بر اهل دوزخ ، دلیل خودداری بهشتیان از اهدای آب و دیگر مواهب درخواستی دوزخیان به ایشان

ان أفيضوا علينا . . . قالوا إن الله حرهما على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 29 - 17

17- آب های غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

وإن يستغيثوا يغاثوا بماء كالمهل

«مهل» به معنای «درده روغن» و نیز «مس گداخته» است (مقایس اللغه) و نیز به «خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید» گفته می شود.

(قاموس) وصف آنان با عبارت «یشوی الوجوه» با معنای «مس گداخته» سازگارتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 107 - 4،6

4 - دوزخیان ، خواستار مجازات خویش در صورت بازگشت دوباره به گناه و عصیان ، بعد از فرصت داده شده

6 - « وفي الحديث أنّ أهل النار إذا دخلوها . . . « فقالوا ربّنا غلبت علينا شقوتنا و كُنّا قومًا ضالّين ، ربّنا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا ظالِمون « فيقفون أربعين سنه - ذلّ الهوان لا يجابون . . . ، ثم يجيهم الله جلّ جلاله « اخسئوا فيها و لا تكلمون » قال : فعند ذالك يأسون من كلّ فرج و راحه و يغلق أبواب جهنّم عليهم . . . » ;

در حدیث آمده است که جهنمیان آن گاه که وارد آتش می شوند [می گویند:.. «فقالوا ربّنا غلبت علينا شقوتنا و كُنّا قومًا ضالّين...»] پس چهل سال با ذلت و خواری توقف می کنند، در حالی که پاسخ داده نمی شوند... سپس خداوند - جلّ جلاله - جواب آنان را چنین می دهد: «اخسئوا فيها و لا تكلمون». امام(ع) فرمود: در این هنگام است که آنان از هر گونه گشایش و راحتی، مأیوس می گردند و درب های جهنم به روی آنها بسته می شود...».



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 13 - 3

3 - تکذیب کنندگان قیامت ، به هنگام گرفتاری در تنگنای آتشین دوزخ ، مرگ و نابودی خویش را خواهند خواست .

و إذا ألقوا منها مكاناً ضيقاً مقرّنين دعوا هنالك ثبوراً

«ثبوراً» به معنای هلاکت است و «دعا» (ریشه «دعوا») به معنای خواندن با صدای بلند است و مقصود از «دعوا» این است که تکذیب کنندگان قیامت، فریاد می کشند و مرگ را آرزو و طلب می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 38 - 7

7 - درخواست نجات از سوی دوزخیان ، به منظور انجام اعمال صالح ، صادقانه نبوده و آنان باز به رفتار زشت خود ادامه خواهند داد .

فما للظلمين من نصير . إنّ الله علم غيب السموت و الأرض إنّّه علیم بذات الصدور

یادآوری علم همه جانبه خداوند - پس از نفی وجود یاور برای کافران - می تواند پاسخی به این سؤال باشد که چرا و کجا آنان بی ناصراند؟ پاسخ این است که: چون خداوند به راز دل ها آشنا است، می داند که آنان هرگز ایمان نمی آورند و در نتیجه از نصرت و یاری کسی بهره مند نخواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 32 - 7

7 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : . . . « يوم التناد » يوم ينادى أهل النار أهل الجنة أن أفيضوا علينا من الماء أو ممّا رزقكم الله . . . » ;

از امام صادق(ع) روایت شده فرمود: «يوم التناد» روزی است که دوزخیان بهشتیان را صدامی زنند که از فیض آب ها یا آنچه را خدا به شما عطا فرموده ما را مستفیض کنید. . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 49 - 1

1 - درخواست دوزخیان از نگهبانان جهنم ، مبنی بر شفاعت کردن نزد خداوند جهت تخفیف اندکی از عذابشان حتی به مقدار یک روز

وقال الذين في النار لخزنة جهنم ادعوا ربكم يخفف عنا يوماً من العذاب

## 71- خواسته های حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 189 - 10

10 - آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی خواستند تا فرزندی سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند .

ص: 74

دعوا اللّٰه ربهما لئن آتیتنا صلحاً لنكونن من الشکرین

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت مورد، فرزند سالم و میرا از عیب و نقص است به گونه ای که استعداد زنده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله «فلما آتیهما صلحا ...» دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 190 - 1

1 - خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد.

دعوا اللّٰه ربهما لئن ... فلما آتیهما صلحاً

## 72- خواسته های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 84 - 3

3 - خداوند، خواهان رسوایی و خواری منافقان در جامعه اسلامی، حتی پس از مرگشان

و لاتصل علی أحد منهم مات أبداً و لاتقم علی قبره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 102 - 4

4 - خداوند، خواهان خارج نشدن انسان از حالت خوف ورجا

عسی اللّٰه یتوب علیهم

خداوند، به طور قطع نفرموده است که توبه آنان پذیرفته می شود؛ بلکه فرموده: امید است که پذیرفته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 118 - 14

14 - خداوند، خواهان توبه انسان های خطاکار و فراهم کننده زمینه توبه برای آنان

ثم تاب عليهم ليتوبوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 126 - 6

6 - خداوند ، خواهان هدايت و توبه همه انسان ها حتى منافقان

أولا يرون أنهم يفتنون .. ثم لا يتوبون ولا هم يدّكرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 75

14- آگاه شدن از فواید دنیوی هجرت در راه خدا و پاداش اخروی آن ، مورد تمنی خداوند

و الذین هاجروا .. لو كانوا يعلمون

از جمله معناها و استعمالهای «لو» تمنی است و برداشت فوق بر این اساس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 53 - 4

4- خداوند ، خواهان موضع گیری شایسته و سخن نیک انسان ، در قبال گفتار و برخورد های ناشایست دیگران

قل لعبادی يقولوا التی هی أحسن

در آیات قبل، سخن ناروای کافران در مسحور خواندن پیامبر (صلی الله علیه و آله) ذکر شده است و در این آیه می فرماید: «شما بهترین را بگویند». از مجموع این فرازا برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 10 - 7

7 - نعمت های خداوند ، فراتر از خواسته های او از انسان است .

فاوی .. فأغنی .. فلا تقهر .. فلا تنهر

خداوند، در بیان نعمت هایش بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از پناه دادن و ثروتمند ساختن آن حضرت سخن می گوید؛ ولی در مقابل او را تنها به مقهور نساختن یتیم و جواب رد ندادن به سائل مکلف می سازد. مقایسه این دو روش، و جنبه اثباتی و سلبی در آنها، بیانگر نکته یاد شده است.

### 73- خواسته های خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 70 - 3

3- خضر ، خواهان تعجیل نکردن موسی در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بی چون و چرا از خود ، الزام نکرد .

حتی أحدث لك منه ذكراً

## 74- خواسته های داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 251 - 11

11 - خداوند علومی را که مشیت او اقتضا می کرد به داود آموخت .

و علمه ممّا یشاء

ص: 76

## 75- خواسته های دشمنان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 15 - 3

3- انبیا و اقوام کافر مخالف آنان ، هر یک خواستار پیروزی بر یکدیگر شدند .

و استفتحوا

بنابر اینکه مرجع ضمیر «استفتحوا» هر دو گروه انبیا و اقوام کافر باشد، قرینه «و خاب کل جبّار عنید» حاکی است که هر کدام از آنان، در پی پیروزی بر دیگری بوده اند؛ اما اقوام کافر از پیروزی محروم شدند.

## 76- خواسته های دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 38 - 11

11 - دنیاطلبان ، مردمانی دون همت

أرضیتیم بالحیوه الدنیا من الآخره فما متع الحیوه الدنیا فی الآخره إلا قلیل

## 77- خواسته های رهبران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 124 - 2

2- درخواست رسالت و دریافت وحی، شرط بی جای سردمداران مجرم برای ایمان آوردن به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و إذا جاءتهم آیه قالوا لن نؤمن حتی نؤتی مثل ما أوتی رسل الله

## 78- خواسته های زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 5 - 8

8- زکریا (ع) ، خواستار فرزندی صالح و جانشینی از نسل خود

فهب لی من لدنک ولیاً

مراد زکریا از «ولیاتاً» - به قرینه «هب لی» و نیز «یرثنی..» در آیه بعد - فرزند بود.

ص: 77



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 8 - 2

2- زکریا (ع)، مایل بود بداند چگونه علی رغم مساعد نبودن شرایط طبیعی، دارای فرزند خواهد شد.

أَنتَى يَكُونُ لِي غَلَمٌ . . . وَقَدْ بَلَغْتَ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا

تعبیر «أَنتَى يَكُونُ لِي غَلَمٌ» بیانگر اشتیاق زکریا به اطلاع یافتن بر چگونگی تحقق وعده الهی است، نه این که قدرت خداوند بر آن بعید شمرده باشد، او با توجه به موانع موجود، درخواست خود را مطرح کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 10 - 2، 1

1- زکریا (ع) خواستار نشانه ای از خداوند، برای شناخت زمان آمادگی او و همسرش برای بر خورداری از فرزند

قال رب اجعل لی آیه

هدف زکریا از خواستن آیه و علامت، یا رفع تردید در صحت بشارت بوده و یا آمادگی برای رعایت آداب هم بستری و یا پرداختن به شکرگزاری و امثال آن. برای احتمال سوم در آیه شاهدهی وجود ندارد. برخی احتمال اول را نیز به دلیل نسبت دادن تردید به پیامبران، نپذیرفته و احتمال دوم را صحیح دانسته اند. برداشت یاد شده براین اساس است.

2- زکریا (ع)، خواهان علامت و نشانه ای بر الهی بودن بشارت تولد یحیی به وی \*

قال رب اجعل لی آیه

علامت خواهی زکریا ممکن است از آن جهت باشد که وی اطمینان یابد آنچه او دریافت داشته، وحی الهی بوده است و نه القآت شیطانی؛ امکان تردید در این امور برای پیامبران با توجه به این نکته است که آنان تنها با امدادهای خداوند از آزار شیاطین و القآت آنها مصون می ماندند و خداوند گاه با ارائه نشانه و گاه با وسیله دیگر آنان را مطمئن می ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 14 - 11

11- حضرت یحیی (ع)، فرزند دلخواه زکریا (ع) و دارای اخلاق و رفتاری رضایت بخش

و کان تقیًّا . و برًّا بولدیه و لم یکن جبًّا رًا عصیًّا

برشمردن ویژگی های یحیی پس از بیان دعاهای زکریا که در آن آمده بود: «واجعله ربّ رضیًّا»، می تواند گویای مطابقت اوصاف یحیی، با

خواسته زکریا باشد.

## 79- خواسته های زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 21, 32

21- یوسف (ع) در پاسخ به دعوت و فرمان زلیخا، خداوند را سزاوارتر برای اطاعت، قدرشناسی و سپاس دانست.

قال معاذ الله إنه ربي أحسن مثوای

32- «عن علی بن الحسین (ع): . . . فلما راهق یوسف راودته إمرأه الملك عن نفسه . . .» ;

ص: 78

از امام سجاده (ع) روایت شده است: .. چون حضرت یوسف در آستانه بلوغ جنسی قرار گرفت، همسر پادشاه از او درخواست کرد که تا با او درآمیزد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 10

10- زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف (ع)، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند.

وقالت اخرج علیهنّ

کلمه «خروج» به معنای از داخل به بیرون آمدن است. بنابراین «اخرج علیهنّ» می رساند که یوسف (ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد؛ یعنی، اگر مجلس پذیرایی در اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف (ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 11

11- «عن أبي جعفر (ع) في قوله: «ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه حتى حين» فالآيات شهادة الصبي و القميص المخرق من دبر و استباقهما الباب حتى سمع مجاذبت ها إياه على الباب فلما عصاها فلم تزل ملحّة بزوجه حتى حبسه...»؛

از امام باقر (ع) درباره سخن خدا که فرمود: «ثم بدا لهم...» روایت شده است: آن نشانه ها گواهی کودک و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن پشت در، یوسف را به طرف خود می کشد؛ پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد».

## 80- خواسته های ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 7

7- ساقی دربار، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود.

أنا أُنبئكم بتأويله فأرسلون

حرف «ن» در «فأرسلون» نون وقایه و کسره آن، حاکی از «یاء» متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این «فأرسلون»؛ یعنی: پس مرا به سوی یوسف (ع) - که در زندان است - بفرستید.

5- ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یاأكلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

## 81- خواسته های سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 13 - 7، 3، 2، 1

1 - جتّیان در خدمت سلیمان (ع)، هر چه او می خواست انجام می دادند .

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . . . یعملون له ما یشاء

2 - جتّیان برای سلیمان (ع)، طبق خواست او قصرهایی می ساختند .

یعملون له ما یشاء من محریب

«محاریب» جمع «محراب» (از ریشه «حرب») است و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

3 - جتّیان برای سلیمان (ع) طبق خواست او محل هایی برای عبادت بنا می کردند .

یعملون له ما یشاء من محاریب

«محراب» (جمع «محاریب») به معنای مسجد آمده است (مفردات راغب).

7 - جتّیان، طبق خواست سلیمان (ع)، برای او کاسه های بزرگی به اندازه حوض می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . . . و جفان کالجواب

«جفان» جمع «جفنه» است و آن به معنای ظرف غذا می باشد. «جواب» جمع «جابیه» و به معنای جمع کننده و دربردارنده است (مفردات راغب). گفتنی است که «جواب» به معنای حوض هم آمده است (لسان العرب).

## 82- خواسته های شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 89 - 26، 25

25 - شعیب (ع) پس از یأس از ایمان مردم کفرپیشه با دعا به درگاه خداوند از وی خواست تا بین او و کفرپیشگان قضاوت کند .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و أنت خیر الفتّحین

از معانی کلمه «فتح» داوری کردن و قضاوت نمودن است.

26- شعيب (ع) در دعای خویش خواستار امداد های غیبی خداوند شد .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 93 - 1

1- شعيب (ع) از سر تهديد و هشدار ، از کفرپيشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری کنند .

و يقوم اعمالوا علی مکاتکم

ص: 80

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 179 - 2

2- شعيب (ع)، خواهان اطاعت اصحاب ايکه از او، به دليل آشکار بودن صداقت و امانت داری اش

إني لكم رسول أمين . فاتقوا الله و أطيعون

برداشت یاد شده از تفریح «اتقوا..» بر «إني لكم رسول» به دست می آید.

### 83- خواسته های شیطانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 119 - 14

14 - آمال و آرزوها، زمینه اجرای خواسته های شیطان است .

ولا منينهم ولا مرنهم فليبتكن . . . فليغيرن خلق الله

تقديم جمله «ولا منينهم» (آنان را به خيال گرائی وا می دارم) بر جمله «لا-مرنهم» بيانگر آن است که شیطان ابتدا انسان را به آرزوهای توخالی وا می دارد و سپس اوامر خویش را به او القا می کند.

### 84- خواسته های صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 20

20 - صالح از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چريدن آزاد بگذرانند .

فذروها تأكل في أرض الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 74 - 3

3 - صالح (ع) از قوم خویش خواست تا نعمت خلافت و سکونت گزیدن در سرزمین حجر را نعمتی از جانب خدا بدانند و آن را همواره به خاطر داشته باشند .

واذكروا إذ جعلكم خلفاء من بعد عاد و بوأكم في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 64 - 4

4- صالح (ع) از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذارند .

فذروها تأكل في أرض الله

ص: 81



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 144 - 2

2- صالح (ع) ، خواهان اطاعت ثمودیان از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح «اتَّقُوا اللَّهَ» بر «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» می تواند مفید این مطلب باشد.

### 85- خواسته های ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 44 - 6

6- ستمکاران ، خواهان بازگشت به دنیا و جبران گناهان گذشته خود به هنگام مشاهده عذاب

و ترى الظلمين لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِن سَبِيلِ

### 86- خواسته های عبدالله بن ام مکتوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 12 - 3

3- ابن ام مکتوم ، خواهان فراگیری معارف قرآن بود .

فمن شاء ذكره

آیه شریفه تلویحاً حاضران مجلس پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به دو دسته تقسیم می کند و - به قرینه آیات پیشین - عبارت «من شاء» به ابن ام مکتوم نظر دارد.

### 87- خواسته های عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 8

8- عزیز مصر ، اداره امور یوسف (ع) را به همسرش زلیخا واگذار کرد ، و از او خواست تا یوسف (ع) را گرامی داشته و منزلتش را پاس دارد .

«مثوی» اسم مکان و به معنای منزل و اقامتگاه است. عبارت «أكرمي مثواه» ؛ یعنی ، منزل و مقامش را گرامی دار. اکرام منزل و اقامتگاه ، تأکید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 29 - 1,3

1- عزیز مصر از یوسف (ع) خواست تا ماجرای زلیخا را نادیده انگاشته و آن را مخفی سازد .

یوسف أعرض عن هذا

اعراض کردن از ماجرای زلیخا - که مفاد عبارت «أعرض عن هذا» است - در حقیقت توصیه به مخفی نگه داشتن و نادیده گرفتن است ، نه لب به شکایت نگشودن ؛ زیرا اقدام علیه زلیخا با ملاحظه موقعیت یوسف(ع) - که برده ای زر خرید بوده - ناسازگار است.

3- عزیز مصر ، پس از روشن شدن خطای زلیخا ، از وی خواست استغفار کند و از گناه خویش پوزش بطلبد .

واستغفري لذنبك إنك كنت من الخاطئين

در جمله «استغفري لذنبك» (برای گناهت طلب آمرزش کن) بیان نشده که زلیخا باید از چه کسی آمرزش بخواهد. برخی از مفسران گفته اند: مراد ، استغفار به درگاه خداوند است و برخی برآنند که مقصود ، پوزش خواستن از عزیز مصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 10

10- « عن علی بن الحسین (ع) : . . . فلما سمع الملك كلام الصبي . . . قال ليوسف : « أعرض عن هذا . . . » و اکتمه قال : فلم یکتمه یوسف و أذاعه فی المدینه حتی قلن نسوه منهنّ إمرأه العزیز تراود فتاها عن نفسه . . . ؛

از امام سجّاد(ع) نقل شده است: . . . همین که پادشاه سخن کودک را شنید . . . به یوسف گفت: از این ماجرا درگذر . . . و آن را پوشیده بدار. [امام فرمود:] یوسف ماجرا را پوشیده نداشت و آن را در شهر منتشر کرد تا اینکه عده ای از زنان شهر گفتند: همسر عزیز غلام خود را به خویش دعوت کرده است . . .».

## 88- خواسته های فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 106 - 2

2- فرعون از موسی خواست چنانچه قادر به ارائه معجزه است ، آن را ارائه کند .

قال إن كنت جئت بنایه فأت بها

روشن است که در جمله های شرطیه نباید شرط و جزا از نظر مفهوم همانند باشد و نمی توان گفت: اگر آورده ای بیاور. بنابراین جمله «إن

کنت جئت بایه» (اگر آیت و معجزه ای آورده ای) به این معناست: اگر قادر به ارائه معجزه هستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 107 - 1

1 - موسی (ع) در پاسخ فرعون (درخواست آیت رسالت) عصای خویش را رها ساخت .

فألقى عصاه

ص: 83

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 108 - 1

1 - موسی (ع) در پی درخواست فرعون (آوردن معجزه) دومین آیت رسالت خویش را ارائه کرد.

إن كنت جئت بئایه فأت بها .. و نزع یده فإذا هی بیضاء للنظرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 58 - 10، 8

8 - فرعون از موسی (ع) خواست به وی اطمینان دهد که او نیز در میعادگاه حاضر خواهد شد.

ولا أنت

10 - فرعون، برای مقابله با معجزات موسی (ع) از او خواست مکانی مناسب و هموار را در نظر گیرد.

فاجعل .. مکاناً سوئی

«مکاناً» بدل است برای «موعداً» و «سوی» به معنای مستوی است. «مکاناً سوی»؛ یعنی، زمینی که مسطح باشد. این وصف، آگاهی طرفین را بر آنچه انجام می گیرد، ممکن می سازد.

### 89- خواسته های فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 134 - 10، 6، 2

2 - فرعونیان پس از گرفتار شدن به عذاب شدید، رو به موسی (ع) آورده از وی خواستند تا برای برطرف شدن آن دعا کند.

ولما وقع علیهم الرجز قالوا یموسی ادع لنا ربک

6 - فرعونیان، موسی (ع) را به منزلتش نزد خدا (مستجاب الدعوه بودنش) قسم دادند تا زوال عذاب را از خداوند درخواست کند.

ادع لنا ربک بما عهد عندک

«باء» در «بما عهد» در برداشت فوق، باء قسم گرفته شده است.

10 - فرعونیان با موسی (ع) پیمان بستند و سوگند یاد کردند که در صورت برطرف ساختن عذاب شدید از آنان، به وی ایمان آورند و بنی

اسرائیل را آزاد سازند .

لئن کشفتم عنا الرجز لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 135 - 1

1 - موسی (ع) با پذیرش تقاضای فرعونیان (دعا برای رفع عذاب) ، برطرف شدن عذاب را از خداوند درخواست کرد .

فلما کشفنا عنهم الرجز

سیاق آیه نشان می دهد که جمله ای همانند «فدعا موسی فکشفنا عنهم الرجز» در تقدیر است که به سبب وضوحش در کلام آورده نشده است.

ص: 84

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 64 - 4,8

4 - حضور با تمام قوا و با آرایش منظم و با هیبت ، طرح پیشنهادی فرعونیان برای قدرت نمایی در صحنه مقابله با موسی (ع)

فأجمعوا كيدكم ثم اتوا صفاً

8 - فرعونیان ، پذیرش دعوت های موسی (ع) را ، به توان مندی او در آوردن سحری بی نظیر مشروط کرده بودند .

وقد أفلح اليوم من استعلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 49 - 6

6 - درخواست عاجزانه فرعونیان از موسی (ع) ، در رفع عذاب از آنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 50 - 1

1 - پاسخ مثبت موسی (ع) به تقاضای فرعونیان و دعای او برای رفع عذاب از ایشان

ادع لنا ربك .. فلما كشفنا عنهم العذاب

از ارتباط این آیه با آیه قبل ، استفاده می شود که در آیه شریفه ایجاز و حذفی صورت گرفته است. بدین صورت که آنان از حضرت موسی(ع) درخواست دعا کردند و او خواسته آنها را اجابت نمود.

## 90- خواسته های قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 66 - 4

4 - قریش و مشرکان از سر استهزا، خواهان عملی شدن عذاب موعود بر خود به دست پیامبر(صلی الله علیه و آله) بودند.

و كذب به قومك .. قل لست عليكم بوكيل

چنانچه مرجع ضمیر «به» در «كذب به» عذاب باشد، جمله «قل ..» گویا پاسخی است به سؤال ضمنی مشرکان مبنی بر این که اگر

عذاب واقع شدنی است باید پیامبر(صلی الله علیه و آله) آن را عملی سازد. بنابراین جمله «قل لست ...» قرینه ای است بر مطرح شدن سؤال از ناحیه مشرکان.

### 91- خواسته های قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 61 - 1

ص: 85



1- بت پرستان ، خواهان احضار ابراهیم (ع) و بازجویی علنی از وی برای کشف شکننده بت ها

قالوا فأتوا به علی أعین الناس

## 92- خواسته های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 14

14- کفریشتگان قوم ثمود از صالح (ع) می خواستند که از ادعای خویش دست بردارد و از فراخوانی مردم به توحید منصرف شود .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته فما تزیدوننی غیر تخسیر

«فاء» در «فما تزیدوننی . . .» فای فصیحه است و حاکی از جمله ای مقدر می باشد و - به قرینه «أتنهنا . . .» در آیه قبل - مفاد آیه چنین است: بنابراین اگر به خواسته شما (ترک ابلاغ توحید) گردن نهم، شما جز خسارت زدن چیزی بر من نخواهید افزود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 11

11- تقاضای قوم ثمود در اعطای معجزه مورد نظرشان (ناقه = شتر ماده) از سوی خداوند اجابت شد .

وأتینا ثمود الناقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 154 - 5

5 - ثمودیان ، خواستار نشانه و معجزه ای از صالح (ع) برای پی بردن به صدق ادعای وی

فأت بئایه إن كنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 27 - 2

2 - قوم ثمود ، تقاضامند معجزه ای (ناقه) از صالح پیامبر (ع)

إنّا مرسلوا الناقه

جمله «إِنَّمَا مَرَّسَلُوا النَّاقَةَ» در مقام وعده و اخبار از آینده است. «الف و لام» در «الناقه» برای عهد بوده و اشاره به همان معجزه مورد درخواست قوم ثمود دارد.

### 93- خواسته های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 86

11 - قوم عاد با ناباوری به صداقت و راستگویی هود، از وی خواستند تا تهدید های خویش را تحقق بخشد .

فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 24 - 5

5- قوم عاد، گرفتار کم آبی و چشم انتظار نزول باران قبل از گرفتار شدن به عذاب \*

قالوا هذا عارض ممطرنا

از تعبیر «هذا عارض ممطرنا»، استفاده می شود که آنان در انتظار باران بودند؛ چه این که اگر انتظار آن را نداشتند، بی تفاوت بدان می نگریستند.

#### 94- خواسته های قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 29 - 11

11 - تنها پاسخ قوم لوط به لوط (ع) در برابر سرزنش و وعده عذاب، درخواست نزول عذاب بود .

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا ائتنا بعذاب الله

#### 95- خواسته های قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 32 - 4

4- کفرپیشگان قوم نوح، از او خواستند که به بحث و مناظره با آنان پایان دهد و تهدید های خویش را تحقق بخشد .

قالوا ينوح قد جدلتنا فأكثر جدلتنا فأتنا بما تعدنا

جمله «فأكثر جدلتنا» (با ما بسیار مناظره کردی) - به قرینه تفریع جمله «فأتنا بما تعدنا» بر آن - کنایه از این است که دلیل و برهان آوردن کافی است، به این امر پایان ده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نوح (ع) در پاسخ به عذاب طلبی کفرپیشگان، نزول عذاب را در گرو مشیت الهی دانست و گریز از عذاب های الهی را غیر ممکن شمرد .

قال إنما يأتيكم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزين

9- پاسخ نوح (ع) به عذاب طلبی کفرپیشگان، پاسخی آمیخته با درس توحید و خداشناسی بود .

ص: 87

فأتنا بما تعدنا .. قال إنما يأتيكم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 34 - 1

1- نوح (ع) ، در پی درخواست قومش (تحقق بخشیدن به عذاب های موعود) از ایمان آوردن آنان سخت به تردید افتاد .

فأتنا بما تعدنا .. قال ... لا ينفعمكم نصحي إن أردت أن أنصح لكم

### 96- خواسته های کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 111 - 5

5 - سران دربار فرعون از وی خواستند با تأخیر مجازات موسی و هارون موافقت کرده و ساحران زبردست و کاردان را از اطراف و اکناف احضار کند .

و أرسل في المدائن حشرين

«حشرين» به معنای جمع کنندگان و کوچ دهندگان است و مفعول آن به قرینه آیه قبل و بعد «ساحرین» می باشد و خود «حشرين» مفعول برای «أرسل» است. بنابراین جمله «أرسل ...» یعنی: نیروهایی را برای جمع آوری و گسیل ساحران بسیج کن.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 112 - 3

3- احضار همه ساحران زبردست برای مبارزه با موسی (ع) ، درخواست اشرافیان دربار فرعون از فرعون

يأتوك بكل سحر عليهم

### 97- خواسته های کارگزاران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 74 - 2

2- کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

ضمیر در «جزاؤه» به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

ص: 88

## 98- خواسته های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 8 - 6، 4، 1

1 - مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

وقالوا لو لا أنزل علیه ملک و لو أنزلنا ملکا لقضى الأمر

4 - کفرپیشگان حتی با نزول کتابی ملموس بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ایمان نمی آورند و خواهان نزول فرشتگان می شوند.

و لو نزلنا علیک کتابا فی قرطاس فلمسوه بأيديهم لقال . . . وقالوا لو لا أنزل علیه م

بر اساس این احتمال که «قالوا» بر جواب «لو» در آیه قبل عطف شده باشد.

6 - ناآگاهی کافران از عواقب هلاکتبار درخواست نزول آشکار ملائکه

و لو أنزلنا ملکا لقضى الأمر ثم لا ينظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 2

2 - درخواست نزول فرشته به عنوان پیامبر، از بهانه های کفرپیشگان

و لو جعلناه ملکا

جمله «و لو جعلناه ملکا . . .»، می تواند منقطع از آیه قبل بوده و جواب از درخواست دیگر کفار، که فرستادن فرشته به عنوان پیامبر است، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 10 - 5

5 - استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، با درخواست نزول کتاب ملموس و مشاهده فرشتگان

و لو نزلنا علیک کتابا فی قرطاس فلمسوه . . . و لقد استهزیء برسول من قبلک

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، پس از بیان بهانه جویها و توقعات بیجای کافران چنین می

نماید که همین بهانه جویبها، از مصادیق استهزاگری کافران در مورد رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 84 - 1

1- پافشاری مشرکان بر شرک خود، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را آماده درخواست عذابی سریع برای آنان کرده بود.

فلا تعجل علیهم إنّما نعدّ لهم عدّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 8 - 3، 2، 1

1 - فرود آمدن گنجی از آسمان برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) جهت تأمین زندگی او، انتظار بی جای مشرکان و کافران

وقالوا... أو یلقى إلیه کنز

انتظار کافران و مشرکان به فرود آمدن گنجی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) - به قرینه سخن قبلی آنان که کار و داد و ستد در بازار را

خلاف

ص: 89



شان پیامبری می دانستند - به منظور تأمین معاش آن حضرت بوده است.

2 - داشتن باغی پوشیده از درختان با ثمر برای تأمین نیاز های غذایی و معیشتی خویش ، توقع بی جای مشرکان در باره پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقالوا.. أو تكون له جنة يأكل منها

3 - ارائه معجزه ای محسوس و قابل رؤیت ، توقع مشرکان از پیامبر (صلی الله علیه و آله) جهت اثبات درستی ادعای نبوت خویش \*

أو يلقى إليه كنز أو تكون له جنة يأكل منها

درخواست و انتظار فرود آمدن گنجی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا داشتن باغ های پرثمر - که امری محسوس و ملموس است - می تواند به این خاطر باشد که کافران، به دنبال معجزه ای محسوس و قابل رؤیت از پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 10 - 3

3 - خداوند ، تونا بر مهیا ساختن باغ هایی با نهر های روان برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مراتب بهتر از آنچه که مشرکان توقع آن را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) داشتند .

أو تكون له جنة يأكل منها .. تبارك الذي إن شاء جعل لك خييراً من ذلك جنّـت تجري

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 52 - 2

2 - کافران ، متوقف کردن دعوت به اسلام و محدود ساختن آن را ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار شدند .

و لو شئنا لبعثنا في كل قرية نذيراً . فلا تطع الكافرين

با توجه به معنای لغوی «طاعت» (عمل کردن به آنچه که از انسان خواسته شده است) می توان برداشت یاد شده را به دست آورد؛ زیرا آنچه که کافران از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواسته بودند - با توجه به آیه قبل که سخن از جهانی بودن رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بود و آیه شریفه متفرع بر آن شده (فلا تطع الكافرين) - می تواند توقف و محدود شدن رسالت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 53 - 1,3

1 - کافران منکر آیات الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواهان تعجیل در عذاب خود بودند .

و يستعجلونك بالعذاب

3 - کافران منکر آیات الهی ، بر عذاب خواهی خود از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مصرّ بودند و بر آن پافشاری می کردند .

و يستعجلونك بالعذاب

فعل مضارع «يستعجلون» دلالت بر استمرار و پافشاری دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 54 - 3، 1

1 - کافران منکر آیات الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار تعجیل در عذاب خود بودند .

يستعجلونك بالعذاب

ص: 90

3 - کافران منکر آیات الهی، بر عذاب خواهی خود از پیامبر (صلی الله علیه و آله) پافشاری می کردند.

یستعجلونک بالعذاب

فعل مضارع «یستعجلون» بر استمرار و اصرار، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 14 - 3

3 - کافران، از روی ناپاوری خواستار تعجیل در برپایی قیامت

یسئلون ایتان یوم الدین .. هذا الذی کنتم به تستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 59 - 8

8 - تعجیل کافران در نزول عذاب، ناشی از بی توجهی آنان به نابودی یاران گذشته خویش

فإن للذین ظلموا ذنوباً مثل ذنوب أصحابهم فلا یستعجلون

از «فلا یستعجلون» استفاده می شود که کافران، ناباورانه تقاضای عذاب می کردند و آنها اگر آنان به راستی در سرنوشت یاران گذشته خویش تأمل می کردند، هرگز چنین ناباورانه مجازات الهی را به استهزا نمی گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 27 - 4

4 - کافران و منکران معاد، خواستار تحقق سریع وعده برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد .. و قیل هذا الذی کنتم به تدعون

«تدعون» می تواند از ماده «دعا» باشد. در این صورت به معنای «تطلبون» (درخواست می کردید) خواهد بود. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 8 - 3

3 - سازش و دست برداشتن از مواضع عقیدتی، درخواست کافران تکذیب‌گر از پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

### فلاتطع المکذبین

آیه بعد، قرینه است که مورد اطاعت، سازش بر سر مواضع عقیدتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 52 - 5

5 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله « بل يريد كل امرئ منهم أن يؤتى صحفاً منسّره » و ذلك أنّهم قالوا : يا محمد قد بلغنا أنّ الرجل من بني اسرائيل كان يذنب الذنب فيصبح و ذنبه مكتوب عند رأسه و كفّارته ، فنزل جبرئيل على النبيّ (صلی الله علیه و آله) و قال : يسألك قومك سنّه بني اسرائيل في الذنوب فإن شاؤوا فعلنا ذلك بهم و أخذناهم بما كنّا نأخذ به بني اسرائيل . . . » ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند «بل يريد كل امرئ منهم أن يؤتى صحفاً منسّره» روایت شده که آنان [به رسول خدا] گفتند:

ص: 91

ای محمد! به ما خبر رسیده که مردی از بنی اسرائیل، گناهی مرتکب می شد و از خواب برمی خاست، در حالی که گناهِش در بالای سرش همراه با کفّاره آن نوشته شده بود. سپس جبرئیل بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل شد و فرمود: قومت از تو می خواهند، همان سنّت بنی اسرائیل در مورد گناهان درباره آنان جاری شود، اگر آنان بخواهند ما درباره آنان انجام می دهیم و آنان را گرفتار می کنیم؛ به همان عذابی که بنی اسرائیل را گرفتار می کردیم...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 53 - 2

2 - نازل شدن نامه ای سرگشاده از سوی خداوند، برای یکایک انسان ها در اثبات رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، درخواستی نابجا و غیر منطقی

بل یرید کلّ امریء منهم . . . کلاً

### 99- خواسته های کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 8 - 1

1 - مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

وقالوا لو لا أنزل علیه ملک و لو أنزلنا ملکا لقضى الأمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 20 - 3

3 - کفر پیشگان عصر بعثت - علی رغم نزول پی در پی آیات و سوره های قرآن - خواستار نزول معجزه ای دیگر بودند .

و يقولون لو لا أنزل علیه آیه من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 7 - 7، 2

2- کافران همواره خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقیقت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

يقول الذين كفروا لولا أنزل علیه آیه من ربه

به کارگیری فعل مضارع (يقول) به جای فعل ماضی (قال) برای رساندن این معناست که کافران سخن مذکور را نه تنها در گذشته مدعی شده اند که در آینده نیز خواهند گفت و بر آن اصرار خواهند ورزید.

7- ارائه معجزه در خواستی کفرپیشگان خارج از مسؤولیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

لولا أنزل علیه آیه من ربه إنما أنت منذر

جمله «إنما أنت منذر» حاکی از حصر است و حصر در آن اضافی و در قیاس با ارائه معجزه است. بنابراین آن جمله حاوی دو معناست:  
1- تو انذار دهنده ای ؛ 2- ارائه معجزه کار تو نیست.

ص: 92

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 27 - 2

2- کافران خواستار معجزه ای - جز قرآن - برای باور به حقایق رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و پذیرش توحید

و يقول الذین کفروا لولا أنزل علیه آیه من ربه

جمله «إن الله یضل من یشاء و یرحم من یرحم» قرینه بر این است که کافران مشاهده معجزه از پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برای هدایت شدن و پذیرش رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) - که سرلوحه آن توحید است - می خواستند؛ یعنی، می گفتند: اگر معجزه ای ارائه کنی، رسالت تو را می پذیریم و به توحید می گرویم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 3

3- مشرکان و کفار ، معجزات متعددی را از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درخواست کردند .

و ما منعنا .. إلا أن کذب بها الأؤلون

از اینکه خداوند با صراحت تمام به مشرکان می گوید: «ما هر چه معجزه برای پیشینیان فرستادیم، آنها را تکذیب کردند و این مانع ارسال معجزه شد» نشان می دهد که مشرکان صدر اسلام، درخواستهای متعدد و مکرری برای معجزه داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 176 - 1

1 - مشرکان و کافران صدر اسلام ، خواهان مشاهده عذاب الهی بودند .

أفبعذابنا یستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 59 - 7

7 - کافران عصر بعثت ، درخواست کننده عذاب الهی ، از سر استهزا و ناباوری

للذین ظلموا ذنوباً .. فلا یستعجلون

نهی الهی (فلا یستعجلون) می رساند که کافران، ناباورانه تقاضاکننده نزول عذاب بوده اند.

1 - گروهی از کافران عصر بعثت ، خواستار شتاب در نزول عذاب الهی در دنیا

سأل سائل بعذاب واقع

به گفته مفسران، سؤال در این آیه، به معنای طلب و دعا است؛ از این رو بهوسیله «با» متعدی شده است؛ یعنی، «دعا داع بعذاب واقع».

ص: 93



### 100- خواسته های کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 85 - 4

4- کافران ظالم ، پس از مشاهده عذاب الهی و قطعیت کیفر ، خواهان تخفیف و تأخیر مجازات خویشند .

فلايخفف عنهم العذاب ولا هم ينظرون

تذکر الهی به عدم تخفیف عذاب و دادن مهلت به ظالمان، اشاره ای به تخفیف و مهلت خواهی آنان دارد.

### 101- خواسته های کافران قبل از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 33 - 6

6- کافران عصر های پیش از اسلام ، در انتظار آمدن فرشتگان و یا نزول امر ویژه ای از سوی خداوند جهت تأیید حقانیت کتاب آسمانی خود بودند .

وإذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين .. قد مكر الذين من قبلهم ...

### 102- خواسته های کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 77 - 4

4 - کفرپیشگان قوم ثمود پس از کشتن ناقه صالح ، از وی خواستند تا تهدیدش ( نزول عذاب دردناک ) را به اجرا گذارد .

قالوا يصلح ائتنا بما تعدنا إن كنت من المرسلين

مراد از «ما تعدنا» عذابی است که در آیه 73 (فياخذكم عذاب أليم) بیان شده است.

### 103- خواسته های کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 89 - 6

6 - شعیب (ع) در آخرین پاسخ خویش به خواسته کافران مدین، بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک امری ناممکن دانست.

و ما یكون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء الله ربنا

جمله «ما یكون لنا ..» که حکایت از عدم امکان بازگشت به آیین شرک دارد، هم می تواند به معنای عدم امکان تکوینی باشد و هم می تواند مراد از آن عدم امکان تشریحی (ناشایست بودن و جایز نبودن) باشد. برداشت فوق براساس احتمال اول است. گفتنی

ص: 94

است که بر مبنای اول، مشیت الهی (إلا أن يشاء الله) مشیت تکوینی است و بر اساس احتمال دوم، مشیت الهی، مشیت تشریحی است.

## 104- خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 7 - 3، 1

1- کافران مکه، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار آوردن فرشتگان برای تصدیق نبوت آن حضرت بودند.

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئكة إن كنت من الصادقين

«لو ما» مانند «هلا» و «لولا» برای تحضیض است.

3- کافران مکه، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار آوردن ملائکه به عنوان معجزه بودند.

لو ما تأتينا بالملئكة إن كنت من الصادقين

آوردن ملائکه توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) - که مورد درخواست کفار بود - احتمال دارد برای تصدیق نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد و احتمال دارد معجزه درخواستی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 8 - 3، 4

3- درخواست کافران مکه، برای آوردن ملائکه توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله)، درخواستی نابه جا و باطل بود.

لو ما تأتينا بالملئكة .. ما ننزل الملائكة إلا بالحق

جمله «ما ننزل الملائكة إلا بالحق» حصری و احترازی است و کنایه از این است که درخواست کفار نابه جاست.

4- درخواست نزول ملائکه، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی کافران مکه، بهانه ای بیش نبود.

لو ما تأتينا بالملئكة .. ما ننزل الملائكة إلا بالحق

قید «إلا بالحق» می تواند احترازی باشد؛ یعنی، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حالی که در تقاضای کفار چنین مصلحتی نیست. مضافاً به اینکه «إذا منظرین» نیز دلالت می کند بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نمی پذیرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- کافران حق ناپذیر مکه ، در انتظار معجزه آمدن فرشتگان و یا امر ویژه ای از جانب خداوند برای تأیید حقانیت قرآن بودند

وإذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين . . . هل ينظرون إلا أن تأتيهم

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که عبارت «تأتيهم الملائكة أو يأتي أمر ربك» (ملائکه برای آنان بیاید و یا امر پروردگارت بیاید) - به قرینه آیات سابق که درباره قرآن کریم بود - بر آمدن ملائکه یا امر خداوند جهت تأیید قرآن دلالت داشته باشد.

ص: 95

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 81 - 3,4,5,7

3- لاوی از برادرانش خواست ، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است .

إن ابنک سرق و ما شهدنا إلا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در «ما شهدنا» چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنک سرق). بر این اساس مفاد جمله «ما شهدنا...» چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوئیم (إن ابنک سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

4- لاوی به برادرانش سفارش کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلى أیکم فقولوا .. ما شهدنا إلا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع «قولوا» و «ما شهدنا» و «علمنا» گویای برداشت فوق است.

5- لاوی از برادرانش خواست ، گزارش سفر و دزدی بنیامین را با لحنی مشفقانه ، به پدر بیان کنند .

یأبانا

تصریح لاوی به اینکه در ابتدای سخن پدر را با جمله «یأبانا» مخاطب قرار دهید ، رساننده این است که به گونه ای سخن بگوئید که شفقت او را بر خویش جلب کنید.

7- لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما کنا للغیب حفظین

در معنای جمله «و ما کنا ..» چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله «إن ابنک سرق» گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشم انجام می گیرد، نگهبان باشیم ؛ یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 82 - 6

6- لاوی از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگویی خویش در سرقت بنیامین تأکید کنند .

**106- خواسته های لوط (ع)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 17، 7

7- لوط (ع)، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لوط و تعرض به مهمانانش برحذر

ص: 96

باشند .

يقوم هؤلاء بناتي هنّ أطهر لكم

17- لوط (ع) از مهاجمان تبه کار خواست تا متعرض مهمانانش نشده و او را خوار و بی مقدار ن سازند .

و لاتخزون في ضيفي

اخزاء (مصدر لاتخزون) به معنای خوار ساختن و رسوا کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 25

25- لوط (ع) از فرشتگان خواست تا در عذاب قومش تعجیل کنند . \*

إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب

استفهام در «أليس...» تقریری است و هدف از آن، اقرار و اعتراف مخاطب به مضمون جمله ای است که پس از آن واقع می شود. اقرار و اعتراف گرفتن از لوط(ع) بر اینکه هنگام فرا رسیدن عذاب قومش نزدیک است، می رساند که وی خواهان تعجیل در عذاب آن قوم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 62 - 2

2- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان ، از آنان خواستار معرفی خود گردید .

قال إنكم قوم منكرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنایه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه - که در آیه بعد آمده است - مؤید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 70 - 4

4- قوم لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتک آبروی وی ، خود او را مقصر اصلی آن معرفی کردند .

فلاتفضحون... و لاتخزون. قالوا أولم ننهك عن العلمين

اینکه قوم لوط در جواب درخواست او برای اجتناب از ایجاد فضاحت و آبروریزی گفتند: تو را از پیش از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه منع کرده بودیم، حکایت از این نکته می کند که آنان با این بیان، می خواستند مقصر اصلی چنین عملی را خود او معرفی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 163 - 4

4- لوط (ع)، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح «اتَّقُوا اللَّهَ» بر «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» بیانگر مطلب یاد شده است.

ص: 97



## 107- خواسته های مادی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 100 - 6

6- مشرکان ، حتی در صورت برآورده شدن خواسته های مادی شان و دارای امکانات فراوان بودن ، از انفاق آن ایا می کردند . \*

لن نؤمن لك حتى تفجر لنا .. قل لو أنتم تملكون خزائن رحمة ربِّي إذا لمسكتم

اینکه خداوند در آیات قبل، خواسته های مادی مشرکان (برخورداری از چشمه و ..) را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) مطرح کرد و در این آیه، از بخل آنان در صورت برخورداری از امکانات فراوان سخن می گوید، می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

## 108- خواسته های متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 9

9 - متخلفان از سفر حدیبیه ، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سيقول لك المخلفون من الأعراب .. فاستغفر لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 2

2- تمایل متخلفان از سفر حدیبیه ، به شرکت در جنگ خیبر برای دستیابی به غنایم و یا پوشاندن گذشته خود

سيقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم .. ذرونا ننبعكم

هدف متخلفان از شرکت در جنگ خیبر، یا رسیدن به غنایم و یا توجیه گذشته تاریک خود بود. تعبیر «إلى مغانم»، بیانگر نکته اول و «یریدون أن یدلّوا...» حاکی از نکته دوم است.

## 109- خواسته های محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 121 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سر تهدید و هشدار از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع ناصوابشان پافشاری کنند .

وقل للذين لا يؤمنون اعملوا على مكانتكم انا عملون

«اعملوا» امری است که به داعی تهدید و هشدار ایراد شده است و «مکانه» به معنای توان و قدرت و نیز به معنای مکان و جهت آمده است. بر اساس معنای نخست «اعملوا...»؛ یعنی، هر اندازه توان دارید عمل کنید و کوتاهی نکنید و بر اساس دومین معنا؛

ص: 98

یعنی، بر همان جهت و موضعی که اتخاذ کرده اید عمل کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 114 - 9

9- نزول سریع تر تمامی قرآن و تکمیل زودرس مجموعه آیات آن ، خواسته قلبی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

و لاتعجل بالقرآن من قبل أن یقضی الیک وحیه

در وجه نزول این آیه، دیدگاههایی وجود دارد: 1- پیامبر(صلی الله علیه و آله)، همراه قرائت جبرئیل، آیات را قرائت می کرد تا به دریافت کامل آن اطمینان یابد. 2- پیامبر(صلی الله علیه و آله) پیش از روشن شدن معنای آیات، آن را بر اصحاب املا می فرمود. 3 پیامبر(صلی الله علیه و آله) خواستار نزول تمامی قرآن در زمانی کوتاه تر بود. و چون تعبیر «القرآن» با اراده مجموعه قرآن سازگارتر است، می توان سومین احتمال را ترجیح داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 27 - 3

3- درخواست پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مشرکان ، برای نمایاندن هویت و جایگاه خدایانشان به او ، جهت ارزیابی حقانیت آنان

قل أرونی الذین ألحقتکم به شرکاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 40 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در بحث و گفت وگو با مشرکان ، از آنان خواستار ارائه دلیل عقلی و نقلی روشن بر اثبات درستی عقاید خویش

قل أریتم شرکاءکم الذین تدعون من دون اللّٰه أرونی ماذا خلقوا من الأرض . . . أم ءات

«أریتم» به معنای «أخبرونی» (به من خبر دهید) است و «ماذا» اسم استفهام می باشد و این سؤال عقلی درباره نقش معبودها در جهان است «أم» نیز برای استفهام بوده و در آن از مشرکان خواسته شده که نوشته ای از سوی خداوند - که حاکی از حقانیت عقاید آنان باشد - ارائه دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 39 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سر تهدید و هشدار، از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری کنند.

قل يقوم اعمالوا علی مکاتکم

آهنگ آیه شریفه، آهنگی تهدیدآمیز و هشدار دهنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کوثر - 108 - 1 - 7

7 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، خواهان تداوم نسل خویش و در آرزوی داشتن ذریّه بود.

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ

لحن بشارت آمیز آیه شریفه، بیانگر اشتیاق پیامبر (صلی الله علیه و آله) به داشتن فرزند است.

ص: 99

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 6 - 6

6 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از ناامیدی از ایمان کافران ، از آنان خواست برای پایبندی او به دین خود ، مشکل آفرین نباشند .

ولی دین

### 110- خواسته های مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 50 - 1

1 - بسیاری از مردمان عصر بعثت ، خواستار داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر اساس قوانین جاهلی

افحکم الجهلیه بیغون

### 111- خواسته های مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 3

3- حضرت مریم (س) از جبرئیل خواست او را از چگونگی پیدایش فرزندش بدون پدر آگاه سازد .

قالت ائی یکون لی غلم ولم یمسنی بشر ولم اک بعیا

### 112- خواسته های مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 9 - 4

4- مستکبران ، دشمن سعادت و خوشبختی مردم و خواستار ضلالت و گمراهی آنان

و من الناس من یجدل . . . لیضلّ عن سبیل الله

جمله «لیضلّ عن سبیل الله» به تقدیر «لیضلّ الناس عن سبیل الله» است؛ یعنی، جدال این گروه نادان و استکبارپیشه با توحید و یکتاپرستی و جلوگیری از گرایش مردم به آن، نه بدان جهت است که آنان خواستار سعادت مردم اند؛ بلکه بدان منظور است که مردم را از راه خدا - که راه خوشبختی است - بازدارند و آنان را به ضلالت و گمراهی سوق دهند.

## 113- خواسته های مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 100

1 - برخی از مسلمانان صدر اسلام در صدد درخواست تغییر و تبدیل بعضی از احکام اسلام بودند .

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

کلمه «سؤال» و مشتقات آن، هرگاه با واسطه حرف جر [همانند «عن»] به مفعول دوم متعدی گردد، به معنای پرسش کردن و در غیر این صورت به معنای درخواست کردن می باشد. از آن جا که در آیه شریفه مفعول دوم ذکر نشده، هر دو معنا محتمل است؛ بر این احتمال که «أن تسئلوا» به معنای درخواست باشد، مورد تقاضا به قرینه آیه قبل، نسخ برخی احکام است.

4 - مسلمانانی که در صدد درخواست نسخ و تبدیل برخی از احکام بودند ، مورد نکوهش شدید خداوند قرار گرفتند .

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

در اینکه مخاطب «أن تسئلوا» مسلمانان هستند یا اهل کتاب، دو نظر ابراز شده است. «کما سئل موسی» تأیید کننده این نظر است که مخاطب مسلمانان هستند و گرنه در عبارت بعد گفته می شد: «کما سألتم موسی». جمله «أم تریدون» (آیا می خواهید) دلالت می کند که درخواست یا پرسش، انجام نشده بود و لذا در برداشت گفته شد: «در صدد درخواست ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - یهود و نصارا ترغیب کننده مسلمانان به پرسش ها و درخواست های نابه جا از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أم تریدون أن تسئلوا ... و دّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - مؤمنان عصر بعثت ، خواهان ظهور معجزه ای برای گرایش پیدا کردن کافران به اسلام و قرآن بودند .

أفلم یأیئس الذین ءامنوا أن لو یشاء الله لهدی الناس جمیعاً

اعتراض خداوند به مؤمنان با جمله «أفلم یأیئس الذین ءامنوا» و بیان این حقیقت که امر هدایت و ضلالت به دست خداوند است نه وابسته به اراده معجزه، می رساند که مؤمنان خواهان آن بودند که معجزات درخواستی کافران تحقق یابد، شاید که آنان هدایت شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- مسلمانان صدراسلام ، خواهان تحقق زودرس وعده خدا در مورد غلبه اسلام و توحید بودند .

أتی أمر الله فلا تستعجلوه

در مورد مخاطب «لا تستعجلوه» دو احتمال وجود دارد: اول آنکه تعجیل از جانب مسلمانان صورت می گرفته و دیگر آنکه مشرکان خواهان شتاب در تحقق وعده های الهی (عذاب، یا غلبه توحید، یا قیامت) بودند. برداشت فوق بر مبنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 1

1- مؤمنان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در اشتیاق نزول سوره ای که تعیین کننده تکلیف آنان در قبال دشمنان باشد .

ص: 101



و يقول الذين آمنوا لولا نزلت سوره

محتوای «فإذا أنزلت سوره محكمه و ذكر فيها القتال» قرينه ای است بر این که سوره مورد انتظار مؤمنان، در زمينه تعيين تکليف آنان با کافران بوده است.

#### 114- خواسته های مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 118 - 9

9- يهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم

در آیه 113 مشرکان با تعبیر «الذين لا يعلمون» در قبال يهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال «الذين من قبلهم» قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از «الذين من قبلهم» يهود و نصارا است.

#### 115- خواسته های مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 96 - 11

11 - گروهی از مشرکان ، خواهان عمری طولانی هزار ساله هستند .

و من الذين أشركوا يود أحدهم لو يعمر الف سنه

برداشت فوق مبتنی بر این است که «و من الذين أشركوا» خبر برای مبتدایی محذوف باشد نه عطف بر «الناس»؛ یعنی: «و من الذين أشركوا طائفه يود أحدهم». بر این مبنا، جمله «و من الذين...» جمله حالیه است و «يود أحدهم» توصیف همین دسته از مشرکان خواهد بود. بر این اساس مفاد آیه چنین است: يهودیان از همه مردم به دنیا دل بسته ترند و این در حالی است که گروهی از مشرکان خواهان عمری هزار ساله هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 118 - 9, 1, 2, 3

1 - مشرکان ، خواهان گفتگوی مستقیم خداوند با آنان درباره حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقال الذين لا يعلمون لولا يكلمنا الله

آیه بعد (انا ارسلنا بالحق . . .) دلالت بر آن دارد که پیشنهاد اعتراض آمیز مشرکان (لولا يكلمنا الله؛ چرا خدا با ما سخن نمی گوید) درباره حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

2 - مشرکان ، برای پذیرش رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواهان نشانه و معجزه ای بر حقانیت او بودند .

وقال الذين لا يعلمون لولا . . . أو تأتينا آية

3 - مشرکان خواهان تحقق معجزه ای بودند که خود آن را پیشنهاد می کردند . \*

ص: 102

وقال الذين لا يعلمون لولا . . . أو تأتينا آية

9- يهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم

در آیه 113 مشرکان با تعبیر «الذين لا يعلمون» در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال «الذين من قبلهم» قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از «الذين من قبلهم» یهود و نصارا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 58 - 5

5- تحقق معجزات ویژه، بدان صورت که مشرکان می خواستند، در اختیار پیامبر(صلی الله علیه و آله) نبود.

قل لو أن عندی ما تستعجلون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 66 - 4

4- قریش و مشرکان از سر استهزا، خواهان عملی شدن عذاب موعود بر خود به دست پیامبر(صلی الله علیه و آله) بودند.

و کذب به قومک . . . قل لست علیکم بوکیل

چنانچه مرجع ضمیر «به» در «کذب به» عذاب باشد، جمله «قل . . .» گویا پاسخی است به سؤال ضمنی مشرکان مبنی بر این که اگر عذاب واقع شدنی است باید پیامبر(صلی الله علیه و آله) آن را عملی سازد. بنابراین جمله «قل لست ...» قرینه ای است بر مطرح شدن سؤال از ناحیه مشرکان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 111 - 1

1 - نزول ملائکه بر مشرکان و سخن گفتن مردگان با ایشان، از معجزات درخواستی آنان بوده است.

لئن جاءتهم آیه . . . ولو أننا نزلنا ... ما كانوا لیؤمنوا

ذکر نزول ملائکه و سخن گفتن با مردگان در آیه حکایت از آن دارد که این قبیل معجزات مورد درخواست مشرکان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - خداوند شنوای گفته ها و خواسته های مشرکان و آگاه به همه جوانب آن است.

و أقسموا بالله .. زخرف القول غرورا ... و تمت كلمت ربك ... و هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - آمدن فرشتگان و یا آشکار شدن خداوند، از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي ربك

«نظر»، مصدر «ينظرون»، در اینجا به معنای انتظار و توقع است. استفهام به دلیل «إلا» استفهام انکاری می باشد و بنابراین

«هل ينظرون» یعنی «ما بینظرون». انتظارهایی که در آیه شریفه مطرح شده هم می تواند توقعاتی باشد که از سوی مشرکان مطرح شده و هم می تواند بیان حالت آنان باشد. یعنی اگر کسی قرآن را، که دلیلی روشن است، نپذیرد، تنها در صورتی که فرشتگان بر او حاضر شوند و یا ... ایمان می آورد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

2- تحقق برخی از آیات الهی (برخی از حقایق مطرح شده در قرآن، مانند قیامت) از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ينظرون إلا أن ... يأتي بعض آيات ربك

مراد از «بعض آیات ربك»، به دلیل «لا ینفع نفساً إیمانها»، آیتی است که مشاهده آن، حتی منکران قرآن را به ایمان وامی دارد. بنابراین می توان گفت مقصود، قیامت و مانند آن است. گفتنی است تکرار فعل «إتیان» (تأتیهم، یأتی ربك و یأتی بعض آیات) در آیه شریفه حکایت از تفاوت معنای اراده شده از هر یک دارد. «إتیان» در «یأتی بعض آیات» به معنای تحقق یافتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 194 - 8

8 - ناتوانی معبودان از اجابت خواسته های پرستشگران خویش ، افشاگر پندار باطل و دروغین مشرکان ( پندار شریک برای خداوند )

فادعوهم فليستجيبوا لكم إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 3

3 - خدایان مشرکان ، قادر به پاسخ گویی به خواسته های آنان نیستند .

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله لا يملكون مثقال ذره

«لا يملكون» در مقام جواب واقع شده است. گویا عبارت این معنا را القا می کند که آنان پس از درخواست چه جوابی می دهند؟ پاسخ این است که جوابی نمی دهند، به دلیل عدم مالکیتشان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 16 - 6

6 - « عن علی (ع) فی قول الله عزوجل « و قالوا ربنا عجل لنا قطننا قبل یوم الحساب » قال : نصیبهم من العذاب ;

از امام علی (ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزوجل « و قالوا ربنا عجل لنا قطننا قبل یوم الحساب » فرمود: [مراد مشرکان از کلمه «قطننا»] نصیب آنها از عذاب بود [که از روی تمسخر در خواست می کردند زودتر به آنان برسد].

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 9 - 7

7- مشرکان ، خوستار اخبار و پیشگویی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از آینده و سرنوشت افراد

و ما أدری ما یفعل بی و لا بکم

از پاسخ آیه شریفه، انتظار مذکور دانسته می شود.

ص: 104

خواسته های مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 56 - 1

1 - پرستش بتها و سازش در اصول اعتقادی، خواسته نابجای مشرکان صدر اسلام از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل لا أتبع أهواءكم قل إني نهيت أن أعبد الذين تدعون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 57 - 7

7 - مشرکان و منکران رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، خواهان تحقق زودرس وعده های آن حضرت در مورد نزول عذاب بودند.

و کذبتم به به ما عندی ما تستعجلون به

در آیات متعددی، مانند آیه 6، 9 و 11 سوره انعام، به کافران وعده عذاب و کیفر دنیوی داده شده است. لذا ممکن است مراد از «ما تستعجلون» نزول عذاب باشد که کافران از سر انکار و تمسخر خواهان نزول سریع آن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 109 - 3

3 - مشرکان خواهان دریافت معجزه ای، جز آنچه پیامبر (صلی الله علیه و آله) ارائه می نمود، بودند.

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لئن جاءتهم آية

بدیهی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) قطعاً معجزاتی را به آنان نمایانده است و با این وصف آنان از سر بهانه جویی معجزات دیگری را طلب می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 15 - 9، 7

7 - مشرکان، در راستای مخالفت با قرآن، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیشنهاد می کردند: برای آنان به جای قرآن، کتاب دیگری را - که موافق خواسته ها و تمایلاتشان باشد - بخواند.

و إذا تتلى عليهم آياتنا .. قال الذين لا يرجون لقاءنا انت بقراءان غیر هذا

9 - تبدیل و برگرداندن محتوای قرآن به موضوعاتی باب طبع - با حفظ نظام و ساختار ظاهری آن - یکی دیگر از پیشنهاد های مشرکان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در راستای مخالفت با قرآن

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قال الذين لا يرجون لقاءنا .. أو بدله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 48 - 4

4 - مشرکان ، با تمسخر و استهزا ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان خواستار تعیین زمان وقوع عذاب استیصال و تسریع در آن بودند .

و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقین

ص: 105



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 50 - 4

4 - مشرکان ، خواستار تسریع نزول عذاب استیصال بودند .

إن أتیکم عذابه .. ماذا يستعجل منه المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 51 - 6,7

6 - مشرکان ، پیش از نزول عذاب ، بطور مستمر خواستار تسریع آن بودند .

أثم إذا ما وقع .. وقد كنتم به تستعجلون

7 - مشرکان ، به هنگام وقوع عذاب استیصال ، از خداوند خواستار رفع آن خواهند شد .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالنن وقد كنتم به تستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 1 - 4

4- مشرکان صدر اسلام از سر عناد و از روی استهزا ، خواهان تحقق زودرس وعده های الهی (عذاب ، غلبه اسلام و قیامت) بودند .

أتی أمر الله فلا تستعجلوه

محتمل است مخاطب «لا تستعجلوه» مشرکانی باشد که خواهان تحقق وعده های الهی بودند، و از آن جایی که معمولاً کسی خواهان پیروزی دشمن و شکست و خذلان خویش نیست، می توان گفت: تعجیل مشرکان برای آمدن عذاب، از سر عناد و تمسخر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 3,4

3- مشرکان و کفار ، معجزات متعددی را از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درخواست کردند .

وما منعنا .. إلا أن کذب بها الأولون

از اینکه خداوند با صراحت تمام به مشرکان می گوید: «ما هر چه معجزه برای پیشینیان فرستادیم، آنها را تکذیب کردند و این مانع ارسال

معجزه شد) نشان می دهد که مشرکان صدراسلام، درخواستهای متعدد و مکرری برای معجزه داشته اند.

4- خداوند، به درخواست های متعدد معجزه از سوی مشرکان بهانه جوی عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) پاسخ منفی داد.

و ما منعنا أن نرسل بالآیت إلا أن کذب بها الأولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 5 - 7

7- مشرکان، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواهان معجزه ای همانند معجزات پیامبران پیشین بودند.

فلیأتنا بآیه كما أرسل الأولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 106

1 - منکران ملاقات با خدا ( معاد ) ، در صدراسلام ، معترضانہ خواستار نزول ملائکہ بر خویش و رؤیت آنها بودند .

وقال الذين لا يرجون لقاءنا لولا أنزل علينا الملائكة

«رجاء» در لغت به معنای امید است؛ ولی در جمله «لایرجون لقاءنا» کنایه از انکار قیامت و روبه رو شدن با جزای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 176 - 1

1 - مشرکان و کافران صدراسلام ، خواهان مشاهده عذاب الهی بودند .

أفبعذابنا يستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 18 - 1

1 - درخواست تمسخر آمیز مشرکان عصر بعثت ، نسبت به برپایی هر چه زودتر قیامت

يستعجل بها الذين لا يؤمنون بها

درخواست برپایی قیامت از سوی کسانی که مؤمن به آن نیستند، نشانگر استهزا آمیز بودن خواسته آنان است.

### 116- خواسته های مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 58 - 3

3 - مشرکان مکه خواهان تحقق سریع عذاب موعود پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر خویش بودند.

قل لو أن عندی ما تستعجلون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 110 - 6

6 - مشرکان مکه با وجود ایمان نیاوردن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) با معجزات ارائه شده، مجدداً خواهان معجزات دیگری از

پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند.

و أقسموا .. لئن جاءتهم آية ... إذا جاءت لا يؤمنون ... كما لم يؤمنوا به أول مرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 90 - 4، 2، 1

1- ایجاد چشمه ای پر آب و جوشان در مکه توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای مشرکان ، پیش شرط آنان در ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ينبوعاً

2- ایجاد چشمه ای جوشان برای مشرکان مکه ، معجزه درخواستی ( اقتراحی ) آنان از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ينبوعاً

ص: 107

4- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا .. من کلّ مثل فأبی ... وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 91 - 3,4

3- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا .. من کلّ مثل فأبی ... وقالوا لن نؤمن لك حتى ... تكون لك جنّه من

نکته یاد شده با این احتمال در آیه قابل استفاده است که: آنان ایجاد باغی با صفات یاد شده را به وسیله معجزه درخواست کرده باشند.

4- ایجاد باغ بزرگ خرما و انگور با نهر های آب جاری ، معجزه درخواستی ( اقتراحی ) مشرکان مکه از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لن نؤمن لك حتى ... تكون لك جنّه من نخيل و عنب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 92 - 1,6,8

1- فرود آوردن قطعاتی از آسمان ، از معجزات اقتراحی و مورد درخواست مشرکان مکه از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أو تسقط السماء .. علينا كسفاً

«كِسْفٌ» جمع «كَسَفٌ» به معنای قطعه است (لسان العرب).

6- مشرکان مکه ، خواهان حضور یافتن خدا و ملائکه نزد آنان ، برای گواهی دادن به حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أو تأتي بالله و الملكة قبلاً

«قبلاً» به معنای «مقابله» (رو در رو شدن) آمده است و در این آیه، می تواند به منظور افاده مطلب فوق باشد.

8- آوردن خداوند و ملائکه به صورت دسته دسته در نزد مشرکان مکه ، معجزه درخواستی ( اقتراحی ) آنان از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لن نؤمن لك حتى ... أو تأتي بالله و الملكة قبلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «قبلاً» جمع «قبیله» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- ایجاد خانه ای از طلا برای خود ، معجزه مورد درخواست ( معجزه اقتراحی ) مشرکان مکه ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أو یكون لك بیت من زخرف

به قرینه سیاق آیات که در آنها معجزه های درخواستی مشرکان مطرح شده است مراد از «أو یكون لك بیت من زخرف» ایجاد خانه ای طلایی از طریق معجزه است.

4- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرفنا ... من کلّ مثل فابی ... و قالوا لن نؤمن لك حتی ... یكون لك بیت من

5- صعود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آسمان و آوردن دستخطی قابل خواندن و گواه بر صعود واقعی خویش ، معجزه درخواستی مشرکان مکه از آن حضرت

أو ترقی فی السّماء و لن نؤمن لرقیک حتی تنزل علینا کتباً نقرؤه

10- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور پاسخ گویی به معجزه های درخواستی بیجای مشرکان مکه و تنزیه خداوند از برآوردن چنین خواسته هایی

وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا .. قل سبحان ربّي

15- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به اعلام محدوده مسؤولیت خویش و بیان ناتوانی خود از ارائه معجزات درخواستی مشرکان

قالوا .. قل ... هل كنت إلا بشراً رسولاً

پاسخ «هل كنت...» در قبال درخواستهای مشرکان، می تواند گویای این معنا باشد که: درخواستهای آنان، ربطی به رسالت و مسؤولیتهای پیامبر (صلی الله علیه و آله) نداشته و یا در توان او نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 50 - 2، 1

1 - مشرکان مکه، خواستار تحقق معجزاتی چند به دست پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بودند.

وقالوا لولا أنزل عليه آيت من ربّه

2 - مشرکان مکه، نزول وحی را، به عنوان آیه ای از جانب خدا قبول نکرده و خواستار معجزه حسّی شدند.

و كذلك أنزلنا إليك الكتب .. و ما يجحد بآيتنا ... وقالوا لولا أنزل عليه آي -

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 36 - 3، 1

1- مشرکان برای پذیرش درستی معاد، زنده شدن نیاکانشان را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار شدند.

فأتوا بابائنا إن كنتم صدقين

3- مشرکان مکه، خواهان شهود حسّی برای ایمان به حقایق غیبی

فأتوا بابائنا إن كنتم صدقين

با این که معاد اخروی از امور غیبی به حساب می آید، مشرکان با پیشنهاد زنده شدن پدرانشان، خواهان محسوس شدن آن بودند.

**117- خواسته های معنوی انسان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 128 - 14

14 - دعا به درگاه خداوند ، مؤثر در برآورده شدن خواسته های معنوی انسان است .

ربنا واجعلنا مسلمین لک . . . و تب علینا

**118- خواسته های مکذبان آیات خدا**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 109



1 - کافران منکر آیات الهی، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواهان تعجیل در عذاب خود بودند.

و يستعجلونک بالعذاب

3 - کافران منکر آیات الهی، بر عذاب خواهی خود از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مصرّ بودند و بر آن پافشاری می کردند.

و يستعجلونک بالعذاب

فعل مضارع «يستعجلون» دلالت بر استمرار و پافشاری دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - کافران منکر آیات الهی، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار تعجیل در عذاب خود بودند.

يستعجلونک بالعذاب

3 - کافران منکر آیات الهی، بر عذاب خواهی خود از پیامبر (صلی الله علیه و آله) پافشاری می کردند.

يستعجلونک بالعذاب

فعل مضارع «يستعجلون» بر استمرار و اصرار، دلالت دارد.

### 119- خواسته های مکذبان ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- منکران ربوبیت خدا و کافران به قیامت از سر استهزا و ناباوری، خواهان تعجیل در فرارسیدن عذاب های موعود

يستعجلونک بالسیئه

«استعجال» (مصدر يستعجلون) به معنای درخواست عجله است. حرف «باء» در «بالسیئه» برای تعدیه و «ال» در آن عهد ذهنی است؛ یعنی، آن بدی و مراد از آن به قرینه «قد خلت من قبلهم المثلات» عذاب است. بنابراین «يستعجلونک بالسیئه»؛ یعنی، از تو می خواهند در آوردن آن عذاب وعده داده شده تعجیل کنی.

### 120- خواسته های مکذبان قرآن

1 - آمدن فرشتگان و یا آشکار شدن خداوند، از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي ربك

«نظر»، مصدر «ينظرون»، در اینجا به معنای انتظار و توقع است. استفهام به دلیل «إلا» استفهام انکاری می باشد و بنابراین «هل ينظرون» یعنی «ما ينتظرون». انتظارهایی که در آیه شریفه مطرح شده هم می تواند توقعاتی باشد که از سوی مشرکان

مطرح شده و هم می تواند بیان حالت آنان باشد. یعنی اگر کسی قرآن را، که دلیلی روشن است، نپذیرد، تنها در صورتی که فرشتگان بر او حاضر شوند و یا ... ایمان می آورد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

2- تحقق برخی از آیات الهی (برخی از حقایق مطرح شده در قرآن، مانند قیامت) از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ينظرون إلا أن .. يأتي بعض آيات ربك

مراد از «بعض آیات ربك»، به دلیل «لا ينفع نفساً إيمانها»، آیتی است که مشاهده آن، حتی منکران قرآن را به ایمان وامی دارد. بنابراین می توان گفت مقصود، قیامت و مانند آن است. گفتنی است تکرار فعل «إتيان» (تأتیهم، یأتی ربك و یأتی بعض آیات) در آیه شریفه حکایت از تفاوت معنای اراده شده از هر یک دارد. «إتيان» در «یأتی بعض آیات» به معنای تحقق یافتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 133 - 1

1- منکران اعجاز قرآن، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به خاطر ارائه نکردن معجزات اقتراحی و پیشنهادی آنان، مورد انتقاد قرار می دادند

وقالوا لولا یأتینا بـآیه من ربّه

### 121- خواسته های مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- رعد - 13 - 6 - 2

2- منکران ربوبیت خدا و کافران به قیامت از سر استهزا و ناباوری، خواهان تعجیل در فرارسیدن عذاب های موعود

یستعجلونک بالسیئه

«استعجال» (مصدر يستعجلون) به معنای درخواست عجله است. حرف «باء» در «بالسیئه» برای تعدیه و «ال» در آن عهد ذهنی است؛ یعنی، آن بدی و مراد از آن به قرینه «قد خلت من قبلهم المثلات» عذاب است. بنابراین «یستعجلونک بالسیئه»؛ یعنی، از تو می خواهند در آوردن آن عذاب وعده داده شده تعجیل کنی.

### 122- خواسته های مکذبان لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 1

1 - منکران ملاقات با خدا ( معاد ) ، در صدر اسلام ، معترضانه خواستار نزول ملائکه بر خویش و رؤیت آنها بودند .

وقال الذين لا يرجون لقاءنا لولا أنزل علينا الملائكة

«رجاء» در لغت به معنای امید است؛ ولی در جمله «لا يرجون لقاءنا» کنایه از انکار قیامت و رویه رو شدن با جزای الهی است.

ص: 111

## 123- خواسته های مکذبان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 57 - 9

9- منکران رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) اصرار داشتند که آن حضرت معجزه دلخواه آنان را سریعاً ارائه کند.

ما عندی ما تستعجلون به

همان گونه که در آیات همین سوره، مانند آیه 8، 37 مطرح شده، از خواسته های منکران، نزول معجزاتی ویژه بوده است. لذا ممکن است مراد از «ما تستعجلون» همین گونه درخواستها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 47 - 3

3- تکذیب کنندگان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، خواستار نزول سریع و بدون تأخیر عذاب بودند .

و یتستعجلونک بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 8 - 3

3- سازش و دست برداشتن از مواضع عقیدتی، درخواست کافران تکذیب گر از پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

فلا تطع المکذبین

آیه بعد، قرینه است که مورد اطاعت، سازش بر سر مواضع عقیدتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 52 - 3

3- درخواست نامه های سرگشاده و جداگانه برای خود، جلوه نابخردی و سبک مغزی کافران مخالف پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فما لهم عن التذکره معرضین .. بل یرید کل امریء منهم أن یوتی صحفًا منشّره

## 124- خواسته های مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 1

1 - منکران ملاقات با خدا ( معاد ) ، در صدر اسلام ، معترضانه خواستار نزول ملائکه بر خویش و رؤیت آنها بودند .

وقال الذين لا يرجون لقاءنا لولا أنزل علينا الملائكة

«رجاء» در لغت به معنای امید است؛ ولی در جمله «لا يرجون لقاءنا» کنایه از انکار قیامت و رویه رو شدن با جزای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 27 - 4

ص: 112

4- کافران و منکران معاد ، خواستار تحقق سریع وعده برپایی قیامت

و يقولون متى هذا الوعد . . . وقيل هذا الذي كنتم به تدعون

«تدعون» می تواند از ماده «دعا» باشد. در این صورت به معنای «تطلبون» (درخواست می کردید) خواهد بود. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

### 125- خواسته های ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 76 - 2

2- فرشتگان از ابراهیم (ع) خواستند تا از شفاعت درباره قوم لوط صرف نظر کند و بر آن اصرار نرزد .

يا ابراهيم اعرض عن هذا

«هذا» اشاره به «جدالی» است که از «یجادلنا» در آیه قبل استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 53 - 1

1- مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) به او دلداری داده و از وی خواستند که از حضورشان مضطرب و هراسناک نشود .

قالوا لا توجل انا نبيك بغلم عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 1

1- فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فأسر بأهلك بقطع من اليل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 9

9- فرشتگان ، خواهان نزول وحی بر اهل زمین \*

و يستغفرون لمن فى الأرض

برداشت یاد شده با توجه به دو مطلب زیر است: الف) مغفرت بدون سبب تحقق پیدا نمی کند. ب) مراد از سبب مغفرت، نزول وحی و تشریح دین باشد که اهل زمین بدین وسیله مشمول مغفرت الهی شوند.

## 126- خواسته های منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 113



6 - نزاع کنندگان و شاکیان، از داوود خواستند که براساس حق و به دور از هرگونه افراط و ستمی درباره شان داوری کند.

فاحکم بیننا بالحق و لاتشطط

«شطط» در اصل به معنای تجاوز از حد و اندازه است و بیشترین کاربرد آن در معنای افراط، زیاده روی و ستم می باشد.

10 - نزاع کنندگان و شاکیان، از داوود (ع) خواستار نمایاندن راه درست زندگی به آنان

و اهدنا إلی سواء الصراط

«سواء» در اصل به معنای وسط و میانه است. مقصود از آن در آیه شریفه، راه درست و میانه و به دور از افراط و تقریط در زندگی است.

11 - نزاع کنندگان و شاکیان، از داوود (ع) خواستند که برای حل مشکلات و اختلافات اقتصادی آنها، راه درست و میانه را به آنان

بیاموزد.

و اهدنا إلی سواء الصراط

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که درخواست هدایت به راه درست، ممکن است به موضوع مورد اختلافشان مربوط باشد که از موضوعات اقتصادی است.

## 127- خواسته های موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 6 - 1

1 - درخواست هدایت به صراط مستقیم، مهمترین خواسته انسان عارف به مقام الهی است.

الحمد لله .. إیاک نستعین. اهدنا الصراط المستقیم

چنانچه «اهدنا الصراط المستقیم» در ارتباط با «الحمد لله رب العالمین ..» ملا-حظه شود، حاوی این پیام است که انسان پس از شناخت خدا هدفش سلوک در صراط مستقیم خواهد بود؛ یعنی، همان راهی که خداوند منتهی الیه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 7 - 6

6 - خداشناسان موحد، خواهان هدایت به راه ثابت قدمان بر هدایت هستند.

الحمد لله .. إهدنا الصراط المستقيم. صراط الذين أنعمت عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 6 - 16

16- مردان الهی ، حتی در آرمان های مادی خویش ، به ارزش های معنوی ، توجه دارند .

فهب لی من لدنک ولیاً یرثنی ... واجعله ربّ رضیاً

ص: 114

## 128- خواسته های موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 128 - 13

13 - موسی (ع) خواهان حاکمیت یافتن تقواییان شد .

استعینوا .. والعقبه للمتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 134 - 12

12 - ایمان به رسالت موسی و آزادی بنی اسرائیل ، از مهمترین خواسته های موسی (ع) از فرعونیان

لنؤمنن لك ولنرسلن معك بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 142 - 14

14 - خداوند از موسی (ع) خواست تا مناجات و عبادت ویژه او در مکانی به دور از بنی اسرائیل باشد .

و وعدنا موسی .. اخلفنی فی قومی

از اینکه موسی برای آمدن به میقات، هارون را به جانشینی خویش معرفی کرد، معلوم می شود وی در مدت میقات در میان بنی اسرائیل نبوده و از آنان فاصله داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 143 - 5,6,7,11

5 - رؤیت خداوند ، درخواست موسی (ع) به هنگام سخن گفتن خدا با وی در میعادگاه مناجات

قال رب أرني أنظر إليك

6 - تکلم خدا با موسی (ع) وادارکننده وی برای تقاضای رؤیت خدا

و کلمه ربه قال رب أرني أنظر إليك

از اینکه تقاضای رؤیت از سوی موسی(ع) در پی سخن گفتن خدا با وی مطرح شد (ولما .. کلمه ربه قال ... )، می توان گفت حضرت موسی(ع) بر اثر شنیدن سخن خدا و شیوایی گفتار باری تعالی، مشتاق دیدار جمال زیبای او شد.

7 - ناممکن بودن رؤیت خدا ، پاسخ خداوند به درخواست موسی (ع) ( تقاضای مشاهده او )

قال لن ترنی

11 - خداوند در پاسخ به درخواست موسی (ع) ( رؤیت خدا ) از وی خواست تا به کوه مقابل خویش نظر افکند و اثر تجلی خداوند را بر آن مشاهده کند .

قال لن ترنی و لکن انظر إلی الجبل

«ال» در «الجبل» عهد حضوری است ؛ یعنی: انظر إلی هذا الجبل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 144 - 4

ص: 115

4- دلجویی خداوند از موسی (ع) ، به سبب پاسخ منفی او در تقاضای رؤیت وی

قال لن ترنی .. قال یموسی إنی اصطفیتک علی الناس

به نظر می رسد بیان نعمتهای ویژه خداوند به موسی (ع) پس از رد تقاضای وی (رؤیت خدا) به هدف دلجویی از او باشد. یعنی اگر رؤیت برای تو ممکن نشد، ولی خدا نعمتهایی ارزانی تو داشت که به دیگران عطا نکرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 151 - 9، 7

7- فراگیری رحمت الهی بر موسی (ع) و هارون ، از دعاها و درخواست های موسی (ع) از خداوند .

و أدخلنا فی رحمتک

9- موسی (ع) با توجه به ربوبیت خدا و توصیف او به « أرحم الراحمین » ، خواسته های خویش را از وی تقاضا کرد .

و أنت أرحم الرحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 155 - 21

21- موسی (ع) در مناجات خویش با خداوند ، در پی هلاکت همراهانش در میعادگاه مناجات ، از خداوند خواست تا وی و همراهانش را ببخشاید و بر آنان ترحم کند .

فاغفرلنا و ارحمنا و أنت خیر الغفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 1

1 - تقدیر زندگانی نیکو در دنیا و آخرت ، درخواست موسی (ع) از خداوند برای خود و همراهانش در میعادگاه مناجات

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الاخره

با توجه به آیه قبل معلوم می شود مراد از «نا» در «لنا»، موسی (ع) و همراهان او در میعادگاه مناجات است. کتابت در آیه شریفه به معنای مقدر کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - حضرت موسی (ع) ، پس از رویارویی با انبوه ساحران ، از آنان خواست تا با به کار گرفتن تمام توان خود آنچه را که به قصد میدان انداختن آورده اند ، به زمین بیندازند .

فلما جاء السحرة قال لهم موسى ألقوا ما أنتم ملقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 6 - 3،6

3- موسی (ع) از قوم خویش خواستار آن شد تا یادآور نعمت های اعطایی خداوند بر خود باشند .

و إذ قال موسى لقومه اذكروا نعمه الله عليكم

ص: 116

6- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، نعمت چشمگیر و به یاد ماندنی خداوند بر آنان بود .

إذ قال موسى لقومه اذكروا نعمه الله عليكم إذ أنجكم من آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 7 - 2

2- موسی (ع) از قوم خود خواست تا به یاد فرمان و توصیه خداوند باشند که هر کس شکرگزاری نماید خداوند نعمتش را افزون می کند و هر کس کفران نماید دچار عذاب شدید خواهد شد .

اذكروا نعمه الله عليكم . . . و إذ تأذن ربكم لئن شكرتم لأزيدنكم و لئن كفرتم إن

این برداشت مبتنی بر این نکته است که «إذ تأذن» مقول قول موسی (ع) و عطف به «اذكروا نعمه الله» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 62 - 5

5- موسی (ع) پس از گذر از مجمع البحرين ، در آغاز روز ، از همسفر خویش درخواست تهیه چاشت کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبًا

«غداء» به معنای طعامی است که در ساعات آغازین روز خورده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 63 - 5

5- همسفر موسی ، در پی درخواست تهیه چاشت از جانب موسی (ع) ، ماجرای رفتن ماهی به دریا را به یاد آورد .

ءاتنا غداءنا . . . قال أرءیت . . . فإئی نسیت الحوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 70 - 1

1- خضر ، با درخواست موسی (ع) در مورد همراهی با او ، به صورت مشروط ، موافقت کرد .

قال فإن اتبعتنی فلا تسألننی عن شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 73 - 9

9- موسی بر همراهی با خضر (ع) مصر بود .

لاتواخذنی . . . و لاترهقنی من امری عسراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 78 - 7

7- علمی که موسی (ع) در پی آموختن آن از خضر (ع) بود ، علم تأویل و تحلیل حوادث و شناخت حقایق پشت پرده رخداد ها بود .

ص: 117



هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت .. سأنتبک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 35 - 2

2- موسی (ع) در عین ارائه پیشنهاد در باره امور رسالت خویش ، در محضر خداوند ، به آگاهی کامل او اعتراف کرد و تصمیمات او را دقیق و صحیح دانست .

و أشرکه فی أمری .. إتك كنت بنا بصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 47 - 3

3- آزادی بنی اسرائیل و گسیل داشتن آنان با موسی و هارون (ع) ، نخستین خواسته آن دو از فرعون بود .

فقولا .. فأرسل معنا بنی إسرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 18 - 5

5- ادعای رسالت الهی و درخواست آزاد گذاشتن بنی اسرائیل برای خروج از سرزمین مصر از سوی موسی (ع) ، دور از انتظار فرعون و عملی جسورانه در نظر وی بود .

فقولا إنا رسول ربّ العلمین . أن أرسل معنا بنی إسرئیل . قال ألم نربک ... و لبث

برداشت یاد شده از به رخ کشیدن دوران کودکی و بخشی از عمر موسی (ع) پس از اظهاراتش درباره رسالت الهی و آزاد سازی بنی اسرائیل ، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 8

8- موسی (ع) از خانواده اش خواست که تا بازگشت وی از وادی طور درنگ کنند .

قال لأهله امکنوا .. لعلی ءاتیکم منها بخبر أو جذوه من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - موسی (ع) خواسته خویش (همراهی هارون با وی) را با خداوند در میان گذاشت .

قال ربّ . . . و أخی هرون ... إتی أخاف أن یکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - موسی (ع) ، داوری میان خود و فرعونیان را به خداوند حواله کرد .

وقال موسی ربّی أعلم

وقتی موسی(ع) با ارائه معجزات روشن و غیر قابل انکار، با تکذیب فرعونیان روبه رو شد؛ چاره ای ندید جز این که خدا را به داوری میان خود و آنان بخواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 18 - 5، 1

1- رهایی بنی اسرائیل از نظام فرعونى ، یکی از مهم ترین خواسته های موسی (ع) از فرعونیان

أَنْ أَدَّوَا لِلَّهِ عِبَادَ اللَّهِ

چنانچه مراد از «عبادالله» بنی اسرائیل باشد از این که خداوند در رأس همه سخنان موسی درخواست آزادی بنی اسرائیل را مطرح ساخته اهمیت آن استفاده می شود.

5- تذکر موسی (ع) به فرعونیان ، نسبت به خیراندیشی خود در پیشنهاد رهایی بنی اسرائیل

أَنْ أَدَّوَا .. إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

لام در «لکم» برای منفعت و «رسول آمین» تأکیدی بر رعایت امانت در نصیحت است؛ یعنی، بنی اسرائیل را رها کنید و بدانید که در این پیشنهاد، منفعت واقعی شما نهفته است و من در این سخن صداقت دارم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 21 - 1

1- درخواست آزادی بیان ، پیشنهاد موسی (ع) به فرعونیان پس از یأس از ایمان آوردن آنان

وإن لم تؤمنوا لى فاعترزلون

«فاعترزلون»، کنایه از این است که اگر خود اهل ایمان نیستید، لااقل متعرض من نباشید تا آزادانه پیامم را به مردم برسانم.

## 129- خواسته های موسی(ع) از فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 105 - 9

9- موسی (ع) در راستای رهاسازی بنی اسرائیل از فرعون خواست تا از مهاجرت آنان با وی جلوگیری نکند .

فأرسل معى بنى إسرائيل

## 130- خواسته های مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 4

4- مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فیقول هاؤم اقرءوا کتبیہ

ص: 119

«هاؤم» اسم فعل امر و به معنای «خذوا» (بیاید بگیرید) است.

### 131- خواسته های نعمان بن حارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 1 - 5

5- «عن جعفر بن محمد (ع) عن آبائه (ع) قال: لما نصب رسول الله علياً يوم غدیر خم... فقَدِمَ على رسول الله التَّعمان بن الحرث الفِهرى فقال: أمرتُنا عن الله أن نشهدَ أن لا إله إلا الله و أنك رسولُ الله... فقَبَلناها ثم لم تَرْضَ حتَّى نصبتَ هذا الغلام... فهذا شىء منك أو أمرٌ من عند الله... فوَلَّى التَّعمان الحرث و هو يقول: «اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره من السماء»... و أنزل الله تعالى: «سأل سائل بعذاب واقع...»؛

امام صادق(ع) از پدرانش روایت نموده است: چون رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در غدیر خم علی(ع) را به امامت منصوب کرد... نعمان بن حرث فهري، جلوی آن حضرت ایستاد و با [اعتراض] گفت: از جانب خدا به ما امر کردی که شهادت به یگانگی خدا و رسالت تو دهیم، و ما پذیرفتیم. سپس راضی نگشتی تا این جوان را بر ما منصوب کردی... حال این (نصب علی(ع)) از طرف خودت می باشد یا دستوری از جانب خداوند است... نعمان در حالی که به رسول خدا(صلی الله علیه و آله) پشت کرده بود، می گفت: «اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره من السماء»... پس خداوند متعال آیه «سأل سائل بعذاب واقع...» را نازل نمود.

### 132- خواسته های نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 108 - 5

5- نوح (ع)، خواهان اطاعت قومش از او به خاطر صداقت و امانت داری وی

إني لكم رسول أمين. فاتقوا الله و أطيعون

### 133- خواسته های هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 150 - 26، 22

22- هارون با بیان موضع خویش در برابر منحرفان بنی اسرائیل از موسی (ع) خواست تا با مؤاخذه وی دشمنان دین را شاد نسازد.

و كادوا يقتلونني فلا تشمت بي الأعداء

«ال» در «الأعداء» برای جنس است و مراد از آن، به قرینه «القوم الظلمین»، دشمنان دین و توحید، یعنی همان گوساله پرستان، است. «اشمات» (مصدر «لا تسمت») به معنای خشنود ساختن و «باء» در «بی» سببیه است. بنابراین «لا تسمت بی

ص: 120

الأعداء» یعنی دشمنان دین را با مؤاخذه من شاد نکن.

26 - هارون با بیان مبارزه خویش علیه شرک‌ورزی بنی اسرائیل، از موسی (ع) خواست تا وی را همسنگ ستمکاران شرک پیشه قرار ندهد.

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی . . . و لاتجعلنی مع القوم الظلمین

روشن است که موسی (ع) هرگز گمان نمی کرد که هارون از ستمکاران باشد. بنابراین «مع» در جمله «لا تجعلنی مع» معیت حکمی است؛ یعنی مرا در حکم ستمکاران قرار مده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 47 - 3

3- آزادی بنی اسرائیل و گسیل داشتن آنان با موسی و هارون (ع)، نخستین خواسته آن دو از فرعون بود.

فقولا . . . فأرسل معنا بنی إسرءیل

### 134- خواسته های همبندان یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 36 - 7

7- هم بندان یوسف (ع)، از او خواستند رؤیایشان را تعبیر کرده و تأویل آن را بیان کند.

نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 37 - 1

1- یوسف (ع)، تقاضای هم بندان خویش را پذیرفت و آنان را به تعبیر کردن رؤیایشان پیش از رسیدن غذای آنان مطمئن ساخت.

نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ . . . قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلاّ نبتأتکما بتأویلِهِ

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر در «تأویل» رؤیای هر یک از هم بندان یوسف باشد. بر این مبنا جمله «قال لایأتیکما...» چنین معنا می شود: غذایی که به شما اعطا می شود، برایتان حاضر نمی گردد مگر آنکه تعبیر رؤیا را به شما گزارش کرده ام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- هم بندگان زندانی یوسف (ع)، با اصرار و تقاضای مکرر از او خواستند رؤیاهایشان را تعبیر کند و تأویل آنها را بیان دارد .

قضى الأمر الذى فيه تستفتيان

آوردن فعل مضارع «تستفتیان» (پرسش می کنید) به جای فعل ماضی «استفتیا» (پرسش کردید) دلالت بر استمرار دارد و گویای اصرار و تقاضای مکرر هم بندگان یوسف(ع) است.

ص: 121



### 135- خواسته های همسر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 11 - 3

3- درخواست همسر فرعون از خداوند ، مبنی بر زیستن در جوار رحمت او و بنا کردن خانه ای در بهشت برای وی

إذ قالت ربّ ابن لي عندك بيتاً في الجنة

### 136- خواسته های همسران محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 28 - 1

1- همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از آن حضرت ، خواستار امکانات و نفقه های زیاد و زیورآلات بودند .

قل لأزوجك إن كنتن تردن الحیوه الدنيا وزینتها

طبق شأن نزولی که مفسران نقل کرده اند، آیه ناظر به خواسته هایی است که همسران پیامبر(صلی الله علیه و آله) از آن حضرت داشته اند و خداوند، به آن حضرت رهنمود می دهد که با آنان چه رفتاری پیشه کند. (مجمع البیان، ذیل همین آیه)

### 137- خواسته های هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 126 - 2

2- هود (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او ، به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إني لكم رسول أمين . فاتقوا الله و أطيعون

تفریع «اتقوا الله و أطيعون» بر «إني لكم رسول أمين» مفید مطلب یاد شده است.

### 138- خواسته های یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 132 - 10

10 - ابراهیم و یعقوب (ع) ، از پسرانشان خواستند تا همواره تسلیم خدا بوده و مطیع فرمان او باشند .

فلاتموتن إلا و أنتم مسلمون

جمله «فلاتموتن . . .» کنایه از لزوم تسلیم همیشگی در برابر خدا و همواره مطیع او بودن است.

ص: 122

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 6

6- یعقوب (ع) از فرزندانش خواست صورت ناتوانی و عذر را، در سوگندشان بر محافظت از بنیامین و باز گرداندن او استشنا کنند.

لَتَأْتِنِّي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ

ظاهر این است که عبارت «إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ» استشنا از قسم - که مفاد «لَتَأْتِنِّي بِهِ» است - می باشد. بر این اساس یعقوب(ع) به فرزندانش توصیه کرد که در اجرای صیغه سوگند مورد عذر و ناتوانی را استشنا کنند و چنین بگویند: «والله لَنَأْتِيَنَّكَ بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِنَا» (به خدا سوگند بنیامین را به تو باز می گردانیم مگر مغلوب شویم و همه راهها و چاره ها بر ما بسته شود).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 87 - 4

4- یعقوب (ع) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند.

وَلَا تَأْيِسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ

### 139- خواسته های یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 39 - 7

7- یوسف (ع) از هم بندان خویش خواست تا با مقایسه و سنجش عقیده توحیدی با عقیده به خدایان متعدد، عقیده درست را برگزینند.

أَرْبَابَ مَتَفَرِّقُونَ خَيْرَ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 1، 8

1- یوسف (ع) از هم بند خویش، ساقی پادشاه، خواست تا پس از رهایی، داستان او را برای پادشاه بیان کند.

وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ

8- ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان، درخواست یوسف (ع) (یادآوری وضعیت او) را فراموش کرد.

«انساء» (مصدر أنساه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در «أنساه» و «ربه» به «الذی» - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله «فأنساه...» چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی زدود که داستان یوسف (ع) را نزد پادشاه یادآور شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 6,7,8

ص: 123

6- یوسف (ع) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه

«بال» به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

7- بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف (ع) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه الّ-تی قطعن أیدیهنّ

8- رفع اتهام و اثبات بی گناهی ، هدف یوسف (ع) از تقاضای تحقیق در ماجرای زنانی که دست های خویش را با مشاهده یوسف (ع) بریدند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه الّ-تی قطعن أیدیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 3

3- بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فسئله ما بال النسوه . . . قال ما خطبکّن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 55 - 1,16,18

1- یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق پردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از «مرا بر گنجینه های زمین بگمار» این است که امور یاد شده را به من بسپار ؛ یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غله در اختیار من باشد.

16- «عن علی بن موسی الرضا (ع) : . . . ان یوسف (ع) . . . لما دفعته الضروره إلی تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض . . . ؛

از امام رضا(ع) روایت شده است: . . . هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: «اجعلنی

18- « عن أبي عبد الله (ع) أنه قال لقوم ممن يظهرون الزهد ويدعون الناس أن يكونوا معهم على مثل الذي هم عليه من التقشف . . . أخبروني أين أنتم عن . . . يوسف النبي (ع) حيث قال لملك مصر: « اجعلني على خزائن الأرض . . . » فكان من أمره الذي كان أن اختار مملكة الملك و ما حولها إلى اليمن . . . فلم نجد أحداً عاب ذلك عليه . . . » ;

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان زندگی را بر خود سخت گیرند . . . فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه مصر گفت: «اجعلنی علی خزائن الأرض...»؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت ... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یوسف (ع) از برادرش بنیامین خواست گذشته برادرانش را نادیده انگارد و از رفتار ناروای پیشین آنان اندوهی به خود راه ندهد .

فلاتبتس بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 93 - 2,4,9

2- یوسف (ع) از برادرانش خواست پیراهن او را به صورت یعقوب (ع) بیفکنند تا بینا شود .

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیراً

«یأت» در آیه شریفه به معنای بصیر (می گردد و مبدل می شود) است. جمله «فارتد بصیراً» در آیه 96 مؤید این معناست. قابل ذکر است که برخی برآنند که «یأت» به معنای «می آید» است و «بصیراً» حال می باشد؛ یعنی، او به مصر می آید در حالی که بیناست.

4- یوسف (ع) از برادرانش خواست در افکندن پیراهنش به چهره یعقوب (ع) تعجیل کرده و آن را به تأخیر نیندازند .

اذهبوا... فألقوه علی وجه أبی

برداشت فوق از حرف «فاء» در «فألقوه» استفاده شده است. «فألقوه»؛ یعنی، به مجرد رسیدن به کنعان و قبل از هر کار دیگری چنین کنید.

9- یوسف (ع) از برادران خویش خواست تمام اهل و عیالشان (خاندان یعقوب) را به مصر کوچ دهند .

وأتوننی بأهلکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 10

10- یوسف (ع) پس از انجام مراسم استقبال، از پدر و مادر و خویشانش خواست به مصر وارد شوند و در آن دیار سکنی گزینند .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

امنیت خاندان یعقوب از ناحیه حکومت و دوران قحطی - که «آمنین» بدان اشاره دارد - با این معنا سازگار است که مقصود یوسف(ع) از «ادخلوا...» سکنی گزینی و اقامت خاندان یعقوب در مصر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 64 - 3

3- همسفر موسی، با وجود ناآگاهی از علانم جایگاه ملاقات او با خضر، همگام موسی (ع) و خواهان به مقصد رسیدن او بود.

ذلك ما كُتِبَ

ص: 125



## 141- خواسته های یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 96 - 8

8 - فرد فرد یهود ، خواهان عمر طولانی هزار ساله هستند .

یود أحدهم لو یعمر الف سنه

«یعمّر» از تعمیر و به معنای عمر داده شود، است. آوردن «أحدهم» به عنوان فاعل «یود» و استفاده نکردن از ضمیر جمع (یودون) تصریح به این معنا دارد که: عمر طولانی هزار ساله، خواسته فرد فرد آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 118 - 9

9 - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

كذلك قال الذین من قبلهم مثل قولهم

در آیه 113 مشرکان با تعبیر «الذین لایعلمون» در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال «الذین من قبلهم» قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از «الذین من قبلهم» یهود و نصارا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 183 - 2

2 - در آتش سوختن قربانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، شرط یهود برای ایمان به آن حضرت

الذین قالوا انّ اللّٰه .. حتّٰی یاتینا بقربان تاكله النار

«قربان» به معنای هر چیزی است که انسان به وسیله آن به خداوند تقرب جوید و قربان اّمتهای گذشته، گاو، گوسفند و شتری بود که برای تقرب به خدا ذبح می شد (تاج العروس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 153 - 5,9

2 - آشکارا دیدن خداوند ، تقاضای نابجای یهودیان از موسی (ع)

فقد سألوا موسى أكبر من ذلك فقالوا أرنا الله جهرة

5- درخواست دیدن خداوند از سوی یهود، درخواستی ظالمانه و موجب گرفتار شدن آنان به صاعقه

فقالوا أرنا الله جهرة فأخذتهم الصعقة بظلمهم

9- درخواست یهود از موسی (ع) (دیدن خدا)، نابجاست از درخواست آنان از پیامبر (صلی الله علیه و آله) (نزول کتاب آسمانی بر آنان)

یسئلک أهل الکتب .. فقد سألوا موسی أكبر من ذلك

### 142- درخواست از غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 126

8- خواندن غیر خدا و درخواست حاجت کردن از غیر او کفر است .

له دعوه الحق . . . و ما دعاء الکفرین إلا فی ضلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 5 - 1

1- عبادت گران غیر خدا و حاجت طلبان از درگاه غیر او ، گمراه ترین و سرگشته ترین انسان ها

و من أضلّ ممّن يدعو من دون الله من لا يستجيب له

### 143- رد خواسته های اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 114 - 1

1 - پاسخ منفی نوح (ع) به درخواست اشراف مبنی بر طرد محرومان از پیرامون خویش

أنؤمن لك و اتبعك الأذلون . . . و ما أنا بطارد المؤمنين

### 144- رد خواسته های بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 12 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد بخیل و خسیس

و لا تطع کلّ . . . متاع للخیر

برخی از مفسران، احتمال داده اند که «خیر» در این آیه، به معنای مال است و مقصود از «متاع للخیر» کسانی اند که از دادن مال خود به دیگران خودداری می کنند؛ یعنی، بخیل و خسیس اند.

### 145- رد خواسته های بداخلاقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد درشت خوی و بدخلق

و لاتطع کلّ . . . عتّل

«عتّل» مرادف با «فظ و غلیظ» (درشت خوی و خشن) است (لسان العرب).

ص: 127

### 146- رد خواسته های خسیسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 12 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد بخیل و خسیس

و لاتطع کلّ . . . متّاع للخیر

برخی از مفسران، احتمال داده اند که «خیر» در این آیه، به معنای مال است و مقصود از «متّاع للخیر» کسانی اند که از دادن مال خود به دیگران خودداری می کنند؛ یعنی، بخیل و خسیس اند.

### 147- رد خواسته های دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 29 - 3

3- خداوند ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در شیوه برخورد با دنیاگرایان و رد پیشنهاد های نادرست آنان تعلیم داد .

و لاتطع من . . . وقل الحقّ من ربکم

### 148- رد خواسته های زنازاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 13 - 4

4 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد بی ریشه و تبار

و لاتطع کلّ . . . زنیّم

«زنیّم» به زنازاده و کسی که خود را به قومی می چسباند - ولی از آنان نیست - گفته می شود (لسان العرب). بنابه نوشته مفسران، آیات این بخش درباره ولیدبن مغیره نازل شده است.

### 149- رد خواسته های سخن چینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 11 - 4

4- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های سخن چینان

و لاتطع کلّ . . . مشاء بنمیم

ص: 128

### 150- رد خواسته های سوگند خورندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 10 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های سوگند خورندگان بی مبالا

و لاتطع کلّ حلاف

«حلاف» صیغه مبالغه است. از این رو می رساند که حلاف کسی است که بسیار سوگند یاد می کند و بر این کار عادت کرده است؛ چه آن که راست و بجا باشد و چه دروغ و بی جا. بدین جهت در برداشت یاد شده، تعبیر بی مبالا می آمده است.

### 151- رد خواسته های عیب جویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 11 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد عیب جو

و لاتطع کلّ... همّاز

«همّاز»، مرادف «عیاب» و به معنای عیب جو است.

### 152- رد خواسته های فرومایگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 10 - 4

4 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های فرومایگان

و لاتطع کلّ... مهین

«مهانت» (از ماده «مهین») به معنای حقارت و قلت تدبیر است.

### 153- رد خواسته های گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - درخواست مجرمان در قیامت برای بازگشت به دنیا ، از سوی خداوند شدیداً رد می شود .

فارجعنا نعمل صلحاً .. فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا

ص: 129



احتمال دارد امر «ذوقوا» جواب درخواست مشرکان باشد که در آیه پیش (12) مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 12 - 8

8 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های گناه پیشگان

و لاتطع کلّ . . . اثم

### 154- رد خواسته های مانعان خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 12 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته کسانی که مانع خیر در جامعه اند .

و لاتطع کلّ . . . متاع للخیر

### 155- رد خواسته های متجاوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 12 - 5

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های تجاوزگران

و لاتطع کلّ . . . معتد

### 156- رد خواسته های مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 101 - 5

5- عدم اعطای معجزات اقتراحی مشرکان از سوی خداوند ، به دلیل علم خدا به حق ناپذیری آنان

و لقد آتینا موسی . . . فقال له فرعون إني لأظنك يموسی مسحورًا

یادآوری کفر فرعون، علی رغم ارائه معجزات فراوان از سوی موسی (ع) در پی رد درخواستهای مشرکان، می رساند که دلیل عدم اجابت

خواسته های مشرکان، تصمیم آنان بر عدم ایمان است.

ص: 130

## 157- رَدِّ خَواسته های مَکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 14 - 2, 1

1 - استغاثه و درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای رهایی از آتش جهنم نتیجه بخش نبوده و عذابشان ادامه خواهد یافت .

لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از درخواست هلاکت، در حقیقت کنایه از نجات از وضع بسیار سخت دوزخ است؛ نه مرگ و نابودی واقعی.

2 - درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای مرگ و هلاکت خویش ، بی نتیجه بوده و آنان برای همیشه در آتش خشمگین جهنم خواهند سوخت .

بل کذبوا بالساعة .. لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از «و ادعوا ثبورًا کثیرًا» کنایه از این باشد که چون درخواست کافران برای مرگ و یا نجات، پذیرفته نمی شود و باید تا ابد در آتش بسوزند. از این رو از روی استهزا به آنان گفته می شود: بسیار درخواست هلاکت [و یا نجات] کنید.

## 158- روش تحصیل خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 32 - 5

5 - کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللهم إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره

## 159- زمینه اجابت خواسته ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 21 - 2

2 - انفاق همراه با تقوا و اخلاص ، مایه رسیدن به تمام خواسته ها و آرزو ها در قیامت است .

و لسوف یرضی

رسیدن به مرحله رضایت، به معنای دست یافتن به تمام اموری است که شخص به آن رغبت دارد.

## 160- زمینه تأمین خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 131

11 - تقوا و احسان ، موجب دستیابی انسان به تمامی خواسته های خود در قیامت

أولئك هم الممتقون . لهم ما يشاءون عند ربهم ذلك جزاء المحسنين

### 161- زمینه تأمین خواسته های انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 16 - 4

4 - برآورده شدن تمامی خواسته ها و ارضای همه تمایلات انسان ، تنها در سایه تقوای پیشگی میسر است .

جنّ الخلد التي وعد المتقون . . . لهم فيها ما يشاءون خلدین

### 162- زمینه تحصیل خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 18

18- لزوم اتکا به خداوند و امید داشتن به او ، برای دستیابی به خواسته ها و رهایی از دشواریها

عسى الله أن يأتيك بهم جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 28

28 - عنایت خداوند ، به مؤمنان ، در هموار کردن و رفع دشواری های فرهنگی ، برای رسیدن به خواسته هایشان

زوّجناكها لكي لا يكون على المؤمنين حرج في أزواج أدعيائهم

### 163- صالح (ع) و خواسته های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 15، 9

9- صالح (ع) به مردم خویش اعلام کرد : در صورت پذیرش خواسته آنان ( ترک دعوت به توحید ) گنه کار و مستحق عذاب الهی خواهد

بود .

فمن ينصرني من الله إن عصيته

15- صالح (ع) ، توجه کردن به درخواست کافران قومش ( ترک ابلاغ توحید ) را ، مایه خسارت و تباهی خویش دانست .

فما تزدوننی غیر تخسیر

ص: 132

«تخسیر» به معنای خسارت زدن می باشد و فاعل آن قوم ثمود است.

#### 164- عوامل تحصیل خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 36 - 4

4- دعا و درخواست از خداوند ، در برآورده شدن خواسته ها و رسیدن به آن ، مؤثر است .

قال ربِّ اشرح . . . قال قد أتيت سؤلک

برآورده شدن خواسته های موسی (ع) پس از دعا و تقاضای ملتسمانه او به درگاه خداوند بود و این نشان دهنده نقش دعا در اجابت خواسته ها است.

#### 165- عوامل تحقق خواسته های اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 3 - 6

6- بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) همراه با قرآن ، تحقّق بخش پیش شرط اهل کتاب و مشرکان برای ترک آیین خویش

لم یکن . . . منفکین حتّی تأتیهم البینه . رسول . . . فیها کتب قیّمه

برداشت یاد شده، براساس یکی از احتمالاتی است که درباره نخستین آیه بیان شد. در آن احتمال، آیه شریفه، بیانگر ادّعی کافران دانسته شده بود.

#### 166- عوامل تحقق خواسته های مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 3 - 6

6- بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) همراه با قرآن ، تحقّق بخش پیش شرط اهل کتاب و مشرکان برای ترک آیین خویش

لم یکن . . . منفکین حتّی تأتیهم البینه . رسول . . . فیها کتب قیّمه

برداشت یاد شده، براساس یکی از احتمالاتی است که درباره نخستین آیه بیان شد. در آن احتمال، آیه شریفه، بیانگر ادّعی کافران دانسته شده بود.

## 167- فرعون و خواسته فرعونيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 133



11 - فرعون با پذیرش پیشنهاد اشرافیان ( سرکوبی موسی (ع) و قوم او ) بر کشتار وسیع پسران بنی اسرائیل و زنده نگاه داشتن زنانشان مصمم شد .

قال سنقتل أبناءهم و نستحي نساءهم

تقتیل (مصدر تقتل) به معنای کشتار وسیع است. «استحیاء» از ماده «حیات» به معنای زنده نگاه داشتن است.

### 168- فلسفه خواسته های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 157 - 4

4 - معجزه خواهی ثمودیان ، پیشنهادی بهانه جویانه بود ؛ نه درخواستی صادقانه .

فأت بنایه إن كنت من الصدقین . . فعقروها

### 169- فلسفه خواسته های مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 6 - 8

8- درخواست معجزه از سوی مشرکان ستم پیشه مکه ، در جهت بهانه جویی بود ؛ نه حقیقت طلبی .

فلیأتنا . . أفهم یؤمنون

خداوند، درخواست معجزه از طرف مشرکان را به این دلیل ردّ فرمود که آنان مانند مشرکان اقوام گذشته، قصد ایمان آوردن نداشتند. بنابراین چنین درخواستی بهانه و دست آویزی بیش نبود.

### 170- فلسفه خواسته های موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 34 - 1

1 - هدف موسی (ع) از تقاضای نبوت و رسالت برای هارون (ع) ، به دست آوردن فرصت بسیار برای ذکر خداوند و حمد و ثنای مکرر او بود .

وَأَشْرِكُ فِي أَمْرِي . . . وَتَذَكَّرُ كَثِيرًا

فاعل «تذکرک» موسی و هارون(ع) است و مراد از کثرت ذکر خدا، افزایش تبلیغات توحیدی - براثر همراهی آن دو - است که متضمن مدح و ثنای خداوند می باشد.

ص: 134

## 171- فلسفه خواسته های یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 55 - 2

2- پیشگیری از بروز فاجعه برای مردم مصر به سبب قحطی و خشکسالی ، از هدف های یوسف (ع) در تقاضای منصب حکومتی

اجعلنی علی خزائن الأرض

## 172- فلسفه ردّ خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 8 - 6

6- فلسفه عدم تحقق درخواست کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، مهلت دادن به آنان و جلو نینداختن اجلسان است .

ما تسبق من أمه أجلها . . ما ننزل الملائكة إلا بالحقّ و ما كانوا إذا منظرین

## 173- فلسفه ردّ خواسته های مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 22

22- « عن أبي جعفر (ع) في قوله : « و ما منعنا أن نرسل بالآيات » و ذلك أن محمداً (صلى الله عليه و آله) سأله قومه أن يأتيهم بآيه فنزل جبرئيل قال : إن الله يقول : « و ما منعنا أن نرسل بالآيات إلى قومك إلا أن كذب بها الأولون » و كتنا إذا أرسلنا إلى قريه آيه فلم يؤمنوا بها أهلكناهم فلذلك أخرنا عن قومك الآيات ;

از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند «و ما نرسل بالآيات» روایت شده است که فرمود: داستان این بود که: قوم محمد از آن حضرت درخواست کردند که معجزه ای برای آنان بیاورد، پس جبرئیل نازل شد و گفت: خدا می فرماید: «و ما منعنا أن نرسل بالآيات . . .» و سنت ما چنین بوده است که هرگاه معجزه ای را به سوی قریه ای فرستادیم و آنان به آن ایمان نیاوردند، آنان را هلاک کردیم. پس به خاطر همین، فرستادن معجزات را برای قومت به تأخیر انداختیم».

## 174- قبول خواسته های آسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 9 - 13

13 - پذیرفته شدن خواسته آسیه ( ننگه داری موسی (ع) ) از سوی فرعون

وقالت امرأت فرعون . . . لا تقتلوه

ص: 135

سکوت فرعون در برابر خواسته آسیه، نشان از پذیرفته شدن آن از سوی فرعون دارد.

### 175- قبول خواسته های جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 42 - 1

1 - پاسخ مثبت فرعون ، به امتیازطلبی ساحران برای غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أننّ لنا لأجراً .. قال نعم

### 176- قبول خواسته های خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 71 - 1

1- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر ، همراه او حرکت کرد .

فانطلقا حتّى إذا ركبا فى السفینه

«انطلاق» به معنای «روانه شدن و حرکت کردن» است. «فاء» در «فانطلقا» دلالت دارد که موسی (ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر (ع) به همراهی وی رخصت داد.

### 177- قبول خواسته های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 155 - 1

1 - پاسخ مثبت صالح (ع) ، به معجزه خواهی ثمودیان

فأت بایه .. قال هذه ناقة ... شرب يوم معلوم

### 178- منشأ تأمین خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 12 - 2

2- انسان هر چه بخواهد و طلب کند ، کلید دستیابی به آن تنها نزد خداوند است .

له مقالید السموت

تقدیم «له» بر «مقالید السموت» می تواند برای افاده حصر باشد.

ص: 136

## 179- منشأ تأمین خواسته های اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 16 - 5

5- تأمین خواسته های متقین در بهشت ، برخاسته از ربوبیت خداوند

لهم فيها ما يشاءون خلدین کان علی ربک وعداً مسئلاً

## 180- منشأ خواسته های انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 29 - 7، 4، 3

3- هر یک از خواسته های انسان ، مسبوق به خواست الهی است .

و ما تشاءون إلا أن يشاء الله

آیه شریفه با توجه به مضارع بودن فعل های «تشاءون» و «یشاء»، بر دو چیز دلالت دارد: 1. «خواستن» و «مشیت» در انسان ها، عطای خداوند و براساس خواست او است؛ 2. هر یک از خواسته های روز مره انسان، وابسته به خواست خداوند در همان مورد است. برداشت یاد شده گویای نکته دوم است.

4- انسان ، بدون خواست خداوند ، حتی از خواستن و تصمیم گرفتن نیز عاجز است .

و ما تشاءون إلا أن يشاء الله

7- ربوبیت خداوند بر انسان ها و سلطه او بر تمام امور آنان ، علت مشروط بودن خواسته های آنان به خواست خداوند است .

و ما تشاءون إلا أن يشاء الله رب العالمین

توصیف «الله» به وصف «رب العالمین»، به منزله بیان علت برای نکته مطرح شده در آیه شریفه است.

## 181- منشأ خواسته های موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 18 - 6

6- درخواست رهایی بنی اسرائیل از سوی موسی (ع) ، نشأت یافته از رسالت آن حضرت و نه انگیزه های قومی و طبقاتی

أَنْ أَدَّوَا . . . إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

از تأکید موسی (ع) بر «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» استفاده می شود که آنچه آن حضرت به فرعونیان پیشنهاد کرده، نه از آن جهت است که با بنی اسرائیل پیوند نژادی و طبقاتی دارد؛ بلکه صرفاً در این سخن، پیامداری امین از جانب خداوند است.

ص: 137



## 182- منشأ قبول خواسته های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 188 - 5

5- اجابت درخواست های کافران از سوی پیامبران ، منوط به اذن الهی

فأسقط علينا كسفاً .. قال ربّي أعلم بما تعملون

برداشت یاد شده از آن جا است که شعیب(ع)، پاسخ گویی به درخواست مردم «ایکه» را، به خدا و علم او محول کرد.

## 183- نقش خواسته های انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 34 - 9

9- خواست خود آدمی ، در رقم خوردن سرنوشت او از ناحیه خداوند ، نقشی بسزا دارد .

قال رب السجن أحب .. فصرف عنه كيدهم

## 184- نوح(ع) و خواسته های اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 9

9- مخالفت شدید و قاطعانه نوح (ع) با درخواست نابه جای سران و اشراف ( طرد مؤمنان تهی دست )

و ما أنا بطارد الذين ءامنوا

آوردن جمله اسمیه و «با» ی زایده ، حکایت از تأکید فراوان دارد.

## 185- نوح(ع) و خواسته های قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 33 - 9

9- پاسخ نوح (ع) به عذاب طلبی کفرپیشگان ، پاسخی آمیخته با درس توحید و خداشناسی بود .

فأتنا بما تعدنا .. قال إنما يأتيكم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزين

ص: 138

## 186- وابستگی خواسته های انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 30 - 1

1 - مشیت و خواست انسان ، در طول مشیت و خواست خدا و وابسته به آن است .

و ما تشاءون إلا أن يشاء الله

مقصود آیه شریفه، این است که خواست بشر، وابسته به خواست خداوند است و تا او اذن ندهد، بشر نمی تواند چیزی را مستقلاً بخواهد و یا آن را تحقق بخشد.

## 187- یعقوب(ع) و خواسته های برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 13 - 5, 1

1- یعقوب (ع) با فرستادن یوسف (ع) به همراه فرزندانش ، موافق نبود و از آن اعتذار می جست .

قال إني ليحزني أن تذهبوا به

5- ترسیدن بر جان یوسف (ع) از حمله گرگها ، از دلایل مخالفت یعقوب (ع) با فرستادن یوسف به همراه فرزندان

قال إني .. أخاف أن يأكله الذئب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 1

1- یعقوب (ع) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزندان ، موافقت نمود .

قال لن أرسله معكم حتى توتون موثقاً

## 188- یوسف(ع) و خواسته های زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 28, 10, 9

9- یوسف (ع) علی رغم فراهم بودن همه شرایط و سلطه ظاهری زلیخا بر او، تمنّای وی را نپذیرفت و به خواسته اش تن در نداد.

رودته... و قالت هیت لک قال معاذ الله

«معاذ» مصدر و مفعول مطلق برای فعل مقدر «أعوذ» است؛ یعنی، «أعوذ بالله معاذاً».

10- یوسف (ع) در برابر صحنه های پر جاذبه شهوانی (تمنّای زلیخا، ابراز اشتیاق او، خلوت بودن قصر و بسته بودن درب ها) به خدا پناه برد.

قال معاذ الله

ص: 139

28- یوسف (ع) ، تسلیم شدن در برابر تمنای نامشروع زلیخا را ، مصداقی از ستم کاری می دانست .

إنه لا يفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 19، 18

18- یوسف (ع) پذیرش تقاضای نامشروع زلیخا و همپالگی های او را ، سقوط به ورطه سفاهت و بی خردی می دانست .

وإلا تصرف .. أصب إليهنّ وأكن من الجهلین

جهل به معنای سفاهت در مقابل عقل ، و نیز به معنای نادانی در مقابل علم می باشد. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

19- یوسف (ع) ، ارتکاب گناه و پذیرش تقاضای زلیخا و همپالگی های او را ، موجب از دست دادن علم و حکمت خدادادی خویش می دانست .

ءاتینه حکماً و علماً .. وإلا تصرف عنی کیدهنّ أصب إليهنّ وأكن من الجهلین

برداشت فوق ، بر این مبناست که مراد از جهل نادانی باشد. بر این مبنا می توان گفت: مقصود یوسف(ع) از جاهل شدن ، سلب گشتن علم و حکمتی است که خداوند به او عطا کرده بود (ءاتینه حکماً و علماً) «آیه 22».

خواسته ها

### 189- تأمین خواسته ها در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 102 - 4

4- بهشت ، سرایی جاودان و دل خواه و نعمت های آن ارضا کننده تمامی امیال و خواسته های آدمی است .

و هم فی ما شتته أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 16 - 3، 6

3- تأمین تمامی خواسته های متقین در بهشت جاویدان ، وعده تخلف ناپذیر و متعهدانه خداوند به آنان

لهم فيها ما يشاءون خلدین کان علی ربک وعداً مستولاً

6- بهشت جاویدان، تنها جایی است که تمامی خواسته ها و تمایلات بشر در آن تأمین و ارضا خواهد شد.

لهم فيها ما يشاءون خلدین

این که خداوند وعده داد که: «تمامی خواسته های متقین در بهشت تأمین می شود (نه در دنیا)» می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 31 - 8

8 - آدمی، در بهشت به تمامی آنچه می خواهد و طلب می کند، خواهد رسید.

ص: 140

و لکم فیها ما تشتهی أنفسکم و لکم فیها ما تدعون

تقدیم «فیها» بر «تشتهی» گویای حصر است؛ یعنی، آنچه می خواهید و آرزو می کنید تنها در بهشت بدان دست می یابید و در غیر بهشت این گونه نیست که آدمی هر آنچه بخواهد، بتواند آن را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 9

9 - تنها بهشت، محل تأمین تمامی خواسته ها و لذت های انسان

و فیها ما تشتهیه الأنفس

تقدیم «فیها» اشعار به این نکته دارد که تمایلات وجودی انسان، به طور کامل تنها در بهشت تأمین می شود.

### 190- تأمین خواسته ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 34 - 12

12 - قیامت، تنها عرصه شایسته برای برآورده شدن تمامی خواسته های بشر

لهم ما یشاءون عند ربهم

«عند ربهم» به منزله قید برای «لهم ما یشاءون» است. این قید می رساند که برآورده شدن خواسته های بشر در قیامت و در پیشگاه خداوند میسر است نه در دنیا؛ چنان که خداوند در جای دیگر از قرآن می فرماید: «... و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین...»؛ در آن جا (بهشت) هر چه دل ها خواهش و آرزو کند و چشم ها از دیدن آن لذت برد، وجود دارد. زخرف (43)، آیه (71).

### 191- تذکر اجابت خواسته ها در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 48 - 6

6- یادآوری برآورده شدن خواسته های انسان در بهشت، از روش های هدایت و جذب انسان ها به دین \*

إن المتقین فی جنّات و عیون . ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

### 192- روش تحصیل خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 32 - 5

5 - کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

ص: 141



اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره

### 193- زمینه اجابت خواسته ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 21 - 2

2- انفاق همراه باتقوا و اخلاص ، مایه رسیدن به تمام خواسته ها و آرزو ها در قیامت است .

و لسوف یرضی

رسیدن به مرحله رضایت، به معنای دست یافتن به تمام اموری است که شخص به آن رغبت دارد.

### 194- زمینه تأمین خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 34 - 11

11 - تقوا و احسان ، موجب دستیابی انسان به تمامی خواسته های خود در قیامت

أولئك هم المتقون . لهم ما يشاءون عند ربهم ذلك جزاء المحسنين

### 195- زمینه تحصیل خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 18

18- لزوم اتکا به خداوند و امید داشتن به او ، برای دستیابی به خواسته ها و رهایی از دشواریها

عسى الله أن يأتيك بهم جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 28

28- عنایت خداوند ، به مؤمنان ، در هموار کردن و رفع دشواری های فرهنگی ، برای رسیدن به خواسته هایشان

زوّجناكها لكي لا يكون على المؤمنين حرج في أزواج أدعيانهم

## 196- عوامل تحصیل خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 142

4- دعا و درخواست از خداوند ، در برآورده شدن خواسته ها و رسیدن به آن ، مؤثر است .

قال ربّ اشرح .. قال قد أُتيت سؤلک

برآورده شدن خواسته های موسی(ع) پس از دعا و تقاضای ملتمسانه او به درگاه خداوند بود و این نشان دهنده نقش دعا در اجابت خواسته ها است.

### 197- منشأ تأمین خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 12 - 2

2- انسان هر چه بخواهد و طلب کند ، کلید دستیابی به آن تنها نزد خداوند است .

له مقالید السموت

تقدیم «له» بر «مقالید السموت» می تواند برای افاده حصر باشد.

ص: 143

## 6- خواهر

### 1- آثار تلاش خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 13 - 1

1 - به ثمر رسیدن تلاش خواهر موسی ، در بازگرداندن برادر خویش به آغوش مادر

قالت هل أدلکم علی اهل بیت . . . فرددنه إلی أمّه

خواهر موسی با دنبال کردن برادر، ورود به کاخ فرعون و بالاخره استفاده از فرصت به دست آمده، توانست موسی را به مادرش بازگرداند.

### 2- ارث خواهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 176 - 4

4 - برادر و خواهر میت در صورتی از وی ارث خواهند برد که وی پدر و یا فرزند - چه دختر و چه پسر - نداشته باشد .

قل اللّٰهُ یفتیکم فی الکلاله ان امرؤا هلک لیس له ولد و له اخت . . . و هو

جمله «لیس له ولد» بیان شرطی برای اصل ارث بری خواهر از برادر است نه شرط برای مقدار سهم او (نصف)؛ زیرا در این صورت باید سهم خواهر را با وجود فرزند میت نیز ذکر می کرد و با توجه به موضوع آیه یعنی کلاله به دست می آید که نبود پدر نیز شرط است. چون کلاله در لغت به کسی گفته می شود که نه پدر دارد نه فرزند.

ص: 144

### 3- ازدواج با دو خواهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 23 - 25 - 18، 15، 13، 12، 11، 10، 9

9 - حرمت جمع بین دو خواهر در ازدواج

حرمت . . . و ان تجمعا بین الاختین

10 - جواز ازدواج با خواهر همسر ، در صورت جدایی از آن همسر ( به طلاق یا مرگ و یا . . . )

حرمت . . . و ان تجمعا بین الاختین

چون متعلق حرمت، جمع بین دو خواهر در ازدواج است، معلوم می شود در صورت جدا شدن از یک خواهر می توان با خواهر دیگر ازدواج نمود.

11 - حرمت جمع بین دو خواهر در ازدواج ، شامل ازدواجهایی که قبل از نزول آیه انجام گرفته است ، نمی شود .

حرمت . . . و ان تجمعا بین الاختین الا ما قد سلف

12 - بطلان ازدواج های انجام شده با دو خواهر با نزول آیه « حرمت . . . الا ما قد سلف » و صحت آنها تا قبل از نزول آن

و ان تجمعا بین الاختین الا ما قد سلف

چون حرمت ازدواج با دو خواهر و دیگر محارم ناظر به بطلان آنها نیز می باشد، می توان گفت مراد از استثناء «الا ما قد سلف» این معناست که آنچه در گذشته (قبل از نزول آیه) انجام شده، محکوم به صحت است، ولی از این به بعد حکم به بطلان آن می شود.

13 - جواز تداوم زندگی زناشویی با دو خواهر ، در صورتی که ازدواج با آنان قبل از نزول آیه « ان تجمعا . . . » صورت گرفته باشد . \*

الا ما قد سلف

تحریم در «حرمت . . . ان تجمعا» ناظر به حال و آینده است ؛ چون افعال گذشته را نمی توان تحریم کرد. بنابراین استثناء، یعنی «الا ما قد سلف»، بیان حلیت جمع بین دو خواهر در زمان حال و آینده می باشد به شرط اینکه ازدواج با آنها قبل از نزول آیه صورت گرفته باشد.

15 - ازدواج با محارم و جمع بین دو خواهر در ازدواج ، از سنن جاهلی

حرمت . . . و ان تجمعا بین الاختین الا ما قد سلف

18 - حکم خداوند به صحت ازدواج با دو خواهر و نیز با محارم تا پیش از بیان حرمت آن ، جلوه ای از رحمت او نسبت به بندگان

وان تجمعوا بین الاختین الا ما قد سلف انّ الله کان غفوراً رحیماً

25 - مرد مسلمانی که پیش از اسلام آوردن ، همسر دو خواهر بوده ، موظّف به طلاق یکی از آن دو ، بسته به انتخاب خویش ، می باشد .

وان تجمعوا بین الاختین الا ما قد سلف

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به کسی که قبل از مسلمان شدن جمع بین دو خواهر در ازدواج کرده بود فرمود: طلق ایتھما شئت.

---

الدّر المنثور، ج 2، ص 475.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 24 - 4

4 - حرمت ازدواج با محارم و زنان شوهردار و جمع بین دو خواهر ، از احکام ثابت و قطعی الهی است .

ص: 145

حرمت .. کتاب الله علیکم

#### 4- اعتماد به خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 11 - 6

6 - خواهر موسی ، مورد اعتماد مادر و شریک او در مسائل با اهمیت

و قالت لأخته قصیه

#### 5- پیشنهاد خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 12 - 8

8 - اعلام آمادگی خواهر موسی ، برای راهنمایی کسان فرعون به خانواده ای مناسب جهت سرپرستی وی

قالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

#### 6- تلاش خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 11 - 9

9 - تلاش خواهر موسی برای اطلاع نیافتن دیگران ، از پی جویی سرنوشت آن کودک به وسیله او

فبصرت به عن جنب

#### 7- خواهر رضاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 23 - 2

2 - حرمت ازدواج با مادر و خواهر رضاعی و مادر همسران

حرمت علیکم .. و امهاتکم التی ارضعنکم و اخواتکم من الرضاعه و امهات نسائکم





## 8- خواهر موسی (ع) در دربار فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 12 - 6

6 - حاضر شدن خواهر موسی در جمع خاندان فرعون و دایگان

و حرّما علیه المراضع من قبل فقالت هل أدلکم

## 9- خواهر موسی (ع) و فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 7

7 - خواهر موسی ، آمادگی خود را برای معرفی دایه به فرعونیان ، مکرر به آنان گوشزد می کرد .

فتقول هل أدلکم

فعل مضارع «تقول» بر استمرار کار در گذشته دلالت دارد.

## 10- خواهر میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 176 - 3,4

3 - برادران و خواهران میت از جمله وارثان وی

قل اللّٰه یفتیکم فی الکلاله . . . و إن کانوا اخوه و رجالا و نساء

مراد از برادران و خواهران در این آیه - بنا به گفته تمامی مفسران - خواهر و برادر پدر و مادری و خواهر و برادر پدری است، و سهام خواهر و برادر مادری در آیه 21 از همین سوره تبیین شده است.

4 - برادر و خواهر میت در صورتی از وی ارث خواهند برد که وی پدر و یا فرزند - چه دختر و چه پسر - نداشته باشد .

قل اللّٰه یفتیکم فی الکلاله ان امرؤا هلک لیس له ولد و له اخت . . . و هو

جمله «لیس له ولد» بیان شرطی برای اصل ارث بری خواهر از برادر است نه شرط برای مقدار سهم او (نصف)؛ زیرا در این صورت باید سهم خواهر را با وجود فرزند میت نیز ذکر می کرد و با توجه به موضوع آیه یعنی کلاله به دست می آید که نبود پدر نیز شرط است. چون

کلاله در لغت به کسی گفته می شود که نه پدر دارد نه فرزند.

## **11- خوردن از خانه خواهر**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3.10

ص: 147

3 - نابینایان، لنگ ها و مریضان، در استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله خود، بدون هیچ اذنی، مجازاند.

لیس علی الأعمی حرج... أن تأكلوا من... بیوت ءابائکم... أو بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله خود، بدون اذن خواستن، جایز است.

لیس علی الأعمی حرج... أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم... أو بیوت أخوتکم.

## 12- رازداری خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 9

9 - خواهر موسی، دختری زیرک و راز نگه دار بود.

هل أدلکم علی من یکفله

## 13- سهم ارث خواهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 12 - 22

22 - تنها برادر و خواهر مادری میت، وارث یک ششم یا شریک در یک سوم میراث می باشند.

و ان کان رجل یورث کلاله او امره و له اخ او اخت فلکل واحد منهما السدس... فهم

امام صادق (ع) در مورد کلاله در آیه فوق فرمود: ... انما عنی بذلک الاخوه و الاخوات من الامّ خاصه.

---

کافی، ج 7، ص 101، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 455، ح 120.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 176 - 14، 13، 12، 11، 6، 5

5 - میت در صورتی که مرد باشد و وارث او تنها یک خواهر باشد، سهم الارث آن خواهر نصف ماترک است.

ان امرؤا هلک لیس له ولد و له اخت فلها نصف ما ترک

6- میت در صورتی که زن باشد و وارث او تنها یک خواهر باشد، سهم الارث آن خواهر نصف ماترک است. \*

ان امرؤا هلک لیس له ولد و له اخت فلها نصف ما ترک

با توجه به اینکه آیه در صدد بیان ارث کلاله است و قطعاً این عنوان شامل ارث بری خواهر از خواهر و برادر از برادر و مانند آن می شود، به نظر می رسد اگر سهم الارث خواهر از خواهر خویش تفاوتی با سهم الارث او از برادرش می داشت، خداوند آن را ذکر می کرد. مؤید این معنا این است که در مسایلی که تصریح به آن شده در هیچ موردی سهم الارث با مرد بودن و زن بودن میت تفاوتی نکرده است.

11- در صورتی که میت - چه مرد و چه زن -، وارثانش دو خواهر باشند، سهم الارث آنان دو سوم ماترک است.

ص: 148

فان كانتا اثنتین فلهما الثلثان مما ترک

وقوع جمله «فان كانتا...» پس از بیان ارث بری خواهر از برادر و برادر از خواهر، می‌رساند که موضوع مسأله ارث بری دو خواهر، مرگ برادر و یا خواهر ایشان است؛ بنابراین مرجع ضمیر در «مما ترک»، «احدهما» خواهد بود که از جمله «ان امرؤا هلک» و «هو یرثها» استفاده می‌شود.

12 - وارثان میت در صورتی که دو خواهر باشند، سهم الارث آنان (دو سوم) را باید به طور مساوی تقسیم کنند.

فان كانتا اثنتین فلهما الثلثان مما ترک

چنانچه بین دو خواهر در سهم الارث، تفاوتی بود آن را بیان می‌کرد.

13 - در صورتی که میت - چه زن و چه مرد - وارثانش برادران و خواهران وی باشند، سهم ارث آنان تمام ماترک است.

وإن كانوا اخوه ورجالا و نساءً فللذکر مثل حظ الانثیین

تعیین نکردن سهم الارث برای مجموعه خواهران و برادران، رسای این است که آنان تمام ماترک را به ارث خواهند برد.

14 - وارثان میت در صورتی که برادران و خواهران وی باشند، سهم الارث هر برادر، دو چندان سهم الارث هر خواهر می‌باشد.

وإن كانوا اخوه ورجالا و نساءً فللذکر مثل حظ الانثیین

مراد از «اخوة»، می‌تواند یک خواهر و یک برادر، یک خواهر و چند برادر، چند برادر و چند خواهر و یک برادر و چند خواهر باشد.

24 - اگر میتی که پدر و مادر و فرزند ندارد تنها یک خواهر داشته باشد، در صورتی که خواهر پدر و مادری یا پدری او باشد، نصف ارث را می‌برد.

ان امرؤا هلک لیس له ولد و له اخت فلها نصف ما ترک

امام صادق(ع) درباره «اخت» در آیه فوق فرمود: انما عنی الله الاخت من الاب و الام او اخت لاب فلها النصف مما ترک و هو یرثها ان لم یکن لها ولد و... .

---

کافی، ج 7، ص 101، ح 3؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 429، ح 5.

**14- شجاعت خواهر موسی(ع)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - خواهر موسی ، شجاع ، زیرک و کاردان بود .

بصرت به عن جُئب . . . قالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

### 15- صفات خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 9

9 - خواهر موسی ، دختری زیرک و راز نگه دار بود .

هل أدلکم علی من یکفله

ص: 149

## 16- علم خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 2

2 - خواهر موسی ، از افکنده شدن برادر کوچکش به نیل مطلع و نگران بود و گام به گام به تعقیب جعبه حامل وی پرداخت .

إذ تمشی أختک فتقول

حرکت کردن خواهر موسی در پی او، نشانگر آن است که وی از جریان موسی (ع) و به آب افکنده شدن او و نیز اجمال حوادثی که در پیش است، مطلع بوده است.

## 17- فضایل خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 12 - 10

10 - خواهر موسی ، شجاع ، زیرک و کاردان بود .

بصرت به عن جُنْب .. . قالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

## 18- قبول پیشنهاد خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 8

8 - دایه پیشنهادی خواهر موسی ، از سوی درباریان فرعون پذیرفته و از وی استقبال شد .

هل أدلکم علی من یکفله فرجعناک إلی أمک

«فاء» در «فرجعناک» فصیحه است؛ یعنی، از جملاتی محذوف خبر می دهد که از پذیرش پیشنهاد خواهر موسی حکایت دارد.

## 19- محدوده حجاب خواهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 19

19 - زنان مؤمن، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها ( بدن ) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ .. وُأبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخوانهنّ أو بنی أخ

ص: 150



## 20- محرمیت خواهر زاده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 19,25

19 - زنان مؤمن، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر، برادران، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند.

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ.. وُأبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخوانهنّ أو بنی أخ

25 - پدر شوهر، پسرهمسر، پسر برادر، پسر خواهر، زنان مؤمن، بردگان، خدمت کاران بی میل به زن و زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی، از محارم زنان اند.

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ.. أو الطفل الذین لم یظهروا علی عورت النساء

## 21- مسؤولیت خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 11 - 4

4 - مأموریت خواهر موسی از سوی مادر برای دنبال کردن موسی در پی افکنده شدنش در آب نیل

وقالت لأخته قصّیه

## 22- نظارت خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 11 - 7,8

7 - خواهر موسی، از دور نظاره گر سرنوشت برادر خود بر روی آب نیل

فبصرت به عن جُنُب

«جُنُب» معادل دور است؛ یعنی، او موسی را از دور زیر نظر گرفت.

8 - خواهر موسی، شاهد برگرفته شدن برادرش از آب به وسیله کسان فرعون

فبصرت به عن جُنُب

برداشت یاد شده برپایه این احتمال است که «بصرت به...» به این معنا باشد که خواهر موسی، از دور دید که فرعونیان او را از آب گرفتند.

ص: 151

### 23- نقش خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 12

12 - خواهر موسی ، تلاش و نقشی مؤثر در بازگرداندن او به مادرش داشت .

إذ تمشی أختک .. فرجعنک إلی أمک

یادکردن از خواهر موسی (ع) و تلاش او، نشان از نقش مؤثر و کارساز او در بازگرداندن وی به مادر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 11 - 6, 5

5 - حضور خواهر موسی در کنار مادر ، هنگام افکندن موسی در رود نیل

وقالت لأخته قصیه

6 - خواهر موسی ، مورد اعتماد مادر و شریک او در مسائل با اهمیت

وقالت لأخته قصیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 12 - 7, 5

5 - در ماندگی خاندان فرعون از یافتن دایه ای مناسب و مورد پذیرش موسی (ع) و اقدام خواهر وی برای بهره گیری از آن فرصت

حرّما علیه المراضع من قبل فقالت هل أدلکم

7 - اقدام به موقع خواهر موسی ، برای بازگرداندن وی به آغوش مادر

و حرّما علیه المراضع ... قالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 13 - 1

1 - به ثمر رسیدن تلاش خواهر موسی ، در بازگرداندن برادر خویش به آغوش مادر

قالت هل أدلكم على أهل بيت .. فرددنه إلى أمه

خواهر موسی با دنبال کردن برادر، ورود به کاخ فرعون و بالاخره استفاده از فرصت به دست آمده، توانست موسی را به مادرش بازگرداند.

#### 24- نگرانی خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 3, 2

2- خواهر موسی ، از افکنده شدن برادر کوچکش به نیل مطلع و نگران بود و گام به گام به تعقیب جعبه حامل وی پرداخت .

إذ تمشی أختک فتقول

ص: 152

حرکت کردن خواهر موسی در پی او، نشانگر آن است که وی از جریان موسی(ع) و به آب افکنده شدن او و نیز اجمال حوادثی که در پیش است، مطلع بوده است.

3 - خواهر موسی ، تا زمان نجات او از آب و مشاهده تلاش درباریان فرعون برای یافتن دایه ، به تعقیب وی ادامه داد .

إذ تمشى أختك فتقول هل أدلکم

ظاهر «هل أدلکم» آن است که خواهر موسی، تصاحب او را از سوی فرعونیان دیده و با رساندن خود به درباریان، پیشنهاد خود را بدون واسطه با مقامات دربار و کسانی که در طلب دایه بودند، مطرح کرده بود.

## 25- هوشیاری خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 9

9 - خواهر موسی ، دختری زیرک و راز نگه دار بود .

هل أدلکم علی من یکفله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 12 - 10

10 - خواهر موسی ، شجاع ، زیرک و کاردان بود .

بصرت به عن جُنُب .. قالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

ص: 153

## 7- خوبان

### 1- اهمیت معرفی خوبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 159 - 7

7 - بیان چهره های خوب هر قوم به همراه انتقاد از چهره های نامطلوب ، از شیوه های قرآن در ترسیم رفتار امت ها و جوامع بشری است .

و من قوم موسی امه یهدون

### 2- خوبان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 21 - 1

1 - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا یوم الفصل

«فصل» به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

### 3- فضایل خوبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 41 - 12

ص: 154

12- « عن أبي عبدالله (ع) [في قوله: « أولم يروا أنا نأتى الأرض نقصها » ] : نقص ها بذهاب علمائها و فقهاها و خيار أهلها ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: [مراد از «نقصها» در سخن خدا: «أولم يروا أنا نأتى الأرض نقصها ..» این است که]: با رفتن علما، فقها و خوبان اهل زمین، از زمین می کاهیم».

خوبی

#### 4- اهمیت درخواست خوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 6 - 4

4- درخواست سعادت و نیکی و نه بدی و عذاب توصیه خداوند به بندگان

يستعجلونك بالسيئه قبل الحسنه

#### 5- خوبی در مقابل بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 22 - 14

14- خوبی کردن در پاسخ به بدی ها و ستم های دیگران ، خصلتی ارزشمند و از ویژگی های خردمندان است .

إنما يتذكر أولوا الألباب .. الذين ... يدرءون بالحسنه السيئه

برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است که در توضیح برداشت شماره 12 آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 54 - 13، 7

7 - دفع بدی دیگران با خوبی کردن به آنان ، رفتاری ارزشمند و توصیه خداوند به اهل ایمان

و يدرءون بالحسنه السيئه

«درء» (مصدر «یدرءون») به معنای دفع کردن است.

13 - در پاسخ بدی ، خوبی کردن و انفاق بخشی از دارایی ها ، باید برنامه همیشگی اهل ایمان باشد و نه مقطعی .

و یدروءن بالحسنه . . و ممّا رزقنهم ینفقون

برداشت یاد شده با توجه به فعل های «یدروءن» و «ینفقون» - که حکایت از تجدد و استمرار دارد - استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 40 - 6

6 - عفو و اغماض از خطای دیگران و اصلاح بدی آنان با نیکی و گذشت ، موجب اجر و پاداش ویژه خداوند است .

و جزؤا سیئه سیئه مثلها فمن عفا و أصلح فأجره علی الله

ص: 155



## 6- دعوت به خوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 46 - 3

3- انجام نیکی ها و پرهیز از بدی ها ، یکی دیگر از محور های تبلیغی صالح پیامبر (ع)

يقوم لم تستعجلون بالسيئه قبل الحسنه

## 7- قیاس خوبی با بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 34 - 1

1 - مساوی نبودن خوبی و بدی ، امری روشن و آشکار

و لا تستوی الحسنه و لا السيئه

## 8- وضوح تفاوت خوبی و بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 34 - 1

1 - مساوی نبودن خوبی و بدی ، امری روشن و آشکار

و لا تستوی الحسنه و لا السيئه

ص: 156

1- آثار اضرار به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 20 - 11، 10، 9

9 - زیانکاری و تباه کردن خویشتن، مانع ایمان است.

الذین خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

10 - ایمان نیاوردن اهل کتاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ناشی از تباه کردن جانهایشان است.

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه .. الذین خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

11 - آنان که سرمایه جان به خسارت از کف داده اند، رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را انکار می کنند.

الذین خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

2- آثار خود باوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 64 - 9

9- خودیابی و مراجعه به وجدان ، زمینه ساز اعتراف به حقایق

فرجعوا إلى أنفسهم فقالوا إنکم أتم الظلمون

از این که بت پرستان پس از به خود آمدن و رجوع به وجدان و ضمیر خویش، به بطلان شرک و راستی توحید پی بردند، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

### 3- آثار خود فراموشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 19 - 7،8

7 - غافلان از خدا و خویش ، همان فاسقان واقعی و پرده دران حریم ارزش هابند .

و لا تكونوا كالذين نسوا الله فأنسيهم أولئك هم الفسقون

8 - فسق و گناه پیشگی ، دارای پیوندی عمیق با غفلت از خدا و خویش

و لا تكونوا كالذين نسوا الله فأنسيهم أولئك هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 20 - 2

2 - دوزخ ، فرجام نهایی فاسقان و غافلان از یاد خدا و خویش

و لا تكونوا كالذين نسوا الله .. أولئك هم الفسقون. لا يستوى أصحاب النار

### 4- آثار ظلم به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 44 - 3

3 - حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران ، پیامد ظلمی است که آنان بر خودشان کرده اند .

و منهم من يستمعون إليك .. و منهم من ينظر إليك ... و لكن الناس أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 45 - 7

7 - ظلم به نفس در پی دارنده هلاکت و کیفر الهی در دنیا

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم .. و ضربنا لكم الأمثال

برداشت فوق، مبتنی بر این است که: مقصود از «ظلموا أنفسهم» ظلم به نفس باشد نه ظلم به دیگران چنان که از ظاهر آن به دست می آید.

5- ظلم به خویش ، دارای پی آمد های اندوه بار و رهایی از آن نیازمند امداد الهی است .

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ . فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ

9- ظلم به نفس ، موجب گرفتاری انسان به غم و اندوه است .

فَطَرْنَا أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ . . . إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ . . . وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 9 - 24

24 - عذاب و کیفر جوامع تکذیب کننده ، نتیجه ظلم و ستم آنان به خودشان بود .

فما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 19 - 9

9 - سبایان با ظلم به خویش ، باعث از هم فروپاشی کامل خود شدند .

و ظلموا أنفسهم فجعلناهم أحاديث و مرقنهم كل ممزق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 113 - 4

4 - ظلم به خویشان ، نشانه کفر و مصداق بارز بی دینی است .

و من ذریتهما محسن و ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 39 - 4

4 - ظلم آدمی بر خویشان ، مایه ابتلای او به عذاب اخروی و نبود راه رهایی برای وی

و لن ینفعکم الیوم إذ ظلمتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 76 - 1

1 - جاودانگی مجرمان در دوزخ ، نتیجه ظلم آنان به خودشان

و ما ظلمنهم

**5- آثار مکر با خود**

15- خودفربیی مشرکان و آراسته دیدن پندار شرک ، آنان را از گرایش به توحید باز داشت .

و صدّوا عن السبیل

«صدّ» (مصدر صدّوا) به معنای بازگرداندن است. به نظر می رسد فاعل محذوف از «صدّوا» مکر و حيله که مایه شرکورزی مشرکان شده است، باشد.

19- مکر ها و خودفربیی های مشرکان در اتخاذ خدایان دروغین ، زمینه ساز تعلق اراده الهی به گمراهی آنان

ص: 159

بل زین للذین کفروا مکرمهم . . . و من یضلل الله فما له من هاد

قرآن از یک سو حيله و مکرها را مایه گمراهی مشرکان می داند و از سوی دیگر خداوند را گمراه کننده ایشان می شمرد. این دو حقیقت اشاره به نکاتی دارد، از جمله اینکه هر چند که خداوند گمراه کننده است؛ ولی آدمی خود زمینه آن را فراهم می سازد و در حقیقت گمراه سازی آنان، کیفر مرام خود آنهاست.

### 6- آگاهی از عقیده باطل خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 21 - 5

5- کافران، به پوچی و بی اساس بودن بافته های دروغین و عقاید واهی خویش، پی خواهند برد.

و ضلّ عنهم ما كانوا یفترون

### 7- احسان به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 113 - 2

2- از نسل ابراهیم و اسحاق (علیهما السلام)، برخی نیکوکار و برخی ظالم به خویشان گشتند.

و من ذرّیتهما محسن و ظالم لنفسه

### 8- اظهار فضایل خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 43 - 18

18- بیان فضایل و کمالات خود، به منظور راهنمایی و هدایت دیگران جایز و نیکو است.

إتی قد جاءنی من العلم ما لم یأتک فاتبعنی أهدک صراطاً سوياً

### 9- اعتماد به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 39 - 9

9 - توکل و اتکال پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بر خداوند ، سبب اعتماد به نفس و پشت گرمی آن حضرت در مبارزه با دشمنان و نیل به اهداف رسالت

ص: 160



قل حسبی اللہ علیہ یتوکل المتوکلون . قل یقوم اعملوا علی مکانتکم ائی عمل فسو

یادآوری توکل و اتکال بر خداوند (در آیه قبل) پیش از اعلام موضع قاطع خود به دشمنان، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

## 10- اقرار علیه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 75 - 6

6- اقرار منافقان صدر اسلام به ناخالصی و صالح نبودن خویش

و منهم من عهد اللہ . . . لنكونن من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 19

19- اعتراف زلیخا به دروغگویی خویش در متهم ساختن یوسف (ع) به درخواست کام جویی

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 91 - 8،9

8- تأکید و اقرار برادران یوسف به ارتکاب خطا در حق برادرشان یوسف (ع)

و إن کنا لخطئین

«إن» در جمله فوق به اصطلاح مخففه از مثقله (إنّ) است. دلیل آن حرف «لام» در «لخطئین» می باشد.

9- برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن کنا لخطئین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 97 - 1

1- فرزندان یعقوب در حضور وی خویشان را گنهکار دانسته و به گناه خویش اقرار و اعتراف کردند .

قالوا ياأبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا كنا خطئين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

10 - كهف - 18 - 49 - 14

14- مجرمان ، در قیامت ، خود به بدکاری و استحقاق عقوبت خویش ، معترف خواهند بود .

یویلتنا مال هذا الکتب . . . و وجدوا ما عملوا حاضرًا و لا یظلم ربک أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

ص: 161

5- اقرار پیشوایان شرک در قیامت ، به نقش اغواگرانه خویش در گرویدن مردم به شرک

قال الذين حَقَّ عليهم القول ربّنا هؤلاء الذين أغوينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 31 - 4

4- پیشوایان شرک در عرصه قیامت ، به دوزخی بودن خویش و این که مستحق کیفر الهی اند ، اعتراف خواهند کرد .

فحقّ علينا قول ربّنا إنّنا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 32 - 4، 1

1- اعتراف سران شرک به دست داشتن خود در گمراهی توده های مشرک

فأغويناكم

4- اعتراف سردمداران شرک در عرصه قیامت به گمراهی خود

إنّا كنا غوينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 58 - 9

9- اعتراف کافران و گنه کاران به نقش خود در تعیین سرنوشت خویش

أن تقول نفس يحسرتي على ما فرطت . . و إن كنت لمن السخرين ... لو أن لي كره ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 11 - 7

7- اعتراف کافران حق ناپذیر در قیامت ، به گناهان خود پس از مشاهده قدرت الهی در آخرت

فاعترفنا بذنوبنا فهل إلى خروج من سبيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 48 - 1

1 - اعتراف مستکبران به مشترک بودنشان با مستضعفان پیرو خود ، در کیفر و عذاب الهی

قال الذین استکبروا إنا کُلّ فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 47 - 13

13 - اعتراف مشرکان در قیامت ، به بطلان باورهایشان نسبت به معبود های خویش

و یوم ینادیهم این شرکاءى قالوا ءاذنّ-ک ما متّا من شهید

ص: 162

## 11- اقرار علیه خود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 130 - 9

9- کافران جن و انس در قیامت با اعتراف به آمدن رسولان الهی، علیه خود شهادت خواهند داد.

ألم یأتکم رسل منکم .. قالوا شهدنا علی أنفسنا

## 12- انبیا در سرزمین خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 14 - 1

1- وعده خداوند به اسکان انبیا در سرزمین خویش، در پی تهدید به اخراج شدن آنان از سوی اقوام کافر

وقال الذین کفروا لرسلمهم لنخرجنکم من أرضنا.. فأوحی إلیهم... ولنسکننکم الأری

## 13- انتقاد از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 76 - 6

6- انتقاد از خود و انصاف در قضاوت نسبت به خویشان و پذیرش مسؤلیت عملکرد خود، از صفات ارزشمند و شایسته است.

إن سألنک عن شیء بعدھا فلا تصحبنی قد بلغت من لدنی عذراً

موسی(ع) با وجود آن که در مرحله قبل، عذر نسیان را مطرح کرد، ولی در این مرحله، اولاً، مسؤلیت عمل خود را بر عهده گرفت و ثانیاً، در مورد خود، رأیی منصفانه صادر کرد و خضر(ع) را در جدا شدن از او، محق دانست.

## 14- اهمیت حسابرسی خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 57 - 6

6- توجه همیشگی انسان به اعمال گذشته خویش و نقد و بررسی آنها، لازم است.

و من أظلم ممّن . . . نسي ما قدّمت يداه

ص: 163

## 15- اهمیت خود دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 54 - 4

4 - حب نفس ، قوی ترین غریزه در انسان است .

و لو أن لكل نفس ظلمت ما فی الأرض لافتدت به

اینکه شخص معذب، حاضر است تمامی آنچه را که در زمین است - اگر در اختیارش می بود - جهت نجات خود، نثار کند، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

## 16- اهمیت دفاع از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 26 - 3,5

3- لزوم دفاع از خویش در برابر اتهام های ناروا

قالت ما جزاء .. قال هی رودتتی عن نفسی

5- یوسف (ع) مرآوده زلیخا و وصال خواهی او را تا زمان دفاع از خویش ، پنهان کرده و فاش نساخته بود .

قالت .. قال هی رودتتی عن نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 5

5- لزوم تلاش برای رفع اتهام ناروا از خویش

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 69 - 9

9- دفاع از آبرو و حرمت خود و حفظ عزت و شرافت خویشتن ، امری لازم و بایسته

قال... فلا تفضحون... ولا تخزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 21 - 9

9 - لزوم اعطای فرصت به متخلف برای دفاع از خود

لأعدّيته... أو ليأتييني بسلطن مبین

ص: 164



## 17- اهمیت محافظت از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 21 - 3

3 - هجرت به منظور حفظ جان ، کاری حکیمانه است .

ءاتینه حکماً و علماً .. فخرج منها خائفاً يترقب

## 18- بازگشت آثار انفاق به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 16 - 9

9 - انفاق کردن مال ، به نفع خود انسان است .

و أنفقوا خيراً لأنفسكم

## 19- بازگشت آثار عمل به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 55 - 8

8 - سود و زیان عمل هر کس ، تنها به خود وی بازمی گردد .

لنا أعمالنا و لكم أعمالكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 6 - 5، 1

1 - دستاورد تلاش و کوشش هرکسی در راه خدا ، از آن خود او است .

و من جهد فإتّما يجهد لنفسه

«إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ..» قرینه است بر این که مراد از تلاش، در آیه، مطلق تلاش نیست و بلکه تلاش در راه خدا است.

5 - بی نیازی مطلق خداوند از همه ، دلیل بازگشت دستاورد تلاش هرکسی به خود او است .

و من جهد فإنّما يجهد لنفسه إنّ الله لغنيّ عن العملين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - عنكبوت - 29 - 16 - 8, 7, 6, 5

5 - عبادت و تقوا، دارای خیری است که سودش به عبادت کننده و متقی، بازمی گردد.

اعبدوا الله و اتقوه ذلكم خير لكم

6 - توجه دادن مردم به بازگشت خیر و منفعت اعمال دینی به خودشان، از شیوه های تبلیغی ابراهیم (ع) بود.

ص: 165

اعبدوا الله و اتقوه ذلكم خير لكم

7- جهل و ناآگاهی ، ریشه بی اطلاعی انسان از بازگشت خیر و منفعت اعمال دینی به خودش است .

اعبدوا الله و اتقوه ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون

8- تحریص و تشویق خداوند مردم را به کسب معرفت درباره خیر بودن اعمال دینی و بازگشت منفعت آن به خود انسان

اعبدوا الله و اتقوه ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 48 - 2

2- عذاب سخت و فوق تصور ستمگران در قیامت ، بازتاب کردار و رفتار خود آنان است .

و بدا لهم سیئات ما کسبوا

آمدن ماده «کسب» به جای ماده «فعل»، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 46 - 1,2

1- پیامد عمل نیک انسان ، به خود وی بازمی گردد .

من عمل صلحاً فلنفسه

2- بدکاران ، گرفتار پیامد اعمال ناشایست خویش اند .

من أساء فعلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 15 - 26,27

26- پیامد های عملکرد نیک و بد انسان ، متوجه خود او است .

لنا أعمالنا و لكم أعمالکم

27- خصومت و ستیز پیروان ادیان توحیدی با توجه به وحدت پروردگار و بازگشت عمل هر انسان به خودش ، فاقد منطق و توجیه

اللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَلْنَا وَلكُمْ أَعْمَلِكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ

بنابراین که مراد از «لا حِجَّةَ»، نفی خصومت و نزاع باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 31 - 11

11 - بازتاب گناهان انسان به صورت مشکلات دنیایی، تدبیری الهی در جهت بازداشتن انسان از سرکشی و تجاوز است.

و ما أصبکم من مصیبه فما کسبت أیدیکم . . . و ما أنتم بمعجزین فی الأرض و ما لکم م

سیاق آیات، نشانگر بیان گونه های مختلف از یک حقیقت است؛ چه این که باران، غفران، ولایت و نصرت گونه هایی از روزی خداوند برای انسان ها است که از پس خشکسالی، گناه و مصیبت به انسان ارزانی می شود.

ص: 166

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 15 - 1

1 - بازتاب نتایج اعمال نیک و بد آدمی ، تنها متوجه خود او است .

من عمل صلحاً فلنفسه و من أساء فعليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 22 - 9

9 - بازگشت نتیجه کردار و اندوخته های انسان ، به خود وی در دنیا و آخرت

محياهم و مماتهم . . . و لتجزى كل نفس بما كسبت

آیه شریفه پاسخ وردی است بر کسانی که صالح و ناصالح را در زندگی و مرگ مساوی می پنداشتند از این مطلب، استفاده می شود که دنیا و آخرت هر دو میدان جزا و پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 32 - 13

13 - بازتاب نهایی اعمال آدمیان ، تنها متوجه خود آنان است .

إنّ الذين كفروا و . . . و سيحبط أعمالهم

از ارتباط «إنّ الذين كفروا. . .» با «سيحبط أعمالهم» و تأکید بر «لن يضروا الله شيئاً» - با توجه به الغای خصوصیت - استفاده می شود که اعمال انسان ها، در نهایت به خودشان باز خواهد گشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 16 - 5

5 - کیفر دوزخ برای تکذیب کنندگان دین ، بازتاب قهری عملکرد مستمر خود آنان

إنّما تجزون ما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- ثمره و منفعت انفاق به خود انفاقگران برمی گردد .

و من يتولّ فإنّ الله هو الغنيّ الحميد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- صدقه دادن ، بهترین عمل است و نفع آن به خود صدقه دهنده بازمی گردد .

ذلک خیر لکم

کلمه «ذلک» اشاره به اعطای صدقه دارد. واژه «خیر» می تواند به معنای خوب (در مقابل) بد و یا اسم تفضیل و به معنای بهتر باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 9 - 2

2- کردار هر کس ، تنها گریبان گیر شخص او بوده و نامه عمل او با دیگر نامه های اعمال ، مشتبّه نخواهد شد .

ما سجّین . کتب مرقوم

## 20- بغض علیه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 10 - 3،5،2

2- بغض و دشمنی شدید کافران حق ناپذیر با خویشان در قیامت

من مقتکم أنفسکم

3- بغض و دشمنی خداوند با کافران حق ناپذیر ، بیشتر و شدیدتر از بغض و دشمنی کافران نسبت به خویشان است .

لمقت الله أكبر من مقتکم أنفسکم

5- پشیمانی و بغض شدید کافران نسبت به خویشان ، بر اثر رد دعوت به ایمان و کفرورزی آنان است .

مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلى الإیمن فتکفرون

تردیدی نیست که بغض شدید کافران نسبت به خویشان در قیامت، ناشی از رد ایمان و کفرشان است. این بغض نشانه پشیمانی شدید آنان از عمل خود می باشد.

## 21- تباهی سرمایه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 20 - 11،10

10 - ایمان نیاوردن اهل کتاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ناشی از تباه کردن جانهایشان است.

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه .. الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

11 - آنان که سرمایه جان به خسارت از کف داده اند، رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را انکار می کنند.

الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

## 22- تبرئه خود از تهمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 67 - 13

ص: 168



13 - تلاش برای تبرئه کردن خویش از اتهامات ناروا، امری نیکو و شایسته

قالوا أتتخذنا هزواً قال أعود بالله أن أكون من الجاهلین

### 23- تحقیر خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 11 - 12

12 - لطمه زدن به شخصیت دیگر مؤمنان، در حقیقت لطمه زدن به خویشان است.

و لا تلمزوا أنفسکم

با توجه به این که در آیه قبل، خداوند همه مؤمنان را برادر یکدیگر و عضو یک خانواده معرفی کرده است؛ در این آیه از یک سو به مؤمنان تذکر داده است که برای دیگر مؤمنان عیب نجوید و از سوی دیگر به آنان یادآور شده که در نظام واحد این خانواده، عیب گرفتن برای دیگری، در حقیقت معیوب ساختن خویشان است.

### 24- تحمیل دروغ بر خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 24 - 2

2 - شرک، باطل و اعتقاد به آن تحمیل دروغ بر خویشان است.

انظر کیف کذبوا علی أنفسهم

جمله «کذبوا...» بیان حال مشرکان در دنیا می تواند باشد. یعنی مشرکان در دنیا با عقیده شرک بر خود نیز دروغ بستند. زیرا فطرت و جان آدمی گواه بر توحید است.

### 25- حسابرسی از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 8 - 5

5 - در قیامت، انسان خود، محاسبه و ارزشیابی خواهد شد.

فسوف يحاسب

فعل «یحاسب» به شخص استناد یافته است؛ نه به عمل؛ بنابراین حسابرسی قیامت در مورد خود اشخاص خواهد بود. می توان گفت: اعمال و نیت های انسان برای او، رتبه وجودی خاصی می بخشد؛ زیرا ملکه او شده و ابعاد وجودی او را شکل می دهد و در نتیجه سنجش آن انسان، در حقیقت محاسبه اعمال او است.

ص: 169

## 26- حق دفاع از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 94 - 9

9- لزوم فرصت دادن به متهمان برای دفاع از خود

لاتأخذ بلحیتی ولا برأسی إئی خشیت

## 27- خود برتر بینی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 18 - 13

13 - یهودیان و مسیحیان خود را انسانهایی ممتاز و برتر می پندارند .

وقالت اليهود و النصری نحن ابنؤا اللّٰه .. بل انتم بشر ممن خلق

از اینکه خداوند در رد پندار یهود و نصارا فرموده است که شما مانند دیگر انسانها هستید، معلوم می شود آنها برای خود امتیازی ویژه می پندارند و خود را برتر از دیگران می شمارند.

## 28- خود برتر بینی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 18 - 13

13 - یهودیان و مسیحیان خود را انسانهایی ممتاز و برتر می پندارند .

وقالت اليهود و النصری نحن ابنؤا اللّٰه .. بل انتم بشر ممن خلق

از اینکه خداوند در رد پندار یهود و نصارا فرموده است که شما مانند دیگر انسانها هستید، معلوم می شود آنها برای خود امتیازی ویژه می پندارند و خود را برتر از دیگران می شمارند.

## 29- خیانت به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 9

9- نافرمانی از دستورات خدا و نادیده گرفتن احکام دین ، خیانت به خویشتن است .

کنتم تختانون أنفسکم

ص: 170

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 27 - 4

4 - خیانت آدمی به امانت های مسلمانان ، خیانت به خویشان است .

و تخونوا أمتکم

معمولا انسان امانتداری دیگران است نه امانتداری خویش . بنابراین اسناد امانتهای دیگران به امانتدار ، با اضافه کلمه «امانات» به «کم» بیانگر این است که امانت دیگران به منزله امانت خود اوست و خیانت در آن ، خیانت به امانت خویش است .

### 30- دشمنی با خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 10 - 3، 2

2 - بغض و دشمنی شدید کافران حق ناپذیر با خویشان در قیامت

من مقتکم أنفسکم

3 - بغض و دشمنی خداوند با کافران حق ناپذیر ، بیشتر و شدیدتر از بغض و دشمنی کافران نسبت به خویشان است .

لمقت الله أكبر من مقتکم أنفسکم

### 31- دفاع از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 61 - 7، 3، 1

1 - نوح با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود ، خویشان را از هر گونه گمراهی مبرا دانست .

قال یقوم لیس بی ضلله

مخاطب قرار دادن مردم با «یا قوم» (ای مردم من) دلالت بر اظهار مهربانی نوح نسبت به قوم خود دارد . نکره بودن کلمه «ضلله» پس از نفی دلالت بر عموم دارد . بنابراین «لیس بی ضلله» یعنی حتی اندکی گمراهی در من نیست .

3 - نوح (ع) با اعلان دریافت سخنان خویش از خداوند ، خود را پیراسته از هر گونه گمراهی خواند .

لیس بی ضلله و لکنی رسول من رب العلمین

7 - مبلغان دین باید در برابر اتهام های ناروا از خویشان دفاع کنند .

إننا لنرىك في ضلل مبين . قال يقوم ليس بي ضلله و لكنى رسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 67 - 6، 3، 1

1 - هود با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود ، خویشان را از هر گونه سفاهت و دروغگویی مبرا دانست .

قال يقوم ليس بي سفاهه و لكنى رسول من رب العلمين

ص: 171

3- هود با استناد به رسالت الهی خود ، خویشان را از هر گونه سفاهت و کم خردی مبرا دانست .

قال يقوم ليس بي سفاهه و لكنى رسول من رب العلمين

6- مبلغان دین باید در برابر اتهام های ناروا از خویشان دفاع کنند .

قال يقوم ليس بي سفاهه و لكنى رسول من رب العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 26 - 1,4,6

1- دفاع یوسف (ع) از خویش ، در برابر اتهام زلیخا

قال هى رودتنى عن نفسى

4- افشای گناه دیگران در محدوده دفاع از خویش جایز است .

قال هى رودتنى عن نفسى

6- طمأنینه و آرامش یوسف (ع) به هنگام دفاع از خویش

قال هى رودتنى عن نفسى

یوسف(ع) در بیان رفع اتهام از خویش ، در سخن خود (هی رودتنی عن نفسی) نه از ادات تأکید استفاده کرد و نه جمله خویش را با قسم و مانند آن بیان داشت. این کار نشان دهنده آرامش و اطمینان یوسف(ع) در آن عرصه سخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 39 - 3

3- پیکار با دشمن مهاجم و ستم پیشه ، حق مشروع ستمدیدگان

أذن للذين يقتلون بأنهم ظلموا

**32- دفاع از خود در قیامت**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 111 - 1,3

1- قیامت ، روز دفاع سرسختانه هر انسانی از خویش ( عقاید ، رفتار و انگیزه ها )

یوم تأتي كل نفس تجدل عن نفسها

3- تلاش و توجه هر فردی در قیامت ، تنها معطوف به دفاع از شخص خویش است .

یوم تأتي كل نفس تجدل عن نفسها

### **33- رفع تهمت از خود**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 172



8 - یوسف - 12 - 26 - 3

3- لزوم دفاع از خویش در برابر اتهام های ناروا

قالت ما جزاء .. قال هی رودتی عن نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 5

5- لزوم تلاش برای رفع اتهام ناروا از خویش

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 10

10- برشمردن امتیازات و ویژگی ها ، به منظور رفع اتهام از خود یا دیگران ناپسند نیست .

قال إني عبد الله ... و يوم أُبعث حيًّا

### 34- زمینه ظلم به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 16

16 - تجاوز از حدود الهی و مرز های دینی ، ظلم به نفس است .

و من يتعدّ حدود الله فقد ظلم نفسه

### 35- زمینه نگرانی از فرجام خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 57 - 1

1 - اعتقاد راستین به ربوبیت یگانه خداوند ، مستلزم بیم داشتن از عذاب او و نگران بودن از فرجام کار خویش

إنّ الذين هم من خشية ربهم مشفقون

«خشیه» به معنای ترس، بیم و هراس است. عبارت «من خشیه ربهم»، به تقدیر «من خشیه عذاب ربهم» می باشد. «إشفاق» (مصدر «مشفقون») نیز به معنای نگرانی، پریشانی، تشویش خاطر، اضطراب و در بیم و امید بودن است.

ص: 173

## 36- زیان به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 21 - 4، 2، 1

1- دروغ بستن به خدا و بازداری مردم از راه او، موجب خسارت و تباه کردن سرمایه عمر است.

و من أظلم ممن افترى على الله كذبًا .. أولئك الذين خسروا أنفسهم

2- تلاش برای منحرف نشان دادن راه خدا و انکار سرای آخرت، موجب خسارت و تباهی سرمایه عمر است.

الذين ... يبغونها عوجًا و هم بالأخره هم كفرون ... أولئك الذين خسروا أنفسهم

4- باور به معبودهایی غیر از خدای یکتا، باوری واهی و مایه خسران و تباهی است.

أولئك الذين خسروا أنفسهم و ضلّ عنهم ما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 8 - 5

5- فایده شکر نعمت و ضرر و زیان کفران آن به خود انسان باز می گردد.

لئن شكرتم لأزيدنكم و .. إن تكفروا أتم و من فى الأرض جميعًا فإن الله لغنى حمى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 7

7- ضرر و زیان نقض سوگند و فریب دادن مردمان، دامنگیر خود نقض کنندگان سوگند و فریب دهندگان خواهد شد.

و لا تتخذوا أيمانكم دخلاً بينكم فتزّلّ قدم بعد ثبوتها و تذوقوا السوء

از اینکه خداوند، ضرر و زیان حنث سوگند و فریب را به خود کسانی که سوگند خود نقض می کنند داده و آنان را مخاطب قرار داده است (و تذوقوا السوء) مطلب فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 15 - 1

1- نفع هدایت و ضرر گمراهی هر کسی متوجه خود اوست .

من اهتدی فإنما يهتدى لنفسه و من ضلّ فإنما يضلّ عليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 35 - 5

5- آسیب و زیان ناسپاسی توانگران در برابر نعمت های الهی ، دامنگیر خود ایشان است .

فقال .. أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً... و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 11 - 15

15 - پیامد گناه هر کسی ، گریبان گیر خود او است .

ص: 174

لكلّ امرى منهم ما اكتسب من الإثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 54 - 4

4 - ضرر و زیان گناه و نافرمانی مردم از اطاعت خدا و رسول او ، به خود آنان بازمی گردد نه به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل أطيعوا الله و أطيعوا الرسول فإن تولّوا فإنّما علیه ما حمّل و علیکم ما حملتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 44 - 4, 1

1 - کفر ، امری خسارت بار است و بازتاب خسارت آن ، برای خود کافر است .

من کفر فعليه کفره

«علیه» جار و مجرور و متعلق به «کفره» است. مقدم شدن آن، برای بیان این نکته است که پیامدهای ناگوار کفر، به خود کافران اختصاص دارد.

4 - بازتاب خسارت کفر ، از آن کافر ، و پیامد فواید ایمان و عمل صالح ، فراگیر است . \*

من کفر فعليه کفره و من عمل صلحًا فلا لنفسهم یمهدون

احتمال دارد این که در جواب شرط جمله نخست، ضمیر مفرد آورده شده و در جواب شرط جمله دوم، به رغم مفرد بودن اسم شرط، ضمیر جمع آورده شده است، اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 14

14 - خسارت کفران نعمت الهی ، به خود کفران کننده بازمی گردد .

و من کفر فإنّ الله غنیّ

به قرینه مقابله، «و من یشکر...» جواب شرط «من کفر» حذف شده است و «إنّ الله...» تعلیل برای جواب مقدر است؛ یعنی، هرکس کفران نعمت کند ضررش به خودش برمی گردد؛ چون خداوند نیازی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 50 - 3

3- گمراهی ، دارای ضرر و خسارت برای خود گمراه است .

قل إن ضللت فإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 39 - 5

5- پی آمد زیان بار کفر ، متوجه خود انسان ها است .

فمن كفر فعليه كفره

ص: 175

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 43 - 4,5,6

4 - خسارت و پی آمد سوء مکر ها و حيله ها ، تنها دامنگير صاحبان آن خواهد شد .

و لا يحيق المكر السيِّئ إلا بأهله

5 - خسارت و پی آمد سوء مکر و حيله مخالفان دين اسلام ، دامنگير خود آنان خواهد گشت .

فلما جاءهم نذير ما زادهم إلا نفورا. .. و مكر السيِّئ و لا يحيق المكر السيِّئ

6 - برگشت مکر مکاران مخالف با اديان الهی به خود آنان ، سنت الهی است .

فهل ينظرون إلا سنّت الأوّلين

جمله «فهل ينظرون..» هم می تواند ناظر به بازگشت مکر مکاران عليه خود آنان باشد و هم می تواند اشاره به كيفر الهی درباره مکاران گذشته داشته باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 41 - 11

11 - ضرر و زیان گمراهی ، تنها متوجه خود گمراهان است .

و من ضلّ فإتّما يضلّ عليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 53 - 6

6 - ضرر و زیان گناه و اسراف ، متوجه خود انسان است .

الذين أسرفوا على أنفسهم

برداشت یاد شده از آمدن لفظ «على» به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 63 - 5

5 - کفر و انکار آیات الهی، بی تردید به زیان انسان ها است .

و الذین کفروا بآیت الله أولئک هم الخسرون

«خسارت» - ضد ریح (سود) - به معنای ضرر و زیان است و آمدن ضمیر فصل (هم)، دلالت بر حصر و تأکید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 28 - 16

16 - زیان دروغ، بیشتر از همه، به خود دروغ گویان می گردد .

وإن یک کذباً فعلیه کذبہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 37 - 14

ص: 176



14 - توطئه ها و نیرنگ های فرعون علیه موسی (ع) ، سرانجام به زیان و نابودی او انجامید .

و ما کید فرعون إلا فی تباب

«تباب» به معنای خسارت و هلاکت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 16

16 - ستمکاران ، عامل خسران و بدبختی خود و محرومیت از خانواده خویش

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «خسروا .. أهلیهم» به معنای از دست دادن خانواده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 38 - 7

7- بخل از انفاق در راه خدا ، مایه خسارت خود انسان

و من یبخل فإنّما یبخل عن نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 10 - 8

8 - نتایج ناگوار پیمان شکنی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبری الهی ، تنها متوجه خود انسان است .

فمن نکث فإنّما ینکث علی نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 24 - 8

8 - کسانی که از انفاق کردن روی بر می گردانند ، به خود ضرر وارد می کنند ; نه به خداوند .

و من یتولّ فإنّ الله هو الغنیّ الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ضرر و زیان عمل نکردن به احکام الهی و شکستن مرزهای دینی ، به خود متجاوزان بازمی گردد .

و من يتعدّ حدود الله فقد ظلم نفسه

### **37- سرزنش خود**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 64 - 2

ص: 177

2- قوم بت پرست ابراهیم پس از آگاه شدن از ناتوانی بت ها از سخن گفتن ، به یک دیگر مراجعه کرده و به سرزنش هم پرداختند .

فرجعوا إلى أنفسهم فقالوا إنكم أتم الظلمون

برداشت، براساس این احتمال است که مقصود از «أنفسهم» رجوع هر یک از بت پرستان به یک دیگر باشد که با مخاطب قرار دادن هم دیگر (فقالوا إنكم أتم..) به ملامت هم پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 32 - 10

10 - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إني أحببت حبّ الخير عن ذكر ربّي حتى توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید؛ قهراً سخن آن حضرت (فقال إني..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 30 - 1

1 - باغداران یمنی پس از مشاهده محرومیت خود و مستمندان از محصولات باغ، به سرزنش همدیگر پرداختند .

فأقبل بعضهم على بعض يتلومون

**38- سرزنش علیه خود**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 73 - 5

5- اولیای خداوند و افراد کامل ، خطای خود را در صورت فراموشی نیز مایه استحقاق مؤاخذه می دانند .

لا تأخذنی بما نسیت

در خواست موسی از خضر(ع) مبنی بر مؤاخذه نشدن، دال بر آن است که خطا، حتی در صورت نسیان نیز قابلیت مؤاخذه دارد.

**39- سرزنش مکر با خود**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 101 - 16

16 - خودفریبی و تجاهل در برخورد با حقایق ، امری نکوهیده و ناروا

نبد فریق من الذین أوتوا الكتب . . . كأنهم لا يعلمون

ص: 178

## 40- سوگند برای تبرئه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 73 - 1, 2

1- فرزندان یعقوب در حضور یوسف (ع) و کارگزارانش، بر منزه بودنشان از سرقت و نداشتن قصد فسادگری و خرابکاری در مصر، سوگند یاد کردند.

تالله لقد علمتم ما جننا لفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجام آن سوگند یاد می شود) در آیه شریفه «لقد علمتم» است؛ ولی در حقیقت «ما جننا...» مقسم علیه می باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

2- جواز سوگند به نام خدا برای تبرئه خویش از فسادگری و ارتکاب گناه

تالله لقد علمتم ما جننا لفسد فی الأرض

## 41- ظلم به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 1, 3

1 - قوم موسی با گوساله پرستی، بر خویشتن ستم کرده و مستحق کیفر شدند.

يقوم إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

3 - آدمی، با شرک ورزی و پرستش غیر خدا به خود ستم می کند.

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 57 - 12, 17, 19

12 - قوم موسی با بهره گیری حرام از «من» و «سلوی» مرتکب گناه شده، بر خود ستم کردند.\*

كلوا من طيبات ما رزقناکم و ما ظلمونا و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جمله «و لکن کانوا ..» دلالت بر آن دارد که قوم موسی مرتکب حرام خواری شدند. به نظر می رسد از مصداقهای حرام خواری آنان - به قرینه وقوع جمله مذکور پس از بیان نزول منّ و سلوی - بهره گیری حرام از منّ و سلوی، همانند تجاوز به سهم دیگران باشد.

17 - ناسپاسی قوم موسی و تمردشان از فرمان های خدا ، ستمی بود که آنان بر خودشان روا داشتند .

و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

19 - تخلف از فرمان های خدا و ناسپاسی در برابر نعمت های او ، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشتن

ص: 179

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 92 - 10

10 - ارتداد قوم موسی و گرایش آنان به گوساله پرستی ، از جمله ستم های آنان

ثم أتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 2,3

2 - خطا و لغزش آدم و حوا ستمی بود که آنان بر خویشان روا داشتند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

3 - گناه و عصیان، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشان.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 30,31

30 - ناسپاسی قوم موسی و تمرد ایشان از فرمان های خدا ، ستمی بود که آنان بر خود روا داشتند .

و قَطَّعْنَهُمْ .. و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

31 - تخلف از فرمان خدا و ناسپاسی در برابر نعمت های او ، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشان

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 177 - 2,5

2 - کفرپیشگان با تکذیب آیات الهی همواره بر خویش ستم می کنند .

و أنفسهم کانوا یظلمون

5 - کسانی که با تکذیب آیات الهی بر خود ستم می کنند ، حالتی شوم و ناهنجار دارند .

ساء مثلا القوم الذين .. أنفسهم كانوا يظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «أنفسهم كانوا يظلمون» عطف بر «كذبوا بآيتنا» باشد ؛ یعنی: «ساء مثلا القوم الذين أنفسهم كانوا يظلمون». قابل ذکر است که در برداشتهای گذش --ته جم---له «أنفسهم كانوا يظلمون» عطف بر جمله «ساء مثلا ...» گرفته شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 9

9 - شکستن حرمت ماه های حرام (پرداختن به جنگ در آن) ، ظلم به خویش و جامعه بشری است .

فلا تظلموا فيهن أنفسكم

ص: 180



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 70 - 18

18 - کفرورزی و انکار دلایل روشن انبیا ، ظلم انسان به خویش و پیامد آن دامنگیر خود اوست .

أتتهم رسلهم بالبينت فما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 23 - 13

13 - از زید بن اسلم نقل شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: « لا يؤخر الله عقوبه البغی فان الله قال : « إنما بغیکم علی أنفسکم » ؛

خداوند، کیفر ستم را به تأخیر نمی اندازد؛ زیرا خدا فرمود: همانا ستم شما بر خود شماست».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 101 - 3,4,5

3- شرکورزی ، انکار پیامبران و ارتکاب گناه ، ستمهایی است که مشرکان ، کافران و گنه کاران در حق خود روا می دارند .

و لكن ظلموا أنفسهم

مقصود از ظلم به نفس - که جمله «ظلموا أنفسهم» گویای آن است - هم گناهان و هم آثار و تبعات آن می باشد. برداشت فوق ناظر به لحاظ نخست است.

4- گرفتاری کافران ، مشرکان و گنه کاران به عذاب های الهی ، ستم و کیفری است که آنان خود برای خویشتن فراهم می کنند .

و لكن ظلموا أنفسهم

چنان چه گذشت، مقصود از «ظلم به نفس» گناهان و نیز آثار و تبعات گناهان می باشد؛ برداشت فوق ناظر به دومین لحاظ است. بنابراین «ظلموا أنفسهم...»؛ یعنی، نزول عذاب بر کافران - که از آثار و تبعات گناهانشان است - ستمی بود که آنان بر خود داشتند.

5- اقوام هلاک شده گذشته : قوم نوح ، عادیان ، ثمودیان ، قوم شعیب و لوط و فرعونیان ، با شرکورزی و انکار رسالت پیامبران ، بر خویش ستم کردند .

و ما ظلمنهم و لكن ظلموا أنفسهم

مراد از ضمیر «هم» و مانند آن در آیه مورد بحث ، اقوامی است که سرگذشت آنان در سوره هود بیان شده است؛ یعنی: قوم نوح ، عادو .  
...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 34 - 18، 17، 14

14- انسان به خویشتن ستمکار و در برابر نعمت و احسان ، بسیار ناسپاس است .

وإن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسان لظّالوم كفّار

مقصود از «ظلوم» بودن انسان، به قرینه بیان نعمتها و داده های الهی به وی، ظلم به خویشتن است.

17- کفران و ناسپاسی نعمت های الهی ، ظلم به خویشتن است .

ص: 181

وإن تعدوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسان لظلوم كفّار

18- سرشت انسان با نوعی از ظلم به خویشتن و ناسپاسی عجین است .

إنّ الإنسان لظلوم كفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 28 - 1,2,3,4,12

1- کافران ، کسانی اند که با کفر خود ، به خویش ستم می کنند .

الكفرین . الذین تتوفّ -هم المملئکه ظالمی أنفسهم

«الذین» صفت «الكفرین» و «ظالمی» حال برای آن است. مراد از «ظالمی أنفسهم» به قرینه لفظ «الكفرین» ظلم کنندگان به خود با انتخاب کفر است.

2- کافرانی که با حالت ظلم به نفس ( کفر ) از دنیا بروند ، در قیامت گرفتار خواری و ذلت خواهند شد .

إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین . الذین تتوفّ -هم المملئکه ظالمی أنفسهم

3- کفر ، ظلم به نفس است .

الكفرین . الذین ... ظالمی أنفسهم

4- شرک ، ظلم به نفس است .

و یقول این شرکاءى . . . الکفرین . الذین تتوفّ -هم المملئکه ظالمی أنفسهم

12- کسانی که با ارتکاب اعمال زشت در دنیا به خود ستم کرده اند ، در قیامت منکر آن اعمال می شوند .

الذین تتوفّ -هم المملئکه ظالمی أنفسهم . . . ما کتّا نعمل من سوء

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مراد از «ظالمی أنفسهم» - به قرینه «ما کتّا نعمل من سوء» (ما مرتکب عمل زشت نمی شدیم) - اعمال ناپسند و زشتی باشد که مرتکبان آنها، آن را از خود نفی می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 29 - 12

12- کافران ظالم به نفس خویش ، متکبرند .

الكفرین . الذین تتوفّ-هم الملئکه ظالمی أنفسهم ... فلبس مشوی المتکبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 32 - 4

4- تقوایشگان ، به هنگام قبض روح از هرگونه ظلم به نفس به دورند .

المتّین . .. الذین تتوفّ-هم الملئکه طیبین

به قرینه مقابله با آیه «الكافرین . الذین تتوفّیهم الملائکه ظالمی أنفسهم» احتمال دارد مراد از طیب (پاک) به دور بودن از ظلم به نفس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 33 - 8,9,10

ص: 182

8- کافران ، با انکار حقانیت کتاب های آسمانی ، به خود ستم کردند .

و ما ظلمهم الله و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

9- کفر به وحی و کتاب های آسمانی ، ظلم به خویش است .

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي أمر ربك كذلك فعل الذين من قبلهم و ما

10- ظلمی که به کافران از ناحیه ایستادگی در برابر کتاب های آسمانی شده است ، از ناحیه خداوند نبوده و از سوی خود آنان بوده است .

و ما ظلمهم الله و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 34 - 12

12- ارتکاب اعمال زشت و به استهزا گرفتن وعده عذاب الهی ، ظلم به نفس است .

و ما ظلمهم الله و لكن كانوا أنفسهم يظلمون . فأصابهم سيئات ما عملوا و حاق بهم ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 119 - 3

3- هر نوع عمل زشت و ناشایست ، ظلم به خویش است .

و لكن كانوا أنفسهم يظلمون . .. للذين عملوا السوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 35 - 2,3

2- خودبرتر بینی و تحقیر دیگران ، ظلم بر خویش است .

أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً .. و دخل جنته و هو ظالم لنفسه

3- فریفتگی به جلوه های مادی دنیا ، ستم انسان بر خویش است .

أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً .. و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- از یاد بردن اعمال و دستاورد های ناروا و به فراموشی سپردن گناهان گذشته خود ، بزرگ ترین ستم انسان بر خویش است .

و یجدل . . . و من أظلم . . . ونسی ما قدّمت یداه

«نسی ما قدّمت یداه» یعنی: «فراموش کرد کردار پیشین خود را.». مقصود از «ما» - به قرینه آیه قبل - جدال به باطل در برابر حق و استهزای آیات الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 87 - 18

18- در دیدگاه یونس (ع) ، خروج از میان قوم خود بدون اذن الهی ، ظلمی به خویش بود .

ص: 183

إذ ذهب مغضبًا .. إني كنت من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 88 - 3

3- نقش تهلیل و تسبیح خدا و اقرار به ظلم به خویشان ، در استجابت دعا و رهایی از غم ها

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت سبحنک إني كنت من الظلمين . فاستجبنا له و ن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 17

17 - « عن 75 أبي الصباح الكناني قال : سألت أبا عبد الله ( ع ) عن قول الله عز وجل : و من یرد فیہ بالحد بظلم نذقه من عذاب أليم » فقال : کلّ ظلم یظلمه الرجل نفسه بمکّه من سرقة أو ظلم أحد أو شیء من الظلم فإني أراه الحداً ؛

ابی الصباح کنانی گفت: از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجل «و من یرد فیہ بالحد بظلم نذقه من عذاب أليم» سؤال کردم فرمود: هر ظلمی که شخص در مکّه بر خویش کند؛ خواه دزدی باشد، یا ستم به دیگری و یا هرگونه ستمی، من آن را الحد و انحراف می بینم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 11

11 - شرک و پیمودن راه باطل ، ستم بر خویش است .

وجدتها و قومها یسجدون للشمس .. قالت ربّ إني ظلمت نفسي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 16 - 3، 1

1 - قتل مرد قبطی ، ظلم موسی ( ع ) به خود و باعث به خطر افتادن جان او از سوی فرعونیان

فوکزه موسی ففضی علیه .. قال ربّ إني ظلمت نفسي

موسی(ع) در پیشگاه پروردگار اعتراف کرد که مرتکب خطای بزرگی شده و با کشتن مرد قبطی، در معرض خطری جدی قرار گرفته است.

3- ارتکاب هر عمل خطا و ناپسند ، ظلم به خویشان است .

قال ربّ إني ظلمت نفسي فاغفر لي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - عنكبوت - 29 - 40 - 14, 16, 19

14 - هلاکت قوم عاد و ثمود و قارون و هامان و فرعون با عذاب های الهی ، نتیجه ظلمی بود که خود ، در حق خود ، روا داشتند .

فكلاً أخذنا بذنبه .. و ما كان الله ليظلمهم ولكن كانوا أنفسهم يظلمون

16 - آلوده شدن به گناه ، ستم به خویش است .

فكلاً أخذنا بذنبه .. ولكن كانوا أنفسهم يظلمون

ص: 184



19 - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، با آلودگی مداوم به گناه ، همواره به خود ، ستم روا داشتند .

فَكَلاَّ أَخَذنا بَذنَبِهِ .. وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 9 - 22,28

22 - انجام دادن عملی که منجر به گرفتار شدن در عذاب الهی شود ، ستم بر خویش است .

و جاءتهم رسلهم بالبينت فما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

28 - انکار و تکذیب پیامبران و دلایل شان ، ستم به خویشتن است .

و جاءتهم رسلهم بالبينت .. كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 19 - 3,4

3 - سبایان ، نعمت امنیت راه ها و نزدیکی منزل گاه های سفر را کفران نموده و به خویش ستم روا داشتند .

فَقَالُوا رَبَّنَا بَعْدَ بَيْنِ أَسْفَارِنَا وَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ

4 - برنتابیدن و فور نعمت و امنیت و آسایش ، ستم بر خویش است .

و جعلنا بينهم و بين القرى التى برکنا فيها قرى ظاهرة .. سیروا فيها ... ءامنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 32 - 10

10 - تمسک به قرآن و پیروی از رهنمود های آن ، به خیر و صلاح جامعه و ترک آن ظلم به خویشتن است .

ثم أورثنا الکتب .. فمنهم ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 37 - 16

16 - بهره بردن از عمر و فرصت های مناسب ، در جهت دین داری و در سایه تعالیم آسمانی ، ظلم به خویشتن است .

و الذین کفروا .. أولم نعمرکم ما یتذکر فیہ من تذکر و جاءکم النذیر فذوقوا فم

برداشت یاد شده به این خاطر است که خداوند کسانی را که به قرآن و کتاب های آسمانی ایمان نیاورده اند و از انذار پیامبران پند نگرفته و به دعوت آنان پاسخ مثبت نداده اند، با عنوان ظالم یاد کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 113 - 2،5

2- از نسل ابراهیم و اسحاق (علیہما السلام) ، برخی نیکوکار و برخی ظالم به خویشان گشتند .

و من ذریتہما محسن و ظالم لنفسه

5- کفر و شرک ، ظلم به خویشان است .

و من ذریتہما محسن و ظالم لنفسه

ص: 185

تعبیر «ظالم به نفس» درباره کافران و مشرکان، رساننده مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 9

9- ناتوانی انسان ها در دنیا، از دفع عذاب الهی و پیامد های هلاکت بار ستم خویش

و الذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیئات ما کسبوا و ما هم بمعجزین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 53 - 5

5- گناه، جنایتی علیه خود و تعدی به جان خویشان است .

قل یعبادی الذین أسرفوا علی أنفسهم

برداشت بالا از تعبیر «أنفسهم» به همراه «علی» به دست می آید. از این رو بسیاری از مفسران عبارت «أسرفوا علی أنفسهم» را به «جنوا علیها» معنا کردند (روح المعانی آلوسی و الکشاف زمخشری).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 9 - 3

3- اعتقاد انسان به ولایت غیر خدا، ظلم و ستم بر خویشان

و الظلمون ما لهم من ولی و لانصیر . أم اتّخذوا من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 39 - 3

3- خدافراموشی و روی گرداندن از یاد او، ظلم و ستم آدمی بر خویشان است .

و من یعش عن ذکر الرحمن .. إذ ظلمتم

از ارتباط آیه شریفه با جمله «و من یعش عن ذکر الرحمن ..» استفاده می شود که اعراض از یاد خدا، ظلم بر خویشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - نافرمانی در برابر دعوت پیامبران و روی آوردن به شرک ، ظلم آدمی به خویشان

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا... فاعبدوه... فويل للذين ظلموا من عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - عذاب دوزخ ، ستمی از سوی کافران به خویش و نه از جانب خداوند

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 18

18 - رعایت نکردن احکام و حدود الهی درباره طلاق از سوی همسران ، ظلم به نفس و زیان رساندن به خویشان است .

فَطَلَّقُوهُنَّ لَعَدَّتِهِنَّ . . . و من يتعدّ حدود الله فقد ظلم نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 29 - 4,5

4 - اعتراف باغداران یمنی ، به ستمکار بودن خویش بر اثر بخل ورزی و محروم ساختن بینوایان

إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

5 - پرداختن سهم بینوایان از اموال خود ، ظلم به خویشان است .

إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

#### 42- عمل به سخن خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 132 - 7

7 - لزوم پایداری و تلاش افزون تر مبلغان ، در عمل به توصیه های خود

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا

وظیفه صبر شدید بر نماز، پس از توصیه خانواده به آن، گویای نکته یاد شده است.

#### 43- عوامل از خود بیگانگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 64 - 8

8- شرک و بت پرستی ، مصداقی آشکار از خود بیگانگی انسان است .

ءَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَتَا . . . فَرَجِعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ

از این که بت پرستان پس از به خود آمدن و متنبه شدن به بطلان شرک پی برده بودند، می توان استفاده کرد که بت پرستان انسان های از خود بیگانه هستند.

#### **44- عوامل تباهی خود**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 187

10 - کافران به قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) خسارت دیدگان واقعی و تباه کنندگان خویش هستند .

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون

12 - ترک دستورات قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موجب تباهی و خسران است .

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون

چنانچه مراد از تلاوت در جمله «یتلونه» پیروی کردن باشد، می توان گفت: مراد از کفر در «و من یکفر»، به قرینه مقابله، ترک دستورات قرآن - که از آن به «کفر عملی» تعبیر می کنیم - باشد.

#### 45- عوامل خود فراموشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 19 - 5،6

5 - خودفراموشی ، کیفر الهی برای خدا فراموشان

و لا تکنوا کالذین نسوا الله فأنسیهم أنفسهم

6 - خدا فراموشی انسان ، عامل غفلت او از سعادت و حقایق وجودی خویش

و لا تکنوا کالذین نسوا الله فأنسیهم أنفسهم

#### 46- عوامل ظلم به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 20 - 9

9 - ابلیس ، عامل کفران مردم سبأ و برانگیزنده آنان به ظلم به نفس

و لقد صدق علیهم إبلیس ظنّه فاتبعوه إلا فریقاً من المؤمنین

در عبارت «صدّق علیهم.. ظنّه» ایجاز به حذف وجود دارد؛ برای این که صدق ظن، فرع بر دعوت و جواب مثبت دادن مردم است. بنابراین، معلوم می شود که ابلیس از آنان خواسته و آنان نیز او را اجابت نموده و نعمت های خدا را کفران کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- گام نهادن آدمی در وادی کفر، شرک و گناه، در حقیقت ظلم آدمی به خویشتن است.

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ... و ما ظلمنهم و لكن كانوا هم الظالمين

به کار رفتن واژه «ظالم» به جای «مجرم»، حاکی از آن است که جرم و گناه بیان شده در آیات پیشین، همان ظلم و ستم آدمی به خویش است.

ص: 188



#### 47- گواهی علیه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 9

9- اصحاب اخدود در قیامت ، بر کردار خویش شهادت خواهند داد .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

آیات «و الیوم الموعود» و «و شاهد و مشهود» در آغاز سوره، می تواند قرینه بر نکته یاد شده باشد.

#### 48- محافظت از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 59 - 14، 8

8 - فلسفه فرمان به زنان مؤمن برای حفظ حجاب خود ، مصون ماندن شان از آزار و اذیت است .

قل . . . و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین

14 - همان گونه که کسی حق آزار مؤمنان را ندارد ، بر مؤمنان نیز لازم است خود را از عوامل و مقتضیات اذیت ، دور نگه دارند .

و الذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات . . . فقد احتملوا . . . إثمًا . . . قل . . . و نساء ال

#### 49- مکر با خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 9 - 5، 6

5 - خدعه و نیرنگ با خدا و مؤمنان ، خودفریبی و نیرنگ زدن به خویشان است .

و ما یخدعون إلا أنفسهم

6 - منافقان ، به خودفریبی خویش و نیرنگبازی با خود ، ناآگاه هستند .

و ما یخدعون إلا أنفسهم و ما یشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12- مشرکان در پرستش خدایان دروغین ، خویشان را فریب داده بودند .

بل زین للذین کفروا مکرم

در اینکه فاعل محذوف از «زین» چیست؟ چند احتمال وجود دارد 1- شیطان 2- سران کفر و شرک 3 خود کافران. برداشت فوق بر اساس سومین احتمال است. بر این مینا معنای جمله چنین می شود: «زین الکافرون لأنفسهم مکرم» و مفاد آن این است که

ص: 189

کفرپیشگان با دلیلهایی واهی شرک را توجیه کردند و کم کم آنها را زیبا دیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 43 - 6

6 - برگشت مکر مکاران مخالف با ادیان الهی به خود آنان ، سنت الهی است .

فهل ينظرون إلاَّ سنَّت الأولین

جمله «فهل ينظرون...» هم می تواند ناظر به بازگشت مکر مکاران علیه خود آنان باشد و هم می تواند اشاره به کیفر الهی درباره مکاران گذشته داشته باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 42 - 4

4 - مکر و توطئه کافران علیه دین و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، شکست پذیر و گریبانگیر خود آنان

فالذین کفروا هم المکیدون

### 50- مکر به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 26 - 4،9

4- خداوند ، تمامی مکر ها و توطئه های توطئه گران علیه دین را به خود آنان باز گرداند .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوقهم

احتمال دارد فراز «فأتی الله بنینهم من القواعد...» بیان تمثیلی باشد نه حقیقی. بنابراین مراد آیه چنین می شود: آنان تلاشهای زیاد و بنیان های فکری قوی علیه دین تدارک دیده بودند، ولی خداوند آن بنیان ها را علیه خود آنان به کار گرفت.

9- توطئه گران علیه دین ، هیچ گاه گمان نمی کردند که مکرشان علیه دین ، دامنگیر خود آنان خواهد شد .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد... و أتهم العذاب من حیث لا

### 51- منفعت به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- بازتاب و منافع هدایت پذیری انسان ، تنها متوجه خود او است .

فمن اهتدی فإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 190

9- فایده هدایت شدن ، به خود هدایت شده بازمی گردد .

إِن ضَلَلتْ فَإِنَّمَا أَضَلَّ عَلَى نَفْسِي وَإِن اهْتَدَيْتْ فَبِمَا يُوحَى إِلَيَّ رَبِّي

به قرینه مقابله، (إِن ضَلَلتْ فَإِنَّمَا أَضَلَّ ..) از ذکر «فلها» در «إِن اهْتَدَيْتْ» چشم پوشی شده و به منشأ هدایت پرداخته شده است. این مسأله دلالت می کند که هدایت فایده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 41 - 9

9 - منفعت و بهره هدایت ، تنها متوجه خود هدایت یافتگان است .

فَمَن اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ

### 52- موارد ظلم به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 45 - 8

8- کفر و تکذیب رسولان الهی ، ظلم به نفس می باشد و پیامد آن متوجه خود انسان است .

نَجِب دَعْوَتِكَ وَتَتَّبِع الرِّسَالِ . . . وَسَكَنْتُمْ فِي مَسْكَانِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ

### 53- نشانه های ظلم به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 34 - 5

5- گرفتار شدن به کیفر عمل خویش ، نمود و مظهر ظلم به نفس است .

و لَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ . فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 78 - 5

5- حق گریزی، ظلم و ستم آدمی به خویشتن است.

ولكن كانوا هم الظلمين... ولكن أكثركم للحق كرهون

از ارتباط آیات می توان استفاده کرد که ظلم و ستم مجرمان، چیزی جز حق گریزی آنان نیست.

ص: 191

## 54- نگرانی از فرجام خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 82 - 4

4- لزوم نگرانی همواره انسان از کردار و فرجام کار خویش و مطمئن نبودن به آمرزش الهی

والذی اطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

وقتی حضرت ابراهیم(ع) خود را صرفاً امیدوار به مغفرت الهی معرفی کند، جای اطمینانی برای دیگران نخواهد بود.

خود دوستی

## 55- اهمیت خود دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 54 - 4

4- حب نفس، قوی ترین غریزه در انسان است.

و لو أن لكل نفس ظلمت ما فی الأرض لافتدت به

اینکه شخص معذب، حاضر است تمامی آنچه را که در زمین است - اگر در اختیارش می بود - جهت نجات خود، نثار کند، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

خودآرایی

## 56- اجتناب از خودآرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 33 - 4، 3

3- فرمان خداوند به همسران پیامبر، برای پرهیز از خودنمایی و خودآرایی های دوران جاهلیت

و لا تبرجن تبرج الجهلیة الأولى

«تبرج» از مصدر «برج» به معنای «فراخی و زیبایی چشم» و یا از «برج» به معنای «قصر» است. کاربرد آن درباره خودنمایی، از باب تشبیه بوده و به معنای نشان دادن زیبایی ها و محاسن است (مفردات راغب). گفتنی است که در کلام، دو مضاف، مقدر است و آن، «نساء

ایّام» است. در واقع عبارت چنین است: «لاتبرجن تبرج نساء ایّام الجاهلیه...».

4 - شایسته است که زنان ، خود را از معرض نگاه نامحرمان ، دور نگاه داشته و از خودآرایی ، به منظور در معرض نمایش گذاشتن زیبایی هایشان ، خودداری کنند .

و قرن فی بیوتکنّ و لاتبرجن تبرج الجهلیّه الأولى

ص: 192



## 57- خودآرایی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 33 - 5

5- زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ، خودآرایی نموده و در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

ولا تبرجن تبرج الجهنیه الأولى

## 58- خودسازی

{ خودسازی }

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 147 - 8

8 - توجه به خودسازی ( جهاد اکبر ) ، به همراه پیکار با دشمن ( جهاد اصغر ) ، ویژگی پرورش یافتگان مکتب انبیا

و ما کان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 164 - 7، 11

7 - تلاوت آیات الهی ، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب و حکمت ، سرلوحه برنامه ها و مسؤولیت های پیامبر (صلی الله علیه و آله)

اذا بعث فیهم رسولا . . . یتلوا علیهم آیته و یزکیهم و یعلمهم الکتب و الحکمه

11 - پاکسازی جان ها و آموزش تعالیم دین ، دو مرحله از هدایت انسانها

یزکیهم و یعلمهم الکتب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

هدایت انسانها، که مفهوم جمله «و ان کانوا . . .» دلالت بر آن دارد، بیانگر هدف کلی بعثت است. بنابراین تلاوت و تزکیه و تعلیم می تواند مراحل برای تحقق این هدف، یعنی هدایت انسانها باشد.

## 59- اهمیت خودسازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 147 - 12

12 - خودسازی و پاک شدن از گناهان و پیروزی بر دشمنان دین ، از اهداف انبیا و همگامان با ایشان

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا .. وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 77 - 11

11 - لزوم خودسازی ، پیش از نبرد با کفار

ص: 193

واقیموا الصلوٰه و اتوا الزکوه فلما کتب علیهم القتال

## 60- خودسازی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 77 - 11

11 - لزوم خودسازی، پیش از نبرد با کفار

واقیموا الصلوٰه و اتوا الزکوه فلما کتب علیهم القتال

## 61- خودسازی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 147 - 8

8 - توجه به خودسازی (جهاد اکبر)، به همراه پیکار با دشمن (جهاد اصغر)، ویژگی پرورش یافتگان مکتب انبیا

و ما کان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت . . .

## 62- زمینه خودسازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 77 - 16، 21

16 - پایبندی به عهد الهی و پیمان های خود، زمینه بهره مندی از تزکیه خداوند

ان الذین یشترون بعهد الله و ایمانهم . . . و لا یزکیهم

از مفهوم آیه استفاده شده است.

21 - تجلی محبت الهی نسبت به بندگان، با تکلم و نظر به آنها در قیامت و تزکیه آنها در دنیا

بلی من اوفی بعهدہ و اتقی فانّ الله یحبّ المتقین. انّ الذین یشترون . . . و لا یزکی

از ارتباط آیه قبل با مفهوم این آیه برداشت فوق استفاده شده است و چون جمله «لا- یزکیهم» را مقید به «یوم القیمه» نکرده بر خلاف

فرازهای قبلی، می توان گفت تزکیه مربوط به دنیا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 154 - 39

39 - پالایشِ درونی اهل ایمان و سازندگی آنان ، هدف خداوند از ابتلای آنان به مشکلات و سختیها

و لیمحص ما فی قلوبکم

ص: 194

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 164 - 8

8 - تلاوت آیات قرآن (ارائه نشانه های خدا و حقایق اسلام) زمینه ساز تربیت و تزکیه انسانها

یتلوا علیهم آیته و یزکیهم

تقدم ذکر تلاوت قرآن بر تزکیه، دلالت بر تقدم رتبه ای آن دارد.

### 63- عوامل خودسازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 43 - 7

7 - رابطه اطاعت خاضعانه با پیراسته گشتن نفس از ناخالصی ها \*

اصطفیک .. یا مریم ائنتی

خداوند سه نعمت را به مریم ارزانی داشت: گزینش (اصطفیک)، تطهیر (طهرک) و سرآمد بودن (اصطفیک علی نساء العالمین). و در برابر این سه نعمت، سه مسؤلیت از وی خواست: قنوت، سجود، رکوع. به نظر می رسد هر یک از آن سه نعمت به ترتیب، مقتضی هر یک از این سه مسؤلیت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 79 - 13

13 - تعلیم و تعلم کتب آسمانی، زمینه ربّانی شدن انسان

کونوا ربّاتین بما کنتم تعلمون الكتاب و بما کنتم تدرسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 146 - 14

14 - نقش سازنده یادآوری حماسه شجاعت و پایداری مجاهدان راه خدا و یاوران پیامبران در پیکار و مبارزه

و کاین من نبی قاتل .. و الله یحب الصّابرين

آیه شریفه با یادآوری حماسه «رَبِّيون»، در صدد سازندگی مسلمانان است تا دیگر بار همانند نبرد احد، سستی و زبونی به خود راه ندهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 147 - 6,7,9

6 - نقش سازنده دعا در میدان جنگ و تشویق الهی به آن

و ما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا .. و انصرنا على القوم الكافر

7 - نقش بنیادین و سازنده دعا در صلابت ، قوت و تسلیم ناپذیری پیکارگران

ص: 195

فما وهنوا... و ما ضعفوا و ما استكانوا... و ما كان قولهم الا ان قالوا ربنا ا

یادآوری دعای مجاهدان ربّانی پس از بیان استقامت آنان، می تواند اشاره ای باشد به اینکه دعا از موجبات استقامت و حماسه آفرینی است.

9- هنگامه های دشوار، عرصه پالایش روحی دست پروردگان الهی

فما وهنوا... و ما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا

جمله «و ما كان قولهم...»، می رساند که مجاهدان راه خدا به هنگام درگیری با دشمن، تنها به یاد خدا هستند و چیز دیگری فکر و قلب آنان را به خود مشغول نمی سازد و این حالت خلوص و روح پالایش یافته آنان، نتیجه گام نهادن در عرصه های دشوار نبرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 49 - 2

2 - تزکیه و پیراسته نمودن جان ها از آلودگی، از شؤون خداوند است.

بل الله یزگی من یشاء

بنابر اینکه «یزگی» از «تزکیه» به معنای برطرف کردن و زایل نمودن ناپاکیها باشد، نه از «تزکیه» به معنای توصیف به پاکی و طهارت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 77 - 8

8 - نقش اقامه نماز و پرداخت زکات، در خودسازی و آمادگی برای جهاد و فداکاری

الم تر الی الذین قیل لهم کفوا یدیکم و اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه فلما کتب ع

فرمان خداوند به برپایی نماز و ادای زکات، پس از نهی از مبارزه مسلحانه، دلالت بر این دارد که تا اقامه نماز و ادای زکات جایگاه خویش را در جامعه نیابد، شرایط برای مبارزه و جهاد آماده نمی شود.

## 64- موانع خودسازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 77 - 15، 14، 14

14 - سوداگران عهد الهی و پیمان شکنان، محروم از پاک شدن و رشد یافتن به دست خداوند.

انّ الذّين يشترّون بعهد الله . . . ولا يزكّيهم

تزكّيه از ماده «زكّو» و يا «زكّى»، به معنای پاک شدن و نيز به معنای رشد يافتن مى باشد.

15 - علمای اهل کتاب به لحاظ سوداگری بر سر عهد الهی و پیمان شکنی ، مورد غضب خداوند ، و محروم از سخن و نظر او در قیامت و بی بهره از تزکّیه او

و منهم من ان تأمنه بدینار . . . انّ الذّين يشترّون . . . ولا يكلمهم الله ولا ينظر

22 - دنیاپرستی ، موجب محرومیت از مواهب اخروی و سخن و نظر خدا در قیامت و مانع رشد یافتن و پاک گشتن

ص: 196



انّ الذين يشترون .. ثمناً قليلاً ... ولا يذكهم

خودستایی

### 65- آثار خودستایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 34 - 7

7- اعتقاد به پاکی و بی گناهی خویش ، از زمینه های ترک انفاق

فلاترکوا أنفسکم .. أفرءیت الذی ... وأعطی قليلاً و أكدی

عبارت «أفرأیت ..» پس از «فلاترکوا...»، می تواند ناظر به آن باشد که ترک کنندگان انفاق، به واسطه عجب و غرور، گرفتار بخل و امساک شدند.

### 66- اجتناب از خودستایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 32 - 18

18 - لزوم اجتناب از دعوی بی گناهی و پاکی ، در برابر خداوند آگاه به آشکار و نهان انسان ها

هو أعلم بکم .. فلاترکوا أنفسکم

### 67- احکام خودستایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 68 - 12

12 - بیان صفات نیک خویش در راستای انجام وظایف الهی ، امری روا و پسندیده

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح أمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 55 - 17، 9

9- بیان ویژگی های مثبت خویش برای تصدّی امری که وظیفه دینی و انسانی است ، جایز و شایسته است .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

17- « قال سفیان : قلت لأبی عبدالله ( ع ) یجوز أن یرکب الرجل نفسه ؟ قال : نعم إذا اضطرّ إلیه ، أما سمعت قول یوسف : « . . . إنی حفیظ علیم » . . . » ;

ص: 197

سفیان گوید: به امام صادق(ع) گفتم: آیا جایز است انسان از خود ستایش کند؟ فرمود: آری اگر ناچار شود. آیا نشنیده ای سخن یوسف را که گفت: «...إنی حفیظ علیم»...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 43 - 18

18- بیان فضایل و کمالات خود، به منظور راهنمایی و هدایت دیگران جایز و نیکو است.

إتی قد جاءنی من العلم ما لم یأتک فاتبعنی أهدک صراطاً سوياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 27 - 18

18 - جواز ستایش از خود در موارد لزوم

ستجدنی إن شاء الله من الصلحین

### 68- خودستایی جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 68 - 12

12 - بیان صفات نیک خویش در راستای انجام وظایف الهی، امری روا و پسندیده

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح أمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 55 - 17، 9

9- بیان ویژگی های مثبت خویش برای تصدی امری که وظیفه دینی و انسانی است، جایز و شایسته است.

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

17- «قال سفیان: قلت لأبی عبدالله (ع) یجوز أن یرکب الرجل نفسه؟ قال: نعم إذا اضطرَّ إلیه، أما سمعت قول یوسف: «...إنی حفیظ علیم»...»؛

سفیان گوید: به امام صادق(ع) گفتم: آیا جایز است انسان از خود ستایش کند؟ فرمود: آری اگر ناچار شود. آیا نشنیده ای سخن یوسف را که گفت: «...إنی حفیظ علیم»...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 10

10- برشمردن امتیازات و ویژگی ها ، به منظور رفع اتهام از خود یا دیگران ناپسند نیست .

قال إتی عبد الله . . . و یوم أبعث حیاً

ص: 198

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 43 - 18

18- بیان فضایل و کمالات خود ، به منظور راهنمایی و هدایت دیگران جایز و نیکو است .

إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 27 - 18

18 - جواز ستایش از خود در موارد لزوم

ستجدني إن شاء الله من الصالحين

### 69- خودستایی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 55 - 17

17- « قال سفیان : قلت لأبي عبدالله (ع) يجوز أن يزكى الرجل نفسه ؟ قال : نعم إذا اضطر إليه ، أما سمعت قول يوسف : « . . . إني حفيظ عليم » . . . »

سفیان گوید: به امام صادق(ع) گفتم: آیا جایز است انسان از خود ستایش کند؟ فرمود: آری اگر ناچار شود. آیا نشنیده ای سخن یوسف را که گفت: «...إني حفيظ عليم»...».

### 70- سرزنش خودستایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 49 - 8

8 - ناپسندی خودستایی و ادعای رشدیافتگی و کمال

الم تر الى الذين يزكون انفسهم بل الله يزكى من يشاء

### 71- منشأ خودستایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 32 - 19

19 - خودستایی ، زاییده غفلت انسان از علم احاطه دار خداوند

هو أعلم بكم . . . فلا تزكوا أنفسكم

ص: 199

تفریع «فلاتزکوا أنفسکم» بر «هو أعلم...»، نشانگر آن است که ترکیه نفس و ستایش های دروغین انسان از خویش، نتیجه غفلت او از علم نامحدود خداوندی است.

## 72- ناپسندی خودستایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 32 - 20

20 - ستایش از خویشتن و دعوی پاکی، با وجود زمینه های طبیعی آلودگی به گناه، امری ناروا و ناشایست \*

هو أعلم بکم... و إذ أنتم أجته فی بطون أمهتکم فلاتزکوا أنفسکم

ذکر «أنشأکم من الأرض» و «أنتم أجته» احتمالاً - برای آن است که انسان خاکی - که دوران جنینی را گذرانده و از عوامل مختلف تأثیر پذیرفته است - چگونه می تواند ادعای پاکی و خطاناپذیری، داشته باشد.

خودفراموشی

## 73- زمینه خودفراموشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 23

23 - عبدالعزیز بن مسلم گوید: از امام رضا (ع) درباره سخن خدا که می فرماید: «نسوا الله فنسیهم» سؤال کردم فرمود: «ان الله تعالی لا ینسی ولا یسهو... و انما یجازی من نسیه و نسی لقاء یومه بان ینسیهم أنفسهم...»

خدای تعالی نه فراموشی دارد و نه اشتباه... همانا خداوند کسانی را که او و دیدار قیامت را فراموش کرده اند به این صورت مجازات می کند که خودشان را از یادشان ببرد...».

خودفریبی

## 74- آثار خودفریبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 130 - 3

3 - انسان، تنها با فریب دادن خرد خویش می تواند از ادیان الهی گریزان شود.

و من یرغب عن مله إبرهیم إلا من سفه نفسه

«نفسه» مفعول برای «سفه» است. بنابراین «من سفه نفسه»؛ یعنی، کسی که خود را به سفاهت واداشته است. در برداشت فوق از آن فریب دادن خرد، تعبیر شده.

ص: 200



### 75- سرزنش خودمحموری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 15

15 - گسستن سرنوشت خویش از سرنوشت اسلام و مسلمین ، علی رغم اظهار دیانت ، نشانه بیماری دل و سستی ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . . . یقولون نخشی ان تصیبنا دائره

خودنمایی

### 76- آثار خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 79 - 6

6 - خودنمایی و تجمل گرایی عده ای ، عامل گرایش مردم به دنیاطلبی و زخارف آن

فخرج علی قومه فی زینته قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أوتی قر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 81 - 10

10 - طغیان ، سرمستی ، فسادانگیزی ، فخرفروشی و خودنمایی ، از عوامل هلاکت و نابودی

إن قرون . . . فبغی . . . لاتفرح . . . و لاتبغ الفساد . . . فخرج علی قومه فی زینته . . .

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند پس از برشمردن تعدادی از اوصاف ناپسند قارون، مسأله نابودی وی را مطرح فرمود.

این نکته می رساند که اوصاف یاد شده در نابودی وی مؤثر بوده است.

### 77- آثار خودنمایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 79 - 7

7 - خودنمایی و تجمل گرایی قارون ، باعث برانگیخته شدن خوی دنیاخواهی عناصر غافل و دنیاطلب بود .

قال الذين يريدون الحيوة الدنيا .. إنه لذو حظّ عظيم

ص: 201

## 78- خودنمایی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 33 - 5

5- زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ، خودآرایی نموده و در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

ولا تبرّجن تبرّج الجهلیّه الأولى

## 79- خودنمایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 79 - 1

1 - اقدام قارون به خودنمایی و فخر فروشی بر قوم خویش

فخرج علی قومه فی زینته

تعبیر «علی قومه» به جای «إلی قومه»، نشان می دهد که وی با انگیزه بزرگ نمایی و تحقیر مردم بر آنان ظاهر شده بود.

## 80- گناه خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 82 - 2

2- فخر فروشی و خودنمایی ، گناهی بس بزرگ در پیشگاه خداوند

فخرج علی قومه فی زینته .. فحسفننا به و بداره الأرض

برداشت یاد شده با توجه به تفریع «حسفننا» بر «فخرج علی قومه فی زینته» به دست می آید؛ زیرا قارون پس از فخر فروشی و خودنمایی در میان مردم، به هلاکت رسید.

## 81- ناپسندی خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 79 - 4

4- تجمل و آرایش برای خودنمایی، فخرفروشی، رفتاری است ناپسند و مردود.

فخرج علی قومه فی زینته

خودنمایی

ص: 202

## 82- آثار خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 79 - 6

6 - خودنمایی و تجمل گرایی عده ای ، عامل گرایش مردم به دنیاطلبی و زخارف آن

فخرج علی قومه فی زینته قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أوتی قر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 81 - 10

10 - طغیان ، سرمستی ، فسادانگیزی ، فخرفرشی و خودنمایی ، از عوامل هلاکت و نابودی

إنّ قرون... فبغی... لاتفرح... و لاتبغ الفساد... فخرج علی قومه فی زینته...

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند پس از برشمردن تعدادی از اوصاف ناپسند قارون، مسأله نابودی وی را مطرح فرمود.

این نکته می رساند که اوصاف یاد شده در نابودی وی مؤثر بوده است.

## 83- آثار خودنمایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 79 - 7

7 - خودنمایی و تجمل گرایی قارون ، باعث برانگیخته شدن خوی دنیاخواهی عناصر غافل و دنیاطلب بود .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا .. إنه لذو حظّ عظیم

## 84- خودنمایی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 33 - 5

5 - زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ، خودآرایی نموده و در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

و لاتبرجن تبرج الجهلیّه الأولى

## 85- خودنمایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 79 - 1

1 - اقدام قارون به خودنمایی و فخرفروشی بر قوم خویش

ص: 203

فخر ج علی قومه فی زینته

تعبیر «علی قومه» به جای «إلی قومه»، نشان می دهد که وی با انگیزه بزرگ نمایی و تحقیر مردم بر آنان ظاهر شده بود.

### 86- گناه خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 82 - 2

2- فخر فروشی و خودنمایی ، گناهی بس بزرگ در پیشگاه خداوند

فخر ج علی قومه فی زینته . . . فحسفننا به و بداره الأرض

برداشت یاد شده با توجه به تفریع «حسفننا» بر «فخر ج علی قومه فی زینته» به دست می آید؛ زیرا قارون پس از فخر فروشی و خودنمایی در میان مردم، به هلاکت رسید.

### 87- ناپسندی خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 79 - 4

4- تجمل و آرایش برای خودنمایی ، فخر فروشی ، رفتاری است ناپسند و مردود .

فخر ج علی قومه فی زینته

ص: 204

## 9- خودکشی

### 1- توبه با خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 66 - 5

5- رویگردانی مردم - جز گروهی اندک - از توبه در صورت مشروط بودن آن به خودکشی و یا ترک خانه و کاشانه

ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا الله . . . ولو انا كنا ... ما فعلو

### 2- حرمت خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 195 - 4

4- حرمت خودکشی و انتخاب طریق و روشی که به هلاکت آدمی می انجامد .

و لاتلقوا بأيديكم إلى التهلكه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 29 - 8

8- حرمت انتحار و خودکشی \*

و لا تقتلوا انفسكم

ص: 205



### 3- خودکشی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 7,9,14,19,21

7 - کشتن یکدیگر ، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم

حرف «فاء» در «فاقتلوا» تفسیریه است؛ یعنی، بیانگر این است که جمله «أقتلوا أنفسکم» تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا ..) می باشد. در معنای جمله «فاقتلوا أنفسکم» دو نظر ایراد شده است. 1- فاقتلوا بعضکم بعضاً (یکدیگر را بکشید)؛ 2- هر کسی خود را بکشد.

9 - حضرت موسی (ع) با زمینه سازی فکری و روانی برای مرتدان بنی اسرائیل ، آنان را برای پذیرش و اجرای امر خدا (کشتن یکدیگر) آماده کرد .

يقوم إنکم ظلمتم أنفسکم

موسی (ع) از انتساب بنی اسرائیل به خویش با گفتن «یا قوم» (ای مردم من) در صدد تفهیم این حقیقت است که: او از روی دلسوزی آنان را به توبه دعوت می کند و از آنان می خواهد که به حکم خدا گردن نهند. تصریح به اینکه بنی اسرائیل با گوساله پرستی به خود ستم کردند نیز در راستای این معناست.

14 - موسی (ع) خیر و سعادت مرتدان قومش را در توبه و کشتن یکدیگر دانست .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

19 - مرتد شدگان بنی اسرائیل (گوساله پرستان) پس از فرمان موسی (ع) به کشتن یکدیگر پرداختند .

فاقتلوا أنفسکم .. فتاب علیکم

جمله «تاب علیکم» عطف بر جمله ای مقدر است؛ یعنی: «ففعلتم ما أمرتم به فتاب علیکم» پس آنچه را بدان موظف شدید انجام دادید و خداوند توبه شما را پذیرفت». قابل ذکر است که ضمیر در «تاب» به قرینه جمله بعد به «بارئکم» (خالق شما) بر می گردد.

21 - داستان توبه مرتدان بنی اسرائیل و اجرای فرمان خدا مبنی بر کشتن یکدیگر ، داستانی آموزنده و درخور به خاطر داشتن

و إذ قال موسی .. فتاب علیکم

«إذ قال ..» عطف بر «نعمتی» در آیه 47 است؛ یعنی: «اذکروا إذ قال ...».

### 4- سرزنش خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 15 - 7

7 - خودکشی ، تلاش بی ثمر در جهت رهایی از سرخوردگی و بن بست در زندگی

من كان يظنّ أن لن ينصره الله .. فليمدد بسبب الى السماء... هل يذهبنّ كیده ما يغ

ص: 206

## 5- ظلم خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 30 - 6

6 - خودکشی ، تجاوز و ستمگری است و موجب گرفتاری به عذاب دوزخ . \*

و لا تقتلوا انفسکم . . . و من يفعل ذلک . . . فسوف نُصلیه ناراً

## 6- کیفر خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 30 - 10

10 - حضور جاودانه در آتش دوزخ ، پیامد و مجازات خودکشی

فسوف نُصلیه ناراً

امام صادق (ع): من قتل نفسه متعمداً فهو في نار جهنم خالداً فيها قال الله تعالى: «و لا تقتلوا انفسکم . . . فسوف نُصلیه ناراً».

---

من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 374، ح 23، ب 179؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 364، ح 12.

## 7- گناه خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 31 - 9

9 - انتحار و خودکشی ، از گناهان کبیره \*

لا تقتلوا انفسکم . . . ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه

## 8- موارد خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 29 - 22، 21، 20

20 - وضو و غسل در هوای سرد با وجود خطر جانی ، در حکم خودکشی است .

و لا تقتلوا انفسکم

رسول الله (صلی الله علیه و آله) در پاسخ سؤال از وضو و غسل در هوای سرد با وجود خطر جانی فرمود: و لا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً.

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 236، ح 102؛ نورالثقلین، ج 1، ص 472، ح 201؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 363، ح 8.

21 - یورش مسلمان به تنهایی بر اجتماع دشمن مشرک و خود را در معرض کشته شدن قرار دادن ، در حکم خودکشی است .

ص: 207

و لا تقتلوا انفسكم

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: . . . عنی بذلک الرجل من المسلمین یشدّ علی المشرکین وحده یجیء فی منازلهم فیقتل فنهاهم الله عن ذلک.

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 235، ح 98؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 363، ح 2.

22 - جنگیدن بدون توان و آمادگی برای پایداری، در حکم خودکشی است.

و لا تقتلوا انفسکم

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: لا تخاطروا بنفوسکم فی القتال فتقاتلون من لا تطیقونه.

---

تفسیر تبیان، ج 3، ص 180؛ نورالثقلین، ج 1، ص 472، ح 200؛ مجمع البیان، ج 3، ص 60.

ص: 208

## 10- خوردن

### 1- بت ها و خوردن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 91 - 2

2 - استهزای معبود های مشرکان در بتکده از سوی ابراهیم (ع) ، با توجه به ناتوانی آنان از خوردن بود .

فراغ إلى الهتهم فقال ألا تأكلون

استفهام در «ألا تأكلون» برای استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 92 - 3

3 - مشرکان عصر ابراهیم ، پرستشگر معبودهایی ناتوان از خوردن و گفتگو کردن

فقال ألا تأكلون . ما لكم لا تنطقون

### 2- تشبیه به خوردن گوشت مرده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 12 - 16، 19

16 - ریختن آبروی برادر مؤمن با غیبت ، به منزله خوردن گوشت بدن بی جان او است .

أیحبّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتاً

19 - تجسس در عیب ها و کاستی های مؤمنان ، همانند غیبت به منزله خوردن گوشت آنان است . \*

و لا تجسسوا .. أیحبّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتاً

برداشت بالا بدان احتمال است که «أیحبّ..» تنها در جهت ترسیم قبح غیبت نباشد؛ بلکه علاوه بر غیبت شامل تجسس نیز

بشود.

### 3- تعبیر رؤیای خوردن پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 41 - 3

3- یوسف (ع)، رؤیای حمل نان و خوردن پرندگان از آن را، به دار کشیده شدن صاحب رؤیا و خوردن پرندگان از سر او تفسیر کرد.

و أما الآخر فیصلب فتأکل الطیر من رأسه

«صلب» (مصدر یصلب) یعنی، کشتن به طریق بستن به چوبه دار

### 4- حرمت خوردن خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 1

1 - خوردن مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شده، حرام است.

إنما حرم علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما أهل به لغير الله

«اهلال» (مصدر (أهل) به معنای بلند کردن صداست و مقصود از آن در آیه - چنانچه اهل تفسیر برآند - نام بردن است و لام در «لغیر الله» برای تعدیه می باشد. بنابراین «ما أهل به لغير الله»؛ یعنی، حیوانی که [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر او برده شود.

### 5- حرمت خوردن مردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 1

1 - خوردن مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شده، حرام است.

إنما حرم علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما أهل به لغير الله

«اهلال» (مصدر (أهل) به معنای بلند کردن صداست و مقصود از آن در آیه - چنانچه اهل تفسیر برآند - نام بردن است و لام در «لغیر الله» برای تعدیه می باشد. بنابراین «ما أهل به لغير الله»؛ یعنی، حیوانی که [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر او برده شود.

### 6- خرما خوردن مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 210



1- حضرت عیسی (ع) در آغاز تولد خویش ، مادرش مریم (س) را به خوردن خرماى تازه و نوشیدن از آب نهر فرا خواند .

فنادیها من تحتها . . . تحتک سریاً . . . رطباً جنیاً . فکلی واشربى

### 7- خوردن آتش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 10 - 2

2 - خوردن ظالمانه مال یتیم در واقع ، خوردن آتش است .

انّ الذّین یاکلون اموال الیتامی ظلماً انّما یاکلون فی بطونهم ناراً

### 8- خوردن از خانه برادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3،10

3 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . ان تأکلوا من . . . بیوت ءابائکم . . . او بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . ان تأکلوا من بیوتکم او بیوت ءابائکم . . . او بیوت أخوتکم .

### 9- خوردن از خانه پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3،10

3 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . ان تأکلوا من . . . بیوت ءابائکم . . . او بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

ص: 211

## 10- خوردن از خانه خاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3,10

3 - نابینایان، لنگ ها و مریضان، در استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله خود، بدون هیچ اذنی، مجازاند.

لیس علی الأعمی حرج... أن تأكلوا من... بیوت ءابائکم... أو بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله خود، بدون اذن خواستن، جایز است.

لیس علی الأعمی حرج... أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم... أو بیوت أخوتکم.

## 11- خوردن از خانه خواهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3,10

3 - نابینایان، لنگ ها و مریضان، در استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله خود، بدون هیچ اذنی، مجازاند.

لیس علی الأعمی حرج... أن تأكلوا من... بیوت ءابائکم... أو بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله خود، بدون اذن خواستن، جایز است.

لیس علی الأعمی حرج... أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم... أو بیوت أخوتکم.

## 12- خوردن از خانه خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 14,22

14 - استفاده از خوراکی های موجود در منازل خویشاوندان، بدون اذن خواستن از ایشان، از حقوق خویشاوندی است.

لیس علی الأعمی حرج... ولا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم...

مجاز بودن استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و... که از خویشاوندان محسوب می شوند - و بدون هیچ

اذنی از آنان، حاکی از حقی است میان آنان که باید رعایت شود.

22 - مسلمانان، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن، غذا میل کنند.

لیس علی الأعمی حرج... ولا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم... أ

ص: 212

### 13- خوردن از خانه دایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3,10

3 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من . . . بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم .

### 14- خوردن از خانه دوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 39,22,15,13,4

4 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منزلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم . . . أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

13 - استفاده از خوراکی های منازل دوستان ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم . . . أو صدیقکم

15 - استفاده از خوراکی های موجود در منازل دوستان ، بدون اذن خواستن از ایشان از حقوق دوستی است .

لیس علی الأعمی حرج . . . ولا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم . . . أو ما ملکتم مفات

22 - مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج . . . ولا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم . . . أ

39 - « عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل : « أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم » قال : هؤلاء الذين سمى الله عز وجل في هذه الآية

تأكل بغير إذنهم من التمر و المأدوم . . . فأما ما خلا ذلك من الطعام فلا ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای - عزوجل - «أوما ملكتم مفاتحه أو صدیقکم» فرمود: افرادی که خداوند - عزوجل - در این آیه ذکر کرده است، بدون اجازه شان از خرما و نان خورشتشان بخورید. .. و غیر از آن، از بقیه طعام ها نمی توانید بدون اجازه بخورید».

### 15- خوردن از خانه عمو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3.10

ص: 213

3 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

### 16- خوردن از خانه عمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3،10

3 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

### 17- خوردن از خانه فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 2،9

2 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج ولا علی الأعرج حرج ولا علی المریض حرج . . . أن تأكلوا من بیو

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که جمله «ولا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم» عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از «بیوتکم» (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

9 - استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . ولا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم

## 18- خوردن از خانه مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3.10

3 - ناینایان، لنگ ها و مریضان، در استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله خود،

ص: 214



بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من . . . بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم .

## 19- خوردن از خانه موکل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 39, 36, 12, 11, 4

4 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم . . . أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

11 - استفاده از خوراکی های منازلی که کلید های آنها در دست انسان است ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم . . . أو ما ملکتم مفاتحه

12 - انبارداران و کسانی که وکیل افراد در نگه داری خوردنی ها و مواد غذایی اند ، می توانند بدون اذن خواستن از صاحبان آنها ، از آن خوردنی ها تناول کنند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم . . . أو ما ملکتم مفاتحه

برخی از مفسران بر آنند که مقصود از «ما ملکتم مفاتحه» کسانی اند که وکیل و قیم دیگران در آب ملک و حیواناتی مانند گاو ، گوسفند و شتر می باشند. این افراد حق دارند بدون اذن خواستن، از خوراکی های موجود در انبارها و نیز از شیر و دیگر فراورده های حیوانات تحت حفاظت خود، به مقدار مصرف شخصی خود بهره گیرند.

36 - « عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل : « أو ما ملکتم مفاتحه » قال : الرجل یكون له وکیل یقوم فی ماله فیأکل بغير إذنه ؛

از امام صادق (ع) روایت شده است که در باره سخن خدای - عز وجل - «أو ما ملکتم مفاتحه» فرمود: این مانند آن است که شخص، وکیلی دارد که اداره مال او در دست وی است. او می تواند بدون اجازه صاحب مال از آن بخورد».

39 - « عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل : « أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم » قال : هولاء الذین سمی الله عز وجل فی هذه الآیه تأکل بغير إذنه من التمر و المأدوم . . . فأما ما خلا ذالک من الطعام فلا ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای - عزوجل - «أُوْ مَا مَلَکْتُمْ مَفَاتِحَهُ أُوْ صَدِیقِکُمْ» فرمود: افرادی که خداوند - عزوجل - در این آیه ذکر کرده است، بدون اجازه شان از خرما و نان خورشتشان بخورید. .. و غیر از آن، از بقیه طعام ها نمی توانید بدون اجازه بخورید».

## 20- خوردن از خانه همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 215

2- ناینایان، لنگ ها و مریضان، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون هیچ اجازه ای، مجازاند.

لیس علی الأعمی حرج ولا علی الأعرج حرج ولا علی المریض حرج... آن تأکلوا من بیو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله «ولا علی أنفسکم آن تأکلوا من بیوتکم» عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از «بیوتکم» (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

9- استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون اذن خواستن، جایز است.

لیس علی الأعمی حرج... ولا علی أنفسکم آن تأکلوا من بیوتکم

## 21- خوردن جنین در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 139 - 4,3,1

1 - مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

وقالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصة لذكورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از «ازواج» به قرینه تقابل آن با «ذکور» مطلق «زن» است نه خصوص همسران

3 - مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا و یا بتها را برای زنان و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

4 - خوردن جنین مرده دام در برخی موارد از نظر مشرکان عصر جاهلی جایز بود.

و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

## 22- خوردن خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 2

2- به هنگام اضطراب بهره برداری از مردار، خون، گوشت خوک و ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده، حلال است.

فمن اضطر... فلا إثم عليه

### 23- خوردن خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 2

ص: 216

2- به هنگام اضطراب بهره برداری از مردار، خون، گوشت خوک و ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده، حلال است.

فمن اضطر... فلا إثم علیه

## 24- خوردن در شبهای ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 20

20- خوردن و آشامیدن در شب های رمضان تا طلوع فجر جایز است.

كلوا و اشربوا حتی یتبین لكم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر

## 25- خوردن ذبیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 119 - 1,2

1 - برخی از مردم عصر جاهلیت خوردن گوشت حیوانی را که با نام خدا ذبح شده باشد حرام می دانستند.

و ما لكم ألا تأكلوا مما ذكر اسم الله علیه

2- برخی از مسلمانان صدر اسلام به جهت شبهه های ایجاد شده مشرکان از خوردن ذبیحه با نام خدا خودداری می کردند.

فكلوا مما ذكر اسم الله... و ما لكم ألا تأكلوا

لحن عتاب گونه آیه چنین می نمایاند که بر اثر تبلیغات کافران و سخنان فریبنده آنان برخی از مسلمانان از خوردن ذبیحه حلال خودداری می کردند.

## 26- خوردن ذبیحه حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 119 - 10

10 - در صورت اضطراب خوردن از حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده باشد، جایز است.

وقد فصل لكم ما حرم عليكم إلا ما اضطررتم إليه

## 27- خوردن قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 36 - 10،13

ص: 217

10 - خوردن گوشت قربانی برای حاجیان مجاز است .

فإذا وجبت جنوبها فكلوا منها

«وجوب» (مصدر «وجبت») به معنای سقوط و افتادن است. «جنوب» نیز جمع «جنب» و به معنای پهلو است؛ یعنی، وقتی شتران افتادند و به پهلو غلتیدند (جان دادند)، از گوشت آنها بخورید و به نیازمندان بخورانید. گفتنی است که عرب جاهلی، می پنداشتند قربانی مال خدایان است و کسی حق ندارد از آن استفاده کند. خداوند در این جا تذکر می دهد که این پندار، گمانی است غلط و مسلمانان نباید قربانی را به حال خود رها کنند به گمان این که اینها شعائر الهی اند و خوردن آنها هتک حرمت شعائر است؛ بلکه همین که قربانی جان داد، باید بخشی از آن را برای خود بردارند و بقیه را به نیازمندان بدهند.

13 - منع استفاده انحصاری حاجیان از گوشت قربانی و دریغ کردن از اطعام آن به نیازمندان

فكلوا منها

با توجه به کلمه «من» معنای جمله فوق چنین است: بخشی از آن را بخورید؛ (نه همه اش را).

## 28- خوردن گوشت اسب در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 10

10- خوردن گوشت اسب، استر و الاغ در میان مردم عصر بعثت متداول نبوده است .

والأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

## 29- خوردن گوشت استر در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 10

10- خوردن گوشت اسب، استر و الاغ در میان مردم عصر بعثت متداول نبوده است .

والأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

## 30- خوردن گوشت الاغ در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- خوردن گوشت اسب ، استر و الاغ در میان مردم عصر بعثت متداول نبوده است .

والأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون . . . و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

ص: 218



### 31- خوردن گوشت چهارپایان در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 9

9- خوردن گوشت دام ها ( گاو ، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

والأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده؛ ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

### 32- خوردن گوشت شتر در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 9

9- خوردن گوشت دام ها ( گاو ، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

والأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده؛ ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

### 33- خوردن گوشت گاو در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 9

9- خوردن گوشت دام ها ( گاو ، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

والأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی

کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده؛ ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

ص: 219

### 34- خوردن گوشت گوسفند در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 8 - 16 - 9

9- خوردن گوشت دام ها ( گاو ، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

و الأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده؛ ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

### 35- خوردن مردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 2

2- به هنگام اضطرار بهره برداری از مردار ، خون ، گوشت خوک و ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده ، حلال است .

فمن اضطر . . . فلا إثم عليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 121 - 6، 4، 6

4- خوردن میتة حرام است.

و لا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه

از موارد و مصادیق مسلم برای «ما لم يذكر اسم الله»، حیوانی است که خود مرده باشد.

6 - خوردن از حیوانی که با نام خدا ذبح نشده باشد، عصیانی است که شناخت آن پنهان است. \*

وإن الشیطان لیوحون إلی أولیائهم

تأکید بر «فسق» بودن خوردن از حیوانی که نام خدا بر آن برده نشده، پس از تقسیم گناهان به «ظاهر الإثم و باطنه» در آیه قبل، حکایت از آن دارد که این گناه از نوع «باطن الإثم» است.

### 36- رۇيى خوردين پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 220

5- حمل نان بر بالای سر و خوردن پرندگان از آن ، رؤیای یکی دیگر از هم بندان یوسف (ع)

وقال الآخر إني أرىني أحمل فوق رأسي خبزًا تأكل الطير منه

«طير» جمع طائر و به معنای پرندگان است.

### 37- طعام خوردن انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 20 - 1

1 - همه پیامبران الهی در طول تاریخ ، همچون سایر مردمان ، نیازمند به تناول غذا و داد و ستد با مردم

و ما أرسلنا قبلك من المرسلين إلا إنهم ليأكلون الطعام ويمشون في الأسواق

### 38- عجز از خوردن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 91 - 2

2- استهزای معبودهای مشرکان در بتکده از سوی ابراهیم (ع) ، با توجه به ناتوانی آنان از خوردن بود .

فراغ إلى ءالهم فقال ألا تأكلون

استفهام در «ألا تأكلون» برای استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 92 - 3

3- مشرکان عصر ابراهیم ، پرستشگر معبودهایی ناتوان از خوردن و گفتوگو کردن

فقال ألا تأكلون . ما لكم لاتنطقون

### 39- ناپسندی خوردن مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- شرک به خدا، پرخاش به والدین، تبذیر، فرزندکشی، زنا، قتل ناحق، خوردن مال یتیم، پیروی از راهی که پشتوانه علمی ندارد و مغرورانه راه رفتن، اعمال ناپسند و منفور خداوند

کَلِّ ذَلِكْ كَان سَيِّئَةً عِنْد رَبِّكَ مَكْرُوهُاً

ص: 221

#### 40- اجتناب از خوردنیهای حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 57 - 20

20 - ضرورت پرهیز از خوراکی های ناپاک و غیر طیب

كلوا من طيبت . . . و ما ظلمونا و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

#### 41- احکام خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 172 - 4,5

4 - اصل و قاعده اولیه در خوراکی های طیب ، حلیت است .

كلوا من طيبت ما رزقنكم

5 - استفاده از خوراکی های خبیث ( ناپاک و ناملایم با طبع ) حرام است .

كلوا من طيبت ما رزقنكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 1,2

1 - خوردن مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شده ، حرام است .

إنما حرم عليكم الميتة و الدم و لحم الخنزیر و ما أهل به لغير الله

«اهلال» (مصدر (أهلّ) به معنای بلند کردن صداست و مقصود از آن در آیه - چنانچه اهل تفسیر برآند - نام بردن است و لام در «لغیر الله» برای تعدیه می باشد. بنابراین «ما أهل به لغير الله»؛ یعنی، حیوانی که [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر او برده شود.

2 - به هنگام اضطرار بهره برداری از مردار ، خون ، گوشت خوک و ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده ، حلال است .

فمن اضطر . . . فلا إثم علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 1 - 5,6,7,9,14

5 - حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و سایر بهره برداری ها از آن

أحلت لكم بهيمة الانعم الا ما يتلى عليكم

«بهیمه» اسم است برای هر حیوان چهارپای صحرائی و یا دریایی (مجمع البیان). و «انعام» به گاو و شتر و گوسفند گفته می شود. (مفردات راغب). و اضافه «بهیمه» به «انعام»، اضافه بیانیه است. قابل ذکر است که چون حلیت به خود بهیمه تعلق گرفته

ص: 222



نه به خصوص خوردن از گوشت آنها، معلوم می شود علاوه بر استفاده خوراکی، سایر بهره برداریها نیز مورد نظر می باشد.

6- حرمت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و سایر بهره برداری ها از آن

أحلت لكم بهيمة الانعم الا ما يتلى عليكم

7- حرمت خوردن برخی از اجزای چهارپایان حلال گوشت

أحلت لكم بهيمة الانعم الا ما يتلى عليكم

بنابر اینکه استثنای در «الا ما يتلى» نسبت به اجزای مستثنی منه باشد نه از افراد آن.

9- خوردن گوشت و سایر بهره برداری ها از حیوانی که در حال احرام شکار شود، حرام است.

غیر محلی الصيد

بنابر اینکه «صید» به معنای اسم مفعول باشد؛ یعنی حیوان شکار شده.

14- حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام، از

عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

اوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمة الانعم الا ما يتلى عليكم غیر محلی الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 3 - 4,5,7,8,9,12,35

4- حرمت استفاده از حیوانی که طعمه و شکار درندگان شده و بمیرد.

حرمت .. و ما اكل السبع

5- تذکیه حیوان، موجب حلیت آن می گردد، اگر چه به واسطه خفگی، زدن، پرت شدن، شاخ خوردن و دریده شدن توسط درندگان

در آستانه مردن باشد.

حرمت .. الا ما ذکیتم

7- حرمت تعیین سهام گوشت حیوان، به وسیله تیر های قمار

حرمت .. و إن تستقسموا بالازلم

«ازلام» تیرهای مخصوصی بوده که برای قمار از آن استفاده می کردند. و استقسام چهارپایان به وسیله «ازلام»، به معنای سهم بندی آنها با تیرهای مخصوص است.

8 - حرمت استفاده از گوشتی که به وسیله تیر های قمار سهم بندی شود .

حرمت . . . و این تستقسموا بالازلم

چون آیه شریفه درباره حیواناتی است که بهره گیری از آنها حرام است، به نظر می رسد علاوه بر حرمت سهم بندی به وسیله تیرهای قمار، دلالت بر تحریم استفاده از گوشتی که آن گونه تقسیم شده نیز داشته باشد.

9 - خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم . . . و ما ذبح علی النصب و این تستقسموا بالازلم

12 - قسمت بندی گوشت به حکم قمار و استفاده از آن و خوردن گوشت حیوانی که به نام غیر خدا و یا بر آستان بت ها ذبح شود ، فسق است .

حرمت علیکم . . . و ما ذبح علی النصب و این تستقسموا بالازلم ذلکم فسق

35 - استفاده از مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن برده شود ، در حال اضطرار جایز است .

حرمت علیکم . . . فمن اضطر فی مخصصه غیر متجانف لائم فإن الله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 3,5,13,14,15,17,18,23,31

3 - خوردن طیبات ( چیز های پاکیزه و ملایم با طبع ) حلال است .

قل احل لكم الطيبات

5 - خوردن خبائث ، حرام است .

احل لكم الطيبات

13 - خوردن شکاری که به وسیله سگ تعلیم دیده صید و کشته شده باشد ، حلال است .

فكلوا مما امسکن علیکم

بیان اوصافی برای سگان شکاری و شرایطی برای حلیت شکار آنها نشانه آن است که شکار آنها نیازی به تذکیر ندارد. برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که در پاسخ از سؤال از حلیت شکاری که توسط سگ تعلیم دیده، صید و کشته شده باشد فرمود: لا بأس قال الله عزوجل «فكلوا مما امسکن علیکم ...».

کافی، ج 6، ص 202، ح 8؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 43.

14 - وجود حیوانات حلال گوشت در میان حیوانات وحشی

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم الله فكلوا مما امسکن

چون سگ و دیگر درندگان را برای شکار حیوانات وحشی به کار می گیرند، برداشت فوق به دست می آید.

15 - خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده ( از قبیل سگ ، شیر ، باز شکاری و . . . ) صید شود ، حلال است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . . . فكلوا

کلمه «جوارح» جمع «جارحه» به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتمی است که اگر «مکلبین» حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند «جوارح» را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

17 - صید درندگان شکاری در صورتی حلال است که همانند سگان شکاری تعلیم دیده ، عمل کنند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن

«مکلبین» جمع «مکلب» (تعلیم دهنده سگان)، حال برای فاعل «علمتم» است و معنای تشبیه را افاده می کند، بنابراین معنای آیه چنین می شود: شکار درندگان که آنها را همانند سگان شکاری تعلیم داده اید، حلال است.

18 - صید سگ شکاری تعلیم دیده از طیبات است .

احل لکم الطیبت و ما علمتم من الجوارح

عطف «ما علمتم»، عطف خاص بر عام است.

23 - صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود، نه سرخود و بدون فرمان

فکلوا مما امسکن علیکم

کلمه «علیکم» جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

ص: 224

31 - رعایت مقررات الهی در خوردنی ها و شکار حیوانات ، نشانه تقوا و پرهیزگاری است .

احل لكم الطيب . . . و اذكروا اسم الله عليه و اتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 3,4,6,7,10,15,19,38

3 - جواز استفاده مسلمانان از غذا های اهل کتاب

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم

4 - جواز استفاده مسلمانان از ذبایح اهل کتاب \*

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم

از مصادیق مورد نظر برای «طعام الذین»، به قرینه آیات گذشته که درباره ذبح و تذکيه حیوانات بود، می تواند ذبیحه اهل کتاب باشد.

6 - حلیت غذای مسلمانان برای اهل کتاب

و طعامکم حل لهم

7 - حلیت غذای مسلمانان برای اهل کتاب در قوانین آنان \*

و طعامکم حل لهم

بنابر اینکه جمله «طعامکم حل لهم» اخبار از حکمی در شریعت آنان باشد. یعنی آنان در کتاب خود، دلیلی بر حرمت غذای شما مسلمانان ندارند.

10 - تغذیه و احکام آن ، مورد توجه و عنایت دین اسلام

اليوم احل لكم الطيب . . . و طعامکم حل لهم

15 - حلیت طیبات و غذا های اهل کتاب و جواز ازدواج با زنان پاکدامن آنان ، امتنان خداوند بر مسلمانان

اليوم احل لكم

علاوه بر سیاق و لحن آیه، از «لام انتفاع» در «لکم»، امتنان استفاده می شود.

19 - اعتقاد به خدا و رسالت انبیا ، ملاک حلیت غذای اهل کتاب و حلیت ازدواج با زنان آنان

احل لكم الطيبات و طعام الذين اوتوا الكتب . . . و المحصنت من الذين اوتوا الكتب

مراد از «الذين اتوا الكتب»، يهود و نصارا هستند، ولی از آنان به «اوتوا الكتاب» تعبیر شده تا به علت حکم اشاره داشته باشد. و مشخصه اهل کتاب در بین سایر کافران، اعتقاد به خدا و رسالت پیامبران است.

38 - جواز استفاده از غذا های اهل کتاب مگر ذبایح آنان

و طعام الذين اوتوا الكتب حل لكم

از امام صادق(ع) روایت شده که در رد کسی که برای حلیت ذبیحه اهل کتاب به آیه فوق تمسک کرد فرمود: کان ابی یقول: انما هو الحبوب و اشباهها.

---

کافی، ج 6، ص 240، ح 10؛ نورالثقلین، ج 1، ص 593، ح 48.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 96 - 2,3,4,5,8,10

ص: 225

2 - جواز خوردن حیوان های صید شده دریایی ، برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضیمر در «طعامه» به «صید البحر» برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از «طعام» معنای مصدری است.

3 - مسافران غیر محرم مجاز به صید حیوان های دریایی و خوردن آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

کلمه «السیاره» به معنای جماعتی است که در حال سیر هستند که از آنان به مسافر تعبیر می شود.

4 - جواز استفاده از خوراکی های دریا برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضمیر در «طعامه» به «البحر» برگردانده شده است بر این مبنا طعام به معنای «مایوکل» - خوراکیها است اعم از صید و غیر صید.

5 - شکار حیوان های دریایی در صورتی جایز است که به منظور بهره گیری شکار شوند نه به خاطر تفریح و امثال آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

چنانچه متعاً مفعول له باشد بیانگر علت تجویز صید و طعام بوده و در نتیجه حکم حلیت دائر مدار آن می باشد بنابراین شکار دریائی تنها در صورت تمتع و بهره‌وری مجاز شمرده شده است.

8 - حرمت خوردن شکار صحرائی در حال احرام هر چند شخص محرم آن را شکار نکند .

احل لکم صید البحر و طعامه . . . و حرم علیکم صید البر

در برداشت فوق کلمه «صید» به معنای اسم مفعول - حیوان شکار شده - گرفته شده است. و این معنا اعم از این است که خود محرم و یا شخص دیگری آن حیوان را شکار کند.

10 - صید حیوانات صحرائی و خوردن گوشت آنها در حال احرام بی تقوایی است .

و حرم علیکم صید البر ما دتم حراماً و اتقوا الله

از مصادیق مورد نظر برای «تقوا» به قرینه «حرم علیکم . . .» پرهیز از صید در حال احرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - خداوند محدوده دقیق خوردنیهای حرام را قبل از نزول آیات سوره انعام برای مردم تبیین کرده بود.

وقد فصل لکم ما حرم علیکم

«قد فصل» فعل ماضی محقق و به معنی «قد بین» است و بر وقوع حتمی فعل در گذشته دلالت دارد. بنابراین باید قبل از نزول این آیات، آیاتی در تحریم برخی خوردنیها نازل شده باشد، که ظاهراً آیه 115 سوره نحل است.

6 - اصل در خوردنیها حلیت است.

و ما لکم ألا تأکلوا مما ذکر اسم الله علیه و قد فصل لکم ما حرم علیکم

در آیه شریفه با استناد به بیان محرّمات، بقیه موارد مباح و مجاز شمرده شده است. لذا اصل در خوردنیها حلیت است، مگر آنچه حرمتش بیان شود.

10 - در صورت اضطرار خوردن از حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده باشد، جایز است.

وقد فصل لکم ما حرم علیکم إلا ما اضطررتم إلیه



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 121 - 4، 2، 1

1 - خوردن ذبیحه ای که نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

و لا تأکلوا مما لم یذکر اسم الله علیه

2 - خوردن از ذبیحه ای که نام خدا بر آن برده نشده، فسق (خروج از طاعت خداوند) است.

و لا تأکلوا مما لم یذکر اسم الله علیه و إنه لفسق

مرجع ضمیر «إنه»، «أکل» می تواند باشد که از جمله «لا تأکلوا» گرفته شده است.

4 - خوردن میتة حرام است.

و لا تأکلوا مما لم یذکر اسم الله علیه

از موارد و مصادیق مسلم برای «ما لم یذکر اسم الله»، حیوانی است که خود مرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 141 - 9

9 - جواز استفاده از انواع میوه ها و محصولات کشاورزی برای انسان

کلوا من ثمره إذا أثمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 142 - 2

2 - جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم . . . کلوا مما رزقکم الله

«أنعم» جمع «نعم» به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 2، 5

2 - حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن .. قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشتملت علیه أرحام الأثنین

5 - اصل در مأكولات حلیت و اثبات حرمت آن نیازمند ارائه دلیل علم آور است.

قل الذکرین حرم .. نبئونی بعلم إن کنتم صدقین

چون خداوند در آیه شریفه دلیل تحریمهای بیجا را جویا شده است، آن هم دلیلی که «علمی» باشد، چنین بر می آید که حلیت نیازمند دلیل نیست، آنچه محتاج دلیل است تحریم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 2

2 - استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنین .. قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشتملت علیه أرحام الأثنین

ص: 227

4 - همگان (زن و مرد و ...) در حلیت بهره‌وری از خوردنیهای حلال برابرند.

قل لا أجد .. طاعم يطعمه

تعبیر «طاعم يطعمه» ظاهراً ردی است بر تبعیض مشرکان بین زن و مرد در بهره‌برداری از برخی چهارپایان که در آیات قبل به آن اشاره شد. (و محرم علی أزوجنا).

6 - خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن یکون میتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزیر فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

7 - ممنوعیت بهره‌گیری از مردار، خون و خوک، منحصر به خوردن آنهاست. \*

محرم ما علی طاعم يطعمه إلا أن یکون میتة

15 - اضطرار، مجوز خوردن غذاهای حرام به مقدار رفع ناچاری

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد

«عاد» از «عدو» به معنی تجاوز است. بنابراین مراد از «لاعاد» در آیه شریفه می‌تواند «لاعاد من حد الإضطرار» باشد.

16 - خوردن خون، گوشت مردار، خوک و حیوان تذکیه نشده بر مضطر جایز است.

إلا أن یکون میتة أو دما .. فمن اضطر ... فإن ربک غفور رحیم

18 - کسی که با اراده و خواست خود، خویش را به اضطرار بیندازد، حکم مضطر را ندارد و خوردنیهای حرام بر او حلال نمی‌شود.

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد

«باغ» از «بغی» به معنای طلب است (و غیر باغ)، به قرینه جملات قبل، یعنی «غیر طالب للإضطرار». بنابراین کسی که خود را مضطر کند، مشمول حکم آیه نیست.

1 - خداوند خوردن گوشت حیوانات دارای ناخن (چنگال) را بر یهود حرام کرده بود.

و علی الذین هادوا حرمنا کل ذی ظفر

3 - خوردن دنبه و پیه گاو و گوسفند بر یهود، جز آنچه بر پشت و چسبیده بر روده و استخوان بوده، حرام بوده است.

و من البقر و الغنم حرمنا علیهم شحومهما إلا ما حملت

«شحم» به معنی چربی و پیه است و «ظهر» یعنی پشت و «حوايا»، جمع «حویه»، به معنی روده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 31 - 5

5 - اسراف و زیاده روی در بهره گیری از خوردنیها و آشامیدنیها، امری حرام برای تمامی انسانها

کلوا و اشربوا و لاتسرفوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 228

9 - جواز استفاده مؤمن و کافر از زیباییها و روزیهای پاکیزه خدا در دنیا

قل هي للذين آمنوا في الحياه الدنيا خالصه يوم القيمه

کلمه «خالصه» حال است برای «هی» و «یوم القیامه» متعلق به آن می باشد. ذکر نشدن این کلمه در مورد «الحیاه الدنيا» حاکی از انحصاری نبودن مواهب دنیا برای مؤمنان است. یعنی: قل هي للذين آمنوا ولغيرهم في الحياه الدنيا ولهم خالصه يوم القيامه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 26 - 11

11 - جواز بهره‌وری مؤمنان از هر روزی طیب و پاکیزه

ورزقکم من الطيب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 69 - 1

1 - غنیمت های به دست آمده از دشمنان دین ، حلال و بهره‌وری از آنها جایز است .

فلکوا مما غنمتم حللا طيبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 114 - 14

14 - ملاک و معیار خوردنی های مجاز ، مطابق با طبع و ذائقه طبیعی انسان و حلال شرعی بودن است .

فلکوا ممّا رزقکم الله حللاً طیباً

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه شریفه - به قرینه آیه بعد (إنما حَرَّمَ علیکم المیتة ..) - درصدد بیان قلمرو خوردنیهای مجاز و غیر مجاز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 115 - 1,2,3

1- خوردن مردار، خون و گوشت خوک، حرام است.

حَرَمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ

2- خوردن گوشت حیوانی که به هنگام ذبح، نام غیر خدا بر آن برده شود، حرام است.

حَرَمَ عَلَيْكُمُ . . . مَا أَهْلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ

برداشت فوق، بنابراین مبناست که مراد از «ما اهلّ . . .» بر زبان آوردن نام غیر خدا - مانند بت -، به هنگام ذبح حیوانات باشد.

3- حرمت خوردن گوشت حیوان قربانی شده برای غیر خدا

حَرَمَ عَلَيْكُمُ . . . مَا أَهْلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ

برداشت فوق، بنابراین نکته است که مراد از «ما اهلّ . . .» قربانیهایی باشد که مشرکان برای بتها انجام می دادند.

ص: 229

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 15

15 - شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فكلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 8,9,11

8 - شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی حلال گوشت

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمُ

«أنعام» (جمع «نعم») در اصل به معنای شتر است. بنابراین «أنعام»؛ یعنی، شتران لکن گاهی «أنعام»؛ گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از «أنعام» در جمله فوق استعمال دوم است. گفتمنی است که جمله «أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمُ» به تقدیر «أُحِلَّتْ لَكُمْ أَكُلْ لِحُومِ الْأَنْعَمِ» می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

9 - استفاده از گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده ، حلال و جایز است .

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمُ إِلَّا مَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ

11 - استفاده از گوشت حیوانی که با نام غیر خدا ذبح شده باشد حرام است .

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمُ إِلَّا مَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ

کلمه «ما» در «إِلَّا مَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ» هر چند که عام است و شامل همه مواردی می شود که در آیات «محرمات أكل» بیان شده است؛ لکن به قرینه جمله «وَيَذَكُرُوا اسْمَ اللَّهِ.. .. علی ما رزقهم من بهیمه الأنعام» در دو آیه پیشین، و نیز تفریع جمله «فاجتنبوا الرجس من الأوثان...» (ذیل آیه) بر جمله «أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمُ إِلَّا مَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ»، می توان گفت که مراد از «ما» خصوص موردی است که حیوانی با نام غیر خدا (بت ها)، ذبح شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 2,3,4,9,10,11,12,13,22

2 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود ( فرزندان و همسر ) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج .. أن تأكلوا من بيوت

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله «و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم» عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از «بیوتکم» (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

3 - نابینایان، لنگ ها و مریضان، در استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله خود، بدون هیچ اذنی، مجازاند.

لیس علی الأعمی حرج... أن تأکلوا من... بیوت ءابائکم... أو بیوت أخوتکم

4 - نابینایان، لنگ ها و مریضان، در استفاده از خوراکی های منازلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود، بدون هیچ اذنی، مجازاند.

لیس علی الأعمی حرج... أن تأکلوا من بیوتکم... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

9 - استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون اذن خواستن، جایز است.

لیس علی الأعمی حرج... و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم



10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

11 - استفاده از خوراکی های منازلی که کلید های آنها در دست انسان است ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه

12 - انبارداران و کسانی که وکیل افراد در نگه داری خوردنی ها و مواد غذایی اند ، می توانند بدون اذن خواستن از صاحبان آنها ، از آن خوردنی ها تناول کنند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه

برخی از مفسران بر آنند که مقصود از «ما ملکتم مفاتحه» کسانی اند که وکیل و قیم دیگران در آب ملک و حیواناتی مانند گاو، گوسفند و شتر می باشند. این افراد حق دارند بدون اذن خواستن، از خوراکی های موجود در انبارها و نیز از شیر و دیگر فرآورده های حیوانات تحت حفاظت خود، به مقدار مصرف شخصی خود بهره گیرند.

13 - استفاده از خوراکی های منازل دوستان ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم ... أو صدیقکم

22 - مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج . . . ولا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 72 - 6

6 - بخش زیادی از اجزای بدن شتر ، گاو و گوسفند قابل خوردن است ؛ نه همه آنها .

و منها یا کلون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که «من» در «منها» برای تبعیض و ناظر به بعضیت در اجزاء باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 79 - 5

5- جواز خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند

الأنعم... و منها تأكلون

## 42- استفاده از خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 93 - 6

6- توهم حرمت بهره گیری مؤمنان از انواع خوراکی ها و نوشیدنی ها و گمان ناسازگاری آن با مراحل تقوا و ایمان، توهم و گمانی واهی و نادرست .

ليس على الذين ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فيما طعموا

ص: 231

برداشت فوق بر این اساس است که آیه مورد بحث تکمیل و توضیحی برای آیه 87 از همین سوره باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 31 - 4

4 - جواز بهره گیری از خوردنیها و نوشیدنیها تا آنجا که به اسراف نینجامد.

کلوا و اشربوا و لاتسرفوا

### 43- اسراف در خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 31 - 5,8

5 - اسراف و زیاده روی در بهره گیری از خوردنیها و آشامیدنیها، امری حرام برای تمامی انسانها

کلوا و اشربوا و لاتسرفوا

8 - زیاده روی در زینت دادن خویش، و اسراف در خوردن و آشامیدن، موجب محرومیت از محبت خداوند است.

خذوا زینتکم . . . و لاتسرفوا إنه لایحب المسرفین

### 44- امتحان با خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 14

14 - خوردن، آشامیدن، تجمل، زیبایی، داشتن همدم و همراهانی موافق، از مهم ترین جاذبه و دلبرستی های انسان و وسیله آزمون او

یطاف علیهم بصحاف . . . و فیها ما تشتهیه الأنفس

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) موارد بالا در این آیات بیان شده و تخصیص به ذکر یافته است. ب) خداوند به اهل تقوا نوید داده است که اگر در این زمینه ها کنترل و تقوا داشته باشند و از حدود الهی نگذرند، در بهشت به همه آنها دست خواهند یافت.

### 45- بهترین خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- فرآورده های درختان خرما و انگور ، از بهترین و سالم ترین فرآورده های خوراکی و نوشیدنی برای انسان

ص: 232

نسقیکم ممّا . . . و من ثمرت النخیل و الأعنب تتخذون منه سکرًا و رزقًا حسنًا

اختصاص به ذکر یافتن فرآورده های درختان خرما و انگور، از میان مجموعه خوراکیها و نوشیدنیها، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

#### 46- پاکیزگی خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 4

4- پاکیزگی و سازگاری خوردنی ها با طبع ، ملاکی در حلیت آنها

احل لکم الطیب

#### 47- تبیین احکام خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 16

16 - بیان احکام خوراکیها، نوشیدنیها، زینتها و تعیین حد و مرز حلیت آنها، نمونه ای از تبیین احکام و آیات الهی از سوی خداوند است.

خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلوا و اشربوا و لاتسرفوا . . . کذلک نفصل الایت

#### 48- تحریم خوردنیهای مباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 119 - 1

1 - برخی از مردم عصر جاهلیت خوردن گوشت حیوانی را که با نام خدا ذبح شده باشد حرام می دانستند.

و ما لکم الا تأکلوا ممّا ذکر اسم الله علیه

#### 49- تشریح احکام خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 119 - 5

5 - خداوند محدوده دقیق خوردنیهای حرام را قبل از نزول آیات سوره انعام برای مردم تبیین کرده بود.

وقد فصل لكم ما حرم عليكم

ص: 233

«قد فصل» فعل ماضی محقق و به معنی «قد بین» است و بر وقوع حتمی فعل در گذشته دلالت دارد. بنابراین باید قبل از نزول این آیات، آیاتی در تحریم برخی خوردنیها نازل شده باشد، که ظاهراً آیه 115 سوره نحل است.

## 50- تکرار نزول آیات خوردنیهای حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 10

10 - نزول آیات متعدد درباره خوردنی های حرام و بیان مکرر آنها برای مردم از سوی خداوند

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يَتْلُو عَلَيْكُمْ

برخی از مفسران برآنند که «یتلی» برای زمان استقبال است؛ یعنی، «گوشت چهارپایانی مانند شتر، گاو و گوسفند برای شما حلال است مگر آنچه را که در آینده برای شما بیان خواهد شد». بنابراین کلمه «یتلی» اشاره دارد به آیه 3 سوره «مائده» است که: «حَرَّمَ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ...» که بعد از آیه مورد بحث، نازل شده است. برخی دیگر از مفسران نیز برآنند که کلمه «یتلی» مضارع استمراری است و اشاره به آیاتی دارد که پیش از آن در مکه (آیه 145 سوره انعام و آیه 115 سوره نحل) و در مدینه پس از گذشت شش ماه از هجرت (آیه 173 سوره بقره) نازل شده است. برداشت یاد شده، بر پایه دیدگاه دوم است.

## 51- حلیت خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 6

6 - حلیت، قانون اولی و اصل کلی در بهره گیری از زینتها، خوراکیها و نوشیدنیهاست.

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ

استفهام انکاری در «من حرم...» دلالت می کند بر این که اگر دلیلی برای حرمت اشیای ذکر شده یافت نشد، باید آنها را حلال دانست و منتظر دلیل خاص نبود، و این معنای اصل کلی و قانون اولی است.

## 52- خوردنی سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 80 - 6

6 - خداوند، بر بنی اسرائیل زمان موسی (ع)، خوردنی های «منّ» (ترنجبین) و «سلوی» (بلدرچین) نازل کرد.

«مَنَّ» فطراتی است که از آسمان بر درخت ها و سنگ ها می نشیند و به صورت عسل در می آید. طعم آن شیرین است و مانند شیره درخت خشک می شود (قاموس). برخی از مفسران آن را ترنجبین معنا کرده اند. «سلوی»، پرنده ای است شبیه کبوتر با پا و



گردنی درازتر که حرکتی سریع دارد و رنگ آن شبیه رنگ بلدرچین است (مصباح). برخی آن را همان بلدرچین می دانند.

### 53- خوردنی من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 80 - 6

6 - خداوند ، بر بنی اسرائیل زمان موسی (ع) ، خوردنی های « منّ » ( ترنجبین ) و « سلوی » ( بلدرچین ) نازل کرد .

و نزلنا علیکم المنّ والسلوی

«منّ» قطراتی است که از آسمان بر درخت ها و سنگ ها می نشیند و به صورت عسل در می آید. طعم آن شیرین است و مانند شیره درخت خشک می شود (قاموس). برخی از مفسران آن را ترنجبین معنا کرده اند. «سلوی»، پرنده ای است شبیه کبوتر با پا و گردنی درازتر که حرکتی سریع دارد و رنگ آن شبیه رنگ بلدرچین است (مصباح). برخی آن را همان بلدرچین می دانند.

### 54- خوردنیهای حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 1 - 9, 7, 6

6 - حرمت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و سایر بهره برداری ها از آن

أحلت لكم بهیمة الانعم الا ما یتلی علیکم

7 - حرمت خوردن برخی از اجزای چهارپایان حلال گوشت

أحلت لكم بهیمة الانعم الا ما یتلی علیکم

بنابر اینکه استثنای در «الا ما یتلی» نسبت به اجزای مستثنی منه باشد نه از افراد آن.

9 - خوردن گوشت و سایر بهره برداری ها از حیوانی که در حال احرام شکار شود ، حرام است .

غیر محلی الصید

بنابر اینکه «صید» به معنای اسم مفعول باشد ؛ یعنی حیوان شکار شده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 96 - 8

8 - حرمت خوردن شکار صحرائی در حال احرام هر چند شخص محرم آن را شکار نکند .

احل لکم صید البحر و طعامه . . . و حرم علیکم صید البر

در برداشت فوق کلمه «صید» به معنای اسم مفعول - حیوان شکار شده - گرفته شده است. و این معنا اعم از این است که خود محرم و یا شخص دیگری آن حیوان را شکار کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 235

5 - خداوند محدوده دقیق خوردنیهای حرام را قبل از نزول آیات سوره انعام برای مردم تبیین کرده بود.

وقد فصل لکم ما حرم علیکم

«قد فصل» فعل ماضی محقق و به معنی «قد بین» است و بر وقوع حتمی فعل در گذشته دلالت دارد. بنابراین باید قبل از نزول این آیات، آیاتی در تحریم برخی خوردنیها نازل شده باشد، که ظاهراً آیه 115 سوره نحل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - خوردن میته حرام است.

و لا تأکلوا مما لم یذکر اسم الله علیه

از موارد و مصادیق مسلم برای «ما لم یذکر اسم الله»، حیوانی است که خود مرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن یكون میته أو دما مسفوحا أو لحم خنزیر فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- خوردن مردار، خون و گوشت خوک، حرام است.

حرّم علیکم المیته و الدم و لحم الخنزیر

2- خوردن گوشت حیوانی که به هنگام ذبح، نام غیر خدا بر آن برده شود، حرام است.

حرّم علیکم .. ما أهلّ لغير الله به

برداشت فوق، بنابراین میناست که مراد از «ما أهلّ ..» بر زبان آوردن نام غیر خدا - مانند بت -، به هنگام ذبح حیوانات باشد.

3- حرمت خوردن گوشت حیوان قربانی شده برای غیر خدا

حَرَمَ عَلَیْكُمْ . . . مَا أَهْلَ لَغَیْرِ اللَّهِ بِهِ

برداشت فوق، بنابراین نکته است که مراد از «ما اهلّ . . .» قربانیهایی باشد که مشرکان برای بتها انجام می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 118 - 6

6- یکسانی محرّمات اصلی خوردنی ها ، در همه شریعت های آسمانی

و علی الذین هادوا حرّمنا . . . و ما ظلمنهم و لکن كانوا انفسهم یظلمون

چنان که از ارتباط این آیه با آیه قبل استفاده می شود، آیه شریفه در مقام پاسخ به سؤالی مقدر است که چرا یهودیان به تکالیف فزون تر مکلف شده اند؛ ولی در مقام بیان نگفته است که هر شریعتی تکلیف خاص به خود را دارد؛ بلکه یکسانی تکالیف را پذیرفته و بر اساس آن، عملکرد ظالمانه خود یهود را دلیل حرام شدن برخی از حلالها شمرده است.

ص: 236

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 11

11 - استفاده از گوشت حیوانی که با نام غیر خدا ذبح شده باشد حرام است .

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ

کلمه «ما» در «إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ» هر چند که عام است و شامل همه مواردی می شود که در آیات «محرّمات أكل» بیان شده است؛ لکن به قرینه جمله «وَيَذَكُرُوا اسْمَ اللَّهِ.. عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنَ الْبَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ» در دو آیه پیشین، و نیز تفریع جمله «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ...» (ذیل آیه) بر جمله «أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ»، می توان گفت که مراد از «ما» خصوص موردی است که حیوانی با نام غیر خدا (بت ها)، ذبح شده باشد.

### 55- خوردنیهای حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 1

1 - پرسش مکرر مردم از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، درباره خوردنیهایی که بر آنان حلال است .

يَسْئَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ اللَّهُ الطَّيِّبَاتِ

فِرَازَهَائِ بَعْدَى آيَةِ هَمَانِدَ «فَكُلُوا»، نشان می دهد که سؤال درباره خوردنیهای حلال بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 96 - 5

5 - شکار حیوان های دریایی در صورتی جایز است که به منظور بهره گیری شکار شوند نه به خاطر تفریح و امثال آن

أَحَلَّ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَطَعَامَهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلنَّاسِ

چنانچه متاعاً مفعول له باشد بیانگر علت تجویز صید و طعام بوده و در نتیجه حکم حلیت دائر مدار آن می باشد بنابراین شکار دریائی تنها در صورت تمتع و بهرهوری مجاز شمرده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 118 - 2

2 - خوردن ذبیحه ای که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده شده، مجاز است.

فكلوا مما ذكر اسم الله عليه إن كنتم بآيته مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 142 - 2

2 - جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم . . . كلوا مما رزقكم الله

ص: 237

«أنعام» جمع «نعم» به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 2

2 - حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن .. قلع الذکرین حرم أم الأثنین أما اشتملت علیه أرحام الأثنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 2

2 - استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثین .. قلع الذکرین حرم أم الأثنین أما اشتملت علیه أرحام الأثنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 115 - 5

5 - اصل و قاعده اولیه در تمام خوراکی ها، حلال بودن آنهاست.

فکلوا .. حلالاً طیباً ... إنما حرّم علیکم المیتة ... و ما أهلّ لغير الله به

اطلاق «کلوا» و حصر استفاد از «إنما حرّم» مفید مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 15

15 - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 8

8 - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ

«أنعام» (جمع «نعم») در اصل به معنای شتر است. بنابراین «أنعام»؛ یعنی، شتران لکن گاهی «أنعام»؛ گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از «أنعام» در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله «أحلت لكم الأنعام» به تقدیر «أحلت لكم أكل لحوم الأنعام» می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 72 - 6

6 - بخش زیادی از اجزای بدن شتر، گاو و گوسفند قابل خوردن است؛ نه همه آنها.

و منها یا کلون

ص: 238



برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که «من» در «منها» برای تبعیض و ناظر به بعضیت در اجزاء باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 73 - 1

1 - شتر ، گاو و گوسفند - علاوه بر خوردن و سوار شدن - دارای منافع بسیار و انواع سود ها برای بشر است .

فمنها ركوبهم و منها يأكلون . و لهم فيها منفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 79 - 5

5 - جواز خوردن گوشت شتر ، گاو و گوسفند

الأنعم . . . و منها تأكلون

### 56- خوردنیهای خبیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 172 - 5

5 - استفاده از خوراکی های خبیث ( ناپاک و ناملایم با طبع ) حرام است .

كلوا من طيبات ما رزقنكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 3

3 - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

كلوا من طيبات . . . إنما حرم عليكم الميتة . . . و ما أهل به لغير الله

### 57- خوردنیهای سالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- فرآورده های درختان خرما و انگور، از بهترین و سالم ترین فرآورده های خوراکی و نوشیدنی برای انسان

نسقیکم ممّا . . . و من ثمرت النخیل و الأعنب تتخذون منه سکرًا و رزقًا حسنًا

اختصاص به ذکر یافتن فرآورده های درختان خرما و انگور، از میان مجموعه خوراکیها و نوشیدنیها، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

ص: 239

## 58- خوردنیهای طیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 168 - 3

3 - پاکیزه و موافق طبع بودن و حلیت، دو شرط اساسی در توصیه خداوند به خوردن و بهره برداری از فراورده های زمین

كلوا مما فی الأرض حللاً طیباً

در برداشت فوق «حللاً» و «طیباً» حال برای «ما» گرفته شده است. کلمه «طیب» - چنانچه از موارد استعمال به دست می آید - معادل کلمه «خوب» در فارسی است و لذا در هر جمله ای، مناسب حکمی که در آن جمله مطرح است، تفسیر می شود.

## 59- خوردنیهای مباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 14 - 4

4- استفاده از مظاهر طبیعت، برای خوراک، پوشاک و زیورآلات مباح است.

لتأكلوا منه لحمًا طریاً و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 12 - 9

9 - استفاده از مظاهر طبیعت، برای خوراک، پوشاک و زیورآلات، مجاز و روا است.

و من كل تأكلون لحمًا طریاً و تستخرجون حلیه تلبسونها

## 60- درخواست خوردنی گیاهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 61 - 5,6

5 - بنی اسرائیل، از موسی (ع) خواستند تا برای رسیدن به خوراکی های گیاهی به درگاه خدا دعا کند.

فادع لنا ربك یخرج لنا مما تنبت الأرض

6- قوم موسی، خواهان خوراکی های گیاهی و روئیده شده از زمین بودند .

فادع لنا ربك يخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و... بصلها

عبارت «مما تنبت الأرض» (آنچه از زمین برویاندش) دلالت بر این دارد که: قوم موسی، خوراکیهایی را طلب می کردند که گیاهی بوده و محصول زمین باشد. اضافه شدن کلمات «بقل» و «بصل» به ضمیر «ها» - که به «الأرض» بر می گردد - (سبزیجات

ص: 240

زمین و ... پیاز زمین)، بیانگر تأکید آنان بر زمینی بودن خوراکیهای درخواستی است.

### 61- شرایط استفاده از خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 168 - 3

3 - پاکیزه و موافق طبع بودن و حلیت، دو شرط اساسی در توصیه خداوند به خوردن و بهره برداری از فراورده های زمین

كلوا مما فی الأرض حلالاً طیباً

در برداشت فوق «حلالاً» و «طیباً» حال برای «ما» گرفته شده است. کلمه «طیب» - چنانچه از موارد استعمال به دست می آید - معادل کلمه «خوب» در فارسی است و لذا در هر جمله ای، مناسب حکمی که در آن جمله مطرح است، تفسیر می شود.

### 62- شرایط حلیت خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 114 - 14

14- ملاک و معیار خوردنی های مجاز، مطابق با طبع و ذائقه طبیعی انسان و حلال شرعی بودن است.

فكلوا ممّا رزقكم الله حلالاً طیباً

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه شریفه - به قرینه آیه بعد (إنما حرم علیکم المیتة ..) - درصدد بیان قلمرو خوردنیهای مجاز و غیر مجاز است.

### 63- علاقه به خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 14

14 - خوردن، آشامیدن، تجمل، زیبایی، داشتن همدم و همراهانی موافق، از مهم ترین جاذبه و دل بستگی های انسان و وسیله آزمون او

یطاف علیهم بصحاف ... و فیها ما تشتهیه الأنفس

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) موارد بالا در این آیات بیان شده و تخصیص به ذکر یافته است. ب) خداوند به اهل تقوا نوید داده است که اگر در این زمینه ها کنترل و تقوا داشته باشند و از حدود الهی نگذرند، در بهشت به همه آنها دست خواهند یافت.



## 64- نعمت خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 81 - 4

4 - خوردنی ها ، رزق و عطیه الهی است .

كلوا من طيبت ما رزقنكم

## 65- نقش خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 81 - 15

15 - وجود زمینه های خطرناک برای طغیان گری ، در خوردنی ها

كلوا... ولا تطغوا فيه

ضمیر در «فیه» ممکن است به مصدر برگرفته شده از فعل «كلوا» (یعنی «أكل») بازگردد و ممکن است «ما» در «ما رزقناکم» به اعتبار ارتباط با فعل «كلوا» مرجع ضمیر باشد. در هر صورت می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

ص: 242

## 11- خورشید پرستی

### 1- بی منطقی خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 5

5 - پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی ، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءایته .. لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

### 2- تاریخ خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 1

1 - پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی

### 3- خورشید پرستی در دوران ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 1

ص: 243



1 - پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی

#### 4- خورشید پرستی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 6

6- وجود گرایش های خورشیدپرستی و ماه پرستی ، در میان مردم عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لاتسجدوا للشمس ولا للقمر

مطلب بالا با توجه به این نکته است که نهی در موردی معنا دارد که زمینه ارتکاب منهی عنه وجود داشته باشد.

#### 5- رة خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 78 - 2

2- ابراهیم(ع) در مقام مجادله و برای ابطال عقاید شرک آمیز قوم خویش تظاهر به خورشیدپرستی کرد.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی

#### 6- ناپسندی خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 5

5- پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی ، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءایته ... لاتسجدوا للشمس ولا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

## 12- خورشید

### 1- خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 258 - 14

14 - طلوع دائمی خورشید از مشرق ، جلوه ای از قدرت الهی و نشانه ربوبیت او

حاج ابرهیم فی ربّه .. فان الله يأتي بالشمس من المشرق

### 2- آثار مطالعه در خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 13 - 3

3 - مطالعه در ویژگی های خورشید و فواید آن برای انسان ، زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عمّ يتساءلون .. ألم نجعل ... و جعلنا سراجًا وهاجًا

### 3- آثار نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 2 - 3

3 - نور ماه ، تابع نور خورشید است . \*

و القمر إذا تليها

جانشین بودن ماه برای خورشید و نه عکس آن، بیانگر فرع بودن نور ماه است.

ص: 245

#### 4- استفاده از خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 12 - 6، 2

2- رام و مسخر بودن خورشید ، ماه ، شب و روز از نعمت های الهی و در جهت بهره برداری انسان است .

و سخر لکم الیل و النهار و الشمس و القمر

6- بهره بردن آدمی از شب ، روز ، ماه و خورشید متفاوت با بهره بردن او از ستارگان است .

سخر لکم .. الشمس ... و النجوم مسخرت بأمره

با توجه به اینکه خداوند در رابطه با تسخیر شب، روز، ماه و خورشید لفظ «سخر لکم» را به کار برد، ولی برای تسخیر ستارگان لفظ «مسخرات بأمره» را بدون لفظ «لکم» آورد، مطلب فوق به دست می آید.

#### 5- انقیاد خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 15، 5

5- خورشید و ماه مقهور خدا و رام فرمان اویند .

سخر الشمس و القمر

«تسخیر» (مصدر سخر) به معنای رام کردن و غلبه یافتن است.

15- نظام هستی (برافراشته بودن آسمانها ، رام بودن خورشید و ماه به فرمان خدا و حرکت آنها ) دلیل و آیتی بر ربوبیت خداوند

الله الذی رفع السموت .. لعلکم بقاء ربکم توقنون

چون خداوند در ابتدای آیه با جمله «الله الذی ..» توصیف و معرفی شد، ظاهر آن بود که در جمله «لعلکم ...» نیز «لعلکم بقاء الله» آورده شود. این تعویض ؛ یعنی، آوردن «ربکم» به جای «الله» می رساند که مقصود اصلی از توصیف «الله» به ویژگیهای یاد شده، اثبات ربوبیت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 1

1 - سجده ( خضوع و انقیاد ) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أن الله يسجد له من في السموات ومن في الأرض . . . والشجر والدواب

«سجود» (مصدر «يسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 6

ص: 246

6- خورشید و ماه، مقهور و مسخر (تحت فرمان) خداوندند.

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 3

3- خورشید و ماه، مسخر خدا و رام اراده او

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 6

6- خورشید و ماه، مسخر خدا و رام اراده او هستند.

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

### 6- اهمیت خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 4

4- خلقت خورشید شگرف تر و شایان توجه تر از آفرینش ماه\*

و من آیته... الشمس والقمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم نام خورشید بر قمر، اشاره به اهمیت بیشتر آن در منظومه شمسی و شناخت اجرام آسمانی باشد.

### 7- اهمیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 16 - 3

3- ماه تابان و خورشید فروزنده، جلوه قدرت و عظمت خداوند

مالکم لاترجون لله وقارًا . . . و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

## 8- اهمیت ذکر طلوع خورشید

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 247

4- خداوند ، خواهان توجه جن و انس به نقش مهم نقطه طلوع و غروب خورشید ، در زندگی آنان

رَبِّ الْمَشْرِقِينَ .. فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

خداوند متعال، با پرسش انکارآمیز خویش (فَبَأَىءَ الْآءِ ..) جن و بشر را به تأمل درباره اهمیت دو مشرق دو مغرب (میل اعظم شمالی در آغاز تابستان و میل اعظم جنوبی در آغاز زمستان) فرا خوانده است.

### 9- اهمیت ذکر غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- خداوند ، خواهان توجه جن و انس به نقش مهم نقطه طلوع و غروب خورشید ، در زندگی آنان

رَبِّ الْمَشْرِقِينَ .. فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

خداوند متعال، با پرسش انکارآمیز خویش (فَبَأَىءَ الْآءِ ..) جن و بشر را به تأمل درباره اهمیت دو مشرق دو مغرب (میل اعظم شمالی در آغاز تابستان و میل اعظم جنوبی در آغاز زمستان) فرا خوانده است.

### 10- اهمیت طلوع خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- اهمیت و نقش حیاتی طلوع و غروب خورشید در زندگی بشر

رَبِّ الْمَشْرِقِ

از اختصاص به ذکر یافتن ربوبیت خدا نسبت به مشرق های خورشید - با آن که خورشید جزئی از آسمان ها است - برداشت یاد شده به دست می آید.

### 11- اهمیت غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- اهمیت و نقش حیاتی طلوع و غروب خورشید در زندگی بشر

ربّ المشرق

از اختصاص به ذکر یافتن ربوبیت خدا نسبت به مشرق های خورشید - با آن که خورشید جزئی از آسمان ها است - برداشت یاد شده به دست می آید.

ص: 248



## 12- بی منطقی خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 5

5- پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءایته ... لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

## 13- پایان گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 38 - 2

2- حرکت خورشید، روزی به پایان رسیده و در موعد مقرر و زمان مشخص، عمرش به سر خواهد رسید.

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که «مستقر» اسم زمان و «لام» در آن، برای تعلیل و متضمن معنای «انتهاء» باشد؛ یعنی، خورشید به علت رسیدن به انتهای حرکت خود، روان می شود.

## 14- تأثیر پذیری خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 1 - 3

3- امکان تأثیر عوامل دیگر بر خورشید

إذا الشمس کورت

فعل «کورت» مجهول است و بر تأثیر پذیری خورشید دلالت دارد.

## 15- تابش خورشید به غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 17 - 8،6،3،1

ص: 249

1- غار اصحاب كهف ، به گونه ای بود كه خورشید ، صبح گاهان به سمت راست آن و عصر ، به جانب چپ آن می تابد .

و ترى الشمس إذا طلعت تزور عن كهفهم ذات اليمين وإذا غربت تقرضهم ذات الشمال

«تأور» به معنای منحرف شدن و مایل گشتن است (لسان العرب). بنابراین، مفاد عبارت «إذا طلعت تزور عن كهفهم...» این است كه خورشید، به هنگام طلوع، به جانب راست غار متمایل می گشت. «قرض» به معنای بریدن و قطع كردن است، از این رو، جمله «وإذا غربت تقرضهم ذات الشمال» یعنی، خورشید، به هنگام غروب، در جانب چپ از آنان درمی گذشت.

3- اندکی از اشعه آفتاب در آستانه غروب ، به داخل غار اصحاب كهف تابیده می شد . \*

إذا طلعت تزور عن كهفهم... و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال

در بیان نحوه تابش آفتاب بر اصحاب كهف به هنگام طلوع و غروب، دو تعبیر مختلف به كار گرفته شده است: در مورد طلوع، غار، محل تابش قرار گرفته، ولی در مورد غروب، خود اصحاب كهف. (تقرضهم).

6- بدن اصحاب كهف ، در غار ، از تابش مستقیم نور آفتاب ، در امان بود .

تزور عن كهفهم ذات اليمين... تقرضهم ذات الشمال و هم فی فجوه منه

«فجوه» به مكان و فضای وسیعی كه در بین دو چیز قرار گرفته باشد، گفته می شود. قرار داشتن محل استراحت اصحاب كهف در «فجوه» و فضای وسیع غار و ذكر آن پس از بیان نحوه تابش آفتاب، چنین می نماید كه به مصون بودن بدن های آنان از تابش نور مستقیم، اشاره داشته باشد.

8- موقعیت جغرافیایی ویژه غار و استراحت گاه اصحاب كهف و نحوه تابش خورشید به آن ، از آیات الهی است .

ذلک من آیت الله

مشارالیه «ذلک» مطالب مطرح شده در آیه، درباره وضعیت جغرافیایی غار و نحوه قرار گرفتن اصحاب كهف در آن و دیگر خصوصیات است.

## 16- تاریخ خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 3

3 - تقدم خلقت خورشید بر ماه \*

و من آیته... الشمس والقمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم ذکر «شمس» بر «قمر» ناظر به مطلب بالا باشد.

## 17- تاریخ خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 1

1 - پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربى

ص: 250

## 18- تداوم حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 33 - 2

2- خورشید و ماه دارای حرکتی با روال مشخص و وضعیتی همیشگی

و سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ

«دائِبِينَ» تشبیه «دَائِب» و از ریشه «دَاب» و به معنای عادت و روال همیشگی است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16- زمر - 39 - 5 - 7

7- حرکت منظم و بی وقفه خورشید و ماه

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي

فعل مضارع «يجرى»، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

## 19- تداوم گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15- فاطر - 35 - 13 - 4

4- حرکت منظم و بیوقفه خورشید و ماه

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي

فعل مضارع «يجرى»، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

## 20- تدبیر گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18- رحمن - 55 - 18 - 1

1- تجلی ربوبیت الهی، در تدبیر و طرح ریزی نظام گردش خورشید

رَبِّ الْمَشْرِقَيْنِ .. فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانَ

ص: 251

## 21- تسخیر خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 11

11- آفرینش آسمان های متعدد و رفیع ، تسخیر خورشید و ماه ، از نشانه های توان و اقتدار خدا و یکتایی او در تدبیر هستی است .

یفصل الأیت

جمله های «الله الذی رفع السموت . . .» حاکی است که متعلق «آیات» اقتدار خداوند ، سلطه او بر هستی و تدبیر آفرینش است ؛ یعنی: «یفصل الأیات الداله علی قدرته و . . .» .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 33 - 5، 4، 1

1- خداوند ، رام سازنده خورشید و ماه برای بهره برداری انسان

و سخّر لكم الشمس و القمر دائبین

4- رام کردن خورشید ، ماه و شب و روز برای انسان ، دلیل توحید خداوند

الله الذی خلق . . . و سخّر لكم الشمس و القمر دائبین و سخّر لكم الیل و النهار

5- رام بودن خورشید ، ماه و شب و روز برای انسان ، نمودی از نعمت و لطف خداوند بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذی خلق . . . و سخّر لكم الشمس و القمر دائبین و سخّر لكم الیل و النهار

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن مشوق بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله «إن الإنسان لظلوم کفّار» در آیه بعد مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 12 - 7، 2، 1

1- خداوند شب ، روز ، خورشید و ماه را برای آدمیان رام و مسخر ساخته است .

هو الذی . . . و سخّر لكم الیل و النهار و الشمس و القمر

2- رام و مسخر بودن خورشید ، ماه ، شب و روز از نعمت های الهی و در جهت بهره برداری انسان است .

و سَخَّرَ لَكُمَّ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

7- رام و مسخر بودن شب ، روز ، خورشید ، ماه و ستارگان نشانه هایی از خدا و نمونه هایی از قدرت اوست .

و سَخَّرَ لَكُمَّ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ .. . إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 61 - 5, 4, 1

1 - مشرکان ، به خالقیت خدا برای آسمان ها و زمین و مسخر کننده خورشید و ماه ، باور داشتند .

و لئن سألتهم من خلق السموت والأرض وسخر الشمس والقمر ليقولنَّ الله

4 - خورشید و ماه ، از سوی خداوند ، رام و مسخر شده اند .

من . . . وسخر الشمس والقمر ليقولنَّ الله

ص: 252



5 - انکار آیات خدا و ایمان به باطل ، از سوی مشرکان ، به رغم باور آنان بر خالقیت خدا و تسخیر خورشید و ماه از سوی او ، امری شگفت آور است .

و ما یجحد بآیتنا إلاّ الکفرون . . . وقالوا لولا أنزل علیه آیت ... و الذین ءا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 20 - 9

9 - مسخر و رام بودن ماه و خورشید ، از آیه های خداوند است .

ألم تر أنّ الله... و سخر الشمس والقمر

20 - توجه ژرف به گردش شب و روز و رام بودن و در مدار مشخص بودن خورشید و ماه ، انسان را به قابل فهم بودن آگاهی خداوند از اعمال انسان ها ، رهنمون می کند .

ألم تر... و أنّ الله بما تعملون خبير

«أَنَّ اللَّهَ بِمَا..» عطف بر «أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ...» است. بنابراین، ارتباط «أَنَّ اللَّهَ...» با فراز قبلی هم روشن می شود و آن این است که هر کس چنان ساخت و سازی را ببیند، خواهد فهمید که خداوند، به کردار انسان ها آگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 10

10 - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت والأرض... کلّ یجرى لأجل مسمّی ألا هو العزیز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و... گویای برداشت یاد شده است.

## 22- تشبیه خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 16 - 1

1 - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

### 23- تشبیه غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 3

3- غروب خورشید در نقطه پایانی سفر ذوالقرنین به جانب مغرب، چونان فرورفتن آن در چشمه ای تیره فام بود.

ص: 253

وجدها تغرب فی عین حمئه

از جمله معانی «عین» چشمه است و به قرینه «وجدها» (آن را چنان یافت که) مراد آیه آن نیست که خورشید، در چشمه ای دارای گل سیاه فرو می رفت، بلکه منظره غروب خورشید را ذوالقرنین آنگونه مشاهده کرد.

## 24- تعبیر رؤیای سجده خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 6 - 9

9- خضوع و سجود ستارگان ، ماه و خورشید برای انسان در رؤیا ، نشان برگزیده شدن و دستیابی او به علم و دانش است .

ینی رأیت أحد عشر کوکباً .. کذلک یجتیبک ربک و یعلمک

## 25- تعقل در خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 16 - 6, 5, 4

4 - سرزنش شدن قوم نوح از سوی پیامبرشان ، به سبب نیندیشیدن درباره چگونگی آفرینش ماه تابان و خورشید فروزان

ألم تروا کیف خلق الله .. و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

5 - اندیشه در چگونگی آفرینش ماه و خورشید ، راهی برای شناخت خدا و اوصاف او

ألم تروا کیف .. و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

6 - نوح (ع) ، قوش را به اندیشه و مطالعه درباره چگونگی آفرینش ماه و خورشید ، به منظور پی بردن به عظمت خداوند تشویق و تحریض می کرد .

ألم تروا کیف .. و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

## 26- تغییر عناصر خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 1 - 4

4 - ساختمان داخلی خورشید ، تشکیل یافته از عناصری قابل تغییر

إذا الشمس كورت

ص: 254

## 27- تنوع نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 3

3 - خورشید ، دارای نور های گوناگون

هو الذی جعل الشمس ضیاء

«ضیاء» می تواند جمع «ضوء» باشد. برداشت فوق بر همین پایه است.

## 28- جذب ماه توسط خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 9 - 1

1 - در آستانه برپایی قیامت ، کره ماه بهوسیله خورشید جذب و بلعیده خواهد شد .

و جمع الشمس و القمر

## 29- حاکم خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 10

10- تدبیر امور عالم تنها در خور برافرازنده آسمانها ، سلطه دار عرش ، و اختیاردار خورشید و ماه است .

الله الذی رفع السموت . . . یدبر الأمر

در ترکیب «الله الذی . . .» دو وجه گفته شده است: 1- «الله» مبتدا و «الذی» صفت آن است و جمله «یدبر الأمر» خبر برای «الله». 2- «الله» مبتدا و «الذی» خبر آن است. برداشت فوق از هر دو وجه استفاده می شود، اگرچه بنابر وجه دوم دلالت آیه بر برداشت فوق صریح تر و روشن تر است.

## 30- حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 15، 6

6- آسمانها، عرش، خورشید و ماه تا سرآمدی معین در حرکتند.

### کل یجری لأجل مسمی

مضاف الیه محذوف از کلمه «کل» ضمیری است که به «السموت»، «عرش»، «شمس» و «قمر» باز می‌گردد. «مسّمی» یعنی مشخص و معین. «اجل» در لغت به معنای مدت و نیز به معنای پایان مدت آمده است. برداشت فوق بر اساس دومین معناست.

ص: 255

گفتنی است که بر این مبنا «لام» در «لأجل» به معنای «إلی» خواهد بود.

15- نظام هستی (برافراشته بودن آسمانها، رام بودن خورشید و ماه به فرمان خدا و حرکت آنها) دلیل و آیتی بر ربوبیت خداوند

الله الذی رفع السموت .. لعلمکم بقاء ربکم توقنون

چون خداوند در ابتدای آیه با جمله «الله الذی ..» توصیف و معرفی شد، ظاهر آن بود که در جمله «لعلمکم ...» نیز «لعلمکم بقاء الله» آورده شود. این تعویض؛ یعنی، آوردن «ربکم» به جای «الله» می رساند که مقصود اصلی از توصیف «الله» به ویژگیهای یاد شده، اثبات ربوبیت اوست.

### 31- خالق خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 1

1- تنها خداوند، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 9

9- خداوند، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و من آیته .. الذی خلقهنّ

### 32- خاموشی خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 1 - 1

1 - خورشید در آستانه آخرت، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد .

إذا الشمس کورت

«کُور» و «تکویر» به معنای پیچاندن است، جز این که «تکویر» بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شریفه این است که خورشید، به شدت بهم پیچانده خواهد شد. برخی «تکویر شمس» را به معنای نابود ساختن خورشید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند.

(لسان العرب)

### 33- خلقت خورشيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 256



10 - خورشید و ماه و ستارگان ، آفریده های خداوند و مقهور امر و اراده او

خلق السموت . . و الشمس و القمر و النجوم مسخرت بأمره

کلمه «الشمس» و ما بعد آن، عطف به «السموت» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 7

7 - آفرینش خورشید و ماه و متفاوت قرار داده شدن آن دو در درخشندگی ، جلوه های حکمت خدا و بر پایه حق و هدفی مشخص

هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً . . ما خلق الله ذلك إلا بالحق

«حق» در مقابل «باطل» (بیهوده) است ؛ یعنی، خداوند ماه و خورشید را بیهوده و بی هدف نیافریده، بلکه آفرینش آنها بر پایه حق و هدف خاصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 4

4- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه ، نشانی از توحید ربوبی است .

و هو الذی خلق الیل . . کلّ فی فلک یسبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 61 - 10، 9، 5

5 - خداوند در آسمان ها خورشید آفرید .

و جعل فیها سراجاً

«سراج» به معنای چراغ است؛ ولی مقصود از آن در آیه شریفه - به قرینه آمدن «القمر» (ماه) - خورشید است؛ چنان که در آیه 16 سوره نوح به خورشید سراج گفته شده است (و جعل الشمس سراجاً).

9 - آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . . . وقمرًا منیرًا

10 - آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . . . وقمرًا منیرًا

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 10، 8، 6

6 - آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی (الله)

والله خلقکم من تراب . . . ثم جعلکم أزواجًا . . . و ما یستوی البحران . . . و سخر ال

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

ص: 257

8 - آفرینش جهان (انسان، دریا، خورشید و ماه)، جلوه ای از ربوبیت خدا است.

اللّٰه خلقکم من تراب .. و ما یستوی البحران ... و سخر الشمس و القمر ... ذلکم ال

10 - آفرینش انسان، دریا، خورشید و ماه، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است.

و اللّٰه خلقکم من تراب .. و ما یستوی البحران ... و سخر الشمس و القمر ... له ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 20، 18

18 - آفرینش جهان (آسمان، زمین، خورشید، ماه و انسان) جلوه ربوبیت خدا است.

خلق السموت و الأرض .. خلقکم من نفس وحده ... ذلکم اللّٰه ربکم

20 - آفرینش آسمان ها، زمین، خورشید، ماه و انسان، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است.

خلق السموت و الأرض .. له الملک

### 34- خورشید از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 38 - 4

4 - خورشید، به هنگام روان شدن به سوی قرارگاه ویژه اش، از آیات و نشانه های بزرگ قدرت خداوند است.

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده از آن جا است که «والشمس» عطف بر «اللیل» است و همان گونه که شب از آیات الهی شناسانده شده (و آیه لهم اللیل) خورشید نیز چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 1

1 - «شب و روز» و «خورشید و ماه»، از آیات و نشانه های خداوند است.

و من ءایته اللیل و النهار و الشمس و القمر

### 35- خورشید پرستی در دوران ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 1

1 - پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی

ص: 258

### 36- خورشید پرستی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 6

6 - وجود گرایش های خورشیدپرستی و ماه پرستی ، در میان مردم عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

مطلب بالا با توجه به این نکته است که نهی در موردی معنا دارد که زمینه ارتکاب منهی عنه وجود داشته باشد.

### 37- خورشید در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 1 - 6

6 - « عن أبي مریم انّ النبی (صلی الله علیه و آله) قال : فی قوله « إذا الشمس کوّرت » قال : کوّرت فی جهنّم ؛

از ابی مریم روایت شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره سخن خداوند «إذا الشمس کوّرت» فرمود: خورشید در جهنم در هم پیچیده خواهد شد».

### 38- خورشید در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 1 - 5,1

1 - خورشید در آستانه آخرت ، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد .

إذا الشمس کوّرت

«کوّر» و «تکویر» به معنای پیچاندن است، جز این که «تکویر» بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شریفه این است که خورشید، به شدت بهم پیچانده خواهد شد. برخی «تکویر شمس» را به معنای نابود ساختن خورشید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

5 - « عن النبی (صلی الله علیه و آله) قال : الشمس و القمر مکوّران یوم القیامه ؛

از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: خورشید در روز قیامت به هم پیچانده شده و ماه نیز چنین خواهد شد».

### 39- درهم بیچیدگی خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 1 - 5,6,1

ص: 259

1 - خورشید در آستانه آخرت ، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد .

إذا الشمس كورت

«کُور» و «تکویر» به معنای پیچاندن است، جز این که «تکویر» بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شریفه این است که خورشید، به شدت بهم پیچانده خواهد شد. برخی «تکویر شمس» را به معنای نابود ساختن خورشید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

5 - « عن النبي (صلى الله عليه وآله) قال : الشمس والقمر مكوران يوم القيامة ;

از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: خورشید در روز قیامت به هم پیچانده شده و ماه نیز چنین خواهد شد».

6 - « عن أبي مریم انّ النبي (صلى الله عليه وآله) قال : في قوله « إذا الشمس كورت » قال : كورت في جهنم ;

از ابی مریم روایت شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره سخن خداوند «إذا الشمس كورت» فرمود: خورشید در جهنم در هم پیچیده خواهد شد».

#### 40- ذوالقرنین و خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 89 - 4

4- « عن أمير المؤمنين (ع) : . . . « ثم أتبع سبباً » ذوالقرنین من الشمس سبباً ;

از امیرالمؤمنین (ع) [در توضیح این سخن خدا]: «ثم أتبع سبباً» روایت شده: ذوالقرنین، از خورشید، به عنوان یک سبب بهره گرفت».

#### 41- ردّ خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 2

2 - ابراهیم (ع) در مقام مجادله و برای ابطال عقاید شرک آمیز قوم خویش تظاهر به خورشیدپرستی کرد.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی

#### 42- ردّ ربوبیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - افول پذیری و پنهان گشتن خورشید، گواه بر دخیل نبودن آن در «ربوبیت» هستی است.

قال هذا ربی هذا أكبر فلما أفلت

ص: 260



### 43- روشنایی خورشید از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 12 - 3

3- محو شدن نور ماه در شب و روشننگری خورشید ، دو نشانه از نشانه های خداست .

فمحونا ءایه الیل و جعلنا ءایه النهار مبصره

این برداشت بنابراین است که منظور از «آیه اللیل» ماه و «آیه النهار» خورشید باشد.

### 44- زوال پذیری خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 1 - 2

2 - خورشید ، جاودان نیست .

إذا الشمس كورت

### 45- زوال خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 1 - 1

1 - خورشید در آستانه آخرت ، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد .

إذا الشمس كورت

«کُور» و «تکویر» به معنای پیچاندن است، جز این که «تکویر» بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شریفه این است که خورشید، به شدت بهم پیچانده خواهد شد. برخی «تکویر شمس» را به معنای نابود ساختن خورشید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

### 46- سجده بر خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 24 - 2

2- سجده در برابر خورشید ، شیوه پرستش مردم سبا

یسجدون للشمس

ص: 261

## 47- سجده خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 1

1 - سجده ( خضوع و انقیاد ) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ الله يسجد له من فى السموت و من فى الأرض . . . و الشجر و الدواب

«سجود» (مصدر «يسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

## 48- سجده خورشید بر یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 2,4,1

1- یوسف (ع) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إني رأيت أحد عشر كوكبًا والشمس والقمر رأيتهم لى سجدین

2- یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأيتهم لى سجدین

ضمیر «هم» و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

4- ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . \*

إني رأيت أحد عشر كوكبًا . . . رأيتهم لى سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل «رأيت» به دست آورد.

## 49- سجده خورشید در رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 4

4- ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . \*

إني رأيت أحد عشر كوكبًا . . . رأيتهم لي سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل «رأیت» به دست آورد.

ص: 262

## 50- سوگند به خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 1 - 1 - 1

1 - سوگند خداوند به خورشید

و الشمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 9 - 3 - 1

3 - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » ، « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « روح » و « ذات خویش » ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . قد أفلح من زكّيتها

جمله «قد أفلح . . .» جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله «كذّبت ثمود...» و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 10 - 4 - 1

4 - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « نفس انسان » و « ذات خویش » سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . وقد خاب من دسّيتها

تکرار «قد»، نشانگر آن است که جمله «قد خاب...»، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

## 51- سوگند به غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 4 - 2 - 1

2 - سوگند خداوند ، به هنگامی که شب ، خورشید را می پوشاند .

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در «یغشاهها»، «الشمس» دانسته شده است.

ص: 263

## 52- سوگند به نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 1 - 2

2 - سوگند خداوند ، به نور گسترده خورشید به هنگام چاشت

و ضحیها

«ضحی» در معانی گسترش نور خورشید و «پهناور شدن روز» (مفردات راغب) و اندکی پس از بالا آمدن روز (قاموس) به کار می رود. اضافه شدن «ضحی» به ضمیری که به خورشید بر می گردد، بیانگر آن است که مراد از آن، گسترش نور خورشید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 9 - 3

3 - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » ، « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « روح » و « ذات خویش » ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . قد أفلح من زكّیها

جمله «قد أفلح . . .» جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله «كذّبت ثمود...» و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 10 - 4

4 - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « نفس انسان » و « ذات خویش » سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . وقد خاب من دسیها

تکرار «قد»، نشانگر آن است که جمله «قد خاب...»، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 1 - 2, 1

1 - سوگند خداوند ، به چاشت گاه و به گسترش نور خورشید در آن زمان

و الضحی

«ضحی» در معانی گسترش نور خورشید و «پهناور شدن روز» (مفردات راغب) و «اندکی پس از بالا آمدن روز» (قاموس) به کار می رود.

2- وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و الضحی

ص: 264



### 53- شعور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 2

2- یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه، خورشید و ستارگان بر او، سجده ای از سر شعور و آگاهی است.

رأیتهم لی سجدین

ضمیر «هم» و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف (ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

### 54- شگفتی خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 1 - 3

3 - خورشید و نور گسترده آن هنگام چاشت، آفریده هایی با عظمت و شگفت

و ضحیها

### 55- شگفتی نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 1 - 3

3 - خورشید و نور گسترده آن هنگام چاشت، آفریده هایی با عظمت و شگفت

و ضحیها

### 56- طلوع خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 28 - 6

6 - نظام طلوع و غروب خورشید، نیازمند تدبیر و نشانگر وجود پروردگار یگانه

«مشرق» و «مغرب» می تواند مصدر میمی و به معنای شروق (طلوع) و غروب باشد. بنابراین «ربّ المشرق و المغرب»؛ یعنی، پروردگار طلوع و غروب.

1 - نزدیک شدن سپاه فرعون به بنی اسرائیل ، به هنگام طلوع آفتاب

فأتبعوهم مشرقین

واژه «مشرقین» از مصدر «اشراق» (داخل شدن در وقت طلوع خورشید) مشتق شده است و حال از ضمیر فاعل «أتبعوهم» می باشد؛ یعنی، «فلحقوا بهم حالکونهم داخلین فی وقت طلوع الشمس». گفتنی است که «إتباع» (مصدر «أتبعوا») در این جا به معنای ملحق شدن است.

5 - خورشید ، دارای مشرق ها و مغرب ها

بربّ المشرق و المغرب

بسیار از مفسران، برآنند که مقصود از «مشارق» و «مغارب»، مشرق ها و مغرب های متعدد خورشید است که در هر روز از سال، از نقطه ای غیر از نقطه روز قبل و بعد، طلوع و غروب می کند.

9 - «عن الأصْبَغِ بنِ نُبَاتَةَ قال : خطبنا أمير المؤمنين (ع) . . . فقام إليه ابن الكوّاء فقال : يا أمير المؤمنين . . . يقول : « ربّ المشارق و المغرب » . . . قال (ع) . . . أمّا قوله « ربّ المشارق و المغرب » فإنّ لها ثلاث مائه و ستّين بُرجاً تطلّع كلّ يوم من برج و تغيب فی آخر فلا تعود إليه إلاّ من قابل فی ذلك اليوم . . . »

اصبغ بن نباته می گوید: علی(ع) برای ما خطبه می خواند . . . ابن کوّاء برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان! . . . [خداوند] می فرماید: (ربّ المشارق و المغرب). . . حضرت فرمود: . . . اما سخن خداوند (ربّ المشارق و المغرب) [جمع بودن «مشارق» و «مغارب»] به این دلیل است که برای [خورشید] 360 برج است، که هر روز از برجی طلوع نموده و در برجی دیگر غایب می شود و تا سال آینده مثل همین روز، دیگر به آن برج بر نمی گردد. . .».

### 57- طلوع خورشید از مغرب

12 - عن أبي جعفر و أبي عبد الله - عليهما السلام - في قوله: «يوم يأتي بعض آيات ربك لا ينفع نفسا إيمانها» قال: طلوع الشمس من

المغرب و خروج الدابه و الدجال . . . .

از امام باقر و امام صادق - عليهما السلام - روایت شده است: مراد از «بعض آیات ربك» در آیه، طلوع خورشید از مغرب و خروج دابه و دجال است . . . .

ص: 266

### 58- عظمت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 1 - 3

3 - خورشید و نور گسترده آن هنگام چاشت ، آفریده هایی با عظمت و شگفت

و ضحیها

### 59- عظمت نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 1 - 3

3 - خورشید و نور گسترده آن هنگام چاشت ، آفریده هایی با عظمت و شگفت

و ضحیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 1 - 2

2 - وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و الضحی

### 60- عقیده به ربوبیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 4

4 - مردم سرزمین ابراهیم (بابل) خورشید را در تدبیر امور خویش مؤثر می دانستند.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی هذا أكبر

### 61- علم خدا به تابش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- آگاهی خداوند، به هر آنچه از آسمان به زمین نازل می شود ( باران، فرشتگان، تابش خورشید، ماه، ستارگان و... ) و هر آنچه از زمین به آسمان بالا می رود ( بخار آب، فرشتگان، اعمال مردمان و... )

يعلم... و ما ينزل من السماء و ما يعرج فيها

ص: 267

## 62- عمر خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - 2 - 13 - رعد

8- عمر آسمان ها و خورشید و ماه ( جهان آفرینش ) محدود و تمام شدنی است .

کل یجری لأجل مسمی

## 63- غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 6

6 - افول پذیری و پنهان گشتن خورشید، گواه بر دخیل نبودن آن در «ربوبیت» هستی است.

قال هذا ربی هذا أكبر فلما أفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 28 - 6

6 - نظام طلوع و غروب خورشید ، نیازمند تدبیر و نشانگر وجود پروردگار یگانه

قال ربّ المشرق و المغرب

«مشرق» و «مغرب» می تواند مصدر میمی و به معنای شروق (طلوع) و غروب باشد. بنابراین «ربّ المشرق و المغرب»؛ یعنی، پروردگار طلوع و غروب.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 40 - 9 - 5

5 - خورشید ، دارای مشرق ها و مغرب ها

ربّ المشرق و المغرب

بسیار از مفسران، برآندند که مقصود از «مشارق» و «مغارب»، مشرق ها و مغرب های متعدد خورشید است که در هر روز از سال، از نقطه ای غیر از نقطه روز قبل و بعد، طلوع و غروب می کند.

9 - « عن الأصْبَغِ بنِ نُبَاتَةَ قال : خطبنا أميرُ المؤمنين (ع) . . . فقام إليه ابن الكوّاء فقال : يا أمير المؤمنين . . . يقول : « رب المشارق و المغارب » . . . قال (ع) . . . أمّا قوله « ربّ المشارق و المغارب » فإنّ لها ثلاث مائه و ستّين بُرجاً تطلّع كلّ يوم من برج و تغيب في آخر فلا تعود إليه إلّا من قابل في ذلك اليوم . . . » ;

اصْبَغِ بنِ نُبَاتَةَ می گوید: علی(ع) برای ما خطبه می خواند . . . ابن کوّاء برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان! . . . [خداوند] می فرماید: (ربّ المشارق و المغارب) . . . حضرت فرمود: . . . اما سخن خداوند (ربّ المشارق و المغارب) [جمع بودن «مشارق» و «مغارب»] به



این دلیل است که برای [خورشید] 360 برج است، که هر روز از برجی طلوع نموده و در برجی دیگر غایب می شود و تا سال آینده مثل همین روز، دیگر به آن برج بر نمی گردد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 2 - 4

4 - ماه و ظهور آن پس از غروب خورشید، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و القمر إذا تليها

### 64 - فرجام خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 16

16 - مرحله به پایان رسیدن جریان خورشید و ماه، قابل مشاهده و رؤیت برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود . \*

ألم تر أن الله . . . وسخر الشمس والقمر كل يجرى إلى أجل مسمى

برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که خطاب «ألم تر» اختصاص به پیامبر (صلی الله علیه و آله) داشته باشد و «كل يجرى. . .» حال برای «الشمس والقمر» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 8

8 - حرکت خورشید و ماه، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

وسخر الشمس والقمر كل يجرى لأجل مسمى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 1 - 1

1 - خورشید در آستانه آخرت، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد .

إذا الشمس كورت

«کَوْر» و «تکوير» به معنای پيچاندن است، جز این که «تکوير» بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شریفه این است که خورشید، به شدت بهم پيچانده خواهد شد. برخی «تکوير شمس» را به معنای نابود ساختن خورشید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

### 65- فرجام گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 269

11 - جریان خورشید و ماه ، دارای پایانی حتمی و مشخص - و نه ابدی و نامعلوم - است .

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 5

5 - حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 38 - 2

2 - حرکت خورشید ، روزی به پایان رسیده و در موعد مقرر و زمان مشخص ، عمرش به سر خواهد رسید .

و الشمس تجري لمستقر لها

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که «مستقر» اسم زمان و «لام» در آن، برای تعلیل و متضمن معنای «انتهاء» باشد؛ یعنی، خورشید به علت رسیدن به انتهای حرکت خود، روان می شود.

### 66- فلسفه حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 7

7- حرکت آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه برای سپری شدن مدت معین شده برای حیات دنیاست .

كل يجرى لأجل مسمًى

برداشت فوق بر این اساس است که «لأجل» به معنای مدت باشد. بر این اساس «لام» در «لأجل» به معنای غایت و هدف است.

### 67- فلسفه سوگند به نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - خداوند ، در تأکید بر قطع نشدن ارتباط او با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ناخرسند نبودن از آن حضرت ، به نور خورشید و تاریکی شب سوگند یاد کرده است .

والضحی . و الّیل إذا سجدی . ما ودّعک ربّک و ما قلی

این آیه، جواب قسم هایی است که در آغاز سوره آمده بود.

ص: 270

## 68- فلک خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 38 - 6

6 - حرکت خورشید بر مدار مشخص و به سمت و سوی قرارگاه ویژه خود، جلوه ای از عزت و علم خداوند است.

والشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم

یاد شدن دو صفت «عزت» و «علم» خداوند، پس از طرح مسأله حرکت خورشید، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 40 - 3، 1

1 - هر یک از خورشید و ماه - در قرارگاه ویژه خود - دور از هم در حرکتند و هرگز با هم تلاقی نخواهند کرد.

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا الیل سابق النهار

مقصود از نرسیدن خورشید به ماه (لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر)، به قرینه آیات پیشین - که درباره حرکت خورشید و ماه به سوی قرارگاه ویژه خود بود - این است که آن دو کره در دو مسیر مجزا در حرکت بوده و به دور از هم قرار دارند و هرگز باهم تلاقی نخواهند کرد.

3 - خورشید و ماه، در مداری به سرعت و شتابان در حرکت اند.

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر . . . و کلّ فی فلک یسبحون

«سبح» (مصدر «یسبحون») به معنای حرکت سریع در آب و هوا است (مفردات راغب) و مقصود از «فلک» مدار حرکت ماه و خورشید و ستارگان است.

## 69- فواید خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 78 - 12

12 - «عن أمیر المؤمنین (ع) قال: . . . دلالة الصلاة . . . الشمس یقول الله جلّوعزّ «أقم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق اللیل وقرآن الفجر . . .» فلا تعرف مواقیت الصلاة إلا بالشمس . . .»

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود: راهنمای [وقت] نماز . . . خورشید است. خدای - عزّوجلّ - می فرماید: «أقم الصلاة

لذلوک الشمس إلى غسق الليل وقرآن الفجر...» پس اوقات نماز شناخته نمی شود مگر به وسیله خورشید...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 35 - 11، 10

10 - درخت زیتون، در صورت تابش مستقیم نور خورشید بر آن در طول روز، پربارتر و مرغوب تر خواهد شد.

من شجره مبرکه زیتونه لاشرقیه ولاغربیه یکاد زیتها یضیء و لولم تمسسه نار

ص: 271

برداشت یاد شده بر این اساس است که عبارت «لا شرقیه و لا غربیه» این گونه تفسیر شود که: درخت زیتون نه فقط در ناحیه شرق است - که تنها به وقت عصر از شعاع خورشید بهره گیرد - و نه فقط در ناحیه غرب است - که تنها در صبح از شعاع خورشید بهره مند باشد؛ بلکه از مزایای هر دو جهت و از تابش نور مستقیم خورشید از صبح تا به غروب استفاده می کند و روشن است که چنین درختی، از ثمره ای فراوان تر و مرغوب تر برخوردار خواهد بود.

11 - تابش مستقیم نور خورشید به درختان از همه جوانب، موجب برکت و مرغوبیت میوه آنها خواهد شد.

شجره مبرکه زیتونه لاشرقیه و لاغربیه یکاد زیتها یضیء و لولم تمسسه نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 45 - 6

6 - خورشید، دلیل و راهنمای انسان ها بر حرکت سایه ها و مقدار امتداد و گسترده شدن آنها

کیف مد الظلّ .. ثم جعلنا الشمس علیه دلیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 5 - 8

8 - اهمیت و نقش حیاتی طلوع و غروب خورشید در زندگی بشر

ربّ المشرق

از اختصاص به ذکر یافتن ربوبیت خدا نسبت به مشرق های خورشید - با آن که خورشید جزئی از آسمان ها است - برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 13 - 1

1 - خداوند خورشید را چراغ فروزان و منبع نور و حرارت قرار داده است.

و جعلنا سراجاً وهاجاً

«وَهَج» (ریشه «وَهَج»)، به معنای آتش و روشنایی آن است. (مقایس اللغه)

**70 - قانونمندی خلقت خورشید**

1 - حاکمیت نظم، قانون مندی و هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشمس و القمر بحسبان

«حسبان» معادل «حساب» است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

ص: 272



## 71- قانونمندی خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 2

2 - بی توجهی به آیه خداوند بودن نوسان شب و روز و قانون مند بودن خورشید و ماه ، مورد سرزنش خداوند است .

ألم تر أنّ الله يولج الليل في النهار و يولج النهار في الليل

«ألم تر» در آیه، استفهام انکاری بوده و نکته یاد شده را می رساند.

## 72- قانونمندی گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 10

10 - نظام روز و شب و جریان خورشید و ماه ، دارای طرحی مشخص - و نه پدیده ای تصادفی - است .

يولج الليل . . . و سخر الشمس و القمر كلّ يجرى إلى أجل مسّئى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 38 - 3

3 - خورشید ، دارای حرکت منظم و هدفمند است .

و الشمس تجرى لمستقر لها

برداشت یاد شده از آن جا است که لازمه وجود حرکت به سمت و سوی قرارگاه معین و یا در زمان محدود و مشخص، داشتن حرکت منظم و هدفمند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 40 - 1

1 - هر یک از خورشید و ماه - در قرارگاه ویژه خود - دور از هم در حرکتند و هرگز با هم تلاقی نخواهند کرد .

لا الشمس ينبغى لها أن تدرک القمر و لا الّيل سابق النهار

مقصود از نرسیدن خورشید به ماه (لا الشمس ينبغي لها أن تدرک القمر)، به قرینه آیات پیشین - که درباره حرکت خورشید و ماه به سوی قرارگاه ویژه خود بود - این است که آن دو کره در دو مسیر مجزا در حرکت بوده و به دور از هم قرار دارند و هرگز باهم تلاقی نخواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 5 - 2,3

2 - حرکت قانون مند خورشید و ماه ، نمودی از رحمت و نعمت الهی

الرحمن .. الشمس والقمر بحسبان

3 - توجه به قانون مندی خورشید و ماه ، پیامدار درس توحید برای انسان

ص: 273

آغاز سوره با وصف «الرحمان»، در مقام نمایاندن جلوه های الهی به انسان است که از آن جمله، قانون مندی خورشید و ماه است.

### 73- قرارگاه خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 36 - 38 - 1

1 - خورشید به سمت و سوی قرارگاه ویژه خود در حرکت است .

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده، بر این اساس است که «مستقر» اسم مکان و لام در آن به معنای «إلی» باشد.

### 74- گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 2

2- هر یک از خورشید و ماه ، در مدار مخصوص به خود در حال حرکت است .

کلّ فی فلک یسبحون

«فلک» به معنای مدار ستارگان و «سبح» و «سباحه» به معنای شنا کردن است (لسان العرب) و (قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 17، 5

5 - جریان مستمر و دقیق و حساب شده خورشید و ماه ، به تدبیر الهی است .

و سخر الشمس والقمر کلّ یجری إلى أجل مسمّی

17 - خورشید و ماه ، در مدار سالانه معینی است که با آن ، سال شمسی و قمری به وجود می آید . \*

و سخر الشمس والقمر کلّ یجری إلى أجل مسمّی

احتمال دارد مراد از «أجل مسمّی» به قرینه «ألم تر» آخر سال شمسی و قمری باشد که خورشید، از نقطه فلکی برج فرضی، در آغاز سال

شروع می کند و در پایان یک سال، به آن نقطه می رسد و ماه نیز از نقطه ای شروع می کند و به همان مدار در طول یک سال می رسد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 2، 1

1 - اداره نظام عالم با گردش همواره شب و روز و جریان دائمی خورشید و ماه، برخاسته از حق محض بودن خداوند است .

ألم تر أنّ الله يولج الليل . . . ذلك بأنّ الله هو الحقّ

ص: 274

2 - نوسان های مداوم شب و روز ، حرکت منظم و قانون مند خورشید و ماه ، آگاهی خداوند به اعمال انسان ها ، بر حق محض بودن او دلالت دارد .

ألم تر أن الله يولج الليل . . . و يولج النهار . . . و سخر الشمس و . . . و أن اللّ

«ذلک بأنّ اللّٰه . . .» می تواند در جایگاه نتیجه برای دلیل های یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 38 - 1,4,6

1 - خورشید به سمت و سوی قرارگاه ویژه خود در حرکت است .

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده، بر این اساس است که «مستقر» اسم مکان و لام در آن به معنای «إلی» باشد.

4 - خورشید ، به هنگام روان شدن به سوی قرارگاه ویژه اش ، از آیات و نشانه های بزرگ قدرت خداوند است .

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده از آن جا است که «والشمس» عطف بر «اللیل» است و همان گونه که شب از آیات الهی شناسانده شده (و آیه لهم اللیل) خورشید نیز چنین است.

6 - حرکت خورشید بر مدار مشخص و به سمت و سوی قرارگاه ویژه خود ، جلوه ای از عزت و علم خداوند است .

و الشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم

یاد شدن دو صفت «عزت» و «علم» خداوند، پس از طرح مسأله حرکت خورشید، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 40 - 3

3 - خورشید و ماه ، در مداری به سرعت و شتابان در حرکت اند .

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر . . . و کلّ فی فلک یسبحون

«سبح» (مصدر «یسبحون») به معنای حرکت سریع در آب و هوا است (مفردات راغب) و مقصود از «فلک» مدار حرکت ماه و خورشید و ستارگان است.

## 75- مخلوقیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 26 - 3

3 - خورشید و تمام مظاهر آفرینش ، خود تحت تدبیر و ربوبیت خداوند قرار دارند و سزاوار الوهیت و پرستش نیستند .

یسجدون للشمس .. الله لا إله إلا هوربّ العرش العظيم

بیان توحیدی و استدلالی آیه یاد شده، تعریضی نسبت به عمل ناروای قوم سبا در پرستش خورشید است.

ص: 275

## 76- مدت حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 8

8 - حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلًّا يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى

## 77- مدت نورانیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 8 - 2

2 - تابندگی خورشید ، تا آستانه برپایی قیامت

و خَسَفَ الْقَمَرَ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که نور ماه، بازتاب نور خورشید است و بی فروغ شدن ماه در آستانه برپایی قیامت، به سبب بی فروغ شدن خورشید است.

## 78- مشرق خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 17 - 4

4 - خداوند ، تدبیرگر مشرق و مغربی خاص ، برای هر یک از ماه و خورشید

رَبِّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبِّ الْمَغْرِبَيْنِ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که تثنیه آمدن «المشرقین» و «المغربین»، از این جهت باشد که یک مشرق و مغرب برای خورشید و مشرق و مغربی دیگر برای ماه تدبیر شده است.

## 79- مغرب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 17 - 4

4 - خداوند ، تدبیرگر مشرق و مغربی خاص ، برای هر یک از ماه و خورشید

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که تثنیه آمدن «المشرقین» و «المغربین»، از این جهت باشد که یک مشرق و مغرب برای خورشید و مشرق و مغربی دیگر برای ماه تدبیر شده است.

ص: 276



## 80- مکان استقرار خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 61 - 6

6 - خداوند در برج ها و منزلگاه های آسمانی ، خورشید را قرار داد .

و جعل فیها سراجاً

برداشت فوق، بر این اساس مبتنی است که ضمیر «فیها» به «بروج» بازگردد.

## 81- منشأ تسخیر خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 6

6 - خورشید و ماه ، مسخر خدا و رام اراده او هستند .

و سخر الشمس و القمر

## 82- منشأ گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 38 - 5

5 - حرکت خورشید بر مداری مشخص و سمت و سوی قرارگاه ویژه خود ، به تقدیر و تدبیر خداوند است .

و الشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز

## 83- منشأ نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 71 - 10

10 - ایجاد روشنایی هم چون درخشش خورشید ، خارج از توان غیر خداوند است .

من إله غیر الله یأتیکم بضیاء

تنوین در «ضیاء» اصطلاحاً تنوین تفخیم نامیده می شود؛ یعنی، «ضیاء عظیم» و آن به درخشش بزرگ و خیره کننده خورشید اشاره دارد.

ص: 277

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 16 - 2

2 - مایه و سرچشمه نور خورشید ، از درون خود آن و نور ماه از بیرون آن است .

و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

مطلب یاد شده از تعبیر «سراج» (چراغ) درباره خورشید و «نور» در مورد «ماه» استفاده می شود؛ زیرا نور «خورشید» - مانند چراغ - از درون خودش می چوشد. اما نور «ماه» از درون خودش نیست؛ بلکه مانند بازتابی که از آینه منعکس می شود، از نور خورشید است.

#### 84- منشأ نورانیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 13 - 1

1 - خداوند خورشید را چراغ فروزان و منبع نور و حرارت قرار داده است .

و جعلنا سراجًا وهاجًا

«وَهَج» (ریشه «وهاج»)، به معنای آتش و روشنایی آن است. (مقایس اللغه)

#### 85- ناپسندی خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 5

5 - پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی ، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءایته .. لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

#### 86- نظم خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 96 - 4,5

4 - خورشید و ماه تحت حاکمیت همه جانبه و دقیق نظم و حساب و برنامه قرار دارند.

والشمس والقمر حسابانا

ص: 278

برداشت فوق بر این مبناست که جمله «جعل . . الشمس والقمر حسبانا» از باب مبالغه باشد، مانند «زید عدل» یعنی خورشید و ماه عین حساب و برنامه هستند. این بیان گویای آن است که هیچ ذره ای از ذرات و حرکتی از حرکات و ... از حساب خارج نیست.

5- شکافته شدن صبح، آرامش شب و نظم و حساب خورشید و ماه، بر اساس برنامه ریزی خداوند عزیز و داناست.

فالق الإصباح . . ذلك تقدير العزيز العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 4

4- حرکت منظم و بیوقفه خورشید و ماه

وسخر الشمس والقمر کلّ یجری

فعل مضارع «یجری»، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 5 - 1

1 - حاکمیت نظم، قانون مندی و هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشمس والقمر بحسبان

«حسبان» معادل «حساب» است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

### 87- نظم در طلوع خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 17 - 3

3- وجود نظم و برنامه در طلوع و غروب خورشید، نشانی از پروردگار جهان

ربّ المشرقین وربّ المغربین

### 88- نظم در غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- وجود نظم و برنامه در طلوع و غروب خورشید ، نشانی از پروردگار جهان

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

ص: 279

## 89- نعمت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 61 - 11

11 - ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نعمت های الهی برای انسان ها است .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . . . قمرًا منیرًا

برداشت فوق، به خاطر این است که آیه شریفه، ضمن آن که بیانگر قدرت خدا است، می تواند در صدد امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای انسان ها نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 13 - 2

2 - خورشید پر فروغ ، نعمتی الهی است .

و جعلنا سراجًا وهاجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 1 - 4

4 - خورشید و نور آن ، نعمتی الهی است .

و الشمس وضحیها

«سوگند»، زمانی می تواند مخاطب را به قبول سخن وادار سازد که آنچه به آن سوگند یاد شده است؛ مورد علاقه او بوده و به حال او سودمند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 2 - 5

5 - ماه و پیدایش آن پس از خورشید ، از نعمت های خداوند برای انسان ها است .

و القمر إذا تلیها

سوگند، نشانه علاقه مخاطب به چیزی است که به آن سوگند یاد شده است.

## 90- نعمت طلوع خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 18 - 3

3- توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی ، متجلی در طلوع و غروب خورشید

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانِ

تثنيه آمدن «کما» و «تکذبان»، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

ص: 280



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 1 - 3

3 - نور خورشید و برآمدن آن در صبحگاه، نعمتی الهی است .

و الضحی

### 91- نعمت غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 18 - 3

3 - تویخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی ، متجلی در طلوع و غروب خورشید

فبأیّ الآء ربکما تکذبان

تشبه آمدن «کما» و «تکذبان»، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

### 92- نعمت گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 18 - 2,5

2 - نظام گردش خورشید ، در جهت تأمین نیاز های بشر و نعمتی غیرقابل انکار و تکذیب ناپذیر

ربّ المشرقین و ربّ المغربین . فبأیّ الآء ربکما تکذبان

از ارتباط بین دو آیه و نعمت خواندن گردش خورشید، مطلب بالا برداشت می شود.

5 - جن همانند انسان ، برخوردار از نعمت چرخش منظم خورشید \*

فبأیّ الآء ربکما تکذبان

بنابراین که مخاطب «ربکما» انسان و جن باشند، برداشت یاد شده به دست می آید.

### 93- نعمت نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - خورشید و نور آن ، نعمتی الهی است .

و الشمس و ضحیها

«سوگند»، زمانی می تواند مخاطب را به قبول سخن وادار سازد که آنچه به آن سوگند یاد شده است؛ مورد علاقه او بوده و به حال او سودمند باشد.

ص: 281

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 1 - 3

3 - نور خورشید و برآمدن آن در صبحگاه، نعمتی الهی است.

و الضحی

#### 94- نقش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 96 - 3

3 - خداوند خورشید و ماه را وسیله ای برای محاسبه زمان و اندازه گیری آن قرار داده است.

و الشمس و القمر حسابنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 33 - 10

10- دریا ها، رودخانه ها، خورشید، ماه و شب و روز، هر کدام آیتی مستقل برای خداشناسی و برطرف کننده نیازی از نیازهای انسان

و سخّر لکم الفلک... و سخّر لکم الأنهر. و سخّر لکم الشمس و القمر دائبین و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 22 - 3

3 - نقش اساسی باران، آفتاب و هوا، در فراهم آمدن روزی آدمیان \*

و فی السّماء رزقکم

از آن جایی که باران، آفتاب و هوا از طرف بالا مشرف بر زمین اند و نقش اساسی در پیدایش غذای آدمیان دارند، تعبیر «و فی السّماء رزقکم» آمده است.

#### 95- نقش طلوع خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- ظهور خورشید ، از آثار پیدایش روز است .

والنهار إذا جلیها

در صورتی که ضمیر مفعولی «جلاها» به «الشمس» برگردد - چنان که برخی از مفسران احتمال داده اند - مفاد آیه این خواهد

ص: 282

شد که: پدید آمدن روز کاری نیست که مستند به خورشید باشد؛ بلکه حالتی از حالت های زمین است که در آن حالت، «خورشید» پدیدار می گردد.

### 96- نقش مشرق خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 17 - 2

2- نقش اساسی نقطه طلوع و غروب خورشید، در پیدایش فصول و تأمین نیاز های بشر \*

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

با توجه به این که پیدایش فصول هم زمان با تغییر میل خورشید در طلوع و غروب صورت می گیرد احتمال می رود یاد کرد «مشرقین و مغربین»، اشاره به پیامدهای مهم آن (پیدایش فصول) داشته باشد که بشر از این رهگذر، به امکانات زندگی دست می یابد.

### 97- نقش مغرب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 17 - 2

2- نقش اساسی نقطه طلوع و غروب خورشید، در پیدایش فصول و تأمین نیاز های بشر \*

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

با توجه به این که پیدایش فصول هم زمان با تغییر میل خورشید در طلوع و غروب صورت می گیرد احتمال می رود یاد کرد «مشرقین و مغربین»، اشاره به پیامدهای مهم آن (پیدایش فصول) داشته باشد که بشر از این رهگذر، به امکانات زندگی دست می یابد.

### 98- نورانی کننده خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 1

1 - تنها خداست که خورشید را فروزان و ماه را تابان قرار داده است .

هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً

## 99- نورانیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 2

2- فروزندگی خورشید و تابندگی ماه، جلوه‌هایی از ربوبیت و تدبیر خدا نسبت به اهل زمین

إن ربکم اللہ .. هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 16 - 1

1 - خداوند، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید.

و جعل القمر فیہنّ نوراً و جعل الشمس سراجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 13 - 2

2- خورشید پر فروغ، نعمتی الهی است.

و جعلنا سراجاً وھا جاً

## 100- ویژگیهای خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 16 - 1

1 - خداوند، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید.

و جعل القمر فیہنّ نوراً و جعل الشمس سراجاً

## 101- خورشید پرستی

بی منطقی خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی ، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءایته ... لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

ص: 284

## 102- تاریخ خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 1

1 - پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی

## 103- خورشید پرستی در دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 1

1 - پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی

## 104- خورشید پرستی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 6

6 - وجود گرایش های خورشیدپرستی و ماه پرستی ، در میان مردم عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لاتسجدوا للشمس ولا للقمر

مطلب بالا با توجه به این نکته است که نهی در موردی معنا دارد که زمینه ارتکاب منهی عنه وجود داشته باشد.

## 105- ردّ خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 2

2 - ابراهیم(ع) در مقام مجادله و برای ابطال عقاید شرک آمیز قوم خویش تظاهر به خورشیدپرستی کرد.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی





جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 5

5 - پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی ، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءایته ... لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

ص: 286

### 13- خوش رفتاری

#### 1- آثار خوش رفتاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 63 - 11

11 - برخورد کریمانه و بزرگووارانه بندگان خالص خدا در برابر گفتار جاهلانه افراد نادان ، برخاسته از روح فروتنی و نرم خوئی آنان است .

و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

عطف جمله «و إذا خاطبهم الجاهلون..» بر جمله قبل بدون تکرار شدن اسم موصول (الذین)، نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک میان این دو صفت است. از سوی دیگر تقدم بیان صفت تواضع بر صفت برخورد کریمانه با افراد جاهل، حاکی از آن است که این صفت، سبب چنین برخورد پسندیده ای است.

#### 2- اهمیت خوش رفتاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 16

16- انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران ، بهتر از به کارگیری شدت و خشونت است .

وإما أن تتخذ فيهم حسناً

جمله «تتخذ فيهم حسناً» در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 63 - 8

ص: 287

8 - جایگاه ویژه صفت تواضع و فروتنی و رفق و مدارا، در مقایسه با دیگر اوصاف پسندیده و ارزشمند، در نگاه وحی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً

آمدن صفت تواضع و فروتنی به عنوان نخستین صفت از سلسله اوصاف «عباد الرحمن» - که در چند آیه از آنها یاد شده است - می تواند گویای برداشت فوق باشد.

### 3- اهمیت خوش رفتاری با همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 4

4 - لزوم خوش رفتاری و رعایت موازین شرع و عقل، در روابط میان خود از سوی همسران

فأمسكوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ بمعروف

آیه شریفه، هرچند در مورد ادامه زندگی یا جدایی کامل مرد با همسر خویش نازل شده است؛ ولی شامل تمامی مواردی می شود که باهم ارتباط برقرار می کنند.

### 4- خوش رفتاری با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 63 - 13، 12، 11، 9

9 - بندگان خالص خدا، به هنگام رویه رو شدن با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل، با گفتار شایسته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند .

و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

برداشت فوق، بر این مبنا است که «سلاماً» صفت برای مفعول به مقدر باشد؛ یعنی، «قالوا قولاً سلاماً» در این صورت معنای «سلاماً» - به قرینه جمله قبل که سخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است - سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی ادبی می باشد.

11 - برخورد کریمانه و بزرگووارانه بندگان خالص خدا در برابر گفتار جاهلانه افراد نادان، برخاسته از روح فروتنی و نرم خویی آنان است .

و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

عطف جمله «و إذا خاطبهم الجاهلون...» بر جمله قبل بدون تکرار شدن اسم موصول (الذین)، نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک میان این دو صفت است. از سوی دیگر تقدم بیان صفت تواضع بر صفت برخورد کریمانه با افراد جاهل، حاکی از آن است که این صفت،

سبب چنین برخورد پسندیده ای است.

12 - برخورد کریمانه و شایسته با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق ، از آثار بندگی خدای رحمان و ایمان به او است .

و عباد الرحمن الذین . . . و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

آغاز شدن آیه شریفه با عنوان «عباد» (بندگان) و سپس طرح شدن مسأله برخورد کریمانه و شایسته با گفتار جاهلانه و . . . می

ص: 288

تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

13 - تشویق خداوند به فروتنی و مدارا با مردم و برخورد کریمانه و شایسته با افراد جاهل و ناسزاگو

و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

از سیاق و آهنگ آیه شریفه، چنین برمی آید که خداوند در صدد تشویق و تحریص انسان ها به آراسته شدن به چنین اوصاف و خصلت هایی است.

### 5- خوش رفتاری با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 83 - 16

16 - معاشرت نیکو با همگان حتی با کافران ، از وظایف اهل ایمان است .

و قولوا للناس حسناً

مراد از «الناس» می تواند افراد همان ملتی باشد که مخاطب جمله «قولوا» است و می تواند مراد از آن افراد ملت های دیگر باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 86 - 16

16- انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران ، بهتر از به کارگیری شدت و خشونت است .

و إما أن تتخذ فيهم حسناً

جمله «تتخذ فيهم حسناً» در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیر بود.

### 6- خوش رفتاری با مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 83 - 16، 4، 6، 18

4 - با مردمان به نیکی سخن گفتن و معاشرت نیکو داشتن ، از عهد ها و پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

وقولوا للناس حسناً

«حسناً» مصدر است به معنای وصف (حَسَنًا = نیکو) این کلمه می تواند صفت برای مفعول مطلق و جانشین آن باشد؛ یعنی: «قولوا للناس قولاً حسناً؛ با مردم سخن نیکو بگویید». در المیزان آمده که جمله مذکور کنایه از معاشرت نیک است.

6- گفتار نیک و معاشرت نیکو با سایر اقوام و ملت ها ، میثاق خدا با بنی اسرائیل

وقولوا للناس حسناً

مراد از «الناس» می تواند همان اسرائیلیان باشد و می تواند اقوام و ملت‌های دیگر هم باشد. برداشت فوق مبتنی بر دومین احتمال

ص: 289

است.

16 - معاشرت نیکو با همگان حتی با کافران ، از وظایف اهل ایمان است .

وقولوا للناس حسناً

مراد از «الناس» می تواند افراد همان ملتی باشد که مخاطب جمله «قولوا» است و می تواند مراد از آن افراد ملت‌های دیگر باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

18 - معاشرت نیکو با مردم اقامه نماز و ادای زکات ، از مصداق های اعمال شایسته است .

و عملوا الصلحت .. و قولوا للناس حسناً و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

### 7- خوش رفتاری با مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 3,8

3 - از سرگیری زندگی با زن مطلقه و یا جدایی همیشگی از او ، پس از گذشت زمان عدّه ، باید به صورت پسندیده و براساس موازین عقل و شرع باشد .

فامسكوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ بمعروف

«معروف» اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

8 - برخورد شایسته با زنان مطلقه ، ادای حقّ آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع ، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لاتخرجنوهنّ من بیوتهنّ .. و أقيموا الشهده لله ذلکم یوعظ به

«ذلک» اشاره به مجموعه رهنموهای الهی در دو آیه این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 5 - 1

1 - احکام طلاق و عدّه زنان مطلقه و ادای حقوق آنان ( همچون مسکن ، هزینه زندگی و برخورد شایسته ) فرمان های نازل شده از سوی خداوند



إذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ . . . ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ

## 8- خوشرفتاری با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 83 - 28

28 - ابی ولاد حنط می گوید : « سألْت ابا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل « وبالوالدين احساناً » ما هذا الاحسان؟ فقال : الاحسان ان تحسن صحبتهما و ان لاتكلفهما ان يسألاك شيئاً مما يحتاجان اليه و ان كانا مستغنين . . . » ;

ص: 290

از امام صادق(ع) از آیه «و بالوالدین احساناً» سؤال نمودم که این احسان چیست؟ امام فرمود: احسان [به پدر و مادر] آن است که با آنان خوشرفتار باشی و کاری نکنی که آنان مجبور شوند از تو چیزی که نیاز دارند درخواست کنند ولو اینکه مستغنی باشند . . .».

### 9- خوشرفتاری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 63 - 3

3- بندگان خالص خدا، مظهر مدارا و نرمی و منزله از روح خشونت و درشتی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً

### 10- خوشرفتاری محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 34 - 2

2- برخورد نیک و شایسته در برابر رفتارهای زشت و ناپسند دشمنان، توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لا تستوی الحسنه و لا السيئه اذفع بالتی هی أحسن

ص: 291

## 14- خوشگذرانی

### 1- خوشگذرانی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 13 - 4

4- غوطهوری در زندگی مادی و خوش گذرانی ، شیوه زندگی در جوامع ستمگر

قریه کانت ظالمه . . . وارجعوا إلی ما أترفتم فیه

### 2- خوشگذرانی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 27 - 3، 2

2- جامعه فرعونى ، جامعه ای خوشگذران و عشرت طلب

و نعمه کانوا فیها فکھین

3- حضور در محافل عشرت و خوش گذرانی ، از برنامه های فرعونیان

و نعمه کانوا فیها فکھین

«فاکھین» (از «فکاهه») به معنای حدیث انس می باشد و تعبیر «کانوا» می رساند که برنامه آنان چنین بوده است.

### 3- خوشگذرانی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 292

3- سرخوشی و سرمستی ثمودیان در خانه های کوهستانی خویش

و تنحتون من الجبال بیوتاً فرهین

«فارهین» می تواند از مصدر «فره» (نشاط و سرخوشی) مشتق شده باشد. گفتنی است که «فارهین» بنابراین احتمال، صفت برای «بیوتاً» و به تقدیر «فارهین فیها» است؛ یعنی، خانه هایی که در آن مست و سرخوشید.

4- سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع)، به خاطر ساختن خانه ها در دل کوه ها و خوش گذرانی در آن

و تنحتون من الجبال بیوتاً فرهین

برداشت یادشده بدان احتمال است که این آیه به قرینه واقع شدن در حیز استفهام (استفهام در «أترکون فی ما ههنا») جمله استفهامی بوده و به تقدیر «أو تنحتون...» باشد.

#### 4- مسابقه برای خوشگذرانی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 26 - 3

3- به کار گرفتن تمام تلاش برای رقابت با دیگران، تنها شایسته خوش گذرانی و شراب خواری در جهان آخرت است.

و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون

«تَنَافَسَ»؛ یعنی، هر یک از رقابت کنندگان، نیروی نفس خویش را در برابر دیگری آشکار سازد (مقایس اللغه). «ذلک»، به محتوای آیات «علی الأرائک ینظرون» و «یسقون» اشاره دارد.

#### 5- ناپایداری خوشگذرانی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 15 - 5

5- خداوند، آگاه به وجود نشیب و فراز در مراحل حیات دنیوی و اخروی انسان و ناپایدار ماندن محفل های خانوادگی و خوش گذرانی های دنیامداران

بلی إن ربّه کان به بصیراً

هر چند ضمیر در «رَبِّه» و «به»، به منکر معاد برمی گردد؛ ولی محتوای آیه شریفه، به جنبه انسان بودن آنان مربوط است.

خوشگذرانان

## 6- زمینه عبرت خوشگذرانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 293

5- امکانات دنیوی به جای مانده از مستکبران فرعونى ، درس عبرت برای دنیاخواهان عشرت طلب

کم ترکوا من جنّـت . . . و نعمه کانوا فیها فکھین

تعبیر «کم ترکوا..» در مقام درس آموزی و تأمل برانگیزی آدمیان در سونوشت فرعونیان است.

خوشگذران

### 7- ظلم خوشگذران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 14 - 4

4- رفاه زدگان و خوشگذرانان جوامع ، ظالم و ستمگراند .

قریه کانت ظالمه . . . ما أترفتم فیہ ... إنا کنا ظلمین

ص: 294

## 15- خوشنامی

### 1- آرزوی خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 84 - 1,2

1 - ابراهیم (ع) آرزومند باقی ماندن نام نیک او در میان نسل های آینده و تقاضاکننده آن از خداوند

و اجعل لی لسان صدق فی آخرین

مفسران، تعبیر «لسان صدق» را کنایه از آوازه و نام نیک گرفته اند.

2 - پسندیده بودن آرزوی انسان مبنی بر بقای آوازه نیکو از او در میان نسل ها

و اجعل لی لسان صدق فی آخرین

### 2- اظهار خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شرح - 94 - 4 - 5

5 - خوش نامی، نعمتی الهی و سزاوار بازگو کردن و اظهار خرسندی است.

و اما بنعمه ربک فحدّث.. و رفعنا لک ذکرک

### 3- اهمیت خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 78 - 3

ص: 295

3- باقی ماندن نام و آوازه نیک از انسان در میان آیندگان ، امری شایسته و پسندیده

و ترکنا علیه فی آخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 108 - 3

3- برجای ماندن نام و آوازه نیک از انسان در میان آیندگان ، امری شایسته و پسندیده

و ترکنا علیه فی آخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 119 - 3

3- باقی ماندن نام و آوازه نیک از انسان در میان آیندگان ، امری شایسته و پسندیده

و ترکنا علیهما فی آخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 129 - 3

3- باقی ماندن نام و آوازه نیک از انسان در میان آیندگان ، امری شایسته و پسندیده

و ترکنا علیه فی آخرین

#### 4- تذکر خوشنامی محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شرح - 94 - 4 - 6

6- خداوند ، با توجه دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نعمت خوش نامی ، آن را عطای ویژه خویش به آن حضرت خواند .

و رفعنا لک ذکرک

#### 5- خوشنامی ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



1 - ابراهیم (ع) آرزومند باقی ماندن نام نیک او در میان نسل های آینده و تقاضاکننده آن از خداوند

واجعل لی لسان صدق فی الأخرین

مفسران، تعبیر «لسان صدق» را کنایه از آوازه و نام نیک گرفته اند.

ص: 296

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 108 - 2

1 - خداوند ، از ابراهیم (ع) نام و آوازه نیکی در میان آیندگان برجای گذاشت .

و ترکنا علیه فی الآخرین

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که مفعول «ترکنا» محذوف بوده و تقدیر آن چنین باشد: «و ترکنا ثناء علیه» گفتنی است فعل «ترکنا» در آیه شریفه، به معنای «أبقینا» (باقی گذاشتیم) است.

2 - برجا ماندن نام و آوازه ابراهیم (ع) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی الآخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت ابراهیم(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 110 - 3

3 - فرزنددار شدن ابراهیم (ع) و برجای ماندن نام و آوازه نیک آن حضرت ، از پاداش های خداوند به ایشان

فبشّرناه بغلم حلیم . . . سلم علی إبرهیم . کذلک نجزی المحسنین

## 6- خوشنامی ابراهیم(ع) در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 19 - 2

2 - حضرت ابراهیم و موسی (ع) ، پیامبرانی شناخته شده در جزیره العرب و دارای طرفدارانی بسیار

صحف إبرهیم و موسی

از آن جا که کتاب های پیشینیان محدود به صحیفه های حضرت ابراهیم و موسی(ع) نبود؛ تصریح به این دو می تواند برخاسته از نفوذ چشمگیر این پیامبران در جزیره العرب عصر پیامبر(صلی الله علیه و آله) باشد.

## 7- خوشنامی الیاس(ع)

1 - خداوند ، از الیاس پیامبر نام و آوازه ای نیک در میان آیندگان برجای گذاشت .

و ترکنا علیه فی آخرین

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مفعول «ترکنا» محذوف بوده و تقدیر آن چنین باشد: «ترکنا ثناء علیه». گفتنی است فعل «ترکنا» در این آیه، به معنای «أبقینا» (باقی گذاشتیم) است.

ص: 297

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 131 - 3

3 - باقی ماندن نام و آوازه نیک الیاس پیامبر (ع) ، از پاداش های خداوند به ایشان

و ترکنا علیه فی آخرین .. . إنا کذلک نجزی المحسنین

### 8- خوشنامی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 62 - 4

4- خداوند ، پیامبران را از میان انسانهایی که خوش نام و به نیکی معروفند ، انتخاب می کند .

قد کنت فینا مرجوًّا قبل هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 87 - 16

16- خداوند ، پیامبران را از میان انسانهایی که به نیکی معروفند ، انتخاب می کند .

إنک لأنت الحلیم الرشید

### 9- خوشنامی در رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شرح - 94 - 4 - 4

4- آبرومندی نزد مردم ، از ویژگی های لازم و سودمند برای رهبران الهی

و رفعا لک ذکرک

### 10- خوشنامی شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 178 - 6

6- شعیب (ع)، شخصیتی خوشنام و امانت دار، نزد مردم ایکه

اِتی لکم رسول آمین

تأکید شعیب(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری نزد مردم

ص: 298

ایکه برخوردار باشد.

### 11- خوشنامی صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 143 - 6

6- صالح (ع)، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان ثمودیان

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید صالح (ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

### 12- خوشنامی عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 57 - 7

7- عیسی بن مریم (ع)، شخصیتی شناخته شده و نامی آشنا در مکه عصر بعثت

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ

### 13- خوشنامی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 162 - 6

6- لوط (ع)، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان قوم خود

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید لوط (ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

### 14- خوشنامی محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 46 - 7

7 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، سالیان درازی در میان مردم زندگی می کرد و آنان آن حضرت را به عقل و درایت می شناختند .

ثم تفكروا ما بصاحبكم من جنة

ص: 299

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، فردی آبرومند و دارای مقامی ارجمند، در دیدگاه مردم عصر خویش

و رفعنا لک ذکرک

یاد رفیع، کنایه از احترام گذاشتن یادکنندگان است.

8- شخصیت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، زینده نیک نامی و آبرومندی بود.

و رفعنا لک ذکرک

در برداشت یاد شده، «لام» در «لک» برای تعلیل فرض شده و بیانگر آن است که پیامبر (صلی الله علیه و آله)، خود علتی کافی برای آوازه بلند و شایسته رفعت ذکر است.

9- «عن رسول الله (صلی الله علیه و آله) قال: أتانی جبرئیل فقال: إن ربک یقول: تدری کیف رفعت ذکرک؟ قلت: اللّٰه أعلم، قال: إذا ذُکِرْتُ ذُکِرْتَ معی؛

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: پروردگارت می فرماید: آیا می دانی چگونه آوازه تو را بلند ساختم؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خدا آگاه تر است [جبرئیل عرض کرد:]: خداوند می فرماید: آن هنگام که من یاد می شوم تو نیز همراه من یاد می شوی [مانند یاد خدا در اذان و اقامه و تشهد نماز]».

2- شرح صدر و سبک بار بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بلندآوازی آن حضرت، نمونه ای از انفکاک ناپذیری مشکلات از آسانی ها

الم نشرح... و وضعنا... و رفعنا... فإنّ مع العسر یسراً

جمله «فإنّ...» بیانگر آن است که آنچه در آیات پیشین آمد، ریشه در یک قانون کلی دارد و آن همراه بودن «عسر» با «یسر» است. حرف «فاء»، بیان قانون را بر کاشف آن، تقریر کرده است؛ یعنی، آنچه برای تو انجام دادیم، باید انجام می گرفت؛ زیرا سختی بدون آسانی نمی شود.



1 - یکی از دشمنان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آن حضرت را نسل بریده و آینده او را خالی از ذکر خیر خواند .

إِنَّ شَانَنكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

«شاننک»: یعنی، کسی که با تو بغض و دشمنی دارد (تاج العروس). بیشتر مفسران، او را پدر عمر و عاص دانسته اند که پس از فوت پسران پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آن حضرت را «ابتر» خواند. «ابتر» به معنای کسی است که از او به خیر و نیکی یاد نشود. «بتر» (ریشه «ابتر») در بریدن دم به کار می رود و به همین جهت شخصی را که نسل او قطع شده است، «ابتر» گویند (مفردات); زیرا نسلی که نام نیک او را زنده نگه دارد، وجود ندارد.

5 - گسترش آوازه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بقای نام نیک برای او و مهجور ماندن نام دشمنان دین در تاریخ، بشارت خداوند به آن حضرت و از خبر های غیبی قرآن

إِنَّ شَانَنكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

ص: 300

## 15- خوشنامی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 119 - 2, 1

1 - خداوند از موسی و هارون (علیهما السلام) نام و آوازه نیکی در میان آیندگان برجای گذاشت .

و ترکنا علیهما فی آخرین

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که مفعول «ترکنا» محذوف بوده و تقدیر آن چنین باشد: «و ترکنا ثناء علیهما». گفتنی است که فعل «ترکنا» در این آیه، به معنای «أبقینا» (باقی گذاشتیم) است.

2- باقی ماندن نام و آوازه موسی و هارون (علیهما السلام) در میان آیندگان، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیهما فی آخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر موسی و هارون (علیهما السلام) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 121 - 3

3 - نجات موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان از اندوهی بزرگ، اعطای کتاب آسمانی و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان، از پاداش های خداوند به ایشان

و نَجَّینَهما و قومَهما من الکرب العظیم . . . إنا کذلک نجزی المحسنین

## 16- خوشنامی موسی (ع) در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 19 - 2

2 - حضرت ابراهیم و موسی (ع)، پیامبرانی شناخته شده در جزیره العرب و دارای طرفدارانی بسیار

صحف ابراهیم و موسی

از آن جا که کتاب های پیشینیان محدود به صحیفه های حضرت ابراهیم و موسی (ع) نبود؛ تصریح به این دو می تواند برخاسته از نفوذ

چشمگیر این پیامبران در جزیره العرب عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد.

## 17- خوشنامی نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 107 - 6

ص: 301

اِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید نوح(ع) بر «آمین» بودن خود در ابلاغ پیام الهی، در صورتی ثمر بخش خواهد بود که وی در میان قومش، از سافه امانت داری و خوش نامی برخوردار بوده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 78 - 1

1 - خداوند، از نوح (ع) نام و آوازه نیک در میان آیندگان برجای گذاشت.

و تركنا عليه في الآخريں

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که مفعول «تركنا» محذوف بوده و تقدیر آن چنین باشد: «و تركنا ثناءً عليه». گفتنی است فعل «تركنا» در آیه شریفه، به معنای «أبقینا» (باقی گذاشتیم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 80 - 3

3- اجابت دعا، نجات از مشکلاتِ اندوه بار، باقی ماندن نسل و نام نیک و تحیت الهی، از پاداش های خداوند به حضرت نوح (ع)

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون .. سلم علی نوح فی العلمین . اِنَّا کذلک نجزی ا

### 18- خوشنامی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 119 - 1,2

1 - خداوند از موسی و هارون (علیهما السلام) نام و آوازه نیکی در میان آیندگان برجای گذاشت.

و تركنا علیهما فی الآخريں

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که مفعول «تركنا» محذوف بوده و تقدیر آن چنین باشد: «و تركنا ثناءً علیهما». گفتنی است که فعل «تركنا» در این آیه، به معنای «أبقینا» (باقی گذاشتیم) است.

2- باقی ماندن نام و آوازه موسی و هارون (علیهما السلام) در میان آیندگان، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و تركنا عليهما في الأخرين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر موسی و هارون (علیهما السلام) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 121 - 3

3 - نجات موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان از اندوهی بزرگ ، اعطای کتاب آسمانی و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان ،

ص: 302

از پاداش های خداوند به ایشان

و نَجِّنْهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ .. . إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

### 19- خوشنامی هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 125 - 6

6- هود(ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان قوم خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید هود(ع) بر «آمین» بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه امانت داری و خوشنامی برخوردار باشد.

### 20- ذکر نعمت خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شرح - 94 - 4 - 7

7- توجّه پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به خدادادی بودن نعمت خوش نامی ، مایه اطمینان آن حضرت به دوری اش از قهر و خشم خداوند

مَا وَدَّعَكَ رَبِّكَ وَمَا قَلَى .. . وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ

### 21- زمینه خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 80 - 5

5- تأثیر احسان و نیکوکاری در اجابت دعا ، بقای نسل و نام نیک ، تقرب به پیشگاه خداوند و محبوبیت در میان خلق

و لَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا فَلَنعْمِ الْمَجِیْبُوْنَ .. . سَلِّمْ عَلٰی نُوْحٍ فِی الْعَلَمِیْنَ . إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِیْ ا

### 22- سرور خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - خوش نامی ، نعمتی الهی و سزاوار بازگو کردن و اظهار خرسندی است .

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ .. وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ

ص: 303

### 23- عوامل خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 50 - 4

4- خداوند، خوش نامی و بلندآوازی را، به پاس پایداری ابراهیم (ع) در توحید، به او و فرزندانش عنایت کرد.

فلما أعتزلهم... و جعلنا لهم لسان صدق عليًا

### 24- عوامل خوشنامی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 50 - 4

4- خداوند، خوش نامی و بلندآوازی را، به پاس پایداری ابراهیم (ع) در توحید، به او و فرزندانش عنایت کرد.

فلما أعتزلهم... و جعلنا لهم لسان صدق عليًا

### 25- عوامل خوشنامی فرزندان ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 50 - 4

4- خداوند، خوش نامی و بلندآوازی را، به پاس پایداری ابراهیم (ع) در توحید، به او و فرزندانش عنایت کرد.

فلما أعتزلهم... و جعلنا لهم لسان صدق عليًا

### 26- منشأ خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 50 - 6

6- نام نیک و بلندآوازی، مزیتی شایسته و پرتویی از رحمت الهی است.

ووهبنا لهم من رحمتنا و جعلنا لهم لسان صدق عليًا

### 27- منشأ خوشنامی محمد(صلی الله علیه و آله)



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 304

1 - خداوند ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در عصر بعثت ، نامدار و بلندآوازه ساخت و آن حضرت را در اوج شهرت قرار داد .

ورفعنا لک ذکرک

### 28- نعمت خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 78 - 2

2- باقی ماندن نام و آوازه نوح (ع) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی آخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 108 - 2

2- برجا ماندن نام و آوازه ابراهیم (ع) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی آخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت ابراهیم(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 119 - 2

2- باقی ماندن نام و آوازه موسی و هارون (علیهما السلام) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیهما فی آخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر موسی و هارون (علیهما السلام) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 129 - 2

2- باقی ماندن نام و آوازه الیاس پیامبر در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی آخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام بر شمردن نعمت های خدا به حضرت الیاس و امتنان بر ایشان است.

ص: 305

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 44 - 10

10 - نام و آوازه نیک ، نعمتی است خدادادی و دارای مسؤلیت . \*

وإنه لذكر .. و سوف تسئلون

برداشت بالا بدان احتمال است که منظور از «ذکر» یاد و نام خوش باشد؛ و نه تذکر، یادآوری و هشدار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شرح - 94 - 4 - 5

5 - خوش نامی ، نعمتی الهی و سزاوار بازگو کردن و اظهار خرسندی است .

وإما بنعمه ربك فحدّث.. و رفعنا لك ذكرك

### 29- نقش خوشنامی محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شرح - 94 - 4 - 3

3 - بلند آوازی و شهرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، دارای نقشی بسزا در رفع مشکلات رسالت الهی و کاهش سنگینی آن

و وضعنا عنك وزرك .. و رفعنا لك ذكرك

حرف «لام» در «لك» یا برای تعلیل است و یا انتفاع. در صورت دوم دلالت دارد که «رفعت ذكر»، برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) سودمند است. گفتنی است که خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در «لك» - به قرینه «وزرك الذی أنقض ظهرك» - به اعتبار مقام رسالت و رهبری آن حضرت است.

ص: 306

1- اجتناب از خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 9

9 - خوک، حیوانی آلوده و کثیف و نجس که باید از آن اجتناب کرد.

إلا أن يكون .. فإنه رجس

بنابراین که ضمیر «انه» به خنزیر برگردد، نه به لحم خنزیر. در لسان العرب آمده است: «الرجس، القذر و القذار ضد النظافه ... ورجس، نجس».

2- احکام خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 6، 9، 16

6 - خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن يكون ميتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزير فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

9 - خوک، حیوانی آلوده و کثیف و نجس که باید از آن اجتناب کرد.

إلا أن يكون .. فإنه رجس

بنابراین که ضمیر «انه» به خنزیر برگردد، نه به لحم خنزیر. در لسان العرب آمده است: «الرجس، القذر و القذار ضد النظافه ... ورجس، نجس».

16 - خوردن خون، گوشت مردار، خوک و حیوان تذکیه نشده بر مضطر جایز است.

إلا أن يكون ميتة أو دما .. فمن اضطر ... فإن ربك غفور رحيم

### 3- استفاده از گوشت خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 56, 39, 35, 11, 1

1 - حرمت استفاده از مردار، خون و گوشت خوک

حرمت علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر

11 - استفاده از مردار، خون، گوشت خوک، حیوان خفه شده، زده شده، پرت شده، شاخ خورده، دریده شده و بدون تذکیه، فسق و خروج از طاعت خداوند است.

حرمت علیکم... ذلکم فسق

بنابر اینکه «ذلکم» اشاره باشد به جمیع عناوین یاد شده در آیه، نه خصوص آخرین عنوان.

35 - استفاده از مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن برده شود، در حال اضطرار جایز است.

حرمت علیکم... فمن اضطر فی مخصمه غیر متجانف لاثم فإنّ الله غفور رحیم

39 - استفاده از مردار، خون، گوشت خوک، تنها به مقدار ضرورت جایز است.

حرمت... فمن اضطر فی مخصمه غیر متجانف لاثم فإنّ الله غفور رحیم

56 - بهره گیری مضطر از مردار، خون، گوشت خوک و حیوان ذبح شده به نام غیر خدا و...، مشروط به آن است که از روی عمد و قصد گناه نباشد.

فمن اضطر فی مخصمه غیر متجانف لاثم

از امام باقر(ع) در توضیح «غیر متجانف» در آیه فوق روایت شده: غیر متعمد لاثم.

---

تفسیر قمی، ج 1، ص 162؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 447، ح 1.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 16

16 - خوردن خون، گوشت مردار، خوک و حیوان تذکیه نشده بر مضطر جایز است.

إلا أن يكون ميتة أو دماً .. فمن اضطر .. فإن ربك غفور رحيم

#### 4- پلیدی خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 10، 9

9 - خوک، حیوانی آلوده و کثیف و نجس که باید از آن اجتناب کرد.

إلا أن يكون .. فإنه رجس

بنابراین که ضمیر «انه» به خنزیر برگردد، نه به لحم خنزیر. در لسان العرب آمده است: «الرجس، القذر و القذار ضد النظافه ... و رجس، نجس».

ص: 308

10 - آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوک و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن يكون .. فإنه رجس

مرجع ضمیر «إنه» می تواند مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، باشد. برداشت فوق بنابر این اساس است.

### 5- حرمت خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 115 - 1

1- خوردن مردار، خون و گوشت خوک، حرام است.

حرم علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر

### 6- حرمت گوشت خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 1

1 - خوردن مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شده، حرام است.

إنما حرم علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما أهل به لغير الله

«اهلال» (مصدر (أهل) به معنای بلند کردن صداست و مقصود از آن در آیه - چنانچه اهل تفسیر برآند - نام بردن است و لام در «لغیر الله» برای تعدیه می باشد. بنابراین «ما أهل به لغير الله»؛ یعنی، حیوانی که [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر او برده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 3 - 5 - 1

1 - حرمت استفاده از مردار، خون و گوشت خوک

حرمت علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 6



6 - خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن يكون ميتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزير فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

ص: 309

## 7- خبائث خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 3

3 - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

كلوا من طيبت . . . إنما حرم عليكم الميتة . . . و ما أهل به لغير الله

## 8- خوردن خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 2

2- به هنگام اضطرار بهره برداری از مردار ، خون ، گوشت خوک و ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده ، حلال است .

فمن اضطر . . . فلا إثم عليه

## 9- فلسفه تحریم خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 10

10 - آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوک و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن یکون . . . فإنه رجس

مرجع ضمیر «إنه» می تواند مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، باشد. برداشت فوق بنابر این اساس است.

## 10- فلسفه حرمت گوشت خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 23

23 - « محمد بن عذافر عن بعض رجاله عن ابی جعفر (ع) قال قلت له لم حرم الله عز وجل الخمر والميتة والدم ولحم الخنزير؟ فقال : ان الله تبارک و تعالی . . . خلق الخلق . . . و علم ما یضرهم فنهاهم عنه و حرمه علیهم ثم احله للمضطر فی الوقت الذی لا یقوم بدنه إلا

به فأمرة أن ینال منه بقدر البلغة لا غیر ذلک . . . ؛

امام باقر(ع) در پاسخ از علت حرمت خمر، مردار، خون و گوشت خوک فرمودند: خداوند انسانها را آفرید . . . و می دانست چه چیزی موجب ضرر و زیان آنان است و آنان را از آن نهی نموده و برایشان حرام کرده است، سپس برای مضطر در وقتی که بدن او به آن نیاز پیدا کرده، حلال شمرده است که به اندازه کفاف بخورد نه بیشتر از آن . . . ».

ص: 310

## 11- محدوده حرمت خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 7

7 - ممنوعیت بهره‌گیری از مردار، خون و خوک، منحصر به خوردن آنهاست.\*

محرما علی طاعم یطعمه إلا أن یكون میتة

## 12- مسخ به خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 6, 9, 19

6 - خداوند گروهی از اهل کتاب را به میمون و خوک مسخ کرد .

و جعل منهم القرده و الخنازیر

بسیاری از مفسران بر آنند که اصحاب سبت - یهودیانی که با حيله های شرعی قداست روز شنبه را شکستند - به میمون تبدیل شدند و آن گروه از مسیحیان که مائده نازل شده بر عیسی (ع) را منکر شدند به خوک مبدل گشتند.

9- گرفتاری اهل کتاب به لعنت و غضب خداوند ، پرستش طاغوت و مسخ شدنشان به میمون و خوک ، سزای رفتار های زشت آنان

هل انبئکم بشر من ذلک مثوبه عند اللّٰه من لعنه . . . و عبد الطغوت

کلمه «مثوبه» (سزا و جزا) می‌رساند که غضب و . . . به عنوان پیامدهای شومی است که اعمال ناروای اهل کتاب آنها را اقتضا می‌کرده است.

19 - پیشینیان اهل کتاب - بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت - ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه اللّٰه . . . أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 15

15 - مسخ گروهی از بنی اسرائیل بصورت خوک ، در اثر لعن حضرت داود (ع) و بصورت میمون ، در اثر لعن حضرت عیسی (ع)

لعن الذين كفروا من بنى اسرائيل على لسان داود وعيسى

از امام صادق(ع) درباره آيه فوق روايت شده: الخنازير على لسان داود(ع) و القرده على لسان عيسى ابن مريم(ع).

---

كافي، ج 8، ص 200، ح 240؛ نورالثقلين، ج 1، ص 660، ح 311.

ص: 311

### 13- نجاست خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 9

9- خوک، حیوانی آلوده و کثیف و نجس که باید از آن اجتناب کرد.

إلا أن یکون... فإنه رجس

بنابراین که ضمیر «انه» به خنزیر برگردد، نه به لحم خنزیر. در لسان العرب آمده است: «الرجس، القذر و القذار ضد النظافه... و رجس، نجس».

ص: 312

1- احکام خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 16، 8، 6

6 - خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن يكون ميتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزير فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

8 - عدم حرمت خون باقیمانده در بدن حیوان پس از ذبح

إلا أن يكون ميتة أو دما مسفوحا

«مسفوح» به معنای ریخته شده است. ذکر این قید در مورد خون، بنا به گفته مفسران، بدان جهت است که خون باقی مانده در رگها و اعضای بدن حیوان ذبح شده را از شمول حکم حرمت خارج سازد.

16 - خوردن خون، گوشت مردار، خوک و حیوان تذکیه نشده بر مضطر جایز است.

إلا أن يكون ميتة أو دما... فمن اضطر... فإن ربك غفور رحيم

2- استفاده از خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 56، 39، 35، 11، 1

1 - حرمت استفاده از مردار، خون و گوشت خوک

حرمت عليكم الميتة و الدم و لحم الخنزير

11 - استفاده از مردار، خون، گوشت خوک، حیوان خفه شده، زده شده، پرت شده، شاخ خورده، دریده شده و بدون تذکیه، فسق و خروج از طاعت خداوند است.

حرمت عليكم... ذلكم فسق

بنابر اینکه «ذلکم» اشاره باشد به جمیع عناوین یاد شده در آیه، نه خصوص آخرین عنوان.

35 - استفاده از مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن برده شود، در حال اضطرار جایز است.

حرمت علیکم... فمن اضطر فی مخصه غیر متجانف لائم فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

39 - استفاده از مردار، خون، گوشت خوک، تنها به مقدار ضرورت جایز است.

حرمت... فمن اضطر فی مخصه غیر متجانف لائم فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

56 - بهره گیری مضطر از مردار، خون، گوشت خوک و حیوان ذبح شده به نام غیر خدا و...، مشروط به آن است که از روی عمد و قصد گناه نباشد.

فمن اضطر فی مخصه غیر متجانف لائم

از امام باقر(ع) در توضیح «غیر متجانف» در آیه فوق روایت شده: غیر متعمد لائم.

---

تفسیر قمی، ج 1، ص 162؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 447، ح 1.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 16

16 - خوردن خون، گوشت مردار، خوک و حیوان تذکیه نشده بر مضطر جایز است.

إلا أن یکون میتة أو دما... فمن اضطر... فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

### 3- پلیدی خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 10

10 - آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوک و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن یکون... فَإِنَّهُ رَجَسٌ

مرجع ضمیر «إنه» می تواند مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، باشد. برداشت فوق بنابر این اساس است.



#### 4- حرمت خوردن خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 1

1 - خوردن مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شده ، حرام است .

إنما حرم علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما أہل بہ لغیر اللہ

«اهلال» (مصدر (أهلّ) به معنای بلند کردن صداست و مقصود از آن در آیه - چنانچه اهل تفسیر برآند - نام بردن است و لام در «لغیر اللہ» برای تعدیه می باشد. بنابراین «ما أهل به لغیر اللہ»؛ یعنی، حیوانی که [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر او برده شود.

ص: 314

## 5- حرمت خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 1

1 - حرمت استفاده از مردار ، خون و گوشت خوک

حرمت علیکم الميته و الدم و لحم الخنزير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 6

6 - خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن يكون ميتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزير فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 115 - 1

1 - خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، حرام است .

حرّم علیکم الميته و الدم و لحم الخنزير

## 6- خبائث خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 3

3 - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

كلوا من طيبت ... إنما حرم علیکم الميته ... و ما أهل به لغير الله

## 7- خوردن خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - به هنگام اضطراب بهره برداری از مردار، خون، گوشت خوک و ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده، حلال است.

فمن اضطر... فلا إثم علیه

ص: 315

## 8- خون بدن ذبیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 8

8 - عدم حرمت خون باقیمانده در بدن حیوان پس از ذبح

إلا أن یکون میتة أو دما مسفوحا

«مسفوح» به معنای ریخته شده است. ذکر این قید در مورد خون، بنا به گفته مفسران، بدان جهت است که خون باقی مانده در رگها و اعضای بدن حیوان ذبح شده را از شمول حکم حرمت خارج سازد.

## 9- خون پیراهن یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 18 - 19، 20، 4، 2

2- برادران یوسف، پیراهن وی را به خونی دروغین (خونی غیر از خون او) آغشته کردند.

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

4- خونین بودن روی پیراهن یوسف، نشانه ای آشکار بر طعمه گرگ نشدن او بود.

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

«بدم» مفعول برای «جاءو» است و «علی قمیصه» حال برای «دم» می باشد. بنابراین «جاءو...»؛ یعنی، خون دروغینی را آوردند در حالی که آن خون بر روی پیراهن بود و از آن جا که معمولاً قسمت زیرین و آستر لباس مصدوم آغشته به خون می شود، ولی روی لباس یوسف خونین بود، یعقوب (ع) دریافت که فرزندش طعمه گرگ نشده است.

5- خونی که برادران یوسف پیراهن او را با آن آغشته کردند، به خوبی نشان می داد که خون یوسف نیست.

جاءو علی قمیصه بدم کذب

«کذب» مصدر است و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل «کاذب» می باشد به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل حاکی از مبالغه است بنابراین «دم کذب» یعنی خون دروغین که دروغ بودنش خیلی روشن و واضح بود.

19- «عن أبی عبدالله (ع) قال لما أوتی بقمیص یوسف إلی یعقوب... کان به نضح من دم؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: هنگامی که پیراهن یوسف برای یعقوب آورده شد . . . روی آن قطراتی از خون پاشیده شده بود».

20- « عن أبي جعفر (ع) في قوله « و جاؤوا على قميصه بدم كذب » قال : إنهم ذبحوا جدياً على قميصه ;

از امام باقر(ع) روایت شده درباره سخن خدا که فرموده: «و جاؤوا . . .» فرمود: آنان بزغاله ای بر روی پیراهن او ذبح کرده بودند».

## 10- خون مباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 316

8 - عدم حرمت خون باقیمانده در بدن حیوان پس از ذبح

إلا أن يكون ميتة أو دما مسفوحا

«مسفوح» به معنای ریخته شده است. ذکر این قید در مورد خون، بنا به گفته مفسران، بدان جهت است که خون باقی مانده در رگها و اعضای بدن حیوان ذبح شده را از شمول حکم حرمت خارج سازد.

### 11- عذاب با خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 133 - 2

2 - جاری شدن سیلاب و هجوم ملخ ها ، شپش ها و قورباغه ها و آلوده شدن زندگانی به خون ، از عذاب های نازل شده بر فرعونیان منکر رسالت موسی

فأرسلنا عليهم الطوفان والجراد والقمل والضفادع والدم

«طوفان» آب فراوانی است که بر منطقه و یا مناطقی مستولی می شود. هر یک از «جراد» (ملخ) و «قمل» (شپش) اسم جنس است. ضفادع جمع ضفدع یا ضفدع (قورباغه) است.

### 12- فلسفه تحریم خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 10

10 - آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوک و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن يكون... فإنه رجس

مرجع ضمیر «إنه» می تواند مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، باشد. برداشت فوق بنابر این اساس است.

### 13- فلسفه حرمت خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 23

23 - « محمد بن عذافر عن بعض رجاله عن ابي جعفر (ع) قال قلت له لم حرم الله عز وجل الخمر و الميته و الدم و لحم الخنزير؟ فقال : ان الله تبارك و تعالى . . . خلق الخلق . . . و علم ما يضرهم فنهاهم عنه و حرمه عليهم ثم احله للمضطر في الوقت الذي لا يقوم بدنه إلا به فأمره أن ينال منه بقدر البلغه لاغير ذلك . . . » ;

امام باقر(ع) در پاسخ از علت حرمت خمر، مردار، خون و گوشت خوک فرمودند: خداوند انسانها را آفرید . . . و می دانست چه چیزی

ص: 317

موجب ضرر و زیان آنان است و آنان را از آن نهی نموده و برایشان حرام کرده است، سپس برای مضطر در وقتی که بدن او به آن نیاز پیدا کرده، حلال شمرده است که به اندازه کفاف بخورد نه بیشتر از آن ...».

#### **14- محدوده حرمت خون**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 7

7 - ممنوعیت بهره گیری از مردار، خون و خوک، منحصر به خوردن آنهاست.\*

محرمات علی طاعم یطعمه إلا أن یكون میتة

ص: 318



## 18- خویشاوندان

### 1- اتکا به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 34 - 3

3- تکیه ثروت مند مغرور ، به زیادی مال و نیروی فرزندان ، خویشان و هواخواهان خود بود .

فقال لصحبه .. أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً

به قبیله و عشیره انسان و نیز به گروهی که در کاری به هم کمک کنند، «نفر» اطلاق می شود (لسان العرب) و به قرینه «أنا أقلّ منك مالاً و ولداً» - در آیه 39 - برجسته ترین مصداق آن برای گوینده این سخن، فرزندان وی بوده است.

### 2- احترام خویشاوندان شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 91 - 10، 9

9- خاندان شعيب ، قبیله ای شایسته احترام در نزد مردم مدین

لولا رهطک لرجمنک

«رهط» به گروه و دسته ای گفته می شود که از ده نفر تجاوز نکند و آن گاه که به کلمه ای همانند رجل اضافه شود (رهط الرجل) به معنای قبیله ، قوم و خاندان است.

10- عزت و احترام قبیله شعيب در نزد مردم مدین ، مانع آنان از کيفر دادن و سنگسار کردن آن حضرت

و لولا رهطک لرجمنک

از آن جا که مردم مدین تصریح می کنند که شعيب(ع) در میان آنان ضعیف است، معلوم می شود مقصود آنان از «لولا رهطک» این معنا نیست که آنان توان مقابله با خاندان او را ندارند؛ بلکه - به قرینه «ما أنت علينا بعزیز» و «أرهطی أعز. ..» در آیه بعد - مراد از «لولا رهطک»، «لولا عزه قومک و کرامتهم عندنا ...» است.

### 3- احسان به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 83 - 3،17

3 - احسان به پدر و مادر ، خویشان ، یتیمان و درماندگان ، از جمله پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا ميثق بني إسرائيل لا تعبدون إلا الله و بالوالدين إحساناً و ذی القربى و ا

«إحساناً» مفعول مطلق برای فعل محذوف «تحسنون» یا «احسنوا» می باشد. کلمات «ذی القربى و ...» عطف بر «الوالدين» است.

17 - یکتا پرستی و احسان به والدین ، خویشان ، یتیمان و درماندگان ، از مصادیق اعمال شایسته است .

و عملوا الصلحت .. لا تعبدون إلا الله و بالوالدين إحساناً ... و المسکین

آیه مورد بحث در حقیقت تفسیری برای آیه پیشین و بیان مصادیقی از «الصلحات» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 1 - 16،19

16 - لزوم اهتمام و توجه به خویشاوندان (صله رحم)

و اتَّقوا الله الذى تساءلون به و الارحام

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: هی ارحام النَّاس، انَّ الله عز و جل امر بصلتها و عَظَمها الا ترى انَّه جعلها معه.

---

کافی، ج 2، ص 150، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 437، ح 25.

19 - توجه به مراقبت دائمی خداوند ، زمینه ساز رعایت تقوای الهی و اهتمام به خویشاوندان

و اتَّقوا الله الذى تساءلون به و الارحام انَّ الله کان علیکم رقیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 36 - 8،9،10،19

8 - ضرورت احسان و نیکی به خویشاوندان ، یتیمان و درماندگان

و بالوالدين احساناً و بذى القربى و اليتامى و المساكين

9- اولويت احسان به پدر و مادر ، بر احسان به خویشان

و بالوالدين احساناً و بذى القربى

10 - اولويت احسان به خویشان ، بر احسان به ديگران

و بذى القربى و اليتامى . . . و ما ملكت ايما نكم

19 - احسان به پدر ، مادر ، خویشان ، همسايگان و زيردستان ، زمينه جلب محبت الهى

و بالوالدين احساناً . . انّ الله لا يحبّ من كان مختالاً فخوراً

از مصاديق مورد نظر برای «مختالاً فخوراً»، ترك احسان به پدر، مادر و . . . مى باشد. در نتیجه ترك احسان مانع محبت الهى و

ص: 320

احسان عامل جلب آن خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 90 - 18، 3، 1

1- خداوند به رعایت عدل، احسان و بخشش به خویشاوندان، فرمان می دهد.

إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذی القربی

3- بخشش به خویشاوندان، دارای اهمیتی ویژه در میان سایر نیکیهها

إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذی القربی

برداشت فوق، به خاطر این است که بخشش به خویشاوندان قطعاً از مصادیق «احسان» است و اینکه دوباره به صورت مجزا ذکر شده، مشعر به اهمیت آن است.

18- عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان، از تمایلات فطری انسان

یأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذی القربی .. لعلکم تذکرون

برداشت فوق بر این اساس است که خداوند امر به عدل و .. را مواعظی در جهت تذکر آدمیان می شمارد و در واژه «تذکر» این معنا نهفته است که: اصل گرایش به ارزشهای مذکور، در نهاد همگان موجود است و در صورت غفلت نیازمند یادآوری می باشد.

#### 4- ادای حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 26 - 2، 1

1- ادای حق خویشاوندان، امری واجب و لازم است.

وَأْتِ ذَآلِ الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به ادای حقوق خویشاوندان، مساکین و در راه ماندگان با رعایت اعتدال و اجتناب از تذبذیر

وَأْتِ ذَآلِ الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب در آیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد، هر چند دیگران را نیز شامل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 29 - 2

2- مؤمنان ، وظیفه دار پرهیز از بخل و خودداری از ادای حق خویشان و مستمندان

و ءات ذالقربی حقه . . . و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک

### 5- ارث خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 321

8 - خویشاوندان در ارث بردن از یکدیگر بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض

برداشت فوق با توجه به روایات متعددی که درباره «اولوا الارحام» آمده، استفاده شده است. علاوه بر آن مفسران بزرگ شیعه و سنی جمله «اولوا الأرحام بعضهم ...» را بیان حکم ارث دانسته اند.

### 6- ارث خویشاوندان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 16

16 - خویشاوندان مؤمنان و مهاجران ، به ارث بردن از آنها نسبت به دیگران ، اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض . . . من المؤمنین و المهجرین

برداشت بالا، بنابراین است که «من المؤمنین» متعلق به عامل مقدر و وصف «أولوا الأرحام» باشد.

### 7- ارث خویشاوندان مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 16

16 - خویشاوندان مؤمنان و مهاجران ، به ارث بردن از آنها نسبت به دیگران ، اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض . . . من المؤمنین و المهجرین

برداشت بالا، بنابراین است که «من المؤمنین» متعلق به عامل مقدر و وصف «أولوا الأرحام» باشد.

### 8- ارث خویشاوندان نسبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 9

9 - خویشاوندان نسبی ، در ارث بردن از هم ، بر مؤمنان و مهاجران اولویت دارند .

وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ

نوع مفسران بر آن اند که مراد از اولویت خویشاوندان بر دیگران، اولویت در ارث است.

ص: 322

## 9- استقبال از خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 3

3- به استقبال پدر ، مادر و بستگان رفتن و در خارج شهر به انتظار قدم آنان ماندن ، رسمی نیکو و از آداب معاشرت است .

فلما دخلوا علی یوسف . . قال ادخلوا مصر

## 10- اصحاب یمین و خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 9 - 2,3

2 - کسانی که نامه عمل آنان به دست راستشان عطا شود ، در قیامت با خویشاوندان خود مأنوس خواهند بود .

و ینقلب الی أهله

فعل «ینقلب» دلالت می کند که مراد از «أهل»، همان خویشاوندان انسان در دنیا است که در قیامت نیز در کنار او خواهند بود. برخی مراد از «أهل» را، حور و غلمان بهشتی دانسته اند؛ ولی واژه انقلاب (رجوع کردن) و نیز جمله «إِنَّهٗ كَانَ فِیْ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» در آیات بعد، دیدگاه نخست را تأیید می کند.

3 - دریافت کنندگان نامه عمل با دست راست ، با آسان گذراندن مرحله حسابرسی ، شادمان به نزد خویشاوندان خود بر خواهند گشت .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بَیْمِیْنِهِ . . . وَ ینقلب الی أَهْلِهِ مَسْرُورًا

## 11- اصلاح خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 85 - 5

5- آغاز کردن تبلیغ دین و حرکت اصلاحی از نزدیکان و اطرافیان ، شیوه ابراهیم (ع)

إِذْ قَالَ لِأَبِیْهِ وَ قَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) در آغاز تبلیغ خود، پدر و اطرافیان خود را مخاطب قرار داد.

## 12- اطعام به خویشاوندان یتیم



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 15 - 2

2 - رساندن غذا به خویشاوندان یتیم خود ، بر تغذیه دیگر نیازمندان مقدم است .

ص: 323

«مقربه» مصدر و با «قرايه» (خویشاوندی) به یک معنا است. (صحاح اللغه)

### 13- اعراض از تأمین خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 28 - 7

7- ناتوانی مالی و عدم امکانات مناسب ، عذری پذیرفته شده و بجا در ترک انفاق و ادای حق خویشاوندان و مستمندان

و ءات ذاالقربى حقّه . . . و اما تعرضنّ عنهم ابتغاء رحمة من ربّك ترجوها

### 14- اقلیت خویشاوندان شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 91 - 7

7- شعيب (ع) در شهر مدین ، دارای طایفه ای انگشت شمار بود .

لولا رهطک لرحمنک

### 15- امداد اخروی به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 37 - 3

3 - شدايد قيامت ، از میان برنده فرصت بهره رساندن خویشاوندان به یکدیگر است .

يوم یفرّ المرء من أخیه . . . لکلّ امریء منهم یومئذ شأن یغنیه

جمله «لکلّ امریء . . .»، بیانگر علت فرار خویشاوندان از یکدیگر است و نشان می دهد که در آن سراگرچه عواطف خویشاوندی هم وجود داشته باشد؛ ولی سودی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 42 - 3

3 - گرفتاری به آثار کفر و گناه در قیامت ، فرصت هرگونه یاری رسانی به دیگران - حتی نزدیک ترین خویشاوندان - را از کافران و گناه کاران سلب خواهد کرد .

يوم يفرّ المرء... لكلّ امرئ منهنم يومئذ شأن يغنيه... أولئك هم الكفرة الفجرة

ص: 324

## 16- امداد به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 93 - 11

11- یاری به خویشان و وابستگان ، خصلتی نیکو و از ویژگی های نیکوکاران است .

وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 28 - 6

6- مؤمن ، آرزومند داشتن امکانات ، برای رسیدگی به خویشاوندان و محرومان جامعه

وإِذَا تَعْرَضْنَا عَنْهُمْ إِبْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهُمْ

## 17- امدادهای خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 72 - 7

7- برخورداری انسان در زندگی خانوادگی از یاری بی دریغ افرادی چون نوادگان و خویشاوندان ، از نعمت های خداوند و از نشانه های اوست .

وَجَعَلْ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً

ماده «حفده» در مورد یارانی به کار می رود که از خدمت گذاری تعدی نمیورزند که مفسران مصداق این معنا را نوادگان یا همه خویشاوندان دانسته اند.

## 18- انداز خویشاوندان محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 214 - 1

1 - مأموریت پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای انداز و اخطار بستگان نزدیک خویش از عواقب شرکوری و مخالفت با خدا

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ . . . وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ

## 19- انفاق به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 325

7 - والدین ، خویشاوندان ، یتیمان ، فقرا و در راه ماندگان ، به ترتیب از موارد مصرف انفاق هستند .

فللوالدین و الاقربین و الیتامی و المساکین و ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 28 - 14

14 - کسانی که به خاطر ناتوانی مالی ، از دستگیری خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان خودداری می کنند ، نباید به گونه ای به آنان وعده و نوید بدهند که دچار مشکل شوند .

و إما تعرضنّ . . . ابتغاء رحمة من ربّک ترجوها فقل لهم قولاً میسوراً

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که «قل لهم قولاً میسوراً» به این معنا باشد که اکنون که ناتوان از کمک به نیازمندان هستید، به آنان قول و وعده ای بدهید که برای شما عسر و حرج آفرین نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 10

10 - در انفاق ، خویشاوندان نیازمند بر دیگر نیازمندان ، اولویت و تقدم دارند .

و لایاتل أولوا الفضل منکم والسعه أن یؤتوا أولى القربی و المسکین و المهجری

برداشت یاد شده، مبتنی بر این اساس است که تقدم ذکری «أولی القربی» بر «مساکین» و «مهاجرین» حاکی از تقدم رتبی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 38 - 1,2,4

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور انفاق به خویشان خود و مساکین و در راه ماندگان بود .

فأت ذالقربی حقه و المسکین و ابن السبیل

2 - انفاق بر خویشاوندان و مساکین و در راه ماندگان ، لازم است .

فأت ذالقربی حقه و المسکین و ابن السبیل

مخاطب آیه، اگر چه پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، اما پیروان آن حضرت، به تبع او، مشمول حکم آیه هستند.

4- خویشاوندان نزدیک، در اعطای حقوق مالی و انفاق، در اولویت اند. \*

فَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ

## 20- انفاق به خویشاوندان نیازمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 177 - 21

21 - تقدیم خویشاوندان نیازمند بر دیگر مستمندان، از آداب انفاق است.

ص: 326

وَأَتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ

تقدیم کلمه «ذوی القربی» بر دیگران، گویای این است که: اهل ایمان در مرحله نخست باید در رفع نیاز خویشاوندان خود بکوشند و سپس به دیگران پردازند.

## 21- انفاق خویشاوندان اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 55 - 8

8- وفادار بودن اسماعیل (ع) به وعده ها و اصرار او بر پای بندی بستگانش به نماز، زکات و انفاق، مایه جلب رضایت خداوند

إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ . . . وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا

## 22- اولویت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 214 - 2

2 - لزوم پرداختن به اصلاح نزدیکان خود، قبل از اقدام به اصلاح جامعه و تودهای مردم

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ . . . وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ

با توجه به این که رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) جهانی است ولی در این آیات خداوند نخست انذار بستگان را فرمان داده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 10

10 - اولویت خویشان در ارث بردن، حکمی ثابت در کتاب خدا است.

وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ

«فی کتاب» می تواند خبر مبتدای محذوف مثل «هذا الحكم» باشد. در این صورت، استفاده می شود که حکم اولویت یاد شده جزء احکام کتاب خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



5- آغاز کردن تبلیغ دین و حرکت اصلاحی از نزدیکان و اطرافیان، شیوه ابراهیم (ع)

إذ قال لأبيه وقومه ماذا تعبدون

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) در آغاز تبلیغ خود، پدر و اطرافیان خود را مخاطب قرار داد.

ص: 327

### 23- اولویت خویشاوندان نسبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 8,9

8 - خویشاوندان نسبی، در حقوق مقرر شده، بر دیگران ترجیح دارند.

وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ

9 - خویشاوندان نسبی، در ارث بردن از هم، بر مؤمنان و مهاجران اولویت دارند.

وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ

نوع مفسران بر آن اند که مراد از اولویت خویشاوندان بر دیگران، اولویت در ارث است.

### 24- اهل مدین و خویشاوندان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 91 - 9

9- خاندان شعیب، قبیله ای شایسته احترام در نزد مردم مدین

لولا رهطک لرحمنک

«رهط» به گروه و دسته ای گفته می شود که از ده نفر تجاوز نکنند و آن گاه که به کلمه ای همانند رجل اضافه شود (رهط الرجل) به معنای قبیله، قوم و خاندان است.

### 25- اهمیت احترام به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 9

9- لزوم احترام به خویشاوندان خصوصاً به پدران و مادران

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی الیه أبویه وقال ادخلوا مصر

### 26- اهمیت اصلاح خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 55 - 5

5- اصلاح خانواده و بستگان ، دارای اهمیت ویژه و مورد اهتمام پیامبران الهی

و كان يأمر أهله بالصلوة و الزكوة

ص: 328

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 214 - 2

2- لزوم پرداختن به اصلاح نزدیکان خود، قبل از اقدام به اصلاح جامعه و تودهای مردم

فلاتدع مع الله .. و انذر عشیرتک الاقربین

با توجه به این که رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) جهانی است ولی در این آیات خداوند نخست انداز بستگان را فرمان داده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

### 27- اهمیت تأمین خویشاوندان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 16 - 4

4- فضیلت تغذیه خویشاوندان یتیم خود، برتر از رساندن غذا به دیگر اقشار محروم جامعه است .

یتیمًا ذا مقربه . او مسکینًا ذا متربه

### 28- اهمیت حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 8 - 9

9- رعایت حقوق خویشاوندان - اگر چه دشمن باشند - لازم است .

و ان یظہروا علیکم لایرقبوا فیکم الاّ

خداوند مشرکان را به خاطر رعایت نکردن حق خویشاوندی خود با مسلمانان که در حال ستیز و دشمنی با آنان بودند محکوم کرد و آنها را متجاوز خواند (هم المعتدون); این می رساند که حق خویشاوندی را در هر شرایط (جنگ و دشمنی و ..) باید رعایت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 10 - 4

4- رعایت حقوق خویشاوندان، واجب است .

لایرقبون فی مؤمن الاّ

آیه فوق که در توصیف مشرکان است، رعایت نکردن حق خویشاوندان را از خصوصیات مشرکان شمرده و به همین خاطر آنان را انسانهای متجاوز معرفی کرد (هم المعتدون) این توصیف، حکایت دارد که رعایت حق خویشاوندان امری لازم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 26 - 4

ص: 329

4- رعایت حقوق خویشاوندان پس از ادای حق والدین، بر سایر حقوق اجتماعی، اولویت دارد.

و بالولدين احسنًا .. وءات ذالقربى حقه و المسكين

فاصله شدن «حقه» میان «ذالقربی» و دو مورد بعد و نیز تقدمش بر آن دو، می تواند إشعار به تمایز «ذی القربی» و اولویت مرتبه آن داشته باشد.

### 29- اهمیت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 72 - 8

8- نقش مهم تعاون خویشاوندی در زندگی انسان

و جعل لكم .. حفده

برداشت فوق از آن جاست که خداوند ضمن برشمردن چند نعمت مهم، پس از موضوع همسررداری و فرزند، به مسأله تعاون خویشاوندی اشاره فرموده است که از معنای لغوی «حفده» استفاده می شود.

### 30- اهمیت رعایت عواطف خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 28 - 13

13- توجه به عواطف خویشاوندان و مستمندان و پرهیز از رنجیده ساختن آنان، امری لازم و شایسته است.

وإما تعرضنّ .. فقل لهم قولاً میسوراً

### 31- اهمیت سعادت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 26 - 5

5- لزوم احساس مسؤولیت مؤمنان، نسبت به سعادت و فرجام خویشاوندان خود

قالوا إنا كنا قبل فی أهلنا مشفقین

از این که احساس مسؤولیت نسبت به خانواده، عامل رهیابی به بهشت معرفی شده است؛ اهمیت و ضرورت آن استفاده می شود.

## 32- اهمیت هدایت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 330

9- اصلاح بستگان نزدیک و هدایت آنان نسبت به دیگر افراد جامعه ، در اولویت نخست قرار دارد .

إذ قال لأبيه وقومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 26 - 9

9 - مسؤولیت ویژه انسان در برابر هدایت و ارشاد بستگان نزدیک خود \*

و إذ قال إبراهيم لأبيه وقومه

تقدیم «لأبيه» می تواند توجه بیشتر ابراهیم(ع) به هدایت پدر را برساند؛ که از آن اولویت هدایت و ارشاد بستگان نزدیک استفاده می شود.

### 33- ایمان خویشاوندان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 3

3 - از میان قوم لوط تنها خانواده و بستگانش به وی ایمان آوردند .

فانجینة وأهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 32 - 6

6 - از خویشاوندان لوط افرادی به وی ، ایمان آورده بودند .

لننجینة وأهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 15

15 - جمعی از خویشان لوط (ع) به وی ، ایمان آورده بودند .

إتّا منجّوك وأهلك



## 34- برخورد با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 8 - 3, 2

2- لزوم برخورد نیک با خویشاوندان، یتیمان و مساکین به هنگام بهره مند ساختن آنان از میراث

ص: 331

و اذا حضر القسمة .. فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

3- لزوم توجه به نیازمندی های خویشاوندان ، یتیمان و مساکین و برخورد نیک با آنان

اولوا القربى و الیتامى و المساکین، فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

### 35- بی لیاقتی خویشاوندان زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 5 - 2

2- بستگان زکریا ، در نظر وی برای تسلط بر امور مادی و اجتماعی او صلاحیت نداشتند . \*

و ائى خفت المولى من وراءى

از معانی «موالی» خویشاوندانی از قبیل پسر عمو، پسر خواهر و نظایر آنان است (تاج العروس).

### 36- تأمین خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 177 - 20، 9

9- لزوم دستگیری از خویشاوندان نیازمند و صرف مال برای برطرف کردن نیاز های آنان

و ائى المال على حبه ذوى القربى

«ذوی القربى» به معنای خویشاوندان است و از آن جا که در شمار یتیمان و مساکین و .. قرار گرفته اند، می توان دریافت که مراد، نیازمندان ایشان است.

20 - پرداخت مال برای رفع نیازمندی خویشان ، یتیمان ، مساکین ، در راه ماندگان و فقیران مشخصه نیکوکاران است .

ولكن البر من .. و ائى المال على حبه ذوى القربى و السائلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 8 - 3

3- لزوم توجه به نیازمندی های خویشاوندان ، یتیمان و مساکین و برخورد نیک با آنان

اولوا القربى و اليتامى و المساكين، فارزقوهم منه و قولوا لهم قولا معروفاً

### **37- تأمين نیازهای خویشاوندان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 5,9

ص: 332

5- تأمین نیازمند های خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران ، بر اغنیا و ثروتمندان واجب است .

و لا یأتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولی القربی و المسکین و المهجری

9- دستگیری از بینوایان و خویشاوندان و مهاجران نیازمند ، نشانگر فضیلت و کرامت آدمی است .

و لا یأتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولی القربی و المسکین و المهجری

برداشت براساس این است که مقصود از فضل در «أولوا الفضل» فضیلت معنوی و انسانی باشد.

### 38- تبلیغ خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 47 - 6

6- مبلغان ، در تبلیغ دین ، باید اقوام و خویشان خود را در اولویت قرار دهند .

و لقد أرسلنا من قبلك رسلاً إلی قومهم

بی شک، هدف از ارسال انبیا، هدایت همه مردم بوده است و اختصاص به ذکر قوم آنان (قومهم) ممکن است به خاطر در اولویت بودن آنان باشد. در این صورت، نکته یاد شده، قابل استفاده است.

### 39- تبلیغ در خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 74 - 9

9- تبلیغ در بین خویشاوندان و بزرگان و سردمداران، دارای اولویت است.\*

و إذ قال إبرهیم لأبیه ءازر

«آزر» علاوه بر این که از خویشان ابراهیم بود، به تصریح «قومک» از بزرگان و رؤسای قوم خویش نیز محسوب می شده است. و چون ظاهراً دعوت ابراهیم از این نقطه آغاز گشته، می تواند به عنوان الگو و معیاری در تبلیغ مطرح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 85 - 5

5- آغاز کردن تبلیغ دین و حرکت اصلاحی از نزدیکان و اطرافیان ، شیوه ابراهیم (ع)

إذ قال لأبيه وقومه ماذا تعبدون

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) در آغاز تبلیغ خود، پدر و اطرافیان خود را مخاطب قرار داد.

ص: 333

## 40- ترک انفاق به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 1, 2

1 - خداوند ، توانگران صدراسلام را از سوگند بر ترک انفاق به خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران به صرف گناه گذشته آنان ، بر حذر داشت

ولایاتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولى القربی و المسکین و المهجرین

«إیتلاء» (مصدر «یأتلی») می تواند مشتق از «الو» به معنای «تقصیر و منع» باشد. هم چنین می تواند از «الیّه» به معنای «حلف» و سوگند خوردن باشد. در صورتی که به معنای «حلف» باشد، «یؤتوا» منفی به «لا» ی محذوف است؛ یعنی، «لا یحلفوا أن لا یؤتوا...» درباره شأن نزول آیه شریفه دو نظر وجود دارد: 1- آیه درباره کسانی نازل شد که پس از ماجرای «افک»، سوگند یاد کردند که از انفاق به گروهی که در این ماجرا دست داشتند خودداری کنند. 2- در خصوص ابوبکر نازل شد که او پس از ماجرای «افک»، از انفاق به «مسطح بن اثاثه» - که پسر خاله یا پسر خواهر وی بود - امتناع ورزید.

2- سوگند بر ترک نیکی و انفاق به خویشاوندان ، مستمندان و مهاجران ، به صرف لغزش گذشته آنان ، نشانه تأثیر پذیری از وسوسه شیطان و پیروی از او است .

لا تتبعوا خطوت الشیطن . . . و لایاتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولى

جمله «و لایاتل...» می تواند عطف بر «و لا تتبعوا خطوات الشیطان...» - از نوع عطف خاص بر عام - باشد که حاکی از اهمیت موضوع مورد بحث خاص است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین خواهد شد: «ای مؤمنان! از گام های شیطان، بویژه اگر شما را به ترک انفاق خویشاوندان و... فرا بخواند پیروی نکنید».

## 41- تنفیه خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 13 - 1

1 - مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن بستگان نزدیک خویش اند .

و فصیلته الّتی تویه

## 42- توقعات خویشاوندان محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - خویشاوندان مشرک پیامبر توقع داشتند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جهت خویشی آنان را به توحید فرا نخواند. \*

و إذ قال إبرهیم لأبیه ازر

موظف شدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به یاد نمودن گفتگوی ابراهیم (ع) با آزر شاید بدان جهت باشد که در خویشاوندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) این انگیزه که آن حضرت از دعوت آنان به توحید باز ایستد وجود داشته است.

ص: 334

### 43- حفظ منافع خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 14

14 - حفظ منافع خویشان و یا دفع ضرر از آنان نباید آدمی را به ناحق گویی وادارد.

و إذا قلتم فاعدلوا و لو كان ذاقربی

اسم «کان» ضمیری است که به «المقول له» و مانند آن، که از «إذا قلتم» به دست می آید، برمی گردد؛ یعنی هر چند آن کسی که سخن درباره او گفته می شود، خویشاوند گوینده باشد.

### 44- حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 180 - 14

14 - مسؤولیت انسان بالاخص دارندگان ثروت ، درباره پدر و مادر و سایر خویشاوندان \*

الوصیه للولدين و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 8 - 1, 2

1 - لزوم بهره مند ساختن نزدیکان نیازمند ، یتیمان و مساکین از اموال میت ، در صورت حضور آنان هنگام تقسیم ارث

و اذا حضر القسمة اولوا القربی و الیتامی و المساکین، فارزقوهم منه

ذکر «اولوا القربی» در ردیف یتیم و مسکین، حاکی از آن است که مراد از «اولوا القربی» خویشان نیازمند هستند نه خویشان ثروتمندی که با یتیمان و مساکین تناسبی ندارند. ذیل آیه که ترغیب به عطوفت و برخورد نیک با آنان است، این معنا را تأیید می کند.

2 - لزوم برخورد نیک با خویشاوندان ، یتیمان و مساکین به هنگام بهره مند ساختن آنان از میراث

و اذا حضر القسمة .. فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

### 45- حقوق خویشاوندان محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به ادای حقوق خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان با رعایت اعتدال و اجتناب از تبذیر

ص: 335

وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب در آیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد، هر چند دیگران را نیز شامل می شود.

15- «عن أبي الحسن موسى (ع) : . . . ان الله تبارك و تعالی لما فتح علی نبیه (صلی الله علیه و آله) فدک . . . فأنزل الله علی نبیه (صلی الله علیه و آله) « و آت ذالقریبی حقه » فلم یدر رسول الله (صلی الله علیه و آله) من هم . . . فأوحی الله إلیه أن ادفع فدک إلی فاطمه (ع) . . . »

از ابی الحسن موسی بن جعفر (ع) روایت شده است: .. آنگاه که خداوند - تبارک و تعالی - فدک را برای پیامبرش فتح کرد ... پس بر او این آیه را نازل فرمود: « و آت ذالقریبی حقه ». پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ندانست نزدیکان چه کسانی اند ... پس خداوند به او وحی کرد که فدک را به حضرت فاطمه (س) بدهد (...).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 38 - 17

17 - « فی مجمع البیان : روی أبوسعید الخدری و غیره أنه لما نزلت هذه الآية علی النبی (صلی الله علیه و آله) أعطی فاطمه (س) فدکاً و سلمه إلیها . و هو المروی عن أبی جعفر و أبی عبد الله (ع) . . . »

در مجمع البیان آمده است که ابوسعید خدری و دیگران، روایت کرده اند که هنگامی که این آیه بر پیغمبر نازل گشت «فأت ذالقریبی حقه» آن حضرت، فدک را به فاطمه (علیها السلام) داد و آن را به وی تسلیم کرد. همین مطلب، از امام باقر و امام صادق (ع) نیز روایت شده است.

#### 46- حقوق خویشاوندان نسبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 8

8 - خویشاوندان نسبی ، در حقوق مقرر شده ، بر دیگران ترجیح دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی كتب الله

#### 47- حقوق مالی خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 38 - 4, 3

3 - بستگان نزدیک ، در اموال و دارایی انسان دارای حقوق شرعی اند .

فَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ

امر «آبِ» و نیز اضافه شدن «حق» به ضمیر «ه»، دلالت بر نکته بالا می کند.

4 - خویشاوندان نزدیک ، در اعطای حقوق مالی و انفاق ، در اولویت اند . \*

فَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ

ص: 336

## 48- حمایت از خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 3 - 4

4 - توجه به گسسته شدن روابط خانوادگی در قیامت ، مانع از دست زدن انسان به کار های خلاف ، به انگیزه حمایت از خانواده و خویشان

لن تنفعکم أرحامکم و لا أولدکم یوم القیمه

## 49- خوردن از خانه خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 14,22

14 - استفاده از خوراکی های موجود در منازل خویشاوندان ، بدون اذن خواستن از ایشان ، از حقوق خویشاوندی است .

لیس علی الأعمی حرج ... و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ...

مجاز بودن استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و .. - که از خویشاوندان محسوب می شوند - و بدون هیچ ادنی از آنان، حاکی از حقی است میان آنان که باید رعایت شود.

22 - مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج ... و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

## 50- خویشاوندان ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 87 - 1,2

1 - خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب(ع) و .. ) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم و اجتنبینهم و هدینهم إلی صراط مستقیم

2 - خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحق(ع) و ... ) بر همه مردم عصرشان برتری بخشید.

كلاً فضلنا على العلمین . . . و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم

ص: 337

## 51- خویشاوندان اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 87 - 2، 1

1 - خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب (ع) و ... ) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم و اجتینهم و هدینهم إلی صراط مستقیم

2 - خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحق (ع) و ... ) بر همه مردم عصرشان برتری بخشید.

کلاً فضلنا علی العلمین ... و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم

## 52- خویشاوندان اصحاب یمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 9 - 6

6 - « قاسم بن محمد عن علی قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : إنَّ الله تبارک و تعالی إذا أراد أن یحاسب المؤمن أعطاه کتابه بيمينه و حاسبه ... و هو قول الله عزَّوجلَّ « ... و ینقلب إلی أهله مسروراً » قلت : أیُّ أهل ؟ قال : أهله فی الدنيا هم أهله فی الجنة إن كانوا مؤمنین ؛

قاسم بن محمد از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی، زمانی که بخواهد شخص مؤمن را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست او می دهد و او را محاسبه می کند ... و این است سخن خدای عزَّوجلَّ «... و ینقلب إلی أهله مسروراً». گفتم: مراد کدام اهل است؟ فرمود: آنان که در دنیا اهل او بودند؛ اگر مؤمن باشند در آخرت نیز اهل او خواهند بود».

## 53- خویشاوندان برتر انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 87 - 2

2 - خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحق (ع) و ... ) بر همه مردم عصرشان برتری بخشید.

کلاً فضلنا علی العلمین ... و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم

## 54- خویشاوندان برگزیده انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 87 - 1

ص: 338

1 - خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب(ع) و ..) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم و اجتبینهم و هدینهم إلی صراط مستقیم

### 55- خویشاوندان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 18 - 4,5

4- در قیامت ، حتی خویشاوندان هم از به دوش کشیدن بارگناه کسان خود ، سر باز می زنند .

و إن تدع مثقله إلی حملها لایحمل منه شیء و لو کان ذاقربی

5- بی یآوری انسان در قیامت ، حتی از سوی خویشاوندان خود

و إن تدع مثقله إلی حملها لایحمل منه شیء و لو کان ذاقربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 10 - 1,2

1- در روز رستاخیز ، هیچ دوست صمیمی و خویشاوندی ، از حال دیگری جو یا نمی شود .

و لایستل حمیم حمیمًا

«حمیم» به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن، خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

2- در روز محشر ، هیچ خویشاوندی و دوست صمیمی از یکدیگر استمداد نمی کند .

و لایستل حمیم حمیمًا

یکی از کاربردهای واژه «سؤال»، طلب و درخواست (استمداد) است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 11 - 2

2- اهل محشر ، در عین دیدن و شناختن کامل خویشان و دوستان صمیمی خود ، از حال آنان جو یا نشده و از آنان استمداد نخواهند کرد



و لایسئل حمیم حمیمًا . یبصرونهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله «یبصرونهم»، حال برای جمله پیشین (لایسئل حمیم حمیمًا) باشد.

## 56- خویشاوندان زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 5 - 14

ص: 339

14- « عن أبي جعفر (ع) [ في قوله تعالى ] : « وإني خفت الموالى » قال هم العمومه وبنو العمّ ;

از امام باقر(ع) روایت شده که در باره سخن خدا: «وإني خفت الموالى» فرمود: (مراد از) موالی عموها و پسرعموها هستند».

### 57- خویشاوندان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 84 - 3

3- وجود رابطه خویشاوندی و نسبی میان شعیب (ع) و مردم مدین

وإلى مدین أخاهم شعیباً

مراد از «أخاهم» این است که شعیب(ع) با اهل مدین ، خویشاوند بود و یا اینکه او برای آنان ، دلسوزی می کرد. برداشت فوق ، بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 91 - 8

8- خاندان شعیب ، او را از خود طرد نکرده و از او حمایت می کردند .

لولا رهطک لرجمنک

### 58- خویشاوندان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 3

3- خویشاوندی صالح (ع) با قوم ثمود

وإلى ثمود أخاهم صالحاً

تصریح به اینکه صالح(ع) ، برادر قوم ثمود بود (أخاهم صالحاً) می تواند اشاره ای باشد به خویشاوندی صالح(ع) با قوم ثمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 45 - 3

3 - رابطه خویشاوندی صالح پیامبر با قوم ثمود

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صلحاً

قید «أخاهم» هر چند کنایه از رحمت و عطف است؛ لکن با توجه به این که این تعبیر در مورد برخی از پیامبران به کار نرفته است - با این که همه پیامبران نسبت به قومشان رحمت و عطف داشته اند - می توان گفت واژه یاد شده اشاره به پیوند خویشاوندی نیز دارد.

ص: 340

## 59- خویشاوندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 93 - 11

11 - اندوهناک شدن بر هلاکت کفرپیشگان لجوج ، حتی در صورت خویش و هموطنی با آنان ، امری نکوهیده و ناروا

فکیف ءاسی علی قوم کفرین

## 60- خویشاوندان کافر محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 217 - 2

2 - موضع گیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قبال کفرورزی و عصیان خویشاوندان ، دارای پی آمد های دشوار و نگران کننده

و أنذر عشیرتک .. فإن عصوک فقل إئی بریء... و توکل علی العزیز الرحیم

دستور «توکل علی الله» پس از «فقل إئی بریء ممّا تعملون» بیانگر مطلب یاد شده است.

## 61- خویشاوندان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 214 - 4

4 - راه نداشتن کمترین سازش در دعوت تبلیغی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ; حتی نسبت به کسان و خویشاوندان آن حضرت

و أنذر عشیرتک الأقربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 38 - 2

2 - انفاق بر خویشاوندان و مساکین و در راه ماندگان ، لازم است .

فأت ذا القربی حقه و المسکین و ابن السبیل

مخاطب آیه، اگر چه پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، اما پیروان آن حضرت، به تبع او، مشمول حکم آیه هستند.

## 62- خويشاوندان مريم (س) کنار مسجد الاقصی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - مريم - 19 - 16 - 4,5

ص: 341

4- خویشاوندان مریم، در غیر جهت شرقی مسجد الاقصی سکونت داشتند.

انتبذت من أهلها مكاناً شرقياً

5- مریم (س) در آستانه حامله شدن به عیسی (ع)، در نزدیکی مسجد الاقصی، بستگانی داشت که در میان آنان به سر می برد.

إذ انتبذت من أهلها مكاناً شرقياً

به قرینه «مكاناً قصبياً» در آیه بیست و دوم که ناظر به مکان دومی است که مریم(س) برگزید، مکان شرقی مسجد الاقصی به منطقه مسکونی مردم نزدیک بوده است.

### 63- خویشاوندان منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 22 - 7

7- اخبار خداوند از فسادگری و خویشاوندکشی عناصر سست ایمان منافق، در صورت رسیدن به حکومت

فهل عسیتم إن تولیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم

برداشت بالا بنابر این نکته است که «تولیتم» از ماده «ولایت» و به معنای بر عهده گرفتن حاکمیت باشد و مخاطب آن بیماردلانی باشند که به دلیل سست ایمانی به هنگام فرمان جهاد، به وحشت افتاده و از آن طفره می روند.

### 64- خویشاوندان مؤمنان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 9 - 6

6- «قاسم بن محمد عن علی قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: إنَّ الله تبارک و تعالی إذا أراد أن یحاسب المؤمن أعطاه کتابه بيمينه و حاسبه... و هو قول الله عزوجل... و ینقلب إلى أهله مسروراً» قلت: أئُّ أهل؟ قال: أهله فی الدنيا هم أهله فی الجنَّه إن كانوا مؤمنین؛

قاسم بن محمد از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی، زمانی که بخواهد شخص مؤمن را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست او می دهد و او را محاسبه می کند... و این است سخن خدای عزوجل... و ینقلب إلى أهله مسروراً». گفتم: مراد کدام اهل است؟ فرمود: آنان که در دنیا اهل او بودند؛ اگر مؤمن باشند در آخرت نیز اهل او خواهند بود.

## 65- خویشاوندان هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 342

3- وجود رابطه خویشاوندی و نسبی میان هود (ع) و قوم عاد

وإلی عاد أخاهم هوداً

تصریح به اینکه هود(ع) برادر قوم عاد بود ، می تواند به خویشاوندی آن حضرت با قوم عاد ، اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 124 - 1

1 - هود (ع) ، پیامبری از نژاد قوم عاد و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم هود

قید «أخوهم» می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی هود(ع) با قومش و یا تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آن قوم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 21 - 3

3- پیامبر قوم عاد (هود) ، از تبار ایشان و دارای رابطه خویشاوندی با آنان \*

و اذكر أخا عاد .. إذ أنذر

واژه «أخ» ممکن است اشاره به رابطه خویشاوندی داشته باشد.

### 66- خویشاوندان یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 87 - 1

1 - خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب(ع) و ..) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم و اجتنبهم و هدینهم إلی صراط مستقیم

### 67- دشمنی خویشاوندان محمد(صلی الله علیه و آله)



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مسد - 111 - 1 - 6

6 - خویشاوندی مخالفان اسلام با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مانع نکوهش خداوند از آنان نیست .

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ

ص: 343

## 68- دعوت از خویشاوندان اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 55 - 1

1- اسماعیل صادق الوعد ، همواره خویشاوندان و خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد .

و کان یأمر أهله بالصلوه والزكوه

اهل هر مردی، قبیله و خویشاوندان او است (لسان العرب).

## 69- دوستی با خویشاوندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 23 - 3

3- ایجاد پیوند موالات و دوستی با خویشاوندان کافر - هر چند پدر یا برادر باشند - حرام است .

يأیها الذین ءامنوا لا تتخذوا ءاباءکم و إخوانکم أولیاء إن استحبوا الکفر علی الإیمن

## 70- رابطه با خویشاوندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 24 - 7

7- نگرانی برخی از مسلمانان صدر اسلام ، از قطع روابط خویشاوندی ، کسادی تجارت و از دست دادن خانه های دلپسندشان بر اثر

ممنوع شدن از برقراری روابط با کافران

يأیها الذین ءامنوا لا تتخذوا .. . قل إن کان ءاباؤکم و أبناؤکم

## 71- رفع مشکلات خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 26 - 9

9- رسیدگی به مشکلات خویشاوندان حتی در صورت عدم مسکنت و در راه ماندگی آنان ، امری لازم و واجب است .

وءات ذالقربى حقه و المسكين و ابن السبيل

ذكر «ذالقربى» به صورت جداگانه، مى تواند إشعار به مطلب فوق داشته باشد.

ص: 344

## 72- روابط خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 215 - 8

8 - اهمیت روابط خانوادگی

قل ما انفقتم من خیر فللوالدین

## 73- روش برخورد با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 28 - 4

4- لزوم برخورد مناسب با خویشاوندان ، مسکینان و در راه ماندگان با بیانی نرم و دلپذیر و معذرتی شایسته ، در صورت عدم امکان ادای حق ایشان

وَأْتِ ذَٰلَ الْقُرْبَىٰ . . . وَإِنَّمَا تَعْرَضُونَ عَنْهُمْ . . . فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مِّسُورًا

## 74- رؤیت خویشاوندان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 11 - 1

1 - در عرصه قیامت ، خویشان و دوستان هر فردی ، به وی نشان داده خواهند شد .

حَمِيمًا . يَبْصُرُونَهُمْ

## 75- زکات خویشاوندان اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 55 - 8

8- وفادار بودن اسماعیل (ع) به وعده ها و اصرار او بر پای بندی بستگانش به نماز ، زکات و انفاق ، مایه جلب رضایت خداوند

إِنَّهٗ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ . . . وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلٰوةِ وَالزَّكٰوةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهٖ مَرْضِيًّا

## 76- زمينه دشمني خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 345

3- ایمان به دین اسلام، ممکن است دشمنی برخی از مردم، حتی خویشاوندانی همچون همسر و فرزندان را برانگیزاند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ

### 77- زمینه قتل خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 22 - 7

7- اخبار خداوند از فسادگری و خویشاوندکشی عناصر سست ایمان منافق، در صورت رسیدن به حکومت

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ

برداشت بالا بنابر این نکته است که «تولّیتم» از ماده «ولایت» و به معنای بر عهده گرفتن حاکمیت باشد و مخاطب آن بیماردلانی باشند که به دلیل سست ایمانی به هنگام فرمان جهاد، به وحشت افتاده و از آن طفره می روند.

### 78- زیان به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 8

8 - لزوم ادای شهادت به حق، گر چه به ضرر خود یا پدر و مادر و نزدیکان باشد.

كُونُوا قَوْمِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلّٰهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ

«شهداء»، خبر دوم برای «کونوا» است. بنابراین شهادت به حق تکلیفی لازم الاجرا است. گفتنی است که متعلق شهادت در برداشت فوق - به قرینه «و لو علی انفسکم» - کلمه «بالحق» گرفته شده است.

### 79- سرزنش افساد در خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 24

24- ایجاد فساد میان خویشاوندان و واداشتن آدمیان به قطع رحم، کاری شیطانی است.

من بعد أن نزع الشيطان بيني وبين إخوتي

## 80- صدقه به خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 346

15- اعطای صدقه به فرزندان و خاندان پیامبران ، جایز و امری شایسته و نیکوست .

و تصدق علينا إن الله يجزي المتصدقين

«تصدق» به معنای اعطای صدقه است و «صدقه» آن گونه که در «کشاف» آمده است عطیه و بخششی است که به منظور رسیدن به ثواب پرداخت می شود.

### 81- عذرخواهی از خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 28 - 4

4- لزوم برخورد مناسب با خویشاوندان ، مسکینان و در راه ماندگان با بیانی نرم و دلپذیر و معذرتی شایسته ، در صورت عدم امکان ادای حق ایشان

و ءات ذاالقربی . . . و إمّا تعرضنّ عنهم ... فقل لهم قولاً میسوراً

### 82- عفو خویشاوندان گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 12

12 - گذشت از لغزش های خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران راه خدا و برخورد کریمانه با آنان ، وظیفه ای الهی بر عهده توانگران

و لایأتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولی القربی . . . و لیعفوا و لیصفحوا

«عفو» در لغت به معنای گذشت است و «صفح» به معنای گذشت همراه با ترک ملامت نسبت به خطا کار است (فروق اللغه). چنین گذشتی، حاکی از کرامت و بزرگواری گذشت کننده است.

### 83- علاقه به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 24 - 2,3,4

2 - محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان نباید محبت خدا و رسول و جهاد در راه خدا را تحت الشعاع قرار دهد .



قل إن كان ءاباؤکم و ابناءؤکم . . . أحب إليکم من اللّٰه و رسوله و جهاد فی سبيله

3 - مذمت خدا از دلبيستگي به خويشاوندان و به مال و منال و دلواپسي براي تجارت و مسکن در صورتي که مايه غفلت از خدا و رسول و جهاد در راه خدا شود .

قل إن كان ءاباؤکم . . . و أموال اقترفتموها و تجره تخشون كسادها و مسکن . . . أحب إلي

ص: 347

4- روی گردانان از جهاد، به خاطر علقه های عاطفی ( محبت پدر، فرزند، برادر، همسر و خویشاوندان ) و دلبستگی مادی ( مال، شغل و مسکن ) مورد تهدید خداوند

قل إن كان أباًؤکم . . . و أموال اقترفتموها و ... أحب إليکم ... و جهاد فی سبیلہ فتر

#### 84- عمل ناپسند خویشاوندان صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 28 - 8

8- صدور کردار ناروا از فرزندان انسان های صالح و خویشاوندان شخصیت های برجسته، نکوهیده تر و شرم آورتر از ارتکاب آن از سوی دیگران است.

يأخث هرون ما كان أبوك امرأ سوء و ما كانت أمك بغياً

#### 85- عوامل تجاوز به حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 10 - 7

7- زیر پا نهادن حقوق خویشاوندی، برخاسته از روح تجاوزپیشگی است.

لا یرقبون فی مؤمن إلا و لاذمه و أولئک هم المعتدون

«أولئک» اشاره به مشرکان است با اوصافی که برای آنان ذکر شده است و از جمله آنهاست وصف «لا یرقبون . . .» یعنی، اینان که نه به رعایت حقوق خویشاوندی و نه به عهد و پیمان ملتزمند، مردمانی تجاوزپیشه اند.

#### 86- عوامل محرومیت از امداد خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 18 - 12

12 - ظلم، موجب محرومیت از یاری دوست و نزدیکان دلسوز و شفاعت شفیعان در هنگام مرگ و روز قیامت

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

از یاد شدن کافران و مشرکان با عنوان ظالمان، برداشت بالا به دست می آید.

## 87- غفلت از خویشاوندان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 348

5- بی‌اعتنایی ثروتمندان به نیازهای خویشاوندان یتیم خود، دور از انتظار و نکوهیده تر از بی‌توجهی آنان به دیگر نیازمندان است.

يقول أهلكت مالا لبدا . . . يتيمًا ذا مقربة

### 88- فضیلت تأمین خویشاوندان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- فضیلت تغذیه خویشاوندان یتیم خود، برتر از رساندن غذا به دیگر اقشار محروم جامعه است.

يتيمًا ذا مقربة . أو مسكينًا ذا مقربة

### 89- قضاوت خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و... بهره‌مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده‌اند.

و من ءابائهم و ذريتهم و إخونهم . . . أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

### 90- قضاوت خویشاوندان زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- مردی از خویشان زلیخا، در ماجرای وی و یوسف (ع) دخالت کرد و میان آنان به داوری پرداخت.

و شهد شاهد من أهلها

9- داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، علی‌رغم خویشی او با زلیخا، بی‌طرفی کامل را رعایت کرد، و قضاوتی بر حق ارائه نمود.

و شهد شاهد من أهلها إن كان قميصه قد من قبل

## 91- کيفر خويشاوندان رهبران دينی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 349

4- رهبران دینی، نباید به خاطر خویشاوندی و روابط نسبی از مؤاخذه مقصران چشم پوشی کنند.

قال یهرون ما منعک

### 92- گواهی علیه خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 10

10 - شهادت آدمی، علیه پدر، مادر و دیگر خویشاوندان، دارای اعتبار قانونی و حقوقی است.

شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقرین

### 93- متجاوزان به حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 10 - 10

10 - زیرپاگذارندگان حقوق خویشاوندی، مردمانی تجاوزپیشه اند.

لا یرقبون فی مؤمن إلا و لاذمه و أولئک هم المعتدون

### 94- محدوده اختیارات خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 14

14 - استفاده از خوراکی های موجود در منازل خویشاوندان، بدون اذن خواستن از ایشان، از حقوق خویشاوندی است.

لیس علی الأعمی حرج... و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم...

مجاز بودن استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و... - که از خویشاوندان محسوب می شوند - و بدون هیچ اذنی از آنان، حاکی از حقی است میان آنان که باید رعایت شود.

### 95- محرومان از امداد خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 18 - 11، 13، 9

9 - محرومیت ستمکاران در قیامت ، از یاری دوست و نزدیکان دلسوز و شفاعت شفیعان

ص: 350

ما للظلمين من حميم ولا شفيع يطاع

«حميم» در لغت به معنای دوست (العین) و به «القريب المشفق» (نزدیک دلسوز) معنا شده است (مفردات راغب).

11 - محرومیت ستمگران به هنگام دشواری مرگ از هرگونه یاری دوست و نزدیکان دلسوز خود و شفاعت شفیعیان

ما للظلمين من حميم ولا شفيع يطاع

13 - کفر و شرک ، ظلم است و کافران و مشرکان ، از هرگونه یاری دوست و نزدیکان دلسوز خود و شفاعت شفیعیان محروم اند .

ما للظلمين من حميم ولا شفيع يطاع

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیات، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره کافران و مشرکان سخن می گوید و مقصود از «ظالمین» آنان می باشند.

### 96- محرومیت از حمایت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 35 - 1،2

1 - کافران صاحب زر و زور ( اصحاب الشمال ) ، محروم از حمایت نزدیکان و دوستان دلسوز در قیامت

فليس له اليوم ههنا حميم

«حميم» به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

2 - ایمان نیاوردن و ترغیب نکردن دیگران به تغذیه گرسنگان و بینوایان ، سبب محرومیت از حمایت نزدیکان و دوستان صمیمی در قیامت

إنَّه كان لا يؤمن .. فليس له اليوم ههنا حميم

### 97- محرومیت از همنشینی با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 13 - 2

2 - دوزخیان در آخرت ، از حضور شادمانه نزد خویشاوندان خود محروم خواهند بود .

إنَّه كان في أهله مسرورًا



مقایسه دو تعبیر «ینقلب إلی أهله» (در آیات پیشین) و «کان فی أهله»، گویای این است که گرفتاران دوزخ، از لذت همنشینی با خویشاوندان خود بهره ای نمی برند.

## 98- محمد (صلی الله علیه و آله) و خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 351

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به برخورد مناسب با خویشاوندان، مسکینان و در راه ماندگان با بیانی نرم و دلپذیر در صورت خودداری از کمک به آنها به خاطر ناتوانی مالی

و «وات ذاالقربی حقّه . . . و إمّا تعرضنّ عنهم ابتغاء رحمة من ربّک ترجوها

عبارت «ابتغاء رحمة من ربّک» (جویای رحمت پروردگارت هستی) و شواهد تاریخی حکایت از آن دارد که: خودداری پیامبر (صلی الله علیه و آله) از کمک به افراد یاد شده، به دلیل ضعف مالی بوده است.

### 99- مراد از خویشاوندان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 26 - 14، 13

13- «عن أبي عبد الله (ع) . . . «وات ذاالقربی حقّه» فکان علی (ع) و کان حقّه الوصیه التي جعلت له و الإسم الأكبر و میراث العلم و آثار علم النبوه ;

از امام صادق (ع) در باره سخن خدا روایت شده است که فرمود: پس مراد از «ذاالقربی» علی (ع) است و حق او، جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود - که برای او قرار داده شده بود - و اسم اکبر و میراث علم و آثار علم نبوت است».

14- «عن علی بن الحسین (ع) فی قوله تعالی : «وات ذاالقربی حقّه» . . . قال : نحن أولئک الذین أمر الله (عزّوجلّ) نبیه (صلی الله علیه و آله) أن یؤتیهم حقّهم . . . ;

از امام سجّاد (ع) درباره سخن خدا: «وات ذاالقربی حقّه» روایت شده است که فرمود: ما [اهل بیت] همانانی هستیم که خداوند - عزّوجلّ - به پیامبرش فرمان داد حقشان را به آنان بدهد».

### 100- مسکن خویشاوندان مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 4، 5

4- خویشاوندان مریم، در غیر جهت شرقی مسجد الاقصی سکونت داشتند .

انتبذت من أهلها مکاناً شرقیاً

5- مریم (س) در آستانه حامله شدن به عیسی (ع)، در نزدیکی مسجد الاقصی، بستگانی داشت که در میان آنان به سر می برد .

إذ انتبذت من أهلها مكاناً شرقياً

به قرینه «مکاناً قصبیاً» در آیه بیست و دوم که ناظر به مکان دومی است که مریم (س) برگزید، مکان شرقی مسجد الاقصی به منطقه مسکونی مردم نزدیک بوده است.

ص: 352

### 101- مسؤولیت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 35 - 5

5 - مسؤولیت بیشتر خویشاوندان زن و شوهر ، در نظارت بر سلامت خانواده و حلّ اختلاف های آنان

فابعثوا حکماً من اهلہ و حکماً من اهلہا

### 102- مسؤولیت خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 214 - 3

3 - بستگان و نزدیکان پیامبران و رهبران دینی ، سزاوارترین افراد به رعایت اصول و ارزش ها

و أنذر عشیرتک الاقربین

### 103- مسؤولیت خویشاوندان رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 214 - 3

3 - بستگان و نزدیکان پیامبران و رهبران دینی ، سزاوارترین افراد به رعایت اصول و ارزش ها

و أنذر عشیرتک الاقربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 59 - 6

6 - وابستگان نزدیک رهبران دینی ، در عمل به تکالیف و وظایف شان ، باید بر دیگران سبقت داشته باشند .

قل لأزواجک و بناتک . . . یدنین علیهنّ من جلبیهنّ

### 104- مشرکان و خویشاوندان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - شرک پیشگان صدر اسلام ، درباره هیچ مؤمنی به رعایت حق خویشاوندی ، ملتزم نبودند .

لا یرقبون فی مؤمن إلاّ

«رقبه» و «رُقبان» (مصدر یرقبون) به معنای حفظ و نگهداری و «إلّ» به معنای قرابت و خویشاوندی است. قابل ذکر است که

ص: 353

لفظ «مؤمن» و «إل» هر دو نکره در سیاق نفی و مفید عمومند؛ یعنی، مشرکان درباره هیچ مؤمنی حرمت قرابت و خویشاوندی را نگه نمی دارند.

### 105- مصالح خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 20 - 13

13 - منافع شخصی و رعایت مصالح والدین، بستگان، فقیران و ثروتمندان، باید تحت الشعاع حق و رضایت خدا باشد.

کنونا... شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین ان یکن

20 - مقدم داشتن مصالح خویش، والدین و بستگان بر شهادت به حق، هواپرستی و عدالت شکنی است.

کنونا قومین بالقسط شهداء لله و لو علی أنفسکم... فلا تتبعوا الهوی

### 106- مقامات خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 4

4 - برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و... بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم... أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

### 107- مکر به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 11 - 10

10 - حسد، آدمی را به گناهی همانند دروغ گفتن و نیرنگ زدن حتی به محبوب ترین نزدیکانش، وادار می سازد.

قالوا یأبانا ما لک لاتأمنّا علی یوسف و إنا له لنصحون

### 108- ممنوعیت ترک انفاق به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- کوتاهی در تأمین نیاز خویشاوندان، بینوایان و مهاجران، به خاطر لغزش های گذشته آنان، ممنوع است.

ص: 354

و لا يأتل أولوا الفضل منكم و السعه أن يؤتوا أولى القربى و المسكين و المهجرى

### 109- مهربانى با خویشاوندان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 215 - 7

7 - توصیه الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر گسترانیدن بال های مهر و عطوفت برای کسان و خویشاوندان مؤمن خویش

و أنذر عشیرتک الأقربین . و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین

تقدیر «من المؤمنین» به قرینه آیه پیش، می تواند «من المؤمنین من عشیرتک» باشد.

### 110- نبوت خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 4

4 - برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم .. أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

### 111- نجات خویشاوندان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 2

2 - خداوند با خارج ساختن لوط و بستگان قومش از دیارشان، وی را از عذاب مقدر شده برای قوم لوط نجات بخشید.

فانجینه و أهله

چون جمله «فانجینه» در مقابل جمله «کانت من الغبرین» (همسر لوط در زمره باقی ماندگان بود) قرار گرفته است، معلوم می شود نجات از عذاب قوم لوط در گرو خارج شدن از شهر و دیار آنان بوده است. بنابراین «فانجینه» یعنی: فانجینه باخراجنا اياه من بینهم.

### 112- نعمت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش





7- برخورداری انسان در زندگی خانوادگی از یاری بی دریغ افرادی چون نوادگان و خویشاوندان ، از نعمت های خداوند و از نشانه های اوست .

و جعل لكم من أزواجكم بنين وحفده

ماده «حفده» در مورد یارانی به کار می رود که از خدمت گزاری تعدی نمیورزند که مفسران مصداق این معنا را نوادگان یا همه خویشاوندان دانسته اند.

### 113- نعمت زندگی با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 20

20- زندگی خویشاوندان و بستگان در کنار یکدیگر بدون کدورت و تباهی ، از نعمت های خداوند است .

قد أحسن بی إذ . . . جاء بكم من البدو

چنان چه منظور یوسف(ع) در «جاء بكم من البدو» تنها رها شدن خاندانش از صحرائشینی بود و به حضور آنان در کنار خویش نظر نداشت، فعل «جاء بكم» را به کار نمی برد؛ بلکه مثلاً می گفت: «إذ أنجاکم من البدو» قید «من بعد أن نزغ . . .» گویای این است که حسن زندگانی جمعی بستگان منوط به نبود فساد و تباهی در میان آنان است.

### 114- نماز خویشاوندان اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 55 - 8

8- وفادار بودن اسماعیل (ع) به وعده ها و اصرار او بر پای بندی بستگانش به نماز ، زکات و انفاق ، مایه جلب رضایت خداوند

إنه كان صادق الوعد . . . و كان يأمر أهله بالصلوة والزكوة و كان عند ربّه مرضياً

### 115- وصیت برای خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 180 - 11، 12، 4

4 - آدمی باید اموالی را برای پرداخت به پدر و مادر و خویشان نزدیک وصیت کند .

کتب علیکم . . الوصیه للولدين و الأقربین

11 - اولویت پدر و مادر نسبت به دیگر خویشاوندان در امر وصیت

الوصیه للولدين و الأقربین

برداشت فوق از تقدیم کلمه «والدين» بر «الأقربین» استفاده شده است.

ص: 356

12 - توصیه به پرداخت اموالی به پدر ، مادر و خویشان ، مقتضای تقوا و پرهیزگاری است .

کتب علیکم . . . الوصیه للولدين و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

### 116- ولایت در خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 75 - 13، 7

7- خویشاوندان در برخوردار شدن از حقوق ولایت مقرر شده در میان مؤمنان ، بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی کتب اللّٰه

13 - حکم ولایت مهاجر و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت ، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

إن اللّٰه بكل شیء علیم

جمله «إن اللّٰه . . .» پس از بیان احکام ذکر شده، در این آیه و آیات پیشین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

### 117- هبه به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 90 - 18، 7، 3، 1

1- خداوند به رعایت عدل ، احسان و بخشش به خویشاوندان ، فرمان می دهد .

إن اللّٰه یأمر بالعدل و الإحسن و إیتای ذی القربی

3- بخشش به خویشاوندان ، دارای اهمیتی ویژه در میان سایر نیکیهها

إن اللّٰه یأمر بالعدل و الإحسن و إیتای ذی القربی

برداشت فوق، به خاطر این است که بخشش به خویشاوندان قطعاً از مصادیق «احسان» است و اینکه دوباره به صورت مجزا ذکر شده، مشعر به اهمیت آن است.

7- رعایت عدالت ، بایسته تر و اولی تر از احسان به مردم و بخشش به خویشاوندان است .

إن اللّٰه یأمر بالعدل و الإحسن و إیتای ذی القربی

از تقدم ذكرى «عدل» بر «احسان» و «بخشش به خویشاوندان» می توان تقدم رتبی را استفاده کرد؛ زیرا رعایت عدالت تکلیفی همگانی و بدون اغماض است و بدون رعایت آن، احسان و بخشش بی ارزش خواهد بود.

18- عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان، از تمایلات فطری انسان

يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ . . . لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

برداشت فوق بر این اساس است که خداوند امر به عدل و . . . را مواظبی در جهت تذکر آدمیان می شمارد و در واژه «تذکر» این معنا نهفته است که: اصل گرایش به ارزشهای مذکور، در نهاد همگان موجود است و در صورت غفلت نیازمند یادآوری می باشد.

ص: 357

## 118- هدایت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 13

13- خویشاوندی و پیوند های اجتماعی ، نباید مانعی برای تبلیغ و مخالفت با الحاد گردد .

إذ قال لأبيه يأبت لِمَ تعبد ما لا يسمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 86 - 3

3 - مردان الهی ، دارای احساس مسؤولیت بیشتر برای هدایت بستگان خویش

و اغفر لأبي إنّه كان من الضالّين

## 119- هدایت خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 87 - 1

1 - خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب(ع) و ..) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم و اجتنبهم و هدینهم إلی صراط مستقیم

## 120- همسفرگی با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 21

21 - هریک از مسلمانان ، می توانند با اعضای خانواده خود و نیز خویشاوندان و دوستان خویش به صورت جمعی ( بر سر یک سفره ) و یا جداگانه ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج .. ولا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو

## 121- همنشینی با خویشاوندان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

20 - انشقاق - 84 - 9 - 2،4

ص: 358

2 - کسانی که نامه عمل آنان به دست راستشان عطا شود ، در قیامت با خویشاوندان خود مأنوس خواهند بود .

و ينقلب إلى أهله

فعل «ينقلب» دلالت می کند که مراد از «أهل»، همان خویشاوندان انسان در دنیا است که در قیامت نیز در کنار او خواهند بود. برخی مراد از «أهل» را، حور و غلمان بهشتی دانسته اند؛ ولی واژه انقلاب (رجوع کردن) و نیز جمله «إنه كان في أهله مسروراً» در آیات بعد، دیدگاه نخست را تأیید می کند.

4 - انس با خویشاوندان و سربلندی نزد آنان در قیامت ، از زمره پاداش های الهی است .

و ينقلب إلى أهله مسروراً

## 122- یاس خویشاوندان محتضر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 27 - 2

2 - لحظه ناامیدی حاضران بر بستر محتضر و بر زبان آوردن کلمات یاس ، شایان یادآوری برای دل بستگان دنیا

وقيل من راق

خویشاوندی

## 123- آثار تعصب خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 21 - 3,4,5

3 - اساس جدال کافران درباره خدا ، برخاسته از تقلید و تعصب خویشاوندی آنان بود .

يجدل في الله .. قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

4 - متعصبان تابع احساسات خویشاوندی ، هر دعوتی را ، از هر کسی ، برای پیروی از تعالیم آسمانی ، جواب منفی می دهند .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

آورده شدن فعل مجهول «قيل» به جای این که دعوت کننده و گوینده خاصی را، مانند انبیا، مشخص کند، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.



5- تعصّب خویشاوندی و سنّت گرایى ، از موانع حق پذیرى است .

وإذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

## 124- آثار خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 359

13- اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و . . . ) مایه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع) .

إنه ليس من أهلک إنه عمل غیر صلح

تصریح خداوند به این که «هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است» ، اشاره به این معنا دارد که: نجات دیگر اعضای خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده؛ بلکه منزه بودنشان از اعمال ناشایست ، مایه نجاتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 90 - 4

4- پیوند خویشاوندی ، امری مسؤولیت آور و منشأ پیدایش حقوق ویژه است .

إن الله یأمر . . . و إیتای ذی القربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 26 - 3

3- پیوند خویشاوندی ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه میان انسانهاست .

و ءات ذالقربی حقّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 17,26

17 - رابطه خویشاوندی و دوستی ، منشأ پیدایش حق است .

لیس علی الأعمی حرج . . . و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم . . .

26 - پیوند خویشاوندی و دوستی و ارتباطات نزدیک ، نباید موجب سهل انگاری در رعایت ادب اسلامی و آداب معاشرتی میان خویشاوندان و دوستان گردد .

لیس علی الأعمی حرج . . . و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم . . . أو صدیقکم . . . فإ

برداشت یاد شده به خاطر این است که غالباً پیوند دوستی و خویشاوندی، سبب سهل انگاری در رعایت ادب فیما بین می شود. از این رو می توان گفت: خداوند توصیه فرمود که مسلمانان به هنگام ملاقات با دوستان و خویشاوندان خود، سلام کنند و . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 171 - 3

3 - نجات و رستگاری انسان ، در پرتو ایمان او است ؛ و نه در پیوند های خویشاوندی .

فنجینه و أهله أجمعین . إلا عجوزاً فی الغبرین

استثنا شدن همسر لوط، نشان می دهد که وی جزء مؤمنان نبوده است؛ گرچه عضو خانواده لوط(ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 214 - 5

5 - پیوند خویشاوندی ، در پی دارنده مسؤولیت های فزون تر

ص: 360

مأموریت خاص پیامبر (صلی الله علیه و آله) به تبلیغ خویشاوندان خود - با این که تبلیغ، عموماً وظیفه پیامبر است - می تواند مطلب یاد شده را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 113 - 8

8 - تأثیر نسب و پیوند خویشاوندی در سرنوشت فرزندان و در هدایت و گمراهی آنان، امری مطلق، قطعی و جبری نیست.

و من ذرّیتهما محسن و ظالم لنفسه مبین

دو گروه شدن نسل ابراهیم و اسحاق (علیهما السلام) گویای این حقیقت است که تأثیر نسب و خویشاوندی، در سرنوشت انسان و در هدایت و گمراهی فرزندان، مطلق و جبری نیست؛ بلکه فرزندان از هر خانواده ای ممکن است خوب و یا بد باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 3 - 3

3 - عواطف خانوادگی و خویشاوندی، از زمینه های انحراف و تمایل به دشمنان خداوند

تسرون إلیهم بالموّده... لن تنفعکم أرحامکم ولا أولدکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 14 - 8

8 - دوستی و پیوند خویشاوندی، نباید مانع دینداری و انجام تکالیف شرعی (همچون جهاد، هجرت و...) شود.

یأیها الذین ءامنوا إنّ من أزواجکم و أولدکم عدوّا لکم فاحذروهم

## 125- آثار خویشاوندی با انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 27 - 13

13 - خویشاوندی با پیامبران، نمی تواند مایه مصونیت از کیفر الهی گردد.

فاسلك فيها .. إلا من سبق عليه القول منهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

13 - نمل - 27 - 57 - 5

5- نجات از کیفر دامنگیر الهی ، در گرو ایمان به پیامبران است ، نه پیوند خانوادگی و خویشاوندی با آنان

فأنجیناه و أهله إلا امرأته

همسر لوط با او پیوند نزدیک خانوادگی داشت؛ ولی این پیوند، ثمری برای او نداشت؛ چه این که او با خط فکری و عقیدتی لوط (ع) هماهنگ نبود.

ص: 361

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 135 - 5

5- انتساب به خوبان ( چونان پیامبران ) ، هیچ تأثیری در سرنوشت اخروی و کیفر و پاداش الهی ندارد .

إذ نجّينه وأهله أجمعين . إلاّ عجوزاً في الغبرين

### 126- آثار خویشاوندی با پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 60 - 9

9- صرف داشتن رابطه خویشاوندی با پاکان ، دلیل پاکی و خوبی نیست .

إلاّ آل لوط إنا لمنجّوهم . . . إلاّ امرأته قدّرتنا إنا لمن الغبرين

### 127- آثار خویشاوندی با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 113 - 12

12 - خویشاوندی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) مانع از عذاب و دوزخی شدن فرد مشرک نیست .

ما كان للنبي . . . أن يستغفروا للمشرکين و لو كانوا أولى قریبی . . . أنهم أصحاب الجحيم

### 128- آثار خویشاوندی نسبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 15

15 - آنچه باعث ارث بردن می شود ، خویشاوندی نسبی است و نه شبه خویشاوندی ، مانند فرزند خواندگی ، مادری همسران پیامبر

(صلی الله علیه و آله) ، برادری دینی و . . .

ادعوهم لأبائهم . . . و أزوجه أمهاتهم و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب ال

### 129- آثار روابط خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 38 - 6

ص: 362

6- پیوند خویشاوندی ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه ، میان انسان ها است .

فَأْتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ

آوردن «حقّه» پس از «ذا القربى» و نیاوردن آن پس از «ابن السبيل»، ممکن است به این جهت باشد که خویشاوندان، به خاطر قرابت، حقوق خاصی پیدا می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 16

16 - روابط عاطفی و خویشاوندی خطر آفرین برای رعایت عدل و انصاف

و إذا قلتم فاعدلوا و لو كان ذا قریبی

### 130- آثار عواطف خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 24 - 1,4

1 - عواطف خویشاوندی (علاقه به پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و امکانات مادی (مال ، شغل و مسکن) زمینه های انحراف انسان و روی گردانی وی از فرمان خدا و رسول و رها کردن جهاد

قل إن كان ءاباؤکم . . . و أموال اقترتموها . . . أحب إليکم من اللّٰه ورسوله و جهاد

4 - روی گردانان از جهاد ، به خاطر علقه های عاطفی ( محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و دلبستگی مادی (مال ، شغل و مسکن) مورد تهدید خداوند

قل إن كان ءاباؤکم . . . و أموال اقترتموها و . . . أحب إليکم . . . و جهاد فی سبیلہ فتر

### 131- ارزش خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 113 - 4

4 - پیوند خویشاوندی ، پیوندی ارزشمند در بینش الهی

ما كان . . . و لو كانوا أولى قریبی



5- ایمان به خداوند و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ارزشی والاتر و محبوب تر از پیوند های خویشاوندی و نسبی (همچون پدری، فرزندی، برداری و...) )

لاتجد قومًا .. یوادون ... و لو كانوا اباہم ... أو عشیرتہم

ص: 363

### 132- ارزش روابط خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 11

11- از دیدگاه حضرت ابراهیم (ع) پیوند دینی، بس ارزشمندتر و نیرومندتر از قرابت خویشاوندی است.

فمن تبعنی فإِنَّهُ مِنِّي و من عصانی

برداشت فوق به این سبب است که حضرت ابراهیم(ع) پس از دعا برای فرزندان خود، پیروی از دستورها و رهنمودهای خویش را ملاک ارزش و منزلت قرار داد.

### 133- اسلام و خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 75 - 10

10 - توجه خاص اسلام به روابط خویشاوندی

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی كتب اللّٰه

### 134- اقسام خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 54 - 4

4- انسان ها، دارای دو نوع قرابت و خویشاوندی اند: نسبی و سببی.

فجعلہ نسباً و صہراً

«نسب» - که جمع آن «انساب» است - به معنای قرابت و خویشاوندی از ناحیه پدر است و «صهر» به معنای قرابت و خویشاوندی از ناحیه زن است که به سبب ازدواج به وجود می آید (خویشاوندی سببی مثل دامادی و ..) (برگرفته از لسان العرب). گفتنی است جمله «فجعلہ نسباً و صہراً» به تقدیر مضاف است؛ یعنی، «فجعلہ ذانساب و صہراً».

### 135- اهمیت خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - توجه خاص اسلام به روابط خویشاوندی

ص: 364

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 11

11 - خویشاوندی و حفظ آن ، امری مورد توجه صاحب شریعت است .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 22 - 5

5 - ایمان به خداوند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، ارزشی والاتر و محبوب تر از پیوند های خویشاوندی و نسبی ( همچون پدری ، فرزندی ، برداری و ... )

لا تجد قومًا ... یوادون ... و لو كانوا اباؤهم ... أو عشیرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 3 - 5

5 - ارزش های دینی ، مقدّم بر روابط خویشاوندی و عواطف خانوادگی

لا تتخذوا عدوی .. لن تنفعکم أرحامکم و لا أولدکم یوم القیمه

### 136- اهمیت رعایت حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 90 - 16

16- رعایت عدالت ، احسان ، ادای حق خویشاوندان و دوری از فحشا ، اعمال زشت و ستم ، از موعظه های خداوند به انسان است .

إن الله یأمر بالعدل .. و ینهی عن الفحشاء ... یعظکم

### 137- اهمیت روابط خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- سیاست اسلام بر تحکیم پیوند خویشاوندی و رفع مشکلات موجود میان خویشاوندان است .

إن الله يأمر . . . وإيتایء ذی القربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 365

9- پیوند خویشاوندی و عاطفی، باید تحت الشعاع روابط عقیدتی و دینی باشد.

إذ قال لأبيه وقومه ما هذه التماثيل التي أنتم لها عكفون... أف لكم ولما تعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 15 - 8

8 - حفظ روابط خانوادگی و خویشاوندی، امری بس مهم و شایان توجه است.

ووصينا الإنسن بولديه... أن اشكرلى ولولديك... إن جهداك على أن تشرك بى...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 4 - 7

7- اهتمام اسلام، به موضوع مخلوط نشدن نطفه ها و روشن بودن نسب ها و پیوند های خویشاوندی میان انسان ها

والّتى یسنن من المحیض... فعدّتهنّ ثلثة أشهر... وأولت الأحمال أجلهنّ أن ی

مطلب یاد شده، از مجموع دستورات و رهنمودهای خداوند درباره عدّه زنان و شمارش دقیق آن - به ویژه درباره زنان یائسه ای که صرفاً احتمال داده شود با نطفه همسران قبلی خود باردار شده اند - به دست می آید.

### 138- بی اعتباری خویشاوندی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 216 - 2

2 - کفر و عصیان، عامل بی اعتباری مسؤولیت خویشاوندی

وأنذر عشیرتک... فإن عصوک فقل إتی برىء ممّا تعملون

### 139- بی اعتباری خویشاوندی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 8 - 6

6- دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن یظہروا علیکم لایقبوا فیکم إلاّ و لاذمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 216 - 2

ص: 366

2- کفر و عصیان ، عامل بی اعتباری مسؤولیت خویشاوندی

و أنذر عشیرتک .. فإن عصوک فقل إئی بریء ممّا تعملون

### 140- بی اعتباری خویشاوندی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 8 - 7، 6

6- دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم إلاً و لازمہ

7- شرک پیشگان صدر اسلام در صورت پیروزی بر مسلمانان ، از زیر پا گذاشتن حقوق خویشاوندی و شکستن پیمان ، باکی نداشتند .

و إن یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم إلاً و لازمہ

### 141- بی اعتنائی به حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 8 - 19

19- عدم رعایت حقوق خویشاوندی ، برخاسته از روحیه فسق و حق گریزی است .

لایرغبوا فیکم إلاً .. و اکثرهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 10 - 1

1- شرک پیشگان صدر اسلام ، درباره هیچ مؤمنی به رعایت حق خویشاوندی ، ملتزم نبودند .

لایرغبون فی مؤمن إلاً

«رقبه» و «رُقبان» (مصدر یرقبون) به معنای حفظ و نگهداری و «إل» به معنای قرابت و خویشاوندی است. قابل ذکر است که لفظ «مؤمن»

و «إل» هر دو نکره در سیاق نفی و مفید عمومند؛ یعنی ، مشرکان درباره هیچ مؤمنی حرمت قرابت و خویشاوندی را نگه نمی دارند.

### 142- بی تأثیری خویشاوندی با انبیا



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 367

19 - تحریم - 66 - 10 - 11

11 - بی تأثیر بودن پیوند خویشاوندی با نیکان و صالحان ( همچون پیامبران الهی ) ، در سرنوشت اخروی انسان ها

قیل ادخلا النار مع الدخلین

### 143- بی تأثیری خویشاوندی با صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 11

11 - بی تأثیر بودن پیوند خویشاوندی با نیکان و صالحان ( همچون پیامبران الهی ) ، در سرنوشت اخروی انسان ها

قیل ادخلا النار مع الدخلین

### 144- بی تأثیری خویشاوندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 34 - 2

2 - رابطه خویشاوندی - هر چند قوی باشد - برای نجات از سختی های قیامت سودی ندارد .

یوم یفر المرء من أخیه

فرار از برادر، به معنای تنها گذاشتن او در شداید قیامت است.

### 145- تزییع حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 8 - 7

7 - شرک پیشگان صدر اسلام در صورت پیروزی بر مسلمانان ، از زیر پا گذاشتن حقوق خویشاوندی و شکستن پیمان ، باکی نداشتند .

وإن یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم إلاّ و لاذمه

### 146- تعصب خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - تعصب های نژادی و فامیلی ، امری نکوهیده و زمینه ساز حق ناپذیری است .

ص: 368

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه ءاباءنا

### 147- حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 26 - 3

3- پیوند خویشاوندی، منشأ پیدایش حقوقی ویژه میان انسانهاست.

و ءات ذا القربى حقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 14

14 - استفاده از خوراکی های موجود در منازل خویشاوندان، بدون اذن خواستن از ایشان، از حقوق خویشاوندی است.

ليس على الأعمى حرج... ولا على أنفسكم أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت ءبائكم...

مجاز بودن استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و... - که از خویشاوندان محسوب می شوند - و بدون هیچ ادنی از آنان، حاکی از حقی است میان آنان که باید رعایت شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 38 - 6

6 - پیوند خویشاوندی، منشأ پیدایش حقوقی ویژه، میان انسان ها است.

فأنت ذا القربى حقه

آوردن «حقه» پس از «ذا القربى» و نیاوردن آن پس از «ابن السبیل»، ممکن است به این جهت باشد که خویشاوندان، به خاطر قرابت، حقوق خاصی پیدا می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 12

12 - قرآن، به عنوان کتاب الهی، منبعی برای تشریح قوانین مربوط به حقوق خویشاوندی است.

وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ

### 148- خویشاوندی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 87 - 3

3 - پیامبران الهی دارای ارتباط نسبی با یکدیگر بودند. \*

ص: 369

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم

تصریح به اسامی تعدادی از پیامبران در آیات پیش و بیان اجمالی تعدادی دیگر با عنوان «آباء» و «ذریات» و «إخوان» گویا به منظور استقصای همه پیامبران انجام گرفته باشد. بر این اساس حصر پیامبران در افراد مذکور، که خویشاوند یکدیگر هستند، برداشت فوق را ثابت می کند.

### 149- خویشاوندی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 1 - 17

17 - خویشاوندی کلیه افراد بشر با یکدیگر \*

خلقکم من نفس واحده... و اتقوا الله... و الارحام

«ارحام»، به معنای خویشان است، از آن رو که بازگشتشان به یک رحم است. بنابراین واقع شدن «الارحام» پس از «خلقکم من نفس واحده»، می تواند اشاره به این باشد که تمامی انسانها با یکدیگر خویشاوند هستند.

### 150- خویشاوندی اهل مکه و ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 10

10 - پیوند نسبی مردم مکه صدر اسلام با حضرت ابراهیم (ع)

ملّه أییکم إبرهیم

مخاطب ضمیر «کم» در «أییکم»، می تواند عموم مسلمانان و یا خصوص مردم مکه باشد. برداشت فوق بر پایه احتمال دوم است.

### 151- خویشاوندی با انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 134 - 10

10 - خویشاوندی با پیامبران و از نسل ایشان بودن، در قیامت کارساز نبوده و موجب رهایی از پیامد های اعمال نخواهد شد.

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

بیان این معنا که پاداش عمل پیامبران برای دیگران سودمند نخواهد بود، در خطاب کسانی که از نسل پیامبرانی چون ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستند، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 370

10 - خویشاوندی با پیامبران و از نسل ایشان بودن ، در قیامت کارساز نبوده و موجب رهایی از پیامد های اعمال نخواهد شد .

تلک أمه قد خلت لها ما كسبت و لكم ما كسبتم

بیان این معنا - که پاداش عمل پیامبران برای دیگران سودمند نخواهد بود - در خطاب به کسانی که از نسل پیامبرانی چون: ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستند، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 27 - 28

28 - بی تأثیری نسب و پیوند خویشی با انبیا و اولیا در پذیرش و رد اعمال از سوی خدا

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق . . انما یتقبل الله من المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 7

7 - داشتن روابط خویشاوندی با پیامبران در رهایی از مجازات های الهی بی تأثیر است .

إلا امرأته كانت من الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 40 - 15

15 - روابط خانوادگی ( نسبی یا سببی ) با پیامبران ، تأثیری در نجات آنان از عذاب های الهی ندارد .

و أهلک إلا من سبق علیه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 46 - 13

13 - اعمال صالح خانواده نوح ( پرستش خدا و . . . ) مایه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح ( ع ) .

إنه لیس من أهلک إنه عمل غیر صلح



تصریح خداوند به این که «هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است» ، اشاره به این معنا دارد که: نجات دیگر اعضای خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده؛ بلکه منزه بودنشان از اعمال ناشایست ، مایه نجاتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 50 - 3

3- وجود رابطه خویشاوندی و نسبی میان هود (ع) و قوم عاد

وإلی عاد أخاهم هوداً

تصریح به اینکه هود(ع) برادر قوم عاد بود ، می تواند به خویشاوندی آن حضرت با قوم عاد ، اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 371

8 - هود - 11 - 61 - 3

3- خویشاوندی صالح (ع) با قوم ثمود

وإلى ثمود أخاهم صلحاً

تصریح به اینکه صالح(ع) ، برادر قوم ثمود بود (أخاهم صالحاً) می تواند اشاره ای باشد به خویشاوندی صالح(ع) با قوم ثمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 20

20- رابطه خویشاوندی با پیامبران ، بی تأثیر در نجات از عذاب های الهی است .

إلا امرأتك إنه مصيها ما أصابهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 84 - 3

3- وجود رابطه خویشاوندی و نسبی میان شعیب (ع) و مردم مدین

وإلى مدین أخاهم شعيباً

مراد از «أخاهم» این است که شعیب(ع) با اهل مدین ، خویشاوند بود و یا اینکه او برای آنان ، دلسوزی می کرد. برداشت فوق ، بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 32 - 8

8 - داشتن رابطه خانوادگی با پیامبری از پیامبران الهی ، انسان را از عذاب نجات نمی دهد .

لننجيّه و أهله إلاّ امرأته كانت من الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 18

18 - رابطه خویشاوندی با پیامبری از پیامبران الهی ، تأثیری در نجات از عذاب ندارد .

إِنَّا مَنجُوكَ . . . إِلَّا امْرَأَتَكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 3

3 - صرف انتساب به خداوند و یا پیوند خویشاوندی با پیامبران ، موجب نجات و سعادت انسان نمی شود .

ءال لوط نجّینهم . . . کذلک نجزی من شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 26 - 6

6 - تمامی پیامبرانی که پس از نوح و ابراهیم (ع) مبعوث شدند ، با مردم خود دارای خویشاوندی نسبی بودند .

ص: 372

و لقد أرسلنا نوحًا وإبرهیم و جعلنا فی ذریتهما النبوة

## 152- خویشاوندی با مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 8 - 8 - 8

8 - وجود پیوند های قرابت و خویشاوندی میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

و إن یظہروا علیکم لایرقبوا فیکم إلا و لاذمه

## 153- خویشاوندی داماد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 72 - 15

15- « الحفده ، هم أختان الرجل علی بناته و هو المروى عن أبی عبدالله (ع) ؛

«الحفده» به شوهران دختران (داماد) انسان گفته می شود و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است».

## 154- خویشاوندی در ارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 27، 25، 21، 20، 17

17 - خویشاوندان نسبی دارای ایمان ، از مؤمنان ارث می برند و نه خویشاوندان کافر آنان .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض .. من المؤمنین

واژه «من» ممکن است بیانی باشد؛ یعنی، أولوا الأرحام مؤمن و مهاجر، در ارث، بر خویشان کافر اولویت دارند.

20 - اولویت خویشاوندان نسبی برای ارث بردن ، امری است که در لوح محفوظ ثبت است .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی کتب اللہ .. کان ذلک فی الکتب مسطورًا

احتمال دارد که مراد از «الکتب» لوح محفوظ باشد و احتمال دارد که منظور، کتاب هایی باشد که به انبیا(ع) داده شده است. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است.

21 - اولویت خویشاوندان نسبی برای ارث بردن ، از جمله تعالیم آسمانی نازل شده در قرآن است .

وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ .. كَانِ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

«ال» در «الکتاب» می تواند عهد و اشاره به قرآن باشد.

25 - « عن أبي جعفر (ع) في قول الله « وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ » إِنَّ بَعْضَهُمْ أَوْلَىٰ بِالْمِيرَاثِ مِنْ بَعْضٍ لِأَنَّ أَقْرَبَهُمْ إِلَيْهِ [ رَحْمًا ] أَوْلَىٰ بِهِ . . . » ;

ص: 373

از امام باقر(ع) درباره این سخن خداوند « و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتاب الله » روایت شده که فرمود: بعضی از خویشاوندان، در ارث بردن بر دیگران مقدم اند، چون هر کس از نظر نسبی نزدیک تر است، در ارث بردن مقدم است. ..».

27 - « عن النبي (صلى الله عليه وآله) قال : ما من مؤمن إلا وأنا أولى الناس به في الدنيا والآخرة اقرأوا إن شئتم : « النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم » فأيما مؤمن ترك مالا فليرثه عصبته من كانوا . فإن ترك ديناً أو ضياعاً فليأتني فأنا مولاه ;

از نبی اکرم(صلی الله علیه و آله) روایت شده است که فرمود: هیچ مؤمنی نیست مگر این که من به ولایت بر او از مردم دیگر در دنیا و آخرت سزاوارترم. اگر خواستید، بخوانید: «النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم» پس هر مؤمنی که مالی را بعد از خود بگذارد، خویشان اش هر که باشند، آن رابه ارث می برند. اگر بدهی برجا گذاشته باشد و یا نان خوران فقیری از او باقی مانده اند، باید به من رجوع کند؛ زیرا من ولی او هستم».

### 155- خویشاوندی در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 85 - 6

6- لزوم نادیده گرفتن پیوند خویشاوندی ، در دفاع از اصول دین و مبارزه با انحرافات عقیدتی

إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

### 156- خویشاوندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 134 - 10

10 - خویشاوندی با پیامبران و از نسل ایشان بودن ، در قیامت کارساز نبوده و موجب رهایی از پیامد های اعمال نخواهد شد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

بیان این معنا که پاداش عمل پیامبران برای دیگران سودمند نخواهد بود، در خطاب کسانی که از نسل پیامبرانی چون ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستند، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 141 - 10

10 - خویشاوندی با پیامبران و از نسل ایشان بودن ، در قیامت کارساز نبوده و موجب رهایی از پیامد های اعمال نخواهد شد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

بیان این معنا - که پاداش عمل پیامبران برای دیگران سودمند نخواهد بود - در خطاب به کسانی که از نسل پیامبرانی چون: ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستند، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 374

1 - پیوند های خویشاوندی و خانوادگی ، بی ثمر در روز قیامت

لن تنفعکم أرحامکم

6 - قیامت روز گسسته شدن پیوند ها و جدایی خویشاوندان و فرزندان از والدین

لن تنفعکم . . . یوم القیمه یفصل بینکم

### 157- خویشاوندی سببی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 54 - 4,6

4 - انسان ها ، دارای دو نوع قرابت و خویشاوندی اند : نسبی و سببی .

فجعلہ نسباً و صہراً

«نسب» - که جمع آن «انساب» است - به معنای قرابت و خویشاوندی از ناحیه پدر است و «صهر» به معنای قرابت و خویشاوندی از ناحیه زن است که به سبب ازدواج به وجود می آید (خویشاوندی سببی مثل دامادی و ..) (برگرفته از لسان العرب). گفتنی است جمله «فجعلہ نسباً و صہراً» به تقدیر مضاف است؛ یعنی، «فجعلہ ذانساب و صہر».

6 - آفرینش انسان ها از عنصری مایع (نطفه یا آب) و ایجاد دو نوع پیوند خویشاوندی نسبی و سببی میان آنان ، از نشانه های ربوبیت و قدرت بی انت های خداوند است .

و هو الذی خلق من الماء بشراً . . . فجعلہ نسباً و صہراً و کان ربّک قدیراً

یادآوری ربوبیت خداوند در پایان آیه شریفه و نیز در آغاز نخستین آیات مربوط به بحث از آفرینش پدیده های جهان (ألم تر إلی ربّک. ..) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

### 158- خویشاوندی شعیب (ع) با اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 36 - 2

2 - شعیب (ع) ، با مردم مدین ، خویشاوندی داشت .



وإلى مدين أخاهم شعيبًا

**159- خويشاوندی صالح (ع) با قوم ثمود**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 3

ص: 375

3 - وجود رابطه خویشاوندی میان صالح و قوم ثمود

وإلی ثمود أخاهم صلحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 142 - 1

1 - صالح (ع) ، پیامبری از نژاد ثمودیان و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم صلح

قید «أخوهم» می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی صالح(ع) با قومش و نیز تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آن قوم باشد.

### 160- خویشاوندی قارون و موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 76 - 18

18 - «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى» ای کان من بنی اسرائیل ثم من سبط موسی و هو ابن خالته . . . روی ذلک عن ابی عبداللّه (ع) ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند: «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى» روایت شده که قارون از قوم بنی اسرائیل و از تیره موسی(ع) و پسرخاله آن حضرت بود.

### 161- خویشاوندی قوم ثمود با صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 45 - 3

3 - رابطه خویشاوندی صالح پیامبر با قوم ثمود

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صلحاً

قید «أخاهم» هر چند کنایه از رحمت و عطف است؛ لکن با توجه به این که این تعبیر در مورد برخی از پیامبران به کار نرفته است - با این که همه پیامبران نسبت به قومشان رحمت و عطف داشته اند - می توان گفت واژه یاد شده اشاره به پیوند خویشاوندی نیز دارد.

### 162- خویشاوندی قوم عاد با هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 376

1 - هود (ع) ، پیامبری از نژاد قوم عاد و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم هود

قید «أخوهم» می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی هود(ع) با قومش و یا تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آن قوم باشد.

### 163- خویشاوندی لوط (ع) با قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - لوط (ع) ، پیامبری از نژاد قوم خود و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم لوط

قید «أخوهم» می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی نسبی لوط(ع) با قومش باشد. و نیز می تواند تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- لوط پیامبر ، دارای خویشاوندی با قوم مورد دعوت خویش \*

كذبت قبلهم... وإخوان لوط

واژه «إخوان» می رساند که میان لوط و قومش، روابط خویشاوندی بوده است.

### 164- خویشاوندی منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - وجود نسبت برادری میان دو فرد نزاع کننده و متخاصم در نزد داوود (ع)

إنّ هذا أخي

## 165- خويشاوندی نسبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 54 - 4،6

ص: 377

4- انسان ها ، دارای دو نوع قرابت و خویشاوندی اند : نسبی و سببی .

فجعله نسباً و صهراً

«نسب» - که جمع آن «انساب» است - به معنای قرابت و خویشاوندی از ناحیه پدر است و «صهر» به معنای قرابت و خویشاوندی از ناحیه زن است که به سبب ازدواج به وجود می آید (خویشاوندی سببی مثل دامادی و ..) (برگرفته از لسان العرب). گفتنی است جمله «فجعله نسباً و صهراً» به تقدیر مضاف است؛ یعنی، «فجعله ذانسب و صهر».

6- آفرینش انسان ها از عنصری مایع (نطفه یا آب) و ایجاد دو نوع پیوند خویشاوندی نسبی و سببی میان آنان ، از نشانه های ربوبیت و قدرت بی انت های خداوند است .

و هو الذی خلق من الماء بشراً .. فجعله نسباً و صهراً و کان ربک قدیراً

یادآوری ربوبیت خداوند در پایان آیه شریفه و نیز در آغاز نخستین آیات مربوط به بحث از آفرینش پدیده های جهان (ألم تر إلی ربک ..) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

### 166- خویشاوندی نوح(ع) با قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 106 - 1

1- نوح (ع) ، پیامبری از نژاد قوم خویش و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم نوح

قید «أخوهم» هم می تواند بیانگر پیوند خویشاوندی نوح(ع) با قومش باشد و هم تعبیر کنایی از اشفاق و دلسوزی آن حضرت نسبت به آنان.

### 167- خویشاوندی و عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 26 - 8

8- روابط قومی و خویشاوندی ، نباید بر گرایش های اعتقادی انسان اثر بگذارد .

و إذ قال إبرهیم لأبيه و قومه إئنی براء ممّا تعبدون

طرح داستان ابراهیم(ع) در راستای تأثیرناپذیری از عقاید و باورهای باطل قومی، صورت گرفته است.

## 168- خويشاوندی و کيفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

8 - هود - 11 - 40 - 16

ص: 378

16- لزوم پرهیز از ملاحظه نسب و حسب انسان ها در اجرای کیفر ها و مجازات های مطرح شده در دین

و أهلك إلا من سبق عليه القول

بیان این بخش از داستان نوح(ع) (احمل فیها. .. أهلك إلا من سبق عليه القول) رساننده این پیام است که: نباید به خاطر خویشی خطاکاران حتی با افراد برجسته ای چون پیامبران ، از کیفر آنان چشم پوشید.

### 169- خویشاوندی و مجازات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 40 - 16

16- لزوم پرهیز از ملاحظه نسب و حسب انسان ها در اجرای کیفر ها و مجازات های مطرح شده در دین

و أهلك إلا من سبق عليه القول

بیان این بخش از داستان نوح(ع) (احمل فیها. .. أهلك إلا من سبق عليه القول) رساننده این پیام است که: نباید به خاطر خویشی خطاکاران حتی با افراد برجسته ای چون پیامبران ، از کیفر آنان چشم پوشید.

### 170- خویشاوندی هود(ع) با قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 65 - 3

3 - وجود رابطه خویشاندی و نسبی میان هود (ع) و قوم عاد

وإلی عاد أخاهم هوداً

تصریح به اینکه هود برادر قوم عاد بود، می تواند اشاره به این باشد که آن حضرت از خویشان قوم عاد بوده و نیز می تواند اشاره به این باشد که وی برای آنان، حتی پیش از نبوتش، انسانی دلسوز بوده و به آنان محبت داشته است. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 21 - 3

3- پیامبر قوم عاد ( هود ) ، از تبار ایشان و دارای رابطه خویشاوندی با آنان \*

و اذکر أخوا عاد .. . إذ أنذر



واژه «أخ» ممکن است اشاره به رابطه خویشاوندی داشته باشد.

ص: 379

## 171- رد خویشاوندی جن با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 158 - 6

6 - میان خدا و جن ، نسبت خویشاوندی و یا ارتباط ویژه ای ( چون شریک بودن ) وجود ندارد .

و جعلوا بینه و بین الجته نسبا و لقد علمت الجته إتهم لمحضرون

یادآوری آگاهی جن از احضارشان در روز رستاخیز - که در پاسخ به ادعای وجود پیوند خویشاوندی و یا شریک بودن جن با خدا مطرح گردیده - بیانگر دو نکته است: 1- منتفی بودن ارتباط خویشاوندی و شریک نبودن جن با خدا؛ زیرا اگر جن شریک خدا بود و ارتباط خویشاوندی با او می داشت، برای حسابرسی احضار نمی شد. 2- تأثیر نداشتن این ارتباط در سرنوشت بندگان (بر فرض وجود چنین ارتباطی).

## 172- روابط خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 75 - 10

10 - توجه خاص اسلام به روابط خویشاوندی

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی كتب الله

## 173- روابط خویشاوندی در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 46 - 11

11- سلب پیوند ها و روابط خویشاوندی ، براثر اعمال ناشایست ، در مکاتب الهی

إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

## 174- روابط خویشاوندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 18 - 6

6- روابط فامیلی و عاطفی ، هیچ تأثیری در سرنوشت انسان در روز رستاخیز ندارد .

وإن تدع مثقلة إلى حملها لا يحمل منه شيء ولو كان ذا قربى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 380

3- تأثیر نداشتن پیوند خویشاوندی و روابط فامیلی، در نجات انسان مجرم از عذاب الهی در قیامت

یوّد المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ بینیه . . . و فصیلته الّتی تویه

### 175- زمینه های حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 90 - 4

4- پیوند خویشاوندی، امری مسؤولیت آور و منشأ پیدایش حقوق ویژه است.

إن الله یأمر . . . وایتایء ذی القربی

### 176- عقیده به خویشاوندی جن با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 158 - 1

1 - مشرکان، معتقد به وجود نسبت خویشاوندی میان خدا و جن

و جعلوا بینہ و بین الجنّہ نسباً

«نسب»، به معنای قرابت و پیوند خویشاوندی است.

### 177- عقیده به خویشاوندی خدا با ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 158 - 4

4- مشرکان، معتقد به وجود پیوند خویشاوندی ( پدر و فرزندی ) میان خدا و فرشتگان

و جعلوا بینہ و بین الجنّہ نسباً

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جمله «و جعلوا بینہ و بین الجنّہ نسباً» تأکید دختر نبودن ملائکه برای خدا و نفی فرزنددار بودن او است که در آیات پیشین از آن یاد شده است (أم خلقنا الملائکة إناثاً. . . ليقولن . ولد الله...).

## 178- علايق خويشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 24 - 5,8

ص: 381

5- ترجیح محبت خویشاوندان و امکانات مادی بر محبت خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و جهاد، فسق و انحراف است.

قل إن كان آباؤكم... أحب إليكم... والله لا يهدي القوم الفسقين

8- ترجیح محبت خدا و رسول و جهاد بر علائق خویشاوندی و تعلقات مادی، نشانه مؤمنان راستین

يأيها الذين آمنوا... قل إن كان آباؤكم... و جهاد في سبيله

### 179- عواطف خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 24 - 2

2- محبت پدر، فرزند، برادر، همسر و خویشاوندان نباید محبت خدا و رسول و جهاد در راه خدا را تحت الشعاع قرار دهد.

قل إن كان آباؤكم وأبناؤكم... أحب إليكم من الله ورسوله و جهاد في سبيله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 113 - 3

3- عواطف و احساسات فامیلی، باید تحت الشعاع روابط دینی و مکتبی باشد.

ما كان للنبي... أن يستغفروا للمشرکين و لو كانوا أولى قری

### 180- عواطف خویشاوندی زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- مریم - 19 - 6 - 7

7- اهتمام زکریا به حفظ یادگار های به جامانده از اجداد خویش \*

فهب لی من لدنک ولیاً. یرثنی و یرث من ءال یعقوب

### 181- عواطف خویشاوندی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- حج - 22 - 78 - 13

13 - بهره‌گیری از عواطف خویشاوندی برای ترغیب مشرکان مکه به گرویدن به اسلام

و ما جعل علیکم فی الدین من حرج مله اَیکم ابرهیم

ص: 382

## 182- قطع روابط خویشاوندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 101 - 3

3 - گسستن روابط خویشاوندی میان انسان ها ، در روز رستاخیز

فإذا نفخ في الصور فلا أنساب بينهم يومئذ

## 183- محدوده روابط خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 74 - 8

8 - خویشاوندی و پیوندهای اجتماعی نباید مانعی برای تبلیغ و مخالفت با الحاد گردد.

و إذ قال إبراهيم لأبيه آزر . . . وقومك

یاد آور شدن گفتگوی ابراهیم(ع) با خویشاوندانش بدان جهت می تواند باشد که ضرورت ملاحظه نکردن روابط خویشاوندی و قومی در مسائل اساسی عقیدتی را یادآور شود.

## 184- موانع خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 216 - 2

2 - کفر و عصیان ، عامل بی اعتباری مسؤولیت خویشاوندی

و أنذر عشیرتک . . . فإن عصوک فقل إئی بریء ممّا تعملون

## 185- نقش خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 27 - 28

28 - بی تأثیری نسب و پیوند خویشی با انبیا و اولیا در پذیرش ورد اعمال از سوی خدا



واتل عليهم نبأ ابني آدم بالحق . . . انما يتقبل الله من المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 75 - 9، 8، 7

7 - خویشاوندان در برخوردار شدن از حقوق ولایت مقرر شده در میان مؤمنان ، بر غیر خویشان اولویت دارند .

ص: 383

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب الله

8 - خویشاوندان در ارث بردن از یکدیگر بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض

برداشت فوق با توجه به روایات متعددی که درباره «اولوا الارحام» آمده، استفاده شده است. علاوه بر آن مفسران بزرگ شیعه و سنی جمله «اولوا الأرحام بعضهم ...» را بیان حکم ارث دانسته اند.

9 - اولویت خویشان در ارث بردن از یکدیگر ، حکمی است ثبت شده در کتاب الهی (قرآن)

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب الله

«فی کتب الله» می تواند متعلق به کلمه ثابت و مانند آن و خبر برای مبتدایی محذوف باشد ؛ یعنی: هذا الحكم ثابت في كتب الله. همچنین می تواند متعلق به مضمون جمله «بعضهم أولى ببعض» باشد ؛ یعنی متعلق به نسبت خبریه در آن جمله باشد. قابل ذکر است که مآل هر دو فرض به یک معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 13

13 - خویشاوندی و پیوند های اجتماعی ، نباید مانعی برای تبلیغ و مخالفت با الحاد گردد .

إذ قال لأبيه يأبت لِمَ تعبد ما لا يسمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 43 - 7

7 - خویشاوندی ، نباستی موجب ترک تبلیغ دین و توحید و مبارزه با شرک گردد .

يأبت لِمَ تعبد ... يأبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 215 - 5

5 - ملاک ارزش در بینش الهی ایمان است ؛ نه پیوند های قبیله ای و خویشاوندی .

و أنذر عشيرتک الأقربین . و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 158 - 7

7 - نسبت ها ، نزدیکی ها و پیوند های خویشاوندی ، هیچ تأثیری در سرنوشت بندگان و مجازات آنان ندارد .

و جعلوا بينه وبين الجنة نسباً ولقد علمت الجنة إثمهم لمحضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 22 - 8

8 - پیوند نسبی ( پدری ، فرزندی ، برادری و خویشاوندی ) ، قوی ترین و پایدارترین سبب مودت و دوستی ها است .

ولو كانوا اباؤهم أو أبناءهم أو إخوانهم أو عشيرتهم

ص: 384

با این که اسباب دوستی زیاد است، اختصاص به ذکر یافتن پیوند نسبی، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 15 - 4

4 - خویشاوندی، رابطه ای مسئولیت آفرین و انگیزه ای مؤثر، در کمک رسانی به یکدیگر است.

ذا مقربه

### 186- نقش خویشاوندی با پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 60 - 3

3- صرف رابطه خویشاوندی با پاکان، سبب رهایی از عذاب الهی و پیامدکار زشت نخواهد شد.

إلا امرأته قدرنا إنها لمن الغیرین

### 187- نقش خویشاوندی با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مسد - 111 - 1 - 6

6 - خویشاوندی مخالفان اسلام با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مانع نکوهش خداوند از آنان نیست.

تبت یدا ابی لهب و تب

### 188- نقش عواطف خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 3 - 7

7- استفاده از گرایش ها و عواطف خویشاوندی برای هدایت مردم، از روش های هدایتی قرآن

ألا تتخذوا من دونی وکیلاً. ذریه من حملنا مع نوح

برداشت فوق بر این اساس است که جمله «ذریه من حملنا..» از سخنان قرآن باشد نه آموزه های تورات.

## 189- نقش عواطف خویشاوندی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 385

6- استفاده « تورات » از گرایش ها و عواطف خویشاوندی بنی اسرائیل ، جهت هدایت و گرایش آنان به توحید

و آتینا موسی . . . ذرّیه من حملنا مع نوح

این برداشت با توجه به دو نکته است ذیل است: 1- بنابراین که نصب «ذرّیه» به حرف ندای محذوف و ادامه کلام تورات در آیه قبل باشد (و آتینا موسی الكتاب . . . ألاّ تتخذوا . . . یا ذرّیه من حملنا مع نوح). 2- آیه در پی دعوت از بنی اسرائیل به توحید، به آنان یادآوری می کند که آنها از فرزندان همراهان نجات یافته نوح هستند، تا به این وسیله ایشان را به قبول دعوت برانگیزاند.

خویش

### 190- اقرار علیه خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 9

9 - اقرار انسان علیه خویش ، نافذ و دارای اعتبار قانونی است .

شهداء لله و لو علی أنفسکم

### 191- خیانت به خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 107 - 3

3 - خیانت و نیرنگ به دیگران ، در حقیقت خدعه و خیانت به خویشان است .

و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

در آیه شریفه خیانت به دیگران، خیانت به نفس شمرده شده است.

### 192- زیان به خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 87 - 14

14 - محروم نمودن خویش از مواهب پاکیزه و حلال الهی ، زیان رسانی به خود آدمی است .

و لاتحرموا طيبات ما احل الله لكم ولا تعتدوا

چنانچه تحریم طیبیات به معنای محروم ساختن خویش از مواهب الهی گرفته شود جمله «لاتعتدوا» می تواند بیانگر فلسفه ای برای جمله «لاتحرموا ..» باشد یعنی مبادا طیبیات را از خود دریغ دارید چرا که این کار تعدی به خود و پایمال کردن حقوق خویش است.

ص: 386

## 193- ظلم به خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 110 - 5

5 - گناه ، ستم بر خویشان است .

و من يعمل سوءاً او يظلم نفسه ثم يستغفر الله

ص: 387



## 19- خیال پردازی

### 1- آثار خیال پردازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 40 - 4

4- شرکورزی و اعتقاد به معبودهایی غیر از خدای یکتا، زاییده پندار و توهم آدمیان است .

إِلَّا أَسْمَاءَ سَمِيْتُمُوهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 68 - 8

8 - جامعه داستان پرداز و افسانه گرا، دارای ذهنیتی ناتوان و مغشوش در تشخیص حق و باطل

إِن هَذَا إِلَّا أَسْطِير الْأُولِينَ

کافران عقیده به معاد را «أسطوره» می پنداشتند و این پندار نشانگر رواج افسانه ها در میان جوامع پیشین و ذهنیت مغشوش است که در نتیجه شیوع خرافات، پدید آمده بود و براساس آن هر سخن تازه ای را حکایتی ساخته و پرداخته افراد تلقی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 11 - 3

3 - غفلت از ارزش ها ، معلول غرق شدن در گرداب پندار ها و تمنیات نفسانی است . \*

الْخَرَصُونَ . الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرِهِ سَاهُونَ

از ارتباط «فی غمره» با «ساهون» ممکن است چنین استفاده شود که انسان، زمانی گرفتار غفلت و حق ستیزی می شود که دل مشغولی های دنیا و حفره های جاه و مال و شهوت، او را در خود فرو برده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 23 - 4

4- شرک و بت پرستی ، برخاسته از خیال پردازی و موهوم گرایی بشر و فاقد هر گونه پشتوانه منطقی

سَمِّتُمُوهَا أَنْتُمْ وَاَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ

از تأکید خداوند بر این که بت ها، جز نام های ساخته و پرداخته بشر، چیزی نیستند؛ می توان به دست آورد که خیال پردازی و موهوم گرایی انسان، او را به وادی شرک کشانیده است.

## 2- تنزیه از خیال پردازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 227 - 3

3- ساحت شاعران مؤمن ، مبرا از خیال پردازی ، گزافه گویی و گفتار بدون عمل

و الشعراء .. فی کلّ واد یهیمون... یقولون ما لایفعلون . إلاّ الذین ءامنوا

## 3- تهمت خیال پردازی به محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 224 - 4

4- اتهام مشرکان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر ابداع قرآن با وهم و خیال خویش

و الشعراء یتبعهم الغاوان

## 4- خیال پردازی شاعران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 225 - 2

2- توسن سرگشته کلام شاعران خیال پرداز ، رها شده در هر وادی بی حاصل

ألم تر أنّهم فی کلّ واد یهیمون

مقصود از برداشت یاد شده این است که شاعران گزافه گوی و بی ملاک، در هر زمینه ای بی تأمل شعر می ساریند؛ زیبا را زشت و زشت را زیبا می کنند؛ حق را باطل و باطل را حق جلوه می دهند و ...

## 5- خیال پردازی عوام یهود

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

1 - بقرہ - 2 - 78 - 5.7

ص: 389

5 - حدس و گمان ، پایه و اساس تفکرات دینی عوام یهود

إن هم لا یظنون

7 - پذیرش خیالات واهی به جای محتوای کتاب آسمانی و پایه قرار دادن حدس و گمان در تفکرات و معتقدات دینی ، از دلایل نابجا بودن انتظار ایمان از عوام یهود

أفتطمعون أن یؤمنوا لكم . . . و منهم أمیون . . . إن هم إلا یظنون

### 6- خیال پردازی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 36 - 5

5 - موضع گیری های کافران در قبال قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، متکی به پندار - و نه دلیل یقینی -

أم خلقوا السموت و الأرض بل لا یوقنون

### 7- خیال پردازی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 28 - 3

3 - پندارگری و گمان محوری ، شالوده هویت مشرکان بی باور به آخرت

إنّ الذین لا یؤمنون بالأخره . . . إن یتبعون إلا الظنّ

با توجه به حصر در «إن یتبعون إلا الظنّ»، مطلب بالا استفاده می شود.

### 8- خیال پردازی مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 27 - 5

5 - پیروی از هوا و گمان و آرزوپردازی های بی حاصل ، از ویژگی های ناباوران به آخرت

إن هی إلا أسماء سمّیتوها . . . إن یتبعون إلا الظنّ و ما تهوی الأنفس . . . أم لل

ارتباط آیات، نشانگر این است که منکران آخرت، از ویژگی های یاد شده برخوردارند.

## 9- زمینه خیال پردازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 390

2- انسان اسیر شده در گرداب کفر و لجاجت ، گرفتار پندارگرایی و غافل از وعده های حق الهی

الخرّصون. الذین هم فی غمره ساهون

از ارتباط «خرّاصون» با «غمره» و «ساهون» مطلب بالا استفاده می شود.

### 10- شاعران مؤمن و خیال پردازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 227 - 3

3- ساحت شاعران مؤمن ، میرا از خیال پردازی ، گزافه گویی و گفتار بدون عمل

و الشعراء.. فی کلّ واد یهیمون... یقولون ما لایفعلون . إلا الذین ءامنوا

### 11- علاقه به خیال پردازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 225 - 4

4- گمراهان ، دوستدار مطالب سست ، بی بنیاد و خیال انگیز

و الشعراء یتبعهم الغاون . ألم تر أنّهم فی کلّ واد یهیمون

از ارتباط دو آیه استفاده می شود که گمراهان، در پی شاعرانی بی اصالت و وهم گرا هستند.

خیال پردازان

### 12- استهزاهای خیال پردازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 12 - 2

2- پندارگرایان دنیا زده غافل ، درصدد انکار معاد با تمسخر و استهزا\*

الخرّصون . الذین هم فی غمره ساهون . یسئلون أیّان یوم الدّین

از ارتباط «یستلون. ..» با آیات پیشین، استفاده می شود که این سؤال نمونه ای از غفلت و دنیازدگی آنان است که گاه اصل را انکار می کنند و گاه با پرسش از زمان معاد، آن را بعید و غیر علمی می نمایانند.

ص: 391

### 13- تکذیبگری خیال پردازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 12 - 2

2 - پندارگرایان دنیا زده غافل ، درصدد انکار معاد با تمسخر و استهزا\*

الخرصون . الذین هم فی غمره ساهون . یسئلون آیاں یوم الدین

از ارتباط «یسئلون ..» با آیات پیشین، استفاده می شود که این سؤال نمونه ای از غفلت و نیازدگی آنان است که گاه اصل را انکار می کنند و گاه با پرسش از زمان معاد، آن را بعید و غیر علمی می نمایند.

ص: 392



1- خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 75 - 17، 9، 5

5 - خیانتکاری برخی از اهل کتاب ، حتی در ناچیزترین امانتها

و منهم من ان تأمنه بدینار لا یؤده الیک

9 - دیدگاه های متفاوت اهل کتاب درباره غیر همکیشان خود ، موجب حفظ امانت و یا خیانت در آن

و من اهل الکتاب . . . و منهم من ان تأمنه . . . ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّی

«ذلک»، اشاره به طایفه دوم است.

17 - نسبت تجویز خیانت در امانت ، به خداوند ، دروغ بستن به اوست .

و منهم من ان تأمنه بدینار لا یؤده الیک . . . قالوا لیس علینا فی الامّین سبیل و

رسول الله (صلی الله علیه و آله) در پی نزول آیه فوق فرمود: کذب اعداء الله ما من شیء کان فی الجاهلیه الا و هو تحت قدمی هاتین الا الامانه فانّها مؤداه الی البرّ و الفاجر.

---

الدر المنثور، ج 2، ص 244؛ مجمع البیان، ج 2، ص 778.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 76 - 8

8 - خیانت در امانت و بدعتگذاری در دین از سوی اهل کتاب ، برخاسته از بی تقوایی آنان

و منهم من ان تأمنه بدینار . . . و یقولون علی الله الکذب . . . بلی من اوفی بعهدہ و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 161 - 16، 5، 1، 2



1 - ساحت پیامبران ، پاک و منزّه از هر گونه خیانت است .

و ما کان لنبیّ ان یغلّ

«یغلّ» از ماده غلول و غلل، به معنای خیانت است.

2 - ناسازگاری خیانت با مقام نبوت و رسالت الهی

و ما کان لنبیّ ان یغلّ

5 - گمان باطل برخی از مسلمانان صدر اسلام مبنی بر خیانت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در غنایم جنگی

و ما کان لنبیّ ان یغلّ

در برخی از شأن نزولهای مربوط به آیه آمده که غنیمتی از غنایم جنگی بدر مفقود شد و عدّه ای چنین پنداشتند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) آن را تصاحب کرده است. (مجمع البیان، ذیل آیه). و از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: ... الم ینسبوا نبیّنا محمّداً (صلی الله علیه و آله) ... الم ینسبوه یوم بدر الی الله اخذ لنفسه من المغنم قطفیه حمراء حتی اظهره الله عزّ و جلّ علی القطفیه و برء نبیّه من الخیانه و انزل بذالک فی کتابه «و ما کان لنبیّ ان یغلّ ...».

---

امالی صدوق، ص 92، مجلس 22، ح 3؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 324، ح 1.

16 - به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کلّ شیء غلّ عن الامام.

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 205، ح 148؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 324، ح 2.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 162 - 9، 6

6 - جویای رضای الهی از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دلیل و نشانگر پاکی ساحت وی از هر گونه خیانت

و ما کان لنبیّ ان یغلّ ... افمن اتبع رضوان الله

جمله «افمن أتبع رضوان الله» به منزله دلیل و تعلیل برای جمله «و ما كان لنبیّ ان یغلّ» است؛ یعنی آیا امکان دارد پیامبری که همواره در پی جلب رضای الهی است، خیانت کند و از همان کسانی باشد که خدا بر آنان خشم گرفته است.

9 - نسبت خیانت به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، زمینه ساز خشم و غضب الهی

ما كان لنبیّ ان یغلّ .. كمن بآء بسخط من الله

جمله «كمن بآء بسخط» می تواند اشاره به کسانی باشد که به ساحت پاک پیامبر (صلی الله علیه و آله) چنین اتهاماتی را وارد کردند؛ چنانچه در آیه قبل بدان اشاره شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 179 - 14، 13، 10، 3

3 - مؤمنان، پاک هستند و غیر آنان (منافقان)، پلید و خبیث.

ما كان الله لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب

10 - جریان مداوم آمیختگی پاکان و ناپاکان و جدا شدن آنان از یکدیگر

ما كان الله لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب

ص: 394

13 - ایمان و کفر ( پاکى و ناپاکى ) انسان ها از امور غیبی

و ما كان الله ليطلعكم على الغيب

چنانچه مراد از «الغيب»، جنس باشد، کفر و ایمان از مصادیق مورد نظر است. البته این احتمال نیز به نظر می رسد که الف و لام «الغيب»، عهد باشد؛ یعنی خصوص کفر و ایمان.

14 - سنت الهی ، بر تفکیک صفوف پاکان از ناپاکان به وسیله آگاه ساختن مردم به غیب و اسرار دل ها ، نیست .

ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب و ما كان

«و ما كان الله ليطلعكم . . .»، در صدد بیان این است که گر چه خداوند، ناپاکان را از پاکان مشخص خواهد کرد، ولی این تفکیک از طریق مشکلات و جنگها و مسائل دیگر از این قبیل است، نه از راه آشنا ساختن مردم به غیب و نهان.

19 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، آگاه به پاکان و ناپاکان ( مؤمن و منافق ) امت خویش ، از طریق علم به غیب

و ما كان الله . . . و لكن الله يجتبي من رسله من يشاء

مراد از «من رسله» - چه برخی از رسولان باشند و چه تمامی آنان - قطعاً پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از جمله آنان خواهد بود.

## 2- آثار ترک خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 162 - 3

3 - امانتداری و ترک خیانت ، از موجبات جلب خشنودی و رضای خداوند

و ما كان لنبی ان یغلّ . . . افمن اتبع رضوان الله کمن بآء بسخط من الله

## 3- آثار خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 162 - 7

7 - خیانتکاری و اختلاس ، زمینه ساز خشم و غضب الهی

و من یغلل یأت بما غلّ . . . افمن اتبع رضوان الله کمن بآء بسخط من الله

از مصادیق مورد نظر برای «من بآء بسخط»، خیانتکارانی هستند که در آیه قبل به رسوایی آنان اشاره رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 107 - 3

3 - خیانت و نیرنگ به دیگران ، در حقیقت خدعه و خیانت به خویشتن است .

و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

در آیه شریفه خیانت به دیگران، خیانت به نفس شمردده شده است.

ص: 395

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 111 - 3

3 - آثار زیانبار خیانت به دیگران ، دامنگیر خود خیانتکار خواهد شد .

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا... و من یکسب اثماً فانما یکسبه علی نفسه

به مقتضای آیات گذشته، مصداق مورد نظر از «اثماً»، همان خیانتکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 58 - 9

9 - خیانت ، حتی نسبت به کافران ، امری ناروا و در پی دارنده محرومیت از محبت خدا

فانذ إليهم علی سواء إن الله لا یحب الخائنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 71 - 6

6 - کافران جنگ بدر به سبب خیانت‌هایشان به خدا و دین او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

امکان (مصدر امکان)، به معنای تسلط بخشیدن است. تقریب جمله «امکن منهم» بر «فقد خانوا» به وسیله حرف «فاء» دلالت می کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 8 - 4

4 - خیانت کاری و پیمان شکنی ، نشانه ضعف ایمان و مایه محرومیت از سعادت اخروی

قد أفلح المؤمنون... و الذین هم لأمتهم وعهدهم رعون

#### 4- آثار خیانت بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - بنی نضیر ، به خاطر توطئه و خیانت ، مستحق کیفر و مجازاتی سخت بودند و اجرای حکم تبعید علیه آنان ، تقدیری همراه با تخفیف برای ایشان بود .

ولولا أن ... لعذبهم فی الدنيا

ص: 396



## 5- آثار خیانت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 27 - 7

7 - پیامدهای شوم خیانت به خدا و رسول و زشتی خیانت آدمی به امانت‌های جامعه، امری روشن و بی‌نیاز از برهان

لاتخونوا الله... و أنتم تعلمون

در اینکه مفعول «تعلمون» چیست، نظرهای مختلفی ایراد شده که از جمله آنهاست، زشتی خیانت، پیامدهای شوم آن و حرمت آن از دیدگاه عقل و شرع.

## 6- آثار خیانت به محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 27 - 7

7 - پیامدهای شوم خیانت به خدا و رسول و زشتی خیانت آدمی به امانت‌های جامعه، امری روشن و بی‌نیاز از برهان

لاتخونوا الله... و أنتم تعلمون

در اینکه مفعول «تعلمون» چیست، نظرهای مختلفی ایراد شده که از جمله آنهاست، زشتی خیانت، پیامدهای شوم آن و حرمت آن از دیدگاه عقل و شرع.

## 7- آثار خیانت تاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 3 - 1

1 - تاجرانی که در سنجش کالا خیانت ورزیده و هنگام فروش آن از پیمانانه و وزن می‌کاهند، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد.

و إذا كالوهم أو وزنوهم يخسرون

## 8- آثار خیانت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 143 - 10

10 - پذیرش دوستی و سرپرستی کفار، خیانت در جنگ، خدعه با خدا، سستی در عبادت، ریاکاری و کم به یاد خدا بودن، موجب گمراهی و محرومیت دایمی از هدایت الهی است.

و من یضلل الله فلن تجد له سیبلا

از مصادیق مورد نظر برای (من یضلل)، کسانی هستند که در آیات قبل (از 138 تا 143) خصلتهای آنان بر شمرده شد.

ص: 397

## 9- آثار خیانت در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 10 - 3

3 - کم فروشی و خیانت در معامله ، تکذیب عملی روز قیامت است .

ویل للمطففین . . . ویل یومئذ للمکذبین

آیات مورد بحث درباره «مطففین» است و آنان را با عناوین «فجّار» و «مکذّبین» تهدید به عذاب الهی می کند. مراد از «یومئذ» همان «یوم یقوم الناس...» است که در آیات پیشین گذشت. تکذیب می تواند، شامل تکذیب عملی و قولی باشد؛ بنابراین آیه اختصاص به کافران ندارد.

## 10- آثار خیانت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 61 - 9

9 - پافشاری برخی از مشرکان بر شرک ، معلول تعصب یا اهداف خائنانه است ، نه ناشی از نادانی صرف .

بل اکثرهم لایعلمون

قید «اکثر» بیانگر این واقعیت است که در میان مشرکان، کسانی وجود دارند که علی رغم آگاهی به بطلان شرک، به خاطر اهداف نادرستی از آن حمایت می کنند.

## 11- آثار ذکر خیانت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 94 - 5

5 - توجه به گوشه ای از خیانت ها و تزویر های منافقان ، مستلزم عدم اعتماد به آنان برای همیشه

لن نؤمن لکم قد نبأنا الله من أخبارکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که «من» در «أخبارکم» برای تبعیض و «لن» در «لن نؤمن» برای نفی ابدی باشد.

## 12- اجتناب از خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 108 - 3

ص: 398

3- پرهیز شاهدان وصیت از خیانت در شهادت و تجاوز به حقوق دیگران ، تکلیفی الهی بر عهده ایشان و نشان تقوای پیشگی آنان است .

ذلک ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها . . . و اتقوا اللّٰه و اسمعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 27 - 3

3- حفظ امانت های مسلمانان و پرهیز از خیانت در آن ، وظیفه ایمانی مؤمنان

یأیها الذین ءامنوا لاتخونوا اللّٰه و الرسول و تخونوا أمتکم

در برداشت فوق «تخونوا أمتکم» عطف بر «تخونوا اللّٰه» گرفته شده است. بنابراین حرف نهی «لا» در معطوف نیز لحاظ شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 6

6- رعایت عفت و پرهیز از خیانت به ویژه در نهان و به دور از چشم مردم ، خصلتی ارزشمند و نیکوست .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

«بالغیب» (در نهان) می تواند حال برای ضمیر فاعلی و نیز برای ضمیر مفعولی در «لم أخنه» باشد. بنابراین «لم أخنه بالغیب» ؛ یعنی ، به او خیانت نکردم آن گاه که وی [از چشم ما] نهان بود و یا من از او در نهان بودم.

### 13- اجتناب از خیانت در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 35 - 3

3- خیر و مصلحت واقعی انسان و جامعه ، در اجتناب کردن از کم فروشی و خیانت اقتصادی است .

و أوفوا الکیل . . . وزنوا بالقسطاس المستقیم ذلک خیر

### 14- احتمال خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 71 - 4

4 - احتمال ادامه خیانت از سوی اسیران نباید مانعی برای رهاسازی آنان محسوب شود .

وإن یریدوا خیانتک

این احتمال همواره وجود دارد که اسیران پس از آزاد شدن بار دیگر به حمایت از سایر مشرکان برآمده و علیه نظام اسلامی تلاش کنند. این احتمال ممکن است رهبران نظام اسلامی را از آزادسازی اسیران بازدارد. گویا آیه شریفه «وإن یریدوا ...» در صدد رفع

ص: 399

این نگرانی است. یعنی اگر مصلحت بر آزادسازی باشد، این نگرانی شما را از آزاد کردن اسیران باز ندارد.

### 15- افشای خیانت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 42 - 3

3 - افشاکری خداوند ، در مورد اهداف خائنه و توطئه گرانه مشرکان علیه جان پیامبر (صلی الله علیه و آله)

نتربص به ریب المنون . . . أم یریدون کیداً

طبق گفته مفسران، ممکن است عبارت «یریدون . . .» نظر به توطئه «دارالندوه» داشته باشد.

### 16- پاداش اجتناب از خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 28 - 6

6 - پابندی به ارزش های الهی و پرهیز از خیانت به دین ، دارای پاداشی عظیم نزد خداوند

لاتخونوا الله . . . أنما أموالکم و أولدکم فتنه و أن الله عنده أجر عظیم

### 17- پیشگیری از خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 58 - 5

5 - رهبران جامعه اسلامی باید به احتمال وقوع خیانت از سوی جوامع کفرپیشه ترتیب اثر داده و نباید برای تصمیمات لازم در انتظار وقوع خیانت باشند .

و إما تخافن من قوم خیانه فانبد إلیهم علی سواء

### 18- تشخیص خیانت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 58 - 4

4- بررسی و تشخیص شواهد و نشانه های خیانتکاری کافران ، وظیفه ای بر عهده پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران جامعه اسلامی

وإما تخافن من قوم خيانة

ص: 400



## 19- تکرار خیانت با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 4 - 10

10 - همسران خطاکار پیامبر (صلی الله علیه و آله) (حفصه و عایشه) ، در معرض تکرار خطا و خیانت علیه آن حضرت بودند .

وإن تظہرا علیہ

از تعبیر «إن تظاہرا علیہ» (اگر علیه پیامبر هم پستی کنید)، استفاده می شود که حفصه و عایشه، در معرض تکرار چنین خطاهایی بودند.

## 20- حرمت خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 161 - 9

9 - حرمت خیانتکاری

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمہ ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

## 21- خیانت اسیران غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 71 - 2

2 - اسیران جنگ بدر از خیانتکاران به دین خدا تا پیش از آن نبرد

وإن یریدوا خیانتک فقد خانوا اللّٰہ من قبل

## 22- خیانت اکثریت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 22

22 - تلاش مستمر اکثریت یهود در عصر بعثت برای خیانت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اسلام

و لا تزال تطلع علی خائنه منهم

چون آیه فوق در بیان خیانتکاری بنی اسرائیل، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را مخاطب قرار داده (و لاتزال تطلع ..) معلوم می شود این خیانت درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان صورت می گرفته است.

ص: 401

### 23- خیانت الغای معاهدات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 58 - 8

8 - بی اعتبار شمردن و الغای عهدنامه ها بدون آگاه ساختن طرف مقابل ، خیانت است .

فانبد إليهم على سواء إن الله لا يحب الخائنين

برداشت فوق بر این اساس است که «إن الله . . .» تعلیل برای «على سواء» باشد. یعنی اگر این دستور (آگاه ساختن دشمن به لغو عهدنامه او) را اجرا نکنی، خیانتکاری و خداوند خیانتکاران را دوست ندارد.

### 24- خیانت اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 75 - 5

5 - خیانتکاری برخی از اهل کتاب ، حتی در ناچیزترین امانتها

و منهم من ان تأمنه بدینار لا يؤده اليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 32 - 5

5- مخالفت اهل کتاب با اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مخالفتی خائنانه و نه از روی جهل و بی خبری \*

إنّ الذين كفروا و . . . من بعد ما تبين لهم الهدى

می توان گفت: مراد از «الذين كفروا. . .» به قرینه «تبين لهم الهدى» اهل کتاب است.

### 25- خیانت بر محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 42 - 3

3 - افشاگری خداوند ، در مورد اهداف خائنانه و توطئه گرانه مشرکان علیه جان پیامبر (صلی الله علیه و آله)

تربص به ريب المنون . . . أم يريدون كيداً

طبق گفته مفسران، ممکن است عبارت «يريدون . . .» نظر به توطئه «دارالندوه» داشته باشد.

ص: 402

## 26- خیانت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 20

20 - خیانت پیشگی اکثریت بنی اسرائیل

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم إلا قليلا منهم

## 27- خیانت بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 11 - 3

3 - روابط خائنه منافقان مدینه ، با کافران اهل کتاب ( یهود بنی نضیر )

الذین نافقوا یقولون لإخونهم الذین کفروا من أهل الکتب لئن أخرجتم لَنُخرجنَّ معکم

## 28- خیانت به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 141 - 8

8 - منافقان ، خائن به جبهه اسلام و مؤمنان و خوش خدمت به کافراند .

قالوا ألم نستحوذ علیکم و نمنعکم من المؤمنین

«استحوذ» به معنای غلبه و استیلا است و مراد از جمله «و ان کان للکافرین .. الم نستحوذ» - با توجه به سیاق آیه - این است که منافقان پس از پیروزی کافران به آنان می گویند: در هنگامه جنگ ما بر شما استیلا داشتیم ولی شما را نکشتیم، بر این اساس جمله «نمنعکم من المؤمنین» به این معنا خواهد بود که بین شما و اهل ایمان حائل شدیم و نگذاشتیم آنان نیز به شما دسترسی پیدا کنند، تا پیروزی برای شما حاصل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 28 - 3

3 - دلبستگی به مال و فرزند ، زمینه ابتلای انسان به انحراف از دین و خیانت به آن

لاتخونوا الله . . . واعلموا أنما أموالكم وأولادكم فتنه

## 29- خيانت به امانت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 403

7 - پیامدهای شوم خیانت به خدا و رسول و زشتی خیانت آدمی به امانت‌های جامعه، امری روشن و بی‌نیاز از برهان

لاتخونوا الله... و انتم تعلمون

در اینکه مفعول «تعلمون» چیست، نظرهای مختلفی ایراد شده که از جمله آنهاست، زشتی خیانت، پیامدهای شوم آن و حرمت آن از دیدگاه عقل و شرع.

### 30- خیانت به بیت المال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 161 - 16

16 - به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کلّ شیء غلّ عن الامام.

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 205، ح 148؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 324، ح 2.

### 31- خیانت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 71 - 6

6 - کافران جنگ بدر به سبب خیانت‌هایشان به خدا و دین او، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند.

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

امکان (مصدر امکان)، به معنای تسلط بخشیدن است. تقریب جمله «امکن منهم» بر «فقد خانوا» به وسیله حرف «فاء» دلالت می‌کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 27 - 5، 2، 1

1 - خیانت به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، حرام و به دور از شأن اهل ایمان

يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ

2 - خیانت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، خیانت به خداست .

لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ

تکرار نکردن فعل «لاتخونوا» در مورد خدا و رسول و تکرار آن در مورد سایر مردمان، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که خیانت به هر یک از خدا و رسول در حکم خیانت به دیگری است و قابل تفکیک نیست.

5 - افشای اسرار جامعه اسلامی ، خیانت به خدا ، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان است .

ص: 404



لاتخونوا الله و الرسول

شان نزول آیه درباره فردی از مسلمانان صدر اسلام است که برخی از اسرار نظامی جامعه را فاش کرد. بنابراین افشای اسرار نظامی جامعه ایمانی، از مصادیق مورد نظر برای خیانت به خدا و رسول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 28 - 4

4 - خیانت برخی از مسلمانان صدر اسلام به خدا و رسول به خاطر حفظ مال و فرزند خویش

لاتخونوا الله و الرسول . . . و اعلموا انما اموالکم و اولدکم فتنه

در ضمن شان نزول یاد شده در آیه قبل آمده است که هدف آن مسلمانی که مرتکب خیانت شده و اسرار نظامی مسلمانان را فاش ساخت، حفظ مال و فرزندانش بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 30 - 5

5 - شکست کافران مکه در توطئه علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، عبرتی برای همه خائنان به خدا و رسول

لاتخونوا الله و الرسول . . . و یمکرون و یمکر الله

یادآوری شکست توطئه های کافران مکه پس از اشاره به خیانت برخی از مسلمانان برای تفهیم این حقیقت است که خائنان به خدا و رسول، هر چند اظهار اسلام کنند، همان گونه که کافران موفق نشدند، آنان نیز موفق نمی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 91 - 8

8- شکستن عهد و سوگند خود با خدا، به منزله خیانت به ضمانت الهی است .

و لاتنقضوا الایمان بعد توکیدها و قد جعلتم الله علیکم کفیلاً

### 32- خیانت به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 9

9- نافرمانی از دستورات خدا و نادیده گرفتن احکام دین ، خیانت به خویشتن است .

کنتم تختانون أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 27 - 4

4 - خیانت آدمی به امانت های مسلمانان ، خیانت به خویشتن است .

و تخونوا أمتکم

ص: 405

معمولا انسان امانتدار دیگران است نه امانتدار خویش. بنابراین اسناد امانتهای دیگران به امانتدار، با اضافه کلمه «امانات» به «کم» بیانگر این است که امانت دیگران به منزله امانت خود اوست و خیانت در آن، خیانت به امانت خویش است.

### 33- خیانت به خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 107 - 3

3 - خیانت و نیرنگ به دیگران، در حقیقت خدعه و خیانت به خویشتن است.

و لا تجدل عن الذین یختانون انفسهم

در آیه شریفه خیانت به دیگران، خیانت به نفس شمرده شده است.

### 34- خیانت به دستاوردهای زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 5 - 3

3- زکریا (ع) پیش بینی می کرد که پس از وی دست های فراوانی حاصل تلاش او را به یغما برده و زحمات او را بی نتیجه خواهند ساخت.

وإني خفت المولى من وراءی

آنچه زکریا برای از دست رفتن یا انحراف آن پس از مرگ خود نگران بود، نبوت نبود، زیرا خداوند تنها صالحان را به مقام نبوت می رساند، بلکه مناصب و موقعیت های دینی - اجتماعی او در میان مردم و یا اموالی بود که دخل و تصرف در آن به عهده او بود. وصف «یرثنی و یرث...» - در آیه بعد - احتمال دوم را ترجیح می دهد.

### 35- خیانت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 71 - 10، 6، 2

2 - اسیران جنگ بدر از خیانتکاران به دین خدا تا پیش از آن نبرد

وإن یریدوا خیانتک فقد خانوا اللّٰه من قبل

6 - کافران جنگ بدر به سبب خیانت‌هایشان به خدا و دین او، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

امکان (مصدر امکان)، به معنای تسلط بخشیدن است. تفریع جمله «امکن منهم» بر «فقد خانوا» به وسیله حرف «فاء» دلالت می کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

ص: 406

10 - علم و حکمت گسترده الهی ، پشتوانه وعده الهی به ناکامی خائنان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دین الهی

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم و الله عليهم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 28 - 6

6 - پایبندی به ارزش های الهی و پرهیز از خیانت به دین ، دارای پاداشی عظیم نزد خداوند

لاتخونوا الله .. أنما أموالكم وأولادكم فتنة وأن الله عنده أجر عظیم

### 36- خیانت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 58 - 9

9 - خیانت ، حتی نسبت به کافران ، امری ناروا و در پی دارنده محرومیت از محبت خدا

فانذ إليهم على سواء إن الله لا يحب الخائنين

### 37- خیانت به لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 7،8

7 - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخاتتاها

8 - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخاتتاها

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و ...

### 38- خیانت به محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

6 - انفال - 8 - 71 - 10

10 - علم و حکمت گستردہ الہی ، پشتوانہ وعدہ الہی بہ ناکامی خائنان بہ پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ) و دین الہی

فقد خانوا اللہ من قبل فأمكن منهم واللہ علیم حکیم

ص: 407

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 22

22 - تلاش مستمر اکثریت یهود در عصر بعثت برای خیانت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اسلام

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم

چون آیه فوق در بیان خیانتکاری بنی اسرائیل، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را مخاطب قرار داده (و لاتزال تطلع ..) معلوم می شود این خیانت درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان صورت می گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 27 - 5، 2، 1

1 - خیانت به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، حرام و به دور از شأن اهل ایمان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ

2 - خیانت به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، خیانت به خداست .

لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ

تکرار نکردن فعل «لاتخونوا» در مورد خدا و رسول و تکرار آن در مورد سایر مردمان، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که خیانت به هر یک از خدا و رسول در حکم خیانت به دیگری است و قابل تفکیک نیست.

5 - افشای اسرار جامعه اسلامی، خیانت به خدا، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان است .

لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ

شأن نزول آیه درباره فردی از مسلمانان صدر اسلام است که برخی از اسرار نظامی جامعه را فاش کرد. بنابراین افشای اسرار نظامی جامعه ایمانی، از مصادیق مورد نظر برای خیانت به خدا و رسول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 28 - 4

4 - خیانت برخی از مسلمانان صدر اسلام به خدا و رسول به خاطر حفظ مال و فرزند خویش

لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ ... و اعلموا أنما أموالکم و أولادکم فتنه

در ضمن شأن نزول یاد شده در آیه قبل آمده است که هدف آن مسلمانی که مرتکب خیانت شده و اسرار نظامی مسلمانان را فاش ساخت، حفظ مال و فرزندانش بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 30 - 5

5 - شکست کافران مکه در توطئه علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، عبرتی برای همه خائنان به خدا و رسول

لاتخونوا الله و الرسول . . . و یمکرون و یمکر الله

یادآوری شکست توطئه های کافران مکه پس از اشاره به خیانت برخی از مسلمانان برای تفهیم این حقیقت است که خائنان به خدا و رسول، هر چند اظهار اسلام کنند، همان گونه که کافران موفق نشدند، آنان نیز موفق نمی شوند.

ص: 408



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 59 - 3

3 - کافران هرگز با نقض پیمان و خیانت به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نخواهند توانست بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیشی گیرند و وی را از ادامه رسالت ناتوان سازند .

و إما تخافن من قوم خیانه . . . و لایحسبن الذین کفروا سبقوا إیهم لایعجزون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول «سبقوا» و «لایعجزون» پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 4 - 16

16 - دلداری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در برابر خیانت ها و توطئه ها علیه ایشان

و إن تظہرا علیہ فإنّ اللّٰه هو مولیہ . . . و الملئکہ بعد ذلک ظہیر

### 39- خیانت به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 141 - 8

8 - منافقان ، خائن به جبهه اسلام و مؤمنان و خوش خدمت به کافرانند .

قالوا ألم نستحوذ علیکم و نمنعکم من المؤمنین

«استحوذ» به معنای غلبه و استیلا است و مراد از جمله «و ان کان للکافرین . . . الم نستحوذ» - با توجه به سیاق آیه - این است که منافقان پس از پیروزی کافران به آنان می گویند: در هنگامه جنگ ما بر شما استیلا داشتیم ولی شما را نکشتیم، بر این اساس جمله «نمنعکم من المؤمنین» به این معنا خواهد بود که بین شما و اهل ایمان حائل شدیم و نگذاشتیم آنان نیز به شما دسترسی پیدا کنند، تا پیروزی برای شما حاصل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 27 - 5

5 - افشای اسرار جامعه اسلامی ، خیانت به خدا ، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان است .

لاتخونوا الله و الرسول

شأن نزول آیه درباره فردی از مسلمانان صدر اسلام است که برخی از اسرار نظامی جامعه را فاش کرد. بنابراین افشای اسرار نظامی جامعه ایمانی، از مصادیق مورد نظر برای خیانت به خدا و رسول است.

#### **40- خیانت به نوح(ع)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 409

7 - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخاتاهما

8 - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخاتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و ...

#### 41- خیانت به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 2 - 10

10 - خیانت در اموال یتیمان ، گناهی بزرگ

انّه کان حوباً کبیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 3 - 2,3

2 - ممنوعیت ازدواج با دختران یتیم ، در صورت ترس از خیانت در اموال آنان

واتوا الیتامی اموالهم .. وان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا

از جمله «ان خفتم ..»، استفاده می شود که ازدواج با دختران یتیم در صورت ترس از بی عدالتی ممنوع است و به قرینه آیه قبل مراد از بی عدالتی (الا تقسطوا) رعایت نشدن قسط در اموال آنان است.

3 - ازدواج با یتیمان ، لغزشگاهی برای خیانت در اموال آنان و انحراف از عدالت

وان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی

#### 42- خیانت تجاوز جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 52 - 7

7- تجاوز به ناموس مردم خيانت به آنان است .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

ص: 410

### 43- خیانت چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 19 - 8

8 - « قال سألت أبا عبد الله (ع) ، عن قوله عز وجل « يعلم خائنه الأعين » فقال : ألم تر إلى الرجل ينظر إلى الشيء و كأنه لا ينظر إليه فذلك خائنه الأعين ؛

[راوی] می گوید: از امام صادق (ع) از آیه «يعلم خائنه الأعين» سؤال نمودم، حضرت فرمود: آیا ندیده ای که شخصی به چیزی به گونه ای [زیر چشمی] نگاه می کند که گویا به آن نگاه نمی کند و این همان خیانت چشم ها است».

### 44- خیانت حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 27 - 1

1 - خیانت به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، حرام و به دور از شأن اهل ایمان

يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ

### 45- خیانت در امانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 283 - 14، 6

6 - حرمت خیانت در امانت

فَلْيُؤَدِّ الَّذِينَ ءَاؤْتَمَنُوا ءَامَانَتَهُمْ وَ لِيَتَّقِيَ اللَّهُ رَبَّهُ

14 - هشدار خداوند به خیانتکاران در امانت و کتمان کنندگان شهادت

فَلْيُؤَدِّ الَّذِينَ ءَاؤْتَمَنُوا ءَامَانَتَهُمْ . . . وَ لَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ . . . وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 58 - 17، 7

7 - یهود ، خائن به امانت ها و داورانی ستمگر

يقولون . . . هؤلاء اهدى من الذين امنوا . . . اذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل

جمله «ان تحكموا بالعدل» می تواند اشاره باشد به حکومت و قضاوت ناعادلانه یهود در باره مؤمنان ; آنگاه که راه مشرکان را به صواب نزدیکتر معرفی کردند.

17 - هشدار خداوند به خیانتکاران در امانت و ستمگران در قضاوت

انّ الله . . . انّ الله كان سمیعاً بصیراً

ص: 411

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 27 - 3,4

3 - حفظ امانت های مسلمانان و پرهیز از خیانت در آن ، وظیفه ایمانی مؤمنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمْنَتَكُمْ

در برداشت فوق «تخونوا أمتکم» عطف بر «تخونوا الله» گرفته شده است. بنابراین حرف نهی «لا» در معطوف نیز لحاظ شده است.

4 - خیانت آدمی به امانت های مسلمانان ، خیانت به خویشان است .

و تخونوا أمتکم

معمولا انسان امانتدار دیگران است نه امانتدار خویش. بنابراین اسناد امانتهای دیگران به امانتدار، با اضافه کلمه «امانات» به «کم» بیانگر این است که امانت دیگران به منزله امانت خود اوست و خیانت در آن، خیانت به امانت خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 38 - 5

5 - دشمنی با دین خدا ، خیانت در امانت او و ناسپاسی در برابر نعمت هدایت او است .

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ .. إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

#### 46- خیانت در امانتداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 75 - 9,17,5

5 - خیانتکاری برخی از اهل کتاب ، حتی در ناچیزترین امانتها

و منهم من ان تأمنه بدینار لا یؤده الیک

9 - دیدگاه های متفاوت اهل کتاب درباره غیر همکیشان خود ، موجب حفظ امانت و یا خیانت در آن

و من اهل الکتاب .. و منهم من ان تأمنه ... ذلک بأنهم قالوا لیس علینا فی الامی

«ذلک»، اشاره به طایفه دوم است.

17 - نسبت تجویز خیانت در امانت ، به خداوند ، دروغ بستن به اوست .

و منهم من ان تأمنه بدينار لا يؤدّه اليك . . . قالوا ليس علينا في الامّين سبيل و

رسول الله (صلى الله عليه و آله) در پی نزول آیه فوق فرمود: کذب اعداء الله ما من شیء کان فی الجاهلیه الاّ و هو تحت قدمی هاتین الاّ الامانه فانّها مؤدّاه الی البرّ و الفاجر.

---

الدر المنثور، ج 2، ص 244 ; مجمع البیان، ج 2، ص 778.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 76 - 8

ص: 412



8 - خیانت در امانت و بدعتگذاری در دین از سوی اهل کتاب ، برخاسته از بی تقوایی آنان

و منهم من ان تأمنه بدینار . . . و یقولون علی اللّٰه الکذب ... بلی من اوفی بعهده و

#### 47- خیانت در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 108 - 7

7 - ناخشنودی خداوند از خیانت و نیرنگ ، حتی در مرحله پندار و گفتار

اذ بیبتون ما لایرضی من القول

«اذ بیبتون»، حاکی از اندیشه خیانت و گناه است. و جمله «ما لایرضی»، تصریح به ناخشنودی خداوند و نکوهش از چنین پندار و اندیشه ای دارد.

#### 48- خیانت در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 12،16،17،18،23

12 - نماز دارای نقشی بسزا در پاکسازی روحيات آدمی برای پرهیز از سوگند های دروغ و خیانت در شهادت

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّٰه

16 - شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان باللّٰه . . . إنا اذا لمن الاثمین

17 - شاهدان نباید به بهانه منافع شخصی و یا خویشاوندی ، در شهادت های خویش خیانت کنند

لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی . . . إنا اذا لمن الاثمین

اگر چه آیه شریفه درباره شهادت بر وصیت است ولی از جهت ضرورت پرهیز از خیانت بین شهادت بر وصیت و شهادت بر اموری دیگر تفاوتی نیست و لذا می توان گنهکار بودن هر خیانتکار در شهادت را استفاده کرد.

18 - مال پرستی و وابستگی های خانوادگی از جمله عوامل لغزش و خیانت در شهادت

لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قریبی

23 - دستیابی به منافع شخصی و یا نفع رسانی به خویشان با خیانت و شهادت گناه است .

لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قریبی .. . إنا اذاً لمن الاثمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 107 - 9

9 - شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که در صورت خیانت در شهادت از ستمکاران

ص: 413

محسوب می شوند .

فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 108 - 3،10

3- پرهیز شاهدان وصیت از خیانت در شهادت و تجاوز به حقوق دیگران ، تکلیفی الهی بر عهده ایشان و نشان تقوایبستگی آنان است .

ذلک ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها . . . و اتقوا اللّٰه و اسمعوا

10 - خیانت در شهادت و سوگند دروغ ، فسق و مایه محرومیت از هدایت خاص الهی است .

فان عشر علی انهما استحقا . . . و اللّٰه لایهدی القوم الفسقین

### 49- خیانت در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 108 - 6

6- برخی از مسلمانان ، در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) مرتکب سرقت و خیانت شدند و با نقشه و توطئه در صدد متهم کردن دیگران بودند .

و هو معهم اذ بییتون ما لایرضی من القول

در شأن نزول آمده که طعمه بن ابیرق پس از سرقت با خود اندیشید که کالای مسروقه را به خانه یک یهودی بیندازد و در حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) سوگند یاد کند که آن یهودی سرقت کرده و خود از هر خیانتی مبرا است.

### 50- خیانت دشمنان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 38 - 8

8 - خصومت کنندگان با اهل ایمان ، مردمی خیانتکار و ناسپاس اند .

إِنَّ اللّٰهَ یَدْفَعُ . . . إِنَّ اللّٰهَ لَیَحِبُّ کُلَّ خَوَّانٍ کَفُورٍ

### 51- خیانت زنان اشراف مصر

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 10

ص: 414

10- زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف (ع) به خیانت، از زمره خائنان بودند.

أن الله لا يهدى كيد الخائنين

مصدق مورد نظر برای «الخائنين» زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف(ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه) آیه 35.

## 52- خیانت عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 58 - 7

7- پیمان شکنان و کسانی که در اندیشه شکستن پیمان های خویشند، خائن و محروم از محبت خداوند هستند.

إن الله لا يحب الخائنين

برداشت فوق بر این اساس است که جمله «إن الله ..» تعلیل برای «فانبد إليهم» باشد؛ یعنی کسانی که در صدد پیمان شکنی هستند، خائنند و چون خداوند خائنان را دوست ندارد، توای پیامبر(صلی الله علیه و آله) موظف هستی معاهده آنان را لغو کنی تا راه برای نبرد با آنان باز شود.

## 53- خیانت کاتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 45، 49

45 - حرمت زیان رساندن و خیانت نویسنده و گواه مبادلات، بر طرفین قرارداد

و لا يضارّ كاتب و لا شهيد

در صورتی که «لا يضارّ» معلوم باشد و نه مجهول، متعلق آن، متعاملین خواهند بود. یعنی: لا يضارّ كاتب و لا شهيد المتبايعين.

49 - خیانت نویسنده و گواه مبادلات، فسق و انحراف از حق است.

و لا يضارّ كاتب و لا شهيد و ان تفعلوا فانه فسوق بكم

بر مبنای معلوم بودن «لا يضارّ»

## 54- خیانت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 58 - 5

5 - رهبران جامعه اسلامی باید به احتمال وقوع خیانت از سوی جوامع کفرپیشه ترتیب اثر داده و نباید برای تصمیمات لازم در انتظار وقوع خیانت باشند .

ص: 415

و إما تخافن من قوم خيانه فانبد إليهم على سواء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - انفال - 8 - 59 - 3,5

3 - كافران هرگز با نقض پيمان و خيانت به رسول اکرم (صلی الله عليه و آله) نخواهند توانست بر پیامبر (صلی الله عليه و آله) پیشی گیرند و وی را از ادامه رسالت ناتوان سازند .

و إما تخافن من قوم خيانه . . . و لا يحسبن الذين كفروا سبقوا إنهم لا يعجزون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول «سبقوا» و «لا يعجزون» پیامبر (صلی الله عليه و آله) باشد.

5 - كافران با پيمان شکنی و خيانت های خود ، قادر به کسب پیروزی پایدار نخواهند بود .

و إما تخافن من قوم خيانه . . . و لا يحسبن الذين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - انفال - 8 - 71 - 6

6 - كافران جنگ بدر به سبب خيانتهايشان به خدا و دين او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

امكان (مصدر امکن)، به معنای تسلط بخشیدن است. تقریب جمله «امکن منهم» بر «فقد خانوا» به وسیله حرف «فاء» دلالت می کند بر اینکه خيانت كافران به دين خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

## 55- خيانت گواه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 282 - 45,49

45 - حرمت زيان رساندن و خيانت نویسنده و گواه مبادلات ، بر طرفین قرارداد

و لا يضاّر كاتب ولا شهيد

در صورتی که «لا يضاّر» معلوم باشد و نه مجهول، متعلق آن، متعاملین خواهند بود. یعنی: لا يضاّر كاتب ولا شهيد المتبايعين.

49 - خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فانه فسوق بکم

بر مبنای معلوم بودن «لا یضار»

### **56- خیانت مشرکان صدر اسلام**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 38 - 9

ص: 416



9 - شرک پیشگان حق ستیز عصر بعثت ، مردمانی خیانت کار و ناسپاس بودند .

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

### 57- خیانت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 179 - 3،19

3 - مؤمنان ، پاک هستند و غیر آنان ( منافقان ) ، پلید و خبیث .

ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب

19 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، آگاه به پاکان و ناپاکان ( مؤمن و منافق ) اَمّت خویش ، از طریق علم به غیب

و ما كان الله . . . و لكنّ الله يجتبي من رسله من يشاء

مراد از «من رسله» - چه برخی از رسولان باشند و چه تمامی آنان - قطعاً پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از جمله آنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 141 - 8

8 - منافقان ، خائن به جبهه اسلام و مؤمنان و خوش خدمت به کافرانند .

قالوا ألم نستحوذ عليكم و نمنعكم من المؤمنين

«استحوذ» به معنای غلبه و استیلا است و مراد از جمله «و ان كان للكافرين . . . الم نستحوذ» - با توجه به سیاق آیه - این است که منافقان پس از پیروزی کافران به آنان می گویند: در هنگامه جنگ ما بر شما استیلا داشتیم ولی شما را نکشتیم، بر این اساس جمله «نمنعکم من المؤمنین» به این معنا خواهد بود که بین شما و اهل ایمان حائل شدیم و نگذاشتیم آنان نیز به شما دسترسی پیدا کنند، تا پیروزی برای شما حاصل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 74 - 9،12

9 - توییح منافقان ، به خاطر حرکت های خیانت آمیز علیه اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله) با وجود برخورداری از تفضلات خدا و رسولش

و ما نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَيْهِمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ

12 - خیانت در برابر خدمت ، از خصلت های منافقان است .

و ما نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَيْهِمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 27 - 3,3

3- کیفر سخت منافقان به هنگام مرگ ، براساس علم الهی به نهران کاری های خائنانه آنان

وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ . فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ

از ارتباط عبارت «فکیف إذا...» - که بیانگر کیفر سخت منافقان است - با ذیل آیه قبل (والله يعلم اسرارهم) استفاده می شود که

ص: 417

علم و آگاهی خداوند، پشتوانه کيفر منافقان به هنگام مرگ شان، خواهد بود.

3- کيفر سخت منافقان به هنگام مرگ، براساس علم الهی به نهن کاری های خائنانه آنان

والله يعلم اسرارهم . فكيف إذا توفتهم الملائكة

از ارتباط عبارت «فكيف إذا...» - که بیانگر کيفر سخت منافقان است - با ذیل آیه قبل (والله يعلم اسرارهم) استفاده می شود که علم و آگاهی خداوند، پشتوانه کيفر منافقان به هنگام مرگ شان، خواهد بود.

### 58- خیانت منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 14 - 5، 1

1 - در صورت ورود احزاب متحد از نواحی و اطراف به خانه های منافقان در مدینه و درخواست اظهار شرک، آنان، با ایشان همسویی می کردند .

و لو دخلت عليهم من أقطارها ثم سئلوا الفتنة لآتوها و ما تلبثوا بها إلا يسيراً

نایب فاعل فعل «دخلت» می تواند «بیوت» و می تواند «یثرب» باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال نخست است. لازم به ذکر است که «اقطار» جمع «قطر» است که به معنای جانب است (مفردات راغب). مراد از «الفتنة» به قرینه مقام، شرک است.

5 - در صورت نفوذ دشمن به مدینه، پس از محاصره از سوی احزاب متحد، منافقان به جای دفاع، به تلاش به نفع دشمن می پرداختند .

و لو دخلت عليهم من أقطارها ثم سئلوا الفتنة لآتوها

برداشت بالا، بنابراین است که ضمیر در «دخلت» به «یثرب» برگردد و مراد از «الفتنة»، تلاش تخریبی علیه مسلمانان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 11 - 3

3 - روابط خائنانه منافقان مدینه، با کافران اهل کتاب (یهود بنی نضیر)

الذين نافقوا يقولون لإخوانهم الذين كفروا من أهل الكذب لئن أخرجتم لئخرجن معكم

### 59- خیانت همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخاتاهما

9 - بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع)، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم یغنیا عنهما من الله شیئاً

ص: 418

## 60- خیانت همسر نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 7،9

7 - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخاتاهما

9- بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع)، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم یغنيا عنهما من الله شیئاً

## 61- خیانت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 58 - 7

7 - یهود، خائن به امانت ها و داورانی ستمگر

يقولون... هؤلاء اهدى من الذين امنوا... اذا حکمتم بين الناس ان تحکموا بالعدل

جمله «ان تحکموا بالعدل» می تواند اشاره باشد به حکومت و قضاوت ناعادلانه یهود درباره مؤمنان؛ آنگاه که راه مشرکان را به صواب نزدیکتر معرفی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 13 - 21

21 - مراقبت مستمر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر اعمال و رفتار یهودیان عصر خویش و آگاهی وی به خیانت های آنان

ولا تزال تطلع علی خائنه منهم

## 62- زشتی خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 27 - 7

7 - پیامدهای شوم خیانت به خدا و رسول و زشتی خیانت آدمی به امانت‌های جامعه، امری روشن و بی‌نیاز از برهان

لاتخونوا الله... و أنتم تعلمون

در اینکه مفعول «تعلمون» چیست، نظرهای مختلفی ایراد شده که از جمله آنهاست، زشتی خیانت، پیامدهای شوم آن و حرمت آن از دیدگاه عقل و شرع.

ص: 419

### 63- زمینه خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 3 - 13

13 - جواز تعدد همسران ، مشروط به رعایت عدالت در نفقه آنها

فان خفتم الا تعدلوا فواحدة

امام صادق (ع) درباره «فان خفتم الا تعدلوا» در آیه فوق فرمود: یعنی فی النفقه.

---

کافی، ج 5، ص 363، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 439، ح 36.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 23

23 - نقض پیمان های الهی ، زمینه خیانت پیشگی

فبما نقضهم ... علی خائنه منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 28 - 3

3 - دل بستگی به مال و فرزند ، زمینه ابتلای انسان به انحراف از دین و خیانت به آن

لاتخونوا الله ... و اعلموا انما اموالکم و اولدکم فتنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 64 - 15

15 - فقدان رحم و ترحم ، زمینه ساز خیانت به مردم است .

قال هل ءامنکم علیه ... فالله خير حفظًا و هو ارحم الرحمین

### 64- زیان خیانت

3 - آثار زینبار خیانت به دیگران ، دامنگیر خود خیانتکار خواهد شد .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا .. و من یکسب اثماً فانما یکسبه علی نفسه

به مقتضای آیات گذشته، مصداق مورد نظر از «اثماً»، همان خیانتکاری است.



## 65- عوامل خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 179 - 4

4 - ایمان ، موجب طهارت و پاکی و نفاق ، موجب پلیدی است .

ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب

## 66- فرجام خیانت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 71 - 8

8 - ذلت و ناکامی ، فرجام خائنان به خدا

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

## 67- کیفر خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 161 - 15، 16، 11

11 - خیانتکاران ، دریافت کنندگان کامل ( بدون کم و زیاد ) جزای رفتار ناپسند خویش ، در روز رستاخیز

و من يغلل . . . ثم توفى كل نفس ما كسبت و هم لا يظلمون

15 - هر کس در چیزی خیانت کند ، در قیامت آنرا در جهنم دیده و باید در آتش جهنم رفته و آن را بیرون آورد .

و من يغلل يأت بما غلّ يوم القيامة

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: . . . و من غلّ شيئاً رآه يوم القيامة في النار ثم يكلف ان يدخل اليه فيخرجه من النار.

---

تفسیر قمی، ج 1، ص 122؛ نورالثقلین، ج 1، ص 406، ح 417.

16 - به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من يغلل يأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول كلّ شيء غلّ عن الامام.

---

تفسير عياشي، ج 1، ص 205، ح 148 ; تفسير برهان، ج 1، ص 324، ح 2.

ص: 421

## 68- گناه خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 2 - 10

10 - خیانت در اموال یتیمان ، گناهی بزرگ

اِنَّهٗ كَانَ حُوْبًا كَبِيْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 107 - 8

8 - خیانت و نیرنگ ، گناه است .

اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا اٰثِمًا

در برداشت فوق، «اثیماً»، صفت توضیحی برای «خواناً» گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 8

8- خیانت به مردم ، گناه و رفتاری نکوهیده است .

ذٰلِكَ لِيَعْلَمَ اَنِيْ لَمْ اَخْنِهٖ بِالْغَيْبِ

## 69- گناه خیانت در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 27

27 - خیانت در شهادت ، گناه است .

لَا شَرِيْرَۃَۤ اِثْمًا . . . اِنَّا اِذَا لَمِنَ الْاٰثِمِيْنَ

## 70- مبعوضیّت خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - ناخشنودی خداوند از خیانت و نیرنگ ، حتی در مرحله پندار و گفتار

اذ یبیتون ما لایرضی من القول

«اذ یبیتون»، حاکی از اندیشه خیانت و گناه است. و جمله «ما لایرضی»، تصریح به ناخشنودی خداوند و نکوهش از چنین پندار و اندیشه ای دارد.

ص: 422

## 71- منشأ خیانت در امانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 32 - 3

3 - خیانت در امانت و پیمان شکنی ، نشانه ضعف ایمان

و الذین هم لأمتهم وعهدهم رعون

## 72- موارد خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 107 - 13

13 - دفاع از خائنین ، خیانت و گناهی بزرگ است .

و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم إنّ اللّٰه لایحب من کان خواناً اثمياً

مراد از «خواناً اثمياً» می تواند قاضیانی باشد که از خیانتکاران دفاع می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 58 - 8

8 - بی اعتبار شمردن و الغای عهدنامه ها بدون آگاه ساختن طرف مقابل ، خیانت است .

فانبد إليهم علی سواء إنّ اللّٰه لایحب الخائنین

برداشت فوق بر این اساس است که «إنّ اللّٰه . . .» تعلیل برای «علی سواء» باشد. یعنی اگر این دستور (آگاه ساختن دشمن به لغو عهدنامه او) را اجرا نکنی، خیانتکاری و خداوند خیانتکاران را دوست ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 7

7- تجاوز به ناموس مردم خیانت به آنان است .

ذلک لیعلم انی لم أخنه بالغیب

### 73- موارد خیانت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 71 - 3

3 - مبارزه با رسولان الهی و نبرد با ایشان ، از مصادیق خیانت به خداوند است .

ص: 423

وإن يريدوا خيانتك فقد خانوا الله من قبل

مراد از «فقد خانوا الله من قبل» (این اسیران پیش از اسارت نیز به خدا خیانت کردند) همان مبارزه و لشکرکشی مشرکان علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جنگ بدر است و خداوند این مبارزه را خیانت به خود شمرده است. بنابراین مبارزه با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان خیانت به خداوند محسوب می شود.

#### 74- موانع خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 4 - 3

3 - اعتقاد به معاد ، حتی در حد گمان ، بازدارنده انسان از خیانت در سنجش کالای دیگران

ألا يظنُّ أولئك أنهم مبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 6 - 6

6 - توجه به لحظه حضور در پیشگاه خداوند و در انتظار صدور حکم او بودن ، بازدارنده انسان از کم فروشی و خیانت به اموال مردم

ويل للمطففين . . . يوم يقوم الناس لرب العلمين

#### 75- موجبات خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 75 - 11، 9

9 - دیدگاه های متفاوت اهل کتاب درباره غیر همکیشان خود ، موجب حفظ امانت و یا خیانت در آن

و من اهل الكتاب . . . و منهم من ان تأمنه . . . ذلك بانهم قالوا ليس علينا في الامم

«ذلك»، اشاره به طایفه دوم است.

11 - پندار باطل برخی از اهل کتاب به جواز تصرف در اموال دیگران و تضييع آنها ، عامل خیانتشان به حقوق غیر همکیشان خود

ذلك بانهم قالوا ليس علينا في الامم سبيل

#### 76- ناپسندی خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 58 - 9

9 - خیانت ، حتی نسبت به کافران ، امری ناروا و در پی دارنده محرومیت از محبت خدا

فانبد إليهم على سواء إن الله لايحب الخائنين

ص: 424



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 26 - 16

16 - اعطای ملک و عزّت و نیز سلب آن از جانب خداوند ، تنها بر اساس خیر و مصلحت است .

مالک الملک تؤتی الملک . . . بیدک الخیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 104 - 2،14

2 - اتّحاد ، اعتصام به ریسمان الهی و اُلفت بین دل ها و برادری میان اهل ایمان ، از مصادیق خیر و نیکی

و اعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً . . . و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر

لام در «الخیر» می تواند عهد ذکری و اشاره به مطالب آیه قبل باشد و یا به مقتضای ارتباط دو آیه، ویژگیهای ذکر شده در آیه قبل از مصادیق مورد نظر کلمه «خیر» باشد.

14 - خیر ، پیروی نمودن از قرآن و سنّت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است .

و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: الخیر اتباع القرآن و سنّتی.

---

الدر المنثور، ج 2، ص 289.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 147 - 10

10 - توجّه به « ربوبیت » خداوند ، برانگیزنده انسان به دعا و درخواست از او

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 73 - 15

15 - « خیر » ، از اوصاف خداوند است .

والله خیر

## 2- آثار اخروی عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 32

32 - هر کار خیری ، ذخیره ای است که انسان در این جهان ، برای حیات اخروی خویش می فرستد .

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله هو خیرًا

## 3- آثار برخورداری از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 21 - 1

1 - انسان ، به هنگام دستیابی به خیر و خوبی ، از بهره مند شدن دیگران از آن به شدت منع می کند .

و إذا مسّه الخیر منوعًا

## 4- آثار پیشگامی در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 18,19

18- پیشی گرفتن در کار های نیک ، دعای همراه با رغبت و بیم و نیز خشوع پیامبران (ع) ، عامل بهره مندی آنان از موهبت های الهی بود .

و لقد آیتنا موسی و هرون ... إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت ... و کانوا لنا خش

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: 1- ضمیرهای جمع در جمله «إنهم کانوا یسرعون...» به پیامبران بازگردد، چه این که آیات پیشین در مورد آنان بود. 2- جمله «إنهم کانوا یسرعون...» و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

19- نقش مؤثر پیشی گرفتن در کار های نیک و دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، در استجابت دعا

فاستجبنا له ... إنهم كانوا يسرعون فی الخیرت ... و كانوا لنا خشعین

ص: 426

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 11 - 2

2 - سبقت و پیشتازی در امور خیر ، مایه تقرب به درگاه خداوند در جهان آخرت

و السبقون السابقون . أولئك المقربون

### 5- آثار ترک عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 11 - 22

22- « عن علی بن الحسین (ع) يقول : الذنوب التي تغير النعم ، البغی علی الناس و الزوال عن العاده فی الخیر ، و اصطناع المعروف ، و کفران النعم ، و ترک الشکر . قال الله عزوجل : « إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم » . . . ;

از امام زین العابدین(ع) روایت شده است که می فرمود: گناهایی که موجب تغییر نعمتها می شوند عبارتند از: ستمگری بر مردم، دوری از عادت به کار خیر و از انتخاب کردار نیک، کفران نعمتها و ترک شکرگزاری. خداوند عزوجل فرموده: إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم».

### 6- آثار دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 106 - 3

3 - اعتصام به ریسمان الهی ، دعوت به نیکی ها ، امر به معروف و نهی از منکر ، موجب روسفیدی در قیامت

و اعتصموا بحبل اللّٰه . . . و لتکن منکم امّہ یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ی

به مقتضای ارتباط با آیات قبل ، سفیدروی می تواند پاداش نیکیهای مذکور در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 107 - 2,4

2 - اعتصام به حبل اللّٰه ، دعوت به نیکی ها و امر به معروف و نهی از منکر ، موجب استغراق در رحمت جاودانه الهی

و اعتصموا بحبل اللّٰه . . . و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف ...

به مقتضای ارتباط این آیه و آیات پیشین، روسفیدی می تواند نتیجه اعمال نیک یاد شده در آیات قبل باشد.

4 - تمسک کنندگان به ریسمان الهی و دعوت گران به خیر، امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر، روسفیدان در قیامت و مستغرق در رحمت جاودانه الهی

واعتصموا بحبل الله... يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف... اما الذين ابیضت

مستفاد از ارتباط میان این آیه و آیات قبل.

ص: 427

## 7- آثار رضایت به عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 41 - 6

6 - خرسندی و رضا به اعمال و کردار نیک دیگران ، انسان را در منافع آن سهیم می کند .

لی عملی و لکم عملکم اتم بریئون مما عمل و انا بریء ممّا تعملون

جمله «اَنتُمْ بَرِیُّونَ مِمَّا أَعْمَلُ . . . » می تواند تفسیر برای حصر در جمله های «لی عملی» و «لکم عملکم» باشد ؛ یعنی، چون شما مشرکان از اعمال من بیزارید، منافع اعمال من ویژه خود من و چون من از کردار شما بیزارم، ضررهای اعمال شما ویژه خود شما خواهد بود.

## 8- آثار سبقت در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 84 - 6

6 - شتاب در کار خیر و تعجیل در وفای به وعده ، موجب جلب رضایت خدا است .

و ما أعجلک . . . و عجلت إلیک ربّ لترضی

هر چند که موسی(ع) به جهت جدا شدن از مردم، مورد پرس و جوی خداوند قرار گرفت؛ ولی هدف او از این تعجیل، مورد نقد قرار نگرفته است؛ یعنی، تسریع در وفای به وعده و حضور در میقات، به خودی خود، کار مطلوبی بوده است.

## 9- آثار عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 77 - 10

10 - اقامه نماز ، طاعت و بندگی خدا و انجام کار نیک ، مایه فلاح و رستگاری انسان ها است .

ارکعوا . . . لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 12 - 8

8- عاید شدن نفع و خیر به مکلفان، از حکمت‌ها و ملاک‌های لحاظ‌شده در تشریح احکام الهی

ذکر خیر لکم و اطهر

ص: 428



## 10- آثار ممانعت از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 16 - 3

3 - تکذیب عمدی دین و ردایل اخلاقی ( همچون سوگند دروغ، پستی، عیب جویی، سخن چینی، مانع خیر شدن، گناه پیشگی، درشت خوئی و بی تباری )، از زمینه های ابتلا به عذاب خفت بار الهی

فلاتطع المكذبین... كل حلاف مهين... عتل بعد ذلك زنيماً... سنسمه على الخرطوم

## 11- ابزار شناخت خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 11 - 3

3 - انسان، به دلیل برخورداری از ابزار های شناخت ( توانایی بر دیدن و گفتن و نیز تشخیص راه خیر و شر ) توانا بر پذیرش تکالیف دشوار و برداشتن گام های سنگین در راه خیر

ألم نجعل... فلاقتحم العقبه

## 12- اجتناب از زیاد شمردن عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 6 - 6

6 - « عن أبي عبد الله (ع) قال: ... قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) ... في قوله تعالى: « و لا تمنن تستكثر » قال: لا تستكثر ما عملت من خير لله ;

از امام صادق (ع) روایت شده است: رسول خدا (صلى الله عليه وآله) در توضیح سخن خدای تعالی: « و لا تمنن تستكثر » فرمود: عمل خیری را که برای خداوند انجام می دهی، زیاد به حساب نیاور.»

## 13- ارزش پیشگامی در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 20

20- شتاب و پیشگامی در کار های خیر ، دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، از ارزش های والا و صفات برجسته مردان الهی

إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَشَعِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این است که آیه شریفه، در توصیف پیامبران الهی است و از میان ده ها صفات و ویژگی های ایشان، تنها

ص: 429

به این سه صفت و ویژگی اشاره شده است.

#### 14- ارزش تشخیص خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 4

4- شناختن هستی، آن گونه که هست و تشخیص کار خیر و انجام دادن آن (حکمت)، امری بس مهم و ارزش مند است.

و لقد آتینا لقمن الحکمه

حکمت در لغت، به معنای «معرفت پیدا کردن به موجودات» و نیز «انجام دادن کارهای خیر» است. (مفردات راغب)

#### 15- ارزش تشویق به عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 8 - 6

6- ترغیب به کار خیر و وعده پاداش به آن، مقدم بر تهدید در امر تربیت

فمن يعمل مثقال ذره خیراً یره . و من يعمل مثقال ذره شراً یره

#### 16- امتحان با خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 35 - 10, 3

3- آدمیان، به وسیله شرّ و خیر موجود در جهان آزموده می شوند.

و نبلوکم بالشرّ و الخیر فتنه

10- «روی عن ابی عبدالله (ع) : إنّ امیر المؤمنین (ع) مرض فعاداه إخوانه فقالوا : کیف تجدک یا امیر المؤمنین (ع) ؟ قال : بشرّ قالوا :

ما هذا کلام مثلک قال : إنّ الله تعالی یقول : « و نبلوکم بالشرّ و الخیر فتنه » فالخیر الصحه و الغنی و الشرّ المرض و الفقر ;

از امام صادق (ع) روایت شده: امیرالمؤمنین (ع) بیمار شد، برادران [دینی] وی از آن حضرت عیادت کردند و گفتند: [حال] خود را چگونه

می یابی ای امیر مؤمنان؟ فرمود: به شرّ [مبتلی شده ام]، گفتند: این کلام افرادی مانند شما نیست؟ فرمود: خداوند تعالی می فرماید «و

نبلوکم بالشرّ و الخیر فتنه» سلامتی و بی نیازی خیر و بیماری و تنگدستی شرّ است».



## 17- امتناع از سخن خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 39 - 13

13 - عن أبي جعفر (ع) في قوله: «الذين كذبوا بآياتنا صم و بكم» يقول: «صم» عن الهدى و «بكم» لا يتكلمون بخير «في الظلمات» یعنی ظلمات الكفر . . .

از امام باقر (ع) درباره آیه «الذين كذبوا بآياتنا . . .» روایت شده است: تکذیب کنندگان آیات الهی «کرانند» از شنیدن آیات هدایت، «لالند» از سخن خیر گفتن، «در تاریکیها قرار دارند» یعنی تاریکیهای کفر . . .

## 18- انتخاب خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 10 - 90 - 5

5 - انسان ، موجودی مختار و توانا بر حرکت در راه خیر یا شر و دارای ابزار لازم آن

ألم نجعل له . . . و هدينه النجدین

بیان برخورداری انسان از چشم و زبان - پیش از اشاره به آشناسازی او با راه های خیر و شر - به منظور اتمام حجت بر او است که برای شناخت راه صحیح و انتخاب آن، ابزار لازم در اختیار او نهاده شده است.

## 19- انجام عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 77 - 8

8 - اقامه نماز ، عبودیت و بندگی خدا و انجام کار های نیک ، مشخصه های جامعه اسلامی

يأئها الذين ءامنوا . . . و افعلاوا الخير

## 20- انگیزه عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 39

39 - حسن ایجاد انگیزه در انسان هابه کار های خیر ، برای زمینه سازی بهتر و بیشتر انجام دادن آنها

و ما تقدّموا لأنفسكم من خیر تجدوه عند الله هو خیرًا و أعظم أجرًا

ص: 431

## 21- اهمیت عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 73 - 11

11- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

## 22- بخل در خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 19 - 19

19 - منافقان مدینه در کار خیر ، بخیل بودند .

أشحّه علی الخیر

## 23- بقای عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 7 - 2

2- کار های خیر ، هر چند به وزن مورچه ای ریز و یا ذرات معلق در هوا باشد ، باقی مانده ، در قیامت بر انسان عرضه خواهد شد .

فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره

«مثقال»؛ یعنی، وسیله ای که با آن، وزن چیزی سنجیده شود (مفردات). «ذره» (مفرد «ذره») به معنای کوچک ترین نوع مورچه است (صحاح اللغة). برخی آن را یک صدم وزن «جو» دانسته و برخی گفته اند: مراد ذراتی است که در شعاع خورشید، مشاهده می شود. (لسان العرب)

## 24- پاداش اخروی عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 7 - 1

1 - انجام دهندگان کار خیر ، در قیامت پاداش دیده ، با کردار خویش مواجه خواهند شد .

فمن يعمل مثقال ذره خيراً يره

ص: 432



## 25- پاداش پیشگامان عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 33 - 3

3 - پیشگامان در انجام کار های خیر و وارثان قرآن کریم ، بهره مند از بهشت پاینده

جنّ - ت عدن یدخلونها

## 26- پاداش دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 114 - 8,9

8 - دعوت کنندگان مردم به دستگیری از مستمندان ، بهره مند از پاداش عظیم الهی

الا من امر بصدقه . . فسوف نؤتیه أجراً عظيماً

9 - فراخوانی مردم به همزیستی مسالمت آمیز ، دارای پاداشی عظیم الهی

الا من امر بصدقه او معروف او اصلح بين الناس . . نؤتیه أجراً عظيماً

## 27- پاداش سبقت در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 84 - 10

10 - ربوبیت خداوند ، مقتضی پاداش به دارندگان نیت خیر و سبقت گیرندگان در کار نیک

وعجلت إليك رب لترضى

## 28- پاداش عمل خیر وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 34

34 - انجام هر کار خیری در حیات خویش ، دارای برتری و پاداشی افزون تر از انجام آن پس از مرگ به وسیله وارثان و یا از طریق وصیت

است .

و ما تقدّموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله هو خيراً وأَعْظَمُ أَجْراً

برخی از مفسران بر آنند که به قرینه «ما تقدّموا ..»، جمله ای مانند «من الذى تأخّرونه إلى الوصیه عند الموت» در تقدیر است.

ص: 433

## 29- پاداش مضاعف عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 33,34,36

33 - انسان ها ، تمامی کار های خیر خود را در پیشگاه خداوند ، بهتر از آنچه انجام داده اند ، می بینند و بیشتر از پاداشی که انتظارش را داشته و شایسته آن بوده اند ، دریافت می کنند .

و ما تقدّموا لأنفسكم من خیر تجدوه عند الله هو خیرًا و أعظم أجرًا

34 - انجام هر کار خیری در حیات خویش ، دارای برتری و پاداشی افزون تر از انجام آن پس از مرگ به وسیله وارثان و یا از طریق وصیت است .

و ما تقدّموا لأنفسكم من خیر تجدوه عند الله هو خیرًا و أعظم أجرًا

برخی از مفسران بر آنند که به قرینه «ما تقدّموا..» ، جمله ای مانند «من الذی تأخرونه إلى الوصیه عند الموت» در تقدیر است.

36 - پاداش کار های خیر از سوی خداوند ، افزون تر از استحقاق و بر پایه تفضل و لطف او است .

تجدوه عند الله هو خیرًا و أعظم أجرًا

مطلب یاد شده، از مقرر شدن پاداش بهتر و افزون تر، استفاده می شود.

## 30- پیشگامان در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 61 - 4

4 - موحدانِ بیمناک از پروردگار و روز قیامت ، پیشتاز در انجام کار های نیک

و هم لها سبفون

«لها» متعلق به «سابقون» است که مفعول آن محذوف می باشد. پس تقدیر آن چنین می شود: «و هم سابقون غیرهم لها». «سبق» به معنای پیشی گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 10 - 2

2 - کسانی که در دنیا در انجام امور خیر از دیگران سبقت می گیرند ، در آخرت نیز پیش از دیگران مشمول رحمت ، پاداش و غفران الهی خواهند بود .

و السبقون السابقون

برخی از مفسران بر آنند که مراد از سبقت در «السابقون» اول، سبقت در انجام امور خیر در دنیا و مراد از سبقت در «السابقون» دوم، پیشی گرفتن از دیگران در آخرت در دریافت رحمت و پاداش الهی است.

ص: 434

### 31- پیشگامان عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 32 - 9

9- پیشتازان در انجام خیرات ، مهم ترین صفت مسلمانان پیرو قرآن و انسان های قرآنی

و منهم سابق بالخیرت

برداشت یاد شده به این خاطر است که پیشتازان در تمسک به قرآن و حافظان ارث الهی، در این آیه به عنوان پیشتازان در خیرات معرفی شده اند.

### 32- پیشگامی در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 61 - 2,5

2 - شتاب ورزی در انجام کار های نیک نشانه مؤمنان راستین

أولئك يسرعون فی الخیرت

5 - شتاب در انجام کار های نیک و پیشتازی در میدان ارزش ها ، خصلت هایی ارجمند و مورد توصیه و ستایش خداوند

أولئك يسرعون فی الخیرت و هم لها سبفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 32 - 14

14 - توفیق پیشتازی در انجام کار های خیر ، فضل بزرگ الهی است .

و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرت یاذن الله ذلك هو الفضل الكبير

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که «ذلک» اشاره به «سبق» در «سابق بالخیرات» باشد.

### 33- تجسم عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - تجسّم و قابل رؤیت شدن تمام اعمالِ نیکِ انسان - حتی سبکوزن ترین آنها - در آخرت

خیراً یره

ص: 435

### 34- تحصیل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 88 - 11

11 - دستیابی به خیرات و نعمت های الهی ، نیازمند ایمان و عمل

ءامنوا معه جهدوا . . . و أولئک لهم الخیرت

### 35- ترک دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 106 - 4

4 - دعوت نکردن به خیر و ترک امر به معروف و نهی از منکر ، موجب روسیاهی در قیامت

یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر . . . و تسودّ وجوه

به مقتضای ارتباط با آیات قبل ، روسیاهی می تواند کیفر گناهان مذکور در آن آیات باشد.

### 36- تشبیه عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 7 - 2

2 - کار های خیر ، هر چند به وزن مورچه ای ریز و یا ذرات معلق در هوا باشد ، باقی مانده ، در قیامت بر انسان عرضه خواهد شد .

فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره

«مثقال»؛ یعنی، وسیله ای که با آن، وزن چیزی سنجیده شود (مفردات). «ذره» (مفرد «ذره») به معنای کوچک ترین نوع مورچه است (صحاح اللغه). برخی آن را یک صدم وزن «جو» دانسته و برخی گفته اند: مراد ذراتی است که در شعاع خورشید، مشاهده می شود. (لسان العرب)

### 37- تشخیص عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 77 - 9

و افعلوا الخیر

در جمله یاد شده خداوند، مؤمنان را به انجام دادن کار نیک توصیه کرده؛ اما سخنی از این به میان نیاورده است که کدام عمل، نیک و کدام عمل، بد است و اصولاً معیار نیکی و بدی در اعمال چیست؟ این می تواند بدان جهت باشد که انسان خود مستقلاً می

ص: 436



تواند حسن و قبح و نیکی و بدی را بشناسد.

### 38- تشویق به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 197 - 10

10 - ترغیب به انجام اعمال نیک در حج

فمن فرض فیهن الحجّ . . . و ما تفعلوا من خیر یعلمه الله

### 39- تشویق به عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 8

8 - لزوم بهره‌گیری از ابزارهای تشویق (پاداش و . . .) در گرایش دادن انسان‌ها به اطاعت خدا و هر کار نیک

إن الله اشتری . . . بأن لهم الجنة

اینکه خداوند مؤمنان را با نوید بهشت، به جهاد تشویق کرده است، برداشت فوق به دست می‌آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 18 - 8

8 - بهره‌جستن از خصلت نفع‌طلبی انسان‌ها، از روش‌های قرآن برای تشویق آنان به کارهای خیر و انفاق در راه خداوند

و أقرضوا الله . . . یضعف لهم و لهم أجر کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 38, 35

35 - توصیه و ترغیب خداوند به انجام دادن کارهای خیر، پیش از فرا رسیدن مرگ

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله هو خیراً و أعظم أجراً

38 - بهره‌جستن از خصلت نفع‌طلبی انسان‌ها، از روش‌های قرآن برای تشویق آنان به انفاق در راه خدا و انجام دادن کارهای خیر

وَأَتُوا الزَّكَاةَ . . . وَ مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، با یادآوری پاداش بزرگ و فراوان، ایجاد انگیزه نموده و از خصلت نفع طلبی انسان ها بهره جسته است.

ص: 437

#### 40- تعجیل در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 36 - 20 - 10

10 - شتاب در کار خیر و در دفاع از دین و مبلغان دینی ، کاری است شایسته و بایسته .

و جاء من أقصا المدينة رجل يسعى قال يقوم أتبعوا المرسلين

#### 41- تکبر بر عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 77 - 11

11 - مؤمنان ، همواره باید میان بیم و امید به سر برند و به اعمال نیک مغرور نشوند .

يأيتها الذين آمنوا اركعوا .. لعلكم تفلحون

#### 42- توصیه به خیر در نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 9 - 5

5 - نجوای مؤمنان ، باید آراسته به سفارش به نیکی و توصیه به تقوای الهی باشد .

و تنجوا بالبرّ و التقوی

#### 43- توصیه به عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 105 - 1

1 - توصیه شدن گنهکاران توبه کننده از جانب خدا به انجام اعمال خیر و استفاده هر چه بیشتر از فرصت ها برای جبران گذشته ها

ألم يعلموا أن الله يقبل التوبة .. و قل اعملوا فیسیری الله عملکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - انجام دادن کار های نیک ، توصیه خداوند به مؤمنان

وافعلوا الخیر

ص: 438

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 16 - 11

11 - توصیه خداوند، به انجام کارهایی که موجب خیر و سعادت بشر است.

خیراً لأنفسکم

طبق نظر برخی از مفسران و ادیبان (مانند زمخشری و سیبویه)، نصب «خیراً» به خاطر «مفعولٌ به» بودن آن برای فعل محذوف (مانند «اتوا») و یا «افعلوا») است؛ یعنی، «واتوا خیراً لأنفسکم و افعلوا ما هو خیر لها و انفع».

#### 44- حاکمیت تکوینی خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 79 - 4

4 - حاکمیت نظام تکوینی خیر و شرّ بر تمامی انسان ها، و حتی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ما اصابک من حسنه فمن الله و ما اصابک من سيئه فمن نفسك

#### 45- حرمت اطاعت از مانعان خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 12 - 3

3 - اطاعت و اجابت خواسته های کسانی که بخیل و مانع خیراند، ممنوع و حرام است.

و لاتطع کلّ... منّاع للخیر

#### 46- خیر اخروی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 88 - 9

9 - مؤمنان راستین و مجاهد، برخوردار از همه خیرات دنیا و آخرت

و أولئک لهم الخیرت

کلمه «الخیرات» جمع محلی به «ال» و مفید استغراق است.

ص: 439

## 47- خیر اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 88 - 9

9 - مؤمنان راستین و مجاهد ، برخوردار از همه خیرات دنیا و آخرت

و أولئک لهم الخیرت

کلمه «الخیرات» جمع محلی به «ال» و مفید استغراق است.

## 48- خیر الحاکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 109 - 10

10 - خداوند ، بهترین حاکم و داور است .

و هو خیر الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 12

12 - خداوند ، بهترین داور و حکم کننده است .

و هو خیر الحکمین

## 49- خیر الراحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 109 - 11

11 - خدا ، بهترین و مهربان ترین مهربانان

و أنت خیر الراحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - خدا، بهترين رحمت كنندگان و مهربانان است .

وَأنت خير الرحمين

ص: 440



## 50- خیر الرازقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 58 - 6

6 - خدا، بهترین روزی دهنده است .

وإنّ الله لهو خیر الرزقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 72 - 11

11 - خدا، بهترین روزی دهندگان است .

و هو خیر الرزقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 39 - 8

8 - خداوند، « خیر الرازقین » ( بهترین روزی دهندگان ) است .

و هو خیر الرزقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 11 - 13

13 - خداوند، « خیر الرازقین » ( بهترین روزی دهنده ) است .

والله خیر الرزقین

## 51- خیر المنزلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 29 - 10

10 - خدا، بهترین میزبان و مهمان نواز است .

وَأنت خير المنزلين

## 52- خير الوارثين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - انبياء - 21 - 89 - 9

9- خداوند ، بهترين وارثان است .

ص: 441

### 53- خیر بودن آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 109 - 13

13- سرای آخرت برای تقوایپیشگان و پرهیزکنندگان از شرک و مخالفت با پیامبران ، سرایی نیکوست .

و لدار الأخره خیر للذین اتقوا

متعلق «اتقوا» به قرینه آیات گذشته ، شرک و مخالفت با پیامبران است.

### 54- خیر تعالیم انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 85 - 29

29 - پیام های انبیا سراسر خیر و موجب سعادت انسانهاست .

ذلکم خیر لکم

### 55- خیر نقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 16 - 5

5 - عبادت و تقوا ، دارای خیری است که سودش به عبادت کننده و متقی ، بازمی گردد .

اعبدوا الله و اتقوه ذلکم خیر لکم

### 56- خیر دنیوی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 88 - 9

9 - مؤمنان راستین و مجاهد ، برخوردار از همه خیرات دنیا و آخرت

وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ

كلمه «الخيرات» جمع محلى به «ال» و مفيد استغراق است.

ص: 442

## 57- خیر دنیوی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 88 - 9

9 - مؤمنان راستین و مجاهد ، برخوردار از همه خیرات دنیا و آخرت

و أولئک لهم الخیرت

کلمه «الخیرات» جمع محلی به «ال» و مفید استغراق است.

## 58- خیر عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 16 - 5

5 - عبادت و تقوا ، دارای خیری است که سودش به عبادت کننده و متقی ، بازمی گردد .

اعبدوا الله و اتقوه ذلکم خیر لکم

## 59- دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 221 - 21

21 - خداوند ، دعوت کننده انسان ها به بهشت و آمرزش خویش است .

و الله یدعوا الی الجنة و المغفرة باذنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 95 - 2

2 - دعوت خداوند از مردم ، برای پیروی از آیین ابراهیم (ع)

فاتبعوا مله ابراهیم حنیفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - ضرورت وجود جمعی از اهل ایمان، برای دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر

ولتکن منکم امه . . . عن المنکر

بنابراینکه «من» در «منکم»، تبعیضیه باشد.

ص: 443

3 - ضرورت وجود جمعی از اهل ایمان ، برای دعوت جامعه به اتحاد و اُلفت میان دل ها و برادری میان آنها

و اعتصموا بحبل اللّٰه .. و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر

4 - دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر ، از شیوه های ایجاد وحدت در میان مؤمنین

و اعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً .. و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر

به نظر می رسد «ولتکن» به مقتضای ارتباط با آیه قبل، ارائه راهی برای تحقق اعتصام به ریسمان الهی باشد.

6 - امر به معروف و نهی از منکر ، دعوت به خیر است . \*

و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

بنابراینکه «واو» در «و یأمرون»، تفسیریّه برای «یدعون الی الخیر» باشد، و یا مصداقی از دعوت به خیر.

9 - دعوت به نیکی ها و امر به معروف و نهی از منکر ( نظارت همگانی ) ، وظیفه همه افراد جامعه اسلامی

و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

بنابراینکه من در «منکم» بیانیّه باشد.

10 - تنها دعوتگران به خیر و امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر ، اهل رستگاری هستند .

و لتکن منکم .. اولئک هم المفلحون

بنابراینکه مشارالیه «اولئک»، دعوت کنندگان به خیر و امرکنندگان و نهی کنندگان باشند.

11 - نقش بنیادین دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر ، در رستگاری جامعه

و لتکن منکم امه .. و اولئک هم المفلحون

بنابراینکه مشارالیه «اولئک» جامعه اسلامی باشد؛ یعنی تنها خود امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر رستگار نیستند، بلکه افراد جامعه بخاطر وجود چنین افرادی بهره مند از رستگاری هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 105 - 2,3

2 - دعوت به نیکی ها ، امر به معروف و نهی از منکر ، مانع بروز تفرقه و اختلاف در جامعه

و لتكن منكم امة يدعون الى الخير . . . و لا تكونوا كالذين تفرّقوا

جمله «لا تكونوا . . .»، احتمالاً بیان نتیجه آیه قبل است.

3- سرانجام ترک دعوت به نیکی ها و ترک امر به معروف و نهی از منکر، تفرقه و اختلاف در جامعه

و لتكن منكم امة يدعون . . . و لا تكونوا كالذين تفرّقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 108 - 3

3- فرمان به اعتصام به حبل الهی، پرهیز از تفرقه، دستور به دعوت خیر، امر به معروف و نهی از منکر، از آیات بحق الهی

و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرّقوا . . . و لتكن منكم امة . . . تلک آیات اللّ

بنابراینکه مشارالیه «تلک»، تمامی مطالب گذشته در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- نساء - 4 - 114 - 12

ص: 444



12 - گفتگوی محرمانه در مورد توصیه به قرض الحسنه ، کاری پسندیده و شایسته

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف

امام صادق(ع) در مورد «معروف» در آیه فوق فرمود: یعنی بالمعروف القرض.

کافی، ج 4، ص 34، ح 3؛ نورالتقلین، ج 1، ص 549، ح 558.

### 60- دوست بی خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 65 - 14

14 - روی عن ابی عبدالله(ع) إنه قال: معنی «عذابا من فوقکم» السلطان الجائر «و من تحت أرجلکم» السفله و من لاخیر فیہ .. «و یدیق بعضکم بأس بعض» قال: سوء الجوار.

امام صادق(ع) فرمود: معنای «عذابا من فوقکم»، سلطان ستمگر و معنای «و من تحت أرجلکم»، زبردستان و افراد بی خیر و معنای «و یدیق بعضکم بأس بعض»، بدرفتاری همسایگان است.

### 61- ذکر خیر صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 66 - 21

21 - یادکرد از عناصر صالح یک امت به هنگام سرزنش از ناصالحان ایشان ، امری لازم و پسندیده

و لو انهم اقاموا التوریه .. منهم امه مقتصده و کثیر منهم ساء ما یعملون

### 62- راه خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 10 - 7 - 3

3 - خداوند ، به راه خیر و شرّ و رهروان هر یک ، آگاه است .

و هدینه النجدین

اسناد هدایت به خداوند در «هدینا» - با توجّه به «أیحسب أن لم یره أحد» در آیات پیشین - بیانگر آن است که چون خداوند راه خیر و شرّ را به دیگران شناسانده است؛ پس خود به آن آگاه است و رهروان آنان بر او مشتبه نمی شوند تا مدعیان حقیقی انفاق را، از غیر آنها تشخیص ندهد.

7- « عن حمزه بن محمّد عن أبی عبد الله (ع) قال : سألته عن قول الله عزّوجلّ « وهدیناه النجدین » قال : نجد الخیر و الشرّ ;

حمزه بن محمد گوید: از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ «وهدیناه النجدین» سؤال کرد، فرمود: مراد راه خیر و شرّ

ص: 445

است».

### 63- رد خواسته های مانعان خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 12 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پرهیز از اجابت خواست کسانی که مانع خیر در جامعه اند .

و لاتطع کلّ ... متّاع للخیر

### 64- روش تشویق به عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 11 - 6

6 - بهره جستن از خصلت نفع طلبی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان به کار های خیر و انفاق در راه خداوند

من ذا الذی یقرض الله ... فیضعفه له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 17 - 6

6 - بهره جستن از خصلت نفع طلبی و خیرجویی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان به انفاق و انجام کار های خیر

وأنفقوا خیراً لأنفسکم ... إن تقرضوا الله قرضاً حسناً یضعفه لکم

### 65- روش دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 58 - 14

14 - موعظه ، روشی مفید برای دعوت مردم به نیکیها

إنّ الله نعمًا یعظکم به

چون خداوند بهترین پاداشها را برای تربیت برمی گزیند، معلوم می شود موعظه از روشهای بسیار مفید برای تربیت مردم است.

## 66- رؤیت اخروی عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 446

4 - تجسم و قابل رؤیت شدن تمام اعمال نیک انسان - حتی سبکوزن ترین آنها - در آخرت

خیراً یره

### 67- زمینه ازدیاد عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 39

39 - حسن ایجاد انگیزه در انسان هابه کار های خیر ، برای زمینه سازی بهتر و بیشتر انجام دادن آنها

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله هو خیراً و أعظم أجراً

### 68- زمینه پاداش عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 84 - 10

10 - ربوبیت خداوند ، مقتضی پاداش به دارندگان نیت خیر و سبقت گیرندگان در کار نیک

و عجلت إلیک ربّ لترضی

### 69- زمینه خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 106 - 8

8 - احکام الهی ، دارای مصلحت برای انسان و تضمین کننده خیر و سعادت او

نأت بخیر منها أو مثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 269 - 4

4 - حکمت ، خیر آفرین است .

و من يؤت الحكمة فقد اوتى خيراً كثيراً

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 5

ص: 447

5- بازگشت به خدا و توبه به درگاه او، زمینه ساز نایل شدن به خیر و سعادت دنیا و برخوردار شدن از حیات نیکوی آخرت است.

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الاخره انا هدنا إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 88 - 10

10- ایمان و جهاد، تضمین کننده همه خیرها و ارزشها برای انسان

ءامنوا معه جهدوا... و أولئک لهم الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- حج - 22 - 30 - 3

3- تعظیم و بزرگداشت حدود و مقررات الهی و رعایت حریم آنها، مایه خیر و سعادت و خوشبختی برای اهل ایمان

و من یعظم حرمت الله فهو خیر له عند ربّه

ضمیر «هو» در «فهو خیر له» به «تعظیم» (مصدر «یعظم») باز می گردد؛ یعنی، «فالتعظیم خیر له عند ربّه».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12- نور - 24 - 61 - 31

31- سلام کردن مؤمنان به یکدیگر، مایه برکت و خیر فراوان و پاکیزگی است.

فسلموا علی أنفسکم تحیه من عند الله مبرکه طیبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14- عنکبوت - 29 - 16 - 4

4- دستیابی به خیر، در گرو خداپرستی و تقوا است.

اعبدوا الله و اتقوه ذلکم خیر لکم

## 70- زمینه عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 156 - 16

16 - توجه به نظارت و بینایی خداوند به کردار آدمیان ، برانگیزنده آدمی به نبرد و پیکار در راه خدا ( اعمال پسندیده )

ان الذین تولّوا منکم . . . و اللّٰه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 5

5 - توجه به از جانب خدا بودن دارایی ها ، آسان کننده انفاق و بخشش و بیانگر زشتی و شناعة بخلورزی

ص: 448



و لا يحسبنّ الذين يبخلون بما آتاهم الله من فضله

تذکر خداوند به اینکه داراییهای شما، فضلی از جانب اوست (بما آتاهم الله من فضله)، برای این هدف است که انفاق را بر آدمی آسان کند و زشتی بخل را بر او آشکار سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 129 - 14

14 - توجه حاکمان به نظارت خداوند بر اعمال ایشان، زمینه ساز گرایش آنان به کردار نیک و پرهیزشان از اعمال نارواست.

و يستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون

هدف از تذکار نظارت خداوند بر اعمال آدمی این است که وی با توجه به این حقیقت از اعمال ناروا بپرهیزد و به اعمال نیک رو آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 61 - 1,6

1 - ترس از خدا و قیامت، بر انگیزاننده انسان ها به انجام کار های نیک

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشِيَةِ رَبِّهِمْ مَشْفُقُونَ .. أُولَئِكَ يَسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

«أُولَئِكَ» اشاره به موحدانی است که وصفشان در آیات پیش بیان شد. «مسارعه» (مصدر «یسارعون») به معنای شتاب کردن است.

6 - خدا ترسی و بیمناک بودن از روز رستاخیز، بر انگیزاننده انسان به پیشتازی در انجام کار های نیک

و هم لها سبغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 32 - 12

12 - اذن خداوند، شرط رسیدن به مقام پیشتازی در دین داری، زندگی قرآنی و انجام کار های خیر

و منهم سابق بالخیرت یاذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 210 - 10

10 - توجه به بازگشت همه چیز به سوی خداوند ، زمینه تسلیم شدن در برابر او و پرهیز از پیروی شیطان

و لا تتبعوا خطوات . . . و الی الله ترجع الأمور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 215 - 13

13 - توجه انسان به علم خداوند نسبت به اعمال خیر ، مُشَوِّق او برای انجام آن

و ما تفعلوا من خیر فانّ الله به علیم

ص: 449

## 71- زمینه های عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 147 - 10

10 - توجّه به « ربوبیت » خداوند ، برانگیزنده انسان به دعا و درخواست از او

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

## 72- سبقت در خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 148 - 5,6

5 - لزوم انجام کار های خیر و پیشی گرفتن در آنها

فاستبقوا الخیرت

6 - ملاک برتری امت ها ، پیشی گرفتن در انجام کار های نیک است نه داشتن قبله ای خاص

و لكل وجهه هو مولیها فاستبقوا الخیرت

جمله «فاستبقوا الخیرت» پس از «هو مولیها» حقیقتی دیگر را درباره نابجایی بحث و مشاجره درباره تغییر و تعیین قبله گوشزد می کند و آن این است که: مجرد رو به سوی قبله داشتن کارساز نیست؛ آنچه تعیین کننده می باشد انجام کارهای نیک است. پس در آنها پیشی بگیرید.

## 73- سختی عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 117 - 4

4 - سختی و دشواری عمل نیک ، معیاری در ارزش گذاری آن بوده و موجب افزونی ثواب و پاداش است .

لقد تاب الله على النبي . . . اتبعوه في ساعه العسره

## 74- سرزنش ممانعت از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مانع خیر شدن و بخل ، صفتی مذموم و ناپسند

و لاتطع کلّ . . . متاع للخیر

ص: 450

## 75- شرایط عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 84 - 8

8 - خوبی هرکار ، علاوه بر صدور آن به نیت خیر ، در گرو هماهنگی آن با سایر خواسته ها و دستورات خداوند است .

و ما أعجلک . . . و عجلت إلیک ربّ لترضی

با وجود آن که موسی(ع) در تعجیل خود، نیت خیر داشته است؛ ولی بازخواست شدن او دال بر این مطلب است که صرف داشتن نیت خیر، برای برتری یافتن عمل کافی نیست؛ بلکه باید با ادله دیگر آن عمل را سنجید. اگر در تعارض نبود، آن گاه بدان اقدام کرد.

## 76- شفاعت در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 85 - 11

11 - توجّه به حفظ اعمال از سوی خدا ، برانگیزنده انسان به وساطت در کار خیر و پرهیز از وساطت در کار شرّ

و من یشفع . . . و کان اللّٰه علی کل شیء مقیتا

جمله «کان اللّٰه . . .» در حقیقت تشویق و تهدید است و به این منظور آورده شده که با توجّه به آن، انگیزه برای انجام اعمال نیک فراهم شود و ترس از انجام اعمال بد به وجود آید.

## 77- عجز از درک خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 8

8- بیمار دلانِ منافق ، ناتوان از درک خیر واقعی خویش و پیمودن راه صدق و جهاد

فلو صدقوا اللّٰه لکان خیراً لهم . . . أولئک . . . فأصمّهم و أعمی أبصرهم

با توجه به ارتباط آیات، ممکن است به میان آوردن «أصمّ» و «أعمی» - در پی «فلو صدقوا اللّٰه لکان خیراً لهم» - بیانگر این معنا باشد که صداقت با خدا و دستورات او، تضمین گر منافع آدمی است؛ اما افسوس که بیمار دلان در نتیجه کوری باطنی عاجز از درک مصالح آن اند.

## 78- علم به عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 13 - 3

3 - کاتبان نامه عمل از انجام دادن کار های خیر ابرار آگاه شده ، آن را ثبت می کنند .

کتبین . یعلمون ما تفعلون . إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

## 79- عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 92 - 11

11 - توجّه دادن به ثبت کار های نیک انسان ، از روش های قرآن برای تشویق به نیکیها

لن تنالوا .. فانّ الله به علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 38 - 11

11 - پرداختن به کار های خیر ، مانند انفاق به نیازمندان - با توجّه به دستاورد بد کار های نادرست - لازم است .

تصبهم سیئه بما قدّمت ایدیهم .. فأت ذا القربی حقه

«فا» در «فآت» می تواند فصیحه و مربوط به فراز «إن تصبهم» در آیات قبل باشد؛ یعنی: «حال که سیئه، در پی دارنده ناگواری است، پس، از آن پرهیز و حقوق خویشاوندان و .. را ادا کنید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 23 - 5

5 - برای تصمیم به انجام دادن عمل خوب و یا ترک امری ناپسند ، خوب است که آن تصمیم ، به صورت عهدی با خداوند در میان گذاشته شود .

من المؤمنین رجال صدقوا ما عهدوا الله علیه فممنهم من قضی نحبه

تعبیر از تکلیفی که مؤمنان انجام دادند به «ما عهدوا الله علیه» و نیز آوردن واژه «نحب» - که به معنای «نذر» است - دلالت می کند که

مؤمنان، برای انجام دادن تکلیف شان، آن را به صورت عهدی با خدا در میان گذاشتند و خداوند نیز از چنین کاری ستایش کرده است. این، نشان می دهد که انجام دادن تکلیف به صورت عهد بستن با خدا، امری سزاوار و شایسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 32 - 10

10 - تمسک به قرآن و پیروی از رهنمود های آن، به خیر و صلاح جامعه و ترک آن ظلم به خویشان است .

ثم أورثنا الكتب . . . فمنهم ظالم لنفسه

ص: 452

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 105 - 8

8 - نیت عمل خیر و فراهم ساختن زمینه های انجام آن ، برابر است با انجام کامل آن در بینش الهی

قد صدقت الرءیا إنا کذلک نجزی المحسنین

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) به قصد قربانی کردن فرزندش اسماعیل، تمامی مقدمات آن را تا خواباندن وی بر زمین و به دست گرفتن کارد انجام داد و خداوند همین مقدار از تلاش آن حضرت را، انجام کامل ذبح تلقی فرمود و از ایشان قبول کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 12 - 6

6 - صدقه دادن به نیازمندان ، عملی سراسر خیر و نیکی در بینش الهی

ذلک خیر

در صورتی که «خیر» در مقابل «شر» باشد؛ معنای «ذلک خیر» این خواهد بود که صدقه صرفاً خیر است و هیچ بدی در آن راه ندارد.

### 80- عمل خیر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 73 - 11,12

11- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

12- خداوند ، به ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب «فعل الخیرات» به خاطر مفعول بودن آن برای «أوحینا» باشد. براین اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر «أوحینا» متضمن معنای «علّمنا» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



15- انجام کارهای خیر، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادريس، ذوالکفل، یونس، زکریا، و یحیی (علیهم السلام) بود.

ولقد آتینا موسی و هرون... یحیی... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 453

4- ابراهیم، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام)، از افراد خیر و نیکوکار بودند.

وإنهم... الأخیار

اخیار به دو معنا است: 1- جمع «خیر» - با تشدید یاء - به معنای نیکوکار است. 2- جمع «خیر» - به سکون یاء - در مقابل «شر» است. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

### 81- عمل خیر ادريس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 15

15- انجام کار های خیر، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادريس، ذوالکفل، یونس، زکریا، و یحیی (علیهم السلام) بود.

و لقد آتینا موسی و هرون... یحیی... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

### 82- عمل خیر اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 73 - 12، 11

11- ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع)، مأمور به انجام کار نیک، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

12- خداوند، به ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت.

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب «فعل الخیرات» به خاطر مفعول بودن آن برای «أوحینا» باشد. بر این اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر «أوحینا» متضمن معنای «علّمنا» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15- انجام کارهای خیر، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادريس، ذوالکفل، یونس، زکریا، و یحیی (علیهم السلام) بود.

ولقد آتینا موسی و هرون... یحیی... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 454

4- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، از افراد خیر و نیکوکار بودند .

وإنهم... الأخیار

اخیار به دو معنا است: 1- جمع «خیر» - با تشدید یاء - به معنای نیکوکار است. 2- جمع «خیر» - به سکون یاء - در مقابل «شر» است. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

### 83- عمل خیر اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 15

15- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون... یحیی... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 48 - 3

3- اسماعیل ، الیسع و ذوالکفل (علیهم السلام) ، از افراد خیر و نیکوکار بودند .

و کلّ من الأخیار

اخیار به دو معنا است: 1- جمع «خیر» - با تشدید یاء - به معنای نیکوکار است. 2- جمع «خیر» - به سکون یاء - در مقابل «شر» است. برداشت یاد شده مبتنی بر فرض نخست است.

### 84- عمل خیر الیسع (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 48 - 3

3- اسماعیل ، الیسع و ذوالکفل (علیهم السلام) ، از افراد خیر و نیکوکار بودند .

و کلّ من الأخیار

اخیار به دو معنا است: 1- جمع «خیر» - با تشدید یاء - به معنای نیکوکار است. 2- جمع «خیر» - به سکون یاء - در مقابل «شر» است. برداشت یاد شده مبتنی بر فرض نخست است.

ص: 455

## 85- عمل خیر انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 15,18

15- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إثمهم کانوا یسرعون فی الخیرت

18- پیشی گرفتن در کار های نیک ، دعای همراه با رغبت و بیم و نیز خشوع پیامبران (ع) ، عامل بهره مندی آنان از موهبت های الهی بود .

و لقد آتینا موسی و هرون ... إثمهم کانوا یسرعون فی الخیرت ... و کانوا لنا خش

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: 1- ضمیرهای جمع در جمله «إثمهم کانوا یسرعون...» به پیامبران بازگردد، چه این که آیات پیشین در مورد آنان بود. 2- جمله «إثمهم کانوا یسرعون...» و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

## 86- عمل خیر اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 20

20- شتاب و پیشگامی در کار های خیر ، دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، از ارزش های والا و صفات برجسته مردان الهی

إثمهم کانوا یسرعون فی الخیرت و یدعوننا رغباً و رهباً و کانوا لنا خشعین

برداشت یاد شده به خاطر این است که آیه شریفه، در توصیف پیامبران الهی است و از میان ده ها صفات و ویژگی های ایشان، تنها به این سه صفت و ویژگی اشاره شده است.

## 87- عمل خیر ایوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 15

15- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ،

سليمان، ايوب، اسماعيل، ادريس، ذوالكفل، يونس، زكريا، ويحيى (عليهم السلام) بود .

ولقد آتينا موسى وهرون . . . يحيى . . . إنهم كانوا يسرعون في الخيرت

ص: 456

## 88- عمل خیر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 34 - 9

9- سپاس‌گزاری بهشتیان از خداوند، به خاطر آموزش خطا‌های آنان و قدردانی از کارهای نیکشان

وقالوا الحمد لله... إن ربنا لغفور شكور

جمله «إن ربنا لغفور شكور» بیان دیگری از فلسفه سپاس‌گزاری از خداوند است.

## 89- عمل خیر داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 15

15- انجام کارهای خیر، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادریس، ذوالکفل، یونس، زکریا، و یحیی (علیهم السلام) بود.

ولقد آتينا موسى وهرون... يحيى... إنهم كانوا يسرعون في الخيرت

## 90- عمل خیر ذوالکفل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 15

15- انجام کارهای خیر، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادریس، ذوالکفل، یونس، زکریا، و یحیی (علیهم السلام) بود.

ولقد آتينا موسى وهرون... يحيى... إنهم كانوا يسرعون في الخيرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 48 - 3

3- اسماعیل، الیسع و ذوالکفل (علیهم السلام)، از افراد خیر و نیکوکار بودند.

و کلّ من الأخیار



اخیار به دو معنا است: 1- جمع «خیر» - با تشدید یاء - به معنای نیکوکار است. 2- جمع «خیر» - به سکون یاء - در مقابل «شر» است. برداشت یاد شده مبتنی بر فرض نخست است.

ص: 457

## 91- عمل خیر زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 12,13,15

12- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) شتابان به انجام کار های خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند .

إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله «إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ..» به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بازگردد.

13- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بود .

و زکریا .. و وهبنا له یحیی و أصلحنا له زوجه إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

فعل مضارع «یسارعون» و فعل «کانوا» پیش از آن بیانگر استمرار و تداوم است و متعدی شدن فعل «یسارعون» به «فی» حکایت از جدیت و علاقه به کار دارد.

15- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

## 92- عمل خیر سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 15

15- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

## 93- عمل خیر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15- انجام کارهای خیر، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادريس، ذوالکفل، یونس، زکریا، و یحیی (علیهم السلام) بود.

ولقد آتينا موسى وهرون... يحيى... إنهم كانوا يسرعون في الخیرت

ص: 458

#### 94- عمل خیر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 15

15- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون ... یحیی ... إثمهم كانوا یسرعون فی الخیرت

#### 95- عمل خیر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 61 - 3

3- انجام کار های خیر ، سیره همیشگی مؤمنان راستین است ، نه امری مقطعی و موقت .

أولئک یسرعون فی الخیرت

از به کارگیری فعل مضارع (یسارعون) - که بیانگر استمرار است - برداشت فوق استفاده می شود.

#### 96- عمل خیر نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 15

15- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون ... یحیی ... إثمهم كانوا یسرعون فی الخیرت

#### 97- عمل خیر هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 15

15- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ،

سليمان، ايوب، اسماعيل، ادريس، ذوالكفل، يونس، زكريا، ويحيى (عليهم السلام) بود.

ولقد آتينا موسى وهرون... يحيى... إنهم كانوا يسرعون في الخيرات

ص: 459

## 98- عمل خیر همسر زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 12،13

12- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) شتابان به انجام کار های خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند .

إِثْمَ كَانُوا يَسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله «إِثْمَ كَانُوا يَسْرِعُونَ..» به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بازگردد.

13- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بود .

و زکریا .. و وهبنا له یحیی و أصلحنا له زوجه إثمهم كانوا يسرعون فی الخیرت

فعل مضارع «یسارعون» و فعل «کانوا» پیش از آن بیانگر استمرار و تداوم است و متعدی شدن فعل «یسارعون» به «فی» حکایت از جدّیت و علاقه به کار دارد.

## 99- عمل خیر یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 12،13،15

12- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) شتابان به انجام کار های خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند .

إِثْمَ كَانُوا يَسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله «إِثْمَ كَانُوا يَسْرِعُونَ..» به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بازگردد.

13- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بود .

و زکریا .. و وهبنا له یحیی و أصلحنا له زوجه إثمهم كانوا يسرعون فی الخیرت

فعل مضارع «یسارعون» و فعل «کانوا» پیش از آن بیانگر استمرار و تداوم است و متعدی شدن فعل «یسارعون» به «فی» حکایت از جدّیت و علاقه به کار دارد.

15- انجام کار های خیر، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادريس، ذوالکفل، یونس، زکریا، و یحیی (علیهم السلام) بود.

ولقد آتینا موسی و هرون... یحیی... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

### 100- عمل خیر یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 73 - 11,12

11- ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع)، مأمور به انجام کار نیک، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

ص: 460

و أوحينا إليهم فعل الخيرت و إقام الصلوه و إيتاء الزكوه

12- خداوند، به ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت.

و أوحينا إليهم فعل الخيرت

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب «فعل الخیرات» به خاطر مفعول بودن آن برای «أوحینا» باشد. بر این اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر «أوحینا» متضمن معنای «علّمنا» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 15

15- انجام کار های خیر، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادریس، ذوالکفل، یونس، زکریا، و یحیی (علیهم السلام) بود.

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 47 - 4

4- ابراهیم، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام)، از افراد خیر و نیکوکار بودند.

و إنهم ... الأخیار

اخیار به دو معنا است: 1- جمع «خیر» - با تشدید یاء - به معنای نیکوکار است. 2- جمع «خیر» - به سکون یاء - در مقابل «شر» است. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

### 101- عمل خیر یونس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 15

15- انجام کار های خیر، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادریس، ذوالکفل، یونس، زکریا، و یحیی (علیهم السلام) بود.

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت



## 102- عوامل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 27 - 2

2 - نوسان در مدت شب و روز ، دربردارنده خیر و مصالح انسان

ص: 461

بیدک الخیر . . . تولج الیل فی النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 105 - 13

13 - توجه به علم همه جانبه خداوند به نهان و آشکار ، و غیب و شهود ، بازدارنده آدمی از گناه و توبه شکنی و برانگیزنده وی به خیر و صلاح

و قل اعلموا فیسری اللّٰه عملکم . . . فینبئکم بما کنتم تعملون

بیان علم همه جانبه خداوند - پس از تشویق و توصیه به توبه و عمل - می تواند به منظور مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 86 - 5

5- خیر و سعادت امتهای ، در ایمان و باور به معارف الهی و عمل به احکام دین است .

بقیّٰت اللّٰه خیر لکم

برخی از مفسران مراد از «بقیّٰت اللّٰه» را اطاعت از خدا و برخی مقصود از آن را احکام و معارف دانسته اند. برداشت فوق، براساس این نظریه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 4

4 - احکام و مقررات الهی ، در راستای خیر و سعادت انسان

و من یعظم حرمت اللّٰه فهو خیر له عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 16 - 10، 11

10 - انفاق ، موجب خیر و سعادت بشر

أنفقوا خیرًا لأنفسکم

برداشت یاد شده بر این اساس است که «خیراً» خبر برای فعل محذوف «یکن» باشد. در این صورت تقدیر کلام چنین می شود: «فأنفقوا إن تنفقوا یکن خیراً لأنفسکم».

11 - توصیه خداوند، به انجام کارهایی که موجب خیر و سعادت بشر است.

خیراً لأنفسکم

طبق نظر برخی از مفسران و ادیبان (مانند زمخشری و سیبویه)، نصب «خیراً» به خاطر «مفعول به» بودن آن برای فعل محذوف (مانند «اتوا» و یا «افعلوا») است؛ یعنی، «واتوا خیراً لأنفسکم و افعلوا ما هو خیر لها و انفع».

ص: 462

### 103- عوامل محرومیت از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 70 - 13، 16، 18

13 - آدمی با اعمال، خویش خود را محروم از خیر و ثواب می سازد و به ورطه هلاکت و تباهی می اندازد.

آن تبسل نفس بما کسبت

«بسل» به معنی منع و حبس است و نتیجه آن هلاکت و تباهی است. در لسان العرب آمده است: «أبسلت فلانا إذا أسلمته للهلكه».

16 - بازیچه قرار دادن دین موجب تباهی و محرومیت از خیر و ثواب می شود.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا .. و ذکر به أن تبسل نفس

در آیه قبل سخن از بازیگری با دین بود و جمله «ذکر به ..» در مقام هشدار و بیان نتیجه کار آنان است.

18 - کسانی که با اعمال ناروای خود، خویشان را تباه و محروم از خیر نموده اند، هیچ دوست و یاور و شفیع در بین مخلوقات نخواهند داشت.

آن تبسل نفس بما کسبت لیس لها من دون الله ولی و لا شفیع

### 104- فاقدان خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 23 - 5، 6

5 - فاقدان خیر و استعداد کمال، ناشایست برای شمول هدایت های ویژه خداوند و توفیق یافتن به پذیرش معارف دین

و لو علم الله فیهم خیرا لأسمعهم

6 - فاقدان خیر و استعداد کمال، اگر چه مشمول هدایت های ویژه خداوند شوند، از آن رویگردان و گریزانند.

و لو أسمعهم لتولوا و هم معرضون

ضمیر مفعولی در «أسمعهم» همان کسانی هستند که با جمله «و لو علم ..» توصیف شدند. بنابراین جمله «و لو أسمعهم ...» چنین معنا می شود: «و لو اسمع الذین لیس فیهم خیرا ...» یعنی اگر خداوند هدایت ویژه اش را شامل حال کسانی کند که در آنها خیری نیست

....

## 105- فضایل پیشگامان در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 32 - 7

7 - پیشتازان در انجام کارهای خیر، از بهترین مردم و والاترین آنان در پیشگاه خداوند

و منهم سابق بالخیرت

از تقسیم بندی سه گانه مردم در تمسک به قرآن و دین داری (ضعیف، قوی و ..) و آمدن گروه پیشتاز در انجام خیرات به عنوان

ص: 463

آخرین و قوی ترین گروه، برداشت یاد شده به دست می آید.

## 106- فقرا و خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 31 - 16، 11، 10

10- سران و اشراف قوم نوح ، محرومان و مستضعفان را ، ناتوان از رسیدن به خیر و نیکی می پنداشتند .

لأقول للذين تزدرى أعينكم لن يؤتيهم الله خيراً

جمله «لن يؤتيهم الله خيراً» بیان اندیشه سران و اشراف قوم نوح درباره محرومان و تهی دستان جامعه است. این جمله با توجه به کلمه «لن» حکایت از آن دارد که: اشراف دستیابی محرومان را به خیر و نیکی ، نامحتمل می دانستند.

11- محروم بودن انسان از مال و منال ( مادیات ) ، نشانه ناشایستگی او برای دستیابی به خیر های معنوی و الهی نیست .

لأقول للذين تزدرى أعينكم لن يؤتيهم الله خيراً

16- ناشایست شمردن تهی دستان ، برای کسب خیر و مقام های معنوی ، گناه و پنداری است به دور از واقعیت .

لا أقول للذين تزدرى أعينكم .. إني إذا لمن الظالمين

## 107- گرایش به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 27 - 29

29 - وجود زمینه های گرایش به خیر و شر در انسان از آغاز آفرینش

قال لاقتلنك .. انما يتقبل الله من المتقين

با توجه به اینکه هابیل و قابیل هر دو فرزندان آدم بودند، لکن راههای متضادی را برگزیدند، معلوم می شود گرایشهای درونی انسانها متفاوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 43 - 9

9 - انسان دارای گرایش فطری به سوی نیکیها و زیباییهاست.

وزین لهم الشیطن ما کانوا یعملون

حرکت انسان به دنبال شیطان، پس از زینت و زیبا جلوه دادن اعمال، بیانگر این نکته است که آدمی زیباییها را می طلبد و خواهان حرکت به دنبال آن است. از این روست که شیطان همان زشتیها را زیبا جلوه می دهد و آدمی را می فریبد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 11 - 2، 1

ص: 464

1- انسان، شرّ و بدی را چونان خیر و خوبی، طالب و خواستار است.

و يدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

مراد از «دعا» مطلق درخواست است اعم از اینکه به لفظ دعا باشد و یا به غیر آن.

2- خیرطلبی در انسان، اصیل و در پی شرّ بودنش، تبعی و غیر اصیل است.

و يدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

برداشت فوق از تشبیه شرخواهی انسان به طالب خیر بودنش استفاده گردیده است؛ یعنی، همان طور که انسان همواره و به طور طبیعی و اصیل طالب خیر است، به دنبال شر هم خواهد رفت.

### 108- مانعان خیر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 25 - 1

1- سدکنندگان راه ارزش ها و تجاوزگران و شکاکان در حق، محکوم به آتش دوزخ

ألقیا فی جهنّم کلّ... متّاع للخیر معتد مریب

### 109- محرومان از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 24

24- از حضرت علی (ع) روایت شده که درباره سخن خدا: «نسوا الله فنسیهم» فرمود: فانما یعنی انهم نسوا الله فی دار الدنيا فلم یعملوا له بالطاعة و لم یؤمنوا به و برسوله فنسیهم فی الآخرة ای لم یجعل لهم فی ثوابه نصیباً فصاروا منسیین من الخیر؛

علی (ع) درباره سخن خدا که می فرماید: «آنان خدا را فراموش کردند، پس خدا آنان را فراموش کرد» فرمود: همانا مقصود خدا این است که آنان خدا را در دنیا فراموش نمودند و از او اطاعت نکردند و به او و رسولش ایمان نیاوردند، خدا نیز در قیامت آنان را فراموش کرد؛ یعنی، برای آنان بهره ای از ثواب خود قرار نداد، پس آنان از خیر فراموش شدند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 88 - 13



رضوا بأن یكونوا .. لكن الرسول ... جهدوا ... وأولئك لهم الخیرت وأولئك هم الممف

ص: 465

## 110- مراد از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 35 - 10

10- « روی عن ابی عبدالله (ع) : إنَّ أميرالمؤمنین (ع) مرض فعاداه إخوانه فقالوا : كيف تجدك يا أميرالمؤمنین (ع) ؟ قال : بشرَّ قالوا : ما هذا كلام مثلک قال : إنَّ الله تعالی يقول : « ونبلوکم بالشَّرِّ والخیر فتنه » فالخیر الصحه والغنی و الشَّرُّ المرض و الفقر ;

از امام صادق(ع) روایت شده: امیرالمؤمنین(ع) بیمار شد، برادران [دینی] وی از آن حضرت عیادت کردند و گفتند: [حال] خود را چگونه می یابی ای امیر مؤمنان؟ فرمود: به شَرِّ [مبتلی شده ام]، گفتند: این کلام افرادی مانند شما نیست؟ فرمود: خداوند تعالی می فرماید «و نبلوکم بالشَّرِّ والخیر فتنه» سلامتی و بی نیازی خیر و بیماری و تنگدستی شَرِّ است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 36

36 - « عن ابی عبدالله (ع) فی قوله الله عزَّوجلَّ « فکاتبوهم إن علمتم فیهم خیراً » قال الخیر أن یشهد أن لا إله إلا الله و أن محمداً رسول الله ، و یكون بیده عمل یکتسب به أو یكون له حرفه ;

از امام صادق(ع) درباره قول خدای - عزوجل - «.. إن علمتم فیهم خیراً» روایت شده است: خیر این است که به وحدانیت خدا و رسالت حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) شهادت دهد و در دست او کاری باشد که با آن کسب درآمد کند، یا حرفه ای داشته باشد».

## 111- مسابقه در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 5

5- رقابت در کار های پسندیده ، امری است شایسته و مورد سفارش خداوند .

سابقوا إلى مغفره من ربکم

## 112- مسلمانان و عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 32 - 5

5- مسلمانان در انجام کار های خیر ، به سه دسته ستمکار ، میانه رو و پیشتاز تقسیم می شوند .

فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخيرت

این برداشت، براساس دیدگاه برخی از مفسران است که اظهار داشته اند: قید «بالخیرات» در «سابق بالخیرات» قرینه بر این که ظلم به نفس و یا میانه روی، در مقایسه با «خیرات» سنجیده شده است. و به قرینه آمدن این قید در «سابق بالخیرات»، از جمله های «ظالم لنفسه» و «منهم مقتصد» حذف شده است.

ص: 466

### 113- ملاک استحقاق خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 107 - 6

6 - خیرات و نعمت های خداوند بر پایه تفضل اوست نه بر اساس لیاقت و استحقاق انسان .

و این یردک بخیر فلا راد لفضله

### 114- ممانعت از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 38 - 3

3 - گروهی از شیاطین جنی ، درصدد فسادانگیزی و اخلال گری در کار خیراند .

و آخرین مقررین فی الأصفاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 21 - 1

1 - انسان ، به هنگام دستیابی به خیر و خوبی ، از بهره مند شدن دیگران از آن به شدت منع می کند .

و إذا مسّه الخیر منوعاً

### 115- ممنوعیت اطاعت از مانعان خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 12 - 3

3 - اطاعت و اجابت خواسته های کسانی که بخیل و مانع خیراند ، ممنوع و حرام است .

و لا تطع کلّ . . . متّاع للخیر

### 116- منابع خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- قرآن، منبع خیر و برکت و موجب رشد و تعالی بشر

ص: 467

«برکه» به معنای رشد و فزونی است و «مبارک» به چیزی گفته می شود که در آن رشد و فزونی باشد (مفردات راغب). مقصود از مبارک بودن قرآن این است که این کتاب، منبع خیر و برکت و مایه رشد و تعالی برای کسانی است که در آن تدبیر کنند و درس بیاموزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 12 - 3

3 - آسمان و زمین ، گنجینه های خیرات و روزی موجودات

له مقالید السموت و الأرض یبسط الرزق

از کلمه «مقالید» (کلیدها) و نیز جمله «یبسط الرزق»، مطلب یاد شده استفاده می شود.

### 117- منشأ خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 105 - 3,4

3 - خداوند ، سرچشمه خیر ها و برکت ها برای انسانهاست .

أن ینزل علیکم من خیر من ربکم

4 - نزول خیر ها و برکت ها از ناحیه خدا ، پرتوی از ربوبیت او بر انسانهاست .

أن ینزل علیکم من خیر من ربکم

برداشت فوق، با توجه به اسم «رب» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 216 - 8

8 - خداوند ، خواهان خیر و سعادت انسان است .

کتاب علیکم . . . و الله یعلم . . . عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - لزوم اقرار به مالکیت و قدرت مطلقه خدا، و اینکه همه نیکی ها به دست اوست .

قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء .. بیدک الخیر

12 - اصل، در مشیت الهی، اعطای خیر و رحمت به انسان است .

تؤتی الملک من تشاء .. و تعزّ من تشاء

از تقدیم اعطای ملک بر گرفتن آن «تؤتی الملک .. و تنزع ...»، و از تقدیم اعطای عزّت بر ذلّت «تعزّ من تشاء و تذللّ ...»، مطلب فوق استفاده شده است.

14 - منشأ هر گونه خیر در هستی ، تنها خداوند است .

بیدک الخیر

انحصار در برداشت فوق (تنها .. )، استفاد از تقدیم خیر بر مبتدا است و عموم (هر گونه ... )، استفاد از الف و لام استغراق در «الخیر».

15 - اراده و مشیت الهی ، جز به خیر تعلق نمی گیرد . \*

بیدک الخیر

17 - قدرت مطلق خداوند ، مقتضی نشأت یافتن هر خیری از جانب اوست .

بیدک الخیر اَنَّک علی کلّ شیء قَدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 19 - 15

15 - خداوند در بعضی از امور ناخوشایند انسان ، خیر بسیار قرار داده است .

فَعَسَىٰ اَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَّيَجْعَلَ اللّٰهُ فِيْهِ خَيْرًا كَثِيْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 78 - 6،8،10

6 - خیر ها را از جانب خدا دانستن و شر ها را از ناحیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) پنداشتن ، اندیشه برخی از مسلمانان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و ان تصبهم حسنه یقولوا هذه من عندالله و ان تصبهم سیئه یقولوا هذه من عندک

ظاهراً مراد از ضمیر در «تصبهم» مسلمانان ضعیف الایمان هستند. آنها می پنداشتند مشکلاتی که پس از مسلمان شدنشان به آنها روی آورده، از ناحیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده است.

8 - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه امور (خوبی ها و بدی ها)

قل کلّ من عندالله

10 - نسبت دادن خوبی ها به خدا و بدی ها به پیامبر (صلی الله علیه و آله) (ثنویت) ، نشانه دوری کامل از درک دقیق معارف الهی



فمال هؤلاء القوم لا يكادون يفقهون حديثا

مراد از «حدیثا» به مناسبت مورد، معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 79 - 1،7

1 - هر نیکی به انسان رسد، از خدا است و هر بدی به او رسد، از خود او.

ما اصابك من حسنه فمن الله و ما اصابك من سيئه فمن نفسك

اگر چه مخاطب این آیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، ولی مقصود از آن همه افراد هستند. چون بین پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دیگران از نظر احکام واقعی و حقیقی هیچ تفاوتی نیست.

7 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسولی در جهت خیر و سعادت مردم، نه منشأ شرور

و ان تصبهم سيئه يقولوا هذه من عندك . . . و ارسلناك للناس رسولا

جمله «و ارسلناك للناس» (تو پیامبری سودمند بری مردم هستی)، در رد پندار کسانی است که وی را منشأ شرور معرفی می

ص: 469

کردند: «يقولوا هذه من عندك».

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

5 - انعام - 6 - 17 - 12، 8، 6، 5، 4، 3، 2

2 - هیچ موجودی توان جلوگیری از خیری را که خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) برساند، ندارد.

و إن یمسک الله بخیر

3 - هیچ موجودی توان دفع آسیب و یا خیری را که از ناحیه خدا باشد، ندارد.

و إن یمسک الله بضر فلا کاشف له إلا هو و إن یمسک بخیر

4 - خداوند، قادر بر رساندن هر گونه خیر و ضرر به آدمی

و إن یمسک الله بضر . . . و إن یمسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر

5 - تنها خدای قادر بر رساندن هر گونه ضرر و یا منفعت به آدمی، شایسته پرستش و ولایت می باشد.

أغیر الله أتخذ ولیا . . . و إن یمسک الله بضر . . . فهو علی کل شیء قدیر

6 - اقتدار بر رساندن هر گونه خیر و شر، از شؤون ولایت الهی است.

أغیر الله أتخذ ولیا . . . و إن یمسک الله بضر . . . فهو علی کل شیء قدیر

8 - تعدد منشأ برای خیر و شر، پنداری باطل و موهوم است.

و إن یمسک الله بضر فلا کاشف له إلا هو و إن یمسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر

12 - برای رفع کاستیها و جلب خیر، تنها باید به خدا متکی و امیدوار بود.

و إن یمسک الله بضر فلا کاشف له إلا هو و إن یمسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

5 - انعام - 6 - 18 - 5، 2

2 - قدرت بدون رقیب خداوند در رساندن خیر و شر به آدمی، نشانه اقتدار و غلبه او بر تمامی بندگان

و إن یمسک الله بضر . . . و هو القاهر فوق عباده

5- نفع و ضرر رساندن خداوند به آدمیان بر اساس حکمت و آگاهی

وإن یمسک اللّٰه بضر فلا کاشف له إلا هو . . . هو الحکیم الخبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 13، 14

13 - خداوند ، سرچشمه افاضه خیر ها و برکت ها به تمام جهانیان

تبارک اللّٰه رب العلمین

14 - افاضه خیر ها و برکت ها بر جهانیان ، برخاسته از ربوبیت خداوند است .

تبارک اللّٰه رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 31 - 13

ص: 470

13- خداوند، اعطاکننده خیر و نیکی به انسان‌ها و رساننده آنان به مقام‌های معنوی است.

لا أقول... لن يؤتیهم الله خیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 76 - 6

6- همه خیرات و ارزش‌های موجودات عالم، از آن خداوند است.

اینما یوجّهه لایات بخیر

بی تردید همه موجودات از نوعی خیر و ارزش‌رسانی برخوردارند. بنابراین نفی خیررسانی از موجودات، دلیل بر این است که منشأ همه خیرات خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 83 - 9

9- خداوند، تنها خیر و نعمت به انسان‌ها عطا می‌کند.

إذا أنعمنا علی الإنسن... و إذا مسّه الشرّ

از اینکه در آیه خداوند منشأ نعمتها معرفی شده اما شرور به او نسبت داده نشده است نکته فوق استفاده می‌شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 31 - 4

4- اعطای خیر و برکت به موجودات، در اختیار خداوند و به خواست او است.

و جعلنی مبارکاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 73 - 10

10 - خداوند خیر محض و پاینده‌ترین موجود است.

والله خیر و أبقی

«خیر» در دو معنا به کار می رود: 1- معنای وصفی (خیر مقابل شر) 2- معنای تفضیلی در این آیه گر چه هر دو معنا قابل توجیه است، ولی در برداشت یاد شده معنای وصفی مورد نظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 50 - 1,6

1- قرآن ، منشأ برکات و خیرات فراوان و منافع بسیار و دائمی برای بشر

و هذا ذکر مبارک أنزلنه

مشارالیه «هذا» قرآن است که در اذهان حضور دارد و «البرکه» به معنای خیر بسیار و ثابت و سود فراوان است. توصیف قرآن به «مبارک» گویای این معنا است که قرآن منشأ خیرات و منافع بسیار برای بشر است.

6- قرآن ، به عنوان کتاب بیدارگر و منشأ خیر و برکت ، قابل انکار و تردید نیست .

ص: 471

هذا ذكر مبارك أنزلنه أفأنتم له منكرون

خداوند، قرآن را به عنوان کتاب بیدارگر (ذکر) و مایه خیر و برکت (مبارک) معرفی کرده و سپس انکار این حقیقت از سوی مشرکان را مورد سرزنش قرار داده است. این سرزنش می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 80 - 12

12- پیامبران ، واسطه خیر رساندن به مردم از ناحیه خدا

داود . . . و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 1 - 25 - 1

1 - خداوند ، منشأ خیرات و برکات است .

تبارک الذی

«تبارک» (مصدر «تبارک») هم می تواند از «برک» (لزم و ثبت) باشد وهم از «برکه» (خیر بسیار) (برگرفته از لسان العرب). برداشت یاد شده براساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 2 - 25 - 2

2 - فرمان روایی خداوند بر جهان هستی ، نشانگر منشأ خیرات بودن او برای جهانیان است .

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده . . الذی له ملک السموت و الأرض

برداشت یاد شده بر این مبنا استوار است که جمله «الذی له. .» بدل برای جمله «الذی نزل...» باشد. بر این اساس، ارتباط میان مبارک بودن خداوند و پادشاهی او، حقیقت یاد شده را، می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 10 - 25 - 1

1 - خداوند ، منشأ خیرات و برکات است .

تبارک الذی

«تبارک» (مصدر «تبارک») می تواند از «بَرک» (لزوم و ثبت) باشد. و یا از «برکه» (خیر بسیار) باشد (برگرفته از لسان العرب). برداشت فوق، براساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 61 - 1

1 - خداوند ، منشأ خیرات و برکات

تبارک الذی

«تبارک» (مصدر «تبارک») می تواند از «بَرک» (لَزْمٌ وَ تَبَّت) و یا از «برکه» (خیر بسیار) باشد. برداشت فوق، بر پایه احتمال

ص: 472

دوم است (برگرفته از لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 8 - 5

5 - خدای تعالی ، منبع خیرات و برکات

أن بورک من فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 15 - 5

5 - خدا ، سرچشمه همه خوبی ها و زیبایی ها است .

وقالا الحمد لله

ستایش، همواره در برابر کمال ها و زیبایی ها واقع می شود و به مقتضای «الحمد لله» که هر ستایشی را مخصوص خدا قرار داده، استفاده می شود که هر خوبی و حسن از آن او و او سرچشمه همه آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 15، 14

14 - خداوند ، منشأ خیرات و برکات برای جهانیان

فتبارک الله رب العلمین

«تبارک» (مصدر «تبارک») چنانچه از برکت گرفته شده باشد، به معنای افاضه برکت ها و خیرها و اگر از بَرک (لَزَمَ و ثَبَّتَ) گرفته شده باشد، به معنای جاودانگی و همیشگی خواهد بود (برگرفته از لسان العرب).

15 - افاضه خیر ها و برکت ها بر جهانیان ، برخاسته از ربوبیت خداوند است .

فتبارک الله رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 5 - 6



6- رعایت حرمت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دارای خیر و منفعت برای خود مؤمنان

ولو أنهم صبروا... لكان خيراً لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 78 - 3,5

3 - خداوند، سرچشمه همه خیرها و برکتها

تبرک اسم ربّک

«تبارک»، چنانچه از «بَرکَ» (لزم و ثبت) گرفته شده باشد در بردارنده معنای جاودانگی است و اگر از «برکه» گرفته شده باشد، متضمن افاضه خیرها و برکتها است.

5 - افاضه خیرها و برکتها، برخاسته از ربوبیت خداوند

ص: 473

تبرک اسم ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 1 - 2,4,7

2 - خداوند ، منشأ خیرات و برکات است .

تبرک

4 - افاضه خیر ها و برکت ها از سوی خداوند ، برخاسته از فرمانروایی انحصاری او بر جهان است .

تبرک الذی بیده الملک

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله «الذی بیده الملک» می تواند در مقام توضیح و تبیین «تبارک» باشد.

7 - افاضه خیر ها و برکت ها از سوی خداوند ، برخاسته از قدرت مطلق و بی پایان او است .

تبرک الذی . . . هو علی کلّ شیء قدير

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله «و هو علی کلّ شیء قدير» می تواند در مقام توضیح و تبیین «تبارک» قرار داشته باشد.

### 118- منشأ خیر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 4 - 4

4 - خیر دنیا و آخرت ، به دست خداوند است .

ربّک . . . وللاُخره خیر لک من الأولى

### 119- منشأ خیر بودن محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کوثر - 108 - 1 - 1

1 - خداوند ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از خوبی های فراوان برخوردار ساخت .

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ

بر حروف اصلی «کوثر» (کاف، ثاء و راء)، حرف «واو» اضافه شد تا بر افزون بودن وصف کثرت دلالت کند؛ این کلمه نام نهری در بهشت نیز می باشد (مقایس اللغه). به مردی که سرور و دارای خیر فراوان باشد «کوثر» گفته می شود (صحاح) و در معنای آن، عدد فراوان نیز گفته شده است. (مصباح)

ص: 474

## 120- منشأ خیر دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 4 - 4

4 - خیر دنیا و آخرت ، به دست خداوند است .

رَبِّكَ ... و لِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى

## 121- موارد خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 180 - 3

3 - ثروت و دارایی خیر است .

إِنْ تَرَكَ خَيْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 184 - 15، 17، 21

15 - تکالیف دینی اگر از سر میل و رغبت انجام گیرد ، در پی دارنده ثمراتی نیکوست .

فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ

«تطوع» از طاعت (پیروی کردن) گرفته شده است و چون متعدی استعمال شده، متضمن معنای «أَتَى» (انجام داد) نیز می باشد. بنابراین «فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا...»؛ یعنی، هر کس کار نیککی را از روی طاعت به جا آورد.

17 - پرداخت فدیة به جای روزه - در صورت مشقت بار بودن روزه - از اعمال خیر است .

وَعَلَى الَّذِينَ يَطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ... فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا

19 - روزه از اعمال خیر و در بردارنده منافی برای روزه داران است .

وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ

21 - تنها افراد دانا ، به نیکویی و منفعت بخشی روزه آگاهند .

و أن تصوموا خیر لکم إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 215 - 14، 4

4 - دارایی های انسان ، خیر است .

قل ما انفقتم من خیر

«من خیر»، بیان «ما» در «ما انفقتم» است.

14 - انفاق ، عملی پسندیده و خیر است .

ما انفقتم من خیر . . . و ما تفعلوا من خیر

ص: 475

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 220 - 6.9

6 - اصلاح امور ایتام ، خیر است .

اصلاح لهم خیر

9 - معاشرت و اصلاح امور ایتام ، بهتر از پرهیز از معاشرت با آنان است .

و یستلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر و ان تخالطوهم فاخلونکم

بنابراینکه «خیر»، افعال التفضیل باشد. گویا مسلمانان به خاطر آیات شدیداللحنی که درباره چگونگی رفتار با ایتام و اموال آنان نازل شده بود از معاشرت با آنان پرهیز داشتند که آیه مزبور، پرهیز را رد کرده و معاشرت برادرانه و دخالت اصلاح طلبانه در امور آنان را تجویز کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 127 - 23

23 - رعایت حقوق زنان ، یتیمان ، مستضعفان و اقامه قسط ، از مصادیق بارز خیرات و نیکیها

و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

«من خیر» می تواند اشاره به تکالیفی باشد که در آیه آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 19 - 4

4 - خیر و صلاح انسان ها در پرهیز از ستیزه جویی با خدا و رسول او

وإن تنتهوا فهو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 3 - 9

9 - اسلام ، مایه خیر و سعادت انسانهاست .

فإن تبتم فهو خير لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 89 - 4

4 - خیر و رستگاری واقعی ، دستیابی به بهشت و زندگی جاودان بهشتی است .

أولئك لهم الخیر و أولئك هم المفلحون. أعد الله لهم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 37

37 - شب زنده داری ، تلاوت قرآن ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و انفاق ، از مظاهر نیکوکاری و مصداق های بارز کار های خیر

تقوم أدنی من ثلثی الیل .. فاقراءوا ما تیسر من القرءان ... و ما تقدّموا لأنفسک

ص: 476

## 122- موانع خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 6

6 - شراب و قمار ، موجب گندی و بازماندن انسان از ثواب و خیر

قل فیهما اثم کبیر

«الاثم»: اسم للافعال المُبطئه عن الثواب (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 33 - 4

4 - رفتار و کردار بازدارنده از خیر و ثواب، از محرمات الهی است.

إنما حرم ربی . . . الإثم

کلمه «الإثم» به معنای افعالی است که مایه تأخیر در رسیدن به ثواب می شود. (مفردات راغب).

## 123- موجبات خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 1 - 25 - 5

5 - قرآن ، مایه خیر و برکت بسیار برای انسان های مؤمن

تبارک الذی نزل الفرقان

برداشت فوق به خاطر این نکته است که قرآن، برای انسان ها نازل شده است. پس برکات و خیرات این کتاب مبارک هم به انسان ها باز خواهد گشت.

## 124- موفقیت در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 88 - 26



26- موفقیت آدمی در انجام کار های نیک ، در گرو امداد و یاری خداوند است .

و ما توفیقی إلا بالله

ص: 477

## 125- نزول خیر بر مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 105 - 2،8

2 - کفرپیشگان (یهود، نصارا و مشرکان) ناخشنود از نزول کمترین خیر، بر مسلمانان

ما یوّد الذین کفروا .. آن یئزل علیکم من خیر

نکره آوردن «خیر» به همراه «من» زایده در آیه، حکایت از آن دارد که: مشرکان کمترین خیری را برای مسلمانان نمی پسندیدند.

8 - ناخشنودی کفرپیشگان از نایل شدن مؤمنان به خیر و برکت، بازدارنده رحمت الهی بر اهل ایمان نخواهد شد .

ما یوّد الذین کفروا .. آن یئزل علیکم من خیر و الله یختص برحمته من یشاء

## 126- نشانه های خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 61 - 9

9 - آفرینش ستارگان، خورشید و ماه تابان، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا .. و قمرًا منیرًا

## 127- نیت در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 84 - 8

8 - خوبی هرکار، علاوه بر صدور آن به نیت خیر، در گرو هماهنگی آن با سایر خواسته ها و دستورات خداوند است .

و ما أعجلک .. و عجلت إلیک ربّ لترضی

با وجود آن که موسی(ع) در تعجیل خود، نیت خیر داشته است؛ ولی بازخواست شدن او دال براین مطلب است که صرف داشتن نیت خیر، برای برتری یافتن عمل کافی نیست؛ بلکه باید با ادله دیگر آن عمل را سنجید. اگر در تعارض نبود، آن گاه بدان اقدام کرد.

## 128- نیت عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 105 - 8

8 - نیت عمل خیر و فراهم ساختن زمینه های انجام آن ، برابر است با انجام کامل آن در بینش الهی

ص: 478

قد صدقت الرءيا إنا كذلك نجزي المحسنين

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) به قصد قربانی کردن فرزندش اسماعیل، تمامی مقدمات آن را تا خواباندن وی بر زمین و به دست گرفتن کارد انجام داد و خداوند همین مقدار از تلاش آن حضرت را، انجام کامل ذبح تلقی فرمود و از ایشان قبول کرد.

### 129- واسطه خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 80 - 12

12- پیامبران ، واسطه خیر رساندن به مردم از ناحیه خدا

داود . . . و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

### 130- وعده پاداش عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 8 - 6

6 - ترغیب به کار خیر و وعده پاداش به آن ، مقدم بر تهدید در امر تربیت

فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره . و من يعمل مثقال ذره شرا یره

### 131- هماهنگی ممانعت از خیر با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 25 - 2

2- کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کل کفار عنید . مناع للخیر معتد مرید

### 132- هماهنگی ممانعت از خیر با شبهه افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 25 - 2

2- کفر، حق ستیزی، سد کردن راه خیر و خوبی، تجاوز و شک آفرینی، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کل کفار عنید . مناع للخیر معتد مریب

ص: 479

### 133- هماهنگی ممانعت از خیر با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 25 - 2

2- کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کل کفار عنید . متاع للخیر معتد مریب

### 134- خیر و شر

{ خیر و شر }

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 216 - 15، 12، 6، 5، 4، 3، 2

2 - جنگ و خونریزی ، امری ناخوشایند برای انسان

کتب علیکم القتال و هو کره لکم

3 - وجود اموری ناخوشایند که نهایتاً برای انسان خیر است .

عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

4 - وجود اموری خوشایند ، که نهایتاً برای انسان شر است .

و عسی ان تحبوا شیئاً و هو شر لکم

5 - جنگ و جهاد ، امری خیر برای مؤمنان ، علی رغم ظاهر ناخوشایند آن

کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

6 - خوشایندی و ناخوشایندی انسان ، ملاک خیر و شر نیست .

و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

12 - آگاهی خداوند به مصالح و مفاسد احکام و خیر و شر امور

والله یعلم و انتم لا تعلمون

15 - محدودیت آگاهی انسان، نسبت به کلیه مصالح و مفاسد احکام و خیر و شر امور

وانتم لا تعلمون

خیرخواهان

### **135- خیرخواهان برای خدا**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 480

7 - توبه - 9 - 91 - 11

11 - خیرخواهان برای خدا و رسول ، از محسنانند .

إذا نصحوا لله ورسوله ما على المحسنين من سبيل

### 136- خیرخواهان قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 77 - 11

11 - قوم خیرخواه قارون ، خواهان بسنده کردن وی به سهم خویش و صرف کردن مازاد آن در راه خدا

ولاتنس نصيبك من الدنيا

### 137- خیرخواهان محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 11

11 - خیرخواهان برای خدا و رسول ، از محسنانند .

إذا نصحوا لله ورسوله ما على المحسنين من سبيل

### 138- خیرخواهان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 20 - 7

7 - مرد ناشناس ، از جمله خیرخواهان موسی (ع) بود .

إتي لك من النصحين

### 139- قبول مواعظ خیرخواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 79 - 9



9- ضرورت محبت به خیرخواهان جامعه و پذیرش پندها و نصایح آنان

ولکن لاتحبون النصحين

ص: 481

## 140- قوم ثمود و خیر خواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 79 - 7

7 - اشرف کفر پیشه قوم ثمود ، بیزار از خیر خواهان و نصیحت گران

نصحت لکم و لکن لاتحبون النصحین

## 141- محبت به خیر خواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 79 - 9

9 - ضرورت محبت به خیر خواهان جامعه و پذیرش پند ها و نصایح آنان

و لکن لاتحبون النصحین

## 142- خیر خواهی

{ خیر خواهی }

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 236 - 17

17 - تحریک احساسات خیر خواهانه ، از روش های قرآن ، جهت ایجاد انگیزه برای انجام وظایف

متّعوهنّ ... حقّاً علی المحسنین

معمولاً- جمله هایی نظیر «نیکوکاران چنین و چنان می کنند» که حکم، مستند به نیکوکاران و امثال آنان شده، برای تحریک حسّ خیر خواهی و نیکوکاری است که خداوند، از این روش استفاده کرده است.

## 143- آثار اعراض از خیر خواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 79 - 8

8 - جوامع بی اعتنا به پیام های الهی و بیزار از خیرخواهی نصیحت گران ، در خطر هلاکت و نابودی

فأخذتهم الرجفه . . . نصحت لكم و لكن لاتحبون النصحين

ص: 482

## 144- آثار خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 14، 13، 12

12 - اشخاص معذور و معاف شده از جهاد، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن، از محسنان به حساب می آیند.

لیس علی الضعفاء... إذا نصحو الله ورسوله ما علی المحسنين من سبيل

13 - اشخاص معذور از جهاد، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی، مصون از عذاب و کیفر تخلف از جنگ

الذین کفروا منهم عذاب أليم... ما علی المحسنين من سبيل

14 - معاف شدگان از جهاد، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن، باید از هر گونه تعرض در جامعه مصون باشند.

لیس علی الضعفاء... إذا نصحو الله ورسوله ما علی المحسنين من سبيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 10 - 14

14 - حاکمیت رحمت الهی بر جامعه، منوط به خیرخواهی آحاد مردم نسبت به یکدیگر \*

إنما المؤمنون إخوة فأصلحوا بين أخويكم واتقوا الله لعلكم ترحمون

خطاب «لعلکم ترحمون» عام است و به حاکمیت رحمت الهی بر عموم جامعه نظر دارد و صدر آیه، حرکت اصلاح آفرین افراد جامعه را شرط این رحمت فراگیر قلمداد کرده است.

## 145- آثار خیرخواهی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 38 - 16

16 - اقدامات خردمندانه و حرکت های خیرخواهانه اجتماعی اهل ایمان، مکمل عبادت های فردی آنان است.

و أقاموا الصلوة و أمرهم شوری بینهم و مما رزقنهم ینفقون

## 146- ارزش خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 62 - 9

9 - خیرخواهی برای مردم ، از ارزش های متعالی در ادیان الهی

و أنصح لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 68 - 11

ص: 483

11 - خیرخواهی و امین بودن ، از ارزش های متعالی در ادیان الهی

و أنا لکم ناصح أمین

### 147- اشتهار به خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 68 - 8

8 - هود در میان قومش به درستکاری و خیرخواهی شهرت داشت .

أبلغکم . . . و أنا لکم ناصح أمین

آوردن «ناصح» و «امین» به صورت وصف، در مقابل بیان تبلیغ رسالت به صورت فعل «أبلغکم»، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که خیرخواهی و درستکاری هود(ع) مخصوص زمان رسالت وی نبوده بلکه پیش از آن نیز بدان شهرت داشته است.

### 148- اشراف قوم ثمود و خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 34 - 1

1 - مبارزه اشراف جامعه پس از نوح با پیامبرشان ، در چهره خیر اندیشی و مصلحت طلبی برای مردم

و لئن أظعتم بشرًا . . . لخصرون

### 149- اشراف قوم عاد و خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 34 - 1

1 - مبارزه اشراف جامعه پس از نوح با پیامبرشان ، در چهره خیر اندیشی و مصلحت طلبی برای مردم

و لئن أظعتم بشرًا . . . لخصرون

### 150- اصالت خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- خیرطلبی در انسان ، اصیل و در پی شرّ بودنش ، تبعی و غیر اصیل است .

و یدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

ص: 484

برداشت فوق از تشبیه شرخواهی انسان به طالب خیر بودنش استفاده گردیده است؛ یعنی، همان طور که انسان همواره و به طور طبیعی و اصیل طالب خیر است، به دنبال شر هم خواهد رفت.

### 151- اظهار خیرخواهی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 11 - 8

8- فرزندان یعقوب در حضور او، بر خیرخواهی خویش نسبت به یوسف (ع) تأکید کردند.

ما لک لاتأمتا علی یوسف و إنا له لنصحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 12 - 4

4- برادران یوسف با اظهار علاقه به رفع نیاز های طبیعی یوسف (ع) (حضور در مرتع و گردش و بازی) درصدد اثبات خیرخواهی خویش نسبت به او بودند.

و إنا له لنصحون. أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

«رتع» (مصدر یرتع) استفاده فراوان از خوراکیها و نوشیدنیهای باغستانها، مزارع و مراتع است.

### 152- اظهار خیرخواهی شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 178 - 5

5- تأکید شعیب (ع) بر خیرخواهی خود، مبنی بر تضمین منافع مردم «ایکه» در پرتو رسالت وی

إنی لکم رسول أمين

برداشت یاد شده با توجه به قید «لکم» (با لام انتفاع) استفاده می شود.

### 153- اظهار خیرخواهی صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 143 - 5



5- تصریح صالح (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع نمودیان در پرتو رسالت خویش

اِنِّی لَکُم رَسُوْلٌ اَمِیْن

برداشت یاد شده، با توجه به قید «لکم» (همراه با لام انتفاع) استفاده می شود.

ص: 485

### 154- اظهار خیرخواهی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 162 - 5

5- تصریح لوط (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت وی

اِنِّی لَکُم رَسُوْلٌ اٰمِیْنٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید «لکم» (برای شما) به دست می آید.

### 155- اظهار خیرخواهی نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 107 - 5

5- تلاش نوح (ع) برای نمایاندن خیرخواهی خود و تضمین منافع قومش در پرتو رسالت خویش

اِنِّی لَکُم رَسُوْلٌ اٰمِیْنٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید «لکم» به دست می آید.

### 156- اظهار خیرخواهی هود (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 125 - 5

5- تصریح هود (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع عادیان در پرتو رسالت خویش

اِنِّی لَکُم رَسُوْلٌ اٰمِیْنٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید «لکم» - با لام انتفاع - استفاده می شود.

### 157- اهمیت خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 10 - 14

14 - حاکمیت رحمت الهی بر جامعه ، منوط به خیر خواهی آحاد مردم نسبت به یکدیگر \*

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

خطاب «لعلکم ترحمون» عام است و به حاکمیت رحمت الهی بر عموم جامعه نظر دارد و صدر آیه، حرکت اصلاح آفرین افراد

ص: 486

جامعه را شرط این رحمت فراگیر قلمداد کرده است.

### 158- تظاهر به خیرخواهی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 28 - 5,3

3 - پیشوایان شرک با تظاهر به خیرخواهی ، عامل اصلی فریب خوردن و دور شدن از مسیر خیر و حق در دیدگاه مشرکان گمراه شده

قالوا إنکم کنتم تأتوننا عن الیمین

«یمین» می تواند مشتق از «یمن» (خیر و برکت) باشد. بر این اساس، معنای آیه چنین می شود: شما از سر خیرخواهی به سراغ ما می آمدید. اما متعدی شدن فعل «تأتوننا» به «عن» - که برای مجاوزت است - موجب می شود که این کلمه متضمن معنای «تصددنا» - که متناسب با معنای مجاوزت است - باشد. بر این اساس، پیام اصلی آیه چنین خواهد بود: شما بودید که در ظاهر از سر خیرخواهی به سراغ ما آمده و ما را از مسیر حق و خیر گمراه می کردید.

5 - استفاده از قدرت و تظاهر به خیرخواهی ، از روش های پیشوایان کفر و شرک برای فریب و گمراهی توده ها

قالوا إنکم کنتم تأتوننا عن الیمین

### 159- تظاهر به خیرخواهی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 120 - 7

7 - پوشش خیرخواهی ، روش شیطان برای وسوسه در دل آدمیان و فریب آنان

فوسوس إلیه الشیطن فقال هل أذلک

### 160- تظاهر به خیرخواهی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 26 - 13

13 - تظاهر به خیرخواهی و صلاح اندیشی ، برای دین و دنیای مردم از سوی فرعون

إنی أخاف أن یبدل دینکم أو أن یظهر فی الأرض الفساد



## 161- خیرخواهی ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 16 - 3

3 - ابراهیم (ع) برای قوم خود ، خیر خواه بود .

و ابرهیم إذ قال لقومه اعبدوا الله .. ذلکم خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 24 - 3

3 - قوم ابراهیم ، برای رویارویی با خیرخواهی او برای آنان ، به خشونت متوسل شدند .

و ابرهیم إذ قال لقومه .. ذلکم خیر لکم ... فما کان جواب قومه إلا أن قالوا اقتل

## 162- خیرخواهی ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 96 - 7

7- ادیان الهی خواستار بهبود وضع اقتصادی مردم و خواهان برخورداری آنان از انواع خیر ها و برکت های مادی

لفتحنا علیهم برکت من السماء و الأرض

## 163- خیرخواهی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 62 - 8

8 - پیامبران الهی ، خیر خواه امت های خویش

و أنصح لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 68 - 9

9- پیامبران ، خیرخواه امت های خویش و انسانهایی امین و درستکار

و لکنی رسول . . . و أنا لکم ناصح امین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 2

2- پیامبران الهی در اندیشه رساندن امت خویش به حیاتی زیننده و نیکو در دنیا و سعادت و نیکبختی در آخرت

ص: 488

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الاخره

### 164- خیرخواهی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 11 - 2, 1

1- انسان، شرّ و بدی را چونان خیر و خوبی، طالب و خواستار است.

و یدع الإنسن بالشرّ دعاء بالخیر

مراد از «دعا» مطلق درخواست است اعم از اینکه به لفظ دعا باشد و یا به غیر آن.

2- خیرطلبی در انسان، اصیل و در پی شرّ بودنش، تبعی و غیر اصیل است.

و یدع الإنسن بالشرّ دعاء بالخیر

برداشت فوق از تشبیه شرخواهی انسان به طالب خیر بودنش استفاده گردیده است؛ یعنی، همان طور که انسان همواره و به طور طبیعی و اصیل طالب خیر است، به دنبال شر هم خواهد رفت.

### 165- خیرخواهی برای خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 3

3- خیرخواهی برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان، تکلیفی بایسته برعهده سرپرست و مدیر خانواده

قوا... أهلیکم نازًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که مصداق اصلی تلاش برای حفاظت اعضای خانواده از دوزخی شدن آنان، تربیت دینی آنان و گزینش راه و روش خیرخواهانه در این راستا است.

### 166- خیرخواهی برای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 7

7- معاف شدگان از جنگ، باید در پشت جبهه حمایتگر رزمندگان و خیرخواه خدا و رسولش باشند.



ليس على الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله

ص: 489

## 167- خیرخواهی برای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 10, 13, 9

9- لزوم خیرخواهی مؤمنان برای دین و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبر الهی

إذا نصحوا لله ورسوله

10 - خیرخواهی برای دین و رهبر الهی ، تکلیفی همگانی و ساقط نشدنی

ليس على الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله

برداشت فوق بدان دلیل است که جهاد در موارد ضعف، بیماری و تهیدستی ساقط می شود ولی «نصح» (خیرخواهی) ساقط نمی شود.

13 - اشخاص معذور از جهاد ، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی ، مصون از عذاب و کیفر تخلف از جنگ

الذين كفروا منهم عذاب أليم .. ما على المحسنين من سبيل

## 168- خیرخواهی برای رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 10, 13, 9

9- لزوم خیرخواهی مؤمنان برای دین و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبر الهی

إذا نصحوا لله ورسوله

10 - خیرخواهی برای دین و رهبر الهی ، تکلیفی همگانی و ساقط نشدنی

ليس على الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله

برداشت فوق بدان دلیل است که جهاد در موارد ضعف، بیماری و تهیدستی ساقط می شود ولی «نصح» (خیرخواهی) ساقط نمی شود.

13 - اشخاص معذور از جهاد ، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی ، مصون از عذاب و کیفر تخلف از جنگ

الذين كفروا منهم عذاب أليم .. ما على المحسنين من سبيل

## 169- خیرخواهی برای محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 7,9

7 - معاف شدگان از جنگ ، باید در پشت جبهه حمایتگر رزمندگان و خیرخواه خدا و رسولش باشند .

ليس على الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله

9 - لزوم خیرخواهی مؤمنان برای دین و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبر الهی

إذا نصحوا لله ورسوله

ص: 490

## 170- خیرخواهی برای مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 79 - 6

6 - صالح ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لکم

## 171- خیرخواهی برای مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 81 - 7

7- خداوند ، حامی مؤمن و تقدیر کننده خیر و مصلحت برای او است .

فکان أبواه مؤمنین . . . فأردنا أن یبدلھما ربّھما خیرًا منه زکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 28 - 17

17 - مؤمنان نمی توانند در برابر جامعه خویش بی تفاوت باشند ؛ بلکه باید برای دوستان و همکیشان خود ، خیرخواه و نسبت به کافران و دشمنان اصلاح ناپذیر ، آرزوی نابودی کنند .

ربّ اغفر لی . . . وللمؤمنین و المؤمنت و لاتزد الظلمین إلاّ تبارًا

برداشت یاد شده، از دعای خیر نوح(ع) برای مؤمنان و نفرین علیه کافران و دشمنان دعوتش، استفاده می شود.

## 172- خیرخواهی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 74 - 21

21 - دعا برای صلاح و نیک شدن همسر و فرزندان و خیرخواهی برای ایشان ، از اوصاف بندگان خالص خدا و امری پسندیده و مورد تشویق خداوند

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذریّتنا قرّه أعین و اجعلنا للمتّقین إِم



### 173- خیرخواهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 77 - 13

13 - رواج اخلاق خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر ، در میان مردم عصر موسی

و ابتغ فیما ۛاتیک اللّٰه الدار الآخره و لاتنس نصیبک من الدنیا و أحسن

### 174- خیرخواهی پیروان موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 20 - 6

6 - موسی (ع) ، برخوردار از هواداران وفادار ، دلسوز و خیرخواه در کاخ فرعون

إِنِّی لک من النصّحین

تعبیر «من النصّحین» نشانگر آن است که هواداران موسی در کاخ فرعون بسیار بودند و مرد ناشناس تنها یکی از آنان بود.

### 175- خیرخواهی حبیب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 20 - 5

5 - حبیب نجار ، مردی خیرخواه و در امر دین کوشا بود .

و جاء من أفصا المدینه رجل یسعی

برداشت یاد شده از تعبیر «یسعی» استفاده شده است که صفت برای «رجل» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 27 - 5

5 - خیرخواهی مؤمن انطاکیه ، برای مردمش حتی پس از مرگ خود

قیل ادخل الجنّه قال یتلیت قومی یعلمون . بما غفر لی ربّی و جعلنی من المکرمین

برداشت یاد شده از آن جا است که مؤمن انطاکیه بعد از شهادت خود، به فکر مردمش بوده و آرزو می کرد که آنان آگاه شوند.

### 176- خیرخواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 58 - 13

ص: 492

13 - لطف و عنایت و خیرخواهی خداوند نسبت به بندگان

انّ الله نعمًا يعظكم به

با توجه به کلمه «موعظه» که در آن خیرخواهی و لطف و عنایت موعظه کننده نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 59 - 28

28 - خیراندیشی و فرجام نگری ، مبنای توصیه های خداوند

ذلک خیر و احسن تاویلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 81 - 7

7- خداوند ، حامی مؤمن و تقدیر کننده خیر و مصلحت برای او است .

فكان أبواه مؤمنين . . . فأردنا أن يبدلهما ربّهما خيراً منه زكوه

### 177- خیرخواهی دایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 12 - 9

9- خیرخواهی و توانمندی بر دایگی و پرستاری ، از معیار های بایسته برای گزینش دایه و سرپرست برای فرزندان شیرخوار

قالت هل أدلكم على أهل بيت يكفلونه لكم وهم له نصحون

### 178- خیرخواهی در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 62 - 9

9 - خیرخواهی برای مردم ، از ارزش های متعالی در ادیان الهی

وأنصح لكم



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 68 - 11

11 - خیرخواهی و امین بودن ، از ارزش های متعالی در ادیان الهی

و أنا لکم ناصح أمین

ص: 493

## 179- خیرخواهی ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 94 - 4

4- قوم درگیر با یاجوج و ماجوج ، به ذوالقرنین و به توان مندی و خیرخواهی وی اذعان کردند .

قالوا یذا القرنین إن یاجوج و ماجوج مفسدون فی الأرض

با این که «ذوالقرنین» بومی منطقه مورد بحث نبود، ولی با قرائن و شواهد و دیدن قدرت علمی و اجرایی او، مردم، به این نکته واقف شدند که او، کسی است که می تواند سدّی غیر قابل نفوذ در برابر حملات دشمنان برای آنان برپا کند و نیز به خیر خواهی او و این که او غرضی مادی و قصدی سلطگراانه ندارد، پی بردند، لذا پیشنهاد خود را با او مطرح کردند.

## 180- خیرخواهی شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 93 - 7,8

7- شعیب (ع) ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لکم

8 - خیرخواهی شعیب تنها در جهت منافع مردم بود ، نه آمیخته به منفعت های شخصی خویش

و نصحت لکم

«لام» در «لکم» اشاره به خلوص شعیب در خیرخواهیش دارد.

## 181- خیرخواهی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 21 - 1

1 - شیطان با سوگند دروغ و مؤکد خویشتن را از خیرخواهان آدم و حواقلمداد کرد.

وقاسمهما إني لکما لمن النصحین

به کارگیری فعل «قاسم» از باب مفاعله می تواند برای تأکید باشد. یعنی شیطان با سوگند مؤکد سخنش را به آنان القا کرد.

## 182- خیرخواهی صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 79 - 6

ص: 494

6- صالح ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 45 - 4

4- موضع صالح (ع) در میان جامعه خود ، موضعی برادرانه و خیرخواهانه

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صلحًا

واژه «أخاهم» چه دلالت بر خویشاوندی داشته باشد یا نداشته باشد، در هر صورت عطف و رحمت صالح پیامبر را نسبت به قومش می رساند.

### 183- خیرخواهی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 29 - 15

15- فرعون ، خود را فردی خیرخواه و پایبند به اندیشه ها و عقاید خویش و نیز به دور از دورویی معرفی کرد .

قال فرعون ما أریکم إلاّ ماأری

برداشت یاد شده از آن جااست که فرعون با گفتن «ما أریکم إلاّ ما أری» (من جز آنچه را که تشخیص می دهم به شما ارائه نمی دهم)، می خواست خویشتن را فردی صادق، خیرخواه و پایبند به اندیشه ها و نظرات خود، جلوه دهد.

### 184- خیرخواهی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 2

2- تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا أخرجوا آل لوط من قریتکم

### 185- خیرخواهی مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مبلغان دین باید خیرخواه مردم بوده و نصایح خویش را آمیخته به منافع شخصی نسازند .

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم

ص: 495

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 68 - 10

10 - مبلغان دین باید خیرخواه مردم باشند و خیرخواهی خویش را به منافع شخصی آمیخته نسازند .

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح أمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 93 - 9

9 - مبلغان دین باید خیرخواه مردم و نصایح خویش را به منافع شخصی آمیخته نسازند .

و نصحت لکم

### 186- خیرخواهی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 26 - 4

4 - اهتمام تقوایبشگان به سعادت اخروی خانواده خویش و خیرخواهی شدید نسبت به آنان

قالوا إنا كنا قبل فی أهلنا مشفقین

### 187- خیرخواهی محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 61 - 11، 8

8 - گوش فرادادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سخن همه مردم ، در جهت منافع آنان و به خطر و صلاح جامعه

و یقولون هو أذن قل أذن خیر لکم

برداشت فوق بدین احتمال است که اضافه «أذن» به «خیر»، از باب اضافه موصوف به صفت باشد ؛ یعنی ، پیامبر(صلی الله علیه و آله)

شنوای خوبی است برای شما و این صفت در جهت صلاح جامعه ایمانی است.

11 - ترتیب اثر دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، تنها به سخنانی بود که در جهت منافع مؤمنان باشد .

و يقولون هو أذن قل أذن خير لكم . . . و يؤمن للمؤمنين

برداشت فوق با توجه به «لام» در «للمؤمنين»، که برای افاده منفعت است، استفاده می شود.

ص: 496

## 188- خیرخواهی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 13

13 - خیرخواهیهای مشرکان مبنی بر زیانبار بودن حضور مؤمنان ضعیف در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) نباید موجب طرد و محرومیت آنان از محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله) گردد.

ما علیک من حسابهم من شیء و ما من حسابک علیهم من شیء فتطردهم

«حسابهم» می تواند اضافه مصدر به فاعل خود (هم) باشد؛ یعنی حسابگریهای مشرکان درباره مؤمنان و فقر و محرومیت آنها.

## 189- خیرخواهی معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 12، 13

12 - اشخاص معذور و معاف شده از جهاد، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن، از محسنان به حساب می آیند.

لیس علی الضعفاء... إذا نصحو لله ورسوله ما علی المحسنین من سبیل

13 - اشخاص معذور از جهاد، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی، مصون از عذاب و کیفر تخلف از جنگ

الذین کفروا منهم عذاب أليم... ما علی المحسنین من سبیل

## 190- خیرخواهی مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 11 - 3

3- منکران آخرت شرّ و بدی را بسان خیر و خوبی خواستارند.

وأن الذین لایؤمنون بالأخیره... ویدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که مقصود از «الإنسان» مطلق انسانها نباشد - چنانکه برخی از مفسران گفته اند -؛ بلکه الف و لام «الإنسان» برای عهد ذکری است و اشاره به منکران معاد می باشد که در آیه قبل (الذین لایؤمنون بالأخیره...) آمده است.

## 191- خیرخواهی منافقان



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 63 - 4

4 - دروغگویی منافقان ، در ادعای خیرخواهی و صلحجویی

ان اردنا الا احساناً و توفيقاً. اولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم

ص: 497

## 192- خیر خواهی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 14

14 - موسی (ع) خیر و سعادت مرتدان قومش را در توبه و کشتن یکدیگر دانست .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 41 - 1

1 - پرسش مؤمن آل فرعون از قوم خود ، درباره انگیزه مخالفت آنان با دعوت و خیر خواهی های او

و یقوم مالی ادعوکم إلی النجوه و تدعوننی إلی النار

گفتنی است که به قرینه خطاب در جمله حالیه «تدعوننی . . .»، عبارت «مالی» در اصل «مالکم» می باشد. این جمله در زبان عرب به جای «أخبرونی عنکم» (از حالتان به من خیر دهید) به کار می رود و مقصود از آن پرسش از انگیزه و دلیل وضعیت به وجود آمده از مخاطب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 18 - 5

5- تذکر موسی (ع) به فرعونیان ، نسبت به خیراندیشی خود در پیشنهاد رهایی بنی اسرائیل

أنا أدوا . . . إتی لکم رسول أمين

لام در «لکم» برای منفعت و «رسول أمين» تأکیدی بر رعایت امانت در نصیحت است؛ یعنی، بنی اسرائیل را رها کنید و بدانید که در این پیشنهاد، منفعت واقعی شما نهفته است و من در این سخن صداقت دارم.

## 193- خیر خواهی مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 20 - 7

7 - مرد ناشناس ، از جمله خیرخواهان موسی (ع) بود .

إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 44 - 3، 2، 1

1 - هشدار تهدیدآمیز مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن آنان به سرنوشتی شوم بر اثر غفلت و بی توجهی شان به

ص: 498

خیرخواهی های او

فستذکرون ما أقول لکم

2- فرعونیان ، سخن حکیمانه و خیرخواهانه مؤمن آل فرعون را ، به خوبی درک نکرده و در غفلت شدید به سر می بردند .

فستذکرون ما أقول لکم

3- هدایت ها و خیر خواهی های مؤمن آل فرعون ، در قومش تأثیر نگذاشت .

فستذکرون ما أقول لکم

### 194- خیرخواهی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 26 - 5

5- لزوم احساس مسؤولیت مؤمنان ، نسبت به سعادت و فرجام خویشاوندان خود

قالوا إنا كنا قبل فی أهلنا مشفقین

از این که احساس مسؤولیت نسبت به خانواده، عامل رهیابی به بهشت معرفی شده است؛ اهمیت و ضرورت آن استفاده می شود.

### 195- خیرخواهی نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 62 - 13، 7، 6، 5

5- نوح (ع) ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و أنصح لکم

6- خیرخواهی نوح (ع) تنها در جهت منافع مردمان ، نه آمیخته به منفعت های شخص خود بود .

و أنصح لکم

آوردن «لام» پس از مشتقات «نصیحت»، همانند «أنصح لکم»، حکایت از خلوص کامل نصیحت کننده نسبت به نصیحت شونده دارد. یعنی در نصیحتش (خیرخواهیش) هیچ شائبه منفعت شخصی ندارد و تنها خیر او را در نظر گرفته است.

7- ابلاغ پیام های خداوند به مردم ، جلوه ای از خیرخواهی نوح برای مردم خویش بود .

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم

13- آگاهی نوح (ع) به حقایق از جانب خدا ، از عوامل پایداری وی در تبلیغ رسالت های الهی و خیرخواهی خالصانه برای مردم

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم و أعلم من اللّٰه ما لاتعلمون

به نظر می رسد جمله «أعلم من اللّٰه ..» به منزله تعلیلی باشد برای «أبلغکم» و «أنصح لکم». یعنی آگاه بودن من بر حقایق پوشیده بر شما مرا در ابلاغ رسالت های الهی پایدار می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 499

8- نوح (ع) پیامبری خیرخواه و دلسوز مردم

لا ینفعکم نصحی إن أردت أن أنصح لکم

### 196- خیرخواهی هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 68 - 1,6,7,8

1 - هود (ع) در پاسخ قوم عاد، خویشان را مبلّغ پیام های خداوند، خیرخواه مردم و فردی امین و سزاوار اطمینان خواند.

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح أمین

6 - خیرخواهی هود، تنها در جهت منافع مردم بود، نه آمیخته به منفعت های شخصی خویش

و أنا لکم ناصح أمین

«لام» در «لکم» اشاره به خلوص هود در خیرخواهی دارد.

7 - ابلاغ پیام های خداوند به مردم، جلوه ای از درستکاری و خیرخواهی هود برای مردم خویش

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح أمین

8 - هود در میان قومش به درستکاری و خیرخواهی شهرت داشت.

أبلغکم . . . و أنا لکم ناصح أمین

آوردن «ناصح» و «امین» به صورت وصف، در مقابل بیان تبلیغ رسالت به صورت فعل «أبلغکم»، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که خیرخواهی و درستکاری هود(ع) مخصوص زمان رسالت وی نبوده بلکه پیش از آن نیز بدان شهرت داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 21 - 4

4- هود (ع)، برادری دلسوز و خیرخواه برای قوم عاد

و اذکر أخوا عاد

واژه «أخ» چه اشاره به روابط عاطفی خویشاوندی داشته باشد و چه اشاره به اخوت معنوی؛ به هر حال پیامدار دلسوزی و محبت عمیق است.

### 197- خیرخواهی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 88 - 18

18- عزیز مصر ( یوسف ) در دیده فرزندان یعقوب حاکمی خداشناس ، خیرخواه و اهل جود و کرم بود .

فأوف لنا الكيل و تصدق علينا إن الله يجزي المتصدقين

ص: 500

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 92 - 6

6- یوسف (ع) از خداوند خواستار آموزش خطاها و گناهان برادرانش شد .

یغفر الله لکم

جمله «یغفر . . .» می تواند دعایی باشد و می تواند خبری باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

### 198- دلایل خیرخواهی مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 20 - 8

8 - توصیه به خروج از شهر ، نمود خیرخواهی مرد ناشناس نسبت به موسی (ع)

فاخرج إتی لک من النصحین

### 199- زمینه خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 62 - 13

13 - آگاهی نوح (ع) به حقایقی از جانب خدا ، از عوامل پایداری وی در تبلیغ رسالت های الهی و خیرخواهی خالصانه برای مردم

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم و أعلم من اللّٰه ما لاتعلمون

به نظر می رسد جمله «أعلم من اللّٰه . . .» به منزله تعلیلی باشد برای «أبلغکم» و «أنصح لکم». یعنی آگاه بودن من بر حقایقی پوشیده بر شما مرا در ابلاغ رسالتهای الهی پایدار می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 38 - 11

11 - خیرخواهی ، تبلیغ دین و ارشاد مردم به راه درست زندگی ، از مقتضیات ایمان و دینداری

و قال الذی ءامن یقوم اتّبعون اهدکم سبیل الرشاد



توصیف مؤمن آل فرعون به مؤمن بودن و تکرار آن در سه نوبت (آیه های 28، 30 و 38) می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

## **200- موانع تأثیر خیرخواهی**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 501

9- سرمستی و غفلت ، مانع پذیرفتن نصیحت و خیراندیشی ناصحان

لعمرك إنهم لفي سكرتهم يعمهون

### 201- موانع خیر خواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 5 - 10

10 - استکبار و انحراف ، مانع از پذیرش نصیحت و خیر خواهی

و إذا قيل لهم... و رأيتهم يصدّون و هم مستكبرون

خیر طلبی

### 202- ادعای خیر طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 11 - 4

4- کافران ، مدعی ارزش گرایی و خیر طلبی

لو كان خيراً ما سبقونا إليه

### 203- خیر طلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 170 - 8

8 - انسان ، موجودی خیر طلب و کمال جو

يأيتها الناس... فامنوا خيراً لكم

جمله «خيراً لكم» خیر جویی و سعادت طلبی را برای انسان مفروض و طبیعی دانسته و تنها وی را به مصداق واقعی خیر و سعادت که ایمان به قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد، رهنمون ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 15 - 9

9- انسان ، موجودی نیکوگزین و در اندیشه به دست آوردن بهترین ها

قل أذلك خير أم جنة الخلد التي وعد المتقون

ص: 502

خداوند، مردم را به گزینش بهترین راه و روش زندگی، با مقایسه میان دو نوع طرز تفکر و روش زیستن، فراخوانده است. این فراخوانی، گویای این نکته است که گزینش بهترین و برترین، امری طبیعی و مشترک میان همه انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 62 - 2

2- انسان ، طالب خیر و دنبال بهترین ها برای خویش است .

أذلك خیر نزلاً أم شجرة الزقوم

از پرسش درباره خوب یا خوب تر بودن دو نوع زندگی، می توان استفاده کرد که انسان طبیعتاً طالب خیر و به دنبال بهترین ها است؛ ولی در تشخیص آن ممکن است دچار خطا شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 49 - 1

1 - انسان ، موجودی خستگی ناپذیر در طلب خیر و منافع خویش

لايسئم الإنسن من دعاء الخیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 16 - 12

12 - انسان ، موجودی خیر طلب و کمال جو

أنفقوا خیراً لأنفسکم

جمله «خیراً لأنفسکم»، خیرجویی و کمال طلبی را برای انسان مفروض و طبیعی دانسته و تنها وی را به مصداق های واقعی خیر و سعادت (انفاق و ..) رهنمون ساخته است.

## 204- فطرت خیر طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 11 - 9

9- گرایش به خیر و خوبی ، امری فطری برای انسان ها

لو كان خيراً ما سبقونا إليه

از این که حتی کافران خود را خیرجو دانسته اند، مطلب یاد شده استفاده می شود.

ص: 503

### 1- تعالیم دابه الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 82 - 2

2 - جنبنده شگفت و موعود الهی ، موجودی سخنگو ، دارای پیام و تذکردهنده روزگار طولانی بی ایمانی بشر

أخرجنا لهم دابّة من الأرض تكلمهم أنّ الناس كانوا بايتنا لايوقنون

عبارت «أنّ الناس..» می تواند به تقدیر «بأنّ الناس» و متعلق به «تکلمهم» باشد. هم چنین می تواند به تقدیر «لأنّ الناس...» و تعلیل برای «أخرجنا» باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است؛ یعنی، آن جنبنده به مردم خواهد گفت که... .

### 2- تکلم دابه الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 82 - 11، 2

2 - جنبنده شگفت و موعود الهی ، موجودی سخنگو ، دارای پیام و تذکردهنده روزگار طولانی بی ایمانی بشر

أخرجنا لهم دابّة من الأرض تكلمهم أنّ الناس كانوا بايتنا لايوقنون

عبارت «أنّ الناس..» می تواند به تقدیر «بأنّ الناس» و متعلق به «تکلمهم» باشد. هم چنین می تواند به تقدیر «لأنّ الناس...» و تعلیل برای «أخرجنا» باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است؛ یعنی، آن جنبنده به مردم خواهد گفت که... .

11 - « عن أبي عمر قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) إذا كان الوعد الذي قال الله : « أخرجناهم دابّة من الأرض تكلمهم » قال : ليس ذلك حديثاً ولا كلاماً ولكنّه سمه تسم من أمرها الله به . . . »

از ابی عمر روایت شده: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: زمانی که وعده الهی «أخرجناهم دابّة من الأرض تكلمهم» فرارسد، تکلم آن دابّه نه به صورت حدیث است و نه گفتار، بلکه علامتی است که هر که را خداوند امر فرموده به وسیله آن، علامت گذاری می کند».

### 3- حقیقت دابه الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 82 - 2

2 - جنبنده شگفت و موعود الهی ، موجودی سخنگو ، دارای پیام و تذکردهنده روزگار طولانی بی ایمانی بشر

أخرجنا لهم دابه من الأرض تكلمهم أنّ الناس كانوا بايتنا لايوقنون

عبارت «أنّ الناس...» می تواند به تقدیر «بأنّ الناس» و متعلق به «تکلمهم» باشد. هم چنین می تواند به تقدیر «لأنّ الناس...» و تعلیل برای «أخرجنا» باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است؛ یعنی، آن جنبنده به مردم خواهد گفت که... .

### 4- خروج دابه الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 158 - 12

12 - عن أبي جعفر وأبي عبد الله - عليهما السلام - في قوله: «يوم يأتي بعض آيات ربك لا ينفع نفسا إيمانها» قال: طلوع الشمس من المغرب و خروج الدابه و الدجال . . . .

از امام باقر و امام صادق - عليهما السلام - روایت شده است: مراد از «بعض آيات ربك» در آیه، طلوع خورشید از مغرب و خروج دابه و دجال است . . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 82 - 1

1 - تعلق اراده الهی بر خروج جنبنده ای شگفت از زمین در آینده

و إذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابه من الأرض

«دابه» به معنای جنبنده است و نکره آمدن آن، نشانگر عظمت و شگفتی آن می باشد. گفتنی است که به کارگیری واژه «إذا» در عبارت «إذا وقع القول...» بیانگر آن است که ظهور آن آیت الهی، امری قطعی و غیرقابل تخلف است و با توجه به این که این حادثه در گذشته رخ نداده است، معلوم می شود مربوط به تاریخ آینده بشر است.

### 5- شگفتی دابه الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - تعلق اراده الهی بر خروج جنبنده ای شگفت از زمین در آینده

وإذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابة من الأرض

ص: 505



«دآبه» به معنای جنبنده است و نکره آمدن آن، نشانگر عظمت و شگفتی آن می باشد. گفتنی است که به کارگیری واژه «إذا» در عبارت «إذا وقع القول...» بیانگر آن است که ظهور آن آیت الهی، امری قطعی و غیرقابل تخلف است و با توجه به این که این حادثه در گذشته رخ نداده است، معلوم می شود مربوط به تاریخ آینده بشر است.

ص: 506

## 23- دارالکفر

### 1- دارالکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 86 - 2

2 - مصر ، سرزمین کفر بود .

من القوم الکفرین

### 2- احکام دار الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 92 - 34

34 - امام ، عهده دار آزادسازی برده ای مؤمن به عنوان کفار قتل خطائی مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین کشته شود .

فان کان من قوم عدولکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) در مورد وظیفه امام نسبت به مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین کشته شده، فرمود: یعتق مکانه رقبه مؤمنه و ذلك قول الله عزّ و جل: «فان کان من قوم عدولکم . . .» .

---

من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 110، ح 1، ب 36 مسلسل 373؛ نورالثقلین، ج 1، ص 532، ح 485.

ص: 507

### 3- اقامت در دار الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 18، 19، 4، 8

4 - ناتوانی از انجام تکالیف الهی ، پاسخ ماندگاران در سیطره کفر و شرک به فرشتگان مأمور گرفتن جان

قالوا فیم کنتم قالوا کنا مستضعفین

8 - گروهی از مسلمانان در صدر اسلام ، از مکه هجرت نکردند و همچنان تحت ستم کافران باقی ماندند .

انّ الذّین توفّیهم الملئکه .. قالوا کنا مستضعفین فی الارض

ابن عباس گوید: گروهی از اهل مکه ایمان آوردند، ولی به علت ترس، از هجرت سر باز زدند و این آیه درباره آنان نازل شد. (روح المعانی، ذیل آیه).

18 - جهنّم ، جایگاه مستضعفانی که با داشتن توانایی هجرت در محیط کفر بمانند .

فاولئک مأویهم جهنّم

بنابر اینکه سرزنش به جهت ترک هجرت باشد که خود از واجبات است، نه خصوص عمل نکردن به احکام دین.

19 - جهنّم ، جایگاه گنهکارانی که به سبب ماندن در سلطه مشرکان و ترک عمدی هجرت ، قادر بر ادای تکالیف الهی نباشند .

الم تکن ارض اللّٰه واسعه فتهاجروا فیها فاولئک مأویهم جهنّم و ساءت مصیراً

بنابر اینکه توبیخ، به جهت عمل نکردن به تکالیف باشد، نه خصوص ترک هجرت.

### 4- زندگی در دار الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 8

8 - ناروایی زندگی در محیط ظلم

يقولون ربّنا اخرجنا من هذه القرية الظّالم اهلها

ظاهر جمله «الظّالم اهلها» می رساند که علت اصلی خواست مستضعفان برای خروج از قریه، ستمگر بودن اهل آن است؛ نه اینکه علت این باشد که آنان مورد ستم هستند؛ اگر چه از مجموع آیه به دست می آید که آنان نیز مورد ستم واقع می شدند.

## 5- کيفر اقامت در دار الكفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 99 - 3

3 - مستضعفان ناتوان از هجرت ، به جهت ماندن در بلاد كفر ، سزاوار كيفرنند . \*

فاولئك عسى الله ان يعفو عنهم

ص: 508

## 6- مؤمنان در دار الكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 37 - 4

4- وجود انسان های مؤمن هر چند اندک در میان جامعه کافر ، مانع نزول عذاب الهی بر آنان است .

فأخرجنا .. من المؤمنین ... و ترکنا فیها ءایه

## 7- نابودی دار الكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 10 - 6

6- نابودی دیار کافران و هلاکت ایشان ، نمودی از ذلت آنان و پوچی فرجامشان \*

فتعساً لهم و أضلّ أعمالهم .. دمر الله علیهم

بدان احتمال که «دمر الله علیهم» تفسیر و بیان نمودی از «تعساً لهم» باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

## 8- نجات از دار الكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 6

6- نجات کودکان از محیط کفر و شرک ، از وظایف مؤمنان

و الولدان .. الظالم اهلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 28 - 6

6- حضور مؤمنان در بین کافران و ظالمان ، بلایی سخت و رهایی از آن لطفی بزرگ و الهی

فقل الحمد لله الذی نجّنا من القوم الظلمین

## 9- ویژگیهای دار الكفر

9- پیدایش دو قشر مستضعف و مستکبر و حاکمیت نظام طبقاتی ، از ویژگی های جامعه کفر و شرک پیشه

تدعونى لأکفر بالله و أشرك به . . . فيقول الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم

## 10- هجرت از دار الكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 12

12 - وسعت و گنجایش زمین برای هجرت و گریز از سرزمین فساد و کفر

وقالوا الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 99 - 5

5 - ترک هجرت از سیطره کافران و مشرکان ، گناهی بس بزرگ

فاولئك عسى الله ان يعفو عنهم

چون کیفر ترک هجرت در صورت ناتوانی نیز به طور حتمی نفی نشده، معلوم می شود هجرت در صورت توان، از واجبات بسیار مؤکد است و ترک آن گناهی بزرگ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 86 - 5

5 - زندگی در جوار کافران ، امری نامطلوب و هجرت از بلاد کفر ، امری پسندیده است .

ونجنا برحمتك من القوم الكافرين

ص: 510

## 24- دامداری

### 1- تاریخ دامداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 23 - 5

5 - وجود دامداری و شغل چوپانی در عصر داوود (ع)

له تسع و تسعون نعجه

### 2- دامداری خانواده شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 23 - 16

16 - ارتزاق خانواده شعیب از راه دامداری

و وجد من دونهم امرأتین تذودان... قالتا لانسقی حتی یصدر الرعاء

### 3- دامداری در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 136 - 4

4 - کشاورزی و دامداری از منابع درآمد مردم در عصر جاهلیت بوده است.

مما ذراً من الحرث والأنعم

ص: 511



#### 4- دامداری در دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 23 - 5

5 - وجود دامداری و شغل چوپانی در عصر داوود (ع)

له تسع و تسعون نعجه

#### 5- دامداری در مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 23 - 5

5 - دامداری ، شغل اصلی مردم مدین در زمان ورود موسی (ع) به آن سرزمین

وجد علیه أمة من الناس يسقون

جمعیت انبوه چوپانان برای آب دادن به دام ها، نشان دهنده مطلب یاد شده است.

#### 6- دامداری قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 133 - 2، 1

1 - قوم عاد ، برخوردار از امکانات دامی ( شتر ، گاو و گوسفند ) و نیروی انسانی

أمدکم بأنعم وبنین

«أنعام» (جمع «نعم») در اصل بر شتران اطلاق می شود و گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود. برداشت یاد شده بر پایه اطلاق دوم است.

2 - رشد قابل توجه دامداری در قوم عاد

أمدکم بأنعم

نکره آمدن «أنعام» و نیز «بنین»، بیانگر فراوانی دام و کثرت توالد و تناسل در میان آن قوم است.

## 7- دامداری مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 33 - 4

4 - کشاورزی و دامداری ، از منابع درآمد مردم در عصر بعثت

ص: 512

ماءها و مرعيها . . . متعاً لكم و لأنعمكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - عيس - 80 - 32 - 4

4 - کشاورزی و دامداری ، از منابع درآمد مردم در عصر بعثت

متعاً لكم و لأنعمكم

### 8- فلسفه دامداری دختران شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - قصص - 28 - 23 - 17

17 - نبودن مردی توانا در خانواده شعیب ، علت پرداختن دختران او به کار دامداری

قالتا لانسقى . . . و أبونا شيخ كبير

ص: 513

1- اهمیت دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 20

20- دانش و تحلیل رخداد ها و خبر ها و تأویل رؤیاها ، دانشی گران قدر است .

و كذلك مكّنا ليوسف في الأرض ولنعلمه من تأويل الأحاديث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 11

11- دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، دانشی گران قدر و از نعمت های خداوند است .

و علمتني من تأويل الأحاديث

2- اهمیت دانش تعبیر رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 20

20- دانش و تحلیل رخداد ها و خبر ها و تأویل رؤیاها ، دانشی گران قدر است .

و كذلك مكّنا ليوسف في الأرض ولنعلمه من تأويل الأحاديث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 49 - 7

7- دانش تعبیر رؤیا ، دانشی راهگشا به حوادث آینده و کارآمد برای پیشگیری از ناگواریها

قال تزرعون .. عام فيه يغاث الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 11

11- دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، دانشی گران قدر و از نعمت های خداوند است .

و علمتني من تأويل الأحاديث

### 3- بشارت دانش تعبیر رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 6 - 7

7- دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها ، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف

و كذلك .. يعلمك من تأويل الأحاديث

«احادیث» جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی - چه در بیداری و چه در خواب - به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از «الأحادیث» هم می تواند رؤیاها باشد و هم اخبار حوادث و رویدادها. «تأویل رؤیا» ؛ یعنی، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. «تأویل اخبار» ؛ یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

### 4- تحصیل دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 78 - 7

7- علمی که موسی (ع) در پی آموختن آن از خضر (ع) بود ، علم تأویل و تحلیل حوادث و شناخت حقایق پشت پرده رخداد ها بود .

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت .. سأنتبک بتأویل ما لم تستطع علیه صبراً

### 5- دانش ارزشمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 20

20- دانش و تحلیل رخدادها و خبرها و تأویل رؤیایها، دانشی گران قدر است .

و كذلك مكنّا ليوسف في الأرض و لنعلّمه من تأويل الأحاديث

ص: 515

## 6- دانش اقتصاد یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 55 - 5

5- یوسف (ع) بر نحوه کشت و برداشت و ذخیره سازی آذوقه ها و چگونگی تقسیم و توزیع آنها، آگاهی کامل داشت .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض إنی ... علیم

## 7- دانش تحلیل حوادث یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 4

4- یعقوب (ع) برخوردار از نگرشی عمیق و بهره مند از فراستی خاص در تحلیل حوادث و به دور از زودباوری

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

## 8- دانش تحلیل حوادث یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 6 - 22، 7، 8

7- دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف

و كذلك ... یعلمک من تأویل الأحادیث

«احادیث» جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی - چه در بیداری و چه در خواب - به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از «الأحادیث» هم می تواند رؤیاها باشد و هم اخبار حوادث و رویدادها. «تأویل رؤیا»؛ یعنی، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. «تأویل اخبار»؛ یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

8- رؤیای یوسف، موجب آگاهی یعقوب (ع) به برگزیده شدن یوسف (ع) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل صحیح حوادث شد .

إنی رأیت أحد عشر .. كذلك یجتیبک ربک و یعلمک من تأویل الأحادیث

22- حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع) ، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد .

یجتییک ربک . . . إن ربک علیم حکیم

ص: 516



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 7 - 5

5- سرگذشت یوسف (ع) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است.

یجتییک ربک و یعلمک ... لقد کان فی یوسف و إخوته آیت للسانین

برداشت فوق، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه «آیات»، «اجتبا و گزینش یوسف(ع) و...» باشد که از جمله های «کذلک یجتییک ربک و...» به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 19، 16، 15

15- خداوند، آموزگار یوسف در تفسیر و تحلیل حوادث و تعبیر رؤیاها

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

16- آموزش تحلیل رخدادها و تأویل رؤیاها، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

کذلک مکّتا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

«لام» در «لنعلّمه» لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

19- دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیاها و تحلیل رخدادها، دانشی مطلق و نامحدود نبود.

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

برداشت فوق، با توجه به «من» - که برای تبعیض است - استفاده می شود. بنابراین «و لنعلّمه...»؛ یعنی: تا تحلیل بخشی از حوادث و تأویل برخی و یا نوعی از رؤیاها را به او یاد دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 17، 10، 8، 9

8- یوسف (ع) برخوردار از علم به تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث

علمتتی من تأویل الأحادیث

«احادیث» جمع حدیث است. صاحب مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: «هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی - چه در بیداری و چه در خواب - به انسان برسد به آن حدیث گفته می شود». بنابراین مراد از احادیث هم می تواند رؤیاها باشد و هم می تواند حوادث و رویدادها باشد.

9- دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث و رخدادها، دانشی مطلق و نامحدود نبود.

علمتني من تأويل الأحاديث

برداشت فوق با توجه به «من» که برای تبعیض است، استفاده می شود.

10- خداوند، آموزگار یوسف (ع) در تأویل و تحلیل رؤیاها و حوادث

رب قد .. علمتني من تأويل الأحاديث

17- برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکتب و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیاها و تحلیل حوادث، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود.

قد آتيتني من الملك و علمتني .. أنت وليّ في الدنيا و الآخرة

ص: 517

## 9- دانش تعبیر رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 37 - 11

11- آگاهی به غیب و دانستن تعبیر رؤیاها، دانشهایی والا و گران سنگ است .

ذلکما مما علمنی ربی

«ذلک» و «ذلکما» و نظایر آنها برای اشاره به دور است. استعمال آن برای مشارالیه نزدیک، گویای این نکته است که: مشارالیه در نزد متکلم، امری با عظمت و بلند مرتبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 44 - 5

5- تعبیر خواب های چند رشته و درهم و برهم، امری مشکل و درخور دانشی ویژه است .

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

## 10- دانش تعبیر رؤیا در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 9

9- خواب گزاری و تعبیر رؤیا، دانشی رایج در مصر باستان

أفتونی فی رءیی إن کنتم للرءیا تعبرون

## 11- دانش تعبیر رؤیای برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 5 - 8

8- یعقوب (ع) و فرزندانش به تعبیر خواب آگاهی داشتند .

لا تقصص رءیاک علی إخوتک فیکیدوا لک کیداً

## 12- دانش تعبیر رؤیای یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 518

8- یعقوب (ع) و فرزندانش به تعبیر خواب آگاهی داشتند .

لا تقصص رءیاک علی إخوتک فیکیدوا لک کیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- یعقوب (ع) بهره مند از دانش تعبیر و تأویل رؤیایها

ینی رأیت أحد عشر کوکباً .. کذلک یجتیبک

### 13- دانش تعبیر رؤیای یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها ، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف

و کذلک .. یعلمک من تأویل الأحادیث

«احادیث» جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی - چه در بیداری و چه در خواب - به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از «الأحادیث» هم می تواند رؤیایها باشد و هم اخبار حوادث و رویدادها. «تأویل رؤیا»؛ یعنی، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. «تأویل اخبار»؛ یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

8- رؤیای یوسف ، موجب آگاهی یعقوب (ع) به برگزیده شدن یوسف (ع) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل صحیح حوادث شد .

ینی رأیت أحد عشر .. کذلک یجتیبک ربک و یعلمک من تأویل الأحادیث

22- حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع) ، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد .

یجتیبک ربک .. إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- سرگذشت یوسف (ع) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است.

یجتییک ربک و یعلمک . . . لقد کان فی یوسف و إخوته آیت للسانلین

برداشت فوق، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه «آیات»، «اجتبا و گزینش یوسف(ع) و...» باشد که از جمله های «کذلک یجتییک ربک و...» به دست می آید.

ص: 519

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 15، 16، 19

15- خداوند ، آموزگار یوسف در تفسیر و تحلیل حوادث و تعبیر رؤیایها

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

16- آموزش تحلیل رخدادها و تأویل رؤیایها ، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

كذلك مكّنّا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

«لام» در «لنعلّمه» لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

19- دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیایها و تحلیل رخدادها ، دانشی مطلق و نامحدود نبود .

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

برداشت فوق، با توجه به «من» - که برای تبعیض است - استفاده می شود. بنابراین «ولنعلّمه...» ؛ یعنی: تا تحلیل بخشی از حوادث و تأویل برخی و یا نوعی از رؤیایها را به او یاد دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 36 - 7، 14

7- هم بندان یوسف (ع) ، از او خواستند رؤیایشان را تعبیر کرده و تأویل آن را بیان کند .

نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ

14- محسن بودن یوسف (ع) ، دلیل مراجعه هم بندانش به او برای تعبیر رؤیا

نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

جمله «إنا نراك» تعلیل برای «نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 37 - 1، 10، 23

1- یوسف (ع) ، تقاضای هم بندان خویش را پذیرفت و آنان را به تعبیر کردن رؤیایشان پیش از رسیدن غذای آنان مطمئن ساخت .

تَبَيَّنَا بِتَأْوِيلِهِ .. قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا تَبَيَّنَا بِتَأْوِيلِهِ

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر در «تأویله» رؤیای هر یک از هم بندگان یوسف باشد. بر این مبنا جمله «قال لا یأتیکما...» چنین معنا می شود: غذایی که به شما اعطا می شود، برایتان حاضر نمی گردد مگر آنکه تعبیر رؤیا را به شما گزارش کرده ام.

10- آگاهی یوسف (ع) به غیب و توان او بر تعبیر رؤیاها، تنها بخشی از دانش موهبتی خداوند به یوسف (ع) بود.

ذَلِكَمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي

«من» در «مما» می تواند برای تبعیض باشد و محتمل است بیانگر نوع و جنس باشد. برداشت فوق، بر اساس احتمال نخست است.

23- «عن أبي عبد الله (ع) قال: لما أمر الملك بحبس يوسف في السجن ألهمه الله علم تأويل الرؤيا...» ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که شاه فرمان زندانی شدن یوسف را صادر کرد، خدا علم تعبیر خواب را به او الهام کرد».

ص: 520



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 41 - 1,2,3,5

1- یوسف (ع)، پس از ارشاد هم بندان خویش به توحید و یکتاپرستی، به تعبیر رؤیا های آنان پرداخت.

یصحبی السجن أما أحدکما فیسقی ربه خمراً

2- یوسف (ع)، رؤیای « آب گرفتن از انگور برای تهیه شراب » را به رهایی صاحب رؤیا و ساقی ارباب خویش شدن تعبیر کرد.

أما أحدکما فیسقی ربه خمراً

«سَقَى» (مصدر یسقی) به معنای نوشانیدن و یا اعطای نوشیدنی است. بنابراین «أما أحدکما فیسقی...»؛ یعنی: یکی از شما به مالک و ارباب خود شراب خواهد نوشاند و ساقی او خواهد شد.

3- یوسف (ع)، رؤیای حمل نان و خوردن پرندگان از آن را، به دار کشیده شدن صاحب رؤیا و خوردن پرندگان از سر او تفسیر کرد.

و أما الآخر فیصلب فتأکل الطیر من رأسه

«صلب» (مصدر یصلب) یعنی، کشتن به طریق بستن به چوبه دار

5- یوسف (ع)، آزادی یکی از دو هم بند خویش و به دار کشیده شدن دیگری را، سرنوشتی حتمی و غیر قابل تغییر دانسته و آن را به ایشان گوشزد کرد.

قضى الأمر الذی فیہ تستفتیان

«افتاء» بیان کردن حکم است و «استفتاء» (مصدر تستفتیان) به معنای درخواست بیان حکم می باشد. مراد از «الأمر» تأویل رؤیا (حادثه ای که رؤیا جلوه گر آن است) می باشد. بنابراین «قضى الأمر...»؛ یعنی: آن حادثه ای که رؤیای شما بیانگر آن بود و شما درباره آن پرسش کردید، حتمی و غیر قابل تغییر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 3,4,5,6

3- ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده در ماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد.

وقال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

«ادّکر» (به یاد آورد) از ماده «ذکر» و در اصل «اذتکر» بوده که بر اساس قواعد صرفی، «ادّکر» شده است. «أمّه» در آیه شریفه، به معنای

مدت و زمان است.

4- ساقی دربار ، یوسف (ع) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد .

أنا أنبئكم بتأويله فأرسلون

5- ساقی پادشاه ، به توانمندی یوسف (ع) در تعبیر رؤیای شگفت پادشاه ، اطمینان داشت .

أنا أنبئكم بتأويله فأرسلون

ترکیب «أنا أنبئكم» دلالت بر تأکید مضمون جمله دارد و این ، حاکی از اطمینان ساقی دربار به آگاهی ویژه یوسف(ع) از تعبیر رؤیاهاست.

6- ساقی پادشاه مصر ، با بیان دانش یوسف (ع) ، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أنبئكم بتأويله فأرسلون

ص: 521

تفریع جمله «أرسلون» به وسیله حرف «فاء» بر جمله «أنا أنبئکم بتأویله» می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای یوسف(ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 48 - 1

1- وقوع هفت سال قحطی و سختی پس از هفت سال آبادانی ، تعبیر یوسف (ع) از هفت گاو لاغر در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

«شداد» (جمع شدید) از مصدر «شده» (سختی و دشواری) گرفته شده است و مراد از «سبع شداد» هفت سال قحطی و خشکسالی است و مشارالیه «ذلک» هفت سال آبادانی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 1

1- پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

وقال الملك ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 8,9,10,17

8- یوسف (ع) برخوردار از علم به تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث

علمتی من تأویل الأحادیث

«احادیث» جمع حدیث است. صاحب مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: «هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی - چه در بیداری و چه در خواب - به انسان برسد به آن حدیث گفته می شود». بنابراین مراد از احادیث هم می تواند رؤیاها باشد و هم می تواند حوادث و رویدادها باشد.

9- دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث و رخدادها ، دانشی مطلق و نامحدود نبود .

علمتی من تأویل الأحادیث

برداشت فوق با توجه به «من» که برای تبعیض است ، استفاده می شود.

10- خداوند، آموزگار یوسف (ع) در تأویل و تحلیل رؤیاها و حوادث

رب قد... علمتی من تأویل الأحادیث

17- برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکنّت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیاها و تحلیل حوادث، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود.

قد آتیتنی من الملک و علمتی... أنت ولیّ فی الدنیا و الآخره

#### **14- دانش جادو در اصحاب ایکه**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 522

13 - شعراء - 26 - 185 - 7

7 - اطلاع مردم « آیکه » از مسأله جادو و سحرزدگی

قالوا إنما أنت من المسحّرين

### 15- دانش جادو در قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 153 - 7

7 - اطلاع ثمودیان ، از مسأله افسون و سحرزدگی

قالوا إنما أنت من المسحّرين

### 16- دانش خواندن در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 48 - 2

2 - خواندن و نوشتن ، در صدر اسلام ، وجود داشته است .

و ما كنت تتلوا من قبله من كتب و لاتخطّه بیمینک

### 17- دانش کتابت در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 48 - 2

2 - خواندن و نوشتن ، در صدر اسلام ، وجود داشته است .

و ما كنت تتلوا من قبله من كتب و لاتخطّه بیمینک

### 18- دانش کشاورزی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 55 - 5,6

5- یوسف (ع) بر نحوه کشت و برداشت و ذخیره سازی آذوقه ها و چگونگی تقسیم و توزیع آنها، آگاهی کامل داشت .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض إنی . . . علیم

6- یوسف (ع) بر به کارگیری توان و دانش خویش در امر کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد .

ص: 523

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله «إنی حفیظ علیم» علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش را در اموری که به او سپرده شود، به کار می گیرد و بدان متعهد می شود.

### 19- روش تحصیل دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 78 - 8

8- روشِ آموختنِ علم تأویل حوادث و شناخت علل اصلی رخداد های هستی، روشی تجربی و عملی است.

سَأْتِبُك بَتَأْوِيل مَا لَمْ تَسْتَطِع عَلَيْهِ صَبْرًا

### 20- شرایط تحصیل دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 78 - 10

10- برخورداری از علم تأویل و تحلیل حوادث و مصاحبت با عالمانی مانند خضر (ع)، نیازمند صبری برتر از صبر موسی (ع) و طاقتی افزون تر از طاقت او است.

سَأْتِبُك بَتَأْوِيل مَا لَمْ تَسْتَطِع عَلَيْهِ صَبْرًا

### 21- عوامل رشد دانش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 91 - 22

22 - کتب آسمانی دارای نقشی برجسته در رشد دانش بشر و آموخته های اوست.

و علمتم ما لم تعلموا انتم و لاءاباؤکم

### 22- موجبات دانش تعبیر رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 37 - 14

14- پیروی نکردن یوسف (ع) از آیین مصریان و ایمانش به خدا و آخرت ، موجب دستیابی او به علم غیب و دانش تعبیر رؤیا شد .

ص: 524



ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت مله قوم لایؤمنون

جمله «إنی ترکت . . .» تعلیل برای «علمنی ربی» می باشد؛ یعنی، خداوند به خاطر اینکه من آیین کافران را وانهادم و پیروی نکردم، چنین علمی را به من آموخت.

### 23- موسی (ع) و دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 78 - 9

9- موسی (ع) بر روش آموختن علم تأویل حوادث، شکیبایی نداشت.

سأبتک بتأویل ما لم تستطع علیه صبراً

### 24- نعمت دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 17

17- علم تعبیر خواب و دانش تحلیل حوادث، از نعمت های خداوند است.

کذلک . . . ولنعلمه من تأویل الأحادیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 11

11- دانش تعبیر رؤیاها و تحلیل حوادث، دانشی گران قدر و از نعمت های خداوند است.

و علمتی من تأویل الأحادیث

### 25- نعمت دانش تعبیر رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 17

17- علم تعبیر خواب و دانش تحلیل حوادث، از نعمت های خداوند است.

كذلك... ولنعلّمه من تأويل الأحاديث

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

8 - يوسف - 12 - 101 - 11

ص: 525

11- دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، دانشی گران قدر و از نعمت های خداوند است .

و علمتی من تأویل الأحادیث

دانشمندان

## 26- دانشمندان و آیات آفاقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 97 - 5

5- آگاهان و دانشمندان از آیات و مظاهر تفصیل یافته خداوند در طبیعت بهره می برند.

قد فصلنا الأیت لقوم يعلمون

## 27- قرآن و دانشمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 97 - 4

4- هدف خداوند از بیان آیات طبیعت در قرآن استفاده دانشمندان است.

إن الله فالتق... فالتق الإصباح... النجوم لتهدوا... قد فصلنا الأیت لقوم يعلمون

ص: 526

1- شکنجه پیروان دانیال (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 4 - 4

4 - « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) . . . ملك بُخْتُ نَصْرَ مائَةَ سنة و سبعاً و ثمانين سنة . . . و ملك بعده مَهْرَقِيَه بن بخت نصر . . . و أخذ عند ذلك دانيال (ع) و حفر له جُباً في الأرض و طرح فيه دانيال (ع) و أصحابه و شيعته من المؤمنين فألقى عليهم النيران . . . و هم الذين ذكروهم الله في كتابه العزيز فقال جلوعزّ « قتل أصحاب الأخدود . . . » ؛

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: بُخْتُ نَصْرَ 187 سال پادشاهی کرد . . . و بعد از وی فرزندش مَهْرَقِيَه پادشاه شد . . . و در وقت حکومت خود، دانیال (ع) را دستگیر کرد و چاهی برای او در زمین حفر نمود و دانیال و اصحاب و پیروانش را در آن چاه افکند و آتش ها بر سرشان ریخت . . . و اینها همان کسانی اند که خداوند جلّ و عزّ در کتاب عزیزش از آنان یاد نموده و فرموده است: قتل أصحاب الأخدود...».

2- شکنجه دانیال (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 4 - 4

4 - « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) . . . ملك بُخْتُ نَصْرَ مائَةَ سنة و سبعاً و ثمانين سنة . . . و ملك بعده مَهْرَقِيَه بن بخت نصر . . . و أخذ عند ذلك دانيال (ع) و حفر له جُباً في الأرض و طرح فيه دانيال (ع) و أصحابه و شيعته من المؤمنين فألقى عليهم النيران . . . و هم الذين ذكروهم الله في كتابه العزيز فقال جلوعزّ « قتل أصحاب الأخدود . . . » ؛

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: بُخْتُ نَصْرَ 187 سال پادشاهی کرد . . . و بعد از وی فرزندش مَهْرَقِيَه پادشاه شد . . . و در وقت حکومت خود، دانیال (ع) را دستگیر کرد و چاهی برای او در زمین حفر نمود و دانیال و اصحاب و پیروانش را در آن چاه افکند و آتش ها بر سرشان ریخت . . . و اینها همان کسانی اند که خداوند جلّ و عزّ در کتاب عزیزش از آنان یاد نموده و فرموده است: قتل أصحاب الأخدود...».

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

